رهنمون

شامل سخنان جاودانِ
بزرگان، مشاهیر و نوابغ جهان

گردآورنده
غلامحسین ذوالفقاری

KASHMIR UNIVERSITY
Acc. No. 312761
Dated 30:3:94

نام کتاب : رهنمون
گردآورنده : غلامحسین ذوالفقاری
خط : حسین خسروی
تصحیح : شاهرودی
تیراژ : ۳۰۰۰ جلد
قطع : وزیری
چاپ : بهمن
نوبت چاپ : سوم پائیز ۱۳۷۰
تعداد صفحات : ۸۶۴ صفحه
ناشر : انتشارات سخن

بسم الله الرحمن الرحيم
جل جلاله

چون مطالعه مسکنی عزیزی

زحمات جمع آوری این کتاب را تقدیم میکنم

غلامحسین ذوالفقاری

با کار خویش گو و بر و زیر — آنکه جانی داشت بر جانش گزیر

آنکه غافل بود خود واقف نشد — وای آن جانی که او عارف نشد

مولوی

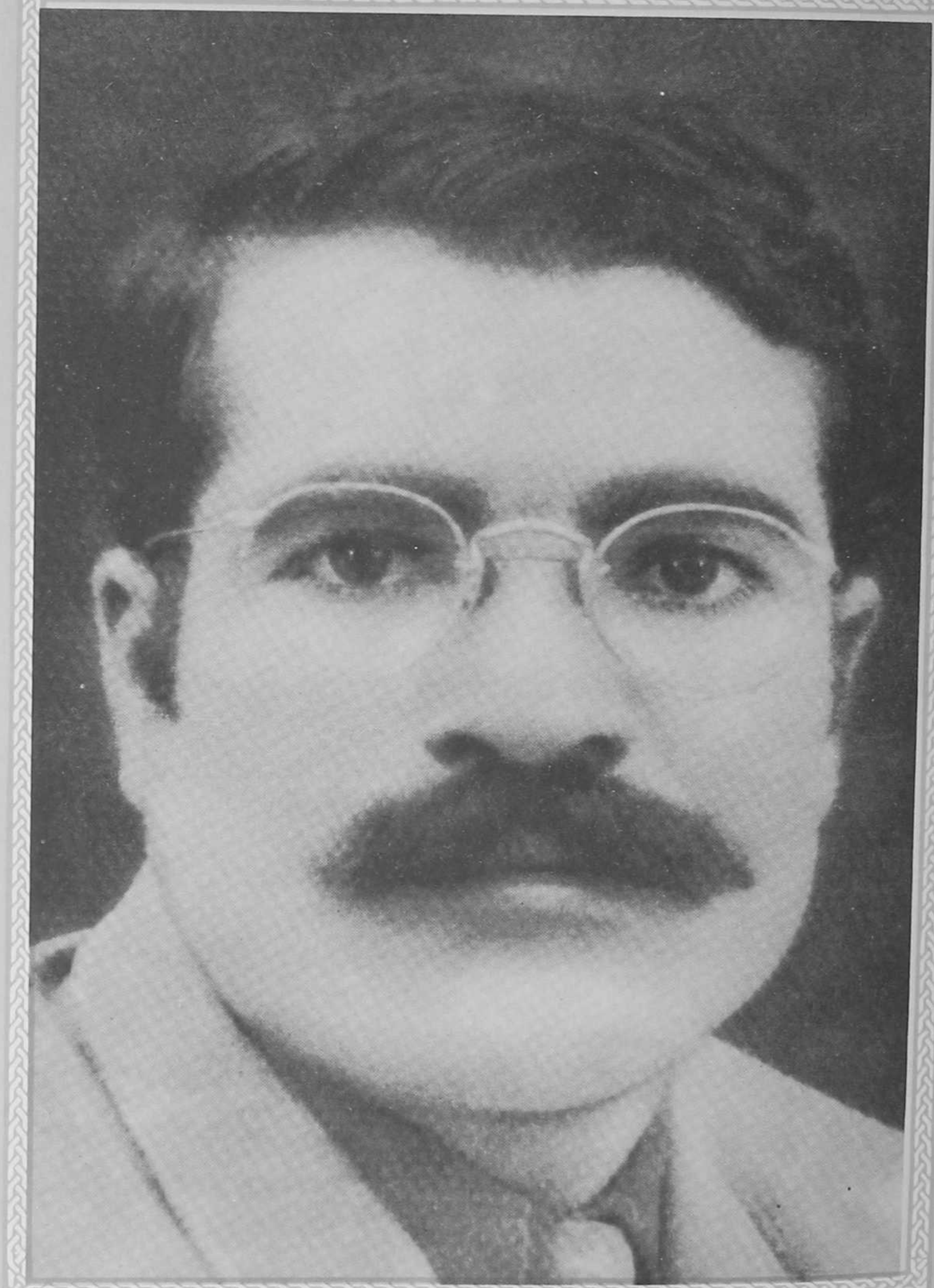

مقدّمه

درود بتوای خواننده ، درود بتمام افرادیکه قلماً ، قدماً ، مالاً ، جاناً وقت و انرژی خود را هرآنچه توانائی داشته اند درخدمت دیگران گذاشته ومیگذارند .

همینطورکه ما ازتمام امکانات انسانهای دیگر استفاده میکنیم برای جبران آن نیز باید نوبه خود خدمتی بکنیم پس ضمن مطالعه گفتار بزرگان و امثال ملل و ابیات و اشعاری چندکه بمطالب کمک کند دربارهٔ نود و نه موضوع مطالبی گلچین و بترتیب حروف الفبا تقدیم حضورتان میکنم .

خواهشمندم درصورتیکه گفته ای از خود و یا دیگران که مفید باشد و یا ایراد و پیشنهاد اصلاحی دربارهٔ این کتاب دارید بآدرس ذیل ارسال فرمائید .

علا محسن دانشی

تهران ـ خیابان کریم خان زند ـ شمارهٔ ۶۳

پیشگفتار

نوشتن شرح حال مردی که فرزند کار و مرارت و فعالیتهای مستمر بود برای ما که از نزدیک به عمق اندیشه و افکارش آگاهی داشتیم سهل و مشکل است .

آسان از این جهت که پدرمان بود و میدانستیم نردبان زندگی را چگونه از نیمه تا به همه جز نیمود و نسبتا به آرزوهایش نایل شده است و مشکل بخاطر آنکه میخواست شمعی باشد تا برای دیگران بسوزد .

امید است بتوانیم این مرد زنده دل شوخ طبع یعنی مرحوم غلامحسین ذوالفقاری را از طریق چاپ کتاب خاطرات و برگزیده هایش معرفی کنیم .

پدرمان در خاطراتش با شوق و ایمان عجیبی قلم بدست گرفت و از آنجا شروع کرد که در محیطی عذاب آور سرد و بیروح نشو و نما کرد و راه خود را انتخاب نمود .

کتاب برگزیده هایش عصاره و چکیدهٔ متجاوز از هزار کتابی است که در طول عمر مطالعه نموده . اگر میگوئیم او مرد رنج بود بخاطر حقایقی است که در نوشته های دلنشین و عبرت آموزش دیده میشود .

او برای نیل بمقصود اندیشید، پس کار کرد و به کمک کار شبانه روزی موانع را یکی پس از دیگری از برابرش برداشت تفکرات زیاد و تجربه های فراوان او موجب گردید که بسوی هیچیک از لذتها رو می نیاورد حتی از خوردن و خوابیدن زیاد امساک میورزید، مطالعاتش از نوجوانی شروع و تا قبل از مرگش ادامه داشت .

او در روز بیست و هفتم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و یک شمسی در اصفهان بدنیا آمد و شصت و دو سال بعد در یکروز سرد زمستانی در تهران دیده از جهان فرو بست .

پدرش مرحوم غلامرضا ذوالفقاری به حسن سلوک و مردمداری مشهور بود و مرحوم پدر مادر تا واپسین دم حیات از او بدیده تکریم و ستایش یاد میکرد. فرزندش تا خود را شناخت روی پای خود ایستاد، زحمت کشید و زندگی خود را تأمین نمود. بموازات کار در اصفهان با گروهی از بزرگان علم و ادب و سیاست آشنا شد و در نتیجه توانست در مجامع مختلف سخنرانی کند .

در شبانه روز بیست و پنج سالگی بعد جمع اوقات عزیز خود را با پشتکاری عجیب که از خصایص وی بود صرف مطالعه کتابهای مختلف میکرد و آنچه که برای زندگی مردم راهنمائی مؤثر و عبرت انگیز بود یادداشت مینمود .

خوانندگان گرامی میدانند در جهانی که ما زندگی میکنیم بسیاری از بزرگان دین و علم و ادب و سیاست و اقتصاد و صنعت سخنان اندیشمندانه ای گفته و یا نوشته اند، بطوریکه تعداد زیادی از کتابها و رساله ها مملو از سخنان نغز و متفکرانه آنهاست . بزرگان و مبشران سعادت بشری انسانها را بسوی حقایقی که در زندگی موجود است دعوت کرده اند و معتقدند که باید انسانها را به رنجها و شادمانیهای معنوی عمر کوتاه آشنا ساخت تا ایام زندگی را به بطالت و پوچی نگذرانند .

نویسندگان و شعرا با قلم قدرتمند و دیدگان ژرف بین و با بیان دلنواز و جان بخش عظمت و شکوه کائنات و رمز

زندگی واقعی ابیان، تجزیه و تحلیل کرده اند. مرحوم ذوالفقاری دست علاقمندان را میگیرد. پدرانه و دوستانه آنها را بسوی این زیبائیهای معنوی رهنمون میسازد.

شعار پدرمان این بود که نباید فضیلت را فدای هوسها و مادیات نمود. فکری که برای تهیه این کتاب در مخیله اش خطور کرد تجلی این اندیشه است که باید در عصر تسلط بر فضا و صنایع گیج کننده یا رویا در انسانها بویژه جوانها و خانواده ها باشیم.

کتاب **رهنمون** سیری متفکرانه و گرایشی است برای اصلاح اخلاق اجتماعی که مولود چهل سال مطالعه اوست و بنا به علاقه خاص آن را در انشاد با خط نستعلیق توسط هنرمند گرامی آقای حسین خسروی عضو و مدرس انجمن خوشنویسان ایران که لازمست از حسن اخلاق و پشتکار ایشان که متجاوز از یکسال صرف تحریر این کتاب نموده اند تشکر و سپاسگزاری نمائیم در قطع وزیری با هشتصد و اندی صفحه تقدیم خوانندگان ارجمند میگردد. امیدواریم هرگونه لغزشی را ضمن تذکر بدیده عفو بنگرند.

در اینجا اضافه میکنیم که در بخش های مختلف کتاب گاهی جملاتی که در انتهای آن حروف غ- ذ، ذکر شده بچشم میخورد که این جملات از آن شادروان میباشد.

تهران- آبان ۱۳۶۵- محمدعلی و منصور ذوالفقاری

سخنی با خوانندگان

توای خوانندهٔ گرامی :

هرکه هستی، با هر شغل و مقام و هر سنی بارها و بارها در مبارزه با احساسات شکست خورده ای و قطرهٔ اشکی از شادی و یا غم در چشمانت پرورانده ای. شاید حال مدتها آموختن مطالبی مثبر و یا برای تفریح و سرگرمی و یا شاید برای گریز از مسائل و مشکلات بمطالب این کتاب رو آورده ای .

بگذار بگویمت که غم و اندوه را کنار بگذار، ببین که پروردگار ترا از باران نعمات و الطافش سیراب کرده است . تو نیز غنچهٔ محبت را بدست نسیم بسپار تا آشنایان و همنوعان را از پاکی و لطافت خود سرمست سازد. بیاد دیگران را دوست بدار از خصوصا کسی را که پدر بزرگ نامش می نهند .

مگر زندگی چیست که از برایش جانها را با خار غم میخراشیم و دلها را از برایش به ناله و فغان در میآوریم؟ مقصود از اینهمه تلاش و رفت و آمد و غوطه ور شدن در عالم بدست آوردن مرغش و ایمان است و چنین است هدف و آرزوی تمامی شاعران و عاشقان . آری بزرگان آنانند که گرفتاریهای جامعهٔ بشریت را درک کرده و برای یافتن راه چاره بپا خاسته اند و تمدن موجود مولود رنجهای آنان است .

همچنانکه او نیز در زندگانی چنین مسلک و مرامی داشت، سوختن و بدیگران روشنائی بخشیدن آسمان از فراق او دلتنگ و ملول است، چرا که دیگر از او سخن نمیگویند و او دیگر در میان ما نیست .

زیبائی مهتاب گاه با پوشش ابری زائل میگردد حال آنکه نام او چون ستاره ای درخشان بر صفحه گیتی پرتو افکن و جاوید خواهد بود . خوشا بحال آسمان علم و دانش و ایمان که چنین نگینی در بر دارد .

گزیده ای از عسل کندوان و ترنم نغمه بلبلان ، گوهری که نوشته هایش زیبائیها جان میدمد و حقایق را تا اعماق وجود سیر میدهد ، چه بسیار مردم زندگیها که در پناه یک جمله حکمت آمیز پا برجا میمانند و دوستیهائی که از یک سخن حکیمانه بار مستحکم میگردند .

هر گلبرگ کلمات نهفته در این کتاب بابوی خوشش کدورت دنیای آکنده از گرد و غبار را از روح انسان میزداید و او را برای آفرینش و خدای مهربان نزدیکتر میسازد .

و این شهد چکیده رنجهای مردی است که از آغاز زندگی یکدم از وقت خود را بغفلت و بیهودگی نگذارند . قلب پر عطوفتش موظف شد تا از هر شاخه ای گلی بچیند و امروز خرمنی از گل را بما انسانها تقدیم کند تا در راه پر پیچ و خم زندگی همواره پیرو پاکی و انسانیت باشیم ، او که برای نیل بمقصود چون دژی مستحکم طوفان حوادث را بیهوده گرفت ، تا مرهمی برای زخم خوردگان و آبی برای سیراب کردن تشنگان بدست آورد .

بزرگمردی که رفتارش با پاکی و شایستگی بلندای آسمانهاست آنچنانکه نه من و نه احساسات من ، هیچیک قادر به وصف صفاتش نیستیم .

آماز بهی سعادت که ماحصل عمرش را با اوراق زرین این کتاب عرضه کرد و نامش را برای همیشه جاودان ساخت .

پس ای عزیز :

بیا تا خاطرات و حوادث و تألمات را بدست فراموشی بسپاریم .

بسوئی رویم که نغمهٔ بلبلان و بوی خوش گلها، معانی نگاهها و رمز اشکها و کلید اسرار همه را مترجم است

و تنها ترا اجازه میدهد تا دمی در این بوستان بوجد آیی .

بیا که آمدنت شادی و امید و موفقیت بهمراه دارد چرا که رمز زندگی در اینجا گرد آمده است، داروی دردها

شبنم گیاهان، رسم مروت، ایمان و انصاف، داستان پروانه و شمع همه اینجا نهفته است .

دروازهٔ گنجینهٔ محبت کنون باز است و ترا می طلبد. پس باز آ که بمحفل گل و شمع دوستی خوش آمدی .

به یاد پدر بزرگ مهربانی که مرا با علم و قلم آشنا کرد .

کلاس سوم دبستان - نوه اش فریبا ذوالفقاری

فهرست

عنوان	صفحه	عنوان	صفحه	عنوان	صفحه
آرزو-امید	۱	پشیمانی	۱۴۱	حقیقت	۲۷۲
آزادی	۱۵	پول-مال-ثروت	۱۴۵	حیات	۲۸۴
اجتماع	۲۷	پیروزی-موفقیت	۱۶۲	خشم	۲۹۰
اخلاق	۳۳	پیمان-وفا	۱۶۸	خودپسندی	۲۹۵
ازدواج	۴۷	تاریخ	۱۷۲	خوشبختی-بدبختی	۳۰۴
استاد	۵۸	تجربه	۱۷۹	خیانت	۳۲۱
استقامت-شکیبائی	۶۴	تصمیم	۱۸۶	دانائی و نادانی	۳۲۵
اعتدال	۷۵	تفکّر-اندیشه	۱۹۸	دانش آموز	۳۳۵
اعتقاد	۸۰	تکبّر-غرور	۲۱۴	دروغ	۳۴۲
اعتماد بنفس	۸۸	تملّق-چاپلوسی	۲۱۹	دشمن	۳۵۱
انسان	۹۳	تندرستی	۲۲۳	دوستی	۳۵۹
انصاف-اخلاص	۱۰۱	تنهائی	۲۳۴	رازداری	۳۷۶
بخت و اقبال	۱۰۳	جنگ و صلح	۲۳۷	راستکاری-درشکاری	۳۸۲
بدبینی و خوشبینی	۱۰۷	جوانی	۲۴۸	روزنامه	۳۸۷
پاداش	۱۱۵	حافظه	۲۵۹	زن	۳۸۹
پایان نگر	۱۲۶	حرص-طمع	۲۶۲	زندگی	۳۹۸
پدر و مادر	۱۳۰	حسادت	۲۶۵	زیبائی	۴۲۰

فهرست

عنوان	صفحه	عنوان	صفحه	عنوان	صفحه
سخنوری	۴۲۳	فداکاری	۵۶۱	مضرّات مُسکرات	۷۱۱
سعادت	۴۴۰	فروتنی	۵۶۴	معاشرت	۷۱۷
سُکوت	۴۴۷	فضیلت	۵۷۳	ملّت-میهن	۷۲۴
سیاست	۴۵۶	فقر-تهیدستی	۵۷۹	موسیقی	۷۴۳
شادی	۴۶۱	قانون	۵۸۴	میهمانی	۷۴۸
شجاعت	۴۷۲	قدرت	۵۹۵	نبوغ-مردان بزرگ	۷۵۲
شعر-شاعری	۴۷۹	قضاوت	۶۰۱	نویسنده	۷۶۳
شکست-ناامیدی	۴۸۵	قمار	۶۱۱	نیکی	۷۷۱
شهرت	۴۹۰	قناعت	۶۱۶	وجدان	۷۸۳
ظلم-ستم-اندوه	۴۹۴	کار-کاهلی	۶۲۳	وظیفه	۷۹۱
عدل	۵۰۷	کتاب-مطالعه	۶۴۴	وقت فرصت	۷۹۹
عشق	۵۱۱	کودک	۶۵۹	هدف	۸۱۳
عفو-بخشایش	۵۲۱	لذّت	۶۶۳	هُنر-هُنرمند	۸۱۵
عقل	۵۲۹	محبّت	۶۷۰	هوس	۸۲۶
علم-حکمت	۵۳۷	مرد	۶۸۳		
عُلوّهمّت	۵۵۱	مرگ	۶۸۵		
غیبت-عیبجوئی	۵۵۵	مشورت	۷۰۶		

از سخنان حضرت محمد(ص)

عادلترین مردم کسی است که آنچه را بر خود نمی پسندد بر دیگران نپسندد .

هیچ ثروتی نیرومندتر از عقل نیست .

از اخلاق من تملق نیست مگر در جستن دانش .

بجوئید دانش را هر چند در چین باشد .

بین دانشمند و عابد فرق بسیار است دانشمند صد پایه از عابد فزون دارد .

دانش اندک بهتر است از عبادت بسیار .

دانا ترین مردم کسی است که دانش مردم را بدانش خود جمع کند .

علم گنج و کلید آن سئوال است پس سئوال کنید .

مؤمن همواره در جستجوی حکمت است .

امید وار زور حمتی است برای پیروان من . اگر امید نبود هیچ مادری فرزند خود

را شیر نمیداد و باغبانی درختی نمی نشانید .

از سخنان حضرت علی(ع)

آنکه توانا تر است آسانتر میبخشد .

آنکه انتقام میکشد یکروز خوشحال است و آنکه میبخشد یک عمر .

بالاترین بخششها رسانیدن حق است به صاحبش

بیدادی که بر تو وارد میشود در عنوان مختار هستی اما بیدادی که بدیگران وارد میشود

ابدا نمیتوانی از انجشی و تا شرف آدمیت در وجود تو باقی است باید در رفع ظلم

با تمام توانائی خود بکوشی .

پوزش و عذرخواهی دلیل خردمندی است .

علم نعمت بزرگی است که در زندگی تاج افتخار و پس از مرگ یادگار

درخشان خواهد بود .

هر کس گفتارش راست باشد بر ارزشش افزوده میشود .

حق گو باشید و با صریحترین لهجه حقیقت را بیان کنید .

من گنجینهٔ حافظه ام را که پر از خاطره های تلخ و رنج آور

و دیر پای زندگی است بدنیا و آخرت نمیدهم

در لحظاتی که تنها نشسته ام و با آنها سرگرم و ایشانبودند

که مرا از سختیها و مذلّت ها نجات دادند، هر خاطره ای چون

مروارید و ستاره ای درخشان در افق زندگیم درخشندگی

خاص دارد. آه خاطراتم، آه خاطراتم.

علامحسین ذوالفقارحسن

زندگی آنقدر طولانی نیست که تمام تجربه‌های آن را عملاً

بشوت بررسانیم برای پیشرفت و آسایش بهتر تا میتوانیم

باید از تجربه‌های دیگران استفاده کنیم.

غلامحسین ذوالفقارت

یکبار شکست خوردم، دوبار موفق نشدم چیزی که مرا
وادار کرد که بکوشش ادامه دهم تسلیم ناملایمات
ومشکلات وموانع زندگی نشوم اراده بود.

غلامحسین ذوالفقارت

غرور و خودخواهی نمایندهٔ شکست و ذلّت است

هر وقت غرور قیام کرد منتظر شکست فوری باشیم

علامه محسن ذوالفقاری

همیشه در زندگی به تملّک گفته ام و به متملّق را بعنوان دوست

انتخاب کرده ام.

غلامحسین ذوالفقاری

بیشتر سختی های زندگی در اینست که میکوشیم از حقیقت

آن بگریزیم.

خشایار محسنی ذوالفقارزاده

تمام دردهای جسمانی از خواهش‌های بیجایِ نفسانی بوجود میآید

علامه محسن ذوالمفاخر

وای که چه دشوار است انسان در تنهائی پیر

شده و در بی کسی بمیرد.

غلامحسین ذوالفقاری

آرزو - امید

آرزو ریشهٔ حیات ماست . اگرچه این ریشه حیات ما را بتدریج میسوزاند، ولی همین ریشه مایهٔ زندگیست . نیلی

آرزو کردن چقدر شعف انگیز است! اما وقتی بآرزو رسیدیم شعف از درون ما رخت برمیبندد . نیچه

آماده شدن برای دستگیری از پیران ، و وفاداری دربارهٔ دوستان و مهر ورزیدن بمردم آرزوی من است . کنفوسیوس

آن توقع و آرزو عاقلانه است که از دست خودمان برآید . حجازی

آینده متعلق بکسانیست که در آرزوی آن هستند و بدان ایمان دارند . ؟

آینده ها بنظر بزرگ جلوه میکنند اما وقتی که گذشتند می فهمیم که ناچیز بوده اند . مترلینگ

آنکه امید را از دست میدهد، خیلی چیزها را از دست میدهد . مثل اسپانیولی

از آرزوهای دور و دراز دوری نمائید چه جز خستگی روح و ملال خاطر بار دیگری ندارد . ولتر

از دست دادن امیدی پوچ و آرزوئی محال خود موفقیت و شرفت بزرگی است . شکسپیر

اطراف و جوانب هر مشکلی را بدقت ملاحظه کنید و از خود بپرسید، طبق قانون بطور متوسط چند درصد این چیزیکه شما را نگران کرده ممکن است اتفاق افتد . دیل کارنگی

افسوس که پیش بینی های بشر در کار آینده قطعی الوقوع نیست و حتی درباره یکی از آنها هم نمیتوان بطور صریح .

وثابت حکم نمود. وبسا که یک عمر آرزو در یک لحظه نابود گردیده است نظام وفا کاشانی

افکار خوب معمار و آفریننده هستند و آرزو قلابی است که هر چیز را بجانب ما میتواند بکشد. دیل کارنگی

اگر آرزومندید که بسعادت برسید پیش از آنکه خود عبرت دیگران شوید از دیگران پند و عبرت گیرید. حضرت امیرؑ

اگر میخواهید پیروز شوید امیدوار باشید.

؟

اگر روزگاری شأن و مقامت پائین آمد نا امید مشو زیرا آفتاب هر روز هنگام غروب پائین میرود تا بامداد روز دیگر بالا بیاید. افلاطون

اگر از انسان امید و خواب گرفته شود بدبخت ترین موجود روی زمین میشود. کانت

اگر کسی در راه رسیدن آرزو قدم بردارد. دائما از لذت وصال برخوردار است.

؟

اگر میخواهی خوشبخت باشی جز آنکه برایت مهیاست آرزو مکن. لارشفوکوله

اگر «فقط» را باعث امیدواری و استقلال خود میدانید هرگز با آرزوی خود نخواهید رسید. هنری فورد

اگر مایوس باشید فقط هدف را باخته اید. ولی آدم مرد هم هدف و هم زمان را میبازد.

؟

اگر تا کنون به نصف آرزوهایتان رسیده اید. بدون تردید زحمت شما دو برابر شده است. ایبسن

امید و آرزو رحمتی است برای پیروان من! اگر امید نمیبود هیچ مادری فرزند خود را شیر نمی داد و باغبانی درختی نمی نشانید.

حضرت محمدؐ

امیدوارترین مردم کسی است که اگر نقصی در کارش پدید آید بی تأمل در راه اصلاحش بکوشد . حضرت امیرؑ

امید سرابی است که اگر ناپدید شود همه را تشنگی خواهیم سوخت . حجازی

امید آرزوی آخرین چیزی است که دست از گریبان بشر برمیدارد . روسو

امید عافیت و نیکوئی . آخرین و بهترین کامرانی های آدمی است . ؟

امید غذای روزانه بیچارگان است . هرشل

امید داروئی است که شفا نمیدهد اما درد را قابل تحمل میکند . مارسل آشار

امید مادر ایمان است . لاندور

امید نان روزانه آدمی است . تاگور

امید رفیق تیره بختانی است که از دست ساقی دهر جرعه ی بی مهری نوشیده اند . اعتصام الملک

امید در زندگانی بشر آنقدر اهمیت دارد که بال برای پرندگان . هوگو

امروز مردم با امید های موهوم و استفاده های آنی بهم نزدیک و بواسطه توقعات بیجا و گمانهای باطل از هم دور میشوند . نظام وفا

امیال رشک آمیز مانند زنگ روح را میخورد . دیوژنش

امید نصف خوشبختی است . مثل ترکی

انسان درعین نومیدی امیدوار است .

اعتصام الملک

انسان بوسیلهٔ برآوردن تمایلات خود نمیتواند بلذت و شادکامی برسد. بلکه درصورتی میتواند بآن سرچشمه راه یابد که پا برسر این تمایلات بگذارد .

آندره ژید

ای امیدهای دورهٔ زندگی اگر شما نبودید و بروی این حیات پرازمصیبت تبسم نمیکردید بشر چگونه زنده میماند . ؟

این جملهٔ کوتاه حاوی جمیع نصایح است : امیدوار باش امید بشر مثل بال برای پرندگان است . هوگو

ایده آل اندیشه هائیست که تحقق آنها مربوط بمبارزه است .

ادی زیرژیل

ایده آل پشیمانی هوش است .

مان

ایده آلهای ما پاکتر از ما هستند .

آلکوب

ایده آل انسان انسانیت است .

؟

ایده آل نیروی شگرفیست که دنیا را زنده نگاه میدارد .

؟

باید اعتراف کنیم که منبع بدبختی ما دنیائی است که در سینه داریم نه دنیائی که ما را احاطه کرده است . غالباً آرزو میکنیم که از بدبختی و فلاکت درامان باشیم و درعین حال بپای خود بطرف ورطه بدبختی میرویم . لرد آویبوری

باید هوش و مهارت خود را بکار ببریم . چیزیکه دیروز غیر ممکن بود امروز دشوار است . فردا با خوشی و رضایت قبول خواهد شد .

؟

با امید فکر و کوشش خود باشیم نه با انتظار بخت و اتفاق . حجازی

بدبختی عبارت است از اینکه ندانیم چه آرزوئی داریم و برای رسیدن بآن هزار جور مشقت را تحمل کنیم . موریل اولاکس

برای همه کس خوشبختی یک معنی بیشتر ندارد : رسیدن بآرزوی موهوم . سعید نفیسی

برای تحقق آرزوی تو . خواه امیر باشی خواه گدا ، در برابر طبیعت فرق نمیکند و برای همه یک بهای معین شده است و

آن فداکاری و از خودگذشتگی است . دکتر ماردن

برای رسیدن بآرزوئی باید دهها آرزوی دیگر را سر برید . ؟

بزرگترین امید آنست که امید را به قصد کشت گلنگ بزنیم . جان اشتنبک

بسا اتفاق میافتد که در جستجوی یک سعادت خیالی برمیآییم و خود را گرفتار هزاران مصیبت

واقعی مینمائیم . ابوالعلا

بشر وقتی در خانه اش نشسته است خوابان حادثه ای در زندگی و هنگامیکه دچار حادثه ای میشود طالب زندگی

آرام در خانه است . وایلدر

بهترین وسیله برای فتح و پیروزی انسانی امیدواریست . اگر میخواهید پیروز شوید امیدوار باشید . ؟

بیم و امید از هم جدا شدنی نیستند ؛ امید بدون بیم و بیم بدون امید وجود ندارد . لادشفوکوله

تصور همیشه بر پایهٔ امید است ، تا وقتیکه احساس میکنیم امیدواریم . ؟

تنها یک امید و یک هدف همگی ما را تحت تسلط خود درآورده است و آن اینستکه هر طور شده خود را به بهشت تجملی و بیهودگی و لذت برسانیم و بخاطر آن روح را بکشیم و جسم را خوار کنیم . بالزاک

تا رمقی از جان باقیست امیدی هست . مثل انگلیسی

چرخهای سنگین و زنگ زده زندگی با دستهای نامرئی امید میچرخد . دکتر ناصرالدین صاحب الزمانی

چه باید کرد : ای انسانها؟ باید رنج بریم ، لب فرو بندیم ، ستایش کنیم ، امیدوار باشیم ، و بمیریم . پاسکال

چنان زندگی کن که وقت مردن آرزو خواهی کرد و با هر کس چنان رفتار کن که از او توقع داری . کنفوسیوس

چون زندگی ما دریاست ، امید به لنگرگاهی تشبیه شده است که در مواقع طوفانی بدان پناه میبریم تا بتوانیم بروی پای خود بایستیم . پول بیل

حتی با پیران نیز امید بکور نمیرود ، زیرا هر چند میسر آن با مرگ طبعاً متوقف میگردد لیکن اینجا هم امید تخم میگذارد ، باز امید میروید . شیللر

حیات بی امید ، همدوش و همسفر ممات است . اعتصام الملک

خداوند وقتی میخواهد کسی را فاسد سازد ، او را به همه آرزوهایش میرساند . اسکار وایلد

خدا امید و خواب را برای جبران غمهای زندگی ما ارزانی داشته است . ولتر

خردمند بکار خویش نگیه کند و نادان به آرزوی خویش . حضرت امیر(ع)

خوشبختی در این است که شخص بداند چه میخواهد و آنچه را آرزو دارد مشتاقانه بخواهد . فیلین ماریسر

خوشبختی این است که انسان دنیا را همانطور که آرزو میکند ببیند .

؟

خوشبختی وجود ندارد و ما خوشبخت نیستیم ! اما میتوانیم این حق را به خود دهیم که در آرزوی آن باشیم . آنتوان چخوف

دامنهٔ آمال و آرزوی انسان انتهائی ندارد ، سعادتمند کسیکه با فکار بی اساس و ایده آلهای بی معنا دل نبندد .؟

درصدد مباش کاری کنی که چیزهائیکه برایت پیش میآید آنگونه پیشامد کنند که تو آرزو داری . بلکه چیزهائی را که پیش میآید آنگونه که هستند آرزو کن در اینصورت آرامش خاطر خواهی یافت . اپیکتته . توس

دست طبیعت امیدهای انسان را در هیچ حدود و ثغوری محصور نساخته است و آرزوهای بشری

هرگز حدی نمیشناسد . کند ورسه

دنیا با امید برپاست و آدمی با امید زنده است . امثال وحکم دهخدا

راه زندگی پر از موانع و مشکلات است ، تنها کسی میتواند از این راه پرخطر عبور کند که روحش از امید لبریز

باشد و نومیدی در وی نفوذ نکند . لرد آویبوری

راستی اگر احلام و رؤیاهای ما را از ما میگرفتند ، چگونه میتوانستیم حقایق ملال انگیز این زندگانی مسکین و

پست را تحمل کنیم .

؟

زیاد زیستن تقریباً آرزوی همه میباشد، ولی خوب زیستن آرمان یکعده معدود . ج . هیوز

سراب امید هرچند ما را میفریبد، اقلاً دورهٔ زندگی ما را بخوشی بآخر میرساند . هامرلینگ

سودمندترین داروها رها کردن آرزوهاست . حضرت امیرؑ

شهوات و امیال چون نسیمی هستند که در بادبان کشتی افتاده بحرکتش میآورند، صحیح است که افراط آن سبب غرقش میشود لیکن بی وجود آن کشتی را یارای حرکت نیست، هرچیز در این جهان خطرناک و در عین حال لازم است . ولتر

حالیکه این کونه زندگی ابر ما غم انگیز ساخته پیری و پایان لذتها نیست بلکه قطع امیدهاست . شکسپیر

عده‌ای از مردم در زندگی بمرحله‌ای میرسند که ظاهراً تمام منابع قدرتشان بپایان میرسد و نقطهٔ امیدی در زندگیشان باقی نمیماند، درحالیکه در وجود آدمی منابع قدرت عظیمی پنهان است که هرگز مورد استفاده قرار نگرفته است . دیل کارنگی

قدرت شگرف نیروهای خلاقه و استعدادهای نهفته آدمی هنگامی نمایان میشود که احتیاج مبرمی، دواعی او را بفعالیت وادارد و کشش آرزوئی سراپای وجودش را به تقلا وادارد . ابراهام لینکلن

کسیکه امیدواری را وسیلهٔ معاش خود قرار بدهد، احتمال دارد از گرسنگی بمیرد . فرانکلین

کسیکه هرگز متوقع و امیدوار نیست، هرگز روی نومیدی و خلاف انتظار نمی بیند . برنارد شاو

کسیکه با امید تحصیل شهرت پیروفضیلت و تقوا میگردد خیلی نزدیک بفسق و فساد قرار دارد. ناپلئون

کسیکه به طرف جلو نگاه نمیکند عقب میماند. ؟

گذشته مکان یادگارها، آینده مقام امیدها و حال جایگاه تکلیفها است. رشید یاسمی

گریه چرا؟ فتح را آرزو کنید. استفن گرین

ما نباید امیدوار باشیم که دنیا قوانین و نظامات و مناظر آثار خود را برای خشنودی ما تغییر بدهد زیرا او هرگز تغییر نمیدهد بلکه این ما هستیم که تغییر میکنیم و اگر روزی از محیط کنونی خارج شدیم احتمالاً از اطوار دیگر خواهیم دید. مترلینگ

ما همه کودکانی هستیم که چون در خواب میرویم رؤیای سعادت می بینیم و چون بیدار میشویم بجز تیره روزی تعبیری نمی یابیم. ولتر

مانند سایه ها، هرچه خورشید زندگی و عمر بیشتر رو بغروب می نهد آرزوهای ما دورتر و درازتر میگردند. دکتر یانگ

متانت ریشه امید است و امید کلید کامیابی. ایرانشهر

مردم بینوا و تیره بخت درمانی جز امید ندارند. شکسپیر

مقصرترین مردم کسانی هستند که روح مأیوس دارند. ناپلئون

یکی میگفت کیست من را به عسل برساند و دو درهم مزد بگیرد. چون بعسل میرسد، دران فرو میرود. آنگاه میگوید کیست که مرا از این مهلکه نجات دهد و من با و چهار درهم مزد بدهم. ؟

من تمام توفیق‌های خود را مرهون امیدهائی هستم که در دوران جوانی در قلب خود پرورش میدادم. ناپلئون

موقعیت از آن کسانی نیست که هرگز دچار ناکامی نمیشوند بلکه متعلق بآنهائی است که هرگز از تجدید مبارزه بیم و هراسی ندارند.

هانری فاکپ

مأیوس مباش زیرا ممکن است آخرین کلیدی که در جیب داری قفل را بگشاید.

؟

میتوانم با گفتن و اندیشیدن خود را فریب دهم و تقریبا باور کنم که امیدی دارم و همین خود در راه زندگی توشه ایست؟ نا امیدی نخستین گامی است که شخص بسوی گور برمیدارد.

ناپلئون

وقتی اسکندر کبیر به تخت سلطنت مقدونیه نشست هرچه املاک و اراضی از پدرش بارث برده بود بین دوستانش تقسیم کرد. پیرو مکاس از او پرسید پس برای خودت چه نگاه خواهی داشت؟ در جواب گفت. امید. که بزرگترین دارائی و تملک انسان است.

اسمایلز

وقتی با دوستان بسر میبرم دیگر آرزوئی نداریم.

لابرویر

وقتی میمیرم. دلم میخواهد که مشتی از خاکستر مرا برود گنگ بیفشانید... بقیهٔ خاکستر مرا با هوا پیمائی بآسمان برده و بر مزارعی در خاک هند بپاشید. که در آن دهقانان بکار مشغولند. باشد که خاکسترم چنان با خاک وطنم در هم آمیزد که جزء غیر قابل تشخیصی از آن باشد.

از وصیت نامه نهرو که بعد از مرگش عملی شد

ویکتور هوگو در پانزده سالگی روی دفتر یادداشت خود نوشته بود که. من میخواهم شاتوبریان باشم. یا هیچ نباشم

سرانجام برتر از آن نویسندهٔ نامدار شد . آرزوی ویکتور هوگو

هرچه کمتر آرزو داشته باشید محرومیتهای شما کمتر است . پلوتارک

هر کس مایل است در میدان زندگی دارای برتری بیشتری باشد و بطریقی برتری خود را بدیگران نشان بدهد، و اگر باین آرزوی خود نرسید دنبال راههای کج و غیر طبیعی برای برتری خودش خواهد رفت . ؟

هر کس در جهان آرزوئی دارد: یکی مال میخواهد، یکی افتخار یکی جمال، لیکن بعقیدهٔ من یکدوست حقیقی از تمام اینها بهتر است . ؟

هروقت در آسمان حیات خود قطعه ابری مشاهده کردیم نباید همه چیز را سیاه و ظلمانی پنداریم و بایستی متوجه آفتاب و روشنائی کامل بیم که در پس آن ابرهای موقت موجود است بشویم . اسمایلز

همیشه باید با واقعیت زیست، نه با وهم و خیال . مری استوارت

همواره عزم، مرا از خانه مذلت دور دارد، و از شهری کوچم دهد و بشهر دیگر افکند، اگر پای رسیدن آرزو در میان نباشد ورود مرگ را خواستارم . سیّد رضی

بهمین قدر که برای بدست آوردن آرزوئی اراده کنیم یک گام بلند در راه نیل بدان برداشته ایم . سی فوستر

هنگامیکه امید در کسی بمیرد کینه و انتقام در او زنده میگردد، هرقدر امید کمتر باشد، عشق بزرگتر است . تونس

هر روز بلندی را، پایانی است . مثل آمریکائی

یأس در کارها یک نوع خودکشی است. بواقع وقتی قطع امید میکنی، گوئی از زندگی رشتهٔ پیوند بریده ای. ؟

یگانه تسکین دهندهٔ آرزوهای طلائی دو چیز است: صبر و امید. الکساندر دوما

یا آرزو و امید بپرورزی. یا مرگ و نیستی. برای انسان آرزو و امید، چون آب برای ماهی است. غ. ذ

از آن آبی که در من لاله کاری ساقیا کردی
کف خاکم مداوا کن بباران فروردینی ده

بجانم آرزوها بود و نابهم شد رواله
شبم را کوکبی از آرزوی دل نشینی ده

اعتبار لاهوری

با همه جرمم امید، با همه خوفم رجاست
گر درم ما مس لئیم، لطف شما کیمیاست

*

چون غنچه تنگدل مدر خصت پرواز
رو آرزوی نعمت بی بال و پری کن

*

خیالمان از درم باز آکه از جان آرزومندم
بپیرارتو خشنودم به گفتارت تو خرسندم

*

در باغ امل شاخ عبادت ننشانید
در بحر عمل دُر مکافات، بجایید.

سعدی

صد وحده امید بدل دلخرام در دوغ
چون من مبلا هیچکسی شه مسار خویش

صائب تبریزی

غره مشو که مرکب ما ران براه ما
در سنگلاخ بادیه پی ها بریده ایم

نومید هم مباش که در نزلگه جهان
گاهی بکام ما نه بمنزل رسیده ایم؟

*

فریب رنگهای آرزو مخور م
ره سراب گرفتم ز آرزو، مُحرم

صدای

کیم من؟ آرزو کم کی ای تنها و سرگردان — نه آرامی نه امیدی نه همدردی نه همراهی

رهی معیری

من و صبر یارم آرزو . او را بسوی غیر رو — نه من کنه کارم نه او کار دلست این کارها

آذر بیگدلی

محفل ما این دل پر آرزوی من که مدام — سوخت در آتش بدل سراپا بدنم

سر بیک آرزوی خویش نهادم تا چند — آرزوی دگر از دل بدر آمد که منم

آرزوها همه چین خرمن انبوشته شد — کو؟ جنونی که در این مزرعه آتش فکنم

صیدی لکهنوی

هنوز هم که بسنبولیت داغ او دارم — بیاد او همه شب گریه در گلو دارم

ز نقشهای فریبندهٔ جهان خیال — جمال او بهمه نقش آرزو دارم

عبدالرفیع حقیقت

همین بمشتاق در آرزویت مدام گیرد سراغ کویت — تمام عالم بجستجویت بکعبهٔ مؤمن یا بدیرها

شوقی اصفهانی

آزادی

آنکه ترک شهوات کرد آزاد شد . — حضرت امیرؑ

آنکه خوشی خود را در رنج دیگران بجوید هرگز روی خوشی را نمی بیند . — بودا

آزادی شخص جاهل و کودک نادان سبب هلاکت و نابودی آنها می شود ... — محمد مسعود

آزادی حقیقی آن نیست که هرچه میل داریم انجام بدهیم بلکه آنست که آنچه را که حق داریم بکنیم . — ویکتور کوزن

آزادی متعلق به یک نفر نیست مال همه است . — هربرت اسپنسر

آزادی فقط در عالم خیال وجود دارد . — شیللر

آزادی تلاش خردمندانه آدمی در جستجوی علت حادثه هاست . — هربرت مارکوزه

آزادی محدود کردن قدرت دستگاههاست نه اضافه کردن آن . — ویلسن

آزادی عبارت است از امکان انسانی برای هر نوع ترقی و تکامل . — دکتر شفق

آزادی حقیقی آن نیست که قانون بردار نباشد بلکه فقط مطیع قوانین درونی خویش بودن است . — تن

آزادی عبارت از اینستکه شخص مجبور نباشد برخلاف مقررات قانون کاری انجام دهد . — منتسکیو

آزادی ما از نقطه ای شروع میشود که آزادی دیگران خاتمه یابد .

هوگو

آزادی برای بسیاری از مردم سرمایه دکان است و برای یک تن از هزاران سرمایه جان .

سعیدنفیسی

آزادی در کشورهائی ممکن تواند شد که حس ادای وظیفه بر هوا پرستی غالب باشد

لاکو

آزادی مطلق در هیچ اجتماعی وجود ندارد و اساساً وجود اجتماع با آزادی مطلق قابل جمع نیست بنابراین هرجا صحبت آزادی و حریت میشود منظور آزادی نسبی است و تفاوتیکه در میان اقوام مختلف بوده و هست در حدود این آزادی نسبی است .

علامه سید محمد طباطبائی

آزادی این نیست که هر کس هرچه دلش خواست بکند، بلکه آزادی حقیقی قدرتی است که شخص را مجبور بانجام وظایف خود میکند .

ماکدونالد

آزادی بزرگترین عطیه و موهبتی است که بانسان عطا شده و در قبال آن تمام نعمات و عطایای دیگر پوچ و ناقابل و بیمصرف است .

اپیکتوس

آزادی عبارت است از اینکه یک فرد یا جامعه در پیروی و گفتن و نوشتن حق، و بکار بستن بحق اختیار کامل داشته باشد .

دکتر شفق

آزادی تنها ارزش جاودانه تاریخ است .

البرکامو

آزادی چیزی است شبیه سلامت! این هر دو را تا از دست نداده ایم قدرشان را نمی شناسیم .

والتود

آزادی، هیچوقت انتظار ما را ندارد. ما باید در طلبش از دل و جان دریغ نکنیم. چه در هیچ جایی از روایای «تاریخ سراغ ندارم آزادی و دموکراسی سهل و ساده تحصیل شده باشد.» امرسون

آزادی اندیشه و قلم و زبان و مجامع و شغل و منزل و غیره موجب آبادی و عمران ممالک است. دهخدا

آزادی، دریائی متلاطم و طوفانی است، مردان ترسو آرامش استبداد را بر این طوفان ترجیح میدهند. توماس جفرسن

آزادی را فقط در مجسمه آن یافتم. روسو

آزادی باده ایست که هزار تن آنرا برای بدمستی مینوشند و یک تن برای سرمستی. سعیدنفیسی

آزادی رفتار، برای کسی میسر است که تنها در بیابانی زندگی کند. حجازی

آنکس که مالک نفس خویش نیست آزاد نیست. اپیکتوس

نبودن آزادی از زیادیش بهتر. مثل روسی

آزادی که باشد پیر مرد هم پهلوان میشود. مثل مجارستانی

آزادی زیاد و بی بند و باری زن خوب را هم فاسد میکند. مثل روسی

اسکندر مقدونی دیوژن حکیم را دید بدقت به تقایای اسکلت یک انسان نگاه میکند از او سئوال کرد دنبال چه میگردی؟ دیوژن گفت: دنبال چیزی میگردم که پیدایش نمیکنم و آن عبارت است از فرق موجود بین استخوانهای پدرت و استخوانهای بردگان پدرت. پلوتارک

افراط در آزادی در بین افراد یا در کشور به بردگی میانجامد... و شدیدترین نوع استبداد از افراطی ترین نوع آزادی پدید میآید، وقتی آزادی افسارگسیخته شود استبداد نزدیک میشود .

سقراط

افسارگسیختگی هرزه گوئی و یاغیگری با مفهوم مقدس آزادی که برای تفوق هر استبداد و ظلم باید فرشته رحمتش نامید هزارها فرسنگ فاصله دارد .

ویلیام دوکلاس

اگر دین ندارید لااقل در دنیای خویش آزاد باشید .

حضرت امام حسین

اگر در روح کسی حس استقلال نباشد آزاد نمیتواند باشد .

حلمی ضیاء

اگر ملتی چیزی را بر آزادی ترجیح دهد همه چیز را از دست خواهد داد .

سامرست موام

انسان آزاد خلق شده است ولی در میان قیود بدنیا میآید .

فیللر

انسان تا زمانیکه در اطراف خود ظلم و جور می بیند، سعادت حقیقی نخواهد داشت .

صادق هدایت

انسان در همان لحظه که تصمیم میگیرد آزاد باشد آزاد است .

ولتر

ای آزادی چه جنایتها که بنام تو مرتکب میشوند .

مادام رولاند

ای آزادی با کمال تأثر میگویم، بشر سزاوار تو نیست .

تورگو

باید آزادی را موقتاً از دست داد تا بتوان برای همیشه آنرا حفظ نمود .

مونتسکیو

با دادن آزادی به بردگان آزادی مردم آزاد را تأمین میکنیم .

لینکلن

با نان خشک زندگی کردن و با آرامش خاطر بسر بردن بهتر از تکیه بر اریکهٔ سلطنت با دغدغهٔ خاطر است. ؟

برای اینکه ما از بندگی همه آزاد گردیم باید همه بندهٔ قانون باشیم. سیسرون

بزرگترین افتخار قومیکه آزاد بدنیا آمده آنست که این آزادی را به کودکان خود انتقال دهند. هاوارد

بسیاری از بستمداران این مطلب را سخت آشکار میدانند که نباید ملتی آزاد باشد مگر آنگاه که شایستگی استحقاق و اجرای این آزادی را داشته باشد این اندرز بکار دیوانه ای از نیک دلستان کهن میماند که تصمیم گرفته بود در آب نرود مگر آنگاه که شنا کردن را آموخته باشد. مکولی

بشریکه حق اظهار عقیده و بیان فکر خود را نداشته باشد موجودی زنده محسوب نمی شود. مونتسکیو

بمن آزادی بدهید، یا مرگ. پل هانری

بیچاره آدمی زاده شکی دارد که میگوید: مرا بر کن و گرنه روایت کنم. چون پرسش میگوید خالی کن و گرنه آبرویت را برباد

دهم همیشه میان دو خطر روائی بسر میبرد. حضرت امیر

تا بشر روحاً و معناً آزاد نشود یعنی از فاه فکر و علو همت و قوهٔ گذشت از علایق جزئی در وی پیدا نشود نمیتواند آزادی اجتماعی و سیاسی بدست آورد هر ملت بهر اندازه اخلاقش عالی تر است بهره اش از آزادی بیشتر و هر قدر اخلاقش پست تر است بدون شک از آزادی محروم تر است. حسینعلی راشد

تمام مردم آزادی را دوست میدارند ولی مهارت عجیبی در معدوم کردن آن بکار میبرند. ولتر

تنها آزاد شدن از چنگ حکومتی که به قهر و غلبه تسلط یافته کافی نیست باید روحاً و فکراً هم آزاد بود وگرنه مادامیکه مردم از آزادی معنوی بهرمند نباشند هرگونه گرفتاری و اسارت قید و شکنجه برای خود خواهند ساخت که بدتر از فشار یک حکومت مستبد باشد.

حسینعلی راشد

جای شک و شبهه نیست که فضائل انسانی همه بسته به آزادی است در خاک حاصلخیز آزادی است که ملکات فاضله انسانی ریشه میگیرد و پرورش میکند.

چارلز فوکس

جسم تو تنها برای آزادی تو نیست.

حکمت هندو

چگونه میتوان بدون تقویت روح از آزادی سخن گفت

کاسپارن

چون در انجام کاری مردد باشی آنطرف را اختیار کن که بی آزارتر باشد.

سعدی

حق طرف راست و نیرو در طرف چپ و نور در پیشانی و خون در زیر پای ماست. مرگ بر آنهائیکه میخواهند زنده بمانند و آزادی را در حال مرگ به بینند.

ماکسیم گورکی

خاطره بشر از لغت شیرین تمدن و لفظ آزادی جز تطاول و غارت و مرگ و پستی یادگاری ندارد. افسوس که چشم و دلهای ایشگروه هوسران کور است و هر لحظه با نیرنگ تازه تری اغفال میشوند.

؟

خوابیدیم و در خواب هم از آزار در امان نبودیم.

ابوالعلا

درخت آزادی با خون شهدا نش آبیاری میشود.

برتراند دربارد

در یادداشتهای لینکلن که در موزه بوستون محفوظ است چنین آمده . همانطوریکه مایل نیستم بندهٔ کسی باشم ، حاضر نیستم آقای کسی باشم .

زندگانی وقتی مقرون بسعادت است که توام با آزادی فکر باشد . ویکتی بوم

زنان نجیب را نباید بی جهت در خانه محبوس ساخت . مثل ایرلندی

شخص متعرض یک غلام حقیقی است . ولینگتن

شوهر و بچه را هرچه در بازیهای خود آزاد بگذارید بیشتر به شما محبت پیدا میکنند . مثل فرانسوی

صرفه جوئی را میتوان دختر دور اندیش خواهر میانه رو و پدر آزادی شمرد آنکه و نخرج است بزودی فقیر میشود و نادار می

محرومیت از آزادی و فساد را در بر دارد . جانسون

طالب لطف هیچکس نباش چه گوهر آزادی را عوض خواهی داد . نامق کمال

طبیعت حتی به حیوانات زبان بسته نیز آزادی بخشیده است . تاس توس

طلا و آزادی در هر جا که قدر شناز اندانستند فرار میکنند . مثل آلمانی

عشق در ترس و بیم وجود میآید و در آزادی شکفته میگردد . ژاراد بوار

علل و اسباب خارجی ما را براه های مختلف پرتاب میکنند : ما همچون امواج هستیم که بادهای مخالف از هر طرف آنرا بآسانی میبرد . اسپی نوزا

غوغا کفی است که هنگام بجوش آمدن یک ملت بالا میآید .

درایدن

فکر آزادی همسال و معاصر ظلم و تعدی است نهضت آزادیخواهی همیشه در اثر مظالم استبداد و شکنجه و آزار ستمگران بوجود آمده است .

ویلیام دوکلاس

قامت مردانگی را در برابر اغیار به طمع درهم و دینار خم مکن و طوق بندگی دیگران بگردن نینداز . ارزش آزادی و آزادگی را بدان و این گوهر شریف را در میان قلب گرم و خون مواج خویش معزز و محترم بدار . حضرت امیر(ع)

قبل از هر آزادی بمن نعمت آزادی دانستن فکر کردن . باور کردن و از روی حق و وجدان سخن گفتن را عطا کنید . ولتون

قول دهید که دو سال با من متحد باشید من قول میدهم که در دو ماه برای شما استقلال بدست آورم . گاندی

کسیکه برای حفظ جان خود از آزادی صرف نظر کند استحقاق آزادی و سلامتی ندارد . فرانکلین

کسانی نومیدانه در قید بندگی هستند و به غلط چنان می پندارند که آزادند . گوته

کسانیکه مخالف آزادی دیگرانند ، خود لیاقت آزادی را ندارند . لینکلن

کسی شایسته آزادی است که هر روز بتواند به هوسهای خود چیره شود . گوته

کشور در صورتی دارای آزادی و استقلال است که افرادش آزاد و مستقل باشند منتسکیو

کشتی مانند زندان است تنها فرقش آنست که شما در کشتی شانس غرق شدن را هم دارید . دکتر جانسون

کسیکه زن ثروتمند بگیرد در حقیقت آزادی خود را فروخته است . مثل آلمانی

ما ترجیح میدهیم که آزادانه بمیریم تا بوغ اسارت بگردن بگیریم . فرانکلن

ما که آزادی را دوست نداریم نمیتوانیم نان آزادی را بخوریم و اگر هم بخوریم آنرا هضم نخواهیم کرد . گاندی

معنی حقیقی آزادی مسئولیت است و بهمین جهت است که اغلب از آن میترسند . شاو

مقدسترین چیزها برای انسان سلامت روح ، هوش ، عشق و آزادی مطلق است . چخوف

ملتی که حقوق یک ملت دیگر را غصب میکند هرگز خود از نعمت آزادی بهره مند نیست . چرنیشفسکی

ملت از راه آزادی به تعلیم و تربیت دست می یابد نه برعکس . شاو

ملتی که آزادیش غصب شده هر قدر در ثروت و رفاه غوطه ور باشد از نظر بشریت باندازه پاد و مغازه ، ارزش ندارد . ؟

من دشمن تو و عقاید تو هستم ! اما آماده ام در راه آزادی عقیده ات جان خود را فدا کنم . ولتر

من اگر در بهشت باشم ولی بمن بگویند تو حق نداری جهنم را با این بهشت ترجیح بدهی از آن بهشت بیرون میروم . ژان دوستان

مؤسسات آزادی خواهی برای فرمانروایانی که دوستدار قانون باشند بمنزله پناهگاهی است نه مانع . تالیران

وقتی نهال آزادی ریشه گرفت بسرعت رشد و نمو میکند . ژرژ واشنگتن

وقتی آدم مذاقی است بدترین خاطرات برایش شیرین است ، چرا برای اینکه آن اتفاقات بیرون از زندان اتفاق افتاده است . ؟

هر امری که آزادی را به مخاطره اندازد شایان قبول نیست هر چند از مقامات عالی و اشخاص مقتدر صادر گردد . سعدی غزل پادشاه

هر کس در میان زنجیرها و بندهای فراوانی بدنیا میآید .

ویل دورانت

هر مرد باید در خانه اطاقی باندازه یک قبر برای خود اختصاص دهد و هر روز چند دقیقه ای را در آن بگذراند، فقط در آن دقایق است که احساس آزادی مطلق خواهد نمود .

ایومونتان

هر کس باید سعی کند در حیات خود خشتی محکم بر اساس کاخ آزادی بگذارد .

اسپرت سیبل

هر جا دو نفر باشند یکی حاکم است و دیگری محکوم .

حجازی

هر کس قادر به تملک و اداره نفس خود باشد آزادی حقیقی را بدست آورده است

پرسلیس

همه باید بدانند و یقین کنند و تسلیم شوند که بنی آدم از بنی آدم آفریده شده و آدم از خاک بوجود آمده است، و همه با هم یکسان و برابریم یعنی سیاه با سفید و تو انگر با تهی دست و شاه با گدا کوچکترین تفاوتی در برابر آزادی و مساوات نخواهند داشت

حضرت محمد

همه کشمکش و تحمل آلام و مشقات انسان در عرصه گیتی، خواه این کشمکش موافق یا مخالف عقل باشد برای آزادی است .

کارلایل

همه آزادیهای ما حکم یک بسته را دارد و اگر بنا ست یکی از آنها محفوظ بماند همه آنها باید محفوظ بماند .

؟

هیچ آرمندی نیست که آزاد باشد .

عباد شهریار

هیچ کس نمیتواند آزاد باشد مگر وقتیکه همه از آزادی کاملا برخوردار گردند، هیچکس نمیتواند کاملا از اصول اخلاقی پیروی کند مگر اینکه همه اخلاقی گردند و بالاخره هیچکس نمیتواند کاملا سعادتمند شود مگر اینکه همه سعادتمند باشند

اسپنسر

هر چه قفس تنگتر آزادی شیرین تر .

مثل آلمانی

هیچ نیروئی از میل انسان بآزاد بودن قوی‌تر نیست .

سیرد توتس بعد از آنکه قیصر پدر خوانده خود را در راه آزادی رم کشت گفت قیصر بمن خوبی کرده بود ، او را دوست میداشتم ولی چون رُم را بیشتر دوست میداشتم او را کشتم .

پل دوّم

یکی از مختصات اصلی آزادی این است که آن را کاملا از نظر فردی نمیتوان تصور و یا درک کرد آزادی هر فرد - بستگی خیلی نزدیک بآزادی دیگران دارد .

پول لانژوون

منم آزاد و هرگز هیچ آزاد
چو بنده بر نگیرد جور و بیداد

نباشد هیچ بیگانه سمرگر
نباشد هیچ آزاری ستمگر

پادشاهی نه امی معرفت آزاد کیست
هر که بندهٔ آرزو و خشم و از دل پادشاهست

گه و خاک آستانم کعبهٔ آزاد گی
گر بخرد دارد کسی چشم خرد را توتیاست

ره بمعنی برد که در صورت بهم ماند دو نی
از نیی خیزد شکر دانش نه از بهر بوریاست

گر صفا خواهی ره وحدت سپر زیادهٔ ا
زاتتزاج خاک شد که الهی گرد بی صفاست

میرسد خواری ز آمیزش بمرغ خاطری
عزتی گر هست عنقا را ز بهر از زواست

گنج عزلت گیر و دعقانی گذار از آبنین
تا بدانی آنچه میکاهش در افزونی ماست

جستن کوکه احمر عمر ضایع کردنست
روی در جنگ سیه آور که گیسو دلرباست

ابن یمین

اجتماع

آنچه برخود نمی پسندی بر دیگران مپسند . حضرت امیرؑ

آیا همه برادر نیستیم ؟ نوع بشر باید خود را برادر همدیگر بداند شکسپیر

اسباب ریاست تحمل است و بلند نظری . حضرت امیرؑ

اگر مردم مرا نشناسند غصه نخواهم خورد ، ولی من اگر مردم را نشناسم افسرده خواهم شد . کنفوسیوس

اگر زنجیری بگردن دیگری بیندازید ، سر دیگر آن بر گردن خودتان گره میخورد . امرسون

اگر نسل حاضر نمیداند بکجا میرود ، دلیل آن اینست که رؤیای اجداد خود را تعقیب مینماید . ؟

انسان حیوانیست اجتماعی . سرنک

انسانی که معنی و هدف زندگی را بداند خود را نه تنها با افراد ملت خویش برابر خواهد دانست ، بلکه با تمام اقوام دیگر نیز مساوی خواهد شمرد . تولستوی

افعی مهیب را دسته ای مورچه از پای در میآورند . مثل ژاپونی

اگر مدت چهل روز با مردم بربری بمانند آنها میشوی یا آنها را ترک میکنی . مثل عربی

بهترین کار برای جذب قلوب مردم خیرخواهی و نیکوکاری نسبت بآنهاست . ناپلئون

بینوایان همواره در خدمت ما بزرگ و عزیزند و حکومت ما با تمام وسایل که در دست دارد ،

طرفدار و پشتیبان ایشان است . حضرت امیرؑ

تنها ، انقلاب خطرناک ! انقلاب گرسنگان است . من از شورشهائیکه بر بنای بی نانی استوار باشد بیش

از نبرد با یک ارتش ۶۰۰۰۰ نفری بیم دارم . ناپلئون

تو بر روی زمین یکفرد واحد نیستی بلکه جزئی از کل و اندکی از بسیار باشی ، ترا بر زمین از آن نهاده اند که با دیگر -

آفریدگان هماهنگ شوی و در بساط نمایش آفرینش به نوبت خویش بازی بپردازی . پوشه

تو که از دیگران پیروی نمیکنی ، چرا دیگران از تو پیروی کنند؟ . سعید نفیسی

جمعیت شبیه به سیل است . جرعه هائی گوارا و جانبخش وقتی بهم جمع شدند یواشکیها و خرابیها میکنند . حجازی

خوبیها و بدیهای اجتماع بدست ما ساخته شده است و بجای ناله جای آنرا دارد که در صدد رفع آن برآئیم . هوگو

در هر اجتماعی بیشتر قسم خورده شود ، آن اجتماع خراب تر و مردمش دروغگوتر ند . حضرت امیرؑ

در دنیا خونگانی هستند که بیداریشان هیچ بیداری از رؤیاهای وحشتناک است . ناپلئون

در بینوائی همسخنان که در سرما نزدیک میشوند آحاد به یکدیگر فشرده تر میشوند . هوگو

دشمنان من سه قسمند ، گروهی قویتر ، جماعتی هم وزن ، دسته ای ضعیفتر ، طرفیت با گروه اول موجب نابودیست

باجماعت دوّم تا جان دارم میگنجم. امّا گروه سوم را اگرچه با التماس باشد رام خواهم ساخت، چه طرفیت با خصم ضعیف از مقام انسان در جامعه میکاهد و شخص را ناچیز میسازد. — افلاطون

دیگران را همانطور که هستند بپذیرید. — دیل کارنگی

رودخانه های عظیم نیروی خود را بجویبارهای کوچک مدیونند. — مثل یوگسلاوی

سعادت جامعه بمراتب مهمتر از سعادت فرد است. — افلاطون

سگهای درشت را سگهای ریز پا برجای نگاه میدارند. — ؟

طبیعت بشر را خوب و قشنگ میسازد و اجتماع او را فاسد بار میآورد. — ؟

کسیکه مایل است خیر دیگران را تأمین کند خیر خودش را هم تأمین کرده است. — کنفوسیوس

لذّات حیات و حقیقت زندگی را در خدمت به همنوع و محبّت بمردم جستجو نمائید. — میرابو

ما بوسیلهٔ چهار چیز با مردم در تماس هستیم! ارزش موقعیّت ما از روی این چهار چیز معلوم میشود. آنچه میکنیم، آنچه جلوه میکنیم، آنچه میگوئیم، آنطور که میگوئیم. — دیل کارنگی

محیط وجود خارجی ندارد. افراد آنرا درست میکنند. — سعید نفیسی

مردم را چگونه یافتم؟ شیادانی در قفای شیادانی دیگر، با گرگ میگویند و میخندند و با چوپان میگریند. بدیع الزمان همدانی

مردم عادی مانند شهری صد دروازه اند که سرنوشت از هر دروازه ای که بخواهد وارد میشود! امّا وجود مرد حکیم شهری است

که یک مدخل بسته دارد، هنگامیکه سرنوشت خواست وارد شود ناچار دق الباب میکند . مترلینگ

میان آدمیان چیزی نیست جز دیوارهائی که خود ساخته اند . تولستوی

ورزش یکی از مهمترین ارکانی است که نیروی اجتماعی کشور بر آن بنیاد و استوار میگردد . ؟

وقتی خودخواهی یک فرد برای جامعه ای بصورت قانون درآمد فانوس بردارید و روز روشن بدنبال، عدالت و انسانیت بگردید .

؟

وقتیکه آشفتگی جمعیتی بسر حد جنون میرسد، همچون آتش زبانه کشیده ای به پیش میخیزد و همه چیز را میسوزاند. ولی چون حدت آن فرو نشیند. خود را میخورد و نیروئی را از دست میدهد و میداند که باید اطاعت کند و در برابر منطق و

وقانون بارادهٔ شما تسلیم شود .

؟

هرکه دیگران را همچون خود دوست میدارد شایستهٔ فرمانروائی است . آئین تائو

هرگز سعادت شخصی قلب مرا در خود نگرفته است، من خوشبختی خود را جز در جامعه نمی بینم دوسو

هرکس در طلب خیر و سعادت دیگران باشد بالاخره سعادت خودش را هم بدست خواهد آورد . اسمایلز

هر قتل که بدون کیفر بماند، مقداری از امنیت اجتماعی زندگی اشخاص میکاهد . دانیل ویستر

هیچ حالی از تنهائی و بی پناهی برای بشر دشوارتر و سهمناک تر نیست . حجازی

KASHMIR UNIVERSITY
Iqbal Library
Acc. No. 312761

حُسنت باتفاق ملاحت جهان گرفت آری باتفاق جهان میتوان گرفت

حافظ شیرازی

پس اجتماع بهتر بود روی دانش و علم که علم لاکرنه اجتماع بی معنیست

غرض ز علم چه؟ واقف بحال خویشتنی که از چه روی گرفتار رنج و درد و بلاییست

غرض ز علم چه؟ پی بر حقوق خویشتن که از چه دستخوش دیو بیم جهل و جهاییست

ادیب الممالک فراهانی

جهان شود لب پر خنده گر اراده کنم کند دست یکی در گره گشائی هم

صفا بیرجندی

غرض ز انجمن و اجتماع جمع قوا بیت چرا که قطره چو شد متصل بهم دریاییست

ز قطره هیچ نیاید ولی چو دریا گشت بر آنچه نفع تصور کنی در آن جاییست

ز قطره دیده نگردیده هیچ جنبش موج که موج جنبش مخصوص بحر طوفانیست

ز قطره ماهی پیدا نمیشود هرگز محیط باشد گر دی نهنگ خواهی هست

ادیب الممالک فراهانی

نظر کن بدین موی باریک سر
که باریک بینند اهل نظر

چو تنهاست از رشته ای کمتر است
چو پرشد ز زنجیر محکمتر است

سعدی

اخلاق

آداب و عادات بآسانی و سرعت بصورت اخلاق درمیآید . هـ . سمان

آداب خوب و اخلاق دوستان قسم خورده اند و بزودی با یکدیگر متحد میشوند . با رتول

آنکس که از لباس تقوی برهنه شد به هیچ لباسی پوشیده نمیشود . حضرت امیر(ع)

آیا هنوز بآن روز نرسیده ایم که خود بیک تحول عظیم اخلاقی و اجتماعی بپردازیم و بخاطر سیادت و سعادت خود قیام کنیم آیا دیر نیست . ؟

اخلاق سرمایه است اخلاق بهترین و عالیترین دارائی ماست . اسمایلز

اخلاق اگر با اندکی هوش توأم باشد هزار مرتبه بر تحصیل زیاد بدون هوش و بدون اخلاق ترجیح دارد . ناپلئون

اخلاق یکی از بزرگترین قوای محرکه جهان است و در کمال تظاهرات خود طبیعت انسانی را

در عالیترین شکل آن مجسم میسازد . اسمایلز

اخلاق یک اراده کامل العیار و پسندیده است . نووالیس

اخلاق خوب اختصاص به طبقه ای ندارد . در هر طبقه و صنفی پیدا شود مورد احترام واقع میگردد . سموئل اسمایلز

اخلاق چیز ساخته شده و حاضر آماده نیست، بلکه ذره ذره، روز بروز خلق و ایجاد میگردد . ارنالیال

اخلاق را در هیچ زمان میزان ثابتی نیست، بلکه موازین اخلاقی تابع تکامل رژیم اقتصادی و اجتماعی بشر است

چه بسا چیزهائیکه دیروز برای آنها کف میزدیم ولی امروز اظهار نفرت میکنیم . ؟

اخلاق خوب مانند آب جاری است که موجب حاصل خیزی کشتزارها میشود . لائوتسه - فیلسوف چینی

اخلاق میتواند جانشین علم و مال و مقام و زیبائی و سایر مزایا باشد، اما هیچ نعمتی جای آنرا نمیگیرد . حجازی

اخلاق ها بالاتر از قوانین است، زیرا قوانین همیشه همراه انسان نیست، ولی اخلاق شخص همیشه با اوست . اسمایلز

اخلاق نیروی تفکر را میافزاید و مابین آدمیان تخم صلح میپاشد و بیشتر از علم و هنر پایه تمدن حقیقی است . دکتر الکسیس کارل

اخلاق را طوفانهای روزگار تقویت میکند .

گوته

از خوشبختی ها، اخلاق نیکوست .

حضرت محمد

از افکار جنایت آمیز دوری کنید، عفیف باشید .

مهاویرا

اساس تمدن، تقوی و ریاضت است . ؟

اشخاص عاقل و با اخلاق هرگز کلامی بر زبان نمیآورند که احساسات دیگران را جریحه دار سازد . اسمایلز

اصیل بودن سعادتمندی است، ولی بهتر آنستکه رفتار انسانی باشد که احتیاج بپرسشی از اصل ما نباشد . لابرویر

اگر انسان خود را از آنچه که هست نتواند بمقامی بالاتر برساند، موجودی ضعیف و ناچیز است . دانیل

اگر انسان از گناه کوچک پرهیز نکند کم کم گناهان بزرگتری را مرتکب خواهد شد — عیسی مسیح

انسان باید از هر حیث چه ظاهراً و چه باطناً زیبا و آراسته باشد . — چخوف

انحطاط اخلاقی همیشه پیشاهنگ انقراض تمدنها است . — کاظم زاده ایرانشهر

ای آدمی فنا پذیر که در پی من میآئی تقوی را دوست بدار که آن تنها بتو میآموزد که چگونه از این طاق زبرجد-
فراتر پری بلکه آسمان را در برابر تو وادار به تعظیم خواهد کرد . — میلتون

ای پسر چند صفت از چند کس بسیار زشت است ۱- بیرحمی از حکومت ۲- حرص از علما ۳- کاهلی از جوانان
۴- رعنائی از پیران ۵- بیشرمی از زنان . — ؟

اشخاص مدخلق مثل ظروف سفالین هستند که زود میشکنند و به سختی دوباره بهم متصل میشوند . مثل سا سکویت

باید بلا انقطاع مبارزه کرد . وقتی شما اشتباهی را از بین بردید همیشه افرادی پیدا میشوند که میکوشند
آنرا احیا کنند . — ولتر

با تقوی و خوبی میتوان سعادت را خرید . — زنون

بد اخلاق در دست دشمنی گرفتار است که هرجائی برود از چنگ عقوبت اورها ئی نیابد . — سعدی

بدترین و خطرناکترین کلمات اینست : « همه این جورند » . — تولستوی

بدون اخلاق و ملکات فاضله هیچ فنون و صنایعی در دنیا نمیتواند ملتی را از انحطاط و فساد بیرون کشیده

و بمدارج عالیه برساند .

اسمایلز

برای تحصیل سعادت باید اخلاق خوب را پیروز ساخت و بر ضد اخلاق بد باید جنگید. حکومت مانند یکفرد است و وظیفه او تربیت کردن افراد است در دایره فضایل اخلاقی .

افلاطون

برای اینکه جهان را فرمانبردار خویش سازید ، باید بر آدمیان تسلط یابید و آنگاه بر مردم مسلط آئید که بر نفس خویش حکومت کنید و زمانی حاکم نفس خویش شوید که اخلاق نیک را در خود بپرورید .

پوشه .

بزرگترین عمل غیر اخلاقی اینست که انسان انجام شغلی را که از عهدهٔ آن بر نیاید بعهده بگیرد .

ناپلئون

بزرگی و عظمت یک مملکت منوط بوسعت خاک آن نیست بلکه مربوط باخلاق و روحیات اهالی آن است .

کلبر

به من بگو چه اشخاصی را می پسندی تا بگویم تو خودت کیستی؟ از هوش و ذوق و اخلاق چه مایه داری؟

سنت بو

بهترین میراثی که پدران برای فرزندان خود میگذارند تربیت خوب است .

سیسرون

بهر کس که میخواهد موفق شود میگویم : اخلاق نیک را در خود پرورش بده .

ابر هوبرت

بیا کاری بکن که نه من از تو بنالم و نه تو از من .

سعید نفیسی

برای اینکه انسان کمال یابد صد سال کافی نیست ولی برای بدنامی او یک روز کافی است .

مثل چینی

پاکدامنی ریشه اصالت و درست نهادی و نیک اندیشی و بزرگ منشی است . بوالهوسی و میل تجمل پست عنصری و سهو رائی

دشمنان خانه براندازپاکدامنی هستند وقتی بر آن چیره شدند شرافت نابود خواهد شد . نظام وفا کاشانی

پاکدامنی کالائی است که جهانی ارزش دارد . کاظم زاده ایرانشهر

تا روزیکه پایهٔ تمام تغییرات و اصلاحات بر اساس فضیلت اخلاقی گذاشته نشود همهٔ اقدامات و زحمات ماجز

بازیچه و هوسرانی و تقلید بچگانه چیز دیگر نخواهد شد . کاظم زادهٔ ایرانشهر

ترقی و سعادت یک مملکت نه مربوط به ازدیاد عواید و استحکام قلاع آن است و نه مربوط به قشنگی ابنیه و عمارات آن

بلکه عبارت است از تربیت عدهٔ مردمان تربیت شدهٔ فاضل و با اخلاق آن که قوه و قدرت حقیقی و عظمت واقعی

آن را تشکیل میدهد . مارتین لوتر

تصفیه و تهذیب اخلاق یک ملت کهنسال به همان اندازه دشوار است که سفید کردن چوب آبنوس . پتیارگود

تقوی هنگام جلب منفعت معدوم میشود مانند رودخانه ای که وارد دریا گردد . لارشفوکو

تقوی دانست که عمل نیک را از نتیجه آن والاتر شماریم . حکمت هندو

تقوی هر کس را یک لحظه بر خطر امتحان و ثابت میکند . شیلر

تمول و تقوی چون دو وزنه هستند که در کفه های یک ترازو قرار گرفته باشند یکی نمیتواند بالا برود مگر

دیگری پائین نرود . افلاطون

تمام ملل دنیا بدون استثناء در حال انحطاط اخلاقی رو بانقراض رفتند . ؟

تمام سرمایهٔ فکری و دانش اخلاقی باید تسلیم یک عظمت اخلاقی و روحی گردد وگرنه دانش مانند رودی خواهد بود که نتوانسته است خط سیر خود را به پیماید و بدریا بریزد و با وضعی اسف آور در صحرا و ریگزارها فرو رفته باشد. مترلینگ

تنبلی کلیهٔ تقوی ها را معدوم میسازد. لادوشنوگوله

تنها در ایام شباب است که انسان بنیاد اخلاق و عادات خود را استوار میسازد. هیچ ساعتی از آن خالی از فرصت نیست. اما یکدقیقه آنهم همینکه گذشت دیگر برنمیگردد. روسکن

چنان باش که بتوانی بهر کس بگوئی، «مثل من رفتار کن». کانت

چهار چیز است که موجب هلاک روح شود. اول حرص. دوم ترس. سوم عار. چهارم قرض. ؟

چشم بجاهائیکه نمیخوابد میرود. اما اختیار در دست تو ست. مثل افریقائی

حسن سلوک جزئی از حسن اخلاق است وظیفه ما بلکه بنفع ماست که هم داری حسن سلوک باشیم و هم حسن اخلاق. هانتر

خط مستقیم نه تنها در هندسه بلکه در اخلاقیات هم کوتاهترین راه است. راحل

خلق آنست که با هیچکس خصومت نکند و کسی با او خصم نباشد. ابوبکر واسطی

خوش خوئی و گشاده روئی دام دوستی است و بردباری گور عیب ها ست. حضرت امیرؑ

خوشا بحال کسی که روح کودکانهٔ خود را برای همه وقت از گناه مصون دارد. شیلر

خوی بد معصیتی است که بادی هیچ طاعت سودی ندارد و خوی نیکو طاعتی است که به ایچ

معصیت ضرر نرساند .

خلق نیک بال و پر انسان است .

دارندگان قلب های پاک هیچگاه راحت و خوشی را بخود نخواهند دید زیرا خوشی و راحت خود را فدای اعتلای ترقی دیگران نموده اند .

لابرویر

در دنیا منادیان فساد و دعوت کنندگان به فسق و فجور و خیانت و ستم همیشه هستند، ما نمیتوانیم همه آنها را براندازیم و دنبال آنها نرویم، در دنیا همیشه باد و باران هست و در دریا همیشه موج و طوفان وجود خواهد داشت ما باید پنجره و سقف اطاق و بدنه و سکان کشتی خود را محکم بسازیم .

حسینعلی راشد

در طبیعت و اخلاق انسانی هیچ ضعف و انحرافی نیست که با تعلیم مناسب اصلاح نشود .

بیکن

دشمنان خود را با اخلاق نیکو رام سازید و نپسندید که در ساعات ذلت تنی چند از خفت و خواری شما خوشحال گردند .

سقراط

دلهائیکه روی آن کلمه تقوی و محبت نوشته شد بهر جائیکه بخواهند پرواز میکنند و کائنات در مقابل آنها سر تعظیم فرود میآورد .

نظام وفا کاشانی

دنیا در خود ماست، هر که بر خود مسلط باشد، دنیا را با طاعت درآورده است .

حجازی

دیوژن در روز روشن فانوس روشن کرده و در شهر میگشت و وقتیکه از او علت را پرسیدند گفت بدنبال انسان میگردم

و او را می جویم .

؟

رسیدن بحد کمال بقدری دشوار است که طی سراسر زندگانی نیز برای نزدیک شدن

بآن کفایت نمیکند .

بیزه

رفتار خوب از شکل و اندام خوب بهتر است و از مجسمه ها و تصاویر عالی بیشتر موجب حظ و بهجت نفس میگردد . سیدنی اسمیت

ریاکاری هدیه ایست که فسق و فجور به پیشگاه تقوی تقدیم میکند .

نلون

زشتیهای اخلاقی اگر ترک هم شوند ، مانند زخم پس از شفا یافتن جای آن باقی خواهد ماند .

دیل کارنگی

زندگی انسان خیلی کوتاه است بنابراین بهتر است که با پستی توام نباشد .

دیزرائیلی

سلام بر تو ای پاکدامنی که پاک ماندن خونها و شیرها ، پایدار ماندن خانواده ها و پیوستگیها ، معصوم ماندن علاقه ها و

وابستگی ها از تست ، تو آفتاب شرف و نجابتی ، سادگی و ذوق اخلاق ، عشق و تابناکی روح ، مناعت و مقهور

ساختن نفس همه ذرات تو هستند .

نظام وفا

شرافت و نفع پرستی در یکجا جمع نمیشوند .

هربرت

شرافت مانند تیری است که چون از کمان جست بازگشت آن ممتنع است .

؟

شرافتمند هرچه را میخواهد در خود میجوید و مردون و فرومایه در دیگران جستجو میکند .

کنفوسیوس

صاحبان اخلاق ، روح جامعه خود هستند . امرسون

عدم انسانیت انسانها ، با نسانها ، هزاران نفر را سوگوار میکند . وابرت برنز

عقیده خود را با زور بدیگران تحمیل کردن هم بیهوده است و هم گناه . جان کایزل

عقیده عمومی شبیه تیغ برهنه است ، ضعیف از آن میترسد ، نادان با آن تیغ بران درمیافتد و زخم میخورد ، عاقل دسته تیغ را میگیرد و بکار میزند . حجازی

فرزانه کسی است که همواره بر خویش حکمفرماست . حکمت هندو از کتاب عقاید

کج خلقی شامگاه آشفتگی است . لاندور

کسیکه اخلاق ندارد ، انسان نیست جز ، اشیاء است . شانفور

کسیکه نفس خود را ضبط کرد ، دنیا را هم میتواند ضبط بکند . از ، ریگ ودا

کیمیائی که بتواند از احساسات بد طلا درست کند وجود ندارد ! اما تبدیل احساسات بد بخوب ممکن است . هربرت اسپنسر

ما همه از روز ولادت مساوی خلق شده ایم . تقوی و فضیلت مایه امتیاز اشخاص است . ولستر

مردم جزء هر طبقه ای ، خواه عالی ، خواه متوسط و خواه پائین باشند باز افراد یک جامعه هستند و دارای یک نوع اخلاق میباشند و در تحت نفوذ و تأثیرات همان عصر و محیطند . هربرت اسپنسر

مردان قانون وضع میکنند و زنان اخلاق بوجود میآورند . کونه ودسیه

مردیکه خصلت نیک دارد، هرگز تنها نمیماند، زیرا همیشه دوستانی برای خود پیدا میکند. کنفوسیوس

مردیکه دارای عزم نیرومند و اخلاقی متین است، هرگز فضیلت اخلاقی خود را فدای هوسهای زندگی نمیکند. آری مردانی در این جهان زندگی کرده اند که برای تکمیل و حفظ فضائل اخلاقی جسم و جان خود را فدا ساخته اند. کنفوسیوس

مکارم اخلاق محکمه ای بنا کرده که بمراتب از محاکم قانونی معتبرتر است، ترس از قانون ما را باحترام دائم عادات وادار میسازد ولی محکمهٔ اخلاقی از ما جداً مطالبه مینماید که مرتکب عمل خیر باشیم. پاسکال

ملت بدون اخلاق، اخلاق بدون عقیده، وعقیده بدون فهم ممکن نیست. سید جمال الدین اسدآبادی

من همیشه میل دارم از اشخاص نجیب پیروی کرده و از آنان چیز بیاموزم. شکسپیر

منظور من از اخلاق کامل و عالی آن چیز است که از دانش تمام عالم حاصل میشود. این در حقیقت آخرین درجهٔ خرد انسانی است. د کارت

میدانید چرا اروپائیان بعضی از آثار مرا خلاف اخلاق گویند؟ بعلت آنستکه من اخلاق اروپائیان را آنطور که هستند بوضوح معرفی میکنم. اسکار وایلد

نجیب زادگی بدون تقوی بسیمون قلاب انگشتری زیباست که نگین جواهر نداشته باشد. جین پورتر

نخستین و مهمترین عوامل نیکبختی انسان عبارتست از خلق و خوی خود او. شوپنهاور

نمیتوان همه را بامال راضی کرد. آما بحسن خلق میتوان. حضرت محمدؐ

نتیجهٔ تهذیب اخلاقی آنستکه بدی مغلوب و منکوب خوبی گردد . ؟

وظیفهٔ زن تهذیب اخلاق مرد انست . ولتر

وقتیکه مرد درد معنوی و اخلاقی خود را درک کرد باید روح خود را پرستاری کند . ناپلئون

وقتی که پرکاهی به چشمتان میرود، آنرا بیرون میآورید، وقتی عادتی بدوار در روح شما میشود، میگوئید: سال دیگر معالجه اش میکنیم . هوراس

وقتیکه ثروت از دست برود چیزی از دست نرفته است، وقتی که سلامتی از دست برود چیزی از دست رفته است ولی وقتیکه اخلاق از دست برود همه چیز از دست رفته است . ؟

وقتی از اخلاق یک فرد سر در نمیآوری بدوستانش نگاه کن . مثل ژاپونی

وقتی تقوی و پرهیزکاری به قلب راه پیدا کند در سرشت هم زیبائی بوجود میآید . مثل چینی

هر دردی را درمانی است، جز بد اخلاقی که درمان پذیر نیست . حضرت امیر(ع)

هر وقت اخلاق قومی از دست رفت آن قوم منقرض شده باید دانست . اسمایلز

هر فرد انسانی همیشه عقاید خود را درست و شرافتمندانه میداند . جان کایزل

هرزگی در سلوک و رفتار موجب هرزگی در اصول و اخلاق میگردد . یونان و رم بعلت انحطاط اخلاقی فرمانروایانش سقوط کردند . اسمایلز

هراندازه که علل طبیعی انسان را باستراحت سوق دهد به همان اندازه هم عوامل اخلاقی باید او را از استراحت دور کند

منتسکیو

هر مردی دو اخلاق دارد یکی اخلاق واقعی که در او آفریده شده است و دیگری اخلاقی که بعقیدهٔ زنش دارد . پل گات

هر کس در حدود ممکنات و توانائی خویش مأمور ستیزه و مقابله در برابر ناپاکی است . دکتر هشترودی

هروقت ملتی از جادهٔ تقوی و فضیلت منحرف گردید و اعتنائی براستی و حق و عدالت نکرد آن ملت دیگر قابل بقاء و زیست نخواهد بود .

اسمایلز

هریک از ثمرات فضیلتهای شما مانند ستاره ایست که خاموش میشود ولی پرتو آن هنوز در جادهٔ نجومی خود طی مراحل میکند همچنین پرتو اعمال حسنه شما راه می پیماید حتی در صورتیکه خود عمل مدتهاست بانجام رسیده باشد پس هرقدر اعمال شما فراموش و دفن شود اشعهٔ آنها همیشه فروزان خواهد ماند .

نیچه

همانطوریکه بدن ما از غذاهائی که میخوریم تغذیه و کسب قوت میکند، همانطور هم روحمان از صحبت و معاشرت رفقای خوب و کسب فضیلت و تقوی یا خباثت و شرارت میبالد .

ژرژ هربرت

همینکه مرد از حد خود تجاوز کند یعنی بآنجا رسد که محل او نبوده اخلاق او زشت و خشن میگردد . افلاطون

همه جا عدهٔ زیادی را مشاهده میکنیم که در کارها شکست خورده و در هیئت اجتماع پست و حقیر شده اند. در میان زندگی سرشکسته و اندوهگین و پریشان قدم برمیدارند، علتی جز این ندارد که قدر و قیمت اخلاق نیک را ندانسته اند . دکتر ماردن

همواره تقوی را بکودکان خود توصیه کنید، تنها تقوی عامل خوشبختی است نه پول .

بتهوون

هیچ اخلاقی برای جلب دوستان صمیمی بهتر از این نیست که انسان صفات و مزایای دیگران را مورد تمجید و تقدیر قرار دهد،

کسیکه صاحب این خصلت باشد جوانمردی و شجاعت و ادب از ملکات حتمیه اوست .

دکتر جانسون

هر فرد محافظ شرافت خود میباشد .

مثل هندی

یک کمی عقل سلیم، اندکی اغماض و قدری خوش خلقی داشته باشید آنوقت خواهید دید خودتان را در این دنیا چقدر

آسوده و خوشبخت ساخته اید .

سامرست موام

آدمیت بحسن اخلاق است — حیف این شیوه در جهان طاق است

کافر نیک خو بتر از مؤمن بد اخلاق است

فرد

اقوام روزگار به اخلاق زنده اند — قومی که کشت فاقد اخلاق مُرده است

با همه خلق روی نیکو دار — خوی نیکو دار روی چندان دار،

خیر نیکوت اچو شیر کند. — خیر بد عالم از تو سیر کند

سعدی

چو نیکو منش باشی و بردبار — نگردی بچشم خردمند خوار

از آنکس بپرهیز تر کس مباش — که خواهند خلقش پسندیده خوش

فردوسی

ز خوی بد و ز خلق کریم و خوش خوئی — عجب مدار که بیگانه آشنا گردد

ولی بشومی خوی و ز راه بی هنری — بسی بود که پدر از پسر جدا گردد

جامی در اخلاق

طبع دلجو خوشتر از گنج زر و کان گهر — خوی نیکو بهتر از شاهی و ملک بیکران

ازدواج

ازدواج مثل اجرای نقشه جنگی است که انسان یک مرتبه اشتباه نماید کارش تمام شده و دیگر جبران آن به هیچ صورت نمی شود .

بورنز

ازسقراط دانشمند نامی پرسیدند، ازدواج خوب است یا بد، جواب داد در هر دو حال موجب پشیمانی است .

سقراط

ازدواجیکه به خاطر پول بوجود آید، برای پول هم از بین میرود .

دولاند

ازدواج مثل مغز بادام است تا نخورده ای نمیدانی تلخ است یا شیرین .

؟

ازدواج کتابیست که فصل اول آن بنظم است و بقیه فصول به نثر .

پوردلی نیکولاس

ازدواج آنقدر که محتاج تدبیر است، نیازمند صراحت قول و بی پردگی گفتار نیست .

دیل کارنگی

ازدواج همیشه به عشق یا پایان داده است .

ناپلئون

ازدواج کنید، بهر وسیله که میتوانید، اگر زن خوبی گیرتان آمد، بسیار خوشبخت خواهید شد، و اگر گرفتار یک همسر بد شوید فیلسوف از آب در خواهید آمد و این برای هر مردی خوب است .

سقراط

ازدواج مثل شهر محاصره شده است، کسانیکه داخل شهرند، سعی میکنند از آن خارج، و آنهاکه خارج هستند، کوشش دارند

که داخل شوند .

فرانکلین

اگر میخواهید خانواده‌ای شاد و نیکبخت داشته باشید نسبت بزن خود سراپا عنایت و توجه شوید و ادب نگاهدارید .

دیل کارنگی

اگر از طبقهٔ بالا زن بگیرید بجای خویشاوند ارباب خواهی داشت .

کلئوپول

اگر کسی همسر خود را بصورتیکه آرزو دارد انتخاب نکند ، دو نفر را بدبخت کرده .

حجازی

اگر یکنفر روانپزشک ادعا کند بیشتر اختلافات زناشوئی مولود ناکامیهای جنسی نیست خیلی نادان است ، بطور کلی اگر زن و مرد در زندگی جنسی از یکدیگر کامیاب و خوشنود شوند اختلافات و ناراحتیهای دیگر زندگی را نادیده خواهند گرفت .

دکتر هامیلتون

اگر میخواهید توافق نظر در خانهٔ شما باقی بماند از ملامت و ستیزه بپرهیزید .

دیل کارنگی

اگر زنی به شما گفت ای بابا دیگر از من گذشته بدانید که منتظر است شما فوراً در صدد اعتراض برآید .

؟

انسان بر اثر نداشتن حوصله کارش بطلاق میکشد و بر اثر نداشتن حافظه دوباره ازدواج میکند .

مارسل گرانژ

انتخاب پدر و مادر دست خود انسان نیست ولی انتخاب مادر شوهر و مادر زن دست خود انسان است .

خانم پرل. پاک

ازدواج مشابه بهندوانه است که گاهی خوب و چه بسا که بسیار بد است .

مثل اسپانیولی

ازدواج زود شتاب بزرگی و دیر شتاب بزرگتری است .

مثل فرانسوی

ازدواج پدیده ایست برای تکامل مرد . — مثل سانسکریت

اشتهای زن دو برابر اشتهای مرد است، هوش او چهار برابر و هوسهای او هشت برابر . — مثل برمانی

اگر خواستی اختیار شوهرت را در دست بگیری اختیار سگش را در دست بگیر . — مثل اسپانیائی

اگر زنی خواست که تو بخاطر پولت داماد شوی، عروسی کن و پولت را از او دور نگاه دار . — مثل ترکی

اول زناشوئی کن، عشق خودش بوجود میآید . — مثل انگلیسی

با زنی ازدواج کنید که اگر مرد می بود بهترین دوست شما میشد . — بردون

با مصلحت دیگران ازدواج کردن در جهنم زیستن است . — شوپنهاور

با شوهر خود نیز مثل یک کتاب رفتار کنید، فصل های خسته کننده را اصلا نخوانید . — سوئی اسمارت

برای اینکه همسر خود را بیشتر دوست بدارید، گاهی با او قهر کنید و سالی چند روز تنها بسفر بروید . — ؟

برای یک زندگی آرام و بدون مخمصه شوهر باید کر و زن باید لال باشد . — سروانتس

برای ازدواج بیش از جنگ رفتن شجاعت لازم است . — گریستین

برای شوهر دانش لازم است، برای زن نجابت . — ژرژ هربرت

بعد از یکسال که از مزاوجت زن و مرد گذشت هیچکدام در فکر زیبائی صورت هم نمی افتند، و بر عکس هر دو متوجه خلق و رفتار یکدیگر میشوند . — اسمایلز

بموقع ازجابرخاستن و دردورهٔ جوانی تأهل اختیارکردن کاریست که هرگز کسی، ازانجام آن پشیمان نخواهد شد . بوستر

بهترین نگهبان سعادت دریک خانواده، عشق زن وشوهر نسبت بیکدیگر است . دومون لوزید

باقرض اگرداماد شدی باخنده خداحافظی کن . مثل آلمانی

برای اینکه درازدواج تجربه بدست بیاوری باید یکبار عروسی نمائی . مثل فرانسوی

برای یافتن زن خوب میارزد. که یک کفش بیشتر پاره کنی . مثل آفریقائی

پیش ازازدواج چشمهارا خوب بازکنید وبعدازآن کمی آنهارا روی هم بگذارید . فرانکلین

تاوقتیکه مرد عروسی نکرده اورا غیرکامل میخوانند بنابراین معلوم میشود پس ازازدواج کارمرد تمام است . بوب هوپ

تنها علاج عشق ازدواج است . آرت بوخنوالد

تاک راازخاک خوب ودخترراازمادرخوب واصیل انتخاب کن . مثل چینی

حسب ونسب زن ومرداززفتاریکه موقع پرخاش وجدال باهم میکنند معلوم میشود . شاو

خانه بدون زن عفیف، گورستان است . بالزاک

خانواده آموزشگاه رفتار وکرداراست. لبخندوترشروئی، مهربانی وبی مهری، وفاوبیوفائی، درستی ونادرستی ، زیاده روی وصرفه جوئی، همه رادراین مکتب میآموزیم وعجب آنکه پس ازسالها عمروتجربه بازبسیاری ازملکات

وعادات مزاحم ما نتیجهٔ پرورش در خانواده است که نتوانسته ایم از خود دور کنیم . — جان کایزل

دختر عاقل ، جوان فقیر را به پیر مرد ثروتمند ترجیح میدهد . — مثل ایتالیائی

داماد زشت و ناشخصیت به از داماد خوش صورت و بی لیاقت است . — مثل لهستانی

داماد که نشدی از یک شب شادمانی و عمری بد اخلاقی محروم گشته ای . — مثل فرانسوی

در موقع خرید پارچه حاشیهٔ آنرا خوب نگاه کن و در موقع ازدواج دربارهٔ مادر عروس تحقیق کن . — مثل آذربایجانی

دوام زناشوئی یک قسمت روی محبت است و نه قسمتش روی گذشت از خطا . — مثل اسکاتلندی

دو نوع زن وجود دارد ، با یکی ثروتمند میشوی و با دیگری فقیر . — مثل آفریقائی

زمانیکه زوجهٔ من با من است حاضر نیستم فقر و تنگدستی خود را با تمول ، کرا سوس معاوضه نمایم و .

اورا از دست بدهم . — بولتر

زناشوئی در حقیقت پیوندیست که از درختی بدرخت دیگر بزنید اگر خوب گرفت هر دو بارور میشوند و اگر بد شد هر دو خشک میشوند . — سعید نفیسی

زندگی خانوادگی شرکتی است که هرچه سهم دو شریک در آن بیشتر باشد قدرت آن شرکت و پایداری آن بیشتر خواهد بود . — سعید نفیسی

زندگی شیرین است اما برای دختری که هنوز عروس نشده باشد و برای پسریکه زن نگرفته باشد . — ؟

زندگی زناشوئی یک کوشش متقابل و یک فعالیت متقابل است .

زناشوئی عبارتست از سه هفته آشنائی سه ماه عاشقی سه سال جنگ و سی سال تحمل . تن

زن و مرد مانند جزیره ای هستند که میانشان دریای سوء تفاهم قرار گرفته باشد، همدیگر را نمی فهمند و احساس یکدیگر را درک نمی کنند .

زن گلی است که خارهای گزنده دارد .

زوجه خوب بمنزله عصای محکمی است که مرد در سنگلاخ حیات میتواند بدان تکیه نماید و هنگام بدبختی و فقر از شفقت و غمخواری وی تسلی و دلداری یابد .

اسمایلز

زورقی را تصور نمائید که دو نفر پارو زن داشته باشد، اگر پارو را متفقاً حرکت بدهند زورق بسهولت در روی امواج براه میافتد، اگر باهم متفق نباشند تلاطم آب زورق را لرزان و بلکه غرق میکند، دختر عزیزم این زورق را ازدواج و پارو زنان آن زن و شوهرند که در سطح دریای زندگی سیاحت می نمایند، اگر با یکدیگر موافق نشوند، موازنه را گم کرده به انواع بدبختی تصادف میکنند .

له وی

زن و شوهر اگر یکدیگر را بخواهند در کلبه خرابه هم زندگی می کنند . مثل آلمانی

زن مطیع فرمانروای قلب شوهر است . مثل انگلیسی

زن عاقل با داماد بی پول خوب میسازد . مثل ایتالیائی

زناشوئی غصه های خیالی و موهوم را به غصه نقد و موجود تبدیل میکند . مثل آلمانی

زنان مانند کوههای خوش منظره ای هستند که باید آنها را از دور دید و از مناظرشان لذت برد . مثل ژاپونی

زنی سعادتمند است که مطیع شوهر باشد . مثل یونانی

سختیها و ناراحتی ها بهترین وسیله آزمایش زندگی زناشوئی است زیرا رنج و محنت اخلاق حقیقی زن و مرد را آشکار میسازد . اسمایلز

زیبائی زن مانند آلت برنده ایست که در دست کودک باشد، هم برای خودش و هم برای دیگران خطر دارد . مثل عربی

شوهر باید مغز خانه و زن قلب آن باشد . سیروس

عروسی های غیر متناسب مانند پارچه های ابریشمی و پشمی است که بالاخره ابریشم پشم را قطع خواهد کرد . بالزاک

عشق سپیده دم ازدواج است و ازدواج شامگاه عشق . بالزاک

غالب هنرمندان در ازدواج شکست میخورند، برای اینکه اول با هنر خود ازدواج کرده اند نه با شخصیت یکدیگر . غ - ذ

- قبل از اینکه بجنگ بروی یک بار، پیش از رفتن بدریا دو بار و قبل از زن گرفتن سه بار دعا کن . دانشمند لهستانی

قبل از ازدواج درباره تربیت اطفال شش نظریه داشتم، حالا شش فرزند دارم ولی دارای هیچ گونه نظریه ای نیستم . لرد روچستر

قبل از ازدواج مرد یاد میگیرد که چگونه بی صبریش فائق آید، بعد از ازدواج میآموزد چگونه برصبرش فائق آید .

ژرژ ساند

کسانیکه ازدواج کرده اند خود را ناراضی نشان میدهند و میگویند زن بد است ، زیرا میخواهند فقط و فقط خودشان از این موهبت تمتع گیرند .

دیزرائیلی

لطف ازدواج در این است که یک عمر زندگی تو أم با فریب را برای هر دو طرف لازم جلوه میدهد . اسکار وایلد

لیاقت داماد به قدرت بازوی اوست .

مثل چینی

مردانی که میکوشند زنها را درک کنند فقط موفق میشوند با آنها ازدواج کنند .

بن بیکر

مرد با ازدواج خطر روی گذشته میکشد ولی زن با ازدواج باید خطر روی آینده خود بکشد .

سینکارلویس

مسرات حقیقی در اثر ازدواج بدست میآید .

پاستور

مطیع مرد باشید تا او شما را بپرستد .

کارول بیکر

منظره پسر جوان و دختر جوانی که برای نخستین بار یکدیگر را ملاقات میکنند، تماشائی و جالب توجه است .

شوپنهاور

من تنها با مردی ازدواج میکنم که عشقه شناس باشد زیرا فقط در این صورت است که هرچه پیرتر شدم در نظر شوهرم عزیزتر خواهم بود .

آگاتا کریستن

مرد یکه بخاطر پول زن داماد شود به نوکری میرود .

مثل فرانسوی

نادان ترین افراد کسانی هستند که بمصلحت دیگران ازدواج میکنند. شوپنهاور

ناپلئون در آخرین ملاقاتش با زن خود، ژوزفین، گفت «ژوزفین، من در روی زمین آن مقدار که آدمی را میتواند شاد دارای شوکت و قدرت بودم، با وجود این در این ساعت تو تنها کسی هستی که با تو یکیه توانم کرد.» ناپلئون

وقتیکه زنان دوستمان میدارند ما را از هر لحاظ بدیده عقل مینگرند، حتی جنایاتمان را، ولی وقتیکه علاقه ای بما نداشته باشند از رشتی حتی بفضائلمان قائل نمیشوند. بالزاک

وقتی که با خرج زیاد داماد شدی همه خوشحال میشوند و خودت تا آخر عمر بدحال میمانی. مثل یونانی

هر اجتماعی نیازمند به رهبری است، در خانواده رئیس شوهر است. ناپلئون

هرچه عده متأهلین زیادتر گردد جنایت کمتر خواهد شد. ولتر

هر کس طالب بهشت در دنیا باشد باید سراغ خانه خودش را بگیرد. ؟

همه میدانیم ارتباط در موقعی لذت بخش است که تمایل متقابل برقرار باشد وگرنه نتیجه آن جز پلیدی روح و جسم چیز دیگر نیست. مترلینگ

هیچ چیز غرور مرد را مثل شادی زنش ارضا نمیکند. چون همیشه آنرا مربوط بخود میداند. جونسون

هیچ چیز زیباتر و بهتر از زندگی مرد و زنی نیست که در کمال توافق فکری خانه خود را اداره میکنند. ؟

هنگام ازدواج بیشتر با گوشهایت مشورت کن تا با چشمهایت. مثل آلمانی

هیچ زنی در راه رضای خدا با مرد ازدواج نمیکند .

مثل اسکاتلندی

یک زن در هر زمان بیشتر ترجیح میدهد همسر مردی شود که زندگی خوبی نداشته باشد تا مردیکه شوندهٔ خوبی نباشد .

کین هابارد

یک زن خوب بآنچه که شوهرش علاقمند است علاقه نشان میدهد .

دودنی کارنگی

چو نیمه لقمت تنها زن ار چه نکوست دگر نیمه اش سایه شوی اوست

زنان سایه شوی کهن هنر بر شوی زن به که تخم پدر

به سیب خشک بود هر شاخ خویش ولیکن نه سیبی به هر بیخ بیش

زن از چند با چیز و با ابروی نگیرد دلش خرمی جز بشوی

یگانه گهر گر چه فلاله به نگوید چه خفتش همه شه به

استاد

آموزگاری که کودکی را برای نقص در طبیعت او کتک میزند، باید خودش را بزند ممکن نیست که همه تازیانه‌ها عالم بتوانند هنری را که باید در وجودی بیدار کند، یک دقیقه پیش از وقت مقرر آن بیدار کند. فوکر

آموزگار در صف مقدم است و من با و اعتماد دارم و میدانم که با سلاح خود یعنی کتاب ابتدائی خود بر صفوف دشمن پیروز خواهد شد. بودگهم

از دانش آموزی که فکر روشن دارد، ناامید نشو. امونز

از بزرگی پرسیدند که چرا احترام آموزگار را از پدر بیش میداری؟ جواب گفت پدر فراهم سازندهٔ زندگانی فناپذیر من است و آموزگار سبب حیات جاودانی من. لوامع الاشراق

استاد پرورندهٔ روان است، و پدر و مادر پرورش دهندهٔ جان. قابوس

اطفال بیشتر بد دستور و سرمشق محتاجند تا انتقاد و عیب جوئی. ژوبر

افرادیکه بزرگترین خدمت را بعلم و فرهنگ نموده‌اند، نویسندگان و محققانی بوده‌اند که در انزوا میزیسته‌اند و هرگز در مباحثات دانشگاهی شرکت نکرده حقایق نیمه راست را در آکادمی‌ها ابراز نداشته‌اند. ولتر

اگر از جغد متابعت کنی به ویرانه ات خواهد برد . مثل عربی

من از یاد دادن آنچه یاد گرفته ام هرگز خسته نشده ام ! این یگانه خدمت ناچیزی است که من
از آن نسبت بخود میتوانم داد . کنفوسیوس

هدف بزرگ آموزش و پرورش باید تربیت قوای دماغی باشد نه انباشتن مغز با معلومات و
اندوخته های دیگران . تیوون ادواردز

هر جا که بشر را دوست بدارند . فرهنگ را هم دوست خواهند داشت . سقراط

هر آموزشگاهی را که باز کنید در زندانی را بسته اید . ویکتور هوگو

هر کس را می بینم از یک حیث برمن برتری دارد ، از این جهت است که من از هر کس پندی میگیرم و چیزی میاموزم؟

همسایه تو معلم تو است . مثل آلمانی

هنوز هیچ تسلیحی از آسمان نیفتاده است . مثل آلمانی

کمتر از عیوب دیگران را جرأت نداریم آشکار سازیم و آنها را بصورت مدحهای مبدل درمیاوریم . لارشفوکو

یک مادر خوب به صد استاد و آموزگار میارزد . ژرژ هربرت

کسیکه در خود آتش ندارد نمی تواند دیگران را گرم کند . مثل آلمانی

کسیکه پاروزنی بداند همیشه جائی در قایق پیدا میکند . مثل افریقائی

لازم است به عیوب کسیکه با و میآموزیم کاملاً واقف باشیم .

نیکول

مردیراکه مهیای آموختن است، تعلیم ندادن انسانی را بهدردادنست . مردیراکه آمادهٔ آموختن نیست، تعلیم دادن سخن بهدردادنست . خردمند انسان را بهدر ، میدهد و نه سخن را .

کنفوسیوس

معلم میتواند جهان را تغییر دهد .

لایب نیتز

معلومات کهنه را بکاربردن و از روی آن معلومات تازه ای بدست آوردن از اصول عمدهٔ آموزش است، هر که این کار را بجا بیاورد او را میتوان آموزگار نامید .

کنفوسیوس

معلم را بر پدر شرف باشد بقدر آنکه روح از جسم شرف است زیرا معلم سبب کمال و تربیت روحانی است و پدر سبب تربیت جسمانی .

جلال الدین دوانی

رشد یا عدم رشد افراد را با درجه دیر باوری یا زود باوری آنها میتوان تشخیص داد .

گراسیان

زن و فرزندان خود را از تحصیل دانش و کسب پرورش باز مدار، تا غم واندوه بر تو راه نیابد و در آینده پشیمان نگردی .

پندنامهٔ آذرآباد

سختی و مشقت استادی است که بزرگترین رجال عالم کمر شاگردی و خدمت او بسته اند .

جری تایلور

سوزن را بدست کسانی بده که دوخت و دوز بلدند .

مثل کردی

طبیعت هیچ چیز را چندان ناچیز نساخته است که دانا ترین مردمان نتواند از آن درس بیاموزد .

س. آلین

طبیعت آموزگار آدمی است. گنجینه های خود را در مقابل او میگشاید، چشم او را باز میکند، ذهن او را روشن میسازد

و قلب او را پاکیزه میکند. — ستریت

عالم باید پند بگوید، مگر برای آنکه بپذیرد و خودپسند و مغرور نباشد. — حضرت امیر(ع)

فرهنگ ما آن چیزی است که خود هستیم. تمدن ما آن چیزیست که داریم. — مک آی ود

کار، استاد را تمجید میکند. — مثل آلمانی

کسیکه مردم را از آموختن و تعلیم منع کند انسانیت از او مفارقت کرده. — ؟

چه بسیار صاحبان مال و مقام که باید تشخیص و نجابت را از تهی دستان و خردان بیاموزند. — محمد حجازی

دانشمند هر قدر از دانش خویش بخشد بمعلومات خود میافزاید. — حضرت امیر(ع)

دانش خود را بدیگران آموزش ده و دانش دیگران را بیاموز چه علم خود را انفاق کرده ای و آنچه

را نمیدانی آموخته ای. — امام حسن(ع)

دانشگاه تمام استعدادهای افراد را از جمله بی استعدادی آنها را آشکار میکند. — چخوف

در هر ملت چراغی است که بعموم افراد نور میدهد و آن معلم است. — هوگو

در سیکه از سنجاب میآموزیم مفید است که در موقع پرش شاخه بالا را هدف میگیرد تا براحتی روی شاخه

پائین بنشیند. — ؟

در یک فن استاد بودن بهتر از آن است که شخص در صد کار دخالت کند و هیچ یک را خوب نداند . مثل فارسی

اگر سالخورده هستی پند و اندرز بده و اگر جوان هستی به نصیحت دیگران گوش فراده . مثل چینی

اگر کسی بشاگردی نزد من آید و من بخواهت مسأله ای را برای او بیان کنم او خود سه جهت دیگر آن را با قوهٔ فکر خویش

حل نکند من نمیتوانم با و چیزی یاد بدهم . کنفوسیوس

اولین قوای عاقله ترقی و تعالی مملکت مدرسه است . بیزمارک

بزرگترین درس زندگی اینست که گاهی احمق ها درست میگویند . چرچیل

بهترین باغبان کسی است که بداند چگونه علفهای هرزه را از بین برد . مثل آمریکائی

پرورش بسته باستعداد شاگرد و استادی پرورنده است . محمد حجازی

پسندیده ترین چیزی که پدران برای فرزندان بازگذارند فرهنگ است . حضرت امیر(ع)

پند حکیم همچو قطرهٔ آب که بر جای سوخته بیفتد . لااقل یک لحظه آرامش میبخشد . حجازی

تعلیم بزرگترین هدیه ایست که مردم نیکوکار میتوانند بگدایان و بینوایان بدهند . وولر

معلم چون بتعلیم خط از دستش قلم گیرد
خط او بیند و تعلیم از کف مشکین رقم گیرد

بابا افضل

ما چو طفلیم و جهان مکتب و عشق تو ادب
هجر و وصل تو بود شنبه و آدینه ما

مظهر

معلمت همه شوخی و دلبری آموخت
جفا و ناز و عتاب و ستمگری آموخت
همه قبیله من عالمان دین بودند
مرا معلم عشق تو شاعری آموخت

*

معلم کوتله کم کن که من بجنس شاگردم
پدر کو پند کمتر ده که من نامی فرزندم

سعدی

آنروز که تعلیم تو میکرد معلم
بر لوح تو ننوشت مگر حرف وفا را

مهدی حجت

خموشی پیشه کن در مکتب عشق
که درس عاشقی بی قیل و قال است

سحاب اصفهانی

روح پدرم شاد که میگفت بستار
فرزند مرا هیچ نیاموز بجز عشق

لاادری

استقامت ـ شکیبائی

آنکه از دست روزگار نخشم میاید هرچه آموخته بیهوده بوده است . گریستن

آنکه آشفته از جار فقه اختیار وجود خود را بدیوانه ای سپرده که بجای او حرف بزند و احیانا عمل کند . حجازی

آنکس که اراده و استقامت دارد ، روی شکست نمی بیند . مترلینگ

آدم عجول دشمن خویش است . مثل ایتالیائی

از دو صفت بپرهیز ، بیحوصلگی و تنبلی ، زیرا اگر بیحوصله باشی بر هیچ حقی صبر نتوانی کرد و اگر تنبل باشی برادای هیچ حقی قادر نخواهی بود . امام صادق

از دست دادن ثروت مهم نیست ، صبر را نباید از دست داد . ؟

از مرد آزاده استقامت و پایداری انتظار میرود نه اطاعت کورکورانه ! و همیشه استوار است آنا مرد متوسط همیشه جوشان و خروشان است . کنفوسیوس

استقامت ، مادر موفقیت است ، و موفقیت مادر سعادت . کاظم زاده ایرانشهر

استقامت راه موفقیت و خوشبختی است کسیکه استقامت نداشته باشد روی موفقیت را نخواهد دید . سید رضا صدر

وسیله فرمانفرمائی زیاد داشتن حوصله است . حضرت محمدؐ

اگر کوه ها بلرزه درآمدند. تو پا برجا و استوار باش . حضرت امیرؑ

اگر بر خود مسلط باشیم فرمانروای سرنوشت خود هستیم . کلینگر

اگر هر کس با فکر خود و بدون نفوذ خارجی برای رسیدن بهدفش کوشش کند سرانجام طبیعت تسلیم او شده و دنیا باو اقبال میکند . امرسون

انتظار نداشته باشید که چیزها موافق دلخواه شما باشد، بلکه همانطور که هست راضی شوید تا زندگی شما بآسایش بگذرد . اپیکتاتوس

انسان با استقامت و قدرت و نفوذ و تعقل و استدلال میتواند حتی بر وبا و طاعون غلبه کند. ناپلئون

اندر کارها شتاب زدگی نباید کردن و چون خبر شود آهستگی کار باید فرمود تا حقیقت آن پدید آید و دروغ از راست پیدا گردد که: شتاب زدگی کار ضعیفان است نه کار قادران سیاست نامه

انسان در دورهٔ جوانی در مسائل صبر و حوصله رسیدگی و قضاوت ندارد. بد و خوب و زشت و زیبا را بصورتی که دست تصادف بر لوح خاطرش نقش بسته. بی چون و چرا می پذیرد و یکی را بر گزیده معبود خود قرار داده با دیگری نشناخته دشمن خونین میشود . حجازی

انسان باید مثل کوه در ساحل دریا قرص و پا برجا باشد. به موج آب دریا بگوید تو آبی برو و بتوفانها بگوید تو بادی

رد شو .	غ . ذ
اگر بهنگام جذر نتوانی ماهی بگیری بهنگام مدآزمایش کن .	مثل آمریکا
افتخار را با تواضع و فقر را با صبر برگزار کن .	مثل امریکا
با دنیا مدارا کن و حوادث روزگار را با خونسردی و سنگینی بپذیر تا بر مراد خود پیروز شوی .	حضرت امیرؑ
باید با صبر و شکیبایی عیبهائی را که نمیتوانیم نه در خود و نه در دیگران تغییر دهیم تحمل کنیم .	عیسی مسیحؑ
با همین غصه که دارید بسازید، میترسم آن غصه بعدی که برای خود خواهید آفرید از این بدتر باشد .	حجازی
با استقامت بهمه چیز میتوان رسید .	لافونتن
بدبختی نشانی از کم صبری است .	سهل بن شوشتری
برازندگی به پایداری نیکوست نه بنیکونی قد و قامت .	؟
برای کسیکه آهسته و پیوسته راه میرود هیچ ابدی دور نیست .	لابرویر
برای انسان نعمتی از این بهتر نیست که بمقدرات خود سر تسلیم فرود آورده و مزه عظمت آنرا بچشد .	داستایوسکی
بردباری برای مردم مانند موتور است برای روشن کردن لامپ .	آلفرد دوموسه
بگذارید در مورد زیردستان خود صبر و حوصله بخرج دهیم زیرا آنها دیر روزمان را بخاطر ما میاورند .	گودبوگ
بهترین دستور زندگی اینست که انسان اعتماد بنفس داشته باشد و در پرتو سعی و جدیت بمقام و منزلتی برسد .	میکلانژ

بهترین چاره غضب بتأخیر انداختن آن است — سلیکا

بهتر آن است که پیش از وقوع حادثه بیمناک باشیم و پس از وقوع آن آسوده دل. نه اینکه پیش از حادثه آسوده دل و پس از آن بیمناک. — چرچیل

بی صبری شخص را از هیچ رنجی نمیرهاند، بلکه درد جدیدی برای از پا درآوردن شخص بوجود میآورد. — افلاطون

بی صبری در راه موفقیت مانع بزرگی است. — ناپلئون

بی صبری آدمی را از هیچ صدمه ای رهائی نمی بخشد بلکه آن یکدرد بسیار شدیدی است که بر سایر صدمات برای اضمحلال انسان افزوده میشود. — فنلون

با بردباری حلف تبدیل به شیر میشود. — مثل چینی

با صبر و بردباری برگ توت تبدیل به پیراهن ابریشمی میشود. — مثل چینی

با بردباری میتوان بیش از خشم نتیجه گرفت. — مثل افریقائی

بردباری کلید شادمانی است و شتاب کلید اندوه. — مثل تازی

بردباری در آسایش را باز میکند. — مثل شرقی

پاکدامنی و استقامت از تمام پیمانها و سوگندها محکمتر است. — مادام نکر

پیروزی و شرافت ملک بلامنازع کسانی است که دارای استقامت و ثبات قدم باشند. — گوته

رد شو .

غ . ذ

اگر بهنگام جذر نتوانی ماهی بگیری بهنگام مدآزمایش کن . مثل آمریکا

افتخار را با تواضع و فقر را با صبر برگزار کن . مثل امریکا

با دنیا مدارا کن و حوادث روزگار را با خونسردی و سنگینی بپذیر تا بر مراد خود پیروز شوی . حضرت امیرؑ

باید با صبر و شکیبایی عیبهائی را که نمیتوانیم نه در خود و نه در دیگران تغییر دهیم تحمل کنیم . عیسی مسیحؑ

با همین غصه که دارید بسازید، میترسم آن غصه بعدی که برای خود خواهید آشید از این مهمتر باشد . حجازی

با استقامت بهمه چیز میتوان رسید . لافونتن

بدبختی نشانی از کم صبری است . سهل بن شوشتری

برازندگی به پایداری نیکوست نه بخمیدگی قد و قامت . ؟

برای کسیکه آهسته و پیوسته راه میرود هیچ ابدی و ازلیت . لابرویر

برای انسان نعمتی از این بهتر نیست که بمقدرات خود سر تسلیم فرود آورده و مزه عظمت آنرا بچشد . داستایوسکی

بردباری برای مردم مانند موتور است برای روشن کردن لامپ . آلفرد دوموسه

بگذارید در مورد زیردستان خود صبر و حوصله بخرج دهیم زیرا آنها دیر و زمان را بخاطر ما میاورند . گودبوگ

بهترین دستور زندگی اینست که انسان اعتماد بنفس داشته باشد و در پرتو سعی و جدیت بمقام و منزلتی برسد . میکلانژ

بهترین چاره غضب بتأخیر انداختن آن است — سلیکا

بهتر آن است که پیش از وقوع حادثه بیمناک باشیم و پس از وقوع آن آسوده دل. نه اینکه پیش از حادثه آسوده دل و پس از آن بیمناک. — چرچیل

بی صبری شخص را از هیچ رنجی نمیرهاند، بلکه درد جدیدی برای از پا درآوردن شخص بوجود میآورد. — افلاطون

بی صبری در راه موفقیت مانع بزرگی است. — ناپلئون

بی صبری آدمی را از هیچ صدمه ای رهائی نمی بخشد بلکه آن یکدرد بسیار شدیدی است که بر سایر صدمات برای اضمحلال انسان افزوده میشود. — فنلون

با بردباری حلف تبدیل به شیر میشود. — مثل چینی

با صبر و بردباری برگ توت تبدیل به پیراهن ابریشمی میشود. — مثل چینی

با بردباری میتوان بیش از خشم نتیجه گرفت. — مثل افریقائی

بردباری کلید شادمانی است و شتاب کلید اندوه. — مثل تازی

بردباری در آسایش را باز میکند. — مثل شرقی

پاکدامنی و استقامت از تمام پیمانها و سوگندها محکمتر است. — مادام نکر

پیروزی و شرف ملک بلامنازع کسانی است که دارای استقامت و ثبات قدم باشند. — گوته

پیراهن صبر پوشیدم که علاج محنت را، هیچ چیز چون صبر نیست . — بوذرجمهر

تحمّل و بردباری بالاترین جرأت و جسارت است . — پاستور

تسلیم و رضا در برابر حوادثِ علاج ناپذیر، مهمترین توشه سفر زندگیست . — شوپنهاور

توهین ها مانند سکّه تقلبی اند ما ناگزیریم آنها را بشنویم ولی مجبور نیستیم قبولشان کنیم . — رسو ژن

تواضع، صفت بارز کسانی است که به کمال دست یافته اند . — ؟

تواضع دلیل بر ضعف و ترس نیست بلکه از بزرگ منشی حکایت میکند . — ؟

جهان متعلّق بافراد صبور است . — مثل ایتالیائی

چقدر بدبختند کسانیکه شکیبائی ندارند، هرگز با این خصلت در زندگی روی آسایش نخواهند دید . — شکسپیر

چند نیش پشه هرگز اسب چابک را از تاختن باز نمیدارد . — ولتر

چون بید خم شو، چون بلوط مقاومت کن . — ؟

حوادث چون روزها سپری میشوند . — مثل آفریقا

خشم را چون شربتی گوارا بنوش که من در مدت عمر شربتی باین شیرینی از گلو فرو نبرده ام . — حضرت امیر(ع)

خطاهای دیگران را چون خطاهای خویش تحمّل کن . — فنلون

خلق از آن در رنجند که کارها را پیش از وقت طلب میکنند . — شیخ ابی سعید

خونسرد بمانید تا بر همه کس تسلط داشته باشید .	سن روست
خونسردی بزرگترین صفت یک فرمانده است .	ناپلئون
در سختی ها دل داشته باش و در شدایدزندگی بحصار شکیبائی پناه برو مردانه پایداری کن بسرانجام پیروز و غالب خواهی شد .	؟
در روز مصیبت عظمت روح و توانائی اشخاص معلوم میگردد .	حضرت محمدؐ
دست لرزان، گره باز نمیکند و در خاطر پریشان فکر درست برنمیآید .	حجازی
دیروز رفت، فردا نیامده . فریاد عبث است، آرام باش !	؟
درد برای انسان صبور مفهومی ندارد .	مثل انگلیسی
راز بزرگ زندگی در شکیبائی است و نباید بخاطر یک آینده مبهم زمان حال را بر خود تلخ نمود .	ژان داوید
راز موفقیت در ثبات قدم نهفته است .	دیسرائیلی
رنجی که واقعاً شجاعانه تحمل شود حتی دل سنگ را نرم میسازد .	گاندی
روزیکه صبر در باغ زندگیت بروید بچیدن میوه پیروزی امیدوار باش .	مثل آلمانی
روزگار همه ی دردها را بروی برد باران میگشاید .	مثل چینی
زمان برای کسیکه میتواند صبر کند هر دری را میگشاید .	مثل چینی

زمان استاد بزرگی است و بسیاری از مشکلات را حل میکند .

کرنی

سازگار بودن معنیش اینستکه با ناسازگاری دیگران سازگار باشیم .

ژول رومن

سرعت و تندی کار را مجوی . بلکه خوبی و برگزیدگی آن را سعی کن زیرا که مردم از تو نپرسند در چه مدت کار را انجام دادی بلکه خوبی و بی نقصی آنرا میجویند .

افلاطون

شتاب باید کرد ، امّا در این شتاب چشم گشاده باید داشت که بیراهه ها در پیش و چاهها در راه است .

دکتر پرویز خانلری

صبور باش که صبوری ترازوی عقل و نشانهٔ توفیق است .

حضرت محمدؐ

صبر و تحمّل موقعی خوب است که اصل مشروعی داشته باشد وگرنه در مقابل حق کشی و تبعیض و بیدادگری صبر تعبیر میشود به ضعف و ضعف مقدمهٔ فناست .

زرتشت

صبر و حوصله شکل دیگر ناامیدی است که بهتر میتوان آنرا تحمّل نمود .

بیرس

صبر و امید دو حامل موفقیتند .

الکساندر دوما

عجله مباح نیست مگر در سه کار : یکی اینکه دختر بشوهر رود ، دوم آنکه میت را زود دفن کنند ، سوم آنکه طعام زود پیش میهمان برند .

تن

قدرت و تحمّل اکثراً با هم نسبت معکوس دارند ، قدرت اشخاص که زیاد میشود تحمّل آنها کم میشود .

؟

قوهٔ صبر و حوصله از بزرگترین مزایای عالیهٔ انسان بشمار میرود .

؟

قوت رأی وثبات عزم هرکس را در هنگام نکبت میتوان آزمود زیرا که حوادث زمانه بوته وفا و محک .

ثبات مردان است . کلیله ودمنه

کسیکه آهسته رود، دور رود . مثل چینی

کره زمین بمال اشخاص پشت کار دار است . مثل آلمانی

گذشت زمان بخودی خود بسیاری از رنجانی های ما را از بین میبرد . دیل کارنگی

مرور زمان غمهای ما را سبک میکند و با گردش ماه و خورشید محوش میسازد جواد فاضل

من به هیچ وجه اجازه نمیدهم تحت هیچ نوع شرایطی مأیوس گردم . سه چیز لازم برای رسیدن به یک هدف بارزش

عبارت است از کار ، استقامت و عقل سلیم . تامس ادیسون

موفقیتهائیکه نصیب بشر شده عموماً در سایه تحمل و بردباری بوده است . شکسپیر

موقع روی آوردن مصیبتی از خود بپرسید ۱- بدتر از بدش چه خواهد بود؟ ۲- خود را از قبول آن در صورت لزوم

آماده کنید ۳- آنوقت با آرامش در رفع و اصلاح آن بدتر از بد بکوشید . دیل کارنگی

مانند گاو نر بردبار، مانند شیر دلیر، مانند زنبور جمعکش و مانند پرنده خوشحال و بانشاط باش . مثل طبرستانی

نیرومندترین مردم آن است که خشم خویش نگه دارد . افلاطون

نیکوترین تدبیرات تحمل است و کار را بوقت خود گذاشتن . ؟

وقتی طوفان مصائب از چهار طرف شما را در میان میگیرد، بیهوده مضطرب نشوید و بفکر چاره باشید.

هرگز صبر و بردباری را از دست ندهید زیرا این آخرین کلیدی است که در را میگشاید. تاکو پیری

هر چیز را چون خطای خودتان نباشد میتوانید تحمل کنید.

هر اقدام بزرگ ابتدا محال بنظر میآید. کارلایل

هر روز با مشکلی رو برو میشوی بجای گریختن و در خود فرو رفتن با آن بمقابله برخیز.

همیشه چنان رفتار کن که گوئی هیچ حادثه ای اتفاق نیفتاده است و باین توجه نداشته باش که چه اتفاقی افتاده است؟

هنگامیکه دیگران خونسردی را از دست میدهند تو خونسرد باش.

هیچ ایمانی چون حیا و صبر نیست. حضرت محمد(ص)

هیجان و خروش از نیروی شخصی میکاهد و خونسردی را که مرد در جریان رویداد ها و موقعیت های بزرگ زندگی خود نیاز دارد دارد تشش میستاند.

هفت بار که افتادی برای هشتمین بار برخیز. مثل ژاپونی

هیچ چیز باندازه بردباری آکنده از پیروزی نیست. مثل چینی

هیچ چیز باندازه زمان از خود انتقام نمیگیرد مثل ایتالیائی

بزیر پاشت کوه چین زمین هموار — بزندگانی اگر عزم آهنین داری

؟

رهائی خواهی از سیلاب این ره — قدم برجای باید بود چون کوه
گر از هر بار چین بینی بپیشت — اگر کوهی شوی کاهی نگیرد

نظامی

شمع بر پای خود چنین بستار، — روشنی بخش گشت و بزم آرای
سرفرازی اگر چه بگدازد — هر که چون شمع بر پای جای
تیره بختی اگر شکست بکند — پند گیرد ز روشن رای

افسر

کن دو هم دمی هوس را بر — ون ز دل خویش
مرغان که بشاخه ها نغزند از بار — زانست که تکیه شان بود بر پر خویش

آیتی

محیط دایره آنکس بسر تواند برد — که پای همت چون پرگار استوار کند

قاسم آیتی

مه دل ما کار کتی سا نگیه دسر سری — سروری را بایدت میباید از سر بگذری

سخت جانی باید انر زیر بار حادثات — با حوادث بر نیاید سستی دون پروری

در قبای زورمندان زورمندی لازم است — ورنه طعم لقمه را کس نجرم لاغر

؟

گویند صبر کن که توانا صبر برد مدد — آری دمد ولیک بخون جگر دمد

من عمر خویش را بصبوری گذاشتم — عمر وداع بید تا صبر بر دمد .

سوزنی سمرقندی

صبر و ظفر هر دو چو همدم بودند — با اثر صبر نوبت ظفر آمد

گویند سنگ لعل شود در مقام صبر — آری شود ولیک بخون جگر شود

حافظ شیرازی

اعتدال

آنکه ترک میانه روی کرد سر گردان است . حضرت امیرؑ

آنچه که مایهٔ نگرانی بیشتر مردم است نداشتن پول نیست، بلکه نداشتن طریقهٔ خرج کردن آنست . دیل کارنگی

آنکه بیش از اندازه محتاط است بسیار کم کار انجام میدهد . شیللر

آنچه بار زندگی را بر دوش ما سنگین تر میسازد، عموماً زیاده روی در خود زندگی است . روسو

آهسته برو همیشه برو . مثل امریکائی

انسان فهمیده و خردمند کسی است که هیچ عادات و انس او را کور و کر نکند . سعید نفیسی

از آهسته رفتن مترس، از بیحرکت ایستادن بترس . مثل چینی

از فرط غرور . نه . و از فرط ضعف « آری . مگو . مثل اسپانیولی

انسان در هر کار باید بداند کجا باید ترمز کرد . مثل فرانسوی

برتری همیشه منفور بوده است، و هنگامیکه برتر از همه ای بیشتر منفوری . گراسیان

بسیاری از اشیاء لوکس و چیزهائیکه وسائل آسایش خوانده شده نه تنها ضروری نیستند بلکه موانع بزرگی فراراه .

ترقی وتعالی انسانند .

نتورو

بهترین کار میانه روی است .

حضرت امیرؑ

بیش از حد عاقل بودن کار عاقلانه ای نیست .

؟

پای خود را از زیاد رفتن بخانه همسایه ات باز دار، مبادا از تو سیر شده از تو نفرت نماید .

؟

تا انسان تمایلات خود را در حد اعتدال نگه ندارد سعادت و خوشی نخواهد داشت .

حسنعلی راشد

جهان بزرگتر و فراختر از آنست که مردمی کوته نظر آنرا بخود اختصاص دهند و از خود بدانند و بدانچه خود .

دارند مغرور باشند .

سعید نفیسی

حوادث پیش آمدها ، هر قدر مهم و بزرگ باشد، شخص خونسرد یکه توازن و اعتدال را از دست .

نمیدهد، میتواند بر آنها چیره شود .

دکتر مارون

خردمند از افراط و تفریط می هراسد .

آئین تا او

خشم بیش از حد گرفتن وحشت آورد و لطف بیوقت هیبت ببرد .

سعدی

در آشوب زمانه همچون شتر بچه پرنباش که نه پشتی دارد که بنشیند و نه پستانی که بدوشند .

حضرت امیرؑ

در عالم هیچ افراطی زنده تر از افراط در حق شناسی نیست .

لابرویر

در موفقیت هم باید راه اعتدال پوئید .

؟

صرفه جوئی خود یکی از منابع مهم درآمد است . الکساندر دوما

عیسوی تر از پاپ، کاسه گرمتر از آش و رنگ بالاتر از سیاهی مباش . ؟

کسانیکه از درآمد کم خود نمیتوانند پس انداز کنند، از درآمد زیاد نیز قادر به پس انداز نخواهند بود. دکتر ماردن

محبوب و مغضوب بودن، هر دو رنج آور است . تا اونه کینگ

مرد عادل و خردمند سرنوشت حقیقی را طرز استنباط از زندگی و حفظ تعادل بین افکار خود و قوای-

طبیعت میداند . مترلینگ

مرد خیس، گرانتر میرد از . تا اونه کینگ

مرد بزرگ از سه چیز پرهیز میکند، شهوت در جوانی، ستیزه جوئی در ابتدای کهولت و جاه طلبی در پیری. کنفوسیوس

میانه روی و اندازه نگاهداشتن، کمال طبیعت آدمی است . کنفوسیوس

نه طوطی باش که گفته دیگران را تکرار کنی، و نه بلبل باش که گفته خود را بهدر دهی . سعید نفیسی

نه چندان نرمی کن که برتو دلیر شوند و نه چندان درشتی که از تو سیر گردند . سعدی

نمیگویم دستخوش هیجان نشو، اما خودت را با آتش هیجان ها نسوزان . مثل انگلیسی

وقتیکه یک چیز غیر لازم میخوری، لازم است ده چیز دیگر برای تکمیل آن تهیه کنی، پس بهتر است از هوی و هوس

اولین جلوگیری کنی تا مبتلای بعدی نشوی . فرانکلین

وقتی مورچه بال پیدا میکند سرش را از دست میدهد .

؟

همچنانکه نور زیاد مانع دیدن میشود، فراوانی نعمت مانع لذت و برخورداریست . حجازی

همه ما نمیتوانیم ناخدای کشتی باشیم، ولی میتوانیم ملاح باشیم . دوکلاس مالوک

هرکس از صف اول کنار رفت در صف دوم میدرخشد . مثل فرانسوی

ز کار زمانه میانه گزین — چه خواهی که یابی ز خلق آفرین

کسی کو میانه گزیند ز کار — پسندایه آید کشش روزگار

ستوده کسی کو میانه گزید — تن خویش را آفرین گستریده

چو داری بدست اندرون خواسته — ز روسیم و اسباب آراسته

هزینه چنان کن که بایدت کن — نباید فشاند و نباید فشرد

فردوسی

چنین تشه باشی و جمله بر خوی مترا — چنین زنده زار خویش بی بهره باشی

تعلیم زاره کیه در عقل و معاش — چیزی بود خوی مکش و چیزی میاموز باش

لعمدجابی

نرمی ز صد مبر که چو در زان مار زیست — هر طفل نی سوار کند مار زیانه ای

نه چندان بخور کز دهانت برآید — نه چندان که از ضعف جانت برآید

سعدی

اعتقاد

آنکه خیال میکند ایمان ندارد، در اشتباه است، زیرا هر سری فکر میکند و معتقداتی دارد که همان ایمان است. — هجاری

آنچه که به پروردگار میدوزیم دوست داشتن دیگران است. — لاکوردر

آنچه انسان هرگز نخواهد فهمید اینستکه چگونه در مقابل کسی که ما را آفریده و همه چیز ما از اوست مسئول خواهیم شد و او از ما باز خواست خواهد کرد. — مترلینگ

آزادی وجدان نشانهٔ خداپرستی است. — مثل ایتالیائی

از دو چیز به خدا می نالم، سادگی و بیهوشی مردم در سستکار، زیرکی و فراست اشخاص متقلب و خائن. — حضرت امیر(ع)

از آنهاکه دور و هستند بشیر تنفرم تا آنهاکه دو خدا دارند. — حضرت موسی(ع)

اگر میخواهی هستی را بشناسی خود را بشناس. — سقراط

اگر مذهب ما را تسلیت نمیداد زندگی رقت انگیزی داشتیم. — تولستوی

اگر بت ها را واژگون کرده باشی کاری نکرده ای وقتی واقعاً شهامت خواهی داشت که خوی بت پرستی را در درون خویش از میان برداشته باشی. — نیچه

اگر من با صد سر داشته باشم همه را در راه حق میدهم و حاضرم از عقیده و ایمان خود دست بکشم . مارتین لوتر

انکار وجود خدا بمنزله انکار وجود انسان است . مترلینگ

انسان با ایمانی نیاز دارد که بتواند با آن در برابر ناروائی های مولود جنگ گرم و سرد مقاومت ورزد . برتراند راسل

اولین و آخرین فلسفه همواره دین بوده است وحشی ترین اقوام نیز در آن آزمایش کرده ، زیرا هیچ ملتی که کاملا بی دین باشد در روی زمین پیدا نمیشود . هردر

ای طبیعت ای حکمران همه موجودات ، و شما ای اختران شایسته ستایش طبیعت ، ای فضیلت ، ای عقل شما برای ما خدایان یگانه باشید . دولباخ

این کفر نیست که من میگویم انتهای کفر ایمان است . هرچه دانش ما بالاتر برود ، بهمان نسبت خداوند را بزرگتر از آنچه هست خواهیم شناخت . خدائیرا که پیشینیان میپرستیدند ، غیر از خدائی است که ما شناخته ایم ، ما که در علوم پیشرفته و عجایب بسیاری را کشف کرده ایم خداوند را میلیون بار بزرگتر خواهیم شناخت . مترلینگ

ایمان بزرگترین عاطفه بشری است . سِرک گارد

ایمان و احکام آن دارای تأثیر و نفوذ غیر قابل انکاری است . محمد با دین خود جهان را رام کرد و او - فاتح و جهانگیر است . ناپلئون

بتوانائی خویش ایمان داشتن نیمی از کامیابی است . روسو

بدان که ایمان بر سه وجه است. بیم و امید و مهر. بیم چنان میباشد که ترا بر طاعت وادارد و مهر چنان.

میباشد که در دل تو تخم خدمت کارد .

خواجه عبدالله انصاری

برودی روزگار انتقاد و عیبجوئی به پایان میرسد و بوسیلهٔ پیشرفت تمدن آزادی فکر به تمام معنی در جهان حکمفرما

میشود، و همه کس میتواند بدلخواه خود راجع بفلسفهٔ وجود فکر کند .

کوت

بسختی میتوان در بین مغزهای متفکر جهان کسیرا یافت که دارای یک نوع احساس مذهبی مخصوص بخود نباشد. این

مذهب با مذهب یک شخص عادی فرق دارد .

انیشتین

بطور کلی تعلیمات مذهبی ژاپون، روح فضیلت ثبات و شجاعت و تحمل و امانت و تسلط بر نفس را در تمام افراد از مرد

و زن پدید میآورد و همین صفات ملت ژاپون را در شمار ملل معظم دنیا در آورده است .

لرد اویبوری

بعضی صلیب را روی گور خود میگذارند و برخی از لنگر کشتی میسازند .

؟

بت تراشها کمتر اطاعت بت را مینمایند و کمتر معتقد بآنها هستند زیرا میدانند که چه ساخته اند.

مثل چینی

بی آزاری بهترین دین است .

مثل سانسکریت

تا وقتیکه قلب شما نخواهد، مسلماً مغزتان هرگز چیزی عقیده پیدا نمیکند .

ویلیام جیمس

تمام بدبختی ها و عذابهائیکه خدای شما برایتان میفرستد از طرف خود شما فرستاده میشود .

مترلینگ

توده عقاید خود را حاضر و آماده از بازار آزاد فراهم میکند .

کولستون

حتی خدا را هم هر کس به تناسب شعور خویش می شناسد . امیل ناگه

در ایمان قطعی همواره باید آتشی نهفته باشد که خاشاک پلیدی و بدگمانی را سوخته و خاکستر سازد . بایگون

در هر ذره ای از ذرات این نشان موجود است که او است آن خدای یگانه که هستی هر هستی بهستی اوست . ابوعلی سینا

در مغز و قلب متر لینگ خداوندی چنان بزرگ و لایزال وجود دارد که از آغاز پیدایش بشر یک چنین خدای بزرگ و

توانا بفکر هیچ متفکری نرسیده است پرنس دوبروگلی

در وغ آئین اربابان و بردگان و حقیقت خدای انسانهای آزاد است . ماکسیم کورکی

دین عبارت است از شناختن تکالیف بشری در شکل اوامر خدائی . کانت

دین برای فراغت خاطر و آرامش خیال بیشتر از آنچه بتوانیم تصور کنیم مفید است ، در روزگار بدبختی و بیچارگی ، دین بهترین

وسیله ایست که ما را تسلیت داده ، فشار نا راحتیها را سبکتر سازد . لرد آویبوری

دین سه اصل مهم که بنیاد حیات اجتماع بر آن سه اصل استوار است در جامعه ایجاد میکند ، یکی الفت و یگانگی میان

افراد ، دوم جلوگیری از شر و آزار افراد نسبت بیکدیگر ، سوم وادار کردن افراد بمعاونت و کمک

چیز رساندن به یکدیگر . حسینعلی راشد

دین تنها یکی است ، اما اعتقادات ممکن است انواع یا دداشته باشد . کانت

دین در هر شکلی که تظاهر کند همیشه بیک احتیاج وحی و معنوی بشریت میماند . فوتر باخ

ریاکار آن کسی است که جامهٔ خدمتگزاران خدا را می‌درد تا آن را بر تن شیطان بپوشاند . پولوک

سازندهٔ بت هرگز بت پرست نمیشود . مثل چینی

شمشیر میتواند روح را از بدن جدا سازد ، ولی هرگز نمیتواند عقیده‌ای را از مغز کسی بیرون براند . لوردکالون

عبادت مردیکه بطمع بهشت ، عبادت خدا می‌کند سوداگریست . امام زین‌العابدین(ع)

عظمت خدا می هر کس باندازه بزرگی مغز او است و بعبارت دیگر بزرگی خداوند بقدر شایستگی ماست . مترلینگ

عقل چیست که میتواند با پای چوبین استدلال که سخت بی ثبات و تکین است بحریم هستی مطلق نزدیک شود . توفیق الحکیم

عقیدهٔ یکه مردم از ترس جانشان بپذیرند پایدار نیست . سعیدنفیسی

کسیکه فقط یک دین را می شناسد دین ندارد . ماکس مولر

از کسانیکه دینشان ، دامی برای باج گرفتن است اطاعت مکن . ابوالعلا

محققی که در جستجوی خدا است ، ایمانش صد برابر محکمتر از آنهائیست که بخدائی ندیده و نشناخته و تحقیق نکرده ایمان دارند ، خدای آنها خدا نیست اسباب دلگرمی است . مترلینگ

مذهب نیروی بزرگی است . تنها نیروی محرکه واقعی جهان ، اما شما بایستی دیگران را از طریق مذهب خودشان بحرکت وادارید نه از طریق مذهب خودتان . برنارد شاو

وقتی همه با من هم عقیده میشوند، تازه حس میکنم که اشتباه کرده‌ام .

اسکار وایلد

هر که خود را شناخت خدای خود را شناخته است .

حضرت محمدؐ

هر کس که بمطالعه و درس کالبد شناسی بپردازد، به اعتقاد من هرگز منکر خدا نخواهد شد، قالب بدن انسان سازگاری اجزای آن با یکدیگر چندان شگفت انگیز و معمائی است که بنظر من آنرا باید بزرگترین معجزه طبیعت دانست .

لودد هربرت

هر که اهمیت بزرگ دین را کوچک شمارد با وجود روشندلی خود با خرافات مشغول شده و هر جا که ترس از خدا از بین برود بی‌بجا می هوی و هوس نفسانی را آغاز میکند .

لایب نیتس

هزار سال اگر روی خود را بطرف مشرق و مغرب یا شمال و جنوب کرده و یک سلسله کلمات متحد الشکل و یکنواخت را بصورت دعا تکرار نمائیم، یک قدم در طریق شناسائی خدا جلو نخواهیم رفت . ولی اگر یکساعت در لابراتوار روی فلان ماده و فلان جانور و یا میکروب خم شده و مطالعه کنیم یکقدم ما را در شناسائی خدا جلو خواهد برد . ترنگینگ

هیئت‌های مسیحی وقتیکه بسرزمین ما آمدند دارای آئین مقدس بودند و ما صاحب زمین بودیم، اکنون آنها مالک زمین هستند و ما دارای آئین مقدس .

یک دهقان آفریقائی از کتاب اقتصاد قرن بیستم

هیچکس نمی تواند خدا را برای دیگران توصیف کند، زیرا بمحض اینکه توانست خدای خویش را وصف کند، دیگر او خدا نبوده، بلکه مثل من و شما است .

مترلینگ

یگانه دعائی که شایسته خداوند میباشد اینست که در حضور او ایستاده و بگوئیم، خدایا ما ترا نمی شناسیم و غیر از این

هرچه بگوئیم اگر کفر نباشد موجب تحقیر اوست — مترلینک

یک پرندهٔ کوچک که زیر برگها نغمه سرائی میکند برای اثبات خدا کافی است . — ویکتور هوگو

آفرینش همه تنبیه خداوندد لست — دل مزارد که ندارد بخداوند اقرار

این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود — هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار

سعدی

گر آنکه ز ذره ذره نمایان شده ای — ور هر طرفی چو مهر تابان شده ای

در کعبه و دیر جمله یاد روی تو ست — تو مقصد کافر و مسلمان شده ای

طالب آملی

بگو یک ره کجا جویم ترا ای دوست از حیرت — که هر جانب نظاره روی آفرین بینم

لاادری

بنام خدائی که بر ذات وی — محال است هرگز بر د عقل پی

قاآنی

چشم بگشا که جلوهٔ دیدار — متجلی است از در و دیوار

عطار نیشابوری

زروز گذر کن ز اندیشه کن　　پرستیدن دل گرا اندیشه کن

فردوسی

گر رفته ای ز دل که تمنا کنم ترا　　گر بوده ای نهفته که پیدا کنم ترا

غایب نگشته ای که شوم طالب حضور　　پنهان نگشته ای که هویدا کنم ترا

فروغی بسطامی

بر شاخ طرب سبز ارد ستان توایم　　دل داده بر این نغمه و دستان توایم

از دست مده که زیر دستان توایم　　بگذر ز گناه ما که مستان توایم

خواجه عبدالله انصاری

اعتماد بنفس

اگر دستم را در دهان اژدها فرو برم، خوشتر دارم از اینکه از ناکسی که بمقامی رسیده چیزی بخواهم. حضرت امیرؑ

اگر بکسی اعتماد نداری از او پرهیز کن. ناپلئون

بگرسنگی مردن بهتر که نان فرومایگان خوردن. سعدی

بهر اندازه که محتاج خدمتکار باشیم او فرمانروا خواهد بود. حجازی

تا میتوانی از درخواست کردن خویشتنداری کن. حضرت محمدؐ

تمام وعده و نویدهای دنیا فریبی بیش نیست و بهترین دستور زندگانی اینستکه اعتماد بنفس داشته باشد و در پرتو سعی و مجاهدت خود بمقامی برسد. میکلانژ

جوانمرد آنست که دارائی خود را بدهد و آبروی خویش را نگاه دارد. حضرت امیرؑ

حاجت روا نا شدن به از عرض حال نا اهل کردن است. ؟

خواری در درخواست از خلق است. حضرت امیرؑ

خلعت سلطان اگرچه عزیز است، جامهٔ خلقان خود بعزت تر و خوان بزرگان اگرچه لذیذ است خردهٔ نان.

خود بلذت تر — سعدی

خودستا مایل است که بوسیلهٔ شما اعتماد بخود را بیاموزد، وی از نگاههای شما تغذیه میکند و در دستهای شما تعریف و تمجید نسبت بخود را می بلعد. — نیچه

در دنیا تنها کسی موفق میشود که با نظار دیگران ننشیند و همه چیز را از خود بخواهد. — شیللر

سنگ بجای خود سنگین است. — ؟

شرافت مانند تیری است که چون از کمان گذشت بازگشت آن ممتنع است. — حضرت امیر

عظمت واقعی در اینستکه بر نفس خود مسلط باشید. — دانیل دیفو

کسیکه بر نفس خود غلبه نکرد بر هیچ چیز غالب نخواهد شد. — زرتشت

کسیکه از سرنوشت خود شکایت کند از کوچکی و ناچیزی روح خود شکایت کرده است. — مترلینگ

کسیکه بخود اطمینان دارد بتعریف کسی احتیاج ندارد. — گوستاولوبون

کسانیکه عزت نفس ندارند الم ذلت و اهانت را درک نکنند لیکن صاحبان نفوس شریفه با یک سخن کوتاه و با یک کلمه ملول و متاثر میشوند. — ارسطو

کسیکه هرچه ببیند و بشنود با او برخورد و متغیر نشود من اصلا با او کاری نخواهم داشت. — پرسیس

مانند پرنده باش که روی شاخهٔ سست و ضعیف لحظه ای می نشیند و آواز میخواند و احساس میکند شاخه میلرزد ولی

مع ذالک باد آواز خواندن خود ادامه میدهد زیرا مطمئن است که بال و پر دارد .

هوگو

محترم و عزیز بدارید خود را تا پیش همه کس عزیز بمانید .

بهروز

مرد آزاده بهیچ وجه دست افزار کسی نمیشود یعنی برای وی شایسته نیست که خود را آلت مقاصد دیگران بسازد، او مقصد خویشتن است .

کنفوسیوس

نمیدانید تا چه حد اعتماد به نفس باعث اعتماد بهر چیز دیگر میشود .

هوگو

وقتی عدم اعتماد شروع شود صمیمیت از بین میرود .

پوشکین

هرگز با حساساتیکه در اولین برخورد از کسی پیدا می کنید نسنجیده اعتماد نکنید .

آناتول فرانس

هر کس که بر نفس خود مالک شد، بر نفوس دیگران نیز مالک و مستولی شد .

؟

هیچ چیز بیش از نیروی درونی، بیش از اعتماد به نفس شخص را قوی و نیرومند نگه نمیدارد، و قتیکه این قوت باطنی متزلزل شود، یکباره قوای بدنی شخص فرو میریزد و او را از پای در میآورد .

سعید نفیسی

یک قدم خواری بخوشی جاودانی نمیارزد .

حضرت امیر(ع)

خودستائی چشم عقل را کور و خلق حمیده را بدرندگی تبدیل میکند، او بمردم طوری نگاه میکند که گوئی بردگانی در برابرش زندگی مینمایند .

غ - ذ

خودستا نماینده جنون بشریت است .

غ - ذ

اظهار عجز پیش ستم پیشه اهلبیت — اشک کباب موجب طغیان آتش است

صائب تبریزی

خاک انگشت خویش لیسی به — گر ز پالوده کسان انگشت

نظامی

دست حاجت ز در هر کس و ناکس کوته کن — آخر این دست بلند تو هنرها دارد

؟

چون نخاردیشت من انگشت من — خم شد از بار منت پشت من

همتی کو تا نخارم پشت خویش — دارم از منت انگشت خویش

مولوی

قرص نانم گر از گندم است یا که ز جو — حلقه‌ای جامه گر از کهنه است یا که ز نو

چار گوشه دیوار خانه بخاطر جمع — که کس نگوید از اینجای خیز و آنجا رو

هزار مرتبه بهتر بود ز منت این — ز فرّه ملکت کیقباد و کیخسرو

دائم جانم از مدد همت بلند — یعنی ز بار منت کس خم نگشته‌ام

ابن یمین

سرمه‌ای ساکه بود منت غیری همراه
گر بارا اگر کنم چشم بدان سرمه سیاه

عقل و همت ساندانم کدامین بهتر است
آنقدر دانم که همت هرچه کوه از پیش به

کوه سا نتلف شدن سد ره مقصود می
همت می‌ان بر آرد و از نهاد کوه کن

؟

محیط فراهانی

انسان

آدم تنها مخلوقی است که نمیخواهد همان باشد که هست .

آلبر کامو

آدم هرجا باشد عادت میکند و دیگر براش سخت است از آنجا برود ، نحوهٔ فکر کردنش هم بعد از مدتی عادت میشود

و عوض کردنش سخت است .

اشتنبک

آدمها مثل درختها میباشند . درختی مثل مو از برگ و از میوه اش انگور و بعداً از کشمش آن استفاده میشود ، و درختهائی

هم هست که تقریباً بدون استفاده بوده و مزاحم رشد درختهای خوب هم میباشند ! انسانهای خوب واقعاً خوبند

افرادی هم هستند که باعث شرمساری بشرند و مانع فعالیت افراد .

غ - ذ

آدمی بسیرت است نه بصورت ، انسانیت به کمال است نه بجمال .

؟

انگلس که جرأت انجام کارهای شایسته دارد ! انسان است .

شکسپیر

آنچه را که انسانیت به تو فرمان میدهد ، انجام بده و از هیچ کس جز خودت متوقع آفرین مباش .

سر ریچارد برتن

آیا میدانید که انسان چیست ؟ آیا نسب و زیبائی و خوش اندامی و سخنگوئی و مردانگی و دانشوری و بزرگمنشی و فضیلت

و جوانی و کرم و چیزهای دیگری از این قبیل ، نمک و چاشنی یک انسان میستند .

شکسپیر

اگر زندگی انسان، چگونه جنبهٔ انسانی نداشته باشد، فردا روز دیگری نیست .

اگر انسان هر کاری را باجبار انجام دهد یعنی مثلاً خود را مجبور نماید که هر روز ده صفحه چیز بنویسد آن علاقهٔ اصلی و باطنی از بین خواهد رفت. من تصدیق میکنم که نوشتن کار سختی است، ولی حتماً باید با تفریح توأم باشد . ویلیام فالکنر

اگر انسان خود را از آنچه هست نتواند بمقامی بالاتر برساند موجودی ضعیف و ناچیز است .

انسان در این عالم چون شبح سرگردانی است که هنگام عبور از این راه حتی سایه‌ای از خود بیادگار نمیگذارد. هوگو

انسان باید خود را در دنیا همچون درخت نارنجی رهبری کند که میتواند در باغ باین سو و آنسو حرکت کند. بهر جا که میرود عطری بپاشاند و هوا را خوشبو کند .

ن و - پیچر

انسان ترکیب عجیبی است و در عین ناچیزی خود را برتر از همه میشمارد . اشتیل

انسان بزرگتر از یک جهان و بزرگتر از مجموعهٔ جهانها است، در اتحاد جان با تن رازی بیش از راز .

آفرینش جهان نهفته است . هنری گیلر

انسان جدید بهترین قسمت عمر خود را در معاملهٔ بیحاصلی مصرف میکند، در خوشامدگوئی، در ملاقاتهای بیهوده، در جمع کردن و پراکندن اخبار، در رفتن به جشنها و بازیها و در عشقبازی سردی در یک گوشهٔ تاریک . بی جانسون

انسان همیشه میتواند بهتر از آنچه هست باشد و اعمال خود را منظم کند. باین فکر خود انضباط بخشد و با امید زمین را بیاراید . اوبری دوود

انسانها یگانه حیواناتی هستند که من از آنها سخت وحشت دارم . برناردشاو

انسان قبل از هر چیز باید حیوان خوبی باشد . هربرت اسپنسر

انسان دنیائی از عجایب است . ارسطو

انسان فقط موقعی که بازی میکند انسان است یعنی در ساعات بازی و تفریح که برای تجدید قوای خود میکوشد

خصایص انسانیت او آشکار میشود . شیللر

انسانی که با اجتماع تکامل پیدا کرده باشد، از همهٔ جانوران بهتر است! اگر بی قانون و بی عدالت زندگی کند -

خطرناکترین جانور است . ارسطو

انسان از حشرات هم کوچکتر است، چون آنها فقط برای کشتن مانیش میزنند، ولی ما برای کشتن آنها وجودشان را

له و نابود میکنیم ؟

انسان فرزند محیط و جامعه است که در آن نشو و نما و پرورش یافته است . موپاسان

انسانیت بصورت نیست به صفاست . ؟

انسانیکه معنی و هدف زندگی را بداند خود را نه تنها با افراد ملت خویش را برخواهد دانست . بلکه با تمام اقوام دیگر

نیز مساوی خواهد شمرد . لئون تولستوی

انسان موجودی است که بهمه چیز عادت میکند . داستایوسکی

انسان را محصول نمایشگر جهانی نامیده اند. خوب است بخاطر داشته باشیم که آدمی در این وضع نمایشگر، بهترین چیزهای طبیعت و نیز بدترین آنها است ؟

انسانها بصورت کلی چیزی جز کودکان بزرگ نیستند . ناپلئون

انسان یک مشت عواطف بیهوده است، و نفس دائماً میخواهد خود را بنا کند ولی دائماً این بنا فرو میریزد . ژان پل سارتر

انسانها با دو چشم و یک زبان بدنیا میآیند، تا دو برابر آنچه که میگویند ببینند، ولی از نظر سلوکشان اینطور استنباط میشود که آنها با دو زبان و یک چشم تولد یافته اند. زیرا همان افرادیکه کمتر دیده اند بیشتر حرف میزنند و آنهائیکه هیچ ندیده اند ، درباره همه چیز اظهار نظر میکنند . کولتون

ای انسان، تو آویخته میان یک لبخند و یک اشک . بایرون

برتری انسان از سه راه است : از پرهیزکاری که با آن از نگرانی میرهد، از حکمت است که پریشانی را از او دور میکند و از شجاعت است که او را از ترس میرهاند . کنفوسیوس

بشر حیوان بکار برندهٔ افزار است. در هیچ نقطه ای او را بدون افزار نمی توان یافت. با نداشتن افزار در حکم هیچ است و با داشتن آن همه چیز . توماس کارلایل

بشر در این دنیا بیشتر از همه موجودات مصیبت و عذاب کشیده . بهترین دلیلش هم اینست که در بین

تمام آنها فقط او میتواند بخندد . نیچه

به من بگو برای چه شخصی احترام قائلی . تا بدانم چگونه انسانی هستی ، چه این بمن نشان میدهد که چه تصوری دربارهٔ انسانیت داری و خود نشان آن هستی که چگونه انسانی بشوی . کارلایل

تأسف برای گذشته باین میماند که انسان بدنبال باد بدود . مثل دوس

جهان بزرگ است و آدمیزاده کوچک ! اما انسان میتواند چنان بزرگ شود که جهان در برابرش کوچک شود ؟

خون تمام افراد بشر یکرنگ است ولی لیاقت آنها فرق میکند . مثل آلمانی

در جهان یگانه مایهٔ نیکبختی انسان صحبت است . افلاطون

دفتر حساب یک انسان نمیتواند به ما بگوید که او چیست اگر میخواهید بدانید که ارزش هر کس در دویش یا توانگر چیست ، باید به حساب آنچه در درون اوست برسید نه آنچه در بیرون اوست . ه . و . بیچر

دوست دارم بدانم که انسان در خط سیر خود از حالت توحش بمدنیت چه گامهایی برداشته است . ولتر

دو چیز تفاوت فاحشی بین انسان و حیوان بوجود میآورد ، قدرت بیان و درنگوئی آناتول فرانس

دولت و دین و مالکیت و کتابها ، چیزی جز وسیله ای برای ساختن انسان نیست ، کره زمین میوه ای بهتر از .

انسان تمام عیار ندارد . شوپنهاود

زینت انسان سه چیز است ۱ـ علم ۲ـ محبت ۳ـ آزادی افلاطون

شما به دوستان من اشاره کردید. کدام دوستان؟ کجا هستند این دوستان، در قصر گل آلوده توهمات؟ یا مشغول گوش دادن بصدای برخورد سکه های پس انداز شده شخصی؟ باور کنید انسان فقط میتواند در میان حیوانات اهلی دوستانی پیدا کند.

آلفرد نوبل

عرق ریختن و در کثافات زیستن و احساس نیمه برهنگی در کار باید از میان برود. باید با معامله کردن با انسانها همچون انسان احساس انسانیت را ترویج دهیم.

لویدجرج

کار آموزی و تربیت انسان بصورت عمده باید مصروف ساختن انسان باشد.

گاراد ستون

گاه انسان در مقابل بعضی ها از خوشبختی خود احساس شرم میکند.

؟

مردم چنانچه غیر از خودشان مدل و سرمشق نداشتند به ندرت به پیشرفت نائل میشدند.

اسمیت

مسئله در این نیست که یک انسان چه اندازه میداند، چه چیز کسب کرده و چگونه پرورش یافته بلکه در آن است که دانسته خود را چگونه بکار برد و خودش چیست و چه میتواند بکند.

؟

معتقدم که سرنوشت انسان را تنها محبت معلوم میکند و بس.

شکسپیر

مفیدترین و پیشرفت کرده ترین شناسائی بشری بنظر من همان شناسائی افراد بشری است.

ماسیون

مقام نیست که انسان را میسازد. بلکه انسان است که مقام را میسازد. برده میتواند مردی آزاد باشد جبار و خودکامه میتواند برده باشد. ما خود مقام و موقعیت را، پست یا عالی میسازیم.

دوسو

من وطن را بیشتر از خانواده ام دوست دارم، اما بانسانیت بیشتر از کشورم علاقمندم. فنلون

میخواهم از خودم یک انسان بسازم و اگر در این کار موفق شوم در هر کار دیگر کامیاب میشوم. گارنیلد

نسبت بهمه مهربان و صمیمی باش، بخاطر داشته باش که جامهٔ نو به انسان شخصیت نمیدهد، بلکه مانند پرمرغان زیبائی

که آنها را می پوشاند و بآنها زیبائی میدهد. جرج واشنگتن

وای که چه دشوار است انسان در تنهائی پیر شده و در بیکسی بمیرد. غ - ذ

وقتی انسان دوست واقعی دارد که خودش هم یک دوست واقعی باشد. امرسون

هر انسانی برای خود لحظه های شیطانی دارد. لاواتر

هر انسانی یک جلد کتاب است بشرط انکه بدانی چگونه آنرا بخوانی. ؟

هر کسی نمیتواند یک انسان باشد. گوته

هنگامیکه ستارگان نمایان میشوند! انسان چه موجود حقیری میشود. ؟

یقین است که اگر همهٔ عالم برای انسان ساخته شده باشد انسان برای چیزی از عالم ساخته

شده است. دیلیس

دانی چه بود کمال انسان — با دشمن و دوست لطف و احسان

غمخواری خستگان خدا را — دلداری دشمنان مدارا

سعدی

ای دنیا سه فرقه بیش نیند — چون طعامند و همچو دار و درد

فرقه‌ای چون طعام در خورد نر — که از ایشان گریز نتوانی کرد

بار جمعی چو داروی درد نر — که بدانگه که بهت حاجت مرد

بار جمعی چو درد با ضرر ند — تا توانی بکن که درد مکن

ابن یمین

رو بقلب آر و وسائل کن به فضیلت تمکن — مرد با قلب شد انسان نه به جسم انسان است

نیکوئی کن که بدل خلق ترا بنده شوند — کادمی بنده لطف و کرم و احسان است

رو فراغت کن و تمکین فضایل بگزین — کادمی خفته نه تن بلکه بجان انسان است

آنکه از کس چو جوانی شده ایمن مدام — که بهوش آید از آن مست که سرگردان است

آنکه از غیر خدا نصرت و یاری طلبد — یاورش عجز و فرومانده گی و خذلان است

بهرام جوبینه

انصاف ـ اخلاص

انصاف که از این مالیخولیا چندان فسرده خواند که مرا بیش طاقت شنیدن نماند . گلستان

اگر بی انصاف نداند که انصاف چیست ؟ انصاف داند که بی انصاف کیست . خواجه عبدالله انصاری

اخلاص ، آشیانهٔ دوستیهاست .

انصاف نصف ایمان است . امثال وحکم دهخدا

انصاف از تو توقع دارم . گلستان

بخودت سزر نشکن همچنان که دیگران را سرزنش میکنی ، دیگران را دوست بدار همچنان که خود را دوست میداری . شاملی چینی

بلکه دم مسیحاست که مردگان انصاف را یک دم زدن اشارت زنده کند . جهانگشای جوینی

در کارخانه ها و کارگاهها حتی در موسسات دولتی اگر مسئولان مربوطه از روی انصاف با زیردستان رفتار نکنند ؟

نتایج آنرا در مدت کوتاهی خواهند دید ! انصاف برای کارفرما همچون بال برای پرندگان است . غ ـ ذ

مردی نه اینستکه حمله آورد بلکه مردی آنست که در وقت خشم خود را برجای بدارد و پای از حد انصاف بیرون نهند . گلستان

اگر دستم دهد روزی که انصاف از تو بستانم
قضای عهد ماضی را بشوی دستی بر افشانم

سعدی

انصاف بده که هست ارزان
یوسف صفتی بهفده درهم

خاقانی

انصاف میدهم که لطیفی و دلبرانی
بسیار دیده ام نه بدین لطف و دلبری
از شرم چین تو آدمی در زمین خلق
انصاف میدهم که نشانی نمیدهی

سعدی

جور خواهان ز روی جهل انصاف داد
کز خجالت انصاف جهانی در خجالت

خاقانی

هستم همه انصاف دهند از پی من
که چه انصاف دهم وز جور کشم در رانم

خاقانی

زد دستم بر نمیآید که انصاف از تو بستانم
روا داری خانه خویشی و آنگه بر من آشفتی

سعدی

من کیستم که سجده برم پیش ارزوش
انصاف گفته اند که بالای طاعت است کاینجا

بخت و اقبال

افرادی هستند که نور چشمی شانس و اقبالند و هر وقت سقوط میکنند مانند گربه روی دو پا بر زمین می نشینند . کوبتون

اگر ما آنچه بایستی کنیم بکردیم آنچه بایستی داشته باشیم میرسیدیم . مثل اسکاتلندی

اگر اقبال مرا رئیس قوم سازد از کجا معلوم که بلافاصله نابودم نسازد . مثل مراکشی

بسی بینا که بچاه افتد و نابینا براه افتد . حضرت امیر ع

بیشتر ما را عقیدها و نگرانیهای مردم زائیدهٔ اوهام و تصورات شخصی آنهاست و با دنیای حقیقت ارتباطی ندارد . ژرژ ال دوتکور

با امید شانس نشستن همان و در بستر مرگ خوابیدن همان . مثل آلمانی

اقبال اسلحه ای است که شیطان بدست ما میدهد . مثل یونانی

طالع هر کس بدست خودش است . مثل آلمانی

عمر شانس با عمر یک گلولهٔ برفی بر روی بخاری یکی است . مثل سوئدی

کسی که از سرنوشت خود شکایت کند از کودنی و ناچیزی روح خویش شکایت کرده است . مترلینگ

کسیکه همه سلاحهای خود را رها کرده و ناله کنان میگوید نمی توانم. از من ساخته نیست، بدشانس. ترحم انگیزترین مخلوق دنیاست .

کسیکه شانس را راهنمای خود بداند کور است . مثل ایتالیائی

کسیکه بامید شانس زنده باشد سالها قبل مرده است . مثل فرانسوی

کالسکهٔ شانس همیشه بسر منزل مقصود نمیرسد . مثل ایتالیائی

هیچ مریضی، مریضتر از کسی نیست که روز تعطیلش بیمار شده باشد . بیل وگان

هیچ بامید شانس ننشینید. اگر بخواهد خود در ترا میزند . ؟

هیچ راهی نیست که تا تو قدم نگذاری بانتهایش برسی ، اگر شانس هم داری مولود فعالیت تست برای بیکار و بیعار شانس و اقبال وجود ندارد . غ - ذ

هر آنکس که معتقد به ستارهٔ شانس است، بیشتر چشم و گوشش را باز میکند و زیادتر فعالیت مینماید. بالاخره او فرشتهٔ شانس را در آغوش میگیرد . ؟

تا کی همت و اقبال و فر و بخت ایمنت — هر چه سعی کنی در لیت و لعل یاری

جز نیک بخت پند خردمند نشنوی — این نیست تربیت که پریشان کنی دلی

سعدی

جهان بگشتم و در دل به هیچ شهر و دیار — نیافتم که فروشند بخت در بازار

صائب

ما از همه ایم در این شهر بخت خویش — با هر که برون کشید از این در رخت خویش

حافظ

چو نیک بخت شدی ایمن از خوی بدخواه — که خار و تیره بد بخت نیک بخت نخواهند

چو دست تش نرسد لاجرم به نیکی خویش — بری فکنند بجایی تو سر چه نتوانند

سعدی

از ماه و جاه و منصب و اقبال و تخت و بخت — بهتر ز نام نیک نگوید کسی نه چیز

سعدی

چون بخت نیک انجام را با بخت بد فرجام را — بگذار تا جانی بدهد هر یک به فرجام خود

سعدی

نیک بخت آنکس که داد و بخورد — شور بخت آنکه او نخورد و نداد

رودکی

طالع عشق او بس بوالعجب افتاده است — کوکب معدوش نه از آسمان دیگر است

کوکب بخت من از صبح نمی‌آید شناخت — تا شدم حلقه بگوش در میخانه عشق

نجم آلدینی رازی

یارب از مادر گیتی بچه طالع زادم — هر دم آید غمی از نو بمبارکبادم

حافظ

گله از چرخ نیت از بخت بد است — که مرا بخت در سر نگرازد

یوسف از گرگ چنین گفت پدر را که مباش — که بچاهش برادر نگرازد

خاقانی

نکوهشی مکن چرخ نیلوفری را — برون فکن ز سر باد خیره سری را

تو چون خمی کنی اختر خویش را بدی — مدار از فلک چشم نیک اختری را

ناصرخسرو

بدبینی و خوشبینی

آتشی که جسم و جان را میسوزاند غالباً بدست خود مان روشن شده است . — بروکتر

آدم بدبین، پسیحون مبتلایان تریاک مرض خود را به هزار دلیل بدیگران میدهد . — حجازی

انکه خیال میکند شاید فردا گرفتار شود از آنکه الان گرفتار است بیشتر رنج میبرد . — حجازی

آینده را از دریچه ترس و وحشت نگاه نکنید . — ای. اچ. هارمن

اشتباه اینست که خیال میکنیم ما را برای خوشگذرانی باین دنیا آورده اند، اگر این اشتباه را از سر بدر کنیم به

بر ناملایمی میسازیم . — محمد حجازی

اگر چشم تو فاسد شد تمام جسدت تاریک میشود . — ؟

انسان همه چیز را میتواند فراموش کند غیر از ایام سختی را . — مثل هلندی

به حال کسی افسوس میخوریم که از این سر کشور تا آن سر سفر کند و بگوید همه جا بر همه و تهی است و چنین است جهان را

برای کسی که نخواهد میوه هایی را که با و تقدیم میکنند بچیند . — استرن

بخاطر داشته باشید امروز همان فردائی است که دیروز درباره آن نگران بودید! از خود بپرسید اقلاً این چیزی

که درباره اش نگرانم بوقوع خواهد پیوست یا خیر؟

بدحال ترین مردم کسی است که بکسی اطمینان نکند از جهت سوءظن مفرطی که دارد و کسی هم باو اعتماد ننماید از خوی بدگمانی او .

حضرت امیر(ع)

بدگمانی و بدبینی پرده ایست که میان ما و دیگران حایل میشود و هیچوقت نمیگذارد، رشته دوستی خود را با آنها محکم ساخته از نعمت وفا و محبت بهرمند شویم .

لرد اویبوری

بدگمان کسی است که خیال میکند تمام مردم دنیا بدی او هستند .

باب بارکر

بدبینی نشانه ناتوانی است زیرا کسی که شایستگی تسلط بر زندگی را ندارد، احساس بدبینی میکند .

هاریو

بدگمانی میان افکار انسان مانند خفاش در میان پرندگان است که همیشه در سپیده دم یا هنگام غروب که نور ظلمت بهم آمیخته است بال فشانی میکند .

بایگون

برای کامرانی و خوشبختی از تربیت کامل یعنی پرورش، جان ناگزیرید .

پوشه

برای خوشبخت شدن لازم است هر روز چند ساعت و هر ماه چند روز و هر سال چند ماه را در انزوا بسر بریم .

ژرژ دوهامل

برای کسیکه زندگی در رونیش غنی است، اشعه مختصر آفتاب بهوده میدرخشد .

داستایوسکی

بزرگترین حوادث دنیا را اگه تحلیل و تجزیه کنیم به این نتیجه میرسیم که آنچه باعث بروز آن شده، حتی غازی هم ارزش نداشته است .

ناپلئون

به عوض آنکه بتاریکی لعنت فرستید، یک شمع روشن کنید . کنفوسیوس

بکوش که نسبت بمردم بدبین نشوی، زیرا که صاحب سوءظن را جز زحمت ابدی و کسالت روحی -

بهره ای نباشد . سقراط

پیر کامل آنست که تاریکیهای زمان خود را هرچند عجیب و ناروا باشد، با روی خوش بپذیرد. جوان عاقل آنست

که بعادات و افکار قدیم هرچند کهنه و بمصرف باشد بدیده احترام بنگرد . محمد حجازی

پای عادت بدر انسگن . مثل اسپانیولی

جائیکه در آن خوشبینی بیش از هر جای دیگر رواج و رونق دارد، بیمارستان است . هاولاک الیس

چه بسا آنکه بظاهر آراسته و مایه حسرت شماست، درمانده و محتاج دلداری و یاری شما باشد . حجازی

خوشبین اظهار میدارد که ما در بهترین دنیای ممکنه بسر میبریم و بدبین بیمناک است که بگفته او -

راست باشد . برانچ کامل

خوشبختی فقط یک تعریف دارد باور داشتن خوشبختی . راشیله

خوشیهای کوچک خوشبختی بزرگ میسازد . آلفونس کاد

خوشبختی نتیجه ورزش و تندرستی است .

خوشبختی یک موضوع شخصی است اگر میخواهید سعادتمند باشید باید خوشبین و سالم و قانع باشید و اعتدال را رعایت

کنید همچنین باید کاری داشته باشید که از آن خوشتان بیاید و آن کار باید بازده داشته باشد.

خوشبختی و بدبختی را با هم ریخته اند. ما نباید انتظار داشته باشیم که در جام ما جز خرده بلکختی چیزی نباشد، خوشبختی و بدبختی مانند سایه و آفتاب یکی پس از دیگری فرا میرسد. بدون تردید برای تکمیل خوشبختی وجود بدبختی هم لازم است! اگر تاریکی نباشد اهمیت روشنی معلوم نمیشود. لرد آویبوری

در ایمان قطعی همواره باید آتشی نهفته باشد که خاشاک پلیدی و بدگمانی را سوخته و خاکستر سازد. بانگون

در دنیا دو نوع کور وجود دارد یکی آنکه نابینا ست، دیگری مردی که شهوت جلوی چشمش را بگیرد. مثل چینی

ذهن خود را تیره مکن تا هر چیز برای شما روشن گردد. مثل چینی

زندگی یعنی مبارزه و کشمکش، چه فرق میکند که این مبارزه بر علیه مصائب باشد یا در مقابل مشکلات. در اینصورت همه کس در عین ناتوانی خوشبخت باشد و از مسرت فتح و پیروزی برخوردار باشد. لرد اویبوری

ساعاتی که در انتظار خوشبختی هستیم لذت بخش تر از دقایقی است که بلذت خوشبختی رسیده ایم. الیویدکلدا سمیت

غالب اوقات ما به علت آنکه خوشبختی را نمی شناسیم، وسیله بدبختی خود را فراهم میآوریم. لرد اویبوری

کسیکه سوء ظن شدید دارد از لذت حیات محروم و بی بهره است. حضرت امیرؑ

کسانیکه طبع تلخ و سنگین و انعطاف ناپذیری دارند، سهمی که از جاه و مقام دارند بیش از آن است که از خوشبختی دارند. بیکن

کلیهٔ مشکلات برای کسیکه آنها را آسان میشمارد سهل است .

شاینینگ

کوههای عظیم پر از چشمه اند و قلبهای بزرگ پر از اشک .

ژزف رو

گیرم که رنگها و شکلها و آهنگها و صداها را یکسان دریابیم اما بی شک احساس درونی ما و برخورد ما با عوامل

خارجی یکسان نیست .

دکتر هشترودی

ما از حقیقت دور افتاده ایم ، خوشبختی غیر از اینهاست ، خوشبختی احساسی است شیرین و فرح بخش که از روح

ما برمیخیزد . از خود بطلب هر آنچه خواهی که توئی .

لرد آویبوری

من میل بدیدن رویه دلپذیر کارها داشتم تا رویه نادلپذیر آنها و چه خوشتر است که آدمی با این شیوه فکر زاد

شود تا ملکی بدر آمده هزار لیره در سال .

دیوید هیوم

مغز بشر در موقع خود میتواند بهشتی از جهنم و دوزخی از بهشت بوجود بیاورد .

؟

وجود خدا را از چشم دیگران تماشا کنید . ببینید چه صورتی دارید ! یا گلی هستید و نور آفتابی ، یا خاری و طوفانی و

ظلمت وحشت زائی .

محمد حجازی

وقتی از کسی پرهیز میکنید و نسبت باو بدبین میشوید او را در ردیف دشمنان خود میشمارید عجبی نیست اگر دشمن حقیقی شما میشود زیرا

همین رفتار کافی است که تخم کینه را در قلب او برویاند .

؟

وقتی که شما به بدبینی عادت کنید بدبینی به اندازه خوشبینی مطلوب و دوست داشتنی است .

آرنالد بنت

هرگز درباره چیزی نگو آنرا از دست داده ام، بلکه فقط بگو، از اسپس داده ام.

اپیکتتوس رومی

همه جای این جهان مملو از زیبائی است. تنها باید با دیده زیبا بین و چشم زیبائی آزا دید.

؟

همه حادثات جهان و ترقیها و تنزلها و خوشبختی و بدبختی های جامعه بشر و افراد آن در آغاز بسبهای کوچک و ساده داشته و بتدریج از صورت ساده بصورت امور پیچیده درآمده است. اگر کسی ریشه یا هسته نخستین هر چیز و هر حادثه را در آغاز نکوین آن بشناسد، میتواند جریان و تاثرات آن حادثه را تا درجه ای تغییر بدهد. این اعتقاد یکی از پایه های فلسفه کنفوسیوس است.

کنفوسیوس

همه مردم از خوشبختی دم میزنند ولی کمتر کسی است که معنای آن را بداند.

مادام اولان

هیچ چیز بد یا خوب نیست. قوه اندیشه بما بدی و خوبی سعادت و شقاوت را میآفریند.

؟

یک قطره آب که تا نیمه داشته باشد از نظر یک فرد خوشبین نیمه پر است، اما از نظر یک بدبین نیمه خالی است.

برناردشاو

یک راه مطمئن برای اینکه مسائل بدتر از آنچه هستند تبدیل شوند این است که آنها را انسان بدتر از آنچه هستند جلوه دهد.

لرد هیل شام

یک کبریت اصلا نمیگیرد. دومی جرقه دارد، سومی میگیرد، خاموش میشود. چهارمی قدری از چوبش میسوزد. پنجمی نصفش میسوزد. تا پای خود را روی آن بگذاریم. هفتمی را باید خاموش کرد. هشتمی خاموش نشده دور میاندازیم. نهمی را دور انداخته

بازهم میوزد، تا پای خود را روی آن بگذاریم و خاموشش کنیم. دهمی چراغی را روشن میکند، یا زدهمی زندگی را آباد تر میکشد و احتمالا جانداری هم میوزد. زندگی ما افراد بشر هم همینطور است، خود را طلبکار کسی ندانیم، کسی هم در قبال زندگی ما مسئولیتی ندارد، تا هر جا پیش رفتیم، رفتیم، و هر جا خاموش شدیم، شدیم.

غ - ذ

از صد اگر یکی بگذرد و ما نویس باشی
قطره گر بگذارد آقیانوس باشی

جز براه یکدلی سالک مباش
محو یکتائی شو و مشرک مباش

بحار

بچشم علت تو هر صفت معیوب است
در ذات و روایت نگر تا همه هنر بینی

تحلک ایمان عیس

چشم اعیب نه سا یکدم ببند
چند بینی صورت؟ آخر چند چند؟

مولوی

روی نکو معالجه عمر کوته است
این نسخه از صدح مسیحی نوشته ایم

بر مسلمت که مشورتی هست
بس وا شکفتر از خط ترسا نوشته ایم

نظیری نیشابوری

نگر ز خنب صد در صد نبینی
که گر بد بینی ثوی جز بد نبینی

چو نیکو بنگری در ملک هستی
بغیر از جلوهٔ ایزد نبینی

ز نابخرد جهان سالار و زیرک است
نگر تا روی نابخرد نبینی

حقایق را ز چشم دیگران بین
که گر خود بینی ثوی جز بر نبینی

مسلّم، شدی اگر خسن نیّت
بغیر از حسن پیش و مد نبینی

دد و دیو و ز خود بینی مغرور
بمانی بهتر که دیو و دد نبینی

بعد

همه عالم حجاب و آز از است
چشم کور است و گوش کر چکنم

عطار

یادداشت

آنکه با فداکاری انجام وظیفه میکند باید قولاً و عملاً تشویق شود. حتی کوچکترین اقدام ستوده‌اش را هم نباید -

حضرت امیر(ع)

ندیده انگاشت .

حضرت عیسی(ع)

آنچه آدمی بکارد همان را درو خواهد کرد .

آنکس که زورمند و قوی است میتواند با مشت توانای خود دهان ضعیفی را هم ببندد باید بداند که مشت درشتی

هم در آستین قویتری پنهان است .

؟

آنچه بدیگران میکنی بخود کرده‌ای .

پوشه

آنکه تخم بدی را می‌فشاند، بدون شک ثمه محصول آنرا درو خواهد کرد .

دموستن

آنچه ما بکاریم درو میکنیم و سرنوشت ما را بجزای کارهای بدمان خواهد رسانید .

اپیکتوس

اجر نیکی شما در عمل نیک شما مستور است .

سیسرون

از حق‌شناسی دیگران مرنجید چون ناسپاسی برای بشر یک امر طبیعی است. از این رو اگر ما در انتظار حق شناسی باشیم

بجهت خود را با امراض قلبی مختلفی روبرو خواهیم کرد .

دیل کارنگی

از کشوریکه بهای خدمتکاران و دانشمندان را اندازه آنان سپاسگزاری ننماید، نباید امید پیشرفت داشت . ولتر

اعطای پاداش نباید محدود به لیاقت نظامی شود . قابلیتها همه باهم ارزند حق این است که شایستگی های نظامی و مدنی علی السویه مورد توجه قرار گیرد و بدارندگانش پاداش داده شود . حق هوش مقدم بر حق زور است . زور بدون هوش ارزش ندارد .

ناپلئون

اگر مردم را بحال خودشان گذاشتی تر ا بحال خودت خواهند گذاشت .

؟

اگر حضرت عیسی بجای اینکه بگوید اگر سیلی بگونه ات زدند آنطرف صورت را هم نگاه دارید میفرمود اگر سیلی بگونه تان زدند چهار تا پس بزنید هم عقلانی تر و هم با طبع و به نتیجه نزدیکتر بود زیرا سیلی زننده بواسطه ترس خوردن اقدام بزدن نمیکرد .

محمد مسعود

اگر پاداش نیک و بد محقق بود ارواح بزرگ و جانبازان راه خدمتگزاری بخلق در روی زمین بندرت یافت میشدند بلکه اصلا وجود نداشتند .

متر لینگ

اگر شما دشمن دارید . بدی او را با خوبی پاداش ندهید زیرا این امر موجب شرمساری او میگردد ولی باو وانمود کنید که او با این عمل خود برای شما خدمتی انجام داده است .

نیچه

اگر هم اشخاص شجاع و متدین و جوانمرد را تمجید میکنید یقیناً خودتان دارای روحی شجاع و مردانه و با تقوی هستید ؟ انتقام . ناشی از ضعف روحی کسانی است که قادر نیستند ناملایمات را تحمل کنند .

لاروشفوکوله

اگر گلی سالم باشد میوه اش هم سالم خواهد بود . مثل چینی

اگر سگی پرتاب کنی دست خودت درد میگیرد . مثل هندی

با یک تحسین و یک دست به پشت زدن میتوان کسیرا به میدان جنگ فرستاد با دو کلمه نامه قدردانی میشود عضوی را
کاری و با نشاط و کارآمد کرد . کتاب کار و زندگی

با تشویق میتوان قوای خفته و زنگ زده را بیدار کرد و برانگیخت و قوای بیدار و برانگیخته را برای همیشه پایدار و-
استوار کرد . کتاب کار و زندگی

بخش و منت منه که نفع آن بتو باز گردد . ؟

بدی را با نیکی باید پاداش داد . جان کاینرل

بزرگترین مصائب ما آنهائیست که در نتیجه غفلت برای خویش پدید آورده ایم . لرد آویبوری

بنظر من حق ناشناسی بزرگترین ضعفی است که ممکن است کسی داشته باشد . ناپلئون

بهترین پاداش نیک ، رضایتی است که در قلب خود احساس میکنیم . ؟

بدنبال برقیکه در آسمان شناسانده میشود ابر تیره را هم در انتظار داشته باش . مثل مجارستانی

پاداش درستی را در درستی بجوی ، و انگیزه کار نیک را همان نیکی بدان و سود دیگر مخواه . حکمت هندو

پاداش کار یکه خوب انجام گرفته است همان انجام آن کار است . امرسون

پیش از آنکه کسی را بکاری بگماری درباره دستمزدش با او سخن بدار . مثل افریقائی

تحول در داشتن خزائن و دفائن نیست . در دانستن طرز استعمال آن است در عالم هیچ افراطی بدتر از افراط در حق شناسی نیست . لابرویر

تمام گلهائیکه در آینده خواهد رویید در دلِ تخم های امروز نهفته اند . مثل چینی

ثمره جهالت خجالت است و نتیجه غضب ندامت . مثل شرقی

جواب نامه چون جواب سلام حق لازم است حضرت محمد(ص)

جوینده یابنده است . ؟

چو میوه در خت خوردی شاخ مشکن . مثل فارسی

خدمت خود را آنی مکن که در ازای پاداش باشد بمردم عرضه کنید و پاداش آنرا در رضایت خاطر خویش بیابید . سقراط

خشم را با مهربانی ، بدی را با خوبی ، آزار را با بخشش ، دروغ را با راستی فرو بنشانیم . ؟

خوشبختی و بدبختی ایام پیری عصاره اعمال گذشته ماست . سنت بود

در هر خانه که بجای نیکی بدی کرده شود آن بدی آنخانه را هرگز ترک نخواهد کرد ، هر کس مزد دستهای خود را خواهد گرفت . حضرت موسی(ع)

در کشتزار زندگی از آن تخمی که افشانده ای خوشه خواهی چید . حضرت امیر(ع)

در مسابقات دوهای طولانی هر کس جریمهٔ اشتباهات و لغزشهای خود را خواهد دید، کسیکه این حقیقت را بخاطر سپرد هرگز نسبت بدیگران کینه جوئی، نفرت، انتقام طلبی، دشمنی و تحقیر و جسارت را نخواهد داشت.

دیل کارنگی

در این دنیا هر کس چیزی را درو میکند که قبلاً تخم آنرا کاشته است.

اسمایلز

دنیا با انسان معامله متقابل میکند! اگر بخندید بروی شما میخندد و اگر چین بابروی خود بیاندازید! او هم مقابل شما ابرو درهم میکشد و اگر آواز بخوانید بمجلس شادمانی دعوت میشوید و اگر متفکر باشید در کنار دانشمندان جای میگیرید. و بالاخره اگر مهربان و صمیمی باشید در اطراف خود مردمی را می بینید که همه شما را دوست میدارند و کینه دلهارا ابرویتان بازمیکنند؟

رفتار کن با دیگران بهمانطوریکه توقع داری که دیگران با تو رفتار کنند.

ذردتشت

زنگ آهن خوار هم از درون آهن میآید گناهکار را نیز عمل او بسزا میرساند.

پندهای دهاپادا

زیان بد جنس آدم خبیث قبل از همه بخودش میرسد.

سنت اگوستی

سرنوشت حقیقی در همان وجود ماست نه در اطراف ما و عدالت انتظار پاداشش را ندارد. بلکه عمل دارای

مسرت و شادمانی است.

مترلینگ

شارل نهم به تحریک مادرش دستور قتل عام پیروان هوگنو را داد و بعد از آن مرتب صدای مقتولین در وقت مرگ در گوش او بود و از خواب او را بیدار میکرد تا بالاخره او را مریض و دیوانه کرد و در سن ۲۴ سالگی با پشیمانی زیاد سلطنت را وداع کرد.

(تاریخ تمدن) ویل دورانت

شخص باید لایق ستایش باشد ولی از آن بگریزد . فنلون

عدالت قابل تربیت نیست هر کاری بکنیم نتیجه آنرا می بینیم خطاهائی که از ما سر میزند نتایجی پدید میاورد که بوسیله آن مجازات میشویم شکسپیر

عمل دو گونه است یکی آنکه لذت آن میگذرد و رنج آن میماند، دیگر آنکه رنج آن میگذرد و پاداش آن میماند. حضرت امیر

عملی اگر کاشتید، عادتی درو خواهید کرد.

عادتی اگر کاشتید، اخلاقی درو خواهید کرد.

اخلاقی اگر کاشتید، سرنوشتی درو خواهید کرد. دلتر

فراموش نکنیم که حق شناسی نشانه ای از تربیت صحیح است. پس اگر از فرزندانمان توقع حقشناسی داریم باید آنهارا

حقشناس بار بیاوریم . دیل کارنگی

کارهائیرا که در گذشته کرده ایم مارا مانند سایه تعقیب میکنند و نسبت بچنین آنها مارا بسوی بدی و یا خوشی میکشند. کارلایل

کسیکه بکار درخت نیکو نیرا بهترین ثمره آن را خود خواهد چید . حضرت امیر

کسیکه بدنبال هوای نفس میرود، چون کشتی در دریای طوفانی بگشت و غرق دچار خواهد گشت . حکمت هند

کسیکه جای بدوارد شود متهم گردد . لقمان

کسیکه میخواهد درو کند باید بکارد . مثل آلمانی

کسیکه سرشش شیشه است نباید سنگ بیندازد . — مثل انگلیسی

کسیکه میوه میخورد باید سپاسگزار کسی باشد که درخت را کاشته است . — مثل آفریقائی

گرفتاری و بیچارگی نتیجهٔ اعمال ناروا است . — حکمت چین

گل را میتوان زیر پا له کرد ولی بوی عطر آنرا نمیتوان در فضا کشت . — ولتر

گناه فراموش نگردد و نیکی کهنگی نپذیرد ، هرگونه که خواهی بمانی که هرچه کنی پاداشش همان بینی . — حضرت محمدؐ

لذت نعمت مناسب با رنجی است که برای بدست آوردن آن کشیده ایم . — حجازی

ما همواره باید بخاطر داشته باشیم که از نتایج اعمال خود برخوردار خواهیم شد . — جان کایزل

ما اغلب خار میکاریم و انتظار روئیدن گلی از آن داریم و این خطای محض و خلاف قانون طبیعت است . — ایرانشهر

مردم از شما تقاضای انتقاد و خرده گیری میکنند اما در انتظار تحسین هم هستند . — سامرست مآم

مصائب امروز میوه های اعمال دیروز است . — ایرانشهر

نتایج اعمال ما قهراً بسر وقت ما خواهد آمد و لو اینکه ما در این ضمن اصلاح حال کرده باشیم . — نیچه

نه در هوا . نه در قعر دریا نه در سینهٔ کوهها . نه در جزوی از اجزای عالم جائی نیست که انسان در آنجا از دست نتایج اعمال خود گریبان خود را رها توانند کند . — بودا

هر کس برای دیگران چاه کند خود در آن افتد . — زرتشت

هرگز همه را راضی نمیشود کرد

لیتون جانسن

هر که نیک نهاد و پاک منش و کوشاست بآنچه سزاوار است میرسد .

بزرگمهر

هر چه کاری در بهاران تیر ماهان بدروی .

خواجه عبدالله انصاری

هرگز در صدد انتقام از دشمنان خود نباشید زیرا در غیر اینصورت آنقدر که شما بخودتان صدمه میزنید آنها را اذیت نکرده

همان کاریرا که ژنرال آیزنهاور میکند ما هم بکنیم بابن معنی هرگز دقیقه ای از عمر خود را اندیشه کسانیکه دوستشان نمیداریم -

تلف نکنیم .

دیل کارنگی

هر چیزی که از شما ناشی شود ، عبارت از قرضهائیست که یکی از بنی جنسان خود داده اید و مطمئن باشید که بموقع خودش قرض خود را

با منافعی به شما خواهند کرد .

ربیع انصاری

هر کاری نتیجه و هر عملی عکس دارد .

ایرانشهر

هر انسانی برنج عمل خود گرفتار است .

حکمت چین

همان قسم که آتش را هر چه طعمه بیشتر دهی قویتر میشود و سوختن و اثرش افزونتر گردد . ظالم را هر چه مشیر تمکین نمایند آتش ظلمش

زبانه دارتر و شراره بتمش افزونتر خواهد گردید .

؟

هنوز خنجر خون آلود قاتلی از پهلوی مقتولش بیرون نیامده که پنجه مالکی گلویش را میفشارد .

محمد مسعود

هیچکس جز خود ما مسئول بدبختی ها و یا خوشبختی های مانیست .

بودا

هیچ کار نیک فراموش نشود و هر کس در خور کردار پاداش یابد .

پوشه

هیچ خوشی در عالم نیست جز آنکه یک ناخوشی کنارش است .

حضرت امیر

یک حکم ناحق بیش از چند جنایت مایهٔ خسران و تباهی است زیرا جنایت، چون زندگانرا آلوده میکند ولی حکم ناحق

سرچشمهٔ اپلید میسازد .

بایگون

یک قسم از مصائب ما آنهائی است که در نتیجه اعمال گذشته وقوع میابد و ما حق نداریم از اینگونه مصائب شکایت

کنیم. کسیکه تخم میکارد باید حاصل آنرا بردارد. حال اگر تخم بد بوده گناه از کیست؟ آیا باید روزگار را بباد ناسزا گرفت

و از رفتار آسمان شکایت کرد ؟

لرد آویبوری

آنچه خاهی که بر روی من مکار — آنچه خاهی که نشونی مکوی

بهمنیار

بر خواه کس نیست بمقصد نرسد — یک ره بکند با نبخشش صد نرسد

من نیک تو خاهم و تو خاهی بر من — تو نیک نبینی و بمن بد نرسد

خیام نیشابوری

پس جمله بر انیم که در عالم پاداش — آنها که درین راه بدادیم بریم

داد نر می زکات بندی که خوریم — کز نر مکافات بزرگی که رسیدیم

ما را همه مقصود بخشایش حق بود — الحمد لله که بمقصود رسیدیم

سنائی

چه نیکو زن گفت دهقان ده — که نانی بیتام همسایه ده

که چون ما نانیم ز انعام ما — گرسنه نمانند ایتام ما

امیر معزی

حرف دشمن نشنوی تیغ مکش حجت مکش — ظلم از حد مبر امروز که فردا نیست

جعفر خاوندی

دیری که خسن ناحق پروانه شمع را — چندان امان نزاد که شب را سحر کند

حکیم سنائی

دبقان سالخورده چه خوش گفت با پسر — کای نور چشم من بجز از کشته ندروی

حافظ شیرازی

غم و شادمانی نماند ولیک — بجای عمل ماند نام نیک

سعدی شیرازی

گر کاوبره برکند ژرف چاه — سرانجام خود اندر آید بگاه

چنین است رسم سرای کهن — جزاین بر نیاید کسی را ز بن

گر تا چه کاری همان بدروی — سخن هر چه گویی همان بشنوی

درشتی ز کس نشنوی نرم گوی — سخن تا توانی بآزرم جوی

فردوسی

مگو ناخوش که پاسخ ناخوش آید — بگوه آواز خوش دِه تا خوش آید

مگر بخت چه پسندی جز آنکس بخلق مکن — چو ندروی بجز از کشته مرجه خواهی مکار

همه خرد

یکی لاله بر پای سروی نهاد — بر بهت وی آن سرو از پا فتاد

وگر روز دادش مکافات دهد — که از سرو افتاد و پایش شکست

سعدی شیرازی

پایان نگر

آنچه راکه می شنوید به عقل سلیم و منش پاک و روشن بسنجید و آنگاه بپذیرید . — ذرتشت

آینده بکسی تعلق دارد که میداند چگونه منتظر نشیند . — مثل روسی

اگر بخواهی از برادری بهره ای برای برگشتن بازگذار شاید لازم شود . — حضرت امیر(ع)

اگرچه دریا آرام میباشد ممکن است تمساحی در زیر آب کمین کرده باشد . — مثل افریقائی

اگر بخاموش کردن آتش میروی، لباس حلفی برتن مکن . — مثل چینی

اگر میخواهی بدانی چه بوده ای بنگر که چیستی . اگر میخواهی بدانی که چه خواهی شد، بنگر که چه میکنی . — مثل چینی

انتقام مآل اندیش نیست . — ناپلئون

انسان تا خود را به مافوق آنچه که هست برنیانگیزد مخلوقی ضعیف و ناحز است . — دانیال

بدتر از بدتر هم وجود دارد و آن انتظار بدتر است — ژیلبر برون

بزرگترین اقلیم ناکشوف آنست که زیر کلاه شما جای دارد . — ؟

پایان نگری نیمی از معیشت است . — حضرت محمد(ص)

پایان نگر کسی است که آنچه را در دست دارد نگاه دارد و کار امروز به فردا نیفکند . تعالبی نیشابوری

تکامل هریک از افراد بشر در چند مرحله بعمل میآید ولی مراحل عمومی که در همه موارد صادق است سه است سخت بیدار کردن احساسات لطیف و افکار بلند به وسیلهٔ اشعار و سرودهای عالی زیرا اینها صور تهای زیبا و دلربای زندگی پاک و با صفا را نشان میدهند و میآموزند . دوم استوار ساختن این صور تها به وسیلهٔ اعمال روزانهٔ زندگی ، سوم تکمیل این اعمال و اشکال به وسیلهٔ موسیقی . زیرا این صنعت روحانی احساسات و افکار و کردار آدمی را با هم دمساز و هماهنگ میسازد و به زندگی رونق و جلوه و زیور کمال میدهد . کنفوسیوس

چیزیکه در خیال گذشت شاید روزی محقق گردد و صورت وقوع یابد چه غالبا عالم خیال مقدمهٔ عالم جمالست . دکتر نصر

حرف زده شده نهالی است که رشد و نمو میکند . مثل نروژی

خاطرات بزرگ معمولا از درهای کوچک وارد صحنهٔ ذهن ما میشود . آرمان ساداکرو

در هر لقمه طعامی و شربت آبی از این دنیا گلوگیری و گره در گلو افتادنی است . حضرت امیر

رنجی که از قصور خطیه میبریم همیشه از خطر بزرگتر است محمد حجازی

روز هر قدر که روشن باشد شب را در پس دارد . مثل ایتالیائی

علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد . ؟

طغیان میرود ولی ارثش میماند . مثل افریقائی

عشق اندیشه ایست بی هدف و پایان ناپذیر . دسنل نیس

قبل از اقدام بهر کاری قوای خود را بسنجید مقصود خود و وسائلی را که میخواهی اتخاذ کنی در نظر بگیر . سنگ

گر سنگی بر قوهٔ ادراک می افزاید . ؟

ما فوق همه چیز داشتن خیالات بزرگ و قلب پاک است شیلر

محال است که ما بتوانیم چیزی را تصور کنیم که در این جهان وجود نداشته باشد . مترلینگ

زندگی همان چیزیست که پس از خواندن همه چیز و فراموش کردن همه چیز در دماغ بجا میماند . ادوارد هربو

ممکن است مقداری زهر در کوزه ای ریخت و بعد آن کوزه را شست و اثرات زهر را از بین برد ولی چیزی را که در ذهنتان جای داده اید خوب یابد، بر شما فرمانروائی خواهد کرد و هرگز از آن جدا نتوانید شد . سقراط

من ادعا نمیکنم که حوادث را کنترل کرده ام بلکه اعتراف میکنم که حوادث مرا تحت کنترل قرار داده بود . هاری امرسون

مواظب خلق خودت باش، دشمنیست که تا پای مرگ همراه خود داری، بر اهنمائیهای تو داخل میشود، و اگر باو گوش فرا دادی بتو خیانت میکند . فنلون

نظر بپایان کار انداختن نیمهٔ زندگی است . حضرت محمد

نیمهٔ اول زندگی صرف انتظار کشیدن برای نیمهٔ دوم میشود ، نیمهٔ دوم صرف حسرت خوردن بر نیمهٔ اول میگذرد . ؟

هر که اول بنگرد پایان کار اندر آخر او نگردد شرمسار مولوی

هرکه درباره امور یکه پس از مدتی اتفاق خواهد افتاد پیش از وقت نیندیشد بزودی دچار سختیهای بسیار ناگوار خواهد شد .

کنفوسیوس

هرکه عاقبت اندیشتر، مسعودتر .

هرگز نباید چیزی را که نمیتوانید بهتر از آنرا جایگزینش سازید از بین برید .

پلودک

هیچ چیز را به یقین نمی دانیم آنچه دریافت میکنیم تغییراتی است که در بدن ما و بر اثر عواملی که از خارج با آن برخورد میکند، پدید میآید .

از تاریخ تمدن - دموکریتوس

یا آوری صحیح از همه چیزهائی که می بینیم می تواند سودی بدست آورد .

شکسپیر

پدر و مادر

آینده کودکان بسته بتربیت کودکان است . ویکتورهوگو

آینده اجتماع در دست مادران است. اگر جهان بمبانگیزی زن گرفتار شود تنها اوست که میتواند آنرا نجات دهد . ابوفنور

استوارتر از همه پیوندها ، پیوندیست که در میان مادر و فرزند برقرار است سعیدنفیسی

اگر تمام عالم در یک کفه ترازو نهاده شود و مادرم در کفه دیگر ، کفه عالم بالاتر خواهد ایستاد . لودولابکدیل

اگر میخواهید ریشه خطاها و رذایل را براندازید ، سپاهی باید که سربازان آن مادران باشند . ؟

ای مادر تو مانند ستاره مقدس در آسمان ابدیت ثابت و درخشان خواهی ماند . ایمرسان

ای مهر مادری که مقدسترین محبت ها هستی ! از وصف عظمت آسمانی تو زبان رنگین ما عاجز است . رباهاوف

ای پدر و مادر و ای گمشدگان عزیز من همه چیز خود را به شما مدیون هستم . پاستود

این یک قاعده کلی است که همه مردان برجسته عوامل برتری خود را از مادرانشان بارث میبرند . میشله

بسیاری از استعدادهای بشری در نتیجه غفلت و نادانی پدر و مادرها از میان میرود . بسا کودکان که ممکن بود اگر

ایشان را آزاد بگذارند و دنبال فنی بفرستند. مردان بزرگی در فن خود بشوند، و اما اگر استبداد رأی و یک نوع خودخواهی که در مربیان و راهنمایان ایشان بوده آنها را برشته‌ای راهنمائی کرده است که با کمال بی‌میلی واکراه آنرا دنبال کرده‌اند.

سعید نفیسی

بچه‌ها با آن چشمان بی‌گناه، با آن صدای گرانمایه کوشش کنید، با آن دستی که با ملاطفت شما را نوازش میکند توجه داشته باشید تا آنزمان که سرچشمهٔ گرانبهای مادرانی شده است از آن بهره‌مند شوید و قدر آنرا بدانید. عشق پایان‌ناپذیر مادر را در آن چشمان بخوانید، بیاد نگرانی آن صدا در آن نگاه باشید که از درد و رنج شما میکاهد، در زندگی پس از مرگ مادر مکلن است دوستان عزیز و مهربانی پیدا کرده باشید ولی هرگز آن عشق بیان‌ناپذیر و محبتی را که کسی جز مادر نمیتواند نثار کند نخواهید داشت، یاد آور از آن چشمهایی که بر تو نگران و برای تو شادیها آماده کرده بوده است یاد آور از آن دستهائی که بعضی شبها با نوازشهای خود دردهای ترا تسکین داده است یاد آور از آن دلی که برای خاطر تو رنجها خورده و باز وفادار و فداکار مانده است، آنوقت زانوی خود را بر زمین گذار و برای تقدیس مادرت دعا کن..

هولند هونوف

این جنایت را پدرم در حق من کرد، و من درباره کسی جنایت نکردم.

نوشته روی قبر ابوالعلاء

اگر پدر ماهی گیر باشد بچه اش نیز بآب تمایل دارد.

مثل روسی

با پدران خود نیکی کنید تا فرزندان شما با شما نیکی کنند

امام صادق(ع)

با پدر و مادر چنان رفتار کن که از اولاد خود توقع داری . سقراط

با همه مهری که با طفال خود داریم و اندوخته ای که از دانش و ثروت و سایر وسایل خوشبختی برایشان میگذاریم دلهای نازکشان را چندان از زهر خودبینی و حرص و رقابت و کینه توزی پر میکنیم که در تمام عمر روی سلامت و خوشی را نمی بینند . حجازی

به مادران بگوئید که چه وظیفه مقدسی برعهده دارند . و با چه قدرت و حلاوت خاسته از عشق بر چشمه های زندگی نوزادان فرمانروایی میکنند . سیگورنی

برای ترقی ملت و آبادی مملکت از وسائل بیشمار دیگر بوجود مادر صالح و پرورش دهنده محتاجیم . ناپلئون

بهترین احسان به پدر این است که پس از مرگ او با دوستانش محبت کنی . حضرت محمد(ص)

پسران لنگرهای زندگی مادرانند . سوفوکل

پدر و مادر هرقدر که پیر باشند وجودشان به زحمت . مثل ایتالیائی

تار و پود روح مادر را از مهربانی بافته اند . امرسون

تنها زنی که آزار نمیرساند مادر است .

جوانان سرگشته و آشفته ، خانواده را میگذارند و از این و از آن و از معشوق و از عاشق ، تمنای مهر و محبت پیر یا میکنند غافل از آنکه آنچه میجویند در دل پدر و مادر و در خانواده است و بس . حجازی

چشمان اشکبار مادر تنها چیزی است که سنگین‌ترین دل را برقت میآورد . الفرد دووینی

چه نیروی شگفت انگیزی، نیروئی که کم بآن توجه میشود، تنها به عقل مادر سپرده شده است، تا نوزاد را بسوی رشد و جانها را

براه نیکی بیندازد و کسانی چون واشینگتون، را تربیت کند . ساداج هیل

دراین جهان سرد و تو خالی هیچ سرچشمه محبتی عمیق‌تر و نیرومندتر و ابدی‌تر از آنچه در داخل قلب مادر است،

وجود ندارد . ؟

در سهائی که بر زانوی مادر آموخته شده، آموزش هائی که پدر داده، همراه با داستانهای شیرینی که در کنار بخاری

بگوش خورده، یادگارهای شیرینی است که هرگز کاملا از یاد نمیرود . لامنه

در هر جانیک و بد اعمال کودک مربوط به مادر است. ناپلئون

در لبها و قلوب کودکان، نام مادر بمنزله نام خدا است. ؟

دختر را ببینی، مادرش بشناس . مثل ایتالیائی

سرنوشت آینده یک کودک همیشه کار مادر است ناپلئون

عجله پدر ناکامی است . مثل انگلیسی

فرزند را بنگر، آنگاه پدر را خواهی شناخت و خواهی دانست که با چه کسی سروکار داری . مثل روسی

قرض پدر و مادر به فرزندان علم و ثروت نیست، تربیت است و اخلاق . حجازی

قلب مادر زیباترین و جاودانی ترین جایگاه فرزندانست حتی در روزهائیکه موهای فرزند سفید شده باشد، هر فرد در تمام عالم تنها یک چنین قلب را مالک است.

استیفنز

کسانیکه بند گهواره کودکان را بدست دارند از آنهائی که زمام حکومتی را در دست گرفته اند مؤثرتر و با نفوذتر میباشند. اسمایلز

کمال زن در مادری است، زنیکه مادر نیست، موجود ناقصی است.

بالزاک

کودکان چنانند که مادران باشند. بهترین پدر و بهترین مراقبت نمی تواند قلب کودک و زندگی او را چنان شکلی دهد که مادر میدهد.

لاندود

گمان میکنم در جائی نوشته شده باشد که فضائل مادران را میتوان در کودکانشان دید همانگونه که گناهان پدران را؟

من به سی و پنج سال رسیده بودم ولی یکبار نشد که مادرم پیش از بازگشت بخانه خواب به چشمش نیامده باشد.

آناتول فرانس

مادر یگانه موجودی است که حقیقت عشق پاک را میشناسد.

بالزاک

مادر شاهکار طبیعت است.

گوته

مادر مهربان هر وقت دفتر عمر را با انگشتهای خاطرات ورق میزنم دودوتر میشوم. اسم ترا بیشتر می بینیم و حتی جائی میرسم که سوای نام تو چیز دیگر نیست.

آناتول فرانس

مادر شدن مرحله کمال زن است.

الکساندر دوما

مادر بادستی گهواره و بادستی عالم را تکان میدهد. ناپلئون

مادر آهن ربای قلب و ستاره قطبی چشم کودک است. اژژهربرت

مادر، سازنده جهان و تابلوی آفریدگار است. بتهوون

مردان همانند که مادر انسان ساخته اند! یا میشود از یک کارگاه کرباس بافی خواست که شال کشمیر بیرون دهد؟ یا از فلان مهندس توقع شاعری داشت یا از مقاطعه کاری خواستار اکتشافی در علم شیمی بود؟ امرسن

مرگ یک مادر همیشه با یک غم فراوان احساس میشود. ممکن است چندان سالم نباشد که بتواند درست بکارهای خانوادگی رسیدگی کند و سهمی در ادارهٔ آن بر عهده داشته باشد، با وجود این، سیصون مرکز تلاقی شیرینی است که مهربانیها و فرمانبرداریها در آن با یکدیگر تلاقی میکنند و متمرکز میشوند! زمین رفتن چنین مرکز تجمعی بسیار مایهٔ اندوه است. لامارتین

ما ساخته و پرداخته کسانی میباشیم که دوستمان داشته اند. آناتول فرانس

مادر، دریایی است که سیل دردهای ما را تا قطرهٔ آخر می پذیرد و طغیان نمی کند. قاضی عادلی است که حیله سازی و کینه ورزی طبیعت را همه جا می بیند و همیشه به بیگناهی ما فتوا میدهد. حجازی

من از عشق بدم میآید، برای اینکه یکبار عاشق شدم و مادرم را فراموش کردم. مارک تواین

میان گریه کنندگان گریه مادر عیان است. مثل تازی

ناپلئون روزی به مادام کامیان گفت: برای آنکه جوانان فرانسه خوب تربیت شوند به چه چیز نیازمند؟ او در جواب گفت: مادران خوب و امپراطور که تحت تاثیر این جواب عالی قرار گرفته بود، گفت در این یک نظام است که با یک کلمه بیان شده است.

جان الیوت

نام نیکی را که از پدر رسیده، باید همچو جام بلورین با احتیاط فراوان نگاه داشت. حجازی

وای بر پدر یکه فرزندزا نتیجه سوء عمل خود ببیند. حجازی

وقتی طفل خود را در آغوش گرفتی ارزش پدر را خواهی دانست. مثل انگلیسی

هیچ زبانی نمیتواند قدرت و زیبائی و قهرمانی و جلال یک عشق مادری را بیان کند در آنجا که قامت مرد در این خم میشود این عشق جاخالی نمیکند و در آنجا که مرد دست میشود این افزایش پیدا میکند. و در هنگام از دست رفتن ثروت دنیایی، شعاع فاداری و فداکاری خاموش ناشدنی خود را، چون اختری آسمانی پرتو افکن میسازد. ا. و. چاپین

هر وقت مادر فاسد شد نسل نیز فاسد میگردد. اسمایلز

هزار سیلی مادر را در ازای یک بوسه از مادر خریدارم. مثل ارمنی

هیچگاه در زندگی نمیتوانید محبتی بهتر عمیق تر، بی پیرایه تر و واقعی تر از محبت مادر خود بیابید. بالزاک

هیچ چیز نقدر دیدن یک مادر با بچه اش روح پرور نیست و هیچ چیز حس حرمت و تقدیس ما را بقدر مادر یکه بچه ها را دوره احاطه کرده باشند بیدار نمیکند. گوته

یگانه داور یگه گناه مارا هرچه باشد میبخشد مادر است . حجازی

یک بوسهٔ مادرم بود که مرا نقاهش کرد . وافائیل

یک مادر خوب بصد استاد و آموزگار برتری دارد . ژرژهربرت

یک پدر میراثی گرانبهاتر از نام نیک نمیتواند برای فرزندان خود برجای گذارد و نیز در یک خانوادهٔ
میراثی گرانبهاتر از خاطرهٔ یک نیای شریف و بزرگوار وجود ندارد . ج . همیلتن

گواهی ترا ز خنده دل چیز نیست
خجسته فرزند دل میگیست

ز فرزند نر باشد پدر شاد دل
ز غمها بدو دارد آزاد دل

نباید که گفتن خلاف پدر
که آخر پشیمانی آرد بسر

گویندهٔ چون نماد مادر
پستان بدهن گرفتن آموخت

شبهای گهوارهٔ من
بیدار نشست و خفتن آموخت

لبخند نهاد بر لب من
بر غنچهٔ گل شکفتن آموخت

دستم بگرفت و پا بپا کرد
تا شیوهٔ راه رفتن آموخت

یکحرف و دو حرف بر زبانم
الفاظ نهاد و گفتن آموخت

پس هستی من ز هستی اوست
تا هستم و هست دارمش دوست

جوانی سراز رأی مادر بتافت
دل دردمندش به آذر بتافت

چو بیچاره شد پیش آتش نهاد
که ای هست مهر تو با هوش و داد

نه گریان و درمانده بیهوش و خسته
که شبها ز دست تو خوابم نبرد

توانی که از یک مگس رنجه‌ای — که امروز سالار و سرپنجه‌ای

مادر پیر و پریشان احوال — عمر او بود فسرده و نزار پنجاه

زن بی‌شوهر از حاصل عمر — یک پسر داشت شر و بدخواه

روز و شب از پی او با شی خویش — بی‌خبر از شرف و عزت و جاه

دیره بود او به بر مادر پیر — یک گره بسته ز رگ‌های تباه

شبی آمد که ستاند ز آن زن — بکند صرف عملهای تباه

مار از داد و ستم رگ‌ها باد — گفت روز و روگه گناه است گناه

این ذخیره است مرا ای فرزند — بهر دل‌ها دیت است ان‌شاءالله

حمله آورد پسر تا گیرد — آن گره بسته ز رخ‌ها مخواه

مار از چوب پسر شیون زد — بهل از چاره چودش کوتاه

پسر افشرد گلوی مار — سخت چندانکه ز خشم گشت سیاه

نیمه جان شد ز مگر مار بگرفت — بر سر خشم و بضرب به راه

رفت در چاه عمیقی افتاد — گر جنایت نشود کس آگاه

شد سراز پس از واقعه او — تا نمایدبته چاه نگاه

از ته چاه بگوشش آمد — ناله زار و حزینی ناگاه

به اخرین جمعهٔ ماه این بود — آه فرزند نیفتی تو به چاه

ولیت ابادی

پیرزن های آن شبهه که با شمع جان — میزدند از امید جوانان بوی

دل از غم بود بیگانه پر از شادی شده خانه — که با آهنگ و لاف نوعروسان بود بوی

چه خوش بود آن زمستانها و آن شبهای طولانی — که گرم پر توافشانی چراغ خانه ران بود بوی

بهاری بود فرخنده دل شاهین خنده — دل از مهر تو لبریز و که خوب و مهربان بود بوی

در این غمخانه سرگردان چراغ آرزو افسرد — و زآن بس قطره اشکی سرد بر رویش روان بود بوی

گشودم دیرگاهان از خیال خواب دیدم رفته ای افسوس — در این دنیای سرگردان همه روزی مهربان بود بوی

بدایت زندگانی گرچه پر رنج و سختی بود — سرت نازم که تابنده دلیر و قهرمان بود بوی

حمید رزاقی

پشیمانی

آدم بجوج چون دانسته خطا میکند بیش از دیگران بر خطای خود در نغ میخورد . حجازی

آنکه از انجام عملی پشیمان میشود دو برابر بدبخت است و دوبارهٔ ضعف از خود نشان داده است . شوپنهاور

از لجاج بپرهیز که انگیزهٔ آن نادانی و حاصل آن پشیمانی است . حضرت محمد(ص)

اگر براه خطا رفتی از برگشتن مترس . کنفوسیوس

اگر غصه های بیحاصلی که خورده ایم حساب کنیم خیلی غصه خواهیم خورد . حجازی

اگر با خونسردی گناهان کوچک را مرتکب گردیم ، روزی میرسد که بدترین گناهان را هم بدون خجالت و پشیمانی ارتکاب کنیم . ؟

اگر با امید حق شناسی نیکی میکنید ، متر سم پشیمان شوید . حجازی

اگر خواهی از پشیمانی رسته گردی در دنبال هوای دل مباش . ؟

از بی ملاحظگی بپرهیز ، زیرا که مادر پشیمانیها خوانده شده است . ؟

امروز آتش و فردا خاکستر است . مثل عربی

بخشایش دل گنهکار را به پشیمانی وامیدارد . — حجازی

پرهیز بادتر از غضب که آغازش سفاهت و انجامش ندامت است . — حضرت امیرؑ

پشیمانی توبه است . — حضرت محمدؐ

پشیمانی هرگاه جبران ناپذیر باشد بیش از هر حالت دیگر رنج آور و خرد کننده تر است — ؟

پشیمانی مجازاتی است که در اثر ارتکاب گناه بما روی میآورد و توبه کفاره آن . — ژوبر

پیروزی حقیقی ظفر یکه پشیمانی بدنبال ندارد ، پیروزی بر نادانی است . شغلهائیکه شرافتمندانه است بیش از همه بکمال سود میرساند ، شغل هائی است که بتوسعه فکر آدمی کمک میکنند . — ناپلئون

تدبیر قبل از کار ترا از پشیمانی ایمن میکند . — حضرت امیرؑ

چرا کسی از کاری پشیمان گردد که یکبار دیگر از آن پشیمان شده باشد . — ؟

خرده سنگ را به کوزه بزنی ، یا کوزه را روی سنگ بیاندازی بازشکست از کوزه است . — مثل یونسلاوی

در پاره ای موارد فریب خوردن بهتر از بی اعتمادیست . — سرنگ

عشق هفت ثانیه دوام دارد و هوس هفت دقیقه و اندوه و بیچارگی یک عمر . — مثل عربی

غضب شعله ایست شیطانی و فرجامش موجب ملالت و پشیمانی — ؟

کسیکه پشیمان تواند شد ، نومیدی بخود راه ندهد . — حضرت امیرؑ

گناهان ما سمج و توبه ما سست است . بودلر

مرغ ستمدیده بر نخواهد گشت . حجازی

هر قدر هم در یک جاده عوضی رفته باشی برگرد . مثل ترکی

یادداشتهای روزانه هم مثل نامه های عاشقانه خطرناک است ، باید روز بروز آنرا سوزاند . ؟

من بماندم که نخسپم بره عشق تو پای
جزم بود که این ره بخطر می پویم

ور ز این آتش تندم بتر از زمن نکشد پرسش
که بدانسوی تو دل از هر هوسی می شویم

ملکش از ابر کرم رحمت بهمه که من
آن گدایم که سر راه کسی میرویم

میدهم پند بحالت که ز می توبه کنند
سالکی را چه سخن با چه کسی می گویم؟

دیوان صائب

کمند مهر چنین پاره کن که گر رود
شوی ز کعبه پشیمان بهم تواند بست

محتشم کاشانی

گر بگویم که مرا حال پریشانی نیست
رنگ رخسار خبر میدهد از آشفته ضمیر

عشق پیرانه سر از من عجبت می آید
چه جوانی تو که از دست ببردی دل پیر

سعدی

پول - مال - ثروت

آدمی که پول ندارد مانند کمانی است که تیر ندارد . — فوللر

آرمند هرگز از آنچه دارد راضی نیست . — سن دوبران

آرمند نیازمند است اگرچه همهٔ جهان او را باشد . — ؟

آنچه ریشهٔ همه بدیهاست نفس پول نیست بلکه عشق و علاقه جنون آمیز پول است . — مولوک

آنرا که حساب پاکست از محاسبه چه باکست . — سعدی

آنکه ثروت خود را باخت زیاد باخته است ولی آنکه شهامت خود را باخت پاک باخته است . — سروانتس

آن تجارت روا است که بنفع مردم هم باشد . — حجازی

احمق و پولش را همه محترم میشمارند . — هلن رولاند

اختراع پول، قاتل خوشبختی بشر شد . — سنگا

اخلاق شرف اصلی است و مال شرافت موهومی . — سموئل اسمایلز

ارسطو را گفتند نگاه داشتن مال از حکما پسندیده نیست؟ گفت حکیمان مال را از برای آن دارند که -

محتاج لئیمان نگردند .

ارسطاطالیس

از اسکناس چیزی بهتر نیست، نه خوراک میخواهد، نه فاسد میشود در راحت توی جیب میرود و جای وسیع هم نمیخواهد .

گوگون

ارزش هر چیز آن مقدار از عمر ماست که در مقابل آن اکنون یا بعدها تقدیم میکنیم .

هنری ترو

اشخاص کم تجربه پول را آخرین علاج مشکلات میدانند .

داذبلوی

اشخاصی هستند که همیشه در بیم از دست دادن ثروت خود زندگی میکنند و جز این بیم از مالشان بهره ای نمیگیرند .

ایوال

اگر پول را خدای خود نمائی مانند یک اهریمن آزارت خواهد داد .

فیلدینگ

اگر میخواهی واقعاً قدر پول را بدانی بروا زر فقانت درخواست وام کن .

فرانکلین

اگر پول در جهان نبود، هیچوقت جنگ نمیشد .

ادنا

اگر بمال دروغ گردی جهد کن تا بخرد توانگر باشی که توانگری خرد از توانگری مال بهتر بود. توبوس دیگر

اگر من هم مالک تکزاس و هم جهنم بودم، تکزاس را اجاره میدادم و در جهنم بسر میبردم ؟

انسان در موقعیکه تمام دارائی خود را از دست بدهد تمام دوستان از میان میروند .

دتوشن

انگلیسها یک ملت دکاندار هستند که قاره اروپا را چار حریق کردند تا بازارهای دنیا را منحصر بخود سازند؟

چه بسا وجدانها، جوانیها و شادیها، آسایشها و لذتها و تمایلات شخصی و فامیلی را اسکناس این کاغذهای
بظاهر دستمالی شده از انسانها گرفته است بجای آنکه پول را برای زندگانی بهتر بخوانند اغلب خود را
برای او فدا میکنند .

غ - ذ

احمق و پولش بزودی از هم جدا میشوند . مثل افریقائی

از کلمات مانند پول استفاده کن . مثل آلمانی

اعم از اینکه برحق باشی یا نباشی اهمیتی ندارد . اگر پول نداشته باشی خطاکار بشمار خواهی رفت . مثل چینی

اگر خواستی کسی را سعادتمند کنی ثروت او را زیاد نکن ، بکوش تا خواسته های او را کم کنی . مثل عربی

اگر پول در جیب نداری عسل در دهان داشته باش . مثل یونانی

اگر پول نبود این همه بدبختی بدنیا روی نمی آورد . مثل چینی

اگر خواستی برستوران بروی به بین جیبت چه میگوید ، نه معده . مثل فلاندی

اول ضررها را حساب کن بعد منافع را . ؟

باثروت نمیتوانید در قلوب مردم رخنه کنید ، ولی با اخلاق میتوانید در قلوب آنان -
جای گیرید .

حضرت محمدؐ

با افزایش کیسه های سیم وزر آزمندی هم افزایش پیدا میکند . — جوونال

بخیل برای ثروت خود گنجبان است و برای وارث انبار دار . — بوذرجمهر

برای آدمی نزدیکترین دوست ثروتی است که در کیسه دارد . — ؟

بزرگترین سرمایهٔ من قدرتی است که در تولید هیجان در اشخاص دارم . — شواب

بسا ترقی ظاهر که مایهٔ پریشانی باطن میشود . — حجازی

بسا دولتمند که محتاج دلداری فقیر است . — حجازی

بهترین مردم کسی است که بیشتر از همه بمردم نفعش میرسد . — حضرت محمدؐ

بهتر است ثروتمند زندگی کنیم تا اینکه ثروتمند بمیریم . — دکتر جانسون

بی پول صلح بدشواری بدست خواهد آمد . — چرچیل

باهم برادر باشید ولی در ضمن حسابهایتان را نگاه دارید . — مثل عربی

با ثروت میتوان بر شیاطین فرمانروائی کرد ، بدون ثروت حتی نمیتوان بره ای را احضار کرد . — مثل چینی

بدنبال شانس ثروت است و در تعقیب آن نکبت . — مثل فرانسوی

بهر قیمت بخری از بدیه ارزانتر تمام میشود . — مثل مراکشی

پاکدامنی و افتخار همیشه بر ثروت دنیا مقدم است زیرا با هزارها کاخ باشکوه و گنجهای سیم و زر ممکن نیست

پول حضرت امیرؑ

آبروی ریخته شده را گرد آورد .

پول حجازی

پولی عیبی است که با پول و مقام پوشیده نمیشود .

پول لردبایرون

پول حاضر و آماده چراغ علاءالدین است .

پول زادهٔ پول است گاهی بدست آوردن اولین کیره مشکلتر از تحصیل میلیون لیره دوم است . ژان ژاک روسو

پول اربابی وحشتناک نوکری وفادار است

پول مادر صلح و پدر جنگ است .

پول برای شما غذا میآورد ولی اشتها نمیآورد .

پول برای شما دوا میآورد ولی سلامتی نمیآورد .

پول برای شما آشنا میآورد اما صفا و صمیمیت نمیآورد .

پول برای شما لذت های زودگذر میآورد ولی شادی عمیق انسانی نمیآورد .

پول برای شما تجمل میآورد اما آسایش واقعی نمیآورد .

پول متاعی است که با آن میتوان همه جا وارد شد و همه چیز را بدست آورد جز نشرافت و سعادت . شکسپیر

پول کود درخت مدنیت است . امیل زولو

پول مانند حس ششم است که بدون آن نمیتوان از پنج حس دیگر بطور کامل استفاده کرد . بدون درآمد کافی

نصف امکانات زندگی بروی ما مسدود خواهد شد .	سامرست مرآم
پول و تقوا دو کفه ترازو ییند یکی که بالا رفت حتماً دیگری پائین میآید .	افلاطون
پول علاج کر سنگی را میکند ولی درمان اندوه و درد نیست .	برنارد شاو
پول در حقیقت بزبانی صحبت میکند که همه ملل دنیا آن را درک می کنند .	افرابن
پول باشادمانی کم داخل کیسه میشود ولی با غم و زاری از آن خارج میگردد .	مولیر
پول که به جیب راه یافت عقل از سرت بیرون میپرد .	مثل انگلیسی
پول توی جیب هر کس باشد سند فضائلی هم در جیب دیگرش پنهان است .	مثل نروژی
پول داشته باش همه جا جایت است .	مثل ایتالیائی
پول باید متعلق بانسان باشد نه آدم متعلق به پول .	مثل هندی
پول غلام مرد عاقل است و ارباب مرد احمق .	مثل آلمانی
پول ایمان خیلی ها را برباد میدهد .	مثل فرانسوی
تا کار بزرگ میآید جان در خطر افکندن نشاید .	سعدی
تمول در داشتن خزائن و دفائن نیست در دانستن طرز استعمال آنست .	فرانکلین
تمام دنیای پهناور را بگردید ، در ی بروی آدم بی پول گشاده نخواهید یافت .	هانری استانتون

تمام مسائل در گرداگرد مادیات در گردش است و هر معنی که بسنگانی از این قاعده مستثنی نیست . ؟

تنها کسیکه قرضهایش را میپردازد ثروتمند میشود . رافیت

تو انگر واقعی کسی است که چشمش مدت دیگران نباشد . حضرت محمد

تو انگری و مال داری ، بحیله و تدبیر نیست چه اگر چنین بودی مرا میدیدی که به ستاره های آسمان آویخته ام ولی هر که را خردمندی بنواختند از قسمت تو انگری محرومم ساختند . ؟

تاجر شدن آسان است ولی تاجر ماندن هنر . مثل سویسی

تأسف جواب قرض را نمیدهد . مثل افریقائی

ثروت حقیقی دو شرط دارد ، یکی آنکه دائم اسباب خوشی باشد . دیگر اینکه روزگار نتواند آنرا از ما پس بگیرد و آن ثروت معنوی است . حجازی

ثروت را برای زندگی بخواهید نه زندگی را برای ثروت . لرد آویبوری

ثروت در دست کسانیکه صاحب عزم و اراده قوی و تملک نفس نیستند و یا نمیتوانند امیال و هواهای نفسانی خویش را اداره کنند بمنزله دام و سرچشمه بلا و مصیبت است ، چه برای خودشان و چه برای دیگران . اسمایلز

ثروت در جنگ سلاح موفقیت و در عشق اسباب کامیابی . مولیر

ثروت مهم نیست لذت بردن از زندگی شرط است ، شق اخیر است که فقدان آن ما را ناامید میسازد . ؟

ثروتمند واقعی کسی است که بخشش داشته باشد کسی که از این عمل امتناع کند مسکینی بیش نیست . سوچین

ثروت بمنزلهٔ پلی است که از روی آن عبور کرده بآرزوی خود میرسیم . لرد آویبوری

ثروت اگر صرف نیکوکاری نشود باریست که باید برحمت برد و بحسرت گذاشت . حجازی

ثروت، صلح و آرامش را ضایع میکند . دیوژنس

ثروتمند واقعی کسی است که نه قرض کند و نه تملق کسی را بگوید . سیمون دوبرآ

ثروت چون شبنم در آفتاب است . مثل آفریقائی

جهان بزرگتر از آنست که تو بتوانی آنرا بخود مخصوص کنی . سعید نفیسی

جوانان رویای ثروت در سر دارند و پیران امید اینکه مفلس نشوند . مثل آفریقائی

حب مال سراسر وجود آدمیان را تسخیر میکند و هرگز به آنان مجال نمیدهد که حتی لحظه ای در بارهٔ چیزی جز اموال شخص خویش بیندیشند . افلاطون

حرص فوق العادهٔ انسان هیچوقت پایان پذیر نیست . سیرون

خردگرانبهاتر از طلاست ، زیرا کمیاب تر و مفیدتر است فوشه

خسارت و دزدزدگی و ظلم و خسرانیکه دیده ایم مهم نیست ، بلکه فراموش نکردن آنهاست که ما را آزار میرساند؟ دارائی خود را محدود کنید نه از راه اسراف بلکه تبدیل آن به آثاری اجتماعی . ؟

در پس پردهٔ تمام جنایات انگیزهٔ مادی آن بچشم میخورد . گاندی

در این زمان حصار عفتی نیست که اسلحه پول در آن رخنه نکند . برناردشاو

دشمن انسان اموال انسان است . ؟

دنیا را پول اداره میکند . ؟

دو دسته از جوانان قدر پول را نمیدانند آنهائیکه هیچ ندارند و آنهائیکه خیلی دارند ؟

دیوانگی محض است که کسی برای آنکه ثروتمند بمیرد ، زندگی خود را چون فقرا و بیچارگان بسر آورد . یوورتن

درخت تجارت در باغ آشتی میوه میدهد . ؟

دو تاجر همکار بندرت با یکدیگر موافقند . ؟

راد مردان و احرار ، بواسطهٔ عدم اعتنا بتحصیل یا جمع مال غالبا فقیر و بی چیز شند . دهخدا

راه ثروتمندی راه بسیار هموار است به دو کلمه بستگی دارد : کوشش و صرفه جوئی ، بدین معنی که وقت و پول هیچکدام را نباید بیهوده تلف کنیم بلکه هر دو را باید با نیکوترین وجه بمصرف برسانیم بی کوشش و صرفه جوئی هیچ کار نمیشود کرد و با آن دو هر کار میسر است . فرانکلین

روح با نشاط گنجینهٔ گرانبهای ثروت است ، خوی خوش میراث بزرگی است . ؟

زر را دوست بسیار است و زردار را دشمن بشمار . ؟

زود خوابیدن و زود برخاستن، مرد را سلامت، ثروتمند و عاقل میکند . — فرانکلین

زر سفید برای روز سیاه . — مثل؟

زر و زور و زیور هر سه فانی است . — مثل انگلیسی

شرط اصلی موفقیت در تمام مراحل زندگی سه چیز است اول پول دوم پول سوم پول — ناپلئون

شرافت و بزرگواری باید انتخابی باشد نه موروثی . — تیمرمان

شهوت مال و سبکساری و سنگدلی آخرین مرحله فساد مردِ منحط است . — جانسون

صرف نظر کردن از پول بخاطر عشق چندان آسان نیست ... مردمان بر شهوت خود آسانتر پیروز میشوند ، تا ـ

بطمع خوشتن . — مارسل

ضررهایی هست که نفع زیاد بما میرساند . — مثل هندی

علم تاج سراست و مال غل گردن . — ؟

علم حافظه تست و تو باید مال را نگاهداری کنی . — ؟

عوام ثروتمند را محترم میدارد و خواص دانشمندان را . — افلاطون

عشق پول و عشق به تحصیل نمیتوانند باهم راه بروند . — مثل انگلیسی

غالبا از دنیا نعمتی میخواهیم که اگر بدستمان رسید دشمن جانمان میشود . — حجازی

قبل از پول قرض کردن از یک رفیق درست فکرهایتان را بکنید که بکدام بیشتر احتیاج دارید —

پول یا رفیق . — ادیسون هالاک

قبل از آنکه دنبال هوی و هوس بروی بکیسهٔ پول خود نظر افکن . — فرانکلین

قبل از خریدن باید فکر فروشش را هم کرد . — مثل چینی

قرض حلقهٔ اسارتی است که بدست خود بر گردن خود میافکنیم . — مثل انگلیسی

کسیکه از زبان خود امساک کند و از مال خود انفاق کند سعادتمند است . — حضرت محمدؐ

کسیکه ثروتمند است احتیاج ندارد در زندگی میانه رو باشد و کسیکه بتواند با قصاد زیست کند احتیاج بثروت ندارد . — مثل انگلیسی

کسیکه ثروتی ندارد خود را دارد . — فرانکلین

کسیکه آرزوهایش سودمند باشد، ثروتمند است . — ولتر

کیسه‌ای که پر باشد چنین صورت را ازین می برد . — فتحی الرملی

کلید یکه صندوق پول را باز میکند قفل دلها را میگشاید . — لافونتن

کسیکه قادر به تبسم نیست نباید کاسب و مغازه دار باشد . — مثل چینی

کسیکه خرید و فروش میکند احساس نمیکند که چقدر خرج کرده است . — مثل اسپانیولی

کسیکه قرض خود را ادا میکند بر ثروت خویش میافزاید . — مثل انگلیسی

گودالهای بزرگ را میتوان پر کرد ولی دل آدمی را نتوان نمود . — مثل چینی

گاهی صدای پول ندای عدل را میکشد . — مثل یوگسلاوی

گر سنه خوابیدن بهتر است تا در قرض فرو رفتن . — ؟

ما مالک لوازم مادی نمیشویم مملوک آن میگردیم . — امرسون

مالیکه خود بدست آورده یم ازاین جهت عزیز است که فرزند فکر و عمل ماست . — حجازی

مال از بهر آسایش عمر است نه عمر از بهر گرد کردن مال . — سعدی

مال مادهٔ نالایقی است که بهیزان را وادار میکند بر هنرمندان برتری جویند . — ؟

مال زنبوری است که اگر از نگه داری آن آگاه باشید عسل میدهد و اگر نه نیش میزند و پرواز میکند . — دکتر ماردن

مردم مال را تمجید کنند اما در حقیقت مال آنها را تمجید کرده است . — بطلمیوس

مردان قوی بهتر از سایرین میدانند که ثروت بزرگترین قدرتهاست . — ؟

مردم سه دسته اند یا نوکر پول یا رفیق پول و یا ارباب پول . — دیل کارنگی

مطمئن باشید که یگانه هدف من آنستکه هرچه بتوانم پول بدست آورم زیرا پس از تندرستی پول از همه چیز بهتر است . — موزاد

ملت بی پول با استقلال خودش بازی میکند . پوانکاره

من تصمیم گرفتم پول را بخدمت درآورم نه اینکه خود بخدمت پول درآیم . جان راکفلر

با ایمان و اعتقاد کاملی معتقدم که پول نمیتواند کاروان بشری را بسوی ترقی رهبری نماید، حتی اگر در دست فداکارترین فرشته بشر بخاطر این مقصود باشد . انیشتین

مال خوب از دور داد میزند . مثل آلمانی

مال کمتر و اضطراب کمتر . مثل فرانسوی

مردم به سخنان مرد پول دار همیشه گوش میدهند . مثل چینی

نفرین آزادگان بر تو باد ای پول که اساس دوستی ها را بدشمنی، محبت ها را بنفاق و آبادانیها را بویرانی ها

و خرابیها مبدل میسازی، چه جنایات فجیعی که بخاطر تو صورت گرفته است . ؟

نمیتوان همه را بمال راضی کرد اما بحسن خلق میتوان . حضرت محمد

نیک بختان در اصلاح مفاسد خود نمی کوشند زیرا تمکنت و اقبال بر مفاسد آنها پرده پوشی میکند، حق را

بجانب خود می بینند . لارشفوکولد

وقتی انسان آنقدر ثروتمند شد که بتواند هرچه دلش میخواهد بخورد، می بینید معده اش بیمار است و همه چیز را

هضم نمیکند . شاتوبریان

وقتیکه کیسه خالی شد دل پر میشود . هوگو

وقتیکه مسأله پول پیش میآید همه پیرو یک کیش و آئین میشوند . ولتر

وام بده و برای خود دشمن تراش . ؟

هر که را زر در ترازوست زور در بازوست . سعدی

هرگز با پول منتسوان یک سرباز خوب معلم خوب ، هنرمند خوب و یا یک کارگر خوب ساخت . روسگین

هرگز انسان نباید با پول خود برای خود درد سر درست کند . دیل کارنگی

هر چه میدرخشد طلا نیست . حتماً نصف مردم جهان کور هستند زیرا آنها نمی توانند چیزی را ببینند مگر اینکه بدرخشد . آئینه برای کور به چه درد میخورد ؟ اسکار وایلد

هر ثروت و تمول افسانه ایست دارای دو فصل ، فصل اول تجارت ، فصل دوم حیله و فریب . ؟

هر روز مقداری از علم و ثروت خود را وقف دیگران کنید . مهاویرا

هر چه ثروت بیشتر شود تشویش و نگرانی و حرص و آز رو بافزایش میگذارد . هوراس

هر کس فقیر و قانع باشد ثروتمند است . شکسپیر

همه ما در یک مذهب مشترک هستیم و آنهم ثروت است . ولتر

هر که پول خود را برای کسب علم خرج کند چند برابر آن را پس انداز کرده است . مثل ژاپونی

هرکه باهش بیش برفش بیشتر . — مثل فارسی

همیشه در دزدی وجود دارد که دزد دیگر را غارت کند . — مثل چینی

هیچکس بوی درخت بی ثمر نمیبرد . — مثل آفریقائی

یا زر یا زور یا زاری . — ؟

یک آدم ثروتمند کمتر خواب راحت و آسایش روحی دارد . — غ - ذ

این زمانم که زر بلای وفاست
یا که این خوی مهربانی کداست

که چو آزر گوهری در چنگ
گوهر دوستی ز سنگ مجوی

سعدی

تهی دست سالک رود از درون
دلش سال و مه تنگ و محزون بود

چو داری بدست اندرون خواسته
رزو سیم و اسباب آراسته

هزینه چنان کن که بایست کرد
نباید فشاند زر و نباید فشرد

فردوسی

من آزاده در میان گروه
گرچه خوشخوان و عاقل و دانا است

محترم آنکسی تواند بود
که از ایشان بی‌نیاز است

وانکه محتاج خلق شد خوار است
گرچه با علم بوعلی سینا است

ابن یمین

نبض تهی دست نگیرد طبیب
درد فقیران همه را بی‌دوا است

پروین اعتصامی

مال گه آرد در نشیمن خاک — تا در این کهنه خاکدان باشی
گر بمیری و دشمنان بخورند — به که محتاج جمعدان باشی

سعدی

بر زمین چون فتد خجالت محتاجم — بس زر کز من آنچه بتوان زر کرد

صائب

مکن ز کثرت کثرت شکایت ابرو ش — که تیره بختی اگر هست این نسق مویی
تو آنکه چون دل و دست کرام انسانیت — بخور بخش که دنیا و آخرت بکوبی

سعدی

پیروزی موفقیت

آنانکه از زندگی پیروز و کامیاب شده‌اند، اوّل از نظر فکر و روح پیروز و کامیاب بوده‌اند. ادیسون

احترام و قدردانی دو چیز مختلفند: احترام را بموفقیت اشخاص میگذارند اما قدردانی از شخصیت اشخاص بعمل میآید. الکساندر دوما

از مخالفت نهراسید فقط وقتی باد با دک میتواند بالا رود که با باد مخالف مواجه شود. چرچیل

از دیکتور هوگو پرسیدند، برای موفقیت در زندگی سه عامل پول، کار یا عقل کدام یک مؤثرترند؟ وی جوابداد:

فرض کنید روی سه چرخه ای سوار هستید، کدام چرخ برای شما اهمیتش بیشتر است؟ ؟

اگر بخواهیم بر طبیعت پیروز شویم باید از آنها شناسیم. ؟

اگر بیک انسان فرصت پیشرفت ندهید لیاقت چندان تأثیری در پیشرفت او نخواهد داشت. ناپلئون

اگر در اولین قدم موفقیت نصیب ما نشد، سعی و عمل دیگر معنی نداشت. مترلینگ

انسان هرگز نباید به پیروزی موقتی که بر نفس یافته است فریفته شود زیرا نفس آدمی گاهی سالها خاموش و

بدون جنبش میماند و ناگهان باقتضای موقع یا در نتیجه وسوسه ای باز بهیجان میآید. بایگون

انسان هرگز از موفقیت سیر نمیشود. مثل یونانی

انسان موفق لاقید نیست و انسان لاقید موفق نیست . مثل چینی

بالاترین رمز کامیابی اینست که انسان چیزی بگوید و کاری بکند و چیزی را بخواهد که دیگران معمولاً از آن نمیگویند و
نمی کنند و نمیخواهند . یا در گفتن و کردن و خواستن آن تردید دارند . سعید نفیسی

بدست آوردن خوشبختی بزرگترین فتح زندگی است . آلبرت کامو

بدست آوردن آنچه را که ما آرزو داریم موفقیت است اما چیزی را که برای بدست آوردنش تلاش میکنیم -
خوشبختی است . لوسیا

بدون خطر نمیتوان بر خطر غلبه کرد . ؟

بدست آوردن چیزی آسان باشد ولی نگهداری آن مشکل است . غ - ذ

برای پیروزی در زندگی دل بدریا میباید زد اما آنکه دل بدریا میزند میباید یقین داشته باشد لااقل در این
بازی چیز خنده ای از دست نمیدهد . هربار

بزرگترین پیروزی آنستکه نوعی رفتار کنیم که مبارزان قویتر از آن بشوند که در شروع کار مبارزه بودند. گاندی

بیشتر کسانی موفق شده اند که کمتر تعریف شنیده اند . امیل زولا

با موفقیت فتح، کوچکی بخود مغرور مشو . ؟

برتری که پرهیز از آن ممکن نیست با تحمل و بردباری میتوان پیروز شد . ؟

به نرمی توان رخنه در سنگ کرد . — مثل فارسی

پیروزی نصیب کسانی میشود که بیش از همه استقامت دارند . — ناپلئون

پیروزی فضائل شکست رذایل است . — مثل هندی

جدیت مقصد را نزدیک میکند . — شیللر

ویژگیهای مرد کامیاب اینستکه فکرش سریعتر کار میکند، نیروی اراده قوی دارد به تمرکز قوای دماغی قادر است حافظه اش قوی، منظم، آماده و بیدار است، نیروی بیان دارد، بنفس خود اعتماد دارد از تجارب خود و دیگران استفاده میکند، نسبت بآنچه در محیطش میگذرد بیدار است . کلمه شکست در قاموس او معنی ندارد . نومیدی بخود راه نمیدهد و از همه بالاتر بر آفریننده جهان ایمان دارد . ؟

در این دنیا از دو راه میتوان موفق شد یا از هوش خود یا از نادانی دیگران . — لابرویر

راز موفقیت در زندگی را فقط افرادی آموخته اند که در زندگی موفق شده اند . — جان کولینز

روز پیروزی خستگی احساس نمیشود . — مثل تازی

زندگی همواره ضابطه ها را درهم میشکند، شکست میتواند با وجود زشتیهایش تنها راهی بسوی رستاخیز باشد . ؟

سجایای هر شخصی سرنوشت اوست . ؟

شکست یتیم است ولی پیروزی هزار پدر دارد . ؟

قبل از هر چیز دیگر آماده شدن را موفقیت است. — هنری فورد

کار کنید تا به آسایش برسید بکوشید تا موفقیت نایل شوید. — توماس

کسیکه دو روز او مساوی باشد ضرر کرده است. — حضرت محمدؐ

کسیکه در هنگام پیروزی، خود را کنترل میکند به پیروزی مجدد نائل گردیده است. — ؟

کسیکه خون را ببیند و خونسرد باشد پیروز میشود. — مثل انگلیسی

کمی لیاقت، جوهر توانائی در موفقیت است. — مثل آلمانی

گاهی اوقات صلاح ما در اینست که بمقصود نرسیم، زیرا مقصود برای ما ضرر دارد. — هانری مود ؟

لحظاتی فرا میرسد که تمام درهای موفقیت بروی شما باز میشود، خیلی ذوق زده نشوید زیرا زیاد طولانی نخواهد بود ما از پیروزیهای نیاکان تمتع میگیریم بی آنکه بخونهائیکه در راه حصول این پیروزیها ریخته شده است بیندیشیم.

مردم موفق امروز کودکان جسور دیروز بوده اند. — دیسرائیلی

مردیکه از تمام مساعدتهای خارجی چشم پوشید و آنرا دور انداخت و شخصا وارد میدان شود و به نیروی خود برپا ایستد او همان مردی است که نیرومندی و موفقیت را برایش پیش بینی میکنم. — امرسون

ممکن است با مشاجره و مباحثه خصم خود را مجاب و سرگردان کنید. اما چنین غلبه ای بیهوده است زیرا که هرگز موافقت صمیمانه طرف را حاصل نتوانید کرد. — فرانکلین

من نمیدانم پدر بزرگم که بود؟ اما باین نکته بیشتر اهمیت میدهم که بدانم نواده‌ام چه کسی خواهد شد . — لینکلن

موفقیت از آن کسانی نیست که هرگز دچار ناکامی نمیشدند بلکه متعلق بکسانی که هرگز از تجدید مبارزه بیم و هراس ندارند . — هانری ف. کپ

موفقیت اگر با لیاقت و شایستگی بدست نیامده باشد پیوسته موجب نگرانی و تشویش خاطر خواهد بود . — حجازی

موفقیت نصیب افراد خواب آلود نمیگردد . — مثل دانمارکی

موفقیت برای اشخاص کم ظرفیت مقدمه گستاخی است . — مثل ایتالیائی

نخستین شرط پیروزی دلیری است . — کامپ بل

نفس خویش را باطاعت درآوردن از هر فتحی دشوارتر است . — آئین بودائی

وقتی که از پا در میافتی نزد همه منفور میشوی . — مثل شرقی

هر کس توانست خویشتن را مغلوب کند ، مسلما میتواند دیگران را مطیع خود سازد . — لرد آویبوری

همه خوشبختیها و موفقیت که بمن روی آورده از دریائی وارد شده است که آنها را بدقت بسته بودم . — لرد بایرون

هیچکس را بی تکاپوی سعی بلیغ آفتاب مراد از مشرق امید طالع نشده است . — کلیله و دمنه

پیروزی من در ره عشق تو یقین است — چین بر تو مهر تو بود سایهٔ بر من

حمیدی

خوش آن دولت بیدار که بخوابم آید — نرفت هیچگه از خاطرم شادی خوش
شادی وصل تو را طعنه بنوشیدنم — بهر من چین مه نو گر بکشانی ابروش

صدارت

ما خاکنشینان در میخانهٔ عشقیم — تا چند خورید بدین خاک درما
ما خسرو فقیریم و نیاز سر جمشید — گر سر بکشد از خط فرمان تاجور ما

صفای اصفهانی

خوش وقت سحر از غصه نجاتم داد — وندر آن ظلمت شب آب حیاتم داد
چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی — آن شب قدر که این تازه براتم داد

حافظ شیرازی

پیمان - وفا

آنانکه بعهد خود وفا میکنند برگزیده ترین مردمانند .

حضرت علی(ع)

آیا خودت باوفا هستی که انتظار وفاداری .

مثل آفریقائی

پیمان شکن را با مردی و مردمی چکار ؟

حیوان به پایش بسته میشود انسان بقولش .

مثل انگلیسی

سند پاره میشود ، قول پاره نمیشود .

مثل آلمانی

شکست پیمان و نقض عهد از شریعت و آئین مردی فرسنگها دور است .

بزرگمهر

طبیعت در مقابل عهد و پیمان بشری بی اعتناست .

جورج نیکولا

طوقی بر گردن خود نیند از که نتوانی باز کنی مگر با زحمات زیاد .

؟

علامت جوانمردی سه چیز است یکی وفای بخلاف ، دوم ستایش بی جود ، سوم عطا و بخشش بی سوال .

معروف کرخی

فرزانه هیچ وقت سخنی را که باور ندارد نمیگوید و بکاری که جلوگیری از آن نشود اقدام نمیکند و وعده بکسی نمیدهد مگر آنکه به برآوردن آن امیدوار باشد و به هیچ کاری که در او فرو ماند و از عهد انجام بر نیاید دست نمی یازد .

ابن مقفع

قول مانند تیر است همین که پرتاب شد هیچ وقت بکمان بر نمیگردد . مثل عربی

کسانیکه در قول سید هند خوشقولترین مردمان دنیا هستند . ژان ژاک روسو

میان انسان و شرافت رشته باریکی وجود دارد و اسم آن قول است . ؟

وفاداری به حال است که وفاداری به آینده را آماده میسازد . فنلون

وفای به عهد و نگاهداری پیمان هر اندازه که در مردمی فزونی یابد آن جامعه شایسته برومندی گردد . ؟

وعده که کردی معترض میشوی ، معترض که شدی وعده میکنی . مثل فرانسوی

هرگاه با مردمان پیمان بستی تا جان در بدن داری بشکست آن اقدام مکن که اصل مروت آنست که آدمی از عهده عهد نیکو برآید و از خدعه و مکر حذر نماید . و حقیقت سخاوت را شخصی دارد که چون وعده بکسی دهد وفا فرماید . جواهر الاخلاق

هیچ قانونی نمیتواند نیکی و صحت عمل و معروفیت مرا مثل عهد و میثاق خودم نگهدارد . توماس براس

پیمانه‌کش ما که روانش خوش باد — گفت پرهیز کن از صحبت پیمان‌شکنان

حافظ شیرازی

گرچه هست بر عهد نیکوان همه لاف — بست عهدیت ای مه نپذیرم و نشنیدم

دلم شکستی و عهد تو سنگدل نشکستم — زمن بریدی و مهر از تو بی‌وفا نبریدم

شیخ اصفهانی

چو عهدی با کسی کردی بجای آر — که ایمانست عهد از دست مگذار

خسرو

مرا بعهد تو یکتا نگین ز خویش مران — که چشمه‌ها وفادار بهتر از خویشند

سعدی شیرازی

ز آنجا که خط پیمان نشکنم — ستوده بنا شند در انجمن

مبادا که با شی تو پیمان شکن — که خاک لحد پیمان شکن را کفن

برد اد گر نیز و برا نجمن — نباشد پسندیده پیمان شکن

فردوسی

هر آنکه جانب اهل وفا نگهدارد — خدای در همه جا از بلا نگهدارد

سروزر و دل جانم فدای آنمحبوب — که حق صحبت و مهر و وفا نگهدارد

حافظ شیرازی

یک ذره وفا با ما بر و عالم بفروشم — هر چند در این عهد خریدار ندارد

صائب تبریزی

عهد کردیم که بی‌جرعت بصحرا نرویم — بی‌تماشا که رویش به تماشا نرویم

بر رشتی و جفا روی مگردان از ما — که بگشتن برویم از نظرت تا نرویم

سعدیا شرط وفاداری ازلیلی آنست — که اگر مجنونش گویند بسوها نرویم

سعدی

وفا کنیم و ملامت کشیم و خوش باشیم — که در طریقت ما کافریست رنجیدن

حافظ شیرازی

تاریخ

اخبار ملوک پیشین را بیشتر مطالعه فرما که از چند فایده خالی نباشد یکی بسیرت خوب ایشان اقتدا کند، دوم آنکه بتقلب روزگار پیش از عهد ایشان تأمل کند تا بجاه و جمال و ملک و نسب فریفته و مغرور نشود . سعدی

برای نوشتن یک تاریخ، در وجود مورخ، باید بین همدردی، طرفداری، جدایی، بیطرفی تعادل وجود داشته باشد. ارنست رنان

باید دید چگونه تاریخ نگار در میان هزاران واقعه برخی را میگزیند و برخی را فرو میگذارد . آناتول فرانس

برای آنکه تاریخ تا ابد دروغ باشد کافی است که یکنفر حقایق را کتمان کند . میشله

تاریخ یک ملت مانند گلزاری است که مردان هنرمند و حساس گلهای زیبای آن میباشند. گوستاولوبون

تاریخ مستشار امیران است . کارلایل

تاریخ سیر خود را بزندگی مردان بزرگ نشان میدهد . کارلایل

تاریخ مفاخر گذشته با خاطره هائیکه از اعمال و شجاعتهای رجال ما در فکر افراد خطور میدهد روح ملیت را برانگیخته مردم را بطرف مجد و تعالی میکشاند .

تاریخ یک ماشین خودکار روبی را نده نیست و به تنهائی استقلال ندارد . بلکه هرچه ما بخواهیم تاریخ همان خواهد شد. ژان ژورس

تاریخ تمدنهای جهان، تمدن در کشورهای جهان مراحل زیر را پیموده است:

از اسارت بطرف ایمان .

از ایمان به شجاعت .

از شجاعت به آزادی .

از آزادی به فراوانی .

از فراوانی به خودخواهی .

از خودخواهی به بله قربان گوئی .

از بله قربان گوئی به بی رگی .

از بی رگی به از کف رفتن استقلال .

ارنولد توین بی تاریخ نویس معاصر معتقد است که از بیست و یک تمدن بزرگ جهانی در حدود دوازده تمدن در اثر تهدید داخلی و با ضمحلال رفته اند و بی سر و صدا بخاموشی گرائیده اند. چنانکه ملاحظه میشود دوران تمدن از اسارت شروع میشود و با اسارت ختم میگردد و این دوران در حدود دویست سال بطول میانجامد و سپس از سر گرفته میشود.

آرنولد توین بی

در نوشتن تاریخ یک قوم و یک ملت با آن ملت و قوم همدلی پیدا کنید و در عصری که مطالعه میکنید در وضع

جغرافیائی وکلیه تاریخ آن وارد شوید واحساس کنید که یکی ازآنها هستید .

کوهان هردر

جهان پیرما، قهرمانیها، ازخودگذشتگی ها دلاوریها، صحنه های خونین بسیار، بخود دیده است وتاریخ زندگی آدمی ازآغاز تا بامروز پر است ازاین پیشامدها وسرگذشتها. بسیاری ازمردان بزرگ درراه آرمان مقدس خویش و یا هدف بزرگ هم میهنان خود بیدریغ جان برکف نهاده وسرانجام باکمال سربلندی به شهادت رسیده اند. تاریخ نیز بارزش وفداکاری وازجان گذشتگی هریک ازاین فداکاران بزرگ داستان وداستانهای جاویدان آفریده است .

عباس پرویز

حوادث مشهور دوران گذشته جهان را مروری بکنید، تا شما هم چون من این حقیقت را بپذیرید که بزرگترین جنایات همه باکوچکترین دستها انجام گرفته است .

آگارا د و

روزگاری بود که مار نبود گژدم نبود کفتار وگرگ وشیر وسگ وحشی نبود. ترس ووحشت نبود، مردم ازآزار رقیب آسوده بودند روزگاری بود که... همه عالم درامان بود، مردم همه یگانه بودند، بیک زبان خدا را ستایش میکردند. ؟

سیر تاریخ را با هیچ نوع مغالطه وامیال خصوصی نمیتوان منحرف نمود آنهائیکه میخواهند برخلاف نوامیس تاریخ اقدام نمایند وآنهائیکه میخواهند خورشید را بپوشانند، سعی عبث میکنند . ؟

عبرتی راکه ازتحولات تاریخ برمیگیریم، پندی گرانمایه باشد که چراغ صفت راه زندگی را ازچاه بازنماید. حضرت امیر؛ کیکه ثمرات روحی ملتی را میداند. تاریخ آن ملت درنظرش یک مشت حوادث پریشان و وقایع بی ترتیب -

جلوه میکند .

گوستاولوبون

کشوریکه تاریخ ندارد آن کشور بمنزله مرده است .

سن لوئی

کشوریکه تهی از ویرانی هاست ، تهی از خاطرات است و مملکتی که خاطرات ندارد ، تاریخ ندارد . ابرام ژدف ریان

گذشته چیزی است که هرچه فاصله ما از آن بیشتر شود زیباتر میشود .

؟

مورخ باید سیر فکر بشر را که در عالم نظم غیر قابل اجتناب بخود واگذار شده تعقیب کند .

ولتر

مطالعه تاریخ مشاهیر و دقت در جزئیات زندگانی آنها ما را در راه پرخطر زندگی از لغزش و سقوط محافظت میکند .

؟

ما هنوز در زمان ماقبل تاریخ هستیم زیرا تاریخ بشریت آنروز آغاز میشود که بشر از همه رنجها و گرفتاریها نجات یابد . فتحی الرکبی

مطبوعات ، شالوده تاریخ معاصر است .

پوانکاره

هرکه در سیرت و رفتار پیشینیان نظر کند ، متذکر میشود تا چه اندازه از همت مردان واپس مانده است .

همدون قصار

هرچه تمدن جلوتر میرود قدرت فزونی کمتر میشود .

آرتل هاپس

چیست تاریخ صحنه‌ای خونین — عرصه تاخت و تاز خونخواران

قصه‌ای تلخ و داستانی شوم — از ستمکاری ستمکاران

آن ورق پاره‌ها که گشته سیاه — از سیه‌کاری سیه‌کاران

مدح پرداز رهنمای بزرگ — پرده‌پوش خطای عیب‌آران

صحنه‌ای گشن نبهٔ بازیگر — به جز از رهزنان و غیبت‌ران

ایلغار مغول، هجوم عرب — قهر ترکان و کین تاتاران

نامه‌ای کانرا آن همی خوانی — شرح بیداد دیو کردارانست

از ستم پیشه قصه چین طوفان — در ستمدیده اشک چین باران

هست اینجا سیاست و مدبیر — مکر و تزویر و غدر عیاران

شوکت این بود بهرهٔ سقراط — امنیت پاداش نیک پندداران

همه کین است کینه توزیها — تیرگیها و تیره روزیها

دکتر علی صدارت

تاریخ قصه‌ایست که تکرار میشود — در چیرتم زمانه من یا زمانه تست

آخر جی

چیست تاریخ؟

چیست تاریخ ای زخود بیگانه مرد — داستانی قصه‌ای افسانه‌ای

این تو از خویشتن آگاه کند — آشنای کار و من ره ها کند

روح را سرمایه‌ی زندگیست این — جسم ملت را چو اعصابست این

همچو خنجر بر فرنت میزند — باز بر روی جهانت میزند

وه چه سنجش نگار و دلپذیر — نغمه‌های رفته در تارش اسیر

شعله افسرده در روحش نگر — حشر در آغوش امروزش نگر

شمع او بخت امم را کوکب است — روشن از وی راه و رسم زندگیست

مائه صد ساله در بینای او — مستی پارینه در صهبای او

صید گیری کو برآم از نور رشید — طایری کز بوستانم ها پرید

ضبط کن تاریخ را پاینده شو — از نفسهای رمیده زنده شو

حشر را پیوند با امروز کن — زندگی را مرغ دست آموز کن

رشته ایام را بر هم متن — ورنه گردی روز و شب بر هم متن

سرزنش از ماضی تو حال تو
خیر دار از حال تو استقبال تو

مشکن از خود ای حیات لایزال
رشته ماضی ز استقبال حال

موج ادراک تسلسل زندگانیست
می کشد سر تا شود غنچه زندگانیست

اقبال لاہوری

تجربه

آنکس که از روزگار تجربه آموخت هرگز فریب جهانیان را نخواهد خورد . — امام حسن(ع)

آنانکه گذشته را بخاطر نمی آورند محکوم بتکرار آنند . — سانتایانا

آموزش و پرورش بدون تجربه بیفایده است — پی یرژانه

آیندگان بنظر بزرگ جلوه میکنند ولی وقتیکه گذشتند می فهمیم که ناچیز بوده اند . — مترلینگ

آزموده را آزمودن خطاست . — مثل ایرانی

التجربه فوق العلم . تجربه بالاتر از علم است — ابن سینا

از اشتباهات خود و دیگران عبرت بگیر . — بزرگمهر

اشتباه را تصحیح کردن خود اشتباه دیگریست . — کنفوسیوس

اگر چیزی عادت ندارید چیزی تجربه بچشم بزنید و اگر چیزی عادت دارید روی آن باز هم چیزی تجربه را بچشم بزنید .

اگر آنچه از گذشته تجربه گرفته ایم در آینده بکار ببریم مثل اینکه دو بار عمر کرده باشیم . — حجازی ؟

انسانها نسبت به ظرفیتی که برای کسب تجربه دارند عاقلند نه نسبت بتجاربیکه اندوخته اند . برنارد شاو

تجربه دریافته ام که جسم وجان آدمی همسر یکدیگر نیستند بلکه باهم یکی شده اند وچون یکی دچار رنجی شود دیگری همدردی مینماید . چسترفیلد

بنظر من انسان درطول زمان هوشش اضافه نمیشود بلکه تجربه اش بیشتر میشود ، بهمین دلیل هرچه عمرش زیادشود فراموشی ، کم صبری وبیقرارش افزون میگردد . غ - ذ

بهرچیز باید نزدیک شد واز آن عبرت وتجربه ای گرفت . سعید نفیسی

تجربه همیشه بنفع انسان نیست زیرا هیچ حادثه ای دوبار بیک شکل رخ نمیدهد . چرچیل

تجربه مدرسه ایست که محصلین خود را با قیمتی گران بار میآورد . فرانکلین

تجربه طبیبی حاذق است که فقط پس از بیماری بملاقات شخص میآید . هانیه

تجربه را در روی رختخواب نرم معطر ومکای پر قو نمیتوان بدست آورد . اودی پید

تجربه درسی است گرانبها که ارزش آن از کلیه دروس مهم اساتید عالیقدر بالاتر است . سیسرون

تجربه میوه ایست که اگر انسان چنین مگر پس از گندیدن . ارسطو

تجربه بهترین درس زندگی است ولی افسوس که برای آن بهای گرانی باید پرداخت . کارلایل

تجربه معلم سختگیری است او اول امتحان میکند وبعد درس میدهد . ؟

تجربه برمن ثابت کرده است که کسی نیست که در ۲۴ ساعت دست کم پنج دقیقه گرفتار حماقت نشود و عاقل و خوشبخت کسی است که نگذارد این قدرت از این میزان فزونی یابد.

فرانکلین

چه لازم است مدتی اوقات خود را برای آزمایش حوادثی تلف کنیم که نظائر آن هزار بار اتفاق افتاده و دیگران تجربیات خود را درباره آنها تکمیل کرده اند. آیا بهتر نیست که خلاصه تجربیات آنها را گرفته در راه زندگی برهبری آن پیش برویم؟ چه بسا که با تعجب و تمسخر و وحشت باشتباه دیروز خود نگاه میکنیم و بارفردا همان اشتباه را از سر میگیریم.

حجازی

حقیقت تجربه بمراتب عالیتر از تمام تئوریها و فلسفه بافیهاست.

؟

خوشبخت آنستکه از سرگذشت دیگران پند گیرد.

محمد(ص)

خطا کردن یک کار انسانی است اما تکرار آن یک کار حیوانی.

آناتول فرانس

در هیچ رشته ای استادی پرمایه تر از استادی آموزنده تر از تجربه نیست.

لیر

دنیا به همت جوانان و تجربه پیران اداره میشود.

نظام وفا کاشانی

دنیا خیلی پیر است ما باید از تجربه استفاده کنیم تجربه بما یاد میدهد که عرف و عادت پیش بسی گرانبهاتر از تئوریهای تازه است.

ناپلئون

در دنیا سه طبقه مردم وجود دارند. گروه اول از تجارب خود میآموزند و اینها خردمندانند. گروه دوم از تجربه دیگران میآموزند و اینها سعادتمندانند و گروه سوم نه از تجربه خود و نه از تجارب دیگران چیزی نمیآموزند و اینها بی نوایانند

مثل تازی

رمز سعادت دو سه حرف بیش نیست لیکن از هیچکس آنرا نمی پذیریم مگر پس از یک عمر تجربه — وقتیکه کار از کار گذشت . ؟

زندگی آنقدر طولانی نیست که تمام تجربه های زندگی را عملا به ثبوت برسانیم برای پیشرفت و آسایش بهتر تا میتوانیم باید از تجربه های دیگران استفاده کنیم . غ - د

سعادتمند کسی است که از هر خطا و خطائی که از او سر زند، تجربه تازه بدست آورد . سقراط

سن و عادت و شغل و تجربه، اخلاق بسیاری از مردم را اصلاح کرده است . ناپلئون

شخص عاقل و هوشیار از تجربیات دیگران استفاده میکند ولی مردم مغرور میخواهند همه چیز را خودشان تجربه کنند . لرد آویبوری

عمری چکش برداشتم و بر سر میخی بر روی سنگی کوبیدم اکنون میفهمم که هم چکش خودم بودم هم میخ و هم سنگ . کافکا

عیب در این نیست که انسان اشتباه کند، بلکه عیب در این است که با اشتباه خود پی نبرد . مثل روسی

فقط یک چراغ هست که مرا هدایت میکند و آن چراغ تجربه است . پاتریک هانری

کسیکه دو دفعه روی سنگی بلغزد مستحق آنست که هر دو پایش بشکند . ؟

کسیکه یکبار مرا فریب میدهد برای او سنگ است ولی کسی دو بار فریبم میدهد سنگ برای من است . مثل اسکاتلندی

گذشته برای آنستکه انسان توشه ای از عبرت برای آینده خود بردارد . سعید نفیسی

گذشته سرمایه ای است که اندوخته ایم میتوان آنرا با تاسف دور انداخت صرف کرد یا برای موفقیت آینده بکار برد . حجازی

ما توسط اجداد خود هزارها سال عمر کرده و می کنیم برای اینکه مشغول استفاده از تجربیات آنها هستیم . غ - ذ

ما کارهای احمقانه ای که در زندگی انجام داده ایم بنام تجربه برخ دیگران می کشیم . اسکار وایلد

ما همواره سعی می کنیم خود را از الم برهانیم اما تمام مساعی ما جز بیک نتیجه منجر نمیشود و آن اینستکه دردهای خود را -

تغییر میدهیم . شوپنهاور

مشاهده از نزدیک و دقیق چیزهای کوچک است که راز کامیابی در حرف و هنر و علم و هر رشته از زندگی به شمار میرود

دانش بشری چیزی جز مجموعه روی هم انباشته ای از واقعیت های کوچک نیست که توسط نسلهای متوالی انسانها

بوجود آمده است . نکته های کوچکی از معرفت و تجربه است که بدقت روی هم ریخته شده و با مرور زمان بصورت هرمی

عظیم در آمده است . اسمایلز

معمولا دلایلی که خود ما بآنها بر میخوریم بیش از آنچه دیگران میگویند مورد رغبت ما هستند . پاسکال

مردگان چشمهای زندگان را بار میکنند . مثل انگلیسی

معایب دیگران معلمان خوبی هستند . مثل آلمانی

ناتوان ترین مردم کسی است که از پیش آمدها و جزر و مدهای روزگار تجربه نیاموزد . حضرت امیر(ع)

نوع انسان با اینهمه بزرگی خود هنوز آنقدر انسان نشده است که بتواند فقط از عقل انسانی خود دستور بگیرد ! اینست که می بینید

افسانه ای که از قول یک قورباغه یا سوسک بال دار هم نقل شده باشد بیش از کلمات حکما در مغز مردم نفوذ میکند ،

تاکنون بزرگترین تجربه ها و معارف خود را انسان از حیوانات ناچیزتر از خود یاد گرفته است. لافونتن

وقتی جاده ای هموار و تمیز و نو در سر راه شما پیدا شد، از جادهٔ قدیم و سنگلاخ عبور کردن از کار دیوانگان و.

خودخواهان است. امیل زولا

وقتی انسان بطلان یک عقیده و نظریه پی برد آنرا حفظ کردن دلیل حماقت اوست. مترلینگ

هر روز یکه میگذرد، درسی و سرمشقی از خوبی و بدی بما میدهد و هریک از اعمال ما هرچند هم که کوچک و ناقابل باشد آثار

و نتایجی از خود ایجاد میکند زیرا مثل موا ست که موی نازک هم سایه دارد. اسمایلز

یگانه ترجمان عالم طبیعت آزمایش است پس باید همیشه به تجربه پرداخت و هر کار را به هزار شکل آزمود. لئوناردو داوینچی

من خردمند هنرپیشه را — عمر بایست در این روزگار
تا بیکی تجربه ی آموختن — در دگری تجربه بایست کار

سعدی

هر آنکه بی خبر است از تو خوشدل است و خوش است — زهی سعادت آن کس که باخبر باشد

فخرالدین گرگانی

دیوانگیست قصه تقدیر و عقل نیست — از بام سرنگون شدن و گفتن از قضاست

پروین اعتصامی

یک عمر گاه می به جهان رنج بهر کشد — تا یک زمانه بر شناسد از هم جدا کند
بسیار دیر باید شش احوال روزگار — تا دیره را به وضع جهان آشنا کند
تا دره صواب بکاری قدم نهد — صد بار باید آیش که در آن ره خطا کند
عمری که صرف تجربه گه شیفتن رود — هرگز کجی به همه گرفتن وفا کند
تا بهره مند گردد از آن رنج همه کس — مهلت چگونه باید و فرصت چرا کند
آنوخ که دیره باید پیش از روزگار نیست — روزی که او بکار جهان چشم وا کند

حبیب الله نوبهار

تصمیم

آری ؛ برای شنا کردن بسمت مخالف جریان رود خانه قدرت و جرأت لازم است و الا هر ماهی مرده ای هم میتواند از طرف موافق جریان آن حرکت کند .

اسمایلز

آنگاه که سندانی پابرجا باش ، روزیکه چکش گشتی محکم بکوب .

جان فلورلو

آنانکه نمیتوانند خود را اداره کنند ، ناچار از اطاعت دیگرانند .

ویکتور هوگو

آنچه برای تو سودمند است در بدست آوردن ان اراده کن و پایداری و استقامت نما و از پروردگارت کمک بخواه .

؟

اراده های ضعیف همواره بصورت حرف و گفتار خود نمائی میکنند لیکن اراده های قوی جز در لباس عمل و کردار ظهور نمی یابد .

گوستاولوبون

آنچه بمقصود میرساند ، عزم و اراده است ، نه تمنا و آرزو .

؟

اراده موجب آزادی است ، زیرا خواستن آفریدن است ، اینست تعلیم من و تنها کار شما آموختن فن آفریدن خواهد بود .

نیچه

اراده قدرت فوق العاده دارد. اگر تصمیم گرفته ای در دنیا یک کاره ای شوی سرانجام بجائی خواهی رسید؟

ارزش چه چیز بیشتر از طلاست. الماس از الماس چه چیزی گرانبهاتر است؟ اراده ! فرانکلین

اراده محکم و متین که بخواهد بهر کس آنچه سزاوار است بدهد، عدالت نام دارد و قوانین هنگامی عادلانه اند

که از این اراده پشتیبانی کند . اولپین

اراده ما گنجهای بی پایانی در سینه خود دارد، هر کس معنی زندگی و سعادت حقیقی را میخواهد درک کند باید آن گنجها را

بیرون بیاورد و بکار بندد . ژان فینو

اراده قویست که بهمه قوای دیگر حکمرانی میکند بشرطیکه ما آنرا با قوه عقل هموار سازیم . بوفون

اراده درخت باعظمتی است که تمدن، ترقی و تکامل شاخه های نیرومند آن هستند . نظام وفا کاشانی

اراده هر کس در برابر مقدرات او ایستاده و در حول محور تکامل وی میچرخد . پتیاگود

اراده در زمره قوای بزرگ بشریت محسوب و رقیبی برای آن متصور نیست . دکتر نصر

اراده نیروی بزرگ و اسرار آمیزی است که بشر با کمک آن میتواند از ترقیات شگرف و بزرگی برخوردار گردد. بوعلی سینا

اراده خود بخود و طبیعی تکمیل میشود بشرط آنکه تعلیم و تربیت غلط سد راه آن نگردد . فیشاغورث

اراده هر کس چون دیواری است که خشتهای آن بدون سار وج وی هم گذاشته شده و برای اینکه استقامت

دیوار باقی بماند، نباید حتی یک خشت از آن بیرون کشید و فقط اگر یک خشت از زیر آن دیوار بیرون کشیده شود

استقامت آن از بین میرود و اگر دو خشت یا سه خشت را از زیر دیوار بکشند آن دیوار فرو میریزد . پول ایر

از خصوصیات زمان ما اینستکه متأسفانه فقط افراد پست و پلید صاحب اراده و پشتکار میباشند . الفرد کاپو

انسان نمیتواند اراده کند آنچه را که میخواهد ولی میتواند اراده کند که چه خواهد کرد . ؟

از تمام صفاتیکه برای پرورش جان و جسم شما سودمند است هیچیک بسودمندی تصمیم و اراده نیست . پوشه

از کوچکی میل داشتم بزرگ باشم . هوگو

استعداد بزرگ بدون وجود اراده بزرگ وجود ندارد . بالزاک

اگر آزادی اراده مرد از او سلب شود ، همه اعمال او ارزش اخلاقی خود را گم میکنند . روسو

اگر آنچه را که خواسته اید بدست بیاورید ، تحصیل نکرده اید علامت آنستکه یا حد آنرا نخواسته و یا اینکه سعی کرده اید سر قیمتش چانه بزنید . د - کیپلینگ

اگر تصمیمی داشته باشی بزودی موفق خواهی شد ، زیرا آدمی ساخته افکار خویش است ، و فردا همان خواهد شد که امروز میاندیشیده است . مترلینگ

اگر سخنان ترا اراده و عمل تعاقب نکند ، پس از کجا میتوان ارج و بهای ترا شناخت ؟ دوست عزیزم ، همیشه اینطور بوده و باز هم اینطور خواهد ماند ، بیقدرتی برای خود قانونی دارد ! ما اراده جز کامیابی قانونی نمیشناسد . شیللر

اگر ما بکاری مشغول نشده و در گوشه ای نشسته سر بگریبان غم فرو بریم ، حاصل این رفتار ما بقول داروین کرمهائی

خواهند بود که مغز ما را میخورند و قدرت اراده و عمل را از ما سلب میکنند . دیل کارنگی

انسان هرچه را میاید میتواند کرد . و هرگاه کسی گوید که نمیتواند کرد این خود دلیل است بر اینکه او از روی جدیت اراده نمیکند . نیچه

افتادن در گل و لای ننگ نیست ، ننگ در این است که در همانجا بمانی . مثل آلمانی

اگر دل نخواهد هزار راه پیدا میشود و اگر نخواهد هزار عذر و بهانه میتراشد . مثل برتئو

باید داشت صبر در زمانه نرسید و با اراده قوی کوشید و طلبید و هرگز تسلیم نشد تا شاید مقصود بدست آید . تن سن

با داشتن اراده قوی مالک همه چیز هستید . گوته

بدترین غمها شک و تردید است . الکساندر دوما

برای روح انسان هیچ عذاب و هیچ شکنجه ای مولم تر از شک نیست حتی یاس و ناکامی با همه تاریکی و دردی که دارد ، از زندگانی در شک و تردید بهتر است .

برای اخذ تصمیم بدگری متوسل شدن کاری بیفایده و نامعقول است . اسمایلز

برای مرد یکه اراده دارد هیچ چیز امکان ناپذیر نیست . میرابو

بزرگترین اختلاف بین انسان و حیوان فهم و فکر نیست . بلکه اراده و اختیار است دوسو

بسر منزل مقصود کسی میرسد و شاید مراد را کسی در آغوش میکشد که با عزمی راسخ و قدمی محکم نقشه کار خود را دنبال نماید

واگر در عرصه تنازع جراحتی بردارد، متزلزل و مایوس نشود و بر تمام موانع و مشکلات، راه خویش غلبه نماید. ؟

بسیاری از کوههای بلند و شامخ نیست که پیش پای آدمی دیده میشود ولی چون از آنها گذشتیم زیر پای ما چون تپه ـ

هموار می بیش نیست .

مونتالمبرت

به نیروی اراده میتوان بهمه چیز دست یافت ! اما این اراده محرک و تازیانه میخواهد اگر آنرا بکار نیاندازیم زود تر از نیروهای

باطنی ما زنگ میزند .

لابولایه

بوسیله عزم و اراده باستی و بدبختی بجنگید .

حضرت امیر

بهترین موقع برای تربیت اراده ایام جوانی است .

لاک

بهرطرف که اراده متمایل گردد طبیعت نیز بدان سمت میگردد .

اسمایلز

بی تفاوت بودن ضعف است .

کوکرل

پیروزی یعنی اراده کردن .

ناپلئون

تردیدهای ما خائنینی هستند که با نصایح خود ما را از حمله بدشمن باز میدارند، در حالیکه تصمیمی راسخ و حمله ای بموقع میتواند

فتح و پیروزی را نصیب ما سازد

شکسپید

تمام چیزها برای کسیکه آنرا ممکن بحصول میداند ممکن الحصول است .

شانینگ

تمایلات خود را در میان دو دیوار محکم اراده و عقل حبس کنید .

ارسطو

تا زمانیکه امروز مبدل به فردا شود انسانها از سعادتیکه در این دم نهفته است غافل خواهند بود. مثل چینی

جوانیکه استعدادش کم ولی اصرار و عزم داشته باشد از کسیکه استعداد زیاد و اصرار و عزمش کم است به موفقیت نزدیکتر است. دیزرائیلی

جدیت مقصد را نزدیک میکند شیللر

جملهٔ من میخواهم جمله ایست که از اراده قوی سرچشمه گرفته است. اوژن

جوان میتواند بآنچه میخواهد برسد بشرط آنکه دست از دامن تصمیم استوار رها نکند. تماس

چرا اراده اینقدر مشکل و آرزو تا این اندازه آسان؟ برای اینکه در اراده قوت مداخلت دارد ولی در آرزو ضعف حاصل است. لیندنر

چیزی را مانند شک و دودلی مانع ترقی و پیشرفت شخصی نمی بینم. حضرت امیر(ع)

خواستن توانستن است، بخواه تا بتوانی. کاظم زاده ایرانشهر

خوشبخت کسانی هستند که با زحمات مختلف بازندگی رو برو میشوند و بدبخت کسانیکه کوره راه باریکی پیش پای آنها را هموار میکند. روزولت

خشم و غضب را بدرگاه مردان با اراده راهی نیست. سقراط

خطاها و گناه ها و لغزشها و ناکامیهای اغلب مردم از ندانستن قوه توانائی اراده است. کاظم زاده ایرانشهر

دانستن بدون خواستن هرگز نتوانستن بار نمیآورد . گوستاولوبون

در موقعیکه عصبانی هستم تصمیم نمی گیرم . چرچیل

در اغلب مواقع کامیابی بسته به شناختن وقتی است که برای نایل شدن بآن لازم است . مونتسکیو

در طول حیات چه بسا دقایق حساسی پیش می آید و تصمیمی در این دقایق گرفته میشود که مسیر زندگانی انسان را بکلی تغییر میدهد .

؟

در مقابل عزم آهنین قوه ای را یارای مقاومت نمی بینیم . ناپلئون

در جهان تنها کسی موفق میشود که با نتظار دیگران ننشیند و همه چیز را از خود بخواهد . شیللر

در هر کار شرط اساسی داشتن یک اراده قوی است با یک اراده قوی شرایط دیگر چندان اهمیت ندارد . گوته

دنیا امروز بکسی حق حیات میدهد که بتواند روی پای خودش بایستد و هر دم در برابر اراده این و آن سر تعظیم فرود نیاورد .

دشوارترین قدم همان قدم اول است . مثل بلژیکی

رمز کلیه پیروزیها اراده است . روبرتسون

راهیکه هزار کیلومتر دراز باشد قدم به قدم پیموده میشود . مثل ژاپونی

ساعت تصمیم فرا رسیده است ، باید بین بقا ، بین بردگی و سروری بین نام و ننگ و جلال و نکبت ، یکی را انتخاب کنیم .

؟

سرور و خوشحالی یا حزن و ملالت شخص بسته بمیل و اراده خود اوست . دکتر جانسن

غالب اوقات چنین بنظر میرسد که حتی مرگ نیز بستگی بقدرت اراده و نیروی خواستن در وجود ما دارد . مثل آلمانی

سند پاره میشود ولی قول پاره نمیشود . گوته

فقط سستی اراده است که سبب ضعف ما میشود وگرنه انسان همیشه برای اجرای چیزیکه بشدت آرزو میکند ، قدرت کافی را دارا میباشد . روسو

قطعه سنگی درشت که مانع و حایل راه اشخاص ضعیف و درمانده است در راه اقویا و صاحبان اراده متین بمنزله پله ای میشود که آنها را بطرف ترقی و تعالی سوق میدهد . ه - لوبر

قویترین امر مها اراده است . اسمایلز

قوت اراده اساس و پایه هر اخلاق بزرگ و عالیست و هر جا اراده قوی باشد آنجا نشاط زندگانی هست و هر جا اراده نباشد ضعف و بیچارگی و فلاکت حکمفرماست . اسمایلز

قوه اراده و تصمیم در انسان تصویب نمیشود مگر در نتیجه بکار انداختن دائمی آن . اسمایلز

کسیکه اراده آزاد ندارد مسئولیت اخلاقی ندارد . ارسطو

کسیکه مصائب عرش را سست نماید رستگار نمیشود و کسیکه خود را بالغلبه بآنها وادار نماید رستگار میشود . مترلینگ

کسیکه دارای عزم راسخ باشد جهان را مطابق میل خود عوض میکند . گوته

کسیکه اراده قوی نداشته باشد ونبرودی درمقابل مشکلاتی که اطراف هرکاری را احاطه کرده است مغلوب شود نمی تواند بموفقیت خود امیدوار باشد.

لرد اویبوری

کسانیکه بیش از اندازه فکر میکنند فاقد اراده و تصمیم میباشند.

ناپلئون

لغت غیر ممکن را، باید از قاموس ها محو کرد.

ناپلئون

مرد دودل در تمام رفتار خود ناپایدار است.

؟

مردانیکه همیشه مردد هستند و نمیتوانند تصمیم بگیرند هرگز کامیاب نمیشوند.

ناپلئون

مردم فاقد نیرو نیستند. فقط فاقد اراده اند.

هوگو

مردم با اراده از مشکلات استقبال میکنند. چون مبارزه با مشکلات برای آنها شیرین است.

لاورنس

مردیکه از تمام مساعدتهای خارجی چشم پوشید و آزاد و رها زندگی خود را پایه گذاری کرد و شخصاً وارد میدان شود و نیروی خود را بکار اندازد اوهمان مردی است که نیرومندی و موفقیت را برایش پیش بینی میکنم.

امرسون

معنی حیات را در زیبائی و قدرت اراده باید جستجو کرد.

ماکسیم گورکی

مقام هر فرد در زندگی مربوط بدانچه که میداند نیست، بلکه مربوط است بآنچه که میخواهد و آنچه که میتواند. گوستاولوبون

من معتقدم که عزم راسخ، درستی اخلاق، وفاداری بخود باعث میشود شخص هر کاری را که بعهده بگیرد بانجام رساند و بزرگترین عاملی است که مغز او را آماده میسازد که بکارهای بزرگ دست یازد.

؟

من میخواهم گریبان سرنوشت را بگیرم و او نمیتواند سرمرا در برابر زندگی خم کند . — بتهوون

مرد یکه کوه را از میان برداشت کسی بود که شروع به برداشتن سنگریزه ها کرد . — مثل چینی

نتیجهٔ اراده ضعیف حرف است و نتیجهٔ اراده قوی عمل . — گوستاولوبون

نه عطای مرد بلکه ارادهٔ او بزرگی او را نشان میدهد . — لینیگ

نیروی علم و معرفت بدون ارادهٔ قوی مانند درخت بی بار است . قوهٔ اراده محور چرخهای زندگی و آبنبرهای توانائی و کامیابی است . — کاظم زاده ایرانشهر

هر اقدام بزرگ ابتدا محال بنظر میرسد . — کارلایل

هر که میخواهد بماند باید تاب بیاورد . — رومن رولان

همانطور که میخواهید دیگران شما را ببینند بخواهید که همانطور باشید . — دوسو

هنگامیکه مصمم بعمل شدید باید درهای تردید را کاملا مسدود سازید . — نیچه

هنگام آن رسیده است که یا مرگ و یا سقوط را بپذیریم و یا موانعی که در جلو امیال ما وجود دارد از میان برداریم . دکتر کارل — میرابو

هیچ چیز برای مرد یکه اراده دارد امکان ناپذیر نیست . — پپیه

هیچ چیز محال نیست و هر کاری را هی دارد ، اگر باندازهٔ شایسته اراده داشته باشیم بقدر کافی وسایل پیدا میکنیم . لارشفوکولد — شاتوبریان

یک اراده قوی ، بر همه چیز حتی بر زمان غالب میآید .

یکبار شکست خوردم، دو بار موفق نشدم. چیزیکه مرا وادار کرد که بکوشش ادامه دهم و تسلیم ناملایمات و مشکلات و موانع زندگی نشوم اراده بود.

غ - د

تصمیم

سعدی

جوشن بیار و نیزه و بر کتفان رزم — تا روی آفتاب معصفر کنم بخون

گر به بار باشی و بیشه رود نیلگون — دشمن گمان مبر که بتر سیدی از نبرد

میر تیمور گلکن در جنگی
چنین هزیمت گرفت از دشمن

شد مهج خسته ای پهلوان — تا بیاسایی ز رنج و محن

سر بجیب تفکر اندر بود — شد خسته دل چو بیت حزن

بر پریشانی و مذلت خویش — دشت از ریشه آستین پر خون

دیر نپائید که ضعیف مورچه را — داد ز ای بگرفته خوشش بر همن

زنشیب زمین کشد بفراز — داد مر او را بصد ز رنج و محن

چون رسد نیمه راه واز پا فتد — باز گهی بسی آرد سکن

تا چهی نوبت او فرا رسد — عاقبت گشت مقصدش ما من

گفت من کم نیم ز مور ضعیف — پیش چشمم بود همی روشن

همچو این مور استوار شوم — عزم خود را کنم چنان آهن

غالب آیم بدشمن خونخوار — رخت عزت کنم در او بارد تن

این بگفت و ز جای جست چو شیر — خصم را کوفت در هم آنبر و بر

آری آنکس که عزم بر همت کند — فائق آمد بکارهای کهن

حکمت عزم خویش کن پیوسته — تا که از خوشه‌ها کنی خرمن

یحیی بن حبش حکیم

تفکر - اندیشه

آدمی ساختهٔ افکار خویش است، فردا همان خواهد شد که امروز می‌اندیشیده است. — مترلینگ

آدم میتواند دو دقیقه بدون هوا و دو هفته بدون نوشیدن آب سه هفته بدون غذا و یک عمر بدون پول زندگی کند ولی نمی‌تواند یک لحظه بدون اندیشه و فکر زندگی نماید. — فرانکلین

آنکه دربارهٔ همه چیز می‌اندیشد دربارهٔ هیچ چیز تصمیم نمیگیرد. — مثل چینی

آنکه با خودش تنهاست هنوز کامل نیست. — تن

آنچه شما دربارهٔ خود فکر می‌کنید خیلی مهمتر از اندیشه‌هائی است که دیگران دربارهٔ شما دارند. — سنه کا

آنچه در اندیشه پنهان دارید خواه ناخواه از خطوط چهره و رنگ پیشانی و آهنگ سخنان خویش آشکار خواهید ساخت. — ؟

آنچه را که آینده به شما تحویل خواهد داد بسته بآنستکه شما خودتان امروز چه سرنوشتی برای فردای خودتان ذخیره میکنید، کاندز

آنچنان خود را برای جهان آماده کن که قهرمانان خود را برای میدان مسابقه آماده میکنند. فکر و روش خود را چنان رغن بزن که نرمی و انعطاف پذیری لازم را پیدا کند، نیرومندی تنها به کار نمیآید. — فیلد

اختیار افکار ما نیز در دست خودمان نیست زیرا تقریبا همیشه بی اختیار فکر میکنیم. — ولتر

از خواص طبیعت آدمیست که عاقلانه و منطقی فکر میکند اما پوچ و بی معنی رفتار می نماید . — اناتول فرانس

از همان لحظه ای که به فکر کردن خوی میگیرید ، در راه ترقی گام برمیدارید . — پستالوزی

از اصطکاک دو سیم مثبت و منفی برق میجهد تقابل در اندیشه نیز فروغ میبخشد . ؟

از هیچ اندیشه تازه بدون فهم طرفداری نکنید . بلکه خود با شک و انکار در آن وارد شده به حقیقت موضوع برسید . دکارت

از این اندیشه بر خود میلرزم که اگر هر کس هر اندازه که میتوانست بد میکرد چه میشد؟ ؟

الماس را جز در قعر زمین نمیتوان پیدا کرد ، و حقایق را جز در اعماق فکر نمیتوان یافت . — ویکتور هوگو

الوهیت دریائی بیکران از برکت و شکوه است ! اندیشه های آدمی جویبارهای باریکند که نخست از این دریا برمیخیزند

و با این حال در میان همه سرگردانیهای خود آرزو دارند که بآن بازگردند و خویشتن را در بیکرانی کمال او گم کنند و چون

راه را بر خود بسته ببینند ... در دشتهای پیرامون خود بیم و بلائی پرا کنند . — حمید عنایت

اندیشه کن آنگاه سخن گوی تا از لغزش کنار باشی . — حضرت امیر ؑ

اندیشه نیک و مستقیم بهترین اندیشه بشر است . — حضرت امیر ؑ

اندیشیدن آدمی را به نیکوئی و نیکوکاری وا دارد . — حضرت صادق ؑ

اندیشه خویش نگهدار زیرا که فکر مقدمه همه کارهاست ؛ هر که را فکر صائب باشد در همه افکار رستگار بود . تذکرة الاولیا

اندیشه و تخیل مرد را به سوی کمال میبرد . — حکمت هندو

اندیشه های خوب تر اویدهٔ روح پاک است و بوی خوش تر اویدهٔ گل خوشبو .

آناتول فرانس

اندیشه انسان را از ارتکاب کارهای پست و زشت دور میکند و عمل را با و میآموزد .

؟

افکار هر انسانی دنیای اوست .

مثل آفریقائی

افکار بزرگ از دل برمیآید .

دوناردک

افکار ما بسان درختان نارنج در گلدان نگاهداری میشوند به نسبت بزرگی گلدانی که ریشه های آنها را در خود زندانی دارد رشد میکند .

بولود

افکار خلاق بمنزلهٔ پلهٔ نردبان یک شغل است با تفکر خلاق میتوانیم به صعود پردازیم هرچه پلهٔ نردبان بیشتر باشد، صعود مان هم بیشتر خواهد بود .

پستالوزی

افکار بلند الهاماتی است که از مغزهای زنده تراوش میکند .

وده تارک

افکار نیرومندتر از ارتشها هستند

؟

اگر در رفتار و کردار خویش نخست ژرفی اندیشه نمائی در هر کار ، سرانجام نیک یابی .

حضرت امیر

اگر همین افکار و اندیشهٔ پریشان فلاسفه بود امروز نیز بشر مانند هزاران سال پیش بحال توحش در غارها میزیست. آناتول فرانس

اگر بدانیم فکری و یا عملی برای رسیدن بمال و جاه ناشایست و نادرست است آن فکر و عمل را بقدر ابرهای آسمان از من دور خواهد بود .

کنفوسیوس

اندیشه ها بزرگترین جنگنده های جهانند و جنگی که اندیشه ای در دنبال دارد چیزی جز دلیری و جسارت نیست. گارفیلد

اندیشه ها با تدبیر می انجامد، تدبیر پیش میرود و بعمل میرسد عمل خود عادت آدمی را میسازد، با خو و عادت شخصیت ساخته میشود و شخصیت سرنوشت ما را تثبیت میکند.

اندیشه دریائی است که مروارید آن فلسفه و فرزانگی است. یحیی برمکی

انسان هر وقتی از پیشامد آتیه درباره خود اندیشید و از آن بیم و هراس در خاطرش نشانید آن خطر زودتر اورا تعقیب میکند. ابوعلی سینا

انسان سراپا ضعف و سکنت است و نمیتواند به گنه هیچ چیزی ببرد اندیشه هایش او را به اشتباه میاندازد و از خود بیزار میشود. از طرف دیگر سراپای انسان عظمت است، زیرا نیروی عقل و امید و محبت دارد بنابراین انسان جمعی از اضداد است. پاسکال

اول در فکر رفیق آگاه باش پس از آن آمادهٔ راه. حضرت امیر؟

اول یاد بگیر و بعد مستقلاً، به تفکر پرداز. ؟

ای بشر، ای در همه حال عاجز و ضعیف ای در پادشاهی و گدائی یکسان اگر هم خود بداد خویشتن نرسی کسی به فریاد تو نخواهد رسید و اگر با تفکر و اندیشه خویش بیدار نشوی اندرزگی بیدار و آگاهت نخواهد کرد، هم خود راهنمای خویش باش. حضرت امیر؟

ای فتنه و فساد تو چه زود در اندیشهٔ مردان نومید رخنه میکنی. شکسپیر

با تأمل و اندیشه و خویشتن داری، خردمند برای خود جزیره ای میسازد که از دستبرد امواج در امان است ؟

با خودت صحبت کن خیلی چیزها داری که بخودت بگوئی و خیلی سئوالها داری که باید از خودت بپرسی . اپیکتیت

بتانی فکر کن و بقوریت اجرا نما .

ناپلئون

برای زندگی فکر کنید ولی غصه نخورید .

دیل کارنگی

برای درست فکر کردن باید اول دل را از کینه و بدی پاک کرد .

محمد حجازی

برای افراد مشکل است که دو احساس را در یک زمان تشخیص دهند، احساس گرما، احساس در دراختی میکنند. لتوین

بزبانت اجازه مده که قبل از اندیشه ات براه افتد .

شیلون

بشریت آنقدر که از فکر حوادث ناراحت میشود از خود آن حوادث زحمت نمی بیند .

مونتنی

بشر اندیشه محض و هدف اصلی است ماشین نباید اعضاء بشر را از کار بیندازد و آنها را بی استفاده بسازد . گاندی

بعقیده من تنها فکری که شایسته است مغز انسان را گران مدارد آینده فرزندان اوست و اندیشه این موضوع که چکار کند تا فرزندان خوشبخت شوند ؟

افلاطون

برای تلفظ کوتاهترین کلمه، بله، یا، نه خیلی بیشتر از یک نطق باید فکر کرد .

پتیاگود

بگذارید مردمان تصور کنند که برحسب فکر خویش رفتار میکنند .

دیل کارنگی

بگذشته خود هرگز نمی اندیشم مگر آنکه بخواهم از آن نتیجه ای بگیرم .

نهرو

تفکر بزرگترین عبادتی است که برای آشکار شدن حقایق مخفی بجای میآوریم . — حضرت امیر(ع)

تفکر جوهر نوع است — ژان پل سارتر

تفکر در عاقبت هر کار باعث رستگاری است . — سقراط

تمام شأن و عظمت انسان در فکر است . — پاسکال

تو هر وقت بخواهی میتوانی بدرون خود پناه بری چه هیچ پناهگاهی برای آدمی آرامتر و امن تر از آنچه در قلبش میتوان یافت نیست . — مارک اورل

تو می پنداری که اندیشه تو بهترین اندیشه هاست ، زهی بدبختی و گمراهی . — سعید نفیسی

توجه باین نکته از این حیث نهایت ضرورت را دارد که هرگز در روی زمین دو نفر یافت نمیشوند که از آنچه می بینند و می شنوند برداشتشان عیناً یکسان باشد . ؟

جامهٔ کهنه را از خود دور میکنی چرا اندیشهٔ کهن را از خود دور نمیکنی . — سعید نفیسی

چه بسا افکار مدهش که در پس چهرهٔ ملایم و متین مخفی شده است . — محمد مسعود

حرف زدن بدون فکر مانند تیر اندازی بدون هدف است . — فیلسوف یونانی

حوادث را باید کوچکتر از آن تصور کنیم که قادر باشد خلل و لغزش در اندیشهٔ ما ایجاد کند . — ناپلئون

خاموشی بدون اندیشه و تفکر گنگی است . — حضرت امیر(ع)

خواب و خوراک دیروز دیگر امروز ترا پسندیده نیست چه میشد اگر اندیشه و تصور دیروز هم امروز ترا پسنده نبود.	سعید نفیسی
در تن نحیف میتواند اندیشه ای بزرگ مسکن گیرد.	بود ا
در اندیشه آنچه کرده ای مباش، در اندیشه آنچه نکرده ای باش.	سعید نفیسی
در گرفتاری باید فکر را بجنب و جوش در آورد، نه اعصابرا.	محمد حجازی
در محوطهٔ افکار بشر یقین قطعی وجود ندارد.	آناتول فرانس
در خاطری که نظم نباشد پیوسته طوفان است	محمد حجازی
در سرزمین فکرتان گنجهای بسیار نهفته است	مولفورد
دربارهٔ هرچه میگوئی فکر کن ولی هرچه را فکر میکنی مگو.	فیلسوف هندی
دور اندیشی سرمایهٔ بزرگی است.	حضرت امیرؑ
دور اندیش فرزانه و خردمند است و بی گدار بآب زن ابله و ناسودمند.	؟
دور اندیشی و پیش بینی وسیله ایست که بآن میتوان بدی را در هسته خفه کرد و سوزاند.	کنفوسیوس
دور اندیشیدن و پایان نگریستن در شمارهٔ نخست از برنامهٔ حیات است	؟
دو فکر بهتر از یک فکر است.	مثل امریکائی
ده نفر دیدی ده فکر شنیدی.	مثل ژاپونی

دیدن و حس کردن، وجود داشتن است، زندگی در اندیشه است. — شکسپیر

رایج ترین راه خودکشی در دنیای امروز انتحار بوسیله فکر و خیالهای واهی است. — ویلسون

روح زندگان از افکار مردگان سرشته است. — گوستاولوبون

زندگی ما زائیده اندیشه ماست. — مارک اورل

زیاد فکر کن کم حرف بزن و کمتر بنویس. — مثل فرانسوی

ساعتی اندیشه کردن بهتر از مدتی عبادت کردن است. — حضرت امیر

ساعتی که به تخیل بی منظور بگذرد، عمر نیست که از دست داده ور حمتی است که بیهوده کشیده ایم. — محمد حجازی

سرنوشت خود را با افکار تعیین کنید. — کارلایل

سخنی گویید که از اندیشه پاک سرچشمه گرفته است و کاری کنید که با کوشش و پارسائی از دست و بازو برآمده باشد. — زرتشت

صاحب فکر نادرست پیش از آن گزندی بیند که بدشمن روا میدارد. — از پندهای دهاماپادا

صبح ما در حرف هاست و شب ما در اندیشه ها. — مثل ایتالیائی

عقل در وجود ما قدرت حیرت آوری دارد پس چه بهتر که پیوسته اندیشه را حاکم وجود خود سازیم. — گوته

عقل ناپخته از اندیشه ای باندیشه دیگری میجهد. عقل پخته یک اندیشه را دنبال میکند. — هاری اوورستریت

عقل بزرگترین اهرم برای بلند کردن همه چیزهاست. تفکر بشری عملی است که با آن بهبود فهمایش میرسد. — دانیل وبستر

فرصت بیمار یرا صرف تفکر و بهبودی روح کنیم طبیعت در کار مداوای جسم ما کار خود را خواهد کرد . گاندی

فقط بوسیلهٔ تفکر انسان مجهولات را کشف میکند . پورکاس

فقط وقتی باید از فکر کردن برای آینده غافل شد که اصلاً آینده ای وجود نداشته باشد . برناردشاو

فکر انسان را بسوی عمر جاوید هدایت و بی فکری راه مرگ را می گشاید . بودا

فکر کن تا از اندیشه خلاصی یابی .

فکر ساخته تعلیم و تربیتی است که تا امروز گرفته ایم ، برای فکر بهتر باید از فردا تعلیم و تربیت بهتری بگیریم . محمد حجازی

فکرم را بکار انداختم در نتیجه راه برویم گشوده شد . بودلر

فکر خوب ثروتی است که هیچ وقت دستخوش این و آن نمیشود و دائماً ثمرات فرح انگیز آن را می چشیم . لرد اویبوری

فکر نمایندهٔ کافهٔ جنس بشر است که برضد اغتشاش و درهم و برهمی از خارج و برضد تاریکی از داخل مبارزه میکند . بوتراندراسل

فکر کن ، افکارت را منظم نما ، یک رویه ثابت پیش گیر ، بسوی هدف رو . دکتر پوشه

فکر ممکن است بر حسب نوع خود جسم را بیمار یا سالم و قوی یا ضعیف سازد . مولفورد

فکر زیباست که خانه را زینت میکند ، روح سالم است که بزندگی آسایش میبخشد ، خلق خوش است که روزگار را خوش و شیرین میسازد . حجازی

فکر یار دیرین و دوست و فادار و کهنه آشنای آدمی است و یگانه رفیق بی خوابی و تنهائی و رویهمرفته مشکل گشا و آسان ساز

دشواریهاست، در پرتو نیک اندیشی میتوان بر آنچه مانده غلبه یافت. ؟

فکرکردن صحبت با خودمان است. مثل اسپانیائی

فکر و فلسفهٔ هر کس با بدن و مزاج و بخصوص وضع او در جامعه عوض میشود. محمد حجازی

قوت و قدرتیکه از اندیشهٔ درست و حس تدبیر آید از هیچ شجاعی یگانه و دلیری فرزانه نیاید. جواهر الاخلاق

کدام فکر و عقیده است که جمعی آنرا باطل ندانند. محمد حجازی

کسیکه اندیشه اش کم باشد سختیش فراوان است. حضرت محمد ص

کسیکه کم فکر میکند زیاد حرف میزند. مثل فرانسوی

کسیکه بدون فکر حرف میزند صیادی را ماند که بدون نشانه گیری تیر خالی کند. منتسکیو

کسیکه بیش از اندازه فکر میکند کمتر نتیجه بدست میآورد. شیلر

کسیکه با اندیشهٔ آینده نیست و پایان کار را نمی نگرد، بدرد یاری و دوستی نمیخورد. ؟

کسیکه دوراندیش نباشد گرفتار خطرهای نزدیک میشود، دوراندیشی کلید پیشگیری بسی از ناگواریهاست. کنفوسیوس

کسانیکه افکار خوب و عالی دارند هرگز تنها و بی مونس نیستند. فیلیپ سیدنی

کسی در نظر من بزرگ است که میتواند بمن احساسات و اندیشه های خود، سندی ایجاد کند. ناپلئون

کنجکاوی و اندیشه انسان را بسوی عمر جاوید میکشاند و بی فکری راه نیستی را می نماید، افرادیکه با فکر ند نمی میرند و افراد

بی فکر هم اکنون مرده اند .

بودا

گاهی اوقات اندیشه مفید است اما برای خوشبخت شدن نباید زیاد اندیشید .

گوستاولوبون

گرانبهاترین اندیشه ها ، اندیشه درباره زندگی است ، نه مرگ .

اسپینوزا

گرگ ممکن است پوست خود را عوض کند ولی فکرش را هیچوقت تغییر نمیدهد .

مثل یونانی

مابیش از آنچه که در فکر رفع دل و درم از بدن خویش هستیم باید بفکر راندن افکار بیهوده از مغز خود باشیم .

اپیکتوس

مابین اندیشه و عمل فاصله ای نیست .

چرچیل

ماندرتا در باره آنچه که داریم فکر می کنیم . درحالیکه پیوسته در اندیشه چیزهائی هستیم که نداریم .

شوپنهاور

مانند مرد عمل فکر کن و مانند مرد فکر عمل نما .

هانری برکسن

مرد آفریده فکر خودش است ، هرچه در این زندگی فکر کند بعدها همان خواهد شد .

از کتاب اوپانیشاد

مهمترین قسمت شغل شما آنستکه خود را بفکر کردن عادت بدهید و هیچ چیز غیر از تفکر صحیح نمیتواند شما را قادر کند که به هدفتان برسید .

پستالوزی

میاندیشم پس هستم ، هستم چون فکر میکنم . فکر میکنم چون شک میکنم .

دکارت

ناموس و قانون طبیعت و اسرار حیات مستغنی بر خوب مطلق است . فقط اندیشه و پندارهای خطای ماست که تخیلی از بدیها در نظر ما ایجاد میکند .

؟

ناباوری و دیرباوری گاهی نشانهٔ فراست است و هوشیاری .

نباید آنقدر دست بزانو بنشینید و فکر کنید تا پاهای شما قدرت راه رفتن را از دست بدهند و نباید آنقدر در تفکر فرو رویم که قدرت همه چیز از ما سلب بشود و اگر منظور تحقیق صحت تفکرات ما باشد باید بدانیم که اغلب فکرهای ناصحیح و یا غلط در عمل جبران و اصلاح خواهد شد .

مترلینگ

نجات و سلامتی همواره همراه تفکر و اندیشه است .

امام صادق

نیکوترین عادت تفکر است و حکمت زاده تفکر .

حضرت امیر

بعضی ها از فکر کردن بیش از هر چیز دیگر رنج میبرند .

بیچر

مردم خودشان را با هر چیز خسته میکنند مگر با فهم و اندیشه .

تولستوی

مرد آزاده در اندیشه های خود از حدود مقام خود هرگز تجاوز نمیکند .

کنفوسیوس

من با کسیکه فکر کردن را آنیا موخته است و در هر کاری نیندیشیده و از خود نپرسد آیا من این کار را چگونه باید بجا آورم آری چگونه من این کار را باید انجام بدهم نمیخواهم سروکاری داشته باشم .

کنفوسیوس

من اندیشهٔ خود را در معرض این فکر مسخره فرزانه قرار نمیدهم که هرچه بر سر آدمی میآید، خیر و صلاح اوست، بلکه برآنم که هر کسی از پیشامد بهترین وجه استفاده کند، مانند انسان خوب و فرزانه ای عمل کرده است .

کمبرلند

نیروی فکری بمراتب مؤثرتر از نیروی جسمی است .

وضع و حال مردمان تنگ فکر بوضع و حال بطریهای تنگ دهن میماند هرچه کمتر در خود داشته باشند با سر و صدای بیشتری آن را بخارج میریزند .

پوپ

دقتی فکر می کنیم می بینیم که قسمت بزرگی از دانستنی های من اینطور بدستم آمد که در جادهٔ زندگی بدنبال چیزهائی بودم و در نتیجه چیزهای دیگری یافتم .

فرانکلین آدامز

هرقدر فکر ما بیشتر باشد تأسف ما بر زندگی بیشتر خواهد شد .

انجیل

هرچه اکنون هستیم محصول افکاری است که سابقاً داشته ایم و حالا داریم .

پاستور

هر کس حیطهٔ دیدگاه خود را حدود عالم می انگارد .

شوپنهاور

هر اندیشهٔ شایسته ای بچهرهٔ انسان زیبائی میبخشد .

روسکین

هر قدمی مرض خاصی دارد بیماری قدمن حاضر هم بیماری فکر و نگرانی است

دیل کارنگی

هرچه بیشتر فکر می کنیم بهتر می فهمیم که هیچ نمیدانیم .

ولتر

هر چیز را پیش از وقوع ملاحظه کردن و مآل اندیش بودن کار بسیار خوبی است اما برای مصائب احتمالی آینده از امروز اندوهگین شدن شایسته نیست .

دیل کارنگی

همانطور که شب بعد از روز فرا میرسد افکار بد و ناراحت کننده هم همیشه بعد از یک فکر آرام مطابق قانون طبیعت یکی بعد از دیگری جانشین هم میشوند .

؟

همچنانکه باغبان هر روز علفهای هرزه را از اطراف میکند، ما نیز باید دائماً افکار بیهوده و مزاحمی را که بدست و پای ما می‌پیچد و مانع پیشرفت و خوشی میشود از خاطر بیرون کنیم .

محمد حجازی

هیچ حزم و ماخوب نیست فقط نیروی اندیشه بدی و خوبی و سعادت و شقاوت را میآفریند .

شکسپیر

هیچ تماشائی عبرت انگیزتر و مفیدتر از این نیست که افکار و اعمال خود را تماشا کنیم .

محمد حجازی

هیچ حزم مانند اندیشه آدم را پسند نمیکند و هیچکس مانند خود آدم دشمن او نیست .

یک فکر بزرگ معمولاً نسبت به بیش از یک ملتفت اصالت دارد افکار بزرگ هنگامی آشکار میشود که جهان برآنها نیاز مند است ، جهالت جهانی را احاطه میکند و برای قبولاندن خود فشار میآورد .

۱. فلپر

ای دل از پست و بلند روزگار اندیشه کن — در برومندی رقم بر برگ و بار اندیشه کن

از نسیمی دفتر ایام برهم میخورد — از ورق گردانی لیل و نهار اندیشه کن

ای که می‌خندی چو گل در بوستان از اختیار — از گلاب گریهٔ بی‌اختیار اندیشه کن

بر لب بام خطر تا کی بخواب اندر روی — ایمنی خواهی ز اوج اعتبار اندیشه کن

زخم میباشد کمانش شمشیر لشکر دار را — زینهار از دشمنان بی‌زینهار اندیشه کن

پیشه بافی زیره داری خنده مردم میخورد — زینهار از شاهد بی‌زیره دار اندیشه کن

صائب تبریزی

سر در هوس و هوس کجا ای و ناز — در کار آخرت کنی اندیشه سر بسر

غنی

گه که خیال در سرم آید که این منم — ملک عجم گرفته بتیغ سخور زنی

بازم نفس فرو رود از هوای ملک قصی — با کف موسوی چه زنی سحر سامری

سعدی

بیا بیر عاقبت اندیش بوعلی بن سینا — برون از خویش و بیرون آی از خویشان بوعلی بن سینا

همسر خسرو

تا نکنی جای قدم استوار
پای منه در طلب هیچ کار

در همه کاری که بلندی نخست
رخنه بیرون شدنش کندن درست

نظامی

چشم روشن ساز از اندیشه‌ها
کار ها بین ز ابتدا تا انتها

عاقلی خر نیش بینی نیستی
وای گر کاو عاقبت اندیشی نیست

مولوی

سر راستی در نشیب آرد نخست
خشک آنکه ز آغاز انجام جست

فردوسی

گر همی خواهی سلامت از ضرر
چشم از اقبال بند، پایان نگر

مولوی

هر آنگو بهر کار بیند پیش
پشیمان نگردد ز کار خویش

بسر چاره کار باید گزید
که آسان ترین چاره آید پدید

اسدی طوسی

تکبر و غرور

آنکه برای خود مغروراست گمراه و آنکه بعقل خود ببالد خوار . — حضرت امیرؑ

آنکه تکبر بر مردم نماید ذلیل و بی مقدار است . — حضرت امیرؑ

آنکه نفس خود را بالاتر و برتر از آنچه هست داند هرگز بسر حد کمال نرسد . — فارابی

آنکس که نتواند در حلقهٔ شادی و نشاط دیگران بصورت یکی از افراد درآید یا مغرور است یا ریاکار و یا - در قید تشریفات . — لاواتر

اعراض از صحبت کسیکه ما تو رغبت کند از قصور همت است . — ارسطاطالیس

اگر هیچ گناهی نکنید من از گناه برتری میترسم که آن خودبینی است — حضرت امیرؑ

اگر آفتی برای عقل باشد همانا خودپسندی است . — ابن مقفع

اگر ما بمعایب کوچک خود اعتراف میکنیم برای آنست که بطرف خود بفهمانیم که از معایب بزرگتری بری هستیم . — فنلون

بدترین مردم کسی است که خود را بهترین مردم ببیند آنکس که خود را می ستاید خویشتن را خوار کرده است — حضرت محمدؐ

بعضی اشخاص چنان بخود مغرورند که اگر عاشق بشوند بخود بیشتر عشق میورزند تا بمعشوق . — لارشفوکولد

غرور روشنتر ین نشانه بلاهت است .

؟

مغرور بصدای عقل و دین گوش نمیدهد .

ناپلئون

کبر گناهی است که قابل بخشش نیست .

حضرت محمدؐ

کسیکه پشت الاغ باد به غبغب میندازد ، چون اسب سوار شود پاک دیوانه خواهد شد .

؟

مغرور بودن بدانش خود ، بدترین نوع جهالت است

جرجی تایلر

هر کس بچشم خویش بزرگ و عظیم نماید . مردم او را کوچک و حقیر بنظر آورند .

جواهر الاخلاق

هر کس بر نفس خویش عاشق شد کبر و حسد و خواری بر او عاشق شد .

ابوبکر وراق

هر چه شخص نجیب تر باشد غرورش کمتر است .

مثل دانمارکی

افسوس که ما عاقبت اندیش نه ایم
داریم لباس فقر و درویش نه ایم

این کبر و تبر حلقه از آنست که ما
قانع به نصیب و قسمت خویش نه ایم

احمد عبد الجلیل

از کبر مدار هیچ در دل هوسی
کز کبر بجائی نرسیده است کسی

چون زلف بتان شکستگی عادت کن
تا صید نکرده دل نیاید در بند

پروین اعتصامی

بخواری منگر ای منعم ضعیفان و بیچارگان را
که صدر مجلس عشرت گدای رهنشین دارد

حافظ

تواضع سر رفعت افرازدت
تکبر بخاک اندرت اندازدت

تواضع زگردن فرازان نکوست
گدا گر تواضع کند خوی اوست

سعدی

تکبر مکن زینهار ای پسر
که روزی زدستش درآیی بسر

تکبر نیاید ز صاحبدلان
تکبر بود حالت جاهلان

سعدی

عیب است بزرگ بر کشیدن خود را
از جمله خلق برگزیدن خود را
از من مگر و دیره بسی بر آموخت
دیرین همه کس را و نیرزیدن خود را

ابوسعید ابوالخیر

فخر و بسی خود در مذهب رندی نیست
کفر است در این مذهب خودبینی و خودرایی

حافظ

مغرور مشو بحکم آنکه اصلی من و تو
گه ناز و شراری و نسیمی و دمی است

مهدی حمیدی شاهرودی

مباش غره و غافل چو میش سر در پیش
که در طبیعت این گرگ گله مالی نیست

سعدی

هر گز نبود کبر نتابد بر عنان خویش
با این همه که کبر نکوهیده عادتیست
گر من نکوشمی بتواضع بنشینم
آنم که بحکم علم علم در جهان
از هر خسی مذلت و از هر کسی عنا
بر گوشهٔ ثریا از مکر ثُریا

رهی

تملق. چاپلوسی

آنکه ستایش کند ترا بچیزیکه در تو نیست، استهزا کرده ترا، اگر حاجت او را روا کنی در استهزا او تمسخر تو تأکید کند. حضرت امیرؑ

آن کسیکه فریب ستایشگران و چاپلوسان خورد که زشت او را بزیبائی بیاراید از جملهٔ نادانان است. امام صادقؑ

آنهائیکه در زبان بازی مهارت بخرج میدهند اغلب نیت ناپاکی را در قلب خود میپرورانند. ولتر

از پست همتی شخصی است که فریفته بمداحی مردم شود. جواهر الاخلاق

اگر خواهی که رسته باشی از ناکسی که خسیس و چاپلوسی که تو انگر شده باشد حذر کن. بوعلی سینا

القاب دروغ مردم را طاعنی کند و هوس خام در دماغ آنان پزد تا بر دیگران جور و ستم روا دارند. ؟

انسان همانقدر که از تمجید و تحسین و احترام نرم و رام میشود همانقدر از تملق و چاپلوسی و تزویر میگریزد و متنفر میگردد. دیل کارنگی

بپرهیز از اینکه کسی را آنچه در او نیست ستایش کنی زیرا گرداراو حقیقت را آشکار میکند و دروغ تو پیدا میشود. حضرت امیرؑ

بغیر از قوت نفس و عدالتخواهی چیز دیگری نمیتواند جلوی چاپلوسی و تملق را بگیرد. ؟

بسیاری از افراد بخاطر یک استخوان خود را به سگ تبدیل میکنند. مثل سوئدی

بیشتر کسانی موفق شده اند که کمتر تعریف شنیده اند. امیل زولا

بیان متملق عسلی است آلوده بزهر .	مثل لاتین
تملق خوراک ابلهان است	شکسپیر
تملق در زبان من راه ندارد و اگر فریفته تملق شکشم مدین موقع نمیرسیدم .	؟
تملق و مزاح گوئی سکه قلبی است که جاه طلبی ما آن را رواج داده است	لارشفوکولد
تملق با کرامت اخلاق بندرت در یکجا جمع میشود .	کنفوسیوس
تملق سم شیرین است .	مثل آلمانی
تملق کنیز رذائل است .	مثل لاتین
ثنای کمتر از استحقاق عجز و یا حسد است ، ثنای زیاد از ارزش چاپلوسی و نفاق میباشد .	حضرت امیر(ع)
چاپلوسی هم گوینده را فاسد میکند و هم شنونده را .	دیل کارنگی
خودسری تولید حسد و بشیرمی و تملق میکند .	مارکول
در برابر آنکس که عسل روی زبان دارد از کیف پولت محافظت کن .	مثل آلمانی
در بین حیوانات اهلی رام شده از همه خطرناکتر مرد چاپلوس است .	مثل یونانی
رگ خواب ایرانی تملق است .	مثل ایرانی
فریب خوش سخنی و شیرین زبانی شاگردان را نخورید که دشمن پنهانی شماست .	حضرت امام صادق(ع)

فرق است میان مدح و ثنائیکه از قلب پاک برمیخیزد و یا چاپلوسی و تملق که سرمایهٔ فساد است . — دیل کارنگی

کیکه به شما تملق میگوید، یا سرتان کلاه گذاشته و یا امیدوار است کلاه بگذارد . — مثل رومانی

کیکه در ایام موافقت و خوشی ترا ثنا گوید بآنچه در تو نیست البته در روز ناسازی و افتراق هم از دروغ و بهتان در حق تو - دریغ نخواهد داشت . — افلاطون

متملقین و مردان دانشمند باهم سازگار نتوانند بود . — ناپلئون

تملق یا نادانی است که خیال تحقیر مراد دارد یا شارلاتانی است که میخواهد فریب دهد . — مثل چینی

مرد متملق یک دشمن مخفی است . — مثل مجارستانی

وقتی تملق میگوئی تا مقامی بدست آوری از مقام و مرتبهٔ بهتری تنزل کرده ای . — ؟

هر کس ارباب خود را تملق گوید در نهایت بد و خیانت میکند . — ماسیون

هر کس را بیشتر دوست داری کمتر با او تملق بگو . — مولیر

همیشه در زندگیم به تملق گفته ام نه متملق را بنام دوست پذیرفته ام . — غ - ذ

از صحبت حق بر نخیزم — کار خلق بر هم حسن نمایم

چشم هنر و کمال بینند — خار هم گل و یاسمن نمایم

گو دشمن شوخ چشم ناپاک — تا عیب من از بمن نمایم

سعدی

بعمر خویش مدح کسی نگفتم — دری از بهر دنیای نسفتم

عطار

تا تیشه سر انانیت بر نتوانی — کوهش کنی هستی ار تو انی

چون نردبان آز نهی بر تکسی — کو خواهد تا بر تو نهد پای بتی

گه گویی فلان خار در راه تست

سعدی

لا تا نشنوی مدح سخن گوی — که از تو مایه نفعی ار تو دارد

گه روزی مرادش بر نیاری — در صد چندان رعیت زر شمارد

عطار

تندرستی

آسایش و پایه دارد آرامش جسم و آرایش روان . حجازی

آنچه میخورید باعث زخم معده نمیشود بلکه آنچه شما را میخورد موجب پیدایش این زخم میشود . دکتر فونتاکو

آنکس که تنی سالم دارد گنجی دارد و خودش نمیداند . ؟

اکثر اطبا معالجه بعضی از بیماریها بوسیله قلب را بشرطی میپذیرند که بیمار سیگار را ترک کند . ؟

آنکه تندرستی دارد امید دارد و آنکه امید دارد همه چیز دارد . مثل عربی

با تندرستی لذت غذاها را میتوان درک کرد . ارسطو

از دار و خود داری کن تا بدنت تحمل درد دارد و هرگاه تحمل نداشت پس دارو کن . حضرت محمد

از گلادستون پرسیدند صحت شما چگونه است ، در جواب گفت من ۳۲ دندان دارم و هر لقمه را سی و دو مرتبه میجوم . آیا میخواهید سالم نباشم .

اگر ما بخود زحمت تباه کردن طبیعت خود را ندهیم طبیعت ما هرگز ما را تباهی نمی کشاند . کلاودندن

اگر آسایش روحی میجوئی هیچ جانداری را خود یا بدست دیگری بیجان مکن و یا نکشتن او رضایت مده . حکمت چین مندو

این طایفه را طبیبی است که تا اشتها غالب نشود نخورند و هنوز اشتها باقی باشد که دست از طعام بکشند حکیمی گفت

اینست موجب تندرستی .

گلستان سعدی

انسان جانوری است که خوراک خود را میپزد .

بیورک

اولاً معدهٔ خود را زیاد از اندازه بار نمیکنم زیرا که این بسیار مضر است ، ثانیاً بوسیلهٔ ورزش بعمل هضم کمک مینمایم و گمان میکنم این ترتیب برای سلامتی مزاج و قوت بنیه لازم است .

؟

اولین اغفال سیگار اینستکه هنگام کشیدن آن در عین بیکاری تصور میکنیم کاری انجام میدهیم . امرسون

امساک بسیاری از ناخوشیها را از بین میبرد .

مثل تازی

با انسان تندرستی و ثروت بدهید و هر دو را در جستجوی سعادت از دست خواهد داد .

؟

بحفظ الصحه خود بیش از شغل اهمیت دهید .

پوشه

بمن بگوئید چه میخورید تا به شما بگویم چه هستید؟

؟

بطور کلی مرگ و میر میان سیگاریها در مقایسه با غیر سیگاریها ۵۱٪ بیشتر است ، با تشویق دیگران بترک سیگار ضربه ای بزرگ باین بلای بهداشت بزنید .

گزارش سازمان بهداشت جهانی

بهترین خدمتگزار صدیق برای سلامتی بدن فراغت خاطر و آسایش روح است .

فردریک کبیر

بتدریج که اطلاعات ما دربارهٔ تأثیر خوراکیها بر انسان افزایش پیدا میکند ، احتمال بیشتر هست که آن کسانیکه بیشتر از اردوهای

غذائی بهره‌مند میشوند، موانعی را که از بیماری تولید میشود کمتر کنند و بر طول عمر خود بیفزایند، و بدین ترتیب فرمانروایان آینده شوند.

بیماری و مرض یکی از عواقب وخیم عیش و عشرت میباشد. ؟

پاها را شکم راه میبرد. ؟

تمام دردهای جسمانی از خواهشهای بیجای نفسانی تولید و بوجود میآید. غ - ذ

تندرستی در کم خوراکی و گرسنگی است. حضرت امیر(ع)

تندرستی اگر ناقص باشد لذت این جهان هیچون نوشابه‌های گوارا است که در دهان آلوده به سم نمایند. شوپنهاود

تن درست برای روان مهمانخانه و برای تن ناسالم بیمارستان است. بیگن

تندرستی و زیبائی و نیرومندی و مالداری و همه چیزهای دیگری که خوب نامیده میشود، به همان اندازه که بردست نابکاران وارادل به عنوان شر بکار میروند، بردست مردمان نیک براه خیر مصرف میشوند. افلاطون

تحقیقات علمی نشان داده که بچه‌های مادران سیگاری دو برابر بیشتر از بچه‌های مادرانی که سیگار نمیکشند احتمال میرود سقط شوند یا ناقص مدنیا بیایند و یا اندکی پس از تولد بمیرند. از گزارش سازمان بهداشت جهانی

جائیکه آفتاب نتابد طبیب میآید. مثل بلژیکی

جمع مال تحصیل کامیابی، کسب دانش و شهرت هیچکدام با تندرستی برابری نمیکند برای حفظ تندرستی باید از هر چیز

که برای تندرستی مضراست پرهیز کرد، مخصوصاً از شهوترانی .

شوپنهاور

چهار چیز قوه باصره را زیان رساند، طعام شور خوردن آب سوزان بر سر ریختن و بچشمه آفتاب نگریستن و روی دشمن دیدن .

بقراط

حمام گرفتن با اندازه چهار ساعت خواب در رفع خستگی مؤثر است .

ناپلئون

حیوان میچرد، آدم میخورد، تنها مرد عاقل و فرزانه میداند که چگونه بخورد .

ساوارن

خوشبختی و سعادت در اعصاب نیرومند نهفته است هر اندازه که تاب و توان بدن و مزاج کمتر شود پذیرفتن ناخوشیها آسان میگردد، و بدخوئی بدنبال آن رو به فزونی میگذارد .

؟

خوردن چیزهای دیرهضم معده را خسته و ناتوان میسازد .

؟

خوردن در حال نشسته آدم را اجاق و فربه میکند، خوردن در حال ایستاده به نیرومندی میافزاید، خوردن در حال راه رفتن عمر را طولانی میکند. و خوردن در حال دویدن بیماری را رفع مینماید .

مثل برمانی

دانش پزشکی در عرض چند سال گذشته چنان پیشرفت حیرت انگیزی کرده است که امروز برای یک پزشک غیر ممکن است در بیمار خود عضو سالم پیدا کند .

ادیل ویلسون

در میان سرگرمیها، خوشگذرانیها و هوسها چیزی که ابداً کسی بفکر آن نیست و همیشه اماج غفلت و تأخیر است و همینکه دوری کرد قدر و قیمت آن معلوم میشود. میدانید چیست؟ تندرستی !

فردریک کبیر

در دنیا سه طبیب حاذق هست آرامش امساک، نشاط. همیشه باین سه طبیب رجوع نمائید. ؟

روزی یک سیب بخور به پزشک احتیاجی نخواهی داشت. مثل انگلیسی

روزیکه بیمارید، تندرستی و عافیت را و هنگامیکه تندرستید ورزش و حرکت را گرامی بدارید. بایگون

زمان ناخوشی را بحساب عمر مشمرید. افلاطون

زیادخوردن پدر دردها و کم خوردن پدر درمانهاست. پروفسور کاپو

زیادخوردن منجر به کم خوردن میگردد. مثل اسپانیولی

زهرخوردن باختیار عبارتست از استعمال دود. دکتر گرونیچ

سزاوار است مرد عاقل هنگام تناول لذائذ یاد آور دلتنگی دوا را، و زیاد نخورد. افلاطون

سعی کن که معده حامل تو باشد نه تو حامل او. ؟

سری که درد میکند دستمال نمی بندند. مثل فارسی

سردرد زنگ اخطار مرض است. مثل فرانسوی

سیگار کشیدن یک عادت است و عادت را میشود ترک کرد، ترک عادتیکه برای سلامتی مخاطراتی بیار میآورد نشانه عقل سلیم و تصمیمی منطقی است. ؟

شب زود خوابیدن و صبح زود بیدار شدن باعث حصول صحت مزاج و ثروت و مکنت است. ؟

شکم انسان دشمن اواست . حضرت امیرؑ

صبحانه را تنها بخور ناهار را با دوست خود بخور ، و شام را به دشمنت . مثل انگلیسی

طبیعت بیماری را علاج میکند و دارو بیمار را مشغول میسازد . ؟

طول کشیدن معالجه را دو سبب خواهد بود ، نادانی پزشک یا نافرمانی بیمار . زکریای رازی

غذائی که مردم را سالم نگاه میدارد آن نیست که میخورند ، بلکه آن غذائی است که خوب هضم میکنند . انیشتین

غذا را سبک کن تا از مرض ایمن شوی . جالینوس حکیم

فقط یک چیز سنگ است و آن مریض بودن است . ؟

فکر و قضاوت ما مستقیماً وابسته فشار خون و قوت اعصاب و عضلاتمان میباشد . دکتر الکسی کارل

قرص و دارو جزو جدانشدنی زندگی آدم امروز شده ، شما کشوی هر میزی را که بکشید انواع و اقسام قرصهای سرخ ، آبی ، بنفش و شیشه های جور واجور دارو پیدا میکنید . عصبانی بشویم قرص میخوریم . دیر هضم میشود قرص میخوریم . بیحال هستیم قرص میخوریم و خلاصه ماشین تن را نمیگذاریم دفاع طبیعی خودش را بکند و بزور قرص و دارو برپا نگه میداریم تا حدیکه بعد مجبوریم عوارض همین قرص ها را با قرص درمان کنیم و عوارض قرص های بعدی را هم با قرص درمان کنیم و این سیر تسلسل همچنان ادامه دارد تا برسیم بآدم قرصی ..... از کتاب قتل عام پزشکی دکتر ابوان ایلیچ

قدر دو چیز فقط موقعی دانسته میشود که از دست میدهیم . تندرستی و جوانی . مثل تازی

کسیکه طالب نقاهت باید صبح ها زود از خواب برخیزد. لباس سبک به پوشد، در اعمال تناسلی افراط نکند. تا گرسنه نباشد بر سفره غذا ننشیند و از سفره برخیزد در حالیکه هنوز اشتها دارد بخوردن آنچه را که میخورد خوب در دهن خرد کند و در وقت خواب روده ها را خالی دارد. اگر این دستور را مراقبت کند از طبیب بی نیاز خواهد بود. حضرت امیرؑ

کسیکه به تمرینات بدنی میپردازد به هیچ درمانی نیاز ندارد، درمان او در جنبش و حرکت است. ابن سینا

کم خوردن از غذای مضر بهتر از زیاد خوردن نافع آن. بقراط

کسیکه در حال سیری غذا میخورد گور خود را با دندان حفر میکند. مثل ترکی

ملاصدرا میگفت چون قسمتی از گناهان نتیجه پرخوری و شکم پروری است باید در صرف غذا امساک کرد و همواره این شعر سعدی را میخواند:

از روزنه ار طمع خالی دارد — تا در آن نور معرفت بینی

مواد محرک موجب میشود میل شدید به سیگار رزنده گردد بنابراین از صرف چاشنی و ادویه و چای و قهوه زیاد بپرهیزید. نظر یکی از پزشکان

مردم اگر زیاد و بی ترتیب نخورند، دخانیات و مشروبات الکلی استعمال نکنند. خود را بهوای آزاد و ورزش و تفریح روحی و جسمی عادت دهند، میتوانند از نعمت سلامتی بهره مند شوند. لرداویبوری

معده خود را سه قسمت کن یکی برای طعام یکی برای آب و یکی برای نفس. حضرت صادق

مرد با تقوی کم میخورد کم مینوشد و کم میخوابد. مهاویرا

میپرسی چرا فیثاغورث از خوردن گوشت پرهیز میکرد؟ من از تو میپرسم کدام انسان اول جرأت کرد گوشت مردار را بدهان

خود نزدیک کند ؟

پلوتارک

مصرف بیش از اندازهٔ خوراک لذیذ به بیماری منتهی میشود و وقتیکه خوشگذرانی پایان یافت نوبت درد فرا میرسد.

مثل چینی

موقعیکه دهانت میخورد بگذار باشکمت مشورت کند .

ناچارم در سلامتی جسم خود بکوشم وگرنه روح من بیمار خواهد شد .

تولستوی

وقت خود را برای فکر کردن دربارهٔ مرضیکه ممکن است بگیرید تلف نکنید زیرا اگر واقعاً مرض نداشته باشید باین ترتیب

مرض برای خود خلق میکنید .

امیل اوژید

هیچ لباسی برازنده تر از سلامتی نیست .

حضرت امیر(ع)

هرگز لاشخورها را بانظر حقارت نگریدو آنها را سرزنش نکنید که زندگی آنان با لاشه و اموات تأمین میشود ، زیرا یک توجه کوچک

به شما ثابت میکند که زندگی نوع بشر هم با لاشخوری ادامه دارد و هر روز میلیاردها لاشهٔ بزرگ و کوچک برای ادامهٔ حیات

ما مصرف میشود .

مترلینگ

همیشه پیش گیری بهتر از معالجه است .

؟

هر عدد سیگاری که میکشید ۱۴ دقیقه و یک ثانیه از عمر خود میکاهید باین حساب باید دود کردن هر پاکت سیگار بیست عددی قریب

پنج ساعت از عمرتان کم میکنید .

دکتر پولیکنت برنده جایزه نوبل

هیچ چیز در صحت انسان مؤثرتر از آن صدمه نمیزند که غذا بر روی غذا تناول نمایند .

ابو علی سینا

هر سلول بدن باکسیژن نیازمند است اکسید کربن موجود در توتون مقدار اکسیژن را ۱۵ الی ۱۵ درصد کاهش میدهد . ؟

هرچه بیشتر غذا بخورید کمتر مزه خواهد داشت و هرچه کمتر بخورید بیشتر مزه خواهد کرد . مثل چینی

یکی از عادات عجیب ، دست دادن و امراض را به یکدیگر سپردنست . حجازی

یک آدم خوشخو و خنده رو با اشتهای بهتری غذا میخورد . هرشد

یک تن ناتوان نمیتواند پناهگاه یک مغز توانا باشد . ؟

ایمنی باد و تندرستی باد — آدمی شکر کی نتواند

در جهان این دو نعمت است بزرگ — دانه آنکس که یافت و بدد اند

سعدی

بزرگ آنکه او تندرستی بجست — نه شد فانی و نامش نیکی نشست

فردوسی

تا جوانی و تندرستی هست — گیر اسباب هر مراد بدست

سعدی

در تن سالم بی عقل متین — فکر خوب کی تواند از ناتوانی خیزد

ناتوانی خیزد از ناتندرستی در جهان — هست آری تندرستی با توانائی قرین

انوری

زیرد بهر من ساز راستی — ز سستی گرائی آید و کاستی

فردوسی

سخن در تندرستی تندرست است — که در تن هستهٔ تدبیر تست

نشاید کرد جز نیکی چاره کار — که بیمار است رای مهٔ بیمار

نظامی

نتوانی بود طاوس مرگ — زشتی جز به تندرستی فرگ

سعدی

هر آنکس که شد کامران در جهان — پرستش کنند شش کهن و مهان

فردوسی

تنهائی

از دست دادن دوستان غربت و تنهائی است . حضرت امیرؑ

از مردم دور باش و تنها زندگی کن ، نه بکسی ظلم کن و نه بگذار کسی بتو ظلم کند ابوالعلا معری

اگر مردم میدانستند هریک در غیاب همدیگر چه میگویند بطور قطع چهار نفر دوست در دنیا باقی نمی ماند . پاسگال

اگر هم سفر از تو بهتر و یا با تو برابر نباشد و یار اگر نادان باشد تنهائی خوشتر باشد . دهما پادا

این یک حقیقت روشن و کهن است که اگر تنهائی مثبت وجود نداشت هیچ اثر هنری و علمی آفریده نمیشد . مسعود فرزاد

براستی که ابلهان انسانهای خوشبختی هستند زیرا که هرگز نمی به تنهائی خود نمی برند . ژان - یل - تولـه

بیحوصلگی با انسان صفتی مانند گوشه گیری ، تنهائی و افسردگی و خودخواهی میدهد . ادوارد شرر

تاکنون رفیقی پیدا نکرده ام که باندازه تنهائی قابل رفاقت باشد . تورو

تنها ماندن سرنوشت تمام ابلهای بزرگ است ، این سرنوشتی است که اغلب بر آن تأسف میخورند من باید بگویم که از سرنوشتهای دیگر اسف انگیز تر نیست . شوپنهاور

تنهائی عبارتست از بیماری روح بشر . هوکـلی

چه سخت است زندگی هنگامیکه ما احساس کنیم در زیر آسمان کسی نیست که ما را دوست بدارد . لرد آویبوری

خط مشی معینی را برای خود رسم کن و آگاه باش که در موقع تنهائی و چه در میان جمعیت پیوسته این راه را طی کن . اپیکتت

دنیای بی دوست وحشت سرائی است . از پندهای جاتاکای

طلوع و غروب عشق ، خود را بوسیله درد تنهائی و جدائی محسوس میسازد . لابرویر

کسیکه مردم را چنانچه شاید بشناسد ، تنهائی گزیند . حضرت امیر(ع)

کسیکه در این جهان خود را از دوستی و آشنائی با دیگران بی نیاز میداند ، کسی است که بحد رشد نگردیده غروب کن روشنائی و تاریکی برایم یکسان است . ؟

مقدم که پس از گرسنگی و چه بسا بیش از آن تنهائی بزرگترین مسئله بشر است . مسعود فرزاد

وقتی همدردی پیدا شد درد سبکتر میشود . سعید نفیسی

هر کس در دنیا باید کسی را داشته باشد که حرفهای خودش را با و بزند آزادانه بدون رودربایستی بدون خجالت والا آدم از تنهائی دق میکند . مینگوی

هر جدائی یک نوع مرگ است و هر ملاقات یک نوع رستاخیز . شوپنهاور

بیا موزنت کیمیای سعادت زهم صحبت بد جدائی جدائی

حافظ شیرازی

مشو یار بر خواه و همکار بد که تنهایی به که با یار بد

نباید که بد پیشه باشد رفیق که هر کس چنانست شمارد رفیق او

سعدی شیرازی

هست تنهایی به از یار بد نیک چین باید نشیند بد نشین

مولوی

گر صد سلیمی باشی با یکی یار پشیمانی کشی در آخر کار

چو خود هم با یکی همدم نشینم بجز سایه همزانو نبینم

وحشی بافقی

جنگ و صلح

آرامش دنیا وقتی امکان پذیر خواهد بود که در عالم یک تریم واحد حکومت کند . — محمد مسعود

آغاز و پایان جنگ توسط خون صورت میگیرد . — همر

آماده شدن برای جنگ یعنی نگاهداری صلح . — واشنگتن

آنقدر شکست خوردم تا راه شکست دادن را آموختم . — ناپلئون

آنکه از جنگ میگریزد حقیر است . — کوگاسب

آنکه در طریق صلح و صفا میرود گرفتار یورش و گاز و میش نمیشود . — از اشعار تاگور به کینگ

آیا زندگی آنقدر عزیز و صلح آنقدر شیرین است که بهای زنجیر و اسارت خریداری شود؟ — پاتریک هانری

ارکان اتحاد جهانی فقط میتواند بر اساس عدم خشونت استوار گردد بهمین جهت در روابط بین المللی جدا باید از خشونت پرهیز کرد . — گاندی

استعداد ضعیف تحمل پذیر است لیکن ضعف در میدان کارزار تحمل ناپذیر . — لوتر

اصل خرد در این حکم است که هیچ جانداری را بیجان نکنیم . — ؟

افتخار درخشک کردن قطره اشک است نه در جاری ساختن سیل خون . — بایرون

افتخار آنیکه از طریق شمشیر بدست میآید از طریق شمشیر هم ممکن است از دست برود . — فیلیپ مقدونی

اگر میخواهیم صلح پایدار بماند باید علم را رابط بین ملل بدانیم . — روزولت

اگر بجای اسلحه با علم به جنگ دنیا میرفتیم همه دشمنان نابود میشدند . — بیسمارک

اگر کسی سخن را اندر آنچه نداند مباحثه و مجادله تمام شود . — سقراط حکیم

اگر از بیگانه نا ایمن شوی زود بمقدار نا ایمنی خویش را از وی ایمن گردان . — قابوس وشمگیر

اگر مردم ما بنقدر پول که در راه جنگ خرج میکنند زمین بخرند از آنتراز زمینهائیکه بوسیله جنگ و خونریزی بدست میآورند تمام میشود . — فرانکلین

اگر میتوانستیم جزئیات حوادث را بشناسیم شاید در حین موازنه سود و زیان جنگ را کاری نافع نمی یافتیم زیرا فتوحات در قبال خسارات ارزش ندارد . — بایرون

اگرچه جنگ برای اصلاح حال ملت و افزایش آبادانی آغاز میگردد لکن حقیقت این است که در طی جنگ در حیات اجتماعی و سیاسی بحرانی عظیم پدیدار میشود . — امرسون

انسان از این جهت از حیوان پست تر است که گاهی بدون ضرورت ظلم و درندگی میکند و از این جهت از حیوان برتر است که گاهی بخاطر رحم و انصاف از خود میگذرد . — حجازی

انسان باجنگ چشم از دنیا میپوشد . — اسمیت

اگر مارا میکشی بچه اش را هم بکش . — مثل فرانسوی

باصلح کفتن دنیا ایمن نمی شود . — ناپلئون

برای بقای صلح جهانی باید ملتها به هم نزدیک شوند نه دولتها . — ایدن

برای صلح شایستگی تنها کافی نیست مگر روزیکه ارباب قدرت حرص وطمع بس کنند و مستضعفان نیز دلیری وگستاخی بیابند. — تاگور

بقدر وقوه خود با جمع خلق به صلح بکوشند . — رومیان

بعضی احساسات را جز با احساسات نظیر خود آنها نمیتوان مغلوب ساخت، هرگز ملتی نمی تواند و جسکری، خشونت

وبی پروائی را با نجابت آرامش و احتیاط پاسخ دهد . — گوستاولوبون

بعقیده من اطبا، باندازه ماثر زالها آدم میکشند، موقعیکه آنها در نتیجه جهل و اشتباه، یا عدم معاینه دقیق عده ای را آبان دیا

روانه میکنند باندازه یک زنرال خونسرد و بی قید هستند، زنرالی را می شناسم که در حمله به تپه ای هزار نفر را بکشتن داد و همین که

پس از چند حمله آنرا تصرف کرد با نهایت خونسردی گفت این نبود تپه ای دیگر بود. این تپه مدرد نمیخورد و آنگاه وی وضع وحال سابق را از سر گرفت. ناپلئون

بله در هر چهار یا پانصد سال یکبار. و جنگی برای جامعه بشری از جمله واجبات است، در غیر اینصورت

دنیا از فرط تمدن خواهد ترکید . — کنکورد

بسبب اتم وسیله صلح شد اما بشر میتواند نگهبان صلح باشد از این پس صلح را باید از خطری که نه تنها تمدن، بلکه بشریت را

تهدید میکند حفظ کرد . — چرچیل

بهترین طرز مسلح بودن این است که خود را از هراس برکنار داریم . — لرد بیکن

بهوش باش که با مردم تند خو مدارا قویترین حربهٔ پیکار است و سیلاب خروشان در آغوش اقیانوس آرام گیرد . — حضرت امیر

برای کشتن پشه شمشیر لازم نیست . — مثل افریقائی

تاریخ فقط تصویر جنایات و تیره بختی های بشر است . — ولتر

تسلیم شدن در جنگ بقدری خواری میآورد که والرین امپراطور روم مجبور شد بر کاب شاپور بوسه زند . — از کتاب تاریخ ایران

تنها در فردای روز صلح است که جنگهای حقیقی ملل آغاز میگردد . این جنگها که بصورت جنگهای اقتصادی، صنعتی و اجتماعی خودنمائی میکند، در تعیین سرنوشت ملل خیلی مؤثرتر از جنگهای نظامی است . — گوستاولوبون

جنگ کشتارگاه کسانی است که همدیگر را نمی شناسند بنفع کسانی است که یکدیگر را میشناسند ولی همدیگر را نمیکشند .

جنگ قوانین را خاموش میکند . — سیرون

جنگ دوم جهانی نشان داد، سد و مانع و مرز در بین کشورها معنی نداشته و سرنوشت ملل جهان بهم پیوستگی دارد .

جنگ روی جنگ تغذیه میکند . — ناپلئون

جنگ قانون ابدی زندگی است و صلح راحت باش میان دو جنگ است . — نیچه

جنگ خونین متضمن هیچگونه سودی نیست جز اینکه به تعداد گورهای سیاه رنگ میافزاید . — لامارتین

حیات جنگ بین تمایلات و وظایف است به فرزندان خود این جنگ را بیاموزید . ؟

خود را اسیر کردن و جنبش خود را از یاد نمودن و همدیگر را نابود ساختن از نخستین روز تاریخ اشتغال عمدهٔ اقوام بوده است

هنوز هیچ چیز نشان نمیدهد که این صفات مجرای خود را عوض کرده باشد . گوستاولوبون

خانه ات را برای ترساندن موش آتش مزن . مثل فرانسوی

در تمام شرایط در تمام اوقات در پهلوی دوست نزدیک دشمن . در جمع خانواده ، اگر بخواهیم بکارهای دیگران ایراد بگیریم و خود را ناراحت کنیم همیشه بهانه موجود است . غ - ذ

در جنگی که به مغلوبیت خاتمه یافته است تلفات نفوس چندان اهمیت ندارد ، بزرگترین مصیبت عبارت از سستی و نومیدی افرادی است که باقی مانده اند . فردریک کبیر

در جنگ با دشمن از کمی لشکر خود نباید اندیشید که همیشه بسیار را آتش اندک تواند سوخت . ؟

در میان دو کس دشمنی مفکن که ایشان چون صلح کنند تو در میانه شرمسار باشی . سعدی

در عشق و جنگ هر کاری رواست . مثل اروپائی

در باغ صلح درخت تجارت میوه میدهد . ؟

راه گریز را پیش از ستیز باید جست . ناپلئون

روزگاری فرا خواهد آمد که در آن روزگار فتوحات بدون توپ و سرنیزه تحصیل خواهد شد . ناپلئون

ریشهٔ نزاعها، شوخی های جدی است همچنانکه ریشهٔ بیماری سرفه است . ؟

ریشهٔ تمام نزاعها سه چیز ند، زر - زن - زمین . مثل هندی

سرمایهٔ جنگ کردن عزم درست و نیرو و نشاط است . بوذرجمهر

سنگر و موانع مستحکم را لیاقت و غیرت و شجاعت فرماندهٔ آن دفاع میکند، نه استواری و متانت بنا . فردریک کبیر

سه ربع عملیات ارتش را نیروی روحی و یک ربع آنرا قوای جسمانی و مادی تشکیل میدهد . ناپلئون

شاید اخلاقیون این اندیشه را مالیخولیائی بیش ندانند که امروز صلح تکیه گاهی جز ترس متقابل ندارد . چرچیل

طلا فلز گمنامی است زیرا در طی تاریخ آنهمه خون بر سر آن ریخته شده است . ؟

عصر کنونی ما از حیث ظلم و وحشیگری با عصر اقوام ابتدائی چندان فرق ندارد و هر فرقی که هست فقط در شکل است نه در اساس . کاظم زاده ایرانشهر

عقیدهٔ من بر اینست که دانش و صلح بالاخره بنا دانی و سنگ ظفر میابد و این دو تلهٔ بزرگ را از سر شیر مینوا گو مایه میکنند پستور

فرماندهٔ خوب کسی است که بدون تلفات و حتی بدون گرفتن تلفات از دشمن در جنگ سرور نشود . یک رشید چینی

فقط در موقع صلح است که اهالی کشوری میتوانند بار سنگین جنگ را احساس کنند . بابروت

قحط و بیماری در مقام مقایسه با جنگ چیزی نیست، زیرا خود این دو نیز زائیده عواقب وخیم و ماتمبار جنگ هستند . هوگو

کسیکه بمیدان جنگ میرود فرضا هم که جنگ او فقط بر ضد فقر و بینوائی باشد باز مهارت و قدرت او بیش از کسی خواهد بود

که از میدان نبرد میگریزد و از فرط جبن وضعف در پس آرایه های حامل آذوقه پنهان میشود . کارلایل

کسیکه در جنگ بطالع متکی نیست از همه لایقتر است . فردریک کبیر

کسیکه در برابر مورچه عاجز است بهیوده بجنگ فیل میرود . مثل افریقائی

ما برای صلح شایستگی نخواهیم داشت مگر روزیکه ارباب قدرت حرص وطمع بس کنند وضعفان دلیری وگستاخی

بیاموزند . تاگور

ما با مشکلات می جنگیم تا آسایش یابیم . دلی وقتیکه آسایش یافتیم آن را غیر قابل تحمل میبابیم . نازی بروس آدامز

ماشین اقتصادیات عالم هرچند زمانی احتیاج بروغن کاری دارد . خون کشته شدگان واشک چشم حسرت دیدگان

روغن این ماشین است . ؟

مرد جنگی برای دولت بهترین ومناسبترین سفیر وسیاستمدار بشمار میرود . کرامول

مردم دنیا همچون دیوانگان کور وکر بجان هم می افتند ویکدیگر را ندیده ونشناخته میدرند وبراین دیوانگی نام

جنگ افتخار میگذارند . تن

مطمئنا افراد بشر حاضر نیستند که همگی بطور تساوی از گرسنگی بمیرند ویقینا برای آخرین تکه نانی که میماند وباید تقسیم شود

نزاع شدیدی درخواهد گرفت . چرچیل

میدان جنگ فرصت مطالعه بکسی نمیدهد . هرکس هرچه میداند باید بکار برد . جواهر لعل نهرو

مرد شکست خورده طالب جنگ بیشتر است — مثل فرانسوی

نابود شدن نفوس بشری هنگام جنگ موجب آن میگردد که یکی از طرفین جشنهائی بزرگ برپا کند . — بایرون

نگاهداری صلح . وظیفه اش مهمتر از فرمانده جنگ است .

وقتی تسخیر عملی شد تسخیر کننده دیگر حق کشتن ندارد ، چه انکه دیگر حریف در حال دفاع طبیعی وحفظ جان خود نمیباشد . — مونتسکیو

وقتی انسان ببری رحم کند ، آمش را ورزش مردانگی میگذارند ولی وقتی ببری انسان رحم کند اسم این کار را توحش و آدمخواری می نهند اختلاف جنایت وعدالت هم در قاموس بشر از این بیشتر نیست . — برنارد شاو

وقتی یک قطره خون بزمین ریخت قطرات بیشتری را بطرف خود میکشد . — مثل یونانی

هرکه با دشمنان دوستان صلح کند ، سر آزار دوستان دارد .

هر اندازه فداکاری ما در جنگ زیادتر بود شوارتر باشد تاج افتخار که از آن حاصل میشود باشکوهتر خواهد بود . — دوزولت

هرکه با مردم منازعه بسیار کند انسانیت و مروتش زائل شود . — بوعلی سینا

همکاری در جنگ آسانتر از اتفاق در صلح است .

همیشه مهمترین عامل جنگ ترس از جنگ و تصور وقوع آن بوده است .

هنگامیکه یکی از سرداران فرمان حمله داده بود یکی از سربازان گفت اگر برویم مرگ در پیش است ، سردار گفت راست است مرگ در پیش است ! اما اگر برگردیم ننگ در عقب است . — مترلینگ

یک وزیر جنگ خائن بیش از صد لشکر دشمن به انحطاط و ضعف کشور کمک میکند و یک رئیس فرهنگ کج بهتر از صد دشگاه

تبلیغاتی خصم به نادانی و جهل جامعه خدمت می نماید .

محمد مسعود

یا زندگی با سربلندی و استقلال و آزادگی و یا تیره روزی در سایهٔ دشمن ستیزه جوی و بی انصاف اگر میخواهی

آیندهٔ فرزندانت دوستانت و هم میهنانت در سعادت و رفاه باشد سینه ات را در برابر دشمن آب و خاک سپر کن

اگر تو کشته نشوی اگر او کشته نشود و اگر من کشته نشوم چه کسی میتواند استقلال مملکت را تضمین کند ؟

غ - ذ

گهر چنین بسانی آبگینه

بسختی چه نازپرورد سنان

مرادی که در صلح گهه تمام

چه باید سوی جنگ دادن لگام

فردوسی

کجا فغان ز رعد جنگ و موج غلغل او

که تا ابر بر بده باد نای او

کجاست روزگار صلح و ایمنی

شکفته مه و باغ دلگشای او

کجاست عهد راستی و مهر

فروغ عشق و تابش صفای او

کجاست جاودانی و صفای او

کجاست هوشیاری و رای او

که دل بجا سرود جانفزای او

زهی کبوتر سپید آشتی

رسید وقت آنکه جغد جنگ را

جا کند سر بریش پای او

کمال اسمعیل

نه دانش آنکه شد انگیزه جنگ

که روز آشتی پیش آورد جنگ

خردمندی که در جنگی نهد پای

بکار آشتی را در میان جای

همه بصبح گهای و همه مدارا کن

که از مدارا گه نشسته گهه کن

گرچه قوت داری و حد شیر نر
بگ صید در آری و بگ جنگ مگ

نه هر که دارد شمشیر حرب تیز تر است
نه هر که دارد پا در نبرد پیر خورد

ابوالفتح بستی

یک حرف صوفی نه بگویم اجازت است
ای نور دیده صلح به از جنگ و داوری

حافظ شیرازی

جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه
چون نزیبد همه حقیقت ره افسانه زنند

حافظ شیرازی

جوانی

از آغاز جوانی بوسیله ورزشها ، زورمندی و تندرستی را برای روزگار پیری انبار کنید تا در پایان عمر ستر رأی و دست کار و فرسوده نشوید .

از سولون فیلسوف آتن پرسیدند که راز نیرومندی و جوان ماندن تو چیست؟ جواب داد راز جوانی من در این است که هر روز چیز تازه ای یاد میگیرم . سولون

استعداد چیزیست که در جوانی پیدا میشود . اگر آنرا تربیت کردید و در صدد تقویت آن برآمدید مانند بذری که در مزرعهٔ خوب کاشته شده باشد محصول خواهد داد و اگر آنرا بحال خود گذاشتید و آنرا تربیت نکردید مانند تخمی که در زمین شوره زار افتاده باشد از بین میرود و محصول نمیدهد . دکادت

افسوس که جوان نمیداند و پیر نمی تواند . حجازی

افراطهائیکه در جوانی کرده و میکنیم ، وامی است که باید ، در روزگار پیری آنرا ادا کرده و آنچه از بدن در روزگار جوانی تلف کرده اید در دوران کهولت آرزومند نباشید . فرانسیس بایگون

اگر دنیا از وجود جوانان خالی شود ما ممکدهٔ تاریکی بیش نیست ، اما این را هم باید گفت که جهان

بوجود پیران جز حیرت و سرگردانی حاصلی ندارد . کرلویچ

اگر جوان را از عشق منع کنید، چنان است که مریض را از کسالتش سرزنش دهید . دوکلوس

اگر نسل جوان نمیداند که بکجا میرود، نشانه اینست که با پدران خود فرقی نکرده است . ؟

ای پسر هر چند تو جوانی، پیر و عقل باش، نگویم جوانی مکن لیکن جوانی خویشتن دار باش و از جوانان پژمرده

مباش چنانچه ارسطالیس میگوید جوانی نوعی از جنون است . قابوسنامه

اگر میخواهی زیاد عمر کنی در جوانی پیر بشو . مثل اسپانیولی

اگر مردی خیلی شکسته و پیر است تقصیر از زنش میباشد . مثل دوسی

اگر جوانان دانش و پیران قوت داشتند همه چیز روبراه میشد . مثل ایتالیائی

با گذشت زمان مردمان حکیم نمیشوند، تنها مردمان سالخورده از آنها پدید میآید . مثل فرانسوی

با پدر و مادر خویش چنان باش که از فرزندان خویش طمع داری که با تو باشند زیرا که آن کز تو زاید،

همان دارد که تو از او . قابوس وشمگیر

باز خیلی کارها را میتوان انجام داد ولی جوانی را نمیتوان خرید . دایموند

بجوانان از ته دل احترام باید گذاشت که میدانند که نژاد آیندهٔ ما نژاد کنونی خواهد بود یا نه؟ لیکن اگر کسی چهل یا پنجاه

ساله شد و از خودنشانه ازادگی و شرافت بیادگار نگذاشته است دیگر هیچکس نسبت باو نباید احساس حرمت

تعظیم داشته باشد .

کنفوسیوس

بدبختی و خوشبختی ایام پیری، عصارهٔ اعمال گذشته است .

بنت بود

برای شب پیری در روز جوانی چراغی باید تهیه کرد .

بلوتارک

برای افراد سالمند عوامل و بهانه هائی در وجودشان همیشه موجود است، تا آنها را خوار و سبک کند، نباید خودشان باین عوامل کمک کنند .

غ - ذ

برای یاد گرفتن آنچه که میخواستم بدانم احتیاج به پیری داشتم اکنون برای خوب بکار کردن آنچه که میدانم ، احتیاج بجوانی دارم .

ژوبرت

بسیاری از مردم سعادت و شوکت روزگار پیری خود را به سختیها و مشقات روزگار جوانی، مدیون هستند .

ناپلئون

بهترین جوانان شما جوانی است که در جامهٔ پیران باشد و بدترین پیران شما پیری است که در جامهٔ جوانان درآید .

حضرت محمد(ص)

بهر طریقی که بخواهند آنرا تفسیر کنند، این برخلاف طبیعت است که یک بچه یک سر امرد بدهد و یک مرد دانائی را هدایت نماید .

روسو

بهره یابی از نعمت های معنوی، محدود به هیچ سن و هیچ سرشت و نهادی نیست .

سعید نفیسی

بهترین کارها اینستکه در جوانی دانش اندوزی و در پیری بکار بری .

بوذرجمهر

بهترین دوره های زندگانی روزگار پیری است ، در آن هنگام که انسان آخرین مراحل حیات را طی میکند میتواند بر صفحات عمر مرور کرده نتیجه اعمال گذشته و یادگارهای فرح بخش را که در ادوار مختلف زندگی در روح خود ذخیره کرده از نظر بگذراند .

لرد آویبوری

باچو بهائی که در جوانی گرد آوری در پیری گرم خواهی شد .

مثل آفریقائی

بر دمی شانه های جوان نمیتوان سر بر گذاشت .

مثل آفریقائی

پیران خود را پاس بدارید تا کوچکها پاس شما را نگهدارند .

حضرت محمدؐ

سر مرحز را باور میکند مرد به هر چیز بدگمان است و جوان همه چیز میداند .

حضرت امیرؑ

پیوند زرد همچو نور خورشید است که بموه نارسی تا بد جوانرا زودتر بر شد میرساند لیکن تا زمان بر او نگذرد

از آفتاب هیچ حکمتی نچشه نخواهد شد .

حجازی

پیری بیمارستانی است که تمام امراض را در درون خود جای میدهد .

مثل آلمانی

تخیلات آدمی در دوران کودکی و در ایام پیری درست و سالم است ولی در فاصله بین این دو دوران روح با اضطراب و هیجان دچار میگردد شخصیت پی در پی تغییر میکند و حب جاه و مقام تا آخرین حد خود میرسد . جان کیتس

تنها در ایام شباب است که انسان بنیاد اخلاق و عادات خود را استوار میسازد هیچ ساعت آن خالی از فرصت نیست ، آما یک دقیقه آنهم همین که رفت بر نمیگردد .

دوسکن

جوانی باغرور میگذرد، کهولت با رنج و محنت و پیری با غم و حسرت فلاکت ایام پیری نتیجهٔ -

غرور جوانی است .

بیکیفیلد

جوانی مخلوطی است از غرور و نشاط، ولی پیری خوابی است از الهام و خاطرات .

شیللر

جوانی موج میزند، اقیانوس زندگانی بجوش میآید ای جوانان برخیزید و بکوشید پیش از آنکه -

روح شما تاریک شود .

شیللر

جوانی نیز مانند پاکترین و بهترین عشقها سرانجامی ندارد .

گوته

جوانی بهار آرزوهاست .

دیکنز

جوانی دنبالهٔ بچگی است .

شاو

جوانی سلیقه و ذوق خود را با گرمی خویش عوض میکند، پیری آنرا با عادت نگاه میدارد .

لاروشفوکو

جوانی اشتباه است، کهولت مبارزه و پیری پشیمانی .

دیسرائیلی

جوانی و پیری با یکدیگر قابل مقایسه نیست، جوانی مایهٔ نشاط و سعادت است و پیری موجب فلاکت و حسرت

جوانی نیمروز زندگانیست و پیری شبانگاه ظلمانی، جوانی دورهٔ خودنمائی و شجاعت است و پیری روزگار ریش

و مذلت جوانی چون آهوی وحشی با نشاط و غرور در وادی زندگانی میدود، و پیر چون مرد لنگ، آهسته با

هزار زحمت قدمی برمیدارد .

شکسپیر

جوانی صندوق دربسته ای است که فقط پیران میدانند درون آن چیست . ؟

جوانی دورهٔ دیوانگی و عشق و جرأت دلربا ترین ، جلوهٔ روح بشر است . کاظم زاده ایرانشهر

جوانی منزلیست که بامین مسافت کودکی و پیری واقع شده است ایام سعادت و کامیابی زندگی در آنجا میگذرد . گوته

جوانی گره ایست که رشتهٔ طفولیت را بکهولت می بندد . دوکلوس

جوانی ستاره ایست که فقط یکبار در آسمان عمر طلوع میکند . ژوبرت

جوانی فصل خطرناک زندگی است . بایرون

جوانی مستی دائم است و تب عقل . لاروشفوکو

جوانی ترکیبی است که از امتزاج بی تجربگی ، شادمانی ، غفلت بوجود میآید . رایموند

جوانی فرصتی است از کتاب ترجمهٔ حال انسان که مهمترین قسمت آنرا نشان میدهد . رایموند

جوانی جرعه ایست فرح انگیز ولی حیف که به پیری آمیخته میشود . شکسپیر

جوانی آفتابی است که با غروب خود جز حسرت و افسوس چیزی باقی نمیگذارد . رایموند

چشمان مردان سالخورده بحافظه های ایشان شباهت دارد چیزهای دور را خوبتر می بیند . جورج الیوت

چون جوانیم بنده وار میکوشیم تا چیزی بدست آوریم و با آن در زمان پیری خوشتر زندگی کنیم و چون بچیزی میرسیم

آنگاه درمیابیم که برای زیستن مطابق نقشه ای که کشیده بودیم وقت گذشته است. پوپ

خوشبختی بالاتر ازین چیست که در روزگار پیری یادگارهای شیرین ایام جوانی و کهولت را از خاطر گذرانیده، بیاد بیاوریم که در راه سعادت ابنای نوع خود قدمی برداشته آنها را از ظلمات جهل و بیخبری رهائی داده ایم. لرد آویبوری

در بیست سالگی خوشی را می بلعیم در چهل سالگی مزه آن را می چشیم در شصت سالگی با آن میسازیم و در هفتاد سالگی در جستجوی آن هستیم و در نود سالگی تاسف آنرا میخوریم. ؟

در دیری انحطاط روحی و جسمانی آن نیست بلکه بار خاطرات آن است. سامرست موام

در جوانی دوست نداشتن علامت بدی است روح سالم همیشه یکنفر دوست را که لایق باشد ملاقات خواهد کرد. ل. کارو

در جوانی عاطفه بر عقل غلبه دارد، و در دوره سالخوردگی عقل بر عاطفه غلبه میکند. از کتاب خداوند الموت

دو چیز در سینه آدمی با شیرفت سن نیرومندتر میشود یکی عشق میهن است و دیگر عشق دین، اگر در جوانی چندان فرا موش نشوند، دیر یا زود آراسته با همه لطف و صفای خود در برابر ما جلوه گر میشوند و در زوایای قلب ما مهر و محبتی را که سزاوار زیبائی آنهاست برمیانگیزاند. شاتوبریان

در حضور پیر مرد روا نباشد که با جوان مشورت کنی مثل آفریقائی

راستی که پیران جوان و جوانان پیر در دنیا بسیارند. اسمایلز

سالخوردگی فرمانروای جباری است که خوشیهای جوانی را از ترس مرگ بر آدمی حرام میکند. لارشفوکولد

سالخوردگی باندازهٔ کافی زشتی دارد، نباید رذیلت هم بر آن افزوده شود. کاتو

سزاوار نیست مرد پیر با شکم پر شب را بگذراند. حضرت محمد

طفولیت و پیری بهترین ادوار حیات است برای اینکه طفولیت دورهٔ عصمت و طهارت و پیری روزگار عقل و حکمت است معذلک پیری بهتر از طفولیت است، زیرا سعادت اطفال مربوط بارادهٔ دیگران است ولی در روزگار پیری مفتاح سعادت ما بدست خودمانست بشرطی که در روزگار جوانی از افراط کاری.

خودداری کرده باشیم. دوبرت

فرزندان شما در پیری موجبات آسایشتان را فراهم میسازند، همان پیری که خود آنها، آنرا بوجود میاورند. کوفمان

فرزند بزرگترین دلخوشی ایام پیری است، اما خیلی زود سبب پیر شدن میگردد. کوفمان

قاتل پیر مردان آشپز خوب و زن خوشگل است. مثل فرانسوی

کسیکه در جوانی چیزهائی میخرد که لازم ندارد، در پیری ناچار میشود چیزهائی را که لازم دارد بفروشد. لرد آویبوری

گناهان روزگار جوانی را میتوان در سیمای پیری خواند. مثل آفریقائی

مردان سن اعتراض فراوان میکنند مشورت را بدرازا میکشانند کمتر بدنبال ماجرا میروند، زود پشیمان میشوند

دبندرت کار را در موقع مناسب به نتیجه میرسانند، بلکه بموفقیت متوسطی قانع میشوند. بیکن

من همه چیز خود را بگرسنگی ها و مشقات ایام جوانی مدیونم . ناپلئون

من از استعداد جوانانی که پیکرشان بزیور حکمت پیران آراسته شده و پیرانی که نشاط جوانی را دارا هستند در شگفتم. کسانیکه بتوانند در همه حال نشاط خود را حفظ کنند. پیری با آنها چکار دارد. سیسرون

میگویند اسباب فراغت خاطر سه چیز میباشد. و از چهار من که بهترین همه است غافل مانده اند، گفته اند اول مال، دوم امنی. سوم صحت. ندانسته اند که مدار این هر سه جوانی است . ؟

میگویند. پیر مردها عاقلترند به نظر من اینطور نیست ، مردها با فرا رسیدن پیری محتاط تر میشوند نه عاقلتر. ارنست همینگوی

مجبور به یک پیر مرد بودن بهتر است تا کنیز یک مرد جوان بودن . مثل انگلیسی

وقتی جوان بودم متوجه شدم که از ده عملی که انجام میدهم نه تایش معیوب است ، من نمیخواستم که آدم معیوبی باشم ، بنابراین ده مرتبه بیشتر کار میکردم . برنارد شاو

هر کس آرزو دارد که عمر درازی پیدا کند ولی هیچکس دوست ندارد که پیر شود . سویفت

هر کس باندازه دلش پیر است .

هیچ مرد فرزانه ای آرزوی آنرا نمیکند که جوانتر باشد . سویفت

یک تفاوت بین جنس مذکر و مؤنث اینستکه یک نفر مرد در هر سنی که باشد از اینکه او را یک مرد پیر خطاب کنند خوشحال میشود . ویلسون میتز

بروزگار جوانی درود بار درود — که دورهٔ خوش من درهٔ جوانی بود

نبود اندوه بود و نبود، خوش بودم — خوشا کسی که نباشد بفکر بود و نبود

امید داشتم و عشق در سرشتم، آری — قبای هستی ازاین هر دو تار دارد و پود

هزار بار بدلم بود آرزو، لیکن — فرشته ایست بر این بام لاجورد انود

فلک بعمر برافزود و از نشاط کاست — زمانه کاست ز شادی و بر غمم افزود

تبه کدام جوانی تا کنم خوش زندگانی — چه بود از زندگانی؟ چنین تبه کده جوانی

یغمائی

جوانی گفت پیری را چه تدبیر — که یار از من گریزد چون شوم پیر

جوابش داد پیر نغز گفتار — که در پیری تو هم پرهیز از یار

نظامی

خوش عاشقی خاصه وقت جوانی — خوش با پریچهرگان زندگانی

بوقت جوانی بکن عیش زیرا — که هنگام پیری بود ناتوانی

جوانی و از عشق پرهیز کردن — چه باشد ندانی، بجز خانه گردانی

جوانی که پیوسته عاشق نباشد — دریغ است از او روزگار جوانی

دهخدا

خمیده پشت از آنم دارد سپهر چنبره
که از رخ خاک میبوسند ایام جوانی را

نظامی

دریغ فرصت جوانی، دریغ عمر لطیف
دریغ صورت نیکو دریغ خلق شریف
کجا شد آنهمه خوبی؟ کجا شد آنهمه عشق
کجا شد آنهمه نیرو؟ کجا شد آنهمه حال

کمال اسمعیل

شکست جام طرب چنین شتاب نماند
که ماه نیز نماند، چو آفتاب نماند
فغان که تازه شد از رفتن جوانی من
به غیر درد دگر از خمار شراب نماند

امیر معزی فیروزکوهی

صد حیف که ما پیر جهان نیره نبینیم
روزی که رسیدیم بپایان جوانی

واعظ قزوینی

عهد جوانی گذشت در غم بی‌دولتی
نوبت پیری رسید صد غم دیگر فزود

شیخ بهائی

تا زنده‌ام ز بهر تو جانی نداده‌ایم
دیگر مکن بجان تو تا کی جدا جدا

شهریار

حافظنه

آنچه راکه باخوشی ولذت آموخته ایم هرگز فراموش نمیکنیم .

اندیشه های مادر غنچه های بشمار دماغ بازنجیر ناپیدا به یکدیگر پیوسته اند چون یکی از آنها بیدار شود هزارتای دیگر نیز سر بر میدارد .

به ما میآموزند که بخاطر بسپاریم چرا نمیآموزند که فراموش کنیم همین است که زمانی در زندگی خود باین معتقد نشده باشد که حافظه همانگونه که نعمت است بلا و لعنت نیز هست .

حافظه پرونده تخیل و گنجینه عقل دفتر ثبت وجدان ومخزن اندیشه است .

حافظه گنجینه ای است که باید در آن سرمایه گذاری کنیم تا بتوانیم هرگاه که آنرا نیاز داریم ازآن دریافت کنیم .

حافظه در آن هنگام که وظیفه اش نشان دادن گورهای آرزوهای بخاک سپرده شده ما است هرگز در انجام این وظیفه قصور نمیکند .

حافظه آفریده ای هوسباز و مستبد است هرگز نخواهید گفت که از کرانه دریای زندگی چه سنگریزه ای را برگیرد و در گنجینه خود نگاه میدارد یا کدام گل ناشناخته ای را از مزرعه میچیند و به عنوان مزاندیشه هایی که در اعماق قرار گرفته اند

در دوری اشک بچشم میآورند خطر میکنند. و با این همه در این شک ندارم که مهمترین چیزها آنهاستند که بهتر بیاد میآیند.

هنری وان دایک

حافظهٔ بچه ذهنی است که یادگارهای آنرا در خود نگاه میدارد.

فولر

در میان ملکات ذهنی حافظه بیش از همه می شکفد و پیش از همه می میرد.

کولتون

در عکو حافظه ندارد.

؟

هرچه بیشتر بار حافظه بیفزائید حافظه تان قویتر میگردد و هرچه بیشتر بآن اعتماد کنید قابل اعتمادتر میگردد.

توماس دوکوئین

من کنجینهٔ حافظه ام را که پر از خاطره های تلخ و رنج آور و دیرپای زندگی است بدنیا و آخرت نمیدهم در لحظاتی که تنها نشسته ام و با آنها سر گرم و اینها بودند که مرا از سختیها و مذلت ها نجات دادند. هر خاطره ای چون مروارید و ستاره ای درخشان در افق زندگیم درخشندگی خاص دارد. آه خاطراتم. آه خاطراتم....

غ - ذ

ای مرغ سحر چو این شب تار — بگذاشت ز سر سیاهکاری

در نغمه روح بخش اسحار — رفت از سر جان تن خماری

بگشا گره ز زلف زرتار — محبوبه شبگیر عصاری

یک خانه بکام شد پدیدار — وز هر سمنی رشته خوحصاری

یارآ ز رشح محبه یارآ

از خلد برین یاد کنم روی تو بینم — ور فتنه دین یاد کنم موی تو بینم

چشمم همه دل گردد چیزی ز تو کنم یاد — دل چشم کنم گیرد چیزی روی تو بینم

سنائی

نشسته در دل خاکم بیاد حسرت سنوز — دل گداخته بر آرزوی دولت سنوز

به عشق آینه رویی نه خرم است بخنی — عجب که طوطی اگرم گفتگوی تست سنوز

امیر معزی فرزند کوهی

یارب یارب آنکه خرابات نشین کرم و مست — وآنچه در مسجدم امروز کمست آنجا نیست

یارب یارب آنکه ز رخت شمع طرب می افروخت — وین دل سوخته پروانه ما پروا نیست

حافظ

حرص و طمع

آرزو همیشه در تب بیماری است . حضرت امیرؑ

آنقدر بر مال دنیا حریص مباش که از مفقود شدنش اندوهناک نشوی سقراط

از ذوالنون مصری پرسیدند توکل چیست گفت آنکه به هیچگونه طمع نورزی . ؟

اشخاص حریص هیچوقت راضی نمیشوند و کاسه چشم آنها جز بوسیله خاک گور پر نمیگردد . لرد اویبوری

اشخاصیکه دارای عقلند از هر عیبی بخصوص از حرص احتراز جویند این شهوت انسان را برای جلب منافع بظلم تحریک کرده

علت بدبختی مردم میشود چون حرص سرچشمه تمام جنایات است . ؟

ای فرزند اگر عزت خواهی قطع طمع کن از آنچه در دست مردم است و بدانچه خدایت داده راضی باش . لقمان

برده فقط یک آقا دارد اما شخص طماع نسبت بهر کس که او را یاری میکند برده است . امرسون

بعضی ها گمان میکنند که فکر آنها وسیع است درصورتیکه این دامنه حرص و آز آنهاست که وسعت دارد . ؟

تا میتوانی از درخواست خود داری کن . حضرت محمدؐ

ثروتمندی آن نیست که مال فراوان داشته باشد بلکه ثروتمند کسی است که در بند آز نباشد . حضرت امیرؑ

حریص محتاج است اگرچه مالک دنیا شود . حضرت امیر(ع)

حریص بد نیا چون کرم ابریشم است که هرچه بیشتر بدور خود می پیچد راه خلاصیش بسته تر میشود تا از غصه بمیرد . امام باقر(ع)

سه قدرت عظیم بر جهان حکومت میکند حماقت ، ترس ، حرص . انیشتین

طمع سرسیاه کاریها ، بیشمار شوربختیها بوده و خواهد بود ، خوشبخت کسی است که طمع نورزد زیرا که طمع کاردانی و هنرمندی کسان را نابود ساخته عزت نفس و بزرگ منشی و پیشرفت را یکسره ناچیز میسازد . ؟

طمع از کار بیرون باید کرد اگر خواهی که عمل بر تو سبک گردد در عمل بی طمع باید بود . اسرار التوحید

عزت ، سروری و بزرگواری در قناعت است و در یوزگی و فقر و ذلت و خواری در طمع . ؟

عداوت از سه چیز ناشی میشود طمع در جمع مال طمع در اینکه همه او را گرامی دارند طمع در آنچه میگوید همه قبول کنند . ؟

فرونشاندن نخستین خواهش آسانتر از تر ضیه خواهشهائی است که بدنبال آن میآید . دوشفوکو

گر سنه چشم از نگاهی گیتی نرمد تا جان ندهد . سید علی اکبر برقعی قمی

هرکس که خواهشهایش بی پایان است ناگزیر است به تلاش و زحمت پایان ناپذیری تن در دهد خواهشها او را به تلاش برمیانگیزند ، در حالیکه سرانجام نه رضایت خاطری را که می طلبد بدست میآید و نه سعادتی را که میجوید فراچنگ میآورد . بال گوی

هیچ چیز مانند دامنه حرص انسان لایتناهی نیست . سعید نفیسی

هیچ آرمندی نیست که آزاد باشد . قباد شهریار

ای سرگشته بدام آرزو پابند — پندی دهمت خرد نوشو پند

بر جهش تو بار آرزو تا کی — در دل غم این نیاز ها چند

تا خود برسی بآنچه خواهی — صد رنگ برآوری به رقصند

گیرم که رسی بآنچه خواهی — بر گنج جهان شوی خداوند

دارم ز تو پرسشی چنین نغز — پاسخ که پسند دانش و خرد مند

بنهاله خود کنی نگهداری — چندین گزک از تو تا گزو بکند

پیمندرهی که ایمن از آن راه — صد خار ملامت است لخت پیوند

مهدی رزین قلم

ای دل بوز جستجو هیچ نیاری مطلب — در شاخ برهنه سایه داری مطلب

عزت ز قناعت است خواری مطلب — با عزت خود بساز و خواری مطلب

خواجه عبدالله انصاری

پرستنده آرزو بجای مگزین — بگزین ز کسی نشنه آفرین

تو از آرزو بشی همیشه برنج — که همواره سیری نیابی ز گنج

حسادت

آتشی سوزانتر از هوس بخت تر از کینه و سعادتی بالاتر از آرامش نیست . آئین بودائی

آنکه از شنیدن توصیف نیک همسایه اش رنج میبرد از شنیدن عکس آن شاد میشود و آنان که از رسیدن فضائل دیگران ناخوشند از این شادمیشوند که دیگران چندان خرد افتند که با ایشان برابر شوند . فرانکلین

از بخیل دوری کنید که خوبیها را میپرورد و زشتیها را آشکار میسازد و خشم را زیاد میکند . حضرت امیرؑ

از بدترین آلام معنوی حسد است و کسیکه حسد می ورزد هرگز رنگ سعادت بلکه رنگ آرامش را هم نخواهد دید و وضع او شبیه بکسی است که ویرا روی آتش گذاشته باشند و آتش را باد بزنند . روسو

اگر حسادت خاصیت سوختن را داشت احتیاج به هیچ سوخت دیگری نبود . مثل یونانی

اشخاصی وجود دارند که کوشا و جدی و لایق و درست که متأسفانه اوضاع و احوال مساعد حالشان نیست در نتیجه دچار بدبختی حسادت یا دشمنی میشوند . هانری بارووک

اگر فقط این را امید داشتم که بعضی از نعمتهای بزرگی که دارند چه کم بهره میشوند آنوقت بسیاری از رنجها از این جهان برمیافتاد؟

از حسادت فقط نتیجه ای عاید حسود میشود و آن از بین رفتن تدریجی خود اوست . مثل انگلیسی

با بخیل رفاقت مکن چه آنچه را که بدان بسیار نیازمند باشی تو نخواهد داد . علی ابن الحسین(ع)

با مردم ناآزموده گفت و شنید ندارید و از مردمان کینه ورز دوستی تا میتوانید دوری جوئید . ؟

بهتر است آدمی طرف حسادت مردم واقع شود تا طرف ترحم آنها . مثل فرانسوی

بدگوئی حسود دلیل برتری شماست . تن

بدانکه فرق باشد بین غبطه و حسد چه غبطه مشوق بود بحصول یا مطلوبی که از غیری احساس کرده باشی و حسد با تمنای زوال بود از او . خواجه نصیر طوسی

بر دوستی که حسود باشد ایمن نمیتوان بود . بوذرجمهر

بهرهٔ حسود در دنیا غم واندوه است و چون مردم را خوشحال ببیند آن بهرهٔ غم واندوه دو برابر میشود . ارسطاطالیس

چه بسا که مال و مقام و دانش و سایر مزایا را برای خوشبخت کردن خود مان نمی خواهیم برای آن میخواهیم که دیگران را حسود و بدبخت کنیم . حجازی

حسد میخورد کارهای نیکرا چنانکه آتش هیزم را میخورد و نابود میکند . حضرت محمد(ص)

حسد درد بیدرمانی است که جز بمرگ حاسد یا محسود زایل نگردد . حضرت امیر(ع)

حسد بردن بخوشبختی دوستان نشانهٔ کوتاهی همت است . حضرت امیر(ع)

حسود ظالمی است که بسی مظلوم ماند زیرا همواره گرفتهٔ دل واندوهگین باشد و هر ساعت خشمناک است بکسی که گناه ندارد حضرت امیر(ع)

حسود شرافتمند نمیشود و کینه‌توز به غصه میمیرد . — امام سجاد(ع)

حسود به نفس خود ضرر میرساند پیش از آنکه ضرری به محسود رساند . — امام صادق(ع)

حسادت ممکن است با عشق تجاوز آید ولی همیشه با عشق نمی‌میرد . — لارشفوکوله

حسود قبل از اینکه چاقی دیگران را بگیرد، خودش از لاغری خواهد مرد . — امیرقلی امین

حسد همچون مگس است که همه جای بدن سالم را رها میکند و بروی زخمهای آن می‌نشیند . — چاپمن

حسود نه خوشبخت است نه خوشوقت . — پوشه

حسد مرکبی است سرکش و نافرمان که هرگز راکب خود را سلامت بمنزل مراد نرساند . — جواهرالاخلاق

حسود هرگز عید ندارد . — بیگون

حسد از زهر مار خطرناکتر است زهر مار فقط برای دیگران ضرر دارد ولی شخص حسود بیش از هرکس از دست خود رنج میبرد . — دلگرداویور

حسد عمرش از سعادت محسود درازتر است . — لارشفوکوله

حسد زندان روح است . — حضرت علی(ع)

حسادت احمقانه‌ترین رذائل است زیرا کسی منفعتی نمیرساند . — بالزاک

حسد ورزیدن علامت بارز بی‌لیاقتی است . — لارشفوکوله

حسد سوهان روح است . — جان درایدن

حسود را آزار مده که خود در آتش بی پایان میسوزد هر چیز یکه مطابق میل و آرزوی ماست حقیقت محض بنظرمان میرسد و تمام آن چیزهائی که برخلاف میلمان است خشمناکمان میکند . اندره موروا

حسد خاصیتی ندارد جز اینکه از فضیلت آدمی بکاهد . حضرت امیر(ع)

حسود بطرف دیگران تیر میافکند و خود را زخمی میسازد . مثل سوئدی

حسود هرگز آقا نمیشود مثل عربی

حسود با چشم شاخ میسنجد و از هر عیب میسازد . مثل آلمانی

حسد عمیقتر از کبک میگزد . مثل اسپانیائی

حسود تصور میکند چنانچه پای همسایه اش بشکند او بهتر راه تواند رفت . مثل دانمارکی

حسود کور است . مثل دانمارکی

در حسادت خودخواهی بیش از عشق حکومت میکند . لاروشفوکوله

رشک چنان میخواهد که لیاقت دنبال آن بیاید ولی این لیاقت همچون سایه ایست که سایه انداز را نشان میدهد . پوپ

رشک نمودار خودخواهی و خودپسندی است و هیچ دلیل بر عشق و علاقه نسبت بدیگران نیست . لاروشفوکوله

روزگار حسود از همه سیاهتر است . حضرت امیر(ع)

رنگ آبنوس را میخورد و حسادت قلب را . مثل فرانسوی

عشق همیشه با حسادت و احساس مالکیت توأم است و مانند همهٔ مبارزات نیز قربانیان بی‌شمار دارد . فرانسواساگان

عشقی که توأم با حسادت نباشد دروغی است . مثل آلمانی

غرض داشتن مثل موریانه فکر انسان را میخورد و بسا کارهای زشت که از آن سر چشمه میگیرد . ؟

کسیکه بحسن دیگر حسد ورزد دلیل بر آن است که اعتراف به برتری او کرده است . برانس وال پول

کینه را نه با کینه بلکه با عشق و جوانمردی باید مغلوب ساخت . دکارت

کینه و حسد از قدر و منزلت مرد بکاهد و در انظار خوار میگرداند . حضرت امیرؑ

کسیکه در برابر حسود طاقت بیاورد و خونسرد باشد یا خیلی خوش قلب است و یا از آهن ساخته شده است . مثل انگلیسی

من از کسانیکه نام خود را روی شهرت فرد دیگر بنا میکنند متنفرم . ؟

وقتی بخوشبختی دیگران حسد بردیم بدست خود عقوبتی برای خویش فراهم کرده‌ایم . پترن

هر دشمنی بدوستی گراید مگر دشمنی که از حسد برخیزد . حضرت امیرؑ

هروقت به حسودی برمیخوریم لذتی می بریم که او را تحریک کنیم باین ترتیب که شروع بتعریف از کسانی میکنیم که بوجب حسادشده‌اند . منتسکیو

هیچ ستمگری را شبیه ستمدیده ندیدم مگر حسود را . امام حسنؑ

هنگامیکه واگونهای اقبال خوب راه میافتد حسد روی چرخهایش آویخته میگردد . مثل چینی

نمونه توانستند برای ازین بردن موریانه حسد دارویی تهیه کنند چون جای این موریانه خطرناک در روح حاسدان است.

غ - ذ

عنصری

مشو زنهار حسد مبر در دیدرمان
که بیدریغ زنرروزگار تیغ مهر

بگذر از دریغ حسد کن که حکیم
که بیدریغ زنرروزگار تیغ مهر

برو بهر چه بداری بخور دریغ مخور
بمذهب همه کفر طریقت اینجا مست

چه دوزخی چه بهشتی چه آدمی چه پری
بمذهب همه کفر طریقت اینجا مست

حافظ

بگوش هوش شنو نکته ای ز خسرو خویش
وگر داری خرد دستکم حسود مباز

همیشه تا توانی دل بدست آور
شو با هفت کس دمساز و همراز

حسود و بیوفا نادان و ظالم
بخیل و کاذب و نااهل و غمّاز

؟

در این زندان حسرت چند باشد
گزین یاران خدا یابیرحمت

یکی بخیل و دوم خشم و سوم آز
چهارم کبر و پنجم شهوت و ناز

ششم کبر و حسد هر هفت یارت
کزین یاران خدا یابی رفاقت کار

ازاینها بگذر و یار دگر جوی
رفیقان بزرگ و نامور جوی

بهمه خسرو

زمن شنو گر خوشی زردی فهم گاه دهی
همه کار تو دل خوشی بمقطع آید از ابتدا،

بخیلی و کنیشه ز خاطر بکن از پیشه
بهیچ کس نزنی تیشه بر سم مردم دانا

سنائی

هر آن کسی بر درشتی زمانه دل بنهد
همیشه بر او بخت گریان بود

حدیث دل بر درد آورد
همه محنت و آه سرد آورد

فردوسی

حدیث سودی چو سود دل مدهد
که حاسد را نبینی هیچ مقدار

جمله خسرو

الا تا نخوانی مدار بر حسود
که آن بخت برگشته خود در بود

چه حاجت که با وی کنی دشمنی
که او را چنین دشمنی در قفاست

سعدی

حقیقت

آدمی قوانین فیزیک و شیمی و میکانیک را بخوبی می شناسد ولی خود را نمی شناسد و از نیازمندیهای حقیقی جسم و جانش آگاه نیست .

الکسیس کارل

آنانکه میخواهند خوب زندگی کنند باید بحقیقت نزدیک شوند زیرا پس از نیل بمقام حقیقت مادی است که دست از غم و اندوه دنیا برمیدارند .

افلاطون

آنجا که حقیقت نباشد همه چیز پست و زشت و مبتذل است

سقراط

آنکه همواره بحقیقت توجه دارد با همنوع خود بمهربانی رفتار میکند .

مهاویرا

آنچه هستی باش .

نیچه

آنچه را داریم و از آن لذت میبریم چندان که باید ارزش نمی نهیم و قدر آنرا نمی شناسیم و چون از دست برود بارزش

آن پی میبریم در این هنگام است که باین حقیقت متوجه میشویم تا مالک چیزی هستیم از مالکیت خود بی خبریم ، بگیر

آنچه هستید شما را بهتر معرفی میکند تا آنچه میگوئید .

امرسون

آیا ممکن است برای من چیزی خارق العاده تر از حقیقت باشد .

داستایوسکی

آدم خشمناک نمی تواند حقیقت را بگوید .

مثل چینی

اختلاف نظر وقتی خوشایند میگردد که دو نفر بمنظور کشف حقیقت ، دوستانه به جرّ و بحث پردازند ، مناظره وقتی

شکنجه آور است که یک طرف سعی کند بزور حرف خود را به کرسی بنشاند .

ف . و . رابرتسن

از ستایش عیب جوئی مردمان هیچکدام را نباید محک حقیقت شمرد ولی از هر دوی آنها میتوان به عنوان محک

برای شخص خود استفاده کرد .

واتلی

از آنچه شنیده و دیده و خوانده اید هیچ چیز را قبول نکنید مگر آنکه درستی و صحت آن به خودتان آشکار شده باشد . دکارت

از راه حقیقت روگردان مباش .

؟

اگر باین حقیقت روشن اعتراف کردیم که در جام روزگار شهد و سرشک بهم آمیخته و نیش و نوش با یکدیگر همراه است

در آن صورت برای مواجهه با پیش آمدهای زندگی مهیا شده در مقابل کامیابی و ناکامی ؛ موفقیت و مغلوبیت

بیم و امید ، صحت و مرض ، غم و شادی ، مسرت و الم و عوامل مختلف دیگر که هر کدام یک ناحیه از حیات ما را

تحت نفوذ میگیرد : ثابت و استوار خواهیم بود .

لرد آویبوری

اگر بزرگی و عظمت را آرزو میکنی آنرا فراموش کن و دنبال حقیقت برو آنگاه بهر دو خواهی رسید هم حقیقت و

هم عظمت ....

سنگا

انسان موظف است که عاشق حقیقت باشد و اظهار آنرا بنحاظر عشقی که نسبت بآن دارد از تکالیف حتمی خود بداند . اسماین

انسانیّت نیازمند حقیقت است . پایگون

انسان نباید هیچ امری را بعنوان حقیقت قبول کند مگر آنکه واقعاً در نظر او حقیقت باشد . دکارت

انسان هیچوقت بیشتر از آن موقع خود را گول نمیزند که خیال میکند دیگران را فریب داده است . لاروشفوکو

اول مطمئن باش ذیحق هستی، بعد جلو برو . ؟

استبداد میتواند حتی از یک شکاف بگذرد . ولی حقیقت در یک دروازه گیر میکند . ؟

باید بدانیم که حقیقت مافوق عقل است و عقل با کوشش بسیار شاید بتواند چیزی از حقیقت را درک کند، بنابراین در جستجوی حقیقت و برای وصول بآن لازم است از مرگ نیز هراس نداشته باشیم حقیقت را بشناسیم تا حق را بشناسی این خلاصهٔ وظایف انسان است . از کتاب در جستجوی خوشبختی

باید حقوق شخصی خود را با ملایمت و ادب طلب کنیم و ضمناً حقوق دیگران را نیز رعایت نمائیم . جان کایزل

باور کردن در وهلهٔ اول آسان تر است از حقیقتی که انسان حتی یکدفعه هم آنرا نشنیده است ؟

ما حقیقت را با استعانت عقل نمی شناسیم بواسطهٔ قلب بآن آشنائی پیدا میکنیم . پاسکال

مبادا که ترس از مردم شما را از گفتن حقیقت باز دارد . حضرت محمد

مشعل نبوغ فروغ نیابد مگر آن زمان که نور حقیقت بر آن بتابد . کنت دو مسکود

نه بوسیلهٔ تملک حقیقت بلکه بوسیلهٔ جستجوی آن قوای ما وسعت پیدا میکند و تکامل تدریجی ما در همین جستجوست . لسینگ

نفس شریف را بحسن قبول حق و نفس خبیث را بسرعت میل به باطل توان تمیز داد . سقراط حکیم

وقت گرانبهاست اما حقیقت گرانبهاتر از آنست . دیزرائیلی

وقتی ارسطو فیلسوف افلاطون انتقاد میکرد بدو گفتند چرا احترام آموزگار را رعایت نکردی جواب داد من آموزگار خویش را دوست دارم ولی حقیقت را بیشتر از او دوست دارم . ارسطو

برای هر احقاق حقی ولو هر قدر مشکل بنظر آید فقط اندکی تهور کافی است . میرابو

بزرگترین خطر یکه در فریب دادن دیگران وجود دارد اینستکه سرانجام شخص خود را فریب خواهد داد . ؟

بشر هرگز باندازهٔ زمانیکه در حق داشتن خود تردید دارد نمیترسد . ؟

بوسیلهٔ احساسات بعالی ترین و پاکترین حقایق میرسیم نه بوسیلهٔ عقل و تفکر . آناتول فرانس

بهترین راه برای اثبات صفای ذهنی مانشان دادن خطاهای آن است نه آنکه ناپاکیهای بستر خود را نمایش میدهد

به مایعهمانند آب پاک و صاف است . پوپ

بهترین سیاست صداقت است . سروانتس

پای افراد بشر غالب اوقات بسنگ حقیقت میخورد ولی غالب آنان زود برمیخیزند و چنان راه خود را میگیرند که گوئی هرگز پایشان به سنگ نخورده است . چرچیل

پرهنرکارترین مردم کسی است که بکوشد حق را در سود و در زیان خود . حضرت محمد(ص)

ترحم غالبًا احساس درد خود ما نسبت در دردهای دیگران و این پیش بینی ماهرانه است از بدبختی هائیکه ممکنست ما خود دچارشان شویم همراهی ما با دیگران برای آنست که آنهارا وادار کنیم در وضعی مشابه بیاریمان بیایند. در حقیقت خدمتی که بایشان میکنیم ابراز احساساتی است که از پیش در حق خود می نمائیم.

لادوشفوکو

تمام موجودات خواه باجان وخواه بیجان در جستجوی حقیقت اند.

؟

تنها فضیلتی که من خواهان آنم حقیقت و حدم توسل بزور است.

گاندی

جز حقیقت چیزی را جستجو نمیکنم در هر جا با حقیقت مصادف شوم پیروی آنرا بر خود امری ضروری میدانم. فردریک کبیر

جستجوی حقیقت یعنی درخواست آن و شناختن حقیقت یعنی ازدواج با آن و یقین داشتن بحقیقت یعنی مالک شدن آنرا، شریفترین نعمتهای بشری است.

فرانسیس بایکن

جستجوی حقیقت دیوانگی مطلق است چه موقعیکه بحقیقت رسیدید ممکن نیست بکسی بگوئید دشمن شما نشود. برنارد دوسن پی یر

جوینده حقیقت باید اول آرامش درونی خود را تامین کند و روح او چون سطح آب دریاچه ای ساکن و آرام باشد. دکتر کارل

چون حق با من است از تهدیدها نمیترسم.

سوفوکل

چون حقیقت را شناختی از آن پیروی کن.

حکمت چین هندو

چه لذتی بالاتر از این است که انسان خجالت را بدرد و خورشید حقیقت را پس پرده ببیند و در خلوتکده اسرار به رازونیاز مشغول شود.

بایگون

چراغ حقیقت خاموش نشده است وهرکس پف کند باصطلاح ریشش بسوزد . غ - ذ

حجب وحیانور درخشنده ای است . جان را برای پذیرفتن حقیقت آماده میکند . گیزو

حق کلمه ای گرانبها و وزین است وهرقدر که زننده و تلخ باشد به نتیجه شیرین و دلپذیرش میارزد . حضرت امیرؑ

حقگو باشید و باصریحترین لهجه حقیقت را بیان کنید . حضرت امیرؑ

حقیقت را دوست بدار ولی اشتباه را عفو کن . ولتر

حقیقت میتواند مدتی در حجاب تعویق و تأخیر بماند ولی همیشه جوان بوده وخود را معرفی خواهد نمود . گولیو

حقایق را بگوئید و مردم را آگاه سازید و مطمئن باشید که گشته خواهید شد . ولتر

حقیقت را باطرفی مطلق و با روحی آزاد از هرگونه تعصب جستجو کنید . د کارت

حقیقت الماس است که شراره های آن نه تنها بیک طرف اشعه نمیفرستد بلکه تمام اطراف را مستغرق شعاع نافذ خود میسازد . شاتوبریان

حقیقت مافوق عقل است وعقل با کوشش بسیار شاید بتواند خبری از حقیقت را درک کند بنابراین در جستجوی

حقیقت و برای وصول بدان لازم است از مرگ نیز هراسی نداشته باشیم . لرد آویبوری

حقیقت سرچشمه ایست که علی الدوام جاریست و سرزمین افکار را سیراب میکند و هیچوقت بر نمیگردد زیرا اگر آب چشمه به عقب برگردد مردابی کثیف میشود . میلتون

حقیقت چون روغن بادام است، همیشه بخورد دیگران میدهیم بدون اینکه بخواهیم خود قطره‌ای بخوریم . مثل بزوژی

حقیقت تلخ بهتر از یک دروغ شیرین است . مثل آفریقائی

حقیقت و گل سرخ هر دو خار دارند . مثل اسپانیائی

حقیقت سنگین است لذا عده‌ای معدود حاضر نه آنرا تحمل کنند . ؟

خورشید صفت باهمه کس یک رو باش . بایزید

خوب یا بد، حقیقت از تمام مسموعات و مشهودات ما بهتر است ؟

داروهای تلخ را با روپوش شیرین میپوشانیم چرا حقیقت و اخلاق را نیز با لباسهای زیبا نپوشانیم . شامفورت

در زندگی ثروت حقیقی مهربانی است و بینوائی حقیقی خودخواهی . وینید

در تمام اخلاق رذیله و کارهای زشت هیچ گناهی باندازهٔ تهمت بزرگ نیست . وحید دستگردی

در میان مردمیکه حتی یک آدم بیدار وجود داشته باشد حقیقت هرگز نمی میرد . ؟

در بطن هر اشتباهی حقیقتی نهفته است . ؟

دعوی مکن چیزی را که نه از تست و انکار مکن حق را که بر تو هست . لقمان

وقت در حقیقت امر بخودی خود تحمل ناپذیری ملالت بار است . برتراند راسل

زور حق را پایمال میکند . مثل ایرانی

سادگی وصفائی که در برابر از احساسات حقیقی ولی شائبه وجود دارد سبب انگیزهٔ شک و تردید نمیگردد . واشنگتن ایروینگ

تیزه مکن هرچند حق با تو باشد . حضرت محمدؐ

سرم را ببشکن ولی حقیقت را بگو . مثل یونانی

شخص آزاد آنکس است که حقیقت او را آزاد کرده باشد از او که بگذریم همه بنده و اسیرند . کاویر

ضایعترین اوقات زندگی وقتی است که در غیر طلب حق و بیهوده صرف شود . ارسطو

ضرب المثلی نیست که در آن یک جو حقیقت وجود نداشته باشد . مثل اسکاتلندی

طبیعت درباره همه حیوانات که بدست پرورش او سپرده شده اند با یک امتیاز و ترجیح رفتار میکند گوئی میخواهد نشان بدهد چگونه او غیرت این حق را در خود دارد . روسو

عجیب است ولی حقیقت دارد ، حقیقت همیشه عجیب تر از تخیل است . لرد بایرون

عدالت عبارتست از اراده و تصمیم ثابت انسان باینکه حق هر فردی را ادا کنید . جان کایزل

عفاف گفت : مرا با برگ درخت زیتون مستور دارید .

وقاحت گفت : مرا با نشانها و امتیازات بیارائید .

شرارت گفت : مرا با لباس نیکی و صلاح بپوشانید .

رذیلت گفت : مرا با خلعت و فضیلت افتخار دهید .

خدعه گفت : مرا بجامه اخلاص وصمیمیت ملبّس نمائید .

خیانت گفت : تاج امانت بر سر من بگذارید .

تزویر گفت : با لاپوش صدق ومحبت را بدوش من اندازید .

ظلم وجور گفت : گوی وچوگان مسامحه را بمن ببخشید .

استبداد گفت : صورت آزادی را بر چهرهٔ من نقش کنید .

اختلاف گفت : مرا بزینت وظیفه مزیّن فرمائید .

تکبّر گفت : مرا بزیور تواضع مباهی نمائید .

حقیقت گفت : مرا بر هیچ نگذارید و پیرایه بر من مبندید زیرا من هیچ گاه از برهنگی خود شرمسار نیستم .

اعتصام الملک

علت اینکه بچه در طفولیت اینقدر شاد و خوشحال است چه میباشد ؟ غیر از اینست که کوشش نکرده اکه نسبت غیر از آن خودش را معرفی کند .

روسو

فخر دلیل آن کسانیست که حق ندارند .

بایگون

فلسفه دوست داشتن حقیقت است نه محبتی که برای یک نوع علم یا یک مسلک احساس شود .

کنفوسیوس

کسانیکه حقیقت را درک کرده اند با افرادیکه حقیقت را دوست میدارند برابر نیستند .

کسانیرا میشناسیم که برای آرایش ظاهری و داشتن لباس فاخر شکم خود را گرسنه نگاه داشته و خانواده خود را در تنگدستی میگذارند، برای فریب دادن چشم دیگران خود را دچار رنج و محنت میکنند . فرانکلین

کسیکه بکار خیر مألوف است تابع امر کسی نمیشود و عدالت و حقانیت را پیشوای خود قرار میدهد . پاسکال

کشنده ترا زنیش مار بچه حق ناشناس است . شکسپیر

کلمات را هیچکس نمیتواند استعمال کند و معنی آنها هم در هیچ جا چیست آنچه که نوشته را برجسته میکند یا فقن کلمه ایست که عمق داشته باشد که نوشته با یک حقیقت عمومی همگی پیدا کند، یا از مبدأ نامعلومی که چشمه زندگی از آنجا فوران میکند سخن بگوید . د ج تورپر

کسیکه فقط حقیقت را بگوید، یک اسب تندرو هم لازم دارد . مثل ایرانی

گناهکاران از چهره شان شناخته میشوند قرآن مجید

مادامیکه در قلبت احساس میکنی حق بجانب تست بحرف مردم اهمیتی نده . مادام تئودور روزولت

وقتی که صفات خوب دیگران را تعریف میکنیم در حقیقت احساسات عالی خود را احترام میگذاریم نه ارزش مردم را . لارد شستوگو

هر کس طاقت شنیدن حقیقت را ندارد . توفیق الحکم

هر یک از اعضای بدن ما حقی دارند و حق زبان بر ما آنستکه با گفتار زشت آنرا آلوده نکنیم . حضرت سجاد

هرگاه در گوشه ای از زمین خونی بناحق ریخته شود همه مردم جهان دستشان بدان آلوده است . داستایوسکی

همیشه حق را بدون هیچ بیان کن و شیطان را خجل ساز . شکسپیر

همواره زور موجد حق بوده است این دو کلمه بقدری بهم متصل و مربوطند که درک یکی بی دیگری محال است ؟

همچنانکه ابلهان خوشبوش وجود دارند ایده ها و افکار ابلهانه ای هم وجود دارند که با لباس شیک و زیبا آراسته شده اند

هیچ چیز زیبا نیست مگر حقیقت . بوالو

هیچکس نیست که حق داشته باشد کسی دیگر را حقیر بشمارد . الفرد دوویل

هیچ حقی در دنیا بدون قوت وجود ندارد . ناپلئون

همیشه حق با کسی نیست که بهتر سخن میگوید . مثل افریقائی

یا چنان نمای که هستی یا چنان باش که مینمائی . بایزید بسطامی

یکی از بزرگترین علل زندانی شدن فلاسفه، شعرا، نویسندگان در دنیا در گذشته یا در سالهای اواخر قرن بیستم اینستکه حقایقی که آنان بزبان میآوردند، مینوشتند و بشعر میسرودند مورد تأیید حکام و سردمداران مملکت واقع نمیگردید حق را نمیتوان با شمشیر زندانی کرد .

غ - ذ

عمری بجستجوی حقیقت شتافتم — با من نگفت کس که حقیقت کجاست چیست؟

آنکس که بوئی از این بوستان نبرد — واماند که بار یافت در این بارگاه کیست؟

تا آشکار گشت بما یم حقیقتی — آن نیز حقیقتی که بپرسیدم آن گریست

این است آنکه نیست حقیقت در این جهان — در هست جز فسانه و وهم و خیال نیست

بیگانگی ز خویش حقیقت نبرد پی — گر نیست سال عمر تلف کی ملال نیست

محسن جیب‌دار

*

در جهان کمشده ای دارم من — که از او هیچ نشان پیدا نیست

همه گویند که او همره ماست — در بر هیچکسی جز ما نیست

پی افسونی یکتا رفتم — دیرم افسوس که آنها نیست

پی حقیقت تو فجی پنهانی — لفظ توهمست ولی معنی نیست

یا مگر چشم بصیرت نبود — یا اثر از تو در این دنیا نیست

هیچ چیزی بجهان در نظرم — بی فروغ رخ تو زیبا نیست

زندگی بی تو نیرزد بجوی — غیر زنزانی جانها فرسا نیست

محمد محسن وسیع

آزاد همه در من بیگانه نگفت — حق را بجز از باطل تشریح نهفت

سعدی

حیات

آن چیز نکبه بیش از همه بدنیا روشنی بخشیده است رنگ سیاه است . مرکب چاپ .

از پنجاه درصد خاک قابل کشت سطح زمین تنها درصدی از آن مورد استفاده قرار گرفته است . خوزه اوکاترو

انسان کامل آن است که در برابر مشکلات چند روزهٔ حیات ایستادگی و مقاومت بخرج داد و از هیچ تند بادی نهراسد و در مقابل ناملایمات مثل کوهی بایستد که هیچ قدرتی نتواند او را تکان دهد .

این هم یکی از شگرفیهای آدمی است که خود چند روزی بیش نمیماند ولی آثار او بحیات جاوید میتواند برسد . نصرالله فتحی

باگریه بدنیا میآئی آنچنان زندگی کن که با خنده از دنیا بروی .

بضرورت آمدم در این جهان و به حیرت نشستم و به کراهت میروم . افلاطون

در صفحهٔ زمین هیچ قلبی نیست که راضی باشد . مثل ایتالیائی

چهار نوع انسان در دنیا زندگی میکنند عشاق جاه طلبان خیال پردازان و دیوانگان . تن

حیات بسکی بمقدرات و تصادفات دارد که انسان متصل با آن روبروست و خودش هم خبر ندارد .

حیات عبارتست از زوج دائمی آمال و مرگ سکوت آن امواج و اتفاقات است . کاظم زاده ایرانشهر

حیات عبارت از جنبش و فعالیت است. — محمدتقی بهار

حیات چه شیرین و دلکش است. — سرنگ

حیات آدمی در دنیا همچون حبابی است در سطح دریا. — ؟

حیات اخلاقی عبارت از آنست که شخص به بهای نفس خود معیاری که اطراف خود می‌بیند رفع نماید. — ؟

حیات خوابی است، محبت رؤیای آن. — الفرد دوموسه

خوشی ما در احتی دیگران در این دنیا بوجود ما ختم نمیشود که هر کاری دلمان خواست بکنیم و هیچکس هم حق اعتراضی نداشته باشد. — اکن دوزید

در حیرتم که وجود ناچیز خود را در مقابل عظمت کائنات و این دنیای بزرگی که در آن زندگی میکنیم چه تشبیه کنم. — نیوتن

در اعماق روح خود نغمه‌ای که گاهی نشاط آور و غالباً غم انگیز است می‌شنویم این نغمه مدام ندای حیات درونی ماست. — مازی برکن

در این دنیا فقط دو تراژدی وجود دارد یکی آنست که آنچه میخواهیم بدست نیاوریم و دیگری آنست که آنچه نمیخواهیم بدست آوریم. — ؟

در دنیای ست و ضعیف سه نوع ریاضت کش وجود داشته است ریاضت مذهبی که بخاطر مذهب، لذت و دانش را پایمال میکند و این نوع ریاضت در قرون وسطی وجود داشته است، ریاضت نظامی که لذت و دانش را قربانی قدرت میکند این نوع ریاضت در دوران اولیه اسپارت و روم دیده شده است، ریاضت پولی که لذت و دانش را قربانی پول میکند و این نوع ریاضت هم اکنون در لندن و منچستر دیده میشود. — جان راسکن

دنیا خانهٔ گرفتاریهاست. — حضرت محمد

دنیا آنقدر وسیع است که برای همهٔ مخلوقات جائی هست بجای آنکه جای کسی را بگیرید، تلاش کنید جای واقعی خود را بیابید .

چارلی چاپلین

دنیا، بدون بچه ها دنیای کثیف و وحشتناکی است . ؟

دنیا مانند یک تماشاخانه است، هر کس رل خود را بازی میکند و سپس مخفی میشود . شکسپیر

دنیا از آن کسانی است که برای تصاحب آن با خوشخلقی و ثبات قدم گام برمیدارند . چارلز دیکنز

دنیا، آزادی و زندگی لازم دارد نه تصورات و ظاهرسازی، دنیا محبت لازم دارد نه قدرت نمائی . ؟

دنیا آنقدر ارزش ندارد که بخاطر مال و منال آن دل مردم را بیازاری . ؟

دنیا زیبا و دل انگیز است آنرا با نگرانی و وسواس زشت مساز . ؟

دنیا یکسره صحنهٔ بازی است و همهٔ بازیگران آن بنوبت میآیند و میروند و نقش خود را بدیگری میسپارند . شکسپیر

دنیا را آزمودم هر کس که تسلیم شود بدون منطق، جایگاهش در زمرهٔ تیره بختی و یاس و ناامیدی است آنکس که آمده است مشکلاتش را به کمک تدبیر بسوئی افکند، حیات چهرهٔ ملکوتی باو نشان خواهد داد . غ - ذ

دنیا را آتش انگار چنانکه برای انجام معاش قدری با تش کفایت کند، شما نیز با مقداری از نعمت دنیا اکتفا کنید

طولانی شدن حیات مهم نیست بلکه بکار بستن آن درخور توجه است . هولارد

عشق حیات عاشق را تشکیل میدهد و آلا معشوق بهانه است . آلفونس کار

کسانیکه دنیارا ازدست میدهند آنرا با فکر و وسواس میخرند . — شکسپیر

کسانیکه مردم را زیاد تشویق میکنند و کمتر انتقاد میکنند دنیارا بسوی جلو میرانند . — هاریسون

گریهٔ ما وقت تولد از آن است که بصحنهٔ بزرگ جنون و حماقت وارد شده ایم . — شکسپیر

لازم است حد خود را بشناسیم بله ما در این دنیا چیزی هستیم ولی نه همه چیز . — پاسکال

در آسمان و زمین بیش از آن چیزهاست که در فلسفهٔ خود رویای آنرا می بینید . — شکسپیر

زمین در مقابل عظمت کائنات چون محرابی است حقیر که در معبدی بزرگ ساخته میشود . — لرد اویبوری

کوچکترین ستاره ها هم عالمی دارند بشر چقدر در برابر دستگاه جهان کوچک و ناچیز است، هر ذره از مادهٔ دریایی است هر برگ جهانی و هر حشره مجموعهٔ غیر قابل بیانی . — چخوف

من دنیای پر از شیر و عسل را دوست نمیدارم من دنیای کوچک و گرمی را دوست دارم که خودم با دست خود، آنرا ساخته باشم . — شوپنهاور

من معتقدم که همهٔ ما باید عشق به حیات را دریابیم و زندگی را دوست بداریم . — داستایوسکی

میگوئیم دنیا. ولی حقیقت اینست که ما در دنیاهای مختلف بسر میبریم و هر کس برای خود دنیائی دیگر خلق میکند. — لرد آویبوری

هرچه از زمین دورتر شویم ناامنی ما بیشتر میشود . — هنری فورد

همیشه بخاطر داشته باشید که دنیا هرگز مدیون شما نیست زیرا قبل از شما نیز وجود داشته است. — جان استیل

گوئی بیا آنچه درد و بلا آفریده است — تنها بخاطر دل ما آفریده است

صاحبدل اختیار دل خود نداشته است — تا دلبر انتخاب که تا آفریده است

رخسار دلکش و لب شیرین و چشم مست — بهر فریب خلق چها آفریده است

در هیچ گوشه بهر نکوکاری جای نیست — اهل صواب را بخطا آفریده است

کس نگذرد بهیچ دری تا نمیرسد — ما را در این زمانه چرا آفریده است

ای دلبر انتخوشش بناز زیرک نخست — ما را نیاز مند شما آفریده است

چندانکه میکنند طلب آن چشم دلربا — جان و دل ای عزیز کجا آفریده است

در حق ما بهر آنچه جفا میکنی بکن — ما را همان ز بهر وفا آفریده است

تا این نظر به حالت مسکین نمیکنی — چشم تو پر ز شرم و حیا آفریده است

از دیوان حالت

ای آنکه میرود چمن از نیرنگ تو — آن نیست که غمش ننشیند بر دل

شاد از غم تو باش که الفت آنگه است — آنرا که غم نخیزد از خیت حاصل

دارد هنر چمن که در و دشت — باشد خرج و فرح متقابل

آسان گذر دلگر تو اوراق — بر خود مکن ز جهل مشکل

دم فرو بند ز هر شکوه به جز این حسرت
بطرب کوش زمانی که حیات است دمی

غم مخور گر نظر همت والا طلبی
گر همه ملک جهان نیست نیرزد به غمی

تا بر آخر بسر این بیت عدم نتوان رفت
خواه باشد خدمی خواه نباشد جشمی

تکیه بر چنبر گردان فلک نتوان زد
دل بنه ز پریشان ز غم بیش و کمی

ادیب برومند

پیری رسید و مستی طبع جوانی گذشت
ضعف تنی ز اتحمی رطبی گرانی گذشت

طبعی به هم رسان که بسازی بعالمی
همتی که از سه عالم تو انی گذشت

بدنامی حیات در روزی نشستن است
آنهم کلیم، با تو بگویم چنان گذشت

وضع زمانه قابل دیرین در باره نیست
رو پس مکن همه از این خاکدان گذشت

یک روز صرف بستن دل شد بنین و آن
روزد گر بگسستن دل زین و آن گذشت

کلیم کاشانی

زرنج در راحت کیتی مرنجان دل مشو خرم
که آئین جهانگاهی چنین گاهی چنان دارد

سعدی شیرازی

خشم

آن کس که ریشهٔ خشم را از سرزمین دلش برکند و بنفس خود چیره شود از بزرگان بنی آدم است. — حضرت محمد(ص)

از خشم و غضب بپرهیز، زیرا غضب شخص را بمذلت پورنش طلبیدن وادار میسازد. — امام صادق(ع)

اگر بر ناتوان خشمگین شوی دلیل بر این است که قوی نیستی. — ولتر

ارباب خشم خود شو. — مثل یونانی

برحذر باش مبادا خشم ترا بتعدی ببرد. — از کتاب عهد عتیق

بردباری در زمان خشم و خوشروئی هنگام عسرت مشکلترین کارهاست. — بقراط

بزرگترین داروی خشم صبر و درنگ است. — سنگا

تماشا کردن ستمکاران گوش دادن بسخنان آنان آغاز ستمکاری است. — کنفوسیوس

تنبیه در هنگام خشم اصلاح نیست بلکه انتقام است. — مونتنین

چیزی که جبران ناپذیر است خشم است. — استاهل

حکیم باید که تیزی آتش خشم را آب حلم بنشاند و شیطان هوس را با فسون خرد در شیشه کند و بنای کارها را بلطف نهد. بوذرجمهر

خشم از آتش است با آب آنرا فرو بنشانید .

حضرت محمد(ص)

خشم و غضب خرد را تباه کند و انسان را از درستی دور میسازد .

حضرت امیر(ع)

خورشید به غط شما غروب نکند .

حضرت علی(ع)

خشم معتدل شایسته مرد حکیم است .

فیلون

خشم با دیوانگی آغاز میشود و با پشیمانی پایان می پذیرد .

فیثاغورث

خشمگین شدن انتقام خطاهای دیگران را از خود گرفتن است .

والتر پوپ

خشم یک کینه مکشوف و موقتی است ولی کینه یک خشم دائم و محفوظ .

لابرویر

خشم و اندوه نه تنها انسان را کوچک و ضعیف میکند بلکه او را میکشد .

؟

خشم را اول دیوانگی و آخر پشیمانی است .

؟

خشم و کینه دو حالت مرض روحی را بیان میکند و تمام خطاهای بشر از این دو حالت ناشی میگردد، خشمگین شدن بیشتر به حیوان شبیه است تا بانسان .

؟

دقیق ترین ارواح بشر به محض اینکه در قلمرو تعصب قدم گذاشت قدرت باریک بینی و تعقل را از دست میدهد . گوستاولوبون

دنیا بر کینه توزان تنگ آید .

حضرت امیر(ع)

در قلب هر کسی شیری خفته است .

مثل ارمنی

دشنام جراحتی است درمان ناپذیر . — مثل تازی

زمان دوای خشم است . — مثل آلمانی

سخن آرام و ملایم خشم را فرو می نشاند . — مثل یوگسلاوی

سگ هم از آدم مغرور فراری است . — مثل فرانسوی

سه طبقه افراد هستند که نباید به خشمشان درآورد مأمورین دولت، مشتریان و بیوه زنان . — مثل چینی

شجاعت از آن کسی است که آتش خشم خود را با آب حلم فرو نشاند . — حضرت امیرؑ

طبیعت تند و عصبانی و ناراضی همیشه از نیمه راه به استقبال غصّه و تشویش میرود . — اسمایلز

غرور و خشم بسیار به هم شبیه اند . — آمیل

غریبان شکسته دل می باشند با آنها بملایمت صحبت کنید . — ؟

غضب و خشم کلید هر شری است . — امام صادق

غضب، نابینا ترین، شدید ترین و زشت ترین ناصحان است . — دسه گود

کسیکه خشم خود را دنبال کند خود را ضایع کرده است . — ابوالفضل بیهقی

کسیکه بر اعصاب خود حکومت ندارد شایسته نیست که بر کوچکترین پله ٔ نردبان سیاست قدم نهد . — گوستاو لوبون

کسان زیادی را میشناسیم که در جامعه بنام خمگینان مشهورند، پرونده های زیادی در بارهٔ نزاع، چاقوکشی و تیراندازی

وقتل وجرح در کلانتری ها تشکیل شده که موجبات آن ها، عصبانیت های زود گذر بوده است چه بسیار از افرادی که مرتکب جنایتها شده اند، هنگامیکه بخود آمده اند بر آنچه گذشت افسوس میخورند و میگویند ای کاش عصبانی نمیشدیم وغ. ذ

کسی که عصبانی میشود باید دو کار انجام دهد یکبار عصبانی شود و یکبار عصبانیت را ترک گوید . مثل شیلی

کسی که به خیال خود میخواهد فقط ضربه ای بزند ممکن است مرتکب قتلی شود . مثل فرانسوی

مرد نه این است که حمله آورد بلکه مردی آن است که در وقت خشم خود را بر جای دارد و پای از حد انصاف بیرون ننهد . سعدی

مردمان غالبا نقص دلیل خویش را با خشم می پوشانند . آلجر

نفرت همان خشم و غضب است که روی هم انباشته شده است . سیرون

نیرومندی بزور بازو نیست، نیرومند کسی است که بخشم خود غالب آید . حضرت محمد ؟

وقتی که عاقل خشمگین میشود دیگر عاقل نیست .

هرجا که عشق بزرگی خانه کرده است خشم بزرگی نیز مسکن دارد . آلن

بر چیزی تخمی دارد و تخم عداوت شوخی است . ؟

هنگامیکه خشم حرف میزند عقل چهره خود را میپوشاند . مثل چینی

یک مرد عصبانی همیشه مملو از زهر است . کنفوسیوس

بکبری چه خوش گفت بود در جهر — که تا میخرامد بکامت سپهر

مبادا یکی کینه ورزد دولت — طرازنده دلی تا طرزد دولت

اسیری اصفهانی

تندی مکن که رشته صد ساله دوستی — در حال بگسلد چو شوی تند آدمی

همواره نرم باش که شیر درنده را — زیر قلاده بکند توان بالهامی

بهار

خشم را در دل مدار زیرا که خشم — زیر دامن در بغل دارد زمین

چین پیشانی چنین از تخم خشم — خیزد مکار این تخم و زوال این بچین

بصه خسرو

نه مروت آنست نزد دیگ خردمند — که بپیش دهن سگ جوید

بلکه مروت آنست از روی تحقق — که چنین خشم آیدش باطل نگوید

سعدی

فرو خور خشم ار نزد گاه گرمی — ز مؤمن خوش بود گرمی و نرمی

حلیمی کن که دانا در گه تنگ — گرت بر سر نهد آید شکنجه

بصه خسرو

خودپسندی

آدمهای نادان همیشه بخود اعتماد دارند اما تمام وجود اشخاص فهمیده را شک و تردید فرا گرفته است. برتراندراسل

آگاه باشید هیچ گونه افتخاری عرب بر عجم ندارد و عجم بر عرب. نه سرخ پوست بر سیاه پوست و نه سیاه پوست بر سرخ پوست مگر بر تقوی و پرهیزگاری. حضرت محمد

آنچه بر خود نمی پسندی بدیگران مپسند. ؟

آنگه گمان میکند بتواند در خود چیزی بیابد که وی را از همه کس بی نیاز کند سخت در اشتباه است اما آنکه گمان میکند که دیگران نتوانند از او بی نیاز گردند در اشتباهی بزرگتر است. لاروشفوکو

آنهائی که در طول حیات خود قدمی بخاطر رفاه جامعه برنمیدارند،

آنهائی که نه به دوستیشان میتوان اعتماد کرد و نه بدشمنیشان،

آنهائی که هر روز عقیده خود را تغییر داده و به هیچ چیز ایمان ندارند،

آنهائی که خوشبختی را در بدبختی دیگران میجویند،

آنهائی که بخیال خود بر فراز سکوئی ایستاده اند و دیگران را در زیرپاهای خود می بینند،

آنهائیکه بی جهت خود را طلبکار مردم میدانند

اینها مردمی بی ارزش میباشند .

ادراکات بشر بمنزلهٔ شیشه های رنگارنگ است ، هرکسی از پشت شیشه ای جهان و موجودات محقق و مخیل را برنگ

دگونه ای می بیند و دیدار دیگران را ناصواب می انگارد . استاد جلال همائی

از برفی که بر پشت بام همسایه است شکایت مکن درصورتی که جلوی خانهٔ خودت کثیف و پر برف است . کنفوسیوس

اکثر مردم به اعمالی می بالند که وجود آن را در دیگران نکوهش میکنند . تن

اگر ما خویشتن بین نمی بودیم از خویشتن بینی دیگران نمی نالیدیم . لارشفوکو

اگر می بینی کسی بروی تو لبخند نمیزند علت را در لبان فروبستهٔ خود جستجو کن .

اگر ما خود را بهمان حال و قیافهٔ اصلی خویش معرفی کنیم بیشتر سود میبریم از اینکه خود را در لباس ساختگی جلوه بدهیم لارشفوکو

اگر اشخاص خودخواهی سعی دارند شما را بفریبند ، نامشان را از صورت اسامی معاشرین خود خط بزنید ولی هرگز در صدد

انتقامجوئی برنیائید ، زیرا اگر چنین کاری کنید خود را بیشتر از آن اشخاص آزار داده اید . دیل کارنگی

از خود گریختن بهتر از گریختن از بشر است . مثل عربی

با شجاعان عالم و درندگان بیابان رو برو شدم ولی هیچکس مانند همنشین بد بر من غالب نشد . بوذرجمهر

با هر مقیاسی که تو دیگران را اندازه میگیری ، با همان مقیاس اندازه گرفته خواهی شد .

بدیگران همان را امید مکن که توقع داریم بما بدهند کی؟ کجا؟ چگونه؟ همه وقت، همه جا، همه قسم. دیل کارنگی

برخود پسندان سلام مدهید. جبید زاکانی

بشر همیشه می پندارد که موجودی فرشته خصال میباشد که در مرکز کائنات جای دارد درحالیکه وی در سیارهٔ حقیری ساکن است وحیوانی است که کمی تحول پذیرفته وضمیر پنهان او مملو از انواع تمایلات خشن است. فروید

بعضی از جوانها گمان میکنند که طبیعی رفتار میکنند درصورتی که به انواع خشونت ها و بی ادبیها ارتکاب میورزند. لاروشفوکو

بنظر ما خیرخواهی دیگران حماقت جلوه میکند وحماقت های ما خیرخواهی، نیکی دیگران ضعف وضعف ما همیشه نیکی است. ناپلئون

بهترین شناسائی ها خودشناسی است.

حضرت امیر(ع)

به همان اندازه که آسان است خود را فریب دادن و توجه بدان نکردن به همان اندازه دشوار است دیگران را فریفتن، چنانکه متوجه آن نگردند. لاروشفوکو

پایه نیک فرجامی درستکاری برخودشناسی استوار است. ؟

پس از زندگی کردن و تولید مثل بشر میخواهد یادبودی از خود بجای گذارد شاید باین دلیل که او حقیقتاً وجود داشته است، او یادگاری روی چوب روی سنگ یا روی زندگی های دیگر افزاد میکند. این آرزوی عمیق در هر کسی وجود دارد از بچه ای که کلمات رکیک در یک متراج عمومی مینویسد تا بودا که تصویرش را در مغز یک نژاد نقش میکند. جان اشتاین بک

تمام چیزها دو قابع مضحک است ولی تا زمانیکه بر سر دیگران میآید. ویل داجرز

تمام مصیبت هائی که بر ما وارد میشود مربوط به یک نفر است آن هم خود ماهستیم .

تو که نمی پسندی از من بنالی چرا می پسندی من از تو بنالم بجای اینکه تو خود را خوب بدانی و دیگران بدت بدانند بهتر این است که تو خود را بد بدانی و دیگران خوبت بدانند .

سعید نفیسی

جاه طلبی شهوتی است که هرگز فرو نمی نشیند بلکه بالذتی که از آن فراهم میشود پیوسته مشتعل تر و جنون آمیز تر میشود .

جائی بنشین که برنخیزانندت .

مثل عربی

چرا انتظار داریم که دیگران بنفع ما رفتار کنند مگر ما همیشه بمنفعت خود رفتار میکنیم ؟

حجازی

چگونه میتوان در خانه ای که هزار و یک نفر اداعای کدبانوئی دارند آرامش و سعادت و مهارت بوجود آورد ؟

حس تکبر در تمام مردم مساوی است اختلافش فقط در طرز ظهور آن است .

دیل کارنگی

خود پسندی همان ابلهی است .

حضرت امیر ؑ

خود خواهی اساس حیات زندگی است اگر غریزهٔ خود خواهی نباشد حیات وجود نخواهد داشت ، منتهی خود خواهی وقتی بد است که باعث تعدی بحقوق دیگران باشد .

خود پسند خانه ای آتش میزند تا در شعلهٔ آن تخم مرغی برای تهیه جوجه خویش بپزد .

بایکون

خود پسندی زنان بزرگترین علت بدبختی ایشان و زوال خانواده هاست هیچ چیز باندازه خود پسندی زنهابنای خانواده ها را ویران نکرده است .

چارلی چاپلین

خودشناسی را سرمایهٔ بزرگ دان .

خواجه عبدالله انصاری

خود را بشناس و بروح خویش فرمانروائی کن در این صورت میتوانی امیدوار باشی که روزی مقتدر و سعادتمند خواهی شد؟

خوشبختی از جائی شروع میشود که جاه طلبی پایان می پذیرد .

مثل مجارستانی

خودپسندها در اجتماع فراوانند مردم آنها را احمق میدانند؟ .

دشمنی و کینه جوئی نتیجه حماقت است مخصوصاً هرگاه علتی هم نداشته باشد خیلی اوقات میتوانیم مطالب را دوستانه حل کنیم و خودپرستی نمیگذارد .

ارسطو

درخشانترین تاجی که مردم بر سر می نهند در آتش کوره ها ساخته شده است .

چارلی چاپلین

در آدمیزادگان هنوز اشتباه احمقانه وجود دارد که هر گروه کوچکی خود را نوع بشر تصور میکند .

هنری مود

دیدار افرادی که مورد لطف ما واقع شده اند بیش از برخورد با اشخاصیکه ما خوبی کرده ایم مورد پسند ماست .

لادشفوگو

روان شناسان بر آنند که نخستین مرحلهٔ انسانیت خودشناسی و پی بردن به رازهای نهفته در زندگانی و ما فی الضمیر خویشتن است .

؟

زیانبارتر از تمام عیبها عیبی است که نزد صاحبش پوشیده باشد .

جالینوس

سه چیز خیلی سختند : فولاد ، الماس و خویشتن شناسی .

فرانکلین

شرافت به خرد و ادب است نه به ثروت و مال .

حضرت امیر(ع)

شخصی سقراط حکیم را بواسطه پستی سرزنش داده و از شرافت و ریاست نسب خویش بنای تعریف گذاشت سقراط در جواب او گفت صحیح است ولی فخر و شرافت قوم تو به شخص تو منتهی میگردد ولی از طرف من شرافت قوم شروع میشود پس در این صورت من برای قوم خود موجب فخرم و تو باعث ننگ . شیخ بهائی

شکسته نفسی میکنند تا خود را بیش از آنچه هستند نشان دهند . وی وید

چگیر گفته است که ما مخلوقاتی هستیم که به پیش و پس نگاه میکنیم ما یه تعجب است که اندکی به پیرامون خود نظر نمی کنیم یا نمیتوانیم

در زیر چشم ما چه چیزها میگذرد . هومبولت

شتر کوهان خود را نمی بیند اما کوهان همسایه اش را بخوبی مشاهده میکند . مثل مراکشی

غرور که یافتی لقب حماقت را از آشنایان انتظار داشته باش . مثل انگلیسی

غرور زشت ترین نشانهٔ بلاهت است . ؟

قلب مغرور و خود خواه هرگز نمیتواند از سر گیجه و بیحوصلگی بگریزد . گوته

کسیکه از خود راضی گشت دشمنان او فراوان خواهند بود . امام هادیؑ

کسیکه بر دیگران حکومت میکند باید نخست حاکم بر خود باشد . فیلیپ ماسینجر

کسیکه نتواند جلو تمایلات و شهواتش را بگیرد به بهولت بنده و غلام کسانی میشود که بر آورده شدن این احساسات را به او وعده میدهد . گوستاولوبون

کسیکه غرور دارد حاضر است گم شود و راه را از دیگران نپرسد . — مثل عربی

ما هیچکس را صاحب عقل و رأی رزین نمیدانیم مگر آنهائی که با ما هم عقیده باشند . — لارشفوکو

ما دوست نداریم دیگران ما را فریب دهند ولی از فریب دیگران عبرت نمیگیریم . — پاسکال

مردمان در هم درباره زندگی و جهان نظر خود خواهانه دارند یا بخوشبختی دیگران رشک میبرند و یا چنان گمان دارند

که اصلا سعادت و خوشبختی وجود ندارد . — سیمونز

مرغان دیگری هم هستند که بالاتر میپرند . — نیچه

میدانیم که چیستیم و نمی دانیم که چه میشویم . — شکسپیر

می بینی که دیگران هم می بینند پس چرا درنمی یابی که دیگران هم درمی یابند . — سعید نفیسی

میروند در قبرستان فریاد میکنند تمام این ها نوکران پدر من بودند کیست که بلند شود و تکذیب کند . — مثل عربی

نفرین باد بر کسی که بار خود را بر دوش دیگران بگذارد . — حضرت رسول(ص)

نخستین گام مرحله تکامل خودشناسی است . — حضرت امیر(ع)

نخست خواهند پرسید هنرت چیست و بگویند پدرت کیست . — سعدی

نوع پرستی خودپرستی بزرگتری است . — هاری هورتون

هرچه شخص نجیب تر باشد غرورش کمتر است . — مثل دانمارکی

هرگز روا نیست بگوئیم من میگویم .

مادام نکار

هر کس حدود میدان دید خود را حدود دنیا می انگارد این اشتباه فکری باندازهٔ اشتباه بصری که ما را وادار میکند خیال کنیم آسمان و زمین در افق بهم می پیوندد چاره ناپذیر است . این امر بسیاری از حقایق را توضیح میدهد از جمله اینکه هر کس دیگران را با معیاری که خود در اختیار دارد و این معیار غالبا بطول متر خیال است می سنجد و ما ناچاریم باین موضوع حق بدهیم و همچنین این حقیقت را آشکار میسازد که هیچکس حاضر نیست ما بلندتر از او باشیم و این فرضی است که مسلم تلقی میشود . شوپنهاور

همه میخواهند بشریت را عوض کنند ولی در یغا که هیچکس در این اندیشه نیست که خود را عوض کند . تولستوی

۴

هنگامی از دیگران ناراضی میشویم که از خود ناراضی هستیم .

هنگامیکه از خوبیهای مردم سخن میگوئیم درباره خود حرف میزنیم و هنگامیکه از بدیهای مردم سخن میگوئیم درباره دیگران . والتور

هیچکس نیست که همیشه مطابق میل شما رفتار کند . اول خود شما . حجازی

هیچ چیزی مانند خواست ما چیزها را طبیعی جلوه گر نمیسازد لاروشفوکو

آه که اندازهٔ آنکه بخواهیم خود را طبیعی نشان دهیم از طبیعی بودن ما جلوگیری میکند . لاروشفوکو

هیچکس آنقدر مهارت ندارد که بمقام بدیهائی که میکند پی برد . لاروشفوکو

هرچه آدم بالاتر رود سقوطش شدیدتر است . مثل لاتینی

هرکس از صدای کفش خودش خوشحال میشود ولی صدای کفش دیگران او را ناراحت میکند . غ - د

آنکه خود را شناخت نتواند — آفریننده را کجا داند

ایضاً خسرو دهلوی

آئینهٔ جمی و توجانی همه را — یعنی خود را بدان که دانی همه را

راز در جهان و من در و زنده از آن — از خود بشنو که ترجمانی همه را

سحابی

ای سبک‌مغز پر افاده و باد — که تو را ثروتت مدام زیاد

زچه از ما سلام می‌نیذیرد — گر نشی و احترام می‌نهاد

مگر از این تموّل سرشار — بکسی میدهی تو هیچ و نیار

جمشید

گر بشناختی خود را به تحقیق — هم از عرفان حق یابی تو توفیق

نمانَد بر تو پنهان هیچ حالی — نبینی از جهان درد و ملالی

بصه خسرو

ساعتی در خود نگر تا کیستی — از کجائی و زچه جائی چیستی

بهر چه عمری در اینجا زیستی — جمع هستی را برای چیستی

خوشبختی - بدبختی

آدم بدبخت بمه لوازم خوشبخت بودن را در اختیار دارد بجز اراده خوشبختی . ؟

آدمی آنقدر که از فکر حوادث آینده ناراحت میشود از خود آن حوادث ناراحت نمیشود و بدبختانه فکر اینکه چه حوادثی فردا

روی میدهد همیشه بر ما غلبه دارد . مونتن فیلسوف فرانسه

آلام و ناراحتی ها فکر انسان را قوی مینماید . ناپلئون

آدم عاقل برای هر پیش آمد ناگواری مهیاست . محمد حجازی

آنچه را که ما بنام خوشبختی مینامیم نبودن بدبختی است ولی خوشبختی حقیقی چیزیست که هیچیک از افراد بشر تاکنون ندیده اند. ترنگنف

آنکه کردار به سخاوت بیاراید و گفتار براستی در این جهان نیک بخت است . بوذرجمهر

آنچه برای خوشبختی مورد احتیاج است یک آب باریک است و آنچه ما برای گرفتاری و رنج خود بآن محتاجیم یک دریاست . حجازی

آنچه جهان بما میدهد و آنچه خوشبختی نام دارد بنا بر تقدیر پیش نیست فقط آنچه در ماست از ماست . لاوات

آنکه نیک بختی خود را بدست دیگری میداند بسی ناکامی خواهد کشید . حجازی

آنچه انسان را در زندگی محزون میکند فقر و بیماری و رنج نیست بلکه غرور و جاه طلبی و خودخواهی و گناه است . ابوالعلا

ارزش زندگانی فقط از روی میزان نشاط و خرمی انسان است و بس و اگر تمام ثروت روی زمین و کلیه وسایل ممکنه آسایش را در دسترس کسی قرار دهند ولی قوه نشاط در او نباشد بدبخت ترین اشخاص همان و است . محمد معود

از سعادت واقعی، سعادت میزاید این در تسلسل تا ابدیت باقی است . ؟

اسباب خوشبختی خود را از دیگران میخواهیم و مدام از بی گذشتی و نامهربانی آنان شکایت داریم در حال آنکه اسباب خوشبختی همه در دست خود ما است. فقط از ما بی گذشت تر و نامهربان تر نسبت بخود مان هیچکس نیست . حجازی

اشخاص زیرک از بدبختی و گرفتاری های دیگران متنبه میشوند ولی اشخاص ابله از بلاهای خود عبرت میگیرند . فرانکلین

اشکهای دیگران را مبدل به نگاههای پرارشادی نمودن بهترین خوشبختی هاست . بودا

اعتقاد به بخت و قسمت بدترین نوع بردگی است . اپیکتت

اغلب مردم نیمی از عمر را صرف بدبخت نمودن نیم دیگر مینمایند . شان فور

اکثر خلایق بهمان قدر که مصمم هستند نگبخت باشند به نیکبختی میرسند لینکلن

اگر فقط طالب سعادت باشیم سهل الحصول است ولی میخواهیم سعید تر از دیگران باشیم این مشکل است . مونتسکیو

اگر میخواهی خوشبخت باشی برای خوشبختی دیگران بکوش زیرا آن شادی که ما بدیگران میدهیم بدل خود ما برمیگردد . بتهوون

انسان خوشبخت نمی شود اگر برای خوشبختی دیگران نکوشد . دوسن پیر

انسان خود را نمی شناسد مگر هنگام فقر و بدبختی . آلفرد دوموسه

انسان هروقتی از پیش آمد آتیه درباره خود اندیشید و از آن بیم و هراس در خاطرش نشانید آن خطر زودتر او را تعقیب میکند (بزینا)

انسان خوشبخت آن کسی است که حوادث را با تبسم و اندکی دقت بعلت وقوع آن تلقی و قبول نماید . مترلینگ

ایکه در بند آسایش و خوشبختی هستی چرا آسایش را از دیگران دریغ میداری . سعید نفیسی

این درست است که بدبختی از خارج بانسان وارد میآید اما طرز عمل او در داخل زندگی یعنی در باطن وجود مابسته بدستوری است که از مادر یافت میدارد یعنی برطبق استعدادیکه در وجود ما می نهند خرابکاری یا آبادانی مینماید . مترلینگ

این خوشبختی ماست که هیچ چیز کامل در جهان وجود ندارد مثل سوئدی

ای مردم چرا سعادت را در خارج میجوئید؟ سعادت در درون شماست . ؟

باید اعتراف کنیم که خوشبختی ما در اختیار خود مان است ، وقتی در آفتاب ایستاده ایم اگر پشت بخورشید کنیم سایه راجلوی خود می بینیم و اگر روی خود را بطرف خورشید برگردانیم جز نور صفا چیزی نمی بینیم . لرد آویبوری

با آب ساده و نان خشک و بازو زیر سر همچنان میشود خوشبخت بود . کنفوسیوس

با مشکلات میجنگیم که با آسایش برسیم وقتی به آسایش رسیدیم آسایش را غیر قابل تحمل می یابیم . برو کس آدامز

بخاطر بسپاریم که تنها راه تامین خوشبختی این نیست که متوقع خوشنودی از دیگران باشیم ، بلکه خوبیهائیکه با نها میکنیم باید فقط بمنظور تامین مسرت باطن خود مان باشد . دیل کارنگی

بدبختی منحصر بحیوانات و انسانها نیست بلکه روئیدنیها هم خوشبخت و بدبخت دارند و با اینکه درخت بیگناه است و از جای

خودکامان نمیخورد دو صدایش در نمیآید بازار بدبختی تصون نیست . مترلینگ

بدبختی مربی استعداد است . هوگو

بدبختی ها را فراموش کنید تا خوشبخت شوید و اگر خوشبختی ها را از یاد ببرید آدم بیچاره و بدبختی خواهید بود . مترلینگ

بدبختی همیشه محصول غلط اندیشی است ، ریشهٔ حوادث و اتفاقات در خودمان نهفته شده است -

حوادث محصول بدرهائی است که ما پاشیده ایم . ؟

بدبختی را نباید از روی ماهیت شری که حادث شده اندازه گرفت بلکه وسیلهٔ اندازه گیری آن حالت و مزاج شخصی است که آن را تحمل میکند . ادیسون

بدبختی و بیچارگی ذره بین بسیار بزرگی است که خطا یا نقایص انسان را صد برابر و هزار مقابل بزرگ میکند . ؟

هیچ بدبختی بزرگتر از ناراضی بودن نیست . لائوتسه

برای خوشبخت زیستن شرایط مهمی لازم نیست بلکه این قدرت روحی ماست که سبب خوشبختی ما میگردد . بالزاک

برای رسیدن بخوشبختی قواعدی وجود دارد در نظر هوشمندان هر امری اتفاقی نیست . گراسیان

برای وصول بخوشبختی فقط یک راه موجود است و آن کاستن نگرانی درباره چیزهائی است که ما فوق قدرت ما هستند . اپیکت

بزرگتر از آرامش فکر خوشبختی نیست . بودا

بزرگترین بدبختی آنست که طاقت کشیدن بار بدبختی را نداشته باشیم پاس

بسا خوشبختی ها یکه در اثر عدم استفاده صحیح از آنها بیشتر از بدبختی باعث خانه خرابی افراد شده است . ابوالعلاء

بشر بخوشبختی خیلی زود عادت میکند و چون خیلی زود عادت میکند خیلی زود هم فراموش میکند که خوشبخت است . اندره موروا

بعقب نگاه نکنید ممکن است خوشبختی را که روبسوی شما دارد از دست بدهید .

بعضی خنده ها از گریه بالاتر است . دیل کارنگی

بنا کردن عمارت خوشبختی انسانی بسیار دشوار و خراب کردن آن سخت آسان است . ؟

بهترین درمان برای قلوب شکسته اینست که دوباره بشکنند . سام منتز

بجهت ما بیهوده آنسو مذویدو رابهای دور و دراز نپیمائید . ما عث سرنوشت شوم خود را در خودتان جستجو کنید و از بدبختی نیز در وجود خویشتن بیابید . چرخ را کج مدار خواندن و گناه را بگردن مریخ و زحل انداختن کار مردان خردمند نیست . راشد

بیشتر بدبختی های ما قابل تحمل تر از تفسیرهائی است که دوستانمان درباره آنها میکنند . کولتون

بیشتر اوقات بدبختی ما ناشی از اینست که مانند بچه های بی تربیت نعمتهای بیکران خود را فراموش کرده و برای داشتن چیزی گریه میکنیم که از دسترس ما بیرون است . م . ز . ساواژ

بیشتر مصائب و مشکلات ما آنهائیست که بقوه خیال برای خودمان ایجاد کرده ایم و در عالم خارج وجود ندارد و اگر هم داشته باشد آنقدرها مهم نیست . لرد آویبوری

بدبختی آن نیست که بتوان از آن برحذر بود بلکه آن است که گریزی از آن نیست . مثل چینی

بدبختی درکنار خوشبختی ایستاده است . مثل یونانی

بدبختی همیشه ازدری وارد میشود که برای او بازگذاشته اند . مثل چکسلواکی

پس ازهمه حرفها بدترین بدبختی ما هرگز حادث نمیشود و بیشتر بدبختی ها در آن است که از پیش بفکر آنها افتاده ایم . بالزاک

تا زمانیکه ننگ وجنایت دوام دارد ... هیچ ندیدن و نشنیدن برای من منتهای خوشبختی است میکلانژ

تا بدبختی را نشناسیم هیچوقت راه بدست آوردن و نگهداشتن خوشبختی را یاد نمیگیریم . داویدوایت

تا کی غصه بخوریم تا کی از مردم کناره گیریم مگر جوانی ما بازگشتی است مگر بما عمر دوباره خواهند بخشید تا خانواده ای بوجود آوریم . جواد فاضل

تکبر، تشخص، خودپرستی، عشق بخود، خودخواهی و تعصب به عقاید و به شخصیت خود بزرگترین سد راه حصول خوشبختی است . ؟

تو از بدبختی خود ناله میکنی اگر ملاحظه کنی که دیگران چقدر رنج میکشند آهسته تر ناله خواهی کرد . شیلون

جامعه نیکبختان جهان . خوشبختی را از دو چیز بافته اند تارش از خوشی و نیکوکاری و پودش از سازگاری و مردم داری ؟

چون مردم کمتر متوجه سعادت هستند . بدبختی ها بیشتر نمایان است . ظلم و ستمگری را عادی می پندارند و سعادت و عدالت را جزو اتفاقات فرض میکنند . مترلینگ

چیزیکه موجب غصه دیگران نمیشود چرا باعث غصه ما باشد . حجازی

حقیر شمردن مرگ یکی از مهمترین راههای خوشبختی است . مونتن

خوبست اقلا برای آسایش خیال خویش اینقدر نسبت بدیگران بدبین و خرده گیر نباشیم و اشتباهات آنها را بدیده حلم و متانت بگیریم اعمال و اقوالشان را از نظر دور داشته در عین حال موقعیت آنها را بخاطر بیاوریم تا گناهانشان کوچک و ناچیز و خوبی هایشان بزرگ و قابل توجه شود .

لرد آویبوری

خوشبختی تو بی است که وقتی می غلطد بدنبالش میرویم و وقتی توقف میکند بآن لگد میزنیم . شاتوبریان

خوشبختی یعنی همآهنگی آمال ما با حوادث روزگار . گوستاوفلوبر

خوشبختی کالائی است که طبیعت آنرا به قیمت بسیار گران بما میفروشد . ولتر

خوشبختی در اینستکه حدود همه چیز را بشناسیم و بآن احترام بگذاریم . رومن رولان

خوشبختی بر سه ستون استوار است ، فراموش کردن گذشته ، غنیمت شمردن حال و امیدوار بودن بآینده . مترلینگ

خوشبختی چیزی جز خوشبختی است نه یافتن آن . ؟

خوشبختی ، نشانه سلامت روح است . ویلیام جیمز

خوشبخت ترین موجودی است که خوشبختی را در خانه خود جستجو میکند . کوته

خوشبختی وجود ندارد و ما خوشبخت نیستیم اما میتوانیم این حق را بخود بدهیم که در آرزوی آن باشیم . چخوف

خوشبخت ترین فرد کسی است که بیش از همه سعی کند دیگران را خوشبخت سازد . لادوشفوکو

خوشبختی و بدبختی ایام پیری عصاره اعمال گذشته است . سنت بوو

خوشبخت کسی است که حاکم بر وجود خویشتن باشد . ؟

خوشبختی و وسائل آن در سارنش و هم آهنگی با دیگران بدست میاید . ؟

خوشبختی یگانه چیزیست که میتوانیم بی اینکه خود داشته باشیم دیگرانرا از آن برخوردار سازیم . کارمن سیلوا

خوشبخت کسی است که امروز را روز خود دانسته با فراغ خاطر فریاد زند که ای فردا هرچه از دستت برمیاید کوتاهی بکن ،
زیرا امروز را گذرانده ام . هوداس

خوشبخت کسی است که ضرب المثل افتخار ملت باشد . ؟

خوشبخت کسی است که راه قدردانی خدمت دیگران را میداند و شادی دیگران را بقدر شادی خود حس میکند . کوته

خوشبخت نبودن کناهیست عظیم . ابوالعلا

خوشیهای کوچک خوشبختی بزرگ میسازد . الفونس کار

خوشبختی همچون وفا عشق نیکی محبت انصاف ، زندگی جاوید و این قبیل خواستنی ها ، آرزوئی است که طبیعت در نهاد
ما گذاشته و بهانهٔ زنده بودن ما قرار داده وگرنه این آرزوها در دنیا شدنی نیست . خجازی

خوشبختی مال آن کسانی است که افکار خودشان را بطرف چیزی غیر از خوشبختی خودشان معطوف میسازند . استوارت میل

خوشبختی مانند پروانه ایست اگر او را دنبال کنید از شما فرار میکند ولی اگر آرام بنشینید روی سر شما خواهد نشست . داویدهیوم

خوشبختی هر روز یکبار در منزل را میزند ولی بدبختانه صاحب خانه در آن موقع در منزل همسایه است و صدای را نمیشنود . برنارد شاو

خوشبخت کسیکه بتواند از بدبختی‌ها و نومیدیهای زندگی که دیگران از آن مینالند برای خود خوشی تولید کند و از آن برخوردار شود .

مترلینگ

خوشبختی و نشاط و شادی مُری است بنابراین همواره کوشش کن که خود را در میان افراد خانواده و دوستان و آشنایان گشاده‌رو و دلشاد و خوش‌بین جلوه‌گر سازی .

ویکتور پوشه

خوشبختی در دنیا وجود ندارد زندگی ما عبارت است از محاکمه و تنبیه کردن و یا پاداش گرفتن و یا انجام اعمال احتیاطی .

ولتر

خوشبختی این است که انسان دنیا را همانطور که آرزو میکند ببیند .

کودنی

خود را بخاطر خوشگذرانی بدبخت مکن .

؟

خوشبخت کسی است که قرض ندارد .

؟

خوشبخت کسی است که دم را غنیمت شمارد و بخود میگوید من امروز خوشم تا فردا چه پیش آید .

ودایدن

خوشبختی هر کس با دیگری فرق دارد آنکه فرزند دارد معتقد است که پدران و مادرانی که به تربیت اولاد خود مشغولند سعادتمندترین افراد روی زمین هستند آنکه بینا است و آنکه فلج است یکجفت چشم و یکجفت پا را سعادت و خوشبختی میداند عدهٔ زیادی از مردم روی زمین آرامش روحی را بزرگترین سعادت و پیروزی خود برای گذران پنجروزه عمر میدانند. غ.ذ

خوشبختی را یکبار دیدم آنهم موقعی بود که احساس میکردم بار رنجهائیکه در دورهٔ عمر متحمل شدم و به بگمگ کار خلاقه توانسته‌ام

از پله های عروج و پیروزی بالا روم .

غ - ذ

خیلی ها از من میپرسند که چگونه توانستی بر فلاکت و ادبار و بدبختی غالب شوی. انگشتان و کف دستها و شیاری که ایام بر چهره ام باقی گذاشته بود با نهانشان دادم اراده کردم رنج کشیدم و نخواستم برابر هر قدرتی سر تعظیم فرود آورم لکار پرداختم و نتیجه گرفتم .

غ - ذ

در میان امواج در جاده های پر فراز و نشیب و در دریاها بدنبال خوشبختی میدویم در حالیکه خوشبختی در اینجا، هوداس

در یغاکه زیبائی در راه خوشبختی ما چه غول راهزنی است .

حجازی

در دنیا هیچ حزن اندازه بدبختی کامل نیست .

بالزاک

در دنیا کسی بدبخت تر از آن آدمی نیست که پیوسته میکوشد خود را بصورتی در آورد که جسما و روحا هرگز آنطور نیست . آنژلو پارتی

در روز سیاه و بدبختی تنها یار مشفق است که با همدردی و دلجوئی بار محنت را بر ما آسان میکند . سیسرون

در منتهای فلاکت و بدبختی با ندک چیزی میتوان دلخوش و بی نیاز شد .

ژان ژاک روسو

دست توانای بدبختی و مصیبت بهتر از انگشتان نیکبختی و اقبال به خطا و اشتباهی را بانسان نشان میدهد زیرا سعادت

و اقبال هرگز حقایق اشیاء را به چشم انسان ظاهر نمیسازد و او را بر باطن امور این عالم واقف نمی نماید ،

دانیال

دوری از مردم شریر دریچه سعادت و نیک بختی است .

بتهوون

دیوار بین خود و خوشبختی را بدست خودمان بنا میکنیم .

؟

در هر بدبختی یک جنبهٔ خوبی هم وجود دارد .

مثل فرانسه

دل دانا در ایام خوشبختی مانند گل نیلوفر نرم است و در هنگام بدبختی مانند صخرهٔ کوه قرص و محکم .

؟

ذخایری که انسان در وجود خود همراه دارد اساس و شالودهٔ خوشی و بدبختی است .

شوپنهاور

سعادت در این نیست که چقدر تو انگریم . بلکه در آن است که چقدر از آنچه در اختیار مان هست استفاده میکنیم ؟

زندگی پارچه ایست که از تار و پود مسرت و بدبخت بافته شده در مقابل نیش نوشی نهاده و با هر شهدی شرنگی آمیخته اند ، هر کس از غم و رنج بهره ای دارد چیزیکه هست بعضی اشخاص برکات و مواهب حیات را منکر شده اند و در جهان جز رنج و بدبختی و فلاکت و بدبختی چیزی نمی بینند .

لودآویبوری

سعادت گلی است که میتواند از ورزش یک نسیم ضعیف افسرده و پژمرده گردد .

؟

سعادت و یا بدبختی بشر با ثروت ارتباطی ندارد بلکه مربوط و منوط بخلق و خوی اوست .

لاروسفوکو

سعادت واقعی دستیابی به تمام چیزهائیست که طرف آرزو و تمایل انسان است و تا انسان مقهور طبیعت و بازیچهٔ پیش آمدهاست هرگز سعادتمند نخواهد گردید .

نظام وفا

سه راه خوشبختی عبارت است از بدی ندیدن و بدی نشنیدن و بدی نکردن .

مثل چینی

شاید خوشبختی زائیدهٔ تخیلات ما باشد .

؟

شخص عاقل و هوشیار هر جا قدم گذارد سعادت و فراغت بال همراه اوست زیرا در جهان بجز خوبی و زیبائی -

چیزی نمی بینند .

شکسپیر

طبیعت عصبانی و تند و ناراضی همیشه از نیمه راه باستقبال غصه دلسوزش میرود .

اسمایلز

علت بدبختی و بیکارگی ما داشتن فرصتهای زیاد است که صرف تفکر درباره خوشبختی و بدبختی میگردد .

شاو

غالبا مردم بدون جهت از بدبختی مینالند گویا نمیدانند که تصور بدبختی مولد بدبختی است .

لوداویبوری

غالبا باین نتیجه میرسیم که آنان که پیوسته از بخت بد خود مینالند تنها حاصل غفلت ها و ندانم کاریها و بی تدبیریهای خود را درو میکنند .

اسمایلز

غالبا بساط عیش را می چینند و به غصه خوری می نشینند .

حجازی

غنچه خوشبختی در جای تاریک و بیصدا و گودی پنهان است که بسیار نزدیک ماست ولی کمتر از آنجا میگذریم و آن دل خود ماست .

مترلینگ

فراموشی سرپوش تمام غصه هاست .

نظام وفا

کسیکه از چیزکمی خوشبخت نمیشود از هیچ چیز خوشبخت نخواهد شد .

اپیکود

کسیکه بدبختی را با عزت تحمل میکند خوشبختی را نیز با همان عزت تحمل خواهد کرد زیرا کسیکه اولی را تحمل نمود در مقابل دومی از جا در نخواهد رفت .

فیلدینگ

کلید سعادت و خوشبختی ما در اختیار پندار و گفتار و کردار ماست .

مثل چینی

کسیکه در جستجوی خوشبختی از خانه بیرون میرود دنبال سایه میرود .

مثل چینی

کسیکه انتظار آسایش دارد باید کر، کور و لال باشد .

مثل ترکی

گاهی اوقات اندیشه مفید است اما برای خوشبخت شدن نباید زیاد اندیشید .

گوستاو لوبون

گاه لازم است که انسان دیدگان خود را ببندد زیرا غلب خود را به نابینائی زدن نیز نوعی خوشبختی است .

نیوتن

ما دیگر از آنچه حقیقتاً ما را خوشبخت میسازد تصور میکنیم .

مونتسکیو

ما باید برای خوشبخت زیستن موقعیت های مناسب ایجاد کنیم نه اینکه در انتظار آن باشیم .

فرانسیس بیکن

مرگ مهم نیست خوشبخت نبودن مهمترین چیزهاست .

ویکتور هوگو

هرگاه تمام بلایا و مصائب بشر را در یکجا جمع نمایند و در میان مردم تقسیم کنند، بدبخت ترین مردم چون سهم خود را ببینند از سهم نخستین خویش راضی شده لب از شکایت می بندند .

سقراط

هزاران راه به خوشبختی منتهی میشود اگر یکی از آنها مسدود شد راه دیگری انتخاب کنید

پوردسن

همه بدبختی ها از درون ما برمیخیزد و سبب آنها خود ما هستیم . ما سهواً می پنداریم که آنها از بیرون میآیند در صورتیکه خود ما آنها را در توی خود مان با سرنوشت خود مان میسازیم .

اناتول فرانس

هنگامیکه بخوشبختی فکر نکنید خوشبخت هستید .

شارژ ودتن

هیچ کس نمیتواند تا وقتیکه زنده است دم از نیکبختی زند پس از مرگ میتوان در بدبختی یا نیکبختی او قضاوت کرد .

هیچ موجودی بدبخت تر و ناکام تر از کسی نیست که از روزگار خود عقب باشد . سعید نفیسی

هیچ درد و غصه ای نیست که دوا نداشته باشد اما چه بسا که دوا نمیخواهیم و با درد و غصه میسازیم . حجازی

هیچ کس تا ساعت آخر عمرش نمیتواند خود را خوشبخت یا بدبخت بداند زیرا سعادت و بدبختی در پس پرده اسرار آلای حوادث مخفی است و هر ساعت ممکن است صفحه حیات انسان با با دو حادثه بصورت معکوس برگردد . محمد مسعود

هیچکس آن اندازه که تصور میکند بدبخت و یا خوشبخت نیست . لادوشفوکو

مردم هرگز خوشبختی خود را نمی شناسند اما خوشبختی دیگران همیشه در جلو دیدگانشان مجسم است . ؟

مشکلات نشان میدهد هر کس چند مرده حلاج است . اپیکتیتوس

مصائب خود تا نرا مانند لباسهای خودتان با کمال بی اعتنائی تحمل کنید . شکسپیر

مقصود از زندگانی فقط خوشبختی نیست بلکه تکامل آن است . مادام داستاهل

موقع روی آوردن مصیبتی از خود بپرسید ! بدتر از بدش چه خواهد بود ؟ خود را از قبول آن در صورت لزوم آماده کنید ؟ آنوقت با آرامش خیال در رفع و اصلاح آن بدتر از بد بکوشید . دیل کارنگی

مردان در اوقات خوشبختی نسبت به سایر افراد همدردی نشان میدهند و زنان در اوقات بدبختی . مثل چینی

نصف بدبختی های این دنیا از فقدان صراحت و کتمان حقیقت ناشی میشود . سر آرتور هیس

نعمتهای خود را بشمارید نه محرومیتها را : دیل کارنگی

نگذارید مورخ آینده بنای زندگانیتان را او ارگون کند .

دیل کارنگی

نیکبختی و سعادت جز یک متارکه و یک وقفه میان دو بدبختی دو مصیبت دو ناکامی و دو بیماری چیز دیگری نیست .

سرلینگ

نیکبختی من کامیابی من قبول عام من سود و نفع من بیشتر وابسته مهارتی است که در معاشرت با ابناء نوع خود توانم بکار ببرم .

دیل کارنگی

نیکبخت آنکه خورد و کشت و بدبخت آنکه مرد و هشت .

سعدی

نیکبخت کسی است که نه از مردن کسی شاد شود و نه کسی از مردن او شاد گردد .

سعید نفیسی

نیکبخت آن کسی است که آموزگارش روزگار بوده باشد .

سعید نفیسی

لذتهای ما سطحی و دردهای ما عمیق است .

مثل چینی

وجود انسان ترکیبی است که خوشبختی را بخود نمی پذیرد . سعادت آب است و ما غربال و یا حقیقت شعله ایست که یک لحظه جان ما را میسوزد و میگذرد و ما را در سوز و گداز میگذارد .

حجازی

وقتی خوشبخت هستیم همیشه خوب جلوه میکنیم امّا وقتی خوب باشیم همیشه خوشبخت نخواهیم بود .

اسکار وایلد

وقتی کسی خوشبخت بود میترسد زیرا خوشبختی اسباب ترس را فراهم میآورد .

مترلینگ

وقتی انسان آرامش را در خود نیابد جستجوی آن در جای دیگر کار بیهوده ای است .

لاروشفوکو

هر کس زنجیر طمع را دور بیندازد ، بدبختی از او دور میشود مانند قطره آب که روی برگ گل میلغزد و میریزد .

بودا

هر کس آن چیزی را که ندارد، رسیدن بآن را خوشبختی میداند . سعید نفیسی

هرچه انسان از سرمایهٔ نشاط و خوشبختی خود بدیگران سهم میرساند بر میزان اصلی آن میافزاید، زیرا مهربانی مولد مهربانی است.

هر کس لغظ خوشبختی را بنابر خواهش طبع خود بنابر اختیاجهای خویش از روی منافع و اغراض شخصی و موافق احساسات خویش تعبیر میکند . سعید نفیسی

هرچه ما را محدود میکند ما آنرا میگذاریم بخت و اقبال . امرسون

هر بدبختی که بمن رسیده از اطمینان و اعتماد بدوستانم بود . ژان ژاک روسو

هرگز نگوئید سرنوشت من بد است و سرنوشت خود را مورد توبیخ قرار ندهید حتی در موقعیکه شخصی گرفتار آلام جسمانی بزرگ شده اگر فکرش کوچک و روحش محدود و همتش کم نباشد میتواند به سرنوشت خود غلبه کند . مترلینگ

یکی از بهترین طرق خوشبخت شدن اینست که انسان معتقد باشد که واقعاً خوشبخت است و یا روزی خواهد شد . گوستاو لوبون

یک راه بیشتر برای خوشبختی وجود ندارد آنهم کاستن نگرانی درباره چیزهایی است که مافوق قدرت ما قرار گرفته اند . اپیکتوس

یگانه راه برای افزودن خوشبختی برروی زمین آنست که تقسیمش کنید . پول شرد

یک بدبختی بد . بدبختی دیگر را پشت خود حمل میکند . مثل دانمارکی

یک نیمه روز خوشبختی ارزنده تر از یک سال بدبختی است . مثل آفریقائی

یک لحظه شادی غمها را نابود میکند و خوشبختی را بارمغان میاورد . خوشبختی فقط داشتن و یا ای قشنگ تو میگرانقیمت

ویول زیادنیست بلکه خوشبختی داشتن تنی سالم واعصابی آرام است .

بکوشید تا رنجها کم کنید — دل عمگنز شادی خرم کنید

چوروزی شبی همی بگذرد — خردمند مرد م چرا غم خورد

فردوسی

جهان غم نیرزد بشادی کسی — نه ارزد بهر غم که ارزد بسی

جهان ارزی شادی و دلخوشی است — نه ارزد بهر بیدادی و محنت کشی است

بنا یدبخود بر ستم داشتن — بنا یدبخود درد و غم داشتن

بیا تا نشینیم و شادی کنیم — دمی در جهان نیکنامی کنیم

دلی را که سرمایهٔ زندگی است — بغمخواری سپردن نه فرخندگی است

نظامی

همان بهتر که دایم شاد باشیم — ز هر درد و غمی آزاد باشیم

بخوشروئی و خوشخوئی در ایام — همی روتا توانی خوشدل در انجام

اگر خوشدل توئی در شادمانی — بمانی شاد مانی جاودانی

ناصرخسرو

خهر و شکفته دار بهر حالتی که هست — خونیکه میخوری بدل روزگار کن نیب

خیانت

آنکه در قلیل خائن بود در کثیر هم خائن بود . — حضرت عیسیٰ(ع)

آدمی هرگز بدکار و خبیث بدنیا نمی آید بدکاری و خباثت نیز بیماری عارضی است — ولتر

از گناه تنفر داشته باش نه از گناهکار . — گاندی

استفاده از حاصل زندگی دیگران را نباید بحساب زندگی خود بدانیم . — غ - ذ

اعتقاد مرد مانی که از دیگران میگیرند بر این پایه نادرست بنا شده است که بدی معدوی را دلیل بدی همگان میدانند؟

ایمن مباش از شر کسی که برای خود ارزش قائل نیست . — امام هادی(ع)

با هر که بدی کردی تا دم مرگ از او بیندیش . — ؟

با تخم مرغ روی سنگلاخ باری مکن . — مثل نروژی

بشر بی رحم ترین حیوانات نسبت به خود است . — نیچه

بجائی که کوزه خودت را گذاشته ای سنگ پرتاب مکن . — مثل آفریقائی

پای دیوار کندن و ساکت نشستن کار خردمندان نیست . — ؟

پادشه را بر خیانت کسی واقف مگردان مگر آنکه بر قبول کلی واثق باشی وگرنه در هلاک خویش همی کوشی . گلستان سعدی

تقصیر اول نمکت را برای تقصیر دوم آماده میکند . مثل چکسلواکی

جائی که نمک خوری نمکدان مشکن . ضرب المثل ایرانی

جنایتکار وقتی مرتکب یک گناه شد ارتکاب دیگری بر ایش آسان است . ؟

چرب زبانان اغلب نیتی ناپاک در قلب میپرورانند . ولتر

حیله وخیانت اغلب از اشخاص ناتوان سر میزند . لاروشفوکو

حتی بهترین چوب ممکن است گرفتار موریانه گردد . مثل افریقائی

خائن همواره خائف است . عربی

خطا اگر ندانسته انجام شود اشتباه است و اگر دانسته بهکاری است . برتولد برشت

خطاهای بشری اول را بگذر و بعد میهمان و چندی نمیگذرد که صاحب خانه میشوند . ولتر

خطائی کردن و آن را اصلاح نمودن خود بمنزله ارتکاب خطای دیگری است . کنفوسیوس

خطاهای مرد آزاده مانند تاریک شدن آفتاب یا ماه است اگر او خطائی بکند همه آنرا می بینند و اگر خطای خود را اصلاح کند، هم همه مردم در میابند . کنفوسیوس

درخائن بودن کافی است که مردم امین از خیانت کاران باشد . امام جواد

درد آن کسی است که گیر میافتد . — مثل آفریقایی

فساد دره عمیقی است که هر که به قله آن برشود تعفنش اذر افتد . — منفلوطی

ضعیف ترها از راه های مخفی نسموارد بداخل حصن حصین وزوایای قلب اشخاص قویتر خزیده و در آنجا برای

خود بادزدی کسب قدرت میکنند . — نیچه

کسیکه بکار میدزدد همیشه خواهد دزدید . — مثل اسپانیولی

کشتن گنجشکها کرکس ها را ادب نمیکند . — ؟

سگ برآنکه سود و جاه خود را در ویرانی دیگران بجوید . — ؟

هر که خیانت ورزد دستش در حساب بلرزد . — ؟

هیچکس نمیتواند فرد ضعیف را با تضعیف فرد قوی تقویت کند . — لینکلن

صورت زیبای ظاهر هیچ نیست ای برادر سیرت زیبا بیار

سعدی

کس گزاهانت نیارد در نصیب چون بپیش آید نیاید غریب

خیانت از هر فعلی بدتر است تمام بدیها در او مضمر است

*

چیز امانت کس نکو دارد ؟ قیمتی سعادت او دارد

وانکه او دست بخیانت برد گر بزرگست زود گردد خرد

جمال الدین عبدالرزاق

گر ز امانت خیانت نکنی گر ز قضا بهرت این پند سنی

هر که با مال مال خیانت کند نرسد سر گزاو نعمت و ناز

مؤتمن آنکس بود که برو چیز امانت دهی دهد بتو باز

سعدی

دانائی و نادانی

آدم دانا هر قدمی که برمیدارد، جای قدم دیگرش نمایان و روشن خواهد شد . — حجازی

آدم احمق در همه جا هست حتی در تیمارستان . — برناردشاو

آدم باهوش در دسرهای بزرگ را بدرد سرکوچک تبدیل میکند و درد سرهای کوچک را از بین میبرد . — مثل چینی

ابله همیشه دنبال ابله بزرگتر میگردد که او را تحسین کند . — بوالو

از نادانان بیش از متقلبان باید ترسید . — کوپستین

استهزاء فرزند نادانیست ما چیزهائی را بباد تمسخر میگیریم که کاملا درباره چگونگی آنها بی اطلاعیم . — بالزاک

اشخاص ضعیف النفس نمی توانند صمیمی باشند گاهی هوش و ذکاوت بسیار ما را وامیدارند که کارهای بسیار احمقانه بکنیم . — لاروشفوکو

اعتراف بنادانی از چیزیکه نمیدانیم مراشرمگین نمیدارد . — سیسرون

افراد دانا کوشش دارند خود را با رنگ محیط سازند ولی اشخاص دیوانه سعی میکنند محیط را برنگ خود درآورند

بهمین جهت تحولات ترقیات اجتماع بدست دیوانگان بوده است . اندره مورا

اعتراف بنادانی ، دانایی و اقرار بناتوانی ، توانایی است . ؟

اگر کمی چیزهای غیرلازم را بدانی بهتر از این است که هیچ ندانی . سند کا

اگر خواهی زیرک باشی روی خویش را در آینهٔ کسان بین . ؟

اگر چیزی را میدانی باید بدانی که آن را میدانی و اگر چیزی را نمیدانی باید بدانی که آنها را نمیدانی دانستن حقیقی همین است و بس . کنفوسیوس

انسان همه قدر بیشتر بداند بهمان اندازه نقطه های استفهار بدست میآورد . ل.فویرباخ

ای فرزند هرگز نادان را از مسالت نفرمای و اگر دانائی نیابی خود رسول خویش باش . لقمان حکیم

ابله را ارزش چیز نیتوان باز شناخت خشم بی سبب سخن بیحاصل تغیر بی ترقی تجسس بدلیل اعتماد کردن به بیگانه و دشمن را بجای دوست گرفتن . مثل عربی

احمق پناهگاه احمق است . ؟

از کوه قدم بقدم بالا میروند ثروت اندک اندک بدست میآید و دانائی کم کم حاصل میگردد . مثل افریقائی

از باران فرار کرده بزیر ناودان پناهنده میشود . مثل عربی

ای پسر موعظه بر نادانان گرانست چنانکه برای پیرمردان بالا رفتن . لقمان حکیم

سرمنزار نادانی که خود را دانا شمرد .

باران همیشه از سقف های سست بداخل اطاق میچکد و شهوت از مغز پوک . بودا

با نادان تواضع کردن همچنان است که خطل را آب دادن چندانکه آب بیشتر باید تلختر دهد . سقراط

بخت و سرنوشت و طالع و اینگونه چیزها جز خیال نیست فیروزی یا ناکامی آدمی در زندگی جز نتیجهٔ کاردانی و کاربندانی او نباشد . ؟

بدنیا نیامدن بهتر از تعلیم نیافتن و نادان ماندن است زیرا جهالت ریشهٔ همهٔ بدبختی هاست . افلاطون

بریدن از نادان مساویست با پیوند با عاقل دانا . حضرت امیرؑ

برتری مرد دانا از نادان اندیشهٔ نیکوی اوست . ؟

بزهکاری جز نمایاندن یک شخصیت فاقد توازن چیز دیگری نیست . دکتر ماردن

بعضی از منفعت و صحت خود چشم میپوشند آما از عقیدهٔ غلط خود دست برنمیدارند . ؟

بی میل ترین مردم نسبت بدانا همسایهٔ اوست . حضرت محمدؐ

برالاغ اگر پالان زرین هم بنهی باز هم الاغ است . مثل آفریقائی

بهتر است دو بار سئوال کنی تا اینکه یکبار راه اشتباه بروی . مثل آلمانی

بی اطلاعی از نادانی خود دردی است که نادانها بآن گرفتارند . الکوت

پرخوری آفت هوش است . ؟

تعلیم ما جمق ها همانقدر بی ثمر است که بخواهیم با صابون ذغال را سفید کنیم . کیتز

حماقت گیاهی است هرزه خود بخود رشد میکند ولازم نیست که کاشته شود . مثل چکلواکی

خودت ، خودت را بشناس یعنی از جهالت خود آگاه شو . ؟

دانا ترین مردم کسی است که از مردم نادان فرار کند . حضرت محمد(ص)

دانستن خوب است و توانستن بهتر است . کایبل

دانا زنده است اگرچه بمرد و نادان مرده است هرچند زنده باشد . حضرت علی(ع)

دانا انتظار ندارد کارهای او مورد تمجید و تحسین قرار گیرد . لائوتسه

دانایی عمدهٔ انسان در این نهفته است که بحماقت های خود پی برد . لاروشفوکو

دانایی مرد را از شگفتی ها پدید میآورد فضیلت اخلاقی او را از رنج و درد میرهاند و همت عزم استوار او را از ترس نجات میبخشد . شگفتی و درد و ترس مدتی دشمنان نیکبختی آدمی و دانایی و فضیلت و همت برای او فرشتگان نجات دهنده اند .

دنیا پر از ابلهان است و آن کسیکه دوست ندارد یکی از آنان را ببیند ، نباید تنها در بروی خود ببندد ، بلکه باید آینهٔ خود را زیر و رو کند . بوالو

دانا ستیزه نمیکند . مهاویرا

دیوانه چو دیوانه ببیند خوشش آید .

دانا از دشمنان بیشتر استفاده میکند تا نادان از دوستانش . مثل اسپانیولی

دو عاقل ممکن است بر یک چیز اتفاق کنند اما دو جاهل بیک کار سازگار نشوند . بقراط حکیم

روزیکه بشر کاملا بنادانی خود پی برد موفقیت عظیمی را دریافته است زیرا علم در این دنیا جز پی بردن بنادانی ها چیز دیگر نیست . مترلینگ

راه کج به راههای کج منتهی میشود . مثل استونی

ستاره بیخردان بیش از خردمندان است وحتی در خردمندان نیز ابلهی بیش از خردمندی است . جامعفورت

سگها و بچه ها از ابلهان خوششان میآید . مثل روسی

شعور منحصر به یک خانه نیست . مثل افریقائی

عاقل هر روز برای خود وسیله تفریحی میسازد . حجازی

غالبا از نادانی وحشتی ندارم از اینکه مارا نادان بدانند میترسم . حجازی

غاز باید خیلی احمق باشد که روباه را از دور نشناسد . مثل اسکاتلندی

فضائل کوچک در نزد عوام جلب تحسین میکند و فضائل متوسط باعث تحیر ایشان میشود و فضائل عالیه را اصلا درک نتوانند کرد . فرانکلین

فقری سخت‌تر از نادانی نیست .

حضرت محمد(ص)

فقط کسی دانا است که میداند که هیچ نمیداند .

سقراط

کدام یک از بزرگان عالم در مدرسه خوب تحصیل کرده اند؟ همیشه قرائح و نبوغ های سرشار بعد از مدرسه ظاهر میشود . سعدی نفسی کمی خودخواهی و قدری سبعیت را با مقداری خیره سری و کم عقلی مخلوط کنید چیزی ساخته خواهد شد که اسمش دلیری است؟

کیسکه از احمق تعریف کند احمق تر از اوست .

مثل فرانسوی

گرفتاری این دنیا در اینست که نادان از کار خود اطمینان دارد و دانا از کار خود مطمئن نیست . برتراند راسل

ما بواقعیت عادت کرده ایم که بشر هر آنچه را که نمی فهمد و درک نمیکند استهزا نموده و به تمسخر میگیرد . اریک فون

ما که هنوز خود را نشناخته ایم چرا ادعا میکنیم که دیگران را میشناسیم .

حجازی

ما نادان هستیم و شاید تا ابد این نادانی باقی بماند ولی متدرجاً چیزهائی میآموزیم که بما نشان میدهد که حقیقتاً نادانیم . برنارد شاو

من میگویم که بزرگترین درد ما نادانی است .

کارلایل

ما ها مرتباً از عوامل طبیعی و شرایط سخت زندگی تحت فشار هستیم و دائماً اتفاقات غیر مترقبه برایمان بوجود میآید دانا کسی میباشد که تا میتواند خودش باین سختی ها و گرفتاریها کمک نکند .

غ - ذ

مرد تیز هوش آنکس است که امروزش از دیروز ستوده تر باشد .

حضرت امیر(ع)

مرد آزاده درباره هیچ چیز نوشته میاندیشد : در دیدن چیزی با اینکه آن را بخوبی و درستی بشناسد : در شنیدن چیزی با اینکه

آن را بفهمد در رخسار خود بملایمت و محبت در رفتار خود بشر افت ، در سخنان خود بحقیقت در کارهای زندگی بدرستکاری

در شبهه های خود پرسیدن رأی دیگران در موقع خشم به نتایج آن ، و در پذیرائی دیگران بوظیفهٔ مهربانی و ادب . کنفوسیوس

مقصر کسی نیست که مرتکب گناه گردیده بلکه کسی است که او را در ظلمت جهل باقی گذارد . لادشفوگوله

ممکن است قبای ابلهی زرد دوزی باشد ولی باز هم قبای احمقی است . دیوادول

من جز یک چیز ، چیزی نمیدانم و آن اینست که هیچ نمیدانم . سقراط

نادان دشمنی است بس ناهنجار . حضرت امیر(ع)

نادان با معاشران ستم کند و با زیردستان تعدی کند و به بزرگان تکبر فروشد و بدون تمیز سخن گوید . حضرت امیر(ع)

نادان آنقدر شرمندگی ندارد که عدم تمایل بآموختن . فرانکلین

نادان خطرناکترین امراض و مولد سایر بیماریهاست . بوسوله

ناچیزترین مردم آن کسانی هستند که بزرگی را در جامه های فاخر و کوشکهای سرافراشته میجویند . سعدنفیسی

نادانان پیوسته از گذشته لاف میزنند و خردمندان در اندیشهٔ حالند و دیوانگان سخن آینده را بر زبان میرانند . ناپلئون

ندانی و ندانی که ندانی ، و نخواهی که بدانی که ندانی . شیخ ابی سعید

نفهمی و نادانی سه نوع است یکی آنکه انسان هیچ نداند دوم آنکه آنچه را که لازمست نداند ، سوم آنکه آنچه را نباید بداند ، بداند . دوکلوس

نادان کسیکه با فقر زندگی کند و با ثروت بمیرد . مثل عربی

وقتیکه ما به سن ۴۰ سالگی رسیدیم تصور میکنیم که مردی تجربه آموخته و آزموده هستیم. غافل از اینکه آزمایش های ماکه مربوط با دوار گذشته است بدرد سن ۴۰ سالگی و سالهای مابعد نمیخورد همچنین در سن ۵۰ سالگی خود را تجربه آموخته میدانیم غافل از اینکه وقتی باستانه ۶۰ سالگی رسیدیم بر آن سن و سالهای مابعدآن بی تجربه و ناآزموده هستیم

آری ما انسانها در تمام مراحل ناآزموده و پخته و نادان میباشیم . مترلینگ

وقتی زن احمق را برای کاری نزد تو میفرستند مراقب باش که تو احمق دیمین نگردی . مثل آفریقائی

هرگز جاهل را بقوه منطق نمیتوان متقاعد کرد . ویلیام ماک آدو

هرکه با نادان در آویزد ، آبروی خود بریزد . سعدی

هرکس عادت کند بدون دلیل هر حرفیرا باور کند از صورت انسانی خارج است. ابوعلی سینا

همانطور که از صد مرد احمق نمیتوان یک مرد عاقل ساخت همچنان صد مرد بزدل قادر نیستند تصمیمی که احتیاج به شجاعت دارد بگیرند . ؟

هنگامی رستگاری که دانائی را دوست خود و نادانی را دشمن خود بشماری . سعید نفیسی

هنگامیکه عیوب ما را ترک میکنند بخود فخر میکنیم که ما آنها را ترک کرده ایم . لاروشفوکو

هوشمند آن است که مراتب کلیه منافع خود را مرتب و ملحوظ دارد هریک را در جای خویش بکار برد.. لاروشفوکو

هیچ گناه و معصیتی عظیمتر از جهل نیست . سهل بن عبدالله شوشتری

هیچ چیز تحمل ناپذیرتر از ابله کامران نیست و چنین است که مردانی را می بینیم که زمانی دوست داشتنی و مطبوع بوده اند

و چون بدولت رسیده اند یاران قدیم را از یاد برده و یاران تازه ای جسته اند . چیچرو

هیچ وقت بیش از زمانیکه سروکارمان با احمق است احتیاج به هوش زیاد نداریم . مثل چینی

یار اگر نادان باشد تنهائی خوشتر است . بودا

یک ابله تحصیل کرده از یک ابله بی سواد ابله تر است . مولیر

یک فرق بزرگ بین دانا و نادان آنست که دانا فقط طالب چیزی است که حصولش امکان پذیر میباشد ولی نادان

هوس داشتن چیزهائی میکند که حصولش امکان ناپذیر است . دموکریت

یک دیوانه سنگی بچاه میاندازد که صد عاقل نمیتوانند بیرون بیاورند . مثل فارسی

گر عاقلی به خصم تو بهتر که با نادان نشوی یار و یار بر

نظامی

از جهالت تو را ره نرهی بسعادت تو را رسد نرسی

صاحب عقل را در این نبود کار با مجلم است و خاطر شاد

سنایی

جز بخردمند مفرما عملی گرچه عملی کار خردمندی است

سعدی

خرد شد کاشف سرّ نهانی بنور آن شه روشن روانی

چه گوهرهاست در سرّ دل منقل چه لؤلؤهاست در دریای منقل

سنایی

دلی کز خرد گهر آراسته چو گنجی بود پر ز رو خواسته

جوانی خردمند و برّ و برش بگیتی ز کس نشنوی سرزنش

فردوسی

آنکس که بملک عقل رسید در جهان را چنانکه هست بدید

سنایی

دانش آموز

آدمی برای شک کردن آفریده نشده برای پرسیدن آفریده شده . یانگ

آدمی شاگردی است که در دو اندوه اورا تعلیم میدهد و بی تکلیف بدون احساس این معلم قادر به شناسائی خود نیست . الکساندر

آموزگار دانش آموز باید زندگی خود را نمونه و نشانه درخشان از آنچه میآموزند قرار دهند و گرنه مانند کسانی اند که راهی را شناخته اند ولی از آن راه نمیروند و یا مانند بیمارانی میباشند که داروی شفابخش را از طبیب گرفته اند ولی از آن نمیخورند . کنفوسیوس

آموزگار واقعی کسی است که آنچه در یک روز یاد میگیرد بیش از آن بدیگران میآموزد . تن

از هرا بلهی میتوان چیزی آموخت . محمد حجازی

از محقق تا مقلد فرق هاست . ؟

اساس آموزش و پرورش ساختن ماشین نیست ، بلکه ساختن انسان است . پل ژانه

اگر امروز حتی یک کلمه از دیروز بیشتر بدانید مسلماً شخص دیگری هستید . چاحیت

انسان همیشه محتاج به قویتر از خود میباشد که او را رهبری و حمایت کند . محمد حجازی

با اندیشه آشفته دانش آموختن در گرد باد آتش افروختن است . رومادس

با بیگانه مصاحبت کن تا از بیگانه تقلید کنی . مثل چینی

بپرس تا دانا شوی و عدالت پیشه کن تا حاکم گردی . حضرت امیر(ع)

برای وصول بدانش باید مدبر روز خبری بر خود افزود و برای وصول بطریقت باید مدبر روز خبری از خود فرو گذاشت ؟

بعضی بگوابی نامه قناعت میکنند و از کسب دانش دست میکشند غافل از آنکه دانش بیک پایه نمی ماند و اگر هر روز بر آن نیفزایند پیوسته از آن میکاهند . حجازی

بهترین معلومات ما آنهائی هستند که خود بشخصه فرا گرفته ایم . رومارسس

بیاموزید آنچه شما را آموزنده بدانند . دیلکارنگی

پرورش دهید فرزندانتان را مطابق اخلاق آن دوره و زمانیکه در آن زیست میکنند . حضرت امیر(ع)

پرده شک را با سئوالات از بین ببرید . مثل تازی

تا فرمان نبری فرمانروائی نتوانی . کاظم زاده ایرانشهر

تمرین انسان را استاد میکند . مثل آلمانی

دانستن همه چیز امکان ندارد نمیتوان همه چیز را خواند و همه چیز را دید و همه چیز را فهمید . درژسیون

در راه ترقی فرهنگ باید کوشید و نخستین قدم ترک کهنه پرستی است خانلری

در طبیعت و اخلاق انسانی هیچ ضعف و انحرافی نیست که با تعلیم مناسب اصلاح نشود . ؟

دو گرسنه هرگز سیر نشوند. گرسنه علم و گرسنه مال . حضرت محمد

شتاب در یاد گرفتن مثل این است که از پی کسی بدوی و به او نرسی و بترسی که او را از منظر خشمت گم کنی . کنفوسیوس

شنا کردن را در عمیق ترین نقطه یاد بگیر . مثل آفریقائی

فهمیدن همیشه بهتر از آموختن است . گوستاولوبون

کران واقعی کسانی هستند که نمیخواهند بشنوند . مثل افریقائی

کسب فضیلت وظیفه اساسی هر آدمی است در این وظیفه دانشجو می تواند و حق دارد که از آموزگار خود هم جلوتر رود و زودتر بمقصد برسد . کنفوسیوس

کسیکه در کودکی دانش نیاموخت در بزرگی جلو نمی افتد . امام صادق(ع)

کسیکه اندر زمان زر ارد کند طولی نمیکشد که پشیمانی را با قیمت گرانی خریداری خواهد کرد . مثل فرانسوی

کسی بهتر از درس استفاده میکند که آنرا تکرار میکند نه آنکه آنرا حفظ میکند . مونتن

مایلم نسیم فرهنگ تمام کشورها آزادانه در اطراف خانه ام بوزد . ولی اجازه نمیدهم که بر اثر وزش چنین نسیمی از پای کنده شوم . گاندی

مرد دانشمندی مانند ابن سینا در هیچ دانشگاهی درس نخوانده بود پیش مدرو چند معلم تمام تحصیل کرده بود ولی با ذوق و شوق و همتی که داشت در ۱۸ سالگی همه علوم روزگارش را نیک میدانست . از کتاب معجزه ایرانی بودن

معلوماتیکه در کودکی فرا گرفته میشود مانند نقش در سنگ پایدار باقی میماند . مثل تازی

من همیشه میل دارم از اشخاص نجیب سروی کرده و از آنان چیز بیاموزم . شکسپیر

من یکبار در تمام روز چیزی نخوردم و در تمام شب نخوابیدم تا بتوانم مسئله ای را خود حل کنم اما نتیجه نبخشید از این رو

فهمیدم که بهتر این است که آنچه را نمیدانم بپرسم . کنفوسیوس

من شخصاً دوست دارم بیاموزم اگرچه همیشه نفرت دارم از اینکه بمن بیاموزند . چرچیل

ممکن است مردیکه دائم سئوال میکند ابله بنظر برسد . ولی کسیکه هرگز سئوال نمی کند در تمام عمر ابله باقی میماند . لوئی پاولز

موضوع تحصیل را همیشه بی پایان بدان و از کوشش مکاهید . کنفوسیوس

هدف نهائی آموزش و پرورش آموختن طریقه صحیح استفاده از اوقات فراغت است . ارسطو

هرکه مرا حرفی بیاموزد مرا بنده خود قرار داده . حضرت امیر

هرگز مردی دلو بسیار نادان را ندیدم که از وی چیزی نتوانسته ام بیاموزم . گالیله

هرچه ندانی از پرسیدن آن ننگ مدار .

هرکه جور آموزگار نه بیند بجهای روزگار گرفتار آید .

هر کس را می بینم از یک حیث برمن برتری دارد . ازاین جهت است که من از هر کس پندی میگیرم و چیزی

میاموزم . امرسون

یکی از دوستان ابوریحان بیرونی بخدمت او رسید و آن روزها ابوریحان سخت بیمار بود و بحالت نزع افتاده با این حال از یاردانشمند خود پرسید: آن روز حساب جدات فاسده را برای من چگونه گفتی؟ گفت: در این حال کو جای این سئوال؟ بیرونی گفت: ای دوست دنیا را ترک کن که من آنرا شناخته‌ام. بهتر نیست این مسئله را بدانم؟ زیرا آنرا نمیدانم. من آن جواب مسئله را گفتم و بیرون آمدم. همانم صدای گریهٔ اهل بیت او بگوشم رسید او مرده بود.

از کتاب معجزهٔ ایرانی بودن

ای بس‌کو دل که از تعلیم گشت اقضی القضات هفت اقلیم
هر که زآموختن نیاسود نشد گلی برآورد ز خار و لعلی از سنگ

نظامی

زمانی بیش زآموختن نیاسود اگر چه هم خدایی آموخت
نگهدارنده باشد و آموزنده چو خدایی که روزیت رساند نگذارد

فردوسی

ای کودک دانش طلب عاقبت ارزش این پنج شش روزه کوشش چندان
مقدار معلم ز پرستش بیش کاین روز پرستش است و آن روز پرستان

انوری

ز طفلی آنچه بمن یاد داد استادم به غیر عشق نرفت آنچه یاد از یادم

عارف قزوینی

عیبم مکن از عشق که در مکتب ایام آموخته بودم به از این کار هنری نیز

حیرت بیضی

گفت استاد بسر درس از یاد — یاد باد آنچه بمن گفت استاد

یاد باد آنکه مرا یاد آموخت — آدمی بنده خورد از دولت یاد

هیچ دانم نزد دانی معنی — که مرا مادر من نداند زاده

پرسم نیز چو استادم دید — گشت از تربیت من آزاد

پس مرا منت از استاد بجه — که به تعلیم من استاد استاد

هر چه دانست آموخت مرا — غیر یک اصل که ناگفته نهاد

قدر استاد نکو دانستی — حیف استاد بمزد ما داد

گر بمرده است روانش پرنور — ور بود زنده خدایا رشش بار

ایرج میرزا

چه کویی که کام خرد تو ختم — همه هر چه بایست آموختم

یکی نغمه بازی کند روزگار — که بشنوت پیش آموزگار

فرددوسی

هنرآموز گر هنرمندی — درگشتی بمزد که درخوری

ای بسا تیشه طمع کامی هوش — که شد از کامی ذغال فروش

دروغ

آمیختن سخن راست با دروغ مانند عیاری است که بسکه های نقره و طلا نهند هر چند مایه استحکام مسکوک است

اما از بهای آن میکاهد .

بایگون

آن عیب که از یک دروغ گفتن بنشیند بهتر از راستی است که برنجی زاید .

مرزبان نامه

آنکه نتواند نسبت به نیکی دیگران ناسپاس باشد از دروغ گفتن باک ندارد .

شیللر

اساساً دروغ خود شر است و اگر شری با دروغ رفع شد دفع فاسد به افسد شده است و چندان حسنی ندارد .؟

اگر میخواهی که مردمان ترا دوست دارند در معامله ستم مکن و دروغ مگو و بزبان خود کسی را مرنجان . بوعلی سینا

اگر میدانی پایداری کن و اگر نمیدانی بگو نمیدانم ، نشان دانش اینست .

کنفوسیوس

انسان هیچ وقت باندازه آنوقت خود را گول نمیزند که خیال میکند دیگران را فریب داده است .

لاشفوکوله

انسان در دو چیز نیکی زشت و دیگری نیکو با حیوان تفاوت فاحش دارد قدرت بیان و درگفتن . آناتول فرانس

انسان نباید آنچه در وجود و زندگی خود ندارد کوشش در انباشتن آن کرده و خود را در ناراحتی های بزرگ وارد کند و قت

وانرژی خود را بیهوده از دست ندهیم و همان باشیم که هستیم . بخود مان دروغ نگوئیم تا بتوانیم بدیگران راست بگوئیم . غ . د .

بار استی است که گفتار زینت پیدا میکند . حضرت محمدؐ

به دبیر خود گفتم چه کنم تا مردمان مرا دوست بدارند؟ گفت دروغ مگو و بزبان کسی را مرنجان . بوذرجمهر

بزرگترین خطری که در فریب دادن دیگران وجود دارد اینستکه سرانجام شخص خود را هم فریب خواهد داد . ؟

بزرگترین مایه گناهان زبان درغگوست . حضرت محمدؐ

بزرگترین خیانتها اینستکه بدوست خود که ترا راستگو میپندارد دروغ بگوئی . حضرت محمدؐ

بزبان دیگر مگو . و بدل دیگر مدار تا گندم نمای و جوفروش نباشی . قابوس وشمگیر

بشود که در این دوران راستی بر دروغ چیره گردد . زردشت

بیشتر جنایات و مفاسد اخلاقی ناشی از بدبختی است و یگانه منبع و سرچشمه بدبختی بشر دروغ و دروغ خود یکی از فرزندان فقر و تنگدستی است . راستی بدل آرامش میبخشد و از دروغ سنگ و پریشانی میزاید . حضرت محمدؐ

پیمان شکنی یکی از شاخه های دروغ است . ؟

تهمت و دروغ را دشمن سفارش میدهد و منافق میسازد و عوامفریب آنرا پخش میکند و عامی آنرا میپذیرد . دکتر علی شریعتی

تمام مصلحین بزرگ و دلیران راه ترقی دشمن واقعی دروغ و بدکرداری بوده اند . ؟

تمام خباثت در اطاقی است که کلید آن اطاق دروغ است . امام هادیؑ

چیزیکه دانش بیاراید راستی است . بوعلی سینا

چون گناهی لذت بخش تر از دروغ نیست روی این اصل گروهی از زنها از آن برخوردارند . مثل چکسلواکی

دروغ گفتن بضربت شمشیر ماند اگر بر جراحت درشود نشان همچنان بماند . سعدی

در بین مردمان کوچک دروغگوئی فراوان است . نیچه

در سیاست همواره راست گوئید زیرا دوستان شما چون به شما معتقدند، حرف شما را باور کرده و بآن عمل میکنند و دشمنانتان چون بشما عقیده ندارند دروغ پنداشته و بعکس رفتار خواهند نمود . بیسمارک

دروغ مثل برف است که هرچه آنرا بغلطانند بزرگتر میشود . لوتر

در جهان حیات هیچ عیبی آدمی را شرمگین تر از آن نمیسازد که دیگران دروغ وی را کشف کنند . فرانسیس بایگون

دروغگو همیشه در قسم خوردن افراط میکند . کودین

دروغ مظهری از شیطان است زیرا شیطان دو نام دارد یکی شیطان و دیگری دروغ . ویکتورهوگو

دروغ سنگ است و نمیتواند بدون تکیه بر دروغ دیگر سر پا بایستد یک بار دروغ گفتن کار بس آسانی است ولی بسیار دشوار است که کسی فقط یکبار دروغ بگوید . فوللر

دروغگو از دروغگوی دیگر در حذر است . افلاطون

دروغ هرچه بزرگتر باشد احمقها زودتر باور میکنند . ؟

دروغ به سه نوع است اوّل ساده دوّم دروغ با سوگند . سوّم دروغ آنهائیکه میگویند هرگز در زندگی دروغ نگفته اند؟

دوستی اختیار کن که رضای تو را بر رضای خود برتری دهد . ؟

در مرداب دروغ غیر از ماهیهای مرده چیز دیگری شناور نیست . مثل روسی

دروغ شکوفه میآورد اما میوه ندارد . مثل افریقائی

دروغ میدود تا بدست حقیقت گرفتار نشود . مثل شیلی

دست سیاه را غالبًا با دستکش سفید پنهان میدارند . مثل اسپانیولی

راستی آرامش است و دروغ اضطراب . حضرت محمدؐ

راستی یگانه سکه ای است که همه جا قیمت دارد . مثل چینی

راستگو بکاخ رستگاری و بزرگ منشی قرار گرفته و در عگلوب پر لگاه خواری و ذلت . حضرت محمدؐ

راه در جهان یکی است و آن راه راستی است پس تو همواره در راه راستی باش و هرگز از این شاهراه منحرف مشو

خواه در هنگام سختی و خواه در هنگام راحت . ارداویرافنامه

راستی ریشه و اساس تمام فضائل است و مزایای انسانی وقتی رفتار و کردار شخصی با آن آمیخته باشد از هر کلمه و از

هر حرکت انسانی نوری درخشان میآید . اسمایلز

راستی نخستین چیزی است که انسان باید بجستجوی آن بپردازد و سائل شناختن راستی همانقدر ساده است که

سخت مینماید . گاندی

راست و درست گوی اگرچه تلخ باشد .

راستی و سقراط هر دو دوستان من باشند لیکن آنگاه که این دو بستیزه یکدیگر برخیزند، پیروی کردن راستی سزاوارتر است. افلاطون

سفیر کبیر در غرب مرد درستکاری است که بخارج اعزام میگردد تا بنفع کشور خود دروغ بگوید . هانری کلی ورک

شادمانی از آن کسی است که همیشه راستگو و درست کردار باشد .

شخصیکه از کلیهٔ عیوب اجتماعی، یعنی از خودپرستی تعصب خطاکاری و دروغگوئی مبرا باشد بطوری با اجتماع ناسازگار خواهد بود که جز از نوای مطلق هیچ حزو سلهٔ آرامش او بشمار نخواهد رفت . گوستاولوبون

شاید از دروغ مشکلی حل شود اما صد مشکل از آن میزاید . حجازی

صلح خواه دروغگو نیست . حضرت صادق

طبیبی که لاف میزند هرگز داروی خوب در اختیار ندارد . مثل چینی

ظالمانه ترین دروغها در خاموشی اظهار میشود . استیولنسن

عقل درختی است که میوهٔ آن راستی است . ابوالعلاء

کسیکه دروغ گوید برای نفع غیر دنی تر از کذاب است . افلاطون

کسانیکه راستی را از زندگانی برمیدارند، مانند آنستکه آفتاب را از گیهان برداشته اند . سیسرون

کسیکه بخودش دروغ میگوید و بدروغ خودش گوش میدهد کارش بجائی خواهد رسید که هیچ حقیقتی را نه از خودش نه از

دیگران تشخیص نخواهد داد . داستایوفسکی

گاهی دروغ همان کار را میکند که یک چوب کبریت یا انبار باروت میکند . مثل آلمانی

من از کسانی نفرت دارم که ، حیله گری را حکمت ، نافرمانی را شجاعت و یاوه گوئی را حقیقت میپندارند ، کنفوسیوس

مجازات در چگونه ایست که حتی موقعیکه حرف راست را هم میزند کسی باور نمیکند . ؟

نزدیکترین راهها برای رسیدن بمقصد راه راست است در زندگانی نیز هر کس طریق راستی و درستی را پیماید

زودتر بمقصود خویش میرسد . تولستوی

نیرومندترین دروغها و آمیخته بهر نوع باشد در مقابل کوچکترین حقایق بی فایده است و دیر و یا زود بی رنگ و

بو خواهد شد و خاصیت اولیه خود را از دست خواهد داد . مترلینگ

هر کس گفتارش راست باشد بر رویش افزونی یابد . حضرت امیر

هر کس میخواهد بنای استقلال مملکت و سعادت ملتش را بر اساس نیکی قائم سازد باید دروغ را از آن مرز و بوم

رانده و راستی را در آن سرزمین استوار نماید . ؟

هر کس مال و جاه برای خود آرزو میکند لیکن اگر این آرزو با فدا کردن راستی برآورده میشود او باید لعنت

که از آن آرزو باید صرفنظر کند . کنفوسیوس

هیچ میراثی گرانبهاتر از راستی و درستی نیست . شکسپیر

هیچ کس از قلب شما بشما نزدیکتر و راستگوتر نیست بنابراین از کسانیکه قلب پاک شما ایشان را بخود نمی پذیرد اجتناب نمائید .

سقراط

هیچ نوع دروغی ولو بخیر و صلاح مملکت باشد نباید بکار برده شود .

گاندی

یکی از رسول الله پرسید که مؤمن زنا میکند؟ گفت باشد که بکند . گفت شراب میخورد؟ فرمود باشد که بخورد گفت دزدی میکند؟ گفت باشد که بکند . گفت دروغ گوید گفت نه .

کیمای سعادت

یک دروغ را اگر در چکنجه بخواهند بخوردِ مردم دهند، مستلزم گفتن هزار دروغ دیگر است .

مثل انگلیسی

دروغ آدمی را کند شرمسار — دروغ آدمی را کند بی وقار

ز کذاب گیرد خرد مند عار — که او را نپندارد کسی در شمار

دروغ ای برادر مگو زینهار — که کاذب بود خوار و بی اعتبار

سعدی

زبان پاک را حیف است بسیار — که از لوث دروغ آلوده سازی

اگر پایبندی ارزه صدق — سرافرازی گردون گردانی

از مخزن اخلاق محسنی

کسی را که عادت بود راستی — خطا کرد کم در کنار از نراستی

وگر نامور شد بناراستی — دگر راست باور نیارند از او

سعدی

می خور که صد گناه ز اغیار در حجاب — بهتر ز طاعتی که ز روی ریا کنند

صفا

نیست در این شرع و مذهب عقل — خصلتی ناستوده تر ز دروغ

نشنه جمع با نفاق و وفاق — ندهد چهره دروغ فروغ

نداند بیه کار شاعران بی‌نور — که نزاید چراغ کذب فروغ

سوزنی

رخ مه را تشبیه دارد دروغ — بلندیش هرگز نگیرد فروغ

بگرد دروغ ، ای چگونه مگرد — چو گرد ی که بخت سیاه روی زرد

فردوسی

هر که گفتار شش دروغ آمد ای پسر — کجر و است و بی‌فروغ و بی‌بصر

ذوق مستی را نیابد خورده دوغ — جمله سرتاپاش لافست و دروغ

مولوی

گر راست سخن گوئی و در بند بمانی — به زانکه دروغت دهد از بند رهانی

سعدی

صورت زیبای ظاهر هیچ نیست — ای برادر سیرت زیبا بیار

سعدی

آن شنیدم که را دمرد بزرگ — پای مردی چنین نهاد بکار

که نزاید ز کس فریب بپیر خورد — نه کسی را فریب باید داد انتهی

دشمن

آتش چنان سوزد فتیله را که عداوت قبیله را . شیخ ابی سعید

آن اندازد که ما خود را فریب میدهیم و گمراه میکنیم هیچ دشمنی نمیتواند . محمد حجازی

آنکس که دوست و دشمن ندارد بتذلل است و این دلیل آن است که هیچ هنر و قدرت و نیرو ندارد . لاواتر

آنکس که تو را برای چیزی دوست گیرد، چون آن را نتوانی برآورد، دشمن دارد . حضرت محمد

آنکه از دشمن داشتن بپرهیزد، هرگز دوست واقعی نخواهد داشت . هزلت

آنگه گرگ می پرورد، در حقیقت دشمن را تقویت میکند . مثل دانمارکی

آنکه در دوستی تو ستایش کند بر چیزیکه در تو نباشد، در دشمنی نیز بدگوئی کند در چیزی که در تو نیست . داراب شهریار

آنکه نمیتواند با خودش دوست و همصحبت باشد در این دنیا غریب است . محمد حجازی

از کسیکه دولت او را دشمن دارد برحذر باش . سقراط

اشتباهاتیکه دشمنان ما مرتکب میشوند، خیلی بیش از قابلیتهایشان به آنها سود میرساند و باعث میشود که ما اشتباهاتی خیلی بزرگتر

از اشتباهات آنان مرتکب بشویم . ناپلئون

اگر بعیوب افراد توجه کنی هرگز دوست پیدا نخواهی کرد . مثل عبری

اگر تو را دشمنی باشد دلگرم مشو که هر که را دشمنی نباشد بیقدر و بها باشد . قابوسنامه

اگر میخواهی رازی را از دشمنان پنهان بداری آنرا هرگز بدوستانت فاش مکن . فرانکلین

اگر میخواهید برای خود دشمنی بتراشید، خود را از دوستان برتر نشان بدهید و اگر میخواهید دوستان شما زیاد شوند بگذارید از شما برتر باشند . ؟

اگر نتوانی دوست پیدا کنی، دشمن برای خود متراش . مثل یونانی

با آتش دشمنی دیگران دامن مزن . مثل چینی

با دوست چنان رفتار کن که هیچوقت بحاکم محتاج نشوی و با دشمن طوری معامله نما که کار اگر بمحاکمه کشید ظفر تو را باشد . افلاطون

با همه کس دوستی مکن زیرا مجبور میشوی صداقت نداشته باشی . بیتاگرای

با دیگران ز یاد خود مالی نشویم تا موجب کدورت نگردیم . کنفوسیوس

بدوستان خود خوبی کن محبتشان نسبت به تو بیشتر میشود و بدشمنان خوبی کن تا دوست شوند . تولستوی

برای دوست خود یکدفعه تمام محبت خود را اظهار مکن زیرا هر وقت اندک تغییری مشاهده کرد ترا دشمن میدارد . سقراط

برای ثروتمند تشخص دوست از دشمن سخت است زیرا همه محض ثروتش خود را دوست او بشمار میآورند. ماردو

پیش تمام دشمنان آن نزدیک ترین دشمن خود که زبان است، توجه داشته باش . سقراط

پنجاه دوست دارید؟ این کافی نیست، یک دشمن دارید؟ بسیار زیاد است . مثل ایتالیائی

تازه رسیده ای که ابراز صمیمیت کند، بعید نیست دشمن باشد . ؟

جائیکه شرافت وفتوت دشمن را به چشم ما محبوب وعزیز میکند نزدیکان و دوستان اگر با انصاف ونیک و دادگر

باشند در دل ما چه مقامی خواهند داشت . سیرون

جهد کن دوست پیدا کنی، دشمن دم دست است . مثل ترکی

چه خیانتی بالاتر از اینکه با دوست خویش سخن گوئی و او ترا راستگو پندارد، درحالیکه در کمین باشی . حضرت محمد

چرا دشمن نخوانی کسی را که جوانمردی خویش در آزار مردمان داند . ؟

خطرناکترین دوست ما عزیزترین دوست ماست، زیرا راز های ما با اوست . ؟

خویشتن را بدشمن بزرگ نمای، چه افتاده باشی . قابوسنامه

در دنیا هیچ چیز ناخوشتر نیست از دوستیکه دوستی او برای عوضی و یا غرضی باشد . ابوالحسن فوشنجی

در دشمنی درنگی نیست ایکاش دوستان نیز در موقع خود چون دشمنان بی ریا بودند بدون تردید دوستان منافق

از دشمنان خونی بدترند . لرد آویبوری

در انتخاب دوست میتوان دقت کرد ولی دشمن را بخوبی نمیتوان تشخیص داد . اسکار وایلد

دست یکدیگر را بدوستی بفشارید که کینه را از دل بیرد . حضرت محمد

دشمنان بسیار دارید که نمیدانند چرا دشمن شما هستند ولی همچون نگهای دلگرد هنگامیکه رفقایشان بانگ بردارند، آنان نیز بانگ برمیدارند . شکسپیر

دشمنی کسی را در دل راه مده که ترا همیشه غمگین دارد . ارسطو

دشمنان را دوست بدارید زیرا آبا سانی عیبهای شما را یک بیک میشمارند . فرانکلین

دشمن چون از همه حیلتی فرو ماند سلسله دوستی بجنباند پس آنگه بدوستی کارها کند که هیچ دشمنی نتواند . سعدی

دشمن اگرچه خرد باشد، خوار مدارید . ؟

دشمنی که حتی کمترین سوءظنی هم درباره او نداریم، بدترین دشمن است . روخاص

دشمن ضعیف که در طاعت آید و دوستی نماید مقصودی جز آن نیست که دشمنی قوی گردد . سعدی

دشمن دانا از دوست نادان بهتر است . مثل فارسی

دشمن همیشه بدنبال است و دوست در صد فرسنگ فاصله . مثل عربی

دشمن امروز فردا نیش میزند . مثل چینی

دشمن با دشمن متحد میشود . مثل اسکاتلندی

دل دوستان آزردن، مراد دشمنان برآوردن است . سعدی

دوستی با دوستان خود چنان کن که اگر روزی دشمن تو شوند ترا زیان نرسانند و دشمنی با دشمنان چنان کن که اگر روزی دوست تو شوند از تو کینه نداشته باشند . حضرت امیرؑ

دوست را زود دشمن توان کرد، اما دشمن را دوست گردانیدن دشوار بود . قابوسنامه

دوست تو کسی است که هرگاه کلمه حق از تو بشنود خشمناک نشود . فیثاغورث

دوستی هنگامیکه بمرحله کمال رسید باکوچکترین رنجشی داستان گله آغاز میگردد . دیل کارنگی

دوستی و دشمنی اشخاص احساساتی قابل دوام نیست . محمد معود

دوستی که از او بتو سودی نمیرسد، از دشمنی او نیز ترا زیانی نخواهد رسید . کیقباد

دوستان را چنان تقویت مکن که دشمنی توانند کرد . سعدی

زیاد عیب رفیق خود را جستجو مکن وگرنه همیشه بی رفیق خواهی ماند زیرا احدی خالی از عیب نیست . حضرت صادقؑ

سوراخ سوزن برای دو دوست باندازه کافی گشاد است و سراسر دنیا برای دو دشمن تنگ . مثل ایرانی

شربت شهادت نوشیدن بهتر از آنست که انسان تسلیم دشمن شود . ؟

ضررهای دشمن بسیار و عداوت مطلقاً از همه کس، با همه کس نامبارک است . خواجه نظام الملک

عالیترین نشئه ها و ظالمترین دشمنان عشق است . بامی لی

عالیترین سلاح برای مغلوب کردن دشمن خونسردی است . — مثل انگلیسی

عاقل از دشمن عبرت میگیرد . — مثل یونانی

عادت ، اول دوست انسان است ، بعد دشمن او . — مثل اسکاتلندی

عیب خود را از دوست بپرس که ببیند و نگوید و از دشمنان تفحص کن تا بگویند . — ؟

عیب دشمن زودتر از محاسن دوست آشکار میشود . — مثل سوئدی

غریب در دنیا کسی است که دوست ندارد . — بوذرجمهر

فایده ای که عاقل از دشمنانش میبرد بیش از سودی است که نادان از دوستانش میبرد . — ابومسلم خراسانی

قرض مخرّب خانواده ها و مقراض دوستی است . — حضرت امیر(ع)

قلبی که دوست ندارد ، خاطره ای نیز ندارد . — مثونل کوینه

کسی را که بدوستی گرفتی نه با او مزاح کن و نه جدل . — حضرت صادق(ع)

کسی را که همساز و همطراز تو نیست بدوستی مپذیر . — کنفوسیوس

کینه پنهان نمی ماند . — شکسپیر

کینه و تنفر را بکسانی واگذار کنید که نمیتوانند دوست بدارند . — هوگو

بکوچ و مفسد و شدید العداوت نباشید و سینه را رازدان کینه مسازید . — ؟

مردم باشخص ما دوست نیستند با سعادت ما دوستی دارند . ناپلئون

نایابترین چیزها ، صمیمیت ویگانگی است . ناپلئون

وحشت تنهائی وقتی است که کسی را دوست نداشته باشیم . محمد حجازی

وقتی با کسی دوست شدی ، با او مجادله ورقابت مکن و برا و برتری مجوی . و از هیچ کس درباره او پرس ، چه
ممکن است یکی از دشمنان او برخوری وسخنی درباره وی بخطا گوید و میان شما را تفرقه اندازد . حضرت محمد

وقتیکه کینه ما بسیار شدید باشد ما را پست تر از اشخاصی میکند که طرف کینه و تحقیر ما قرار گرفته باشند . لادشفوگو

هرکه به گفتار سخن چین گوش کند ، دوستان خویش را از دست میدهد . حضرت امیر

هرگاه بنام قرض بدوست خود پول دهی بگمان یا دوست را از دست خواهی داد یا پول را . ؟

هرکه با بدان نشیند ، اگر طبیعت ایشان را هم نگیرد ، بطریقت ایشان متهم گردد . سعدی

هرکه با دشمنان صلح میکند سر آزار دوستان دارد . سعدی

هر ملتی دو نوع دشمن خونی دارد ، دسته ای که بقانون پشت پا میزنند و دسته دیگر کسانیکه با دقت بیش از حد
آن را اجرا میکنند . الفرکاپو

همانقدر که دشمنان زیادند ، دوستان کم و انگشت شمارند ، پیدا کردن یک دوست از مشکلترین کارهاست
اگر پیدا کردید قدر آنرا بدانید . لرد آویبوری

از فروت نیست گر دادن بر بهت دشمن
تا توانی خاری ز راه دشمنان برداشتن

میرزا اسدالله

زحمتی در رنگم همیشه دل سیاهت
فدای همت آن دشمنی که یگرنگ است

مجیب یغمائی

با دشمن وحشت گر شدی نرم چو موم
چون نقش نگین شوی نگین شرم چو موم
با خصم همیشه بش سرسخت چو سنگ
با همت همیشه بش دل نرم چو موم

فرخی یزدی

همتی با همه دل ناگهت
دشمن دانا به از نادان دوست
دشمن دانا بلندت میکند
بر زمینت میزند نادان دوست

؟

ز بس نامه می از چشم نرم همه ماند دیرم
گر بر گی گذارم پا ز زخم خار میترسم

صائب تبریزی

دوستی

آدمی باید همه را برادر خود بداند . کنفوسیوس

آدم پاکدل با مردم دنیا چنان رفتار میکند که گوئی با همه دوست و آشناست . محمد حجازی

آنانکه سفها و نادانان را بدوستی گیرند خوار و بیمقدار شوند . امام صادق(ع)

آنچه مردم دوستی میخوانند چیزی غیر از نفع شخصی نیست . دوستی خودپرستی انسان است که میخواهد از دیگران بعنوان دوستی متمتع گردد . لاروشفوکو

آنکس که در هر جا دوستانی دارد ، همه جا را دوست داشتنی مییابد . مثل چینی

آنکه با تو در دوستی میزند با وی دوستی گیر که اینگونه دوستی پایدارتر است . حضرت محمد(ص)

از دوست نباید بیش از آن خواست که از نسیم صبح و بوی گل توقع داریم . محمد حجازی

از سلامتی خود مواظبت میکنیم ، برای روز مبادا پول ذخیره میکنیم ، سقف خانه را تعمیر میکنیم و لباس کافی میپوشیم ولی کیست که در بند آن باشد که بهترین دارائی یعنی دوست را بصورتی عاقلانه برای خود فراهم کند؟ . امرسون

اگر دوست را با دشمن بینی ، خاطر گرانمدار چرا که اگر با تو دوست است نگذارد دشمن تو اندیشه بد نماید و آزاری نرساند و اگر دوست

نباشد چنین کسی را بدشمن ارزانی دار .

؟

اگر هرکس همه کس را دوست میداشت همه کس صاحب دنیا میشد . شیللر

اگر در بارهٔ دوست خواستی قضاوت کنی احمقی بیش نیستی زیرا اگر غلط گفته باشی گناهیست نابخشودنی و اگر راست گفته باشی

چرا او را بدوستی خود برگزیده ای . مثل عربی

اگر دوست تو مرتکب خطائی شد از دوستی او صرف نظر مکن زیرا که انسان در معرض خطا است "تا میتوانی دوست

برای خودت آماده کن نه از برای مالت . فیثاغورث

اگر بدوستی علاقمندی از خواهش و اصرار او آزار نرسان که از چشم او میافتی .

اگر میخواهید شما را دوست بدارند اشتباهات خود را پیش از محسنات خود نمایان سازید . بارون لیتون

اگر مردم یکدیگر را دوست میداشتند تمام مسائل انسانیت حل میشد . ل دوپره

انسان بهمان نسبت که میتواند دوست داشته باشد وجود دارد . کریستین

انسان برای اینکه بتواند با روح عالمگیر حقیقت مواجه گردد باستی بتواند پست ترین مخلوقات را چون خود دوست بدارد گاندی

انسان قبل از اینکه بتواند دیگران را دوست بدارد باید قدری بخودش علاقه داشته باشد . غ - د

انسان باید دیگران را از بلندترین ارتفاع که ممکن است دوست داشته و با علو همت درباره آنان رفتار نماید تا وقتی میتواند

از راه عشق دیگران را دوست داشته باشد. نباید در سایهٔ ترحم و شفقت آنها را دوست بدارد تا وقتی میتواند از راه عدالت

بدیگران ببخشاید، از راه احسان نباید بخشید، تا وقتی میتواند بدیگران احترام بگذارد نباید درصدد دلجوئی و تسلی آنان باشد تا هرگز

ای فرزندان، رشته های دوستی را هرکجا پاره شد پیوند زنید و هرجا سست شد محکم کنید .

با دوستان بخوبی ایشان زیست کن و چون آنمقدار مال نداشته باشی که بدوستان بذل کنی در خوشروئی و خوشخوئی با ایشان تقصیر مکن که هم بدان صفت ترا دوست خواهند داشت . لقمان حکیم

با چه کسانی دوست و رفیق میباشی تا بگویم چگونه آدمی هستی . امرسون

بدوست خود دروغ بگو اگر آنرا افشا نکرد میتوانی حقیقت را بعداً باو بگوئی . ؟

بدوستی که بعد از عشق بین دو نفر حکمفرما میشود باید عقیده داشت . الکساندر دوما

برادر کسی است که در سختی برادری کند . حضرت امیرؑ

بررسی حال مردم بکن و آنگاه دوست مباش . حضرت صادقؑ

برادران و رفقای صمیمی سه نوع میباشند ۱- کسیکه مانند غذا بآن نیازمندی و آن رفیق عاقل است ۲- کسیکه وجود او برای انسان بمنزله بیماری مزاحم است و آن رفیق احمق است ۳- کسیکه وجودش بمنزله داروی شفابخش است و آن رفیق روشنفکر است . امام صادقؑ

برای اینکه دوست پیدا کنی باید خود را لایق و آماده دوستی بار بیاوری . مودا

برای برقراری روابط دوستانه طرح و حل اختلافات مفیدتر از سرپوش گذاردن بر روی آنها نیست . سولون

بزیارت دوستان خود کمتر روتا دوستی میانهٔ تو و ایشان فزونی گیرد . حضرت محمدؐ

بگذار که دوستی کم کم باوج خود برسد اگر این رسیدن برق آسا باشد ناگهان از نفس میافتد و متوقف میشود . ولتر

بهترین برادران شما کسی است که عیوبتان را بشما گوشزد کند . حضرت محمدؐ

بهترین دوست تو آنکس است که عیوب ترا نزد تو هدیه فرستد . حضرت صادقؑ

بهترین دوستان من کسانی هستند که پیشانی و ابروهای آنها بازاست . هوگو

بهترین و حقیقی ترین دوستانم از تهی دستانند . توانگران از دوستی چیزی نمیدانند . موزارت

پای خود را دوست خود گردان . مثل اسکاتلندی

پرسیدم دوست بهتر است یا برادر؟ گفت ، دوست برادری است که انسان مطابق میل خود انتخاب میکند . این فکر تا انسان دوست نداشته باشد نمی فهمد . لامارتین

ترس بیش از یک ثانیه کار گر نیست ، دوستی یک عمر پایدار است . سعید نفیسی

جان را فدای یاران موافق کنید . افلاطون

چشم بمال مردم نداشته باش تا در دوستی تو بکوشند . حضرت محمدؐ

چنانچه شفای بدن باد واها باشد ، نشاط و بقای نفس نیز با دوستان بود پس زیاد گردانید دوستان خود را . ؟

چون دوستی اختیار کنی در حال غضب وی را امتحان کن اگر با انصاف باشد دوستی را شاید و اگر نه از وی بر حذر باش . لقمان

چهارمین دوست کسی باشد که سه دوست خود را از دست داده است . لاواتر

داشتن یک دوست حقیقی از همه چیز گرانبهاتر است و کمتر کسی هم درصدد بدست آوردنش میباشد . لارشفوکو

در موقع انتخاب رفیق همواره بکوشید تا کسانی را که بهتر و بزرگتر و فاضل تر هستند رفیق خود سازید تا در زیر کیمیای مصاحبت و

اخلاق و فضیلت آنها مس وجود شما زر گردد . کاظم زاده ایرانشهر

در انتخاب دوست شتاب مورزید و به تعجیل از آنان روی نگردانید . سولون

دوستی حقیقی مانند نهالیست که در کوهستان بروید بمجرد اینکه ریشه های خود را لابلای صخره ها کوفت متصل کرد . دیگر طوفانهای

سخت و بادهای تند قادر بکندن آن نخواهند بود . اندره توریه

دوست بدارید در حیات بشر زیباتر از این چیزی نیست . ژرژ سانه

دوست داشتن بدون امید باز هم یک خوشبختی است . بالزاک

دوست کسی است که من با او میتوانم ضمیمی باشم و جلو او با صدای بلند فکر کنم . امرسون

دوستان حقیقی اگر از دیده بروند از دل نخواهند رفت . سیسرون

روشنی دوستی بروشنی فسفر میماند که چون همه جا در اطراف ما تاریک شود روشنی آن آشکار میشود . کروول

دوستان در زندان بکار آیند که بر سر سفره همه دشمنان دوست نمایند . سعدی

زینت منزل دوستانی هستند که با آنجا رفت و آمد دارند . امرسون

سه نوع دوستی هست که در همه جا با ارزش و سودبخش است و سه نوع دوستی دیگر است که زیان و پشیمانی میدهد.
دوستی با کسانیکه در دوستی خود پایدار و باوفا هستند. و با کسانیکه در کار و راستگویند و با آنانکه تجربه های بسیار دارند
سودبخش است لیکن دوستی با مردمان چاپلوس و دورو و یاوه گو بدبختی و رسوائی بار آورد . کنفوسیوس

دل دوستان آزردن مراد دشمنان برآوردن است . سعدی

دوست کسی است که قدر مرا میداند و برای من ارزش قائل است . آلبرت هوبارد

دوستی با افراد بد مانند سایه بامدادی است که در هر ساعت رو بکاهش میگذارد. دوستی با افراد نیک مانند سایه
عصر است که تا غروب آفتاب رو بافزایش میگذارد . هردد

دوستی چه موهبت گرانبهائی است که هیچ چیز با آن لاف برابری نمیتواند زد . هوراس

دوستان عبارت از خانواده ای هستند که انسان اعضای آن را باختیار خود انتخاب کرده است . آلفونس کار

دوست بجای چتر است که باید روزهای بارانی همراه شما باشد . پل نزولا

دوست بدارید تا شما را دوست بدارند . سنت اگوستن

دوستان دگونه اند یکی آنانکه همیشه شما را میخندانند از ایشان خیری نخواهید دید دیگر آنانکه عیب شما را میگویند و شما
را بتفکر وامیدارند قدر ایشان را بدانید . ابوالعلاء مصری

دوست صادق آنست که در غم و شادی ما شریک باشد خوشبختی ما را دوبرابر کند و یک نیمه از رنجمان را بدوش کشد. بایکن

دوستی را بعمری فراچنگ آرند نشاید که بیکدم بیازارند . سعدی

دوستانیکه داری و آنان را آزمودهای با قلابهای فولادین بجان و دل خود پیوسته نگاه دار . شکسپیر

دوست من کسی است که من میتوانم او را با اندیشه های برگزیدهٔ خویشتن شریک سازم . تورو

دوست واقعی ضعف شما را ستایش نمیکند بلکه میکوشد قدرت و نیروی شما را بیدار سازد . آرنولو کلاسکو

دوستی ها مانند خانه ها لباسهای ماشین های ما گاهی احتیاج بتعمیر دارند . دکتر جانسن

دوستی کسانیکه در هنگام برگشت روزگار با انسان همراهی کرده اند فراموش شدنی نیست . ؟

دوست در زمان است . مثل اسپانیائی

دوست را در ایام فلاکت و بدبختی قهرمان را در عرصهٔ کارزار . مرد درستکار را با اعطای و ام زن را در ایام بینوائی

و قوم خویش را در هنگام دچار شدن بزحمت و گرفتاری توان شناخت . ؟

دوستان را در خلوت تو بیخ کنید و در ملاء عام تحسین . لاتین

دوست مثل درشکه در روز بارانی کمیاب است . ولتر

دوستی اگر بخاطر جلب نفع باشد دوستی نیست بلکه تجارت است . ؟

دوستی مثل اسناد کهنه است قدمت تاریخ آنرا قیمتی میکند . گوته

دوست همه کس دوست هیچکس نیست . یوودالو

دوستی نعمت گرانبهائی است ، خوشبختی را دوبرابر میکند و بدبختی تخفیف میدهد . شکسپیر

دوست من فقط انکس را دوست میدارم که در همهٔ اوقات روز و شب فقط بخیر و صلاح دوست خود بیندیشد و برای خوشبخت کردن او همهٔ کوشش خود را بکار برد . موذ

دوستان را همیشه شانگوی که دوستی از شناخیزد و چنانکه عداوت از قدح و هجا . سقراط

دوست برادر است که انسان مطابق میل خود انتخاب میکند. انسان بواسطه خوبی یا بدی ضعف یا قدرت نمیتواند تنها زندگی کند ، برای خود باید دوست انتخاب کند . امیل ناگه

دوست کیفیتی است روحی که دو جسم را بهم می پیوندد و برای بقای دوستی دوستانمان باید فضیلت و ارزش یکدیگر را بشناسند و بدیده احترام بنگرند . ارسطو

دوستی ازدواج دو روح است و در آن طلاق و جدائی جایز نیست . ولتر

دوست از دوست حق گله گزاری دارد. گله گزاری دلیل دوستی و علاقه بدوام حسن مناسبات است . فرانسیس بایکون

دوستان واقعی در خدمتگزاری و فداکاری رقیب و حریفند و هیچ پاداشی نمیخواهند . سیسرون

دوستان خود را از بین طبقهٔ فقیر برگزینید چه صمیمیت در قلوب آنها بیشتر حکمفرماست . لارشفوکوله

دوست را دوست بدار ولی مراقب خود باش . مثل اسکاتلندی

دوستانت باید مثل کتابهائی که میخوانی کم باشند و برگزیده . مثل انگلیسی

دوست آنست که در مصیبت از کنار ما نرود . ؟

دوستی با اشخاصیکه در کار، وفادار و دانا هستند سودمند است. دوستی با اشخاصیکه خوش ظاهر و متملق و چرب زبانند زیان آور است . کنفوسیوس

دوستی براساس تقوی پایدار است و همینکه این با په لغزید بنای دوستی واژگون میشود . سیسرون

دوستان مهربان از برادران نامهربان بهترند . مثل چینی

دوستی گیاهی است که باید هر چند وقت آن را آبیاری کرد . ؟

درد ترحم هزار بار بیش از لذت غرور است؛ دوست داشتن با داشتن دوست داشتن است و دوست داشتن تسکین دوست داشتن . وینه

دو دوست مثل دو دستند که آلایش یکدیگر را میشویند . حضرت محمد

دوست حقیقی آنست که پشت سر دوست هم صدیق باشد . حضرت امیر

دوستان یک نفسند فقط جسمهای ایشان از هم جداست . حضرت امیر

دوست حقیقی آنست که در سه حال دوست خود را حفظ کند یکی در هنگام سختی که بر او پیش آید. دوم در غیاب او. سوم، بعد از وفاتش . حضرت امیر

دوستانت را در نظر خود ارزان میندیش و خود را نیز در نظر ایشان چنین مکن . ـــــ

صداقت و دوستی حدودی چند دارد اوّل آنکه آشکار او نهانش با تو یکی باشد دوّم آنکه زینت ترا زینت خود و عیب ترا عیب خود بداند. سوّم آنکه اگر مالی یا حکومتی بدست آورد در رفتار خود را با تو تغییر ندهد، چهارم آنکه هرچه که از دستش برآید از تو دریغ ندارد، پنجم آنکه در موقع بلا و سختی ترک یاری تو نکند و ترا بخود واگذارد . امام صادق ع

صفات هر کس مربوط به محسنات و نقایص اخلاقی دوستان اوست . کارلایل

عاجزترین مردم کسی است که از بدست آوردن برادران عاجز است و عاجزتر از این کسیکه دوست و برادری را که بدست آورده از دست بدهد . حضرت امیر ع

کدام دوست استوارتر و کدام یار مهربانتر کدام تدبیر بهتر . دوست گوهری استوارتر، یار کهن مهربانتر و تدبیر بخردان بهتر . ارسطاطالیس

کسانیکه دوستی را از زندگی برمیدارند مثل آنست که آفتاب را از عالم برداشته اند . سیسرون

کسیکه دوست میدارد همیشه در هاله ای نورانی زندگی میکند . آلفرد دوموسه

کسیکه دوستان خود را برای لغزش برای بدی یار میماند . حضرت امیر ع

کسیکه رفیق خوبی دارد احتیاج به آئینه ندارد . ؟

کسیکه صدقه میدهد دوستی و رفاقت درو مینماید . مثل تازی

گشادن عقده های درون در پیش دوستان دو تاثیر دارد: یکی آنکه شادی را دوبرابر میکند و دیگر آنکه غم را بدو نیم میسازد

زیرا آنکس که دوستان را در شادی خویش انباز میکند سرور خاطرش بثیر میشود و آنکه غم دل بیاری موافق

میگوید بار اندوه خویش را بسکتر خواهد یافت .

فرانسیس بایگون

ما بدیگران علاقه پیدا میکنیم وقتی که آنها بما علاقه بیابند .

پوبلی لیوس

مانند مادر یکه فرزند یگانهٔ خود را دوست دارد مرد نیز باید بر تو محبت خود را باطراف خویش بفشاند. خواه ا... دو

و خواه نشسته و یا خوابیده باشد .

بود ا

ما همیشه افرادیرا دوست میداریم که با نظر اعجاب و تحسین بما مینگرند ولی همیشه افرادیرا که با نظر تحسین با آنها نگاه

میکنیم دوست نمیداریم .

لاروشفوکوله

مرا اندکی دوست بدار ولی طولانی .

کریستوفر مارلو

مرد یکه خصلت نیک دارد هرگز تنها نمی ماند. زیرا همیشه دوستانی برای خود پیدا میکند .

کنفوسیوس

مردم هرکدام آرزوئی دارند یکی مال میخواهد، دیگری جمال، دیگری افتخار ولی بعقیده من دوست خوب از تمام -

اینها بهتر است .

سقراط

مردم گمان میکنند تنها دوستی اشخاص بزرگ و معروف برایشان مفید است درصورتیکه اشخاص حقیر هم بنوبهٔ

خود میتوانند برای ما مفید باشند و افق حیاتمان را بنور و محبت روشن کنند .

لرد آویبوری

مشکلی که با دوست در میان بگذارند آسان میشود .

محمد حجازی

من در جهان یکدوست داشته ام وآنهم خودم بوده ام . — ناپلئون

نشان دوست نیکو آنست که خطای تو پوشد و ترا پند دهد و رازت را آشکار نکند . — بوعلی سینا

نهال دوستی واقعی آهسته رشد میکند . — ژرژواشنگون

نوع دوستی بهترین و عالیترین احساس انسانی است . — هوم

وقتی دو دوست باهم صمیمی شوند مرگ یکی فقط تألم خاطر دیگری را فراهم میآورد ولی فراق هر دو را متأثر میسازد . — لادشفوگو

هدیه دوستی را میپروراند و تجدید میکند برادری را و میبرد کینه را . — حضرت محمد

هدف نهائی مبارزه ما دوستی با تمام مردم دنیاست . — گاندی

هر کس را بقدر یکه احترامت میکند دیدن کن . — حضرت امیر

هر قدر بیشتر کسیرا دوست داشته باشید کمتر مغرورش میکنید . — مولیر

هر چه دوستان یکرنگی بیشتر باشند امیدواری بزندگی فزونتر است . — اخلاق روحی

هر که بیشتر دوست بدارد بیشتر محروم است و رنج خواهد برد . — توماس مان

هر کس باید با تمام قوت مردم را دوست بدارد . — کنفوسیوس

هرگاه میخواهی با کسی دوستی کنی بیشتر از همه ببین که فهم او چه اندازه است . نیک و بد را درچه میداند افتخار و اهانت را چه میشمارد ، نیکبختی و بدبختی او درچه چیزاست ؟ . — مارک اورل

هرچه از دوست میرسد نیکوست .

هرچه دوستانتان کمتر باشند بقدر قیمت دوستی بیشتری خواهید برد .

هر کس برای خود نقصی دارد و آن کسیکه خواستار دوست بدون عیبی باشد هرگز بآنچه میخواهد نخواهد رسید ، ما خود را

با همهٔ عیوبی که داریم دوست میداریم و دوستانمان را نیز باید بهمین شکل دوست داشته باشیم . سایرس

همنشین نیک غنیمتی است . حضرت امیر

همه را دوست بدارید و خوبیهای دیگران را ببینید و بزبان بیاورید تا طرف توجه و محبوب همه باشید . هیلن شاختر

همسایهات را مثل خودت دوست بدار . انجیل

همانطور که عشقهای حقیقی کمیاب است دوستیهای حقیقی نیز کمیاب است . رالف شفوگو

همه چیز میگذرد حتی صحبت ها و بوسه ها و در برگرفتن ها و سایر تظاهرات عشق جسمانی اما رشتهٔ دوستی و روحی که یکبار همدیگر را

در آغوش کشیده و بحقیقت یکدیگر را شناخته اند هرگز گسیخته نمیشود . رومن رولان

یقین داشته باش که آن کسیکه در خلوت عیبهای ترا بازگو میکند دوست تو است چه خود را با خشم و کینهٔ تو روبرو میسازد

و از این کار هیچ باک ندارد . کمند کسانیکه بتوانند چنین وضعی را تحمل کنند و بیشترین مردمان طالب شنیدن ستایشند .

و این ستایش دوستی یکی از بلاهائی است که بیش از هر چیز نوع بشر را می فریبد و جادو میکند . لئو تولستوی

یکی از سخت ترین آزمایش های دوستی آنست که بدوستان معایبشان را بگوئید . دوستی آنستکه شما کسی را چنان دوست

بدارید که میل نداشته باشید در او عیبی به بینید و با او با لطف و مهربانی حقیقت دردناک را بگوئید . بیچر

یکدوست خوب باندازهٔ صد قوم و خویش ارزش دارد . مثل فرانسوی

یکی از بزرگترین مسرّات دنیا این است که گروهی از دوستان در یکجا جمع شوند و ساعات فراغت را به سخنان شیرین و دلپذیر بگذرانند . لرد آویبوری

یگانه راه دوست پیدا کردن اینست اوّل خودمان اظهار دوستی کنیم . امرسون

از نسبی که مهر تو مدل جا گرفته است
جانی بلای کینهٔ دشمن نمانده است

ظهیری کرجانی

از عشق روی تست صدیقی هر بیت ما
صیدیست بس شگرف نه در خورد شست ما

میدان مهر او نه بگام سمند ماست
درع وفای او نه ببالای پست ما

سید حسن غزنوی

ای پیک عاشقان گذری کن بسام خویش
بر گه بنده وار بکه مقام خویش

گه سوی احمت طواف کن و بنگر و ببین
کز بار و بار نامه و کز احتشام خویش

خواهی که روان شود بکوی تو
همراه خویش کن بسوی سلام خویش

بنمای مسار چشم من از سوی چشم من
بهتر ز تو تتبع نبود گه کام خویش

سید حسن غزنوی

بر ورگه رجز خوانی ببازی کمان کشی
به بین فرشته خصالند یا که دیو و ددند

بهای خویش رفیق شفیق گلچین کن
زمی مکن هنر پیشه از هنر و با خرد نز

ملامتت نکنند ار بر نرد خویشتنت
باختیار بهای تو منتخب نشد نز

ولی به یک دو بر همنشین تو تسلی
به همنشینی مردم، باختیار خود نز

معاشران تو گر چند تن زیکدیلند
غمت مباد که ابنای روزگار برند

شیخ الرئیس ابن سینا

تقدیم همت کدم تصویر خویشتن را
تا روی من ببوسد آن روی چون پرن را

ادیب الممالک فراهانی

دنیا خوش است و مال عزیز است و تن شریف
لیکن رفیق را بهمه چیز تقدم است

سعدی

شعله ها خیزد از جانم در طواف کوی همت
نالهٔ رفعیم گزارادت صقعه برانیزد زنم

عبدالواسع جبلی

عشق آمد و شد چو خونم اندر رگ و پیوست
تا کرد مرا تهی و پر کرد ز محبت

اجزای وجودم همه حرف گرفت
نامیست ز من بر من و باقی همه اوست

نجم الدین رازی

گم کن همه هستی که مرا اختیار نیست
کاین دل ز محبت بفرمان نمی رود

گر بی تو در بهشت مرا دعوتی کنند
گویم که این ضعیف بزندان نمی رود

بهرام تبریزی

من چه گویم یک رگم هشیار نیست — شرح آن یاری که او را یار نیست

سعدی

می‌رود دو میرود هم سوی تست — تا کشد در خشم گیسوی تست

عقل کی عشق و جنون از کی؟ — عشق کی صبر و سکون از کی؟

شرط و فا نیست شکایت ز جفت — گر نکند میکند آن هم نکوست

حسین قزوینی

گر بر رفیقان نبشتی شفق — بفرستی گریزد از نور فرق

گه گهی چه بر صلت ای رفیق — نیاساید همت عشق غریق

سعدی

هر که بی‌بال گرفتند در راه همت — ره زن حرمان نشد و نامه او

مولوی

یارب مبادا شکوه خشم زشت سرزنت — آن تند خو گر چه دلم روبروست

لطیب بیضایی

رازداری

آنکه راز خود را پنهان میکند کلید موفقیت را در دست دارد . — حضرت امیرؑ

آنچه را که یکنفر میداند هیچکس نمیداند ولی اگر دو نفر بدانند همه کس میداند . — مثل سوئدی

از بدترین کارها آلودن دست بچیزی است که بامانت به شما سپرده باشند — حضرت امیرؑ

از نزدیکی بکسی که قادر بحفظ اسرار و رموز زندگی خود نیست پرهیز نما . — افلاطون

اسرار خود را بدیگری مگوی زیرا سینه ایکه در حفظ راز خود بسته آید نبادار حوصله بیگانگان انتظار امانت داشته باشد — حضرت امیرؑ

اسرار شخص حال زندانیان را دارند که چون رها شوند تسلط بر آنها غیر ممکن است . — شوپنهاور

اگر خواهی سرت بجای خود ماند سر نگهدار باش . ؟

اگر کسی خواست سر خود را به شما بسپارد فرار کند میخواهد مار گنجی را که خود نمیتواند ببرد بدوش شما بگذارد . — حجازی

اگر خواهی راز تو را دشمن نداند با دوست مگوی . ؟

اگر میخواهی از اسرار مردی واقف شوی فقط از همسایگانش سؤال کن . — مثل چینی

بدوست خود راز دل مگو که او نیز بدوست خود گوید . ؟

بسیاری از مردم راز های دیگران را بشما میگویند تا به شما ثابت کنند که میتوانید به صمیمیت ایشان اعتماد کنید و آنان

رازدار خود سازید .

اسکار وایلد

مالاترین رنگها نهان کردن رنگی است .

مثل انگلیسی

به زن لال هم اگر اسرار خود را بسپاری فاش میشود .

مثل انگلیسی

برای اینکه بتوانید بدون دغدغه و ناراحتی خیال زندگی کنید راز خود را بکسی نگوئید .

فلوریان

پرده اسرار کسی را ندرید .

حضرت محمد

پیروزی در پایان نگری است و پایان نگری در پایداری تدبیر و پایداری تدبیر در نگاه داری راز .

حضرت امیر

پرگو فقط رازی را که نمیداند حفظ خواهد کرد .

مثل آفریقائی

چه بسیار کسانیکه پزشک به بالین خود میخوانند درصورتیکه محتاج به یکنفر رازدار و ندیم هستند که درد دل آنها را بشنود .

دیل کارنگی

چگونه باور کنیم که دیگری راز ما را نگهداری خواهد کرد درصورتیکه خود مان از نگهداریش عاجز بودیم .

لادشفوکولد

راز موقع دوستی را در زمان دشمنی ابراز نمودن و راز شهامت و اخلاق جوانمردی است .

حضرت صادق

رازی که پنهان خواهی با کسی در میان منه اگرچه دوست مخلصت باشد که مرا دوست را نیز دوستان مخلصی باشد .

سعدی

راز با مرد ساده دل و بسیار گو و میخواره و پراکنده صحبت مگوی که این طایفه از مردم بر حفظ و کتمان آن قادر نباشند .

مرزبان نامه

راز چیزیست که درباره آن فقط این را میدانم که هست ولی از اینکه چیست آگاهی ندارم .

جوزف کوک

زیانی که از اظهار حقی متوجه من گردد بمراتب مرا گوارا و مطبوع‌تر است تا آنکه با اخفای مطلبی ضرری بحق برسانم. بتهون

راز چیزی است که بلای آن در محافظت است و هلاک آن در افشا. مرزبان نامه

رنگ رخساره خبر میدهد از سر ضمیر.

راز، بردهٔ تست ولی وقتیکه آنرا فاشش کردی تو برده اش میگردی. ؟

صاحبدلی را گفتند، چگونه راز نگاه میداری؟ گفت نخست ویرا در زندان سینه جای داده و پس بگور دل میسپارمش. ؟

فقط اموات اند که میتوانند در نگهداری اسرار بکوشند، بزنده ها نباید اعتماد کرد. کاترین رومدیس

فاش نکردن اسرار مردم دلیل کرامت و بلندی همت است. سقراط

قویترین رکن بنای مودت کتمان اسرار دوستان است. بزرگمهر

کسیکه نتواند راز خود را بپوشاند از نهفتن راز دیگران ناتوانتر است. حضرت امیر؛

کسیکه کوچکترین قسمت رازی را افاش کند، بقیه اش نیز در اختیار او نخواهد ماند. ریشتر

کسیکه راز خود را بپوشاند اختیار در دست اوست. ؟

گناه افشا شدن یک راز بگردن کسی است که اولین بار آنرا بدیگری سپرده است. کنگود

نگذارد دست چپ بفهمد که دست راست چه میکند. مثل یونانی

هر سخن که از زندان دهان بجست و هر تیری که از قبضهٔ کمان پرید پوشاندن آن سخن و بازآوردن آن تیر دست مذهب کلیسا ودن

هر چیز را که نگهبان بیشتر بود استوارتر گردد. مگر راز که نگهدار آن هر چند زیاد باشد آشکارتر گردد. افلاطون

هر کس که راز دیگران آگاه گشت اگر آن راز را نگشاید مانند آنست که بخیانت و نابکاری آلوده شده باشد. ؟

هر آن سری که داری با دوست در میان منه چه دانی وقتی دشمن تو گردد و هرگز مذمتی که توانی بدشمن مرسان که باشد وقتی دوست گردد. سعدی

هیچ حزار اسراریکه نباید فاش شود سنگین تر نیست. مثل فرانسه

یکبار پشیمان نشدم که چرا نگفتم ولی بارها ندامت بردم بر آنچه گفتم. ؟

اگر کام خواهی در این آب و گل — نگوئی نتوانی نکبی راز دل

مگو راز دل هیچ اگر نشنوی — از آن گفتن آخر پشیمان شوی

بروست گرچه عزیز است راز دل من * که هست نیز مگو بیرو دوست من عزیز

سعدی

چه در امت آنچه در این عالم است — راز نهان هم دل تو محرم است

مصلحت تست زبان زیر کام — تیغ پسندیده بود در نیام

چیز دل تو بند نزارد زبان — بند چه جوئی ز دل دیگران

نظامی

سه در میان راز با هر کسی — که جاسوس همکاسه دیرم بسی

از این آشنایان بیگانه خوی — در و لیکی مگر یک زبانی مجوی

اگر جز تو داند که عزم تو چیست؟ — بر آن رای و دانش بباید گریست

سعدی

نهان سرت گشته رکت اسرار — اگر سر بایدت رو سر نگهدار

زبان در بسته بهتر سر نهفته — نماند سر چو شد اسرار گفته

خامشی به که ضمیر دل خویش — با کسی گفتن و گفتنش که مگوی

ای سلیمان آب زسر چشمه ببند — که چه پرسد تو ز نالهٔ لب جوی

سعدی

آن شنیدم که گفت دستارخی — با رفیقی ز آن خود رازی

گفت این راز را بگوئی باز — گفت من کی شنیده ام ز تو راز

شرری بود در هوا افتاد — در تو ناداد این زمان و در من مه

جامی

غلامی بطبق میرفت خاموش — طبق را سر بپوشیده بسر پوش

یکی گفت چه داری بر طبق تو؟ — مگر گرگی بگو با من بحق تو

غلامش گفت ای سرگشته خاموش — چو پوشیده از این را بسر پوش

ز روی عقل اگر باشی این راز — که تو دانسته بودی مشو باز

عطار نیشابوری

چنین شنیدی راز کس با کسی مگوی — ور گفتند از تو بگذر به جستجوی

گوش آنکس نوشد اسرار صهبا دل — کو چو سوسن صد زبان افتد دلال جهت الله طوقی

راستکاری - درستکاری

آنچه را میزبان، خرج خودنمائی میکند، حق ندارد بحساب میهمان نوازی بگذارد . حجازی

از مردم طماع راستی مجوی و از بی اصل وفا مخواه . محمد غزالی

افراد نادرست معایب خویش را از خود و دیگران پنهان میدارند ولی درستکاران به معایب خود واقف و بدان معترف هستند . لاوتسه گو

اگر میخواهی مرا بفریبی نخست بدان که خویشتن را فریفته ای . سعید نفیسی

اگر میبایست من از میان سیصد شعر حماسی یک جمله را برگزینم که تمام تعلیماتم را در بر داشته باشد این جمله را برمیگزینم

هیچ اندیشهٔ بدی را در سر یا در دل خود جای مده . . کنفوسیوس

اگر دروغ میرهاند راست همیشه رهاننده است . ؟

انسان باید از هر حیث چه ظاهر و چه باطن آراسته باشد . چخوف

ای راستی شکوهمنش پاک را از آن من ساز . زرتشت

بحث کنید و اندیشه ها را بایگدیگر بسنجید تا از آن سیانه راستی زاید . حضرت علی (ع)

پرهیزگاری جان و تن را آسایش میبخشد . — حضرت محمدؐ

پرهیزگار باش که هرگز هیچ پرهیزگار را درستی نمیرد . — غزالی طوسی

چنان نمای که هستی نه چنان باش که مینمائی . — بایزید بسطامی

خانهٔ درد و تقلب بالاخره روزی زیر و زبر خواهد شد ولی سرای درستی و کاخ امانت محکم و پابرجاست . — حضرت محمدؐ

خوشا بحال نادرستی که در اولین نیرنگ بدام بیفتد . — حجازی

در گفتار خود راست و در رفتار و کردار خویش پاک و بی آلایش باشید . — حضرت امیرؑ

در زیر آسمان کبود همه چیز ممکن است حتی غلبهٔ راستی بر دروغ . — آناتول فرانس

راستی دارویی است که رستگار کند . — حضرت علیؑ

راستی نخستین چیزی است که انسان باید بجستجویش برخیزد . — گاندی

راستی مثل گنج است هرقدر ظاهر شود طرفدارانش بیشتر میشود و دروغ مثل شعلهٔ پنهان آتش است که وقتی ظاهر شد سورنش و تباهی بیشتری همراه دارد . — ارسطو

راستی مانند گوهری است که در روز روشن قدر و قیمتش بیشتر معلوم میشود . — بایگون

راستی یگانه فضیلت است، راستی شادمانی است شادمانی از آن کسی که همیشه راستگو و درست کردار است . — زرتشت

میتوانم قول بدهم که صاف و صریح باشم در عین آنکه ممکن است بیطرف هم نبوده باشم . — گوته

مرد آزاده شرم دارد از اینکه سخنانش از حدود اعمال او تجاوز کند. یعنی گفتار او با کردار او راست نیاید . کنفوسیوس

معنی زیستن رنج بردن است ، مرد درستکار پیوسته با نفس خود میجنگد تا بر خود فرمانروا گردد . ناپلئون

ممکن است دروغ یکسال بدود ولی راستی در یک روز از او جلو میافتد . مثل آفریقا

ناتوانان نمیتوانند راستگو باشند . لارشفوکو

نیمی از بدبختی های جهان از آنجا میاید که ما شجاعت آنرا نداریم که آشکارا و با روح محبت راست بگوئیم و راست بشنویم . ؟

وای بر کسیکه آثار خوبان دارد ولی خوب نیست . ؟

وسائل شناختن راستی همانقدر ساده است که سخت مینماید . گاندی

وقتی نفس تو را براه خطا میخواند بگو: نه آنوقت به بین چه آسوده خواهی زیست . ؟

هر کجا که زندگی تظاهر کند هر چه تلخ باشد حقیقت در همانجاست یگانه آرزویم اینست که هوشمند و راستگو باشم ولی بیم آن دارم که این صفات در من وجود نداشته باشد . موسورسکی

هرگز نخواهم صفت خوبی را در دیگران نشناسم مگر اینکه از آن بوئی برده باشم . چینگ

هیچکس مجبور و موظف نیست که در دنیا بزرگ و متمول و یا عالم و عاقل بشود ولی بر همه کس فرض و واجبست که در کار ها راستگو باشند . اسماعیل

هیچ چیز آسانتر از فریب دادن یک فرد در کار نیست . مثل اسپانیولی

یک دروغ میتواند هزار راستی را بکشد . مثل آفریقا

شنوده‌ای که این راز چیست — که گر نشنوی رنج تو بیرگ چیست

بگوی آنچه داری بدل راست را — که هر راست را بار نقش خط است

بسا راست کاشوب بهار است کژ — وزان گفته خصم آنچه منجر بدست

نه هر راست را بایر گفت تیز — مگر تا دروغی بجز راست چیز

کجا فتنه خیزد ز گفتار راست — خموشی گزین در سخن آنجا رواست

گروهی دروغی روا داشتند — بیک صابی آن خبر بازداشتند

دروغی کجا بهره آید از آن — به از راست کاشوب زاید از آن

منت راست گویم که چونین دروغ — گره بخشد هزار و فروغ

ز خوبی زیان خواستن بود بد است — ولی در بری هیچگه نیست بد

بهرام

مایه بسیکی دل اصهی مگوئی ز راستی راست

راستی هست جاکه باشد بیگوئی سیدا چند

راستی کنز تو بدل چنین چشم سر بنه توحتی

راستی در دل تو چشم دگر بنه چند

ناصر خسرو

طریق صدق بیاموز از آب صاف ایل

براستی طلب آزادگی ز سرو چمن

حافظ شیرازی

بگیتی کسی جاودان زنده نیست — که نفرین بر آن زندگانی که نیست

فخرالدین گرگانی

سخن راست خر نکوی است کز زهر آلوده بهتر است — جگر شیر بخون به که بجرات شنده

صنایی

ز نهار مگو سخن بجز راست — هر چند ترا در آن ضرر هاست

گفتار دروغ را اثر نیست — چیزی ز دروغ زشت تر نیست

تا پیشه تو است راستگوئی — هرگز نبری سیاه روئی

ادیب صابر

همه راستی کن که از راستی — بنا یابد کار را نرنشکستی

چو با راستی باشی و مرد حق — نبینی جز از خوبی و خرمی

رخ مرد تیره دارد دروغ — بهر نیشی که گیرد فروغ

فردوسی

دلت را بهست کز راستی — که هست از دروغ بدی بدتری

ناصرخسرو

روزنامه

از همهٔ سرگرمی ها که موجود میباشد روزنامه میتواند مشغول کننده تر باشد، خانه را از افسردگی و شکل دایمی آن بیرون میآورد و آدمی را به صحنه های شادتر و جاندار منتقل میکند. در روزگار دیگر با او همراه است و اگر چیزهائی بیشتر از امور پیش پا افتاده، در روزنامه باشد مرد کار را در کنار کارهای ماشینی روزنامه تفکر بر میانگیزد . سرجرشد

خوانندهٔ دقیق میتواند در یک سال از روزنامه ها بیش از آن چیزهای مفید بخواند و بیاموزد که دانشمندان از کتابخانه های بزرگ خود میآموزند . ف.ب.سبزن

در یک روزنامه باید خبر و اطلاع به حد اعلی باشد و تفسیر به حداقل . کایدن

در این روزگار ما بخاطر اندیشه ها میجنگیم و روزنامه ها سنگرهای ما هستند . هاینه

روزنامه باید خبرگزار باشد نه خبرساز، حقیقت و مایهٔ سرگرمی واقعی چندان زیاد است که نیازی به خیال پردازی و دروغسازی نیست و نشر خبر دروغ خیانت به حقیقت است . سایمونز

روزنامه بزرگترین مربی قرن نوزدهم است هیچ نیروئی با آن قابل مقایسه نیست هم کتاب است و هم کرسی خطابه و هم سکوی سخنرانی در میدان عمومی شهر . تالیج

روزنامه شگفت انگیزترین عجائب جهان نوین است خانواده ای که لااقل یک روزنامه را نخواند و در آن دقیق نشود در قرن نوزدهم زندگی نمیکند .

برود وس

روزنامه : اینها خلاصه وعصاره وقایع زمان است که فضیلت و رذیلت را بصورت واقعی آنها نمایش میدهد ، و روزگار را چنانکه هست مجسم میسازد .

شکسپیر

روزنامه ها آموزگاران مردم متعارفی هستند و برای آنان حکم ثروتی بیش از میلیون ها سکه طلا دارند .

بیچر

روزنامه ها دایرة المعارف های زندگی جهانند همه چیز را از چهارگوشه جهان برای ما نقل میکنند .

تراین واداردز

شرح دیوانگی ها و رذایل و بدبختیهای حاصل از آنها که در روزنامه ها درج میشود ، آثار ها و چراغ های خطری است که پیوسته میسوزد تا مردمان را از محلهای خطرناک دور نگاه دارند ، میخواهید با مردم درباره اخلاق سخن بشنوید ، تو سل به عمر و زید لازم نیست فقط یک روزنامه را بدست بگیرید و آنرا با دقت بخوانید تا آنچه میخواهید دستگیرتان شود .

جرج هربرت

مطبوعات روزنامه ای دانشگاه توده مردم است .

ح . سیرتن

یک روزنامه ، تاریخ یک روز از جهان است که در آن زندگی میکنیم و با آن بیش از روزهائی که گذشته و تنها در خاطرهٔ ما باقی مانده است سروکار داریم .

جورج هورن

زن

آنقدر که احساسات و اوهام در زنان اثر دارد امور معقوله مؤثر نیست . لارشفوکو

آزادی برای یک زن نجیب خطر بزرگیست . مثل روسی

اسکث در زن سبب تسکین آلام درونی میشود ولی در مرد مردانگی را تباه میسازد . ناپلئون

اگر زن نباشد و تبسم او بر ظلمات زندگی پرتوی نیفکند، تمام خوشیها بیروح و همه زیبائیها سرد میشود . ؟

اگر زن نبود نوابغ جهان را که پرورش میداد . ناپلئون

اگر زن با تقوا و خوش خلق کدبانوئی در خانه محقر و فقیری باشد آن خانه محل آسایش و فضیلت و خوشبختی میسازد . امرسن

اگر میخواهی اندازه تمدن و پیشرفت ملتی را بدانید، بزنان آن ملت بنگرید . ناپلئون

اگر تربیت زن و مرد یکسان بود نیمه دوم فراست آنان نیز برابر میشد . منتسکیو

اگر رسوم و قوانین جامعه را زیر پا میگذارند چندانهم گناهکار نیستند زیرا که این قوانین را مردان نوشته اند . مونتن

از خاندان متمول اسب بخر و از خاندان فقیر زن بگیر . مثل استونی

اسب بی لگام و زن بی ادب انسان را بنابودی میکشد . مثل چینی

ای زن اگر طلاق میخواهی بمادر شوهرت سلام مکن . مثل فرانسوی

بزرگترین دشمن زن بیحوصلگی اوست . پل ژانه

بزنان خود باحترام بنگرید. آنها گلهای آسمانی رادرحیات زمین میکارند وجامهٔ دلپذیروزیبای عشق رامیبافند و

درپردهٔ عفاف احساسات لطیف را میپرورانند . شیللر

بهراندازه که زن آرام ومطیع وباعصمت وباعفت است به همان اندازه قدرت فرمانروائی او شدیدتر و

استوارتر است . میشله

تاریخ زن تاریخ بدترین حکومتهای ظالمانه یعنی تسلط واقتدار ضعیف برقوی است وازآن بدتر اینکه تنها حکو

جابرانه ای است که دوام میابد . اسکاروایلد

تاوقتیکه زنان نیز درزمینه علم ودانش سخن خویش را نگفته اند نمیتوان ازدانش واقعی حرف زد . میشله

تقوی وپرهیزکاری برای یک دختر برازنده تراز هرجواهری است . آناتول فرانس

تمدن نتیجهٔ نفوذ زنان پارسا ست . امرسون

تنها وجود زنان است که باین زندگانی سراسر ملال قدر ومنزلتی میدهد اگر زن درجهان وجود نداشت

زندگی تحمل ناپذیر بود . آناتول فرانس

تواضع زینت زن است . مثل هندی

جای تأسف است که کسی غیر از مرد غرب بلد نیست چگونه زن را اداره کند . جورج کولمن

چیزیکه در زن قلب مرا تسخیر میکند مهربانی اوست نه روی زیبایش من زنی را بیشتر دوست دارم که مهربانتر باشد . بکشیر

چهرهٔ یک زن نمایندهٔ شوهر اوست و پیرامون یک مرد معرف زن اوست مثل یوگسلاوی

حساسیت عشق، تحمل و فداکاری زندگی زن را تشکیل میدهد . بالزاک

خانم، زیبائی شما فقط چشم را لذت میبخشد اما زیبائی اخلاق و فهم شما روح را نوازش میکند . ولتر

خوشبخت ترین زن کسی است که مرد را بعد از ازدواج بهترین مرد جهان بکند . نیوتن

خوشگلی زن زینتی است زوال پذیر ولی حسن اخلاق او نعمتی است لایزال . جرجی زیدان

خیلی ظالمانه است که مردان زنان را بواسطه خطاهایشان مجازات کنند در حالیکه خود شان مسبب این خطاها بوده اند
در بعضی جامعه ها که فعالیت زن و مرد مشترک و مثل هم میشود و زنها در ردیف مرد شده دولت از تمام احتیاجات آنها
حمایت میکند خود بخود لطافت زنانگی آنها از دست میرود . اسلامی ندوشن

در دنیا تنها دو چیز زیباست، زن و گل . مالرب

در آغاز همه کار مهم زن وجود دارد . لامارتین

در زنان هوش و در مردان قریحه و استعداد بیشتر است آنچه را زن با چشم دقت و بررسی می بیند، مرد با دیدهٔ
تعقل و اندیشه مینگرد . روسو

در دنیا هیچ منظره ای جالبتر از زنی که مشغول پختن غذا برای مرد محبوب خویش است وجود ندارد . توماس ولف

در انتخاب زن، پائین تر از خودت را در نظر بگیر و در انتخاب رفیق یک پله بالاتر . مثل چینی

رقابت و اختلاف بین زن و مرد همیشه وجود خواهد داشت این مسئله مهمی نیست فاجعه فقط وقتی بوجود میآید که یکی ازاین دو بر دیگری پیروز و حاکم شود . آرتور میلر

زن را محترم نمیدارد مگر مرد کریم و او را خوار نمی شمارد مگر شخص لئیم . حضرت محمد(ص)

زنان شمع و چراغ خانه اند . حضرت محمد(ص)

زن گردنبند مرد است. دقت کن چه چیز را در گردن می بندی . حضرت صادق(ع)

زن نیک آسایش مرد و آبادانی خانه و یاری دهنده بزیکوکاری است . هوشنگ شهریار

زن زیباترین و عزیزترین موجودات جهان است . کنفوسیوس

زن همیشه سن خود را از تاریخ ازدواج حساب میکند نه تاریخ تولد . ارهارد

زن پهلوانی است که دلیرترین مردان را در سخت ترین اوقات خشم آرام میکند . هرود

زنها علاقه زیادی به ریاضیات دارند زیرا آنها سن خود را تقسیم برد و قیمت لباسهایشان را ضرب در دو و حقوق شوهرانشان را ضرب در سه میکنند و پنجاه سال هم برسن بهترین دوستان خود میافزایند . مارسل آشار

زن بی رحم مجموعه تمام بدیهاست . لاتین

زن خود یکی از شاهکارهای طبیعت است و وقتی بمزایای اخلاق و ادب و بدایع صنعت و هنر و اشراقات عشق و تقوی آراسته گردید، مانند کوکب فروزان اقبال است که بالای سر هر کس طلوع کند اورا از روشنائی سعادت برخوردار خواهد گردانید .

نظام وفا کاشانی

زن فرشته ایست که در ایام طفولیت پرستار ما در دوران جوانی کامبخش ما و در روزگار پیری تسلیت دهنده ما .

زنیکه از غذای او تمجید کنند حاضر است که در کنار اجاق مطبخ خود را قربانی کند .

دیل کارنگی

زن عاقل خانه خود را آباد میکند و زن نادان آنرا بر باد میدهد .

تولستان برنارد

زنان بخوبی مردان میتوانند اسرار را حفظ کنند . ولی بیکدیگر میگویند تا در حفظ آن شریک باشند .

داستایوسکی

زنانی که میخواهند مرد باشند زنانی هستند که نمیدانند زن هستند .

الکساندر دوما

زن بهتر از مرد روحیه اطفال را می فهمد ولی مرد از زن به بچه شبیه تر است در مرد حقیقی روح طفل نهفته است و برای بازی روحش پرواز میکند .

نیچه

زن بهترین مربی و آموزگار انسانی است زیرا تعالیم و تربیت های وی بیش از تمام مربیان دیگر به جنبه محبت و انسانیت نزدیک میباشد .

استیل

زنان مرد صفت را دوست نمیدارم و همچنین از مردان زن صفت بیزارم هر کس باید در دنیا فقط نقش خود را بازی کند .

ناپلئون

زن کودکی است که با اندک تبسم خندان و با کمترین بی مهری گریان میشود . هرود

زن فرشته ایست که بر زندگانی انسان روح و بحیات بشری قیمت میدهد . محمدمسعود

زن آئینه ایستکه چهره های گرفته را خندان و صورتهای پیر را جوان نشان میدهد . هرود

زن حکم آب را دارد که از شدت لطافت در هر محیطی که قرار گیرد شکل مظروف را بخود میگیرد هر شوئی که از زن خود ناراضی است علت را در خود جستجو کند . هرود

زن برای آن آفریده نشده که وجودی عاطل و باطل باشد و فقط بدرد زینت و تفریح مرد بخورد . اسمایلز

زن مخلوقی است که عمیق ترمی بیند و مرد دور ترمی بیند و تنها کتابیست که جز بوسیله مهر و محبت خوانده نمیشود . کوایو

زن قبل از حدوث درد و غم از آن میترسد ولی پس از حدوث با کمال تحمل و بردباری مقاومت میکند و بهمین جهت است که زنها برای پرستاری مریضها از مردان بمراتب بهتر و بردبارترند . بالزاک

زن در کلیه اعمال انسان سهیم است . ارتست ناویل

زن چه بسا کارهای بزرگ و درخشانی را بما الهام میدهد که اگر او نبود از انجام آن سر باز میزدیم . الکساندر دوما پدر

زن وقتیکه دوست بدارد غیر از محبوب خود چیزی را نمی بیند و هرچه عاطفه مهربانی و نوازش و فداکاری دارد تنها برای او بکار میبرد . آلفونس دوده

زن مانند شیشه ظریف و شکستنی است هرگز توانائی مقاومت او را نیاز مائید زیرا ممکن است شیشه ناگهان بشکند . سروانتس

زن مخلوقی است که در او لطیف ترین و صمیمی ترین فضائل را میتوان پیدا کرد . جولیون

زن مخزن اسرار خلقت است . کارل کونز وکو

زن شریک زندگی و یار ساعات درماندگی است . کوته

زن یگانه وجودیست که حقیقت عشق پاک را میشناسد . شیللر

زنان پاک دامن حربهٔ بزرگی در دستهای ظریف خود دارند که برنیرومندترین مردان غالب میشود . میرابو

زن خوش زبان و باتقوی تاجی است بر تارک شوهر خویش . ؟

زیبائی در زن بدون وقار مانند تور ماهیگیری فرسوده و سوراخ سوراخ است . امرسون

زن و پرنده بدون آنکه به عقب برگردند میتوانند بپرند . مثل فرانسوی

زن خوب از سه کس اطاعت میکند، شوهر، پدر، فرزند . مثل ژاپنی

زن کلید خانه است مواظب باش آنرا گم نکنی . مثل ژاپنی

زن عاقل با شوهر بی پول خوب میسازد . مثل روسی

سوزانترین آرزوی زن اینستکه او را بحساب آورند و بخواهند . والتر وینچل

شرح زندگی خوشبخت ترین زنان مانند تاریخ خوشبخت ترین ملل خالی از وقایع و حوادث است . ژرژ الیوت

شیرین ترین چیز در زندگی عشق زن پاکدل بشوهرش بود . ولتر

شیرین کلامی توأم با حیاء زیباترین زینت زنان است . اوریپید

شیرین ترین سخنان در زندگی خوش آمدگوئی بی غل و غش زن بشوهر خویش است . جرج ولز

قلب زن پرتگاهی است که عمقش را نمیتوان تخمین زد . لافونتن

کسیکه زن خوب بدست آورد بزرگترین سرمایه را بدست آورده است . مثل چینی

گلهای قشنگی وجود دارند که معطر نیستند و زنان زیبائی هم وجود دارند که دوست داشتنی نیستند . هوگو

گرانبهاترین زینت برای زن که هیچ زنی از آن برخوردار نیست سکوت است . مثل یونانی

مردان آفریننده کارهای مهم و زنان بوجود آورندهٔ مردان . رومن رولان

مردان قانون وضع میکنند زنان اخلاق بوجود میآورند . کوندورسیه

من به هیچ زنی برنخورده ام که چیزی از بزرگی در او نباشد . مترلینگ

نخستین کسیکه میتواند زن را فریب دهد خود اوست . لافونتن

وقتی زنی واقعاً مردی را دوست میدارد که مرد بتواند هر کاری را که او بخواهد برایش انجام دهد . ؟

همسر خوب بهترین یاور در یک صحرای سنگلاخ و پر مخاطر زندگی است . اسمایلز

هیچ فضیلتی نمیتواند در زن کمبود مهربانی او را جبران سازد . میس اوژه وادت

هیچوقت نمیتوانستم تصور کنم که تمام سرور زندگانی و همه سعادت حیات در واژه « زن » نهفته است . سنکویچ

هیچ جا دیده نشده است که زنی صد درصد زیبا باشد و مسلماً هیچ جا هم زنی نیست که صد درصد زشت باشد. شاد

یک زن چیزی جز شوهر نمیخواهد ولی وقتی که باو رسید همه چیز میخواهد . شکسپیر

یک زن کامل کسی است که بداند چگونه فرمانروائی کند . هوگو

زن خوب فرشته‌ایست پارسا کند مرد درویش را پادشا

سعدی

زندگی

آموزش و پرورش البته مهم است ولی زندگی کردن خیلی از آن مهمتر است. بنابراین هدف آموزش و پرورش صحیح باید در مرحله اول بهبودی وضع زندگی باشد .

جان دیوش

آنان که زندگانی را بستری از گلهای سرخ میدانند همیشه از خارهای آن شکایت دارند .

ویلیام آلن وایت

آرزوهای ما امیدهای ما، عشقها و هوسها و حتی وفاهای ما هم موجی بیش نیستند که برمیخیزند و رشد میکنند و بالا میروند و بالاخره نقش زمین میشوند و در کرانه های زندگی لای شنها و ریگها فرو میروند .

جواد فاضل

آنکه در خانه صلح و آرامش دارد، در جنگ زندگی فتح کرده .

حجازی

آنکه بچرخ بزرگ این جهان مددی نمیرساند بیهوده زندگی میکند .

؟

آنهائیکه تصور نارواخود را از جهان و زمان و مکان جدا میدانند و میخواهند سرنوشت خود را از دیگران و یا از زمان و مکان و یا از جهان و جهانیان و جامعه ای که در آن زندگی میکنند، جدا سازند مردگان متحرک و چراغهای خاموش بیش نیستند؟

آنکس که بر کشتی زندگی سوار است، پیوسته چنان میخواهد که با فشار باد به پیش رود، نه با پاروئی که با زور بازوی آب را میشکافد و بسیار کسانند که در نیمه راه توقف میکنند و به انتظار باد مساعدی می نشینند .

جانسون

آنکس که جرات مبارزه در زندگی ندارد، بالاجبار طناب دار را بگردن میاندازد . مثل چینی

آنکس که اسیر عادت است لایق زندگانی نیست . مثل تازی

از عجایب زندگی انسان اینستکه همواره سعی دارد بوسیله کار کردن و یا تفریح و گردش نمودن و یا بررسی کتب و روزنامه و یا جهانگردی وغیره، خود را فراموش کند و این موضوع ناشی از آنست که خود را بدبخت می بیند ولی هرچه بکند و هرجا که برود باز هم خود را فارغ البال نمی بیند و علت آن را هم نمیداند . مترلینگ

از موفقیت، کینه میزاید. آنکه از فتح و شکست هر دو چشم پوشیده از کینه ها در امانست و خوش و آسوده زندگی میکند.؟ از نیکی طبیعت است که ما زندگی میکنیم ولی از حکمت است که بزندگی بهتر میرسیم و این حکمت غنیمتی است بزرگتر از خود زندگی. سنکا

اغلب مردم بطرز معجزه آمیزی زندگی میکنند از ترس اینکه مبادا مورد تمسخر قرار گیرند . پوفسور مایک ماول

اکنون با اینکه ما در عصر طلائی زندگی نمی کنیم از تصور مردمان دوره سنگ و مفرغ مو براندامان راست میشود آنها چه گناهی داشتند که باید آن زندگی را تحمل نمایند . مترلینگ

اگر زندگی را آسان بگیری، عمرت بخوشی خواهد گذشت . عزیز نسین

اگر از سفر حکایتی بیاورید که راه زندگی را آسانتر کند بهتر و پاینده تر از هزار مغانی است . حجازی

انسان نمیتواند مستقیما حوادث زندگی خودش را انتخاب کند ولی میتواند افکار خود را انتخاب کند و با این عمل بطور غیر مستقیم شکل حوادث زندگی خود را تعیین نماید . جیمز آلن

انسان در کشف اسرار طبیعت باهوشترین حیوانات است و در روش زندگی بیهوش‌ترین آنها . حجازی

انتظار نداشته باشید که چیزها موافق دلخواه شما باشد، بلکه همانطور یکه هست راضی شوید تا زندگی شما با آسایش بگذرد .

اهل جهان در سفر زندگانی بر سر هر راه حیرانند و همینکه یکی را در راهی استوار بینند نعمتی شمرند و به عقبش میروند

از این جهت همه وقت مردم استوار، مورد اطاعت و احترام بوده و حتی هوشمندان و علما بدامن ایشان آویخته و به-

دنبالشان رفته اند . حجازی

ای بسا کسانیکه در تفسیر و شرح و تحشیهٔ متون قدیم، بدطولانی دراز دولی از نعمت قرائت و فهم کتاب زندگانی بکلی محروم مانده آناتول فرانس

ایکاش دانسته بودم چگونه زندگی کنم و یا کسی را یافته بودم که طریقهٔ زندگی و مطالعه و ورزش را بمن -

تعلیم دهد . تئودور پارکر

اقامتگاه خود را دائم تغییر بده زیرا لذت زندگی در تنوع است مثل تازی

با آنکه از کوتاهی عمر غمگین هستیم هر دوره از زندگی را پایان آن میخواهیم خردسال مشتاق بزرگ شدن است پس مردکار

شدن، پس صاحب ملکی شدن و آنگاه بمقامی رسیدن و بازنشسته شدن . ادیسون

بار زندگی که بردوش میکشی بار مقدسی است بآن بنگر آن را بردار با شکوه آنرا حمل کن با غم و رنج از جا در مرو، پیوسته

بپیش و بالا برو تا بهدف برسی . فرانس آن کمپیل

بدون تردید زندگی سخت است: فوق العاده سخت، مشکلات ما در این راه پرخوف و خطر یکی دو تا نیست، تمایلات

باطنی وحوادث خارجی هریک بنوبهٔ خود مشکلاتی برای ما ایجاد میکنند این دو را باهم جفت کنید، رشتهٔ پرپیچ و تابی پدید میآید

لرد آویبوری

بنام زندگی .

بدبخت کسیکه از روزگار باج زیبائی بخواهد، عاقبت روزگار از او صدچندان خراج وجریمه خواهد گرفت . حجازی

بدترین روزگار روزگاریست که نادانان یاوه بیافند ودانایان خاموش بنشینند . ؟

بدون تعقیب هدف معینی، زندگی لذتی ندارد . کولانی

برای تحمل شدائد زندگی باید عاشق چیزی بود. کاری، زنی، آرمانی . مارکوس آنتا

برای اینکه بدانید تقصیر از بدبخت نبوده به بینید چند بار در زندگی بشما رو آورده و شما او را ندیده گرفته اید . حجازی

برخیزید و دامن همت به کمر زنید. بکوشید و بجوشید، غوغای زندگی برپا بدارید تا زنده اید، زندگی کنید و مانند زنده

بگوران خود را در کنج عزلت دفن نکنید . حضرت امیر

برای بهتر بهره مند شدن از زندگی باید شخص در جوانی تجربه پیران و در پیری نیرومندی جوانان را داشته باشد . ستانیسلاوس

برای اینکه بتوانید با دیگران در کمال آرامش زندگی کنید از آنها جز آنچه میتوانند در راهتان نثار کنند چیز دیگری

توقع نداشته باشید . حجازی

برای سرگرمی باید در بازی زندگی وارد بود اما اگر روزگار اسباب بازی را از دست ما گرفت، باید مثل آدم بزرگی

که در بازی کودکان شرکت داشته لبخند زنان از جرگه اطفال بیرون آمد . حجازی

برای زندگی فکر کنید، ولی غصه نخورید .

دیل کارنگی

برای اینکه خوب زندگی کنی باید خودت را بالای زندگی نگاه داری پس بیاموز که همیشه بالا روی ، بیاموز که همیشه بپائین نگاه کنی .

نیچه

بزرگترین بیم بشر بیم از تغییر است مردم از افکار جدید عادتهای جدید محیط جدید و روش جدید میترسند . ولی تنها راه زندگی بهتر آمادگی شما برای قبول تغییر و عملی کردن تحولهای بزرگ است پس خودتان را عوض کنید .

السلن ابینون

بزرگترین فن زندگی استفاده از فرصتهای بی نظیری است که برما میگذرد .

سالومیلی

بکوشش برای دنیای خود تقدیر یگانه گوئی همیشه زنده خواهی ماند و بکوشش برای آخرت خود بطوریکه گوئی فردا خواهی مرد .

حضرت امیر

به چیزیکه بدون آنهم زندگی میسر است ارزش مده .

اپیکتیتوس

بهترین دقایق سفر و گردش آنوقت میباشد که انسان بخانه و زندگیش مراجعت میکند .

؟

بهترین واقعه زندگی شخص آنستکه بتواند خود را بشناسد . و بخودی برد و نتیجه این واقعه ممکن است موجب مسرت و آرامش و یا تولید اندوه و نگرانی کند .

لئو تولستوی

بیشتر اشخاص عظمت خود را در زندگی مدیون مشکلات عظیمی هستند که در زندگی با آنها دست بگریبان بوده و بر آنها چیره شده اند .

اسپوزیون

بیشتر سختیهای زندگی از اینست که میکوشیم از حقیقت آن بگریزیم .

غ - ذ

برای خوردن زندگی مکن . بلکه بخور برای زندگی کردن . مثل آمریکائی

پرهیزکاری و بطمعی و بردباری چیزهائی است که زندگانی با آنها آسان توان کرد . بوذرجمهر

پیشینیان ما از ناچاری و درماندگی آسمان را گناهکار میدانستند اما در زندگی ما بیگناه تر از این گنبد لاجوردی

هیچ خرمنیست . سعید نفیسی

تحمل زندگی سخت است ولی نباید چنین وضعی را اقرار کرد . نیچه

تحمل حق ناشناس برای انسان سخت تر از تحمل ناملایمات روزگار است . ناپلئون

تربیت علم زندگیست . هنر خوب زیستن است . لابولایه

تسلیم و رضا در برابر حوادث علاج ناپذیر . بهترین توشهٔ سفر زندگیست . شوپنهاود

تصور میکنم که اگر کسی روزی یکربع ساعت فقط در فکر زندگی خود باشد و بیندیشد که آن را اصلاح کند هر ماه از زندگی او بهتر از ماه قبل خواهد بود . ولتر

تفریح و خوشی ما موقعی تکمیل میگردد که مشکلات زندگی یعنی زندگی کردن را فراموش کنیم . این موضوع خیلی باعث عبرت است که شخصی از زندگی خود استفاده ننماید مگر وقتیکه فراموش کند او زنده است . مترلینگ

تو نان میخوری و زنده هستی و من نان میدهم و زندگی میکنم . مثل فرانسوی

رهبانی و گوشه گیری و انزوا حکم مرض آبله را برای انسان دارد . سن پیر

چنان انسان باش و چنان زندگی کن که اگر هر کس انسانی چون تو باشد و هر چیز چون تو زندگی کند این زمین بصورت بهشت خدای درآید .

فیلیپس بروکز

چنان مینماید که زندگی از لحاظ اخلاقی دارای دو بخش است در بخش اول تسلیم هوای نفس میشویم و در بخش دوم به موعظه کردن میپردازیم .

ویل دورانت

چون نیک بنگری دنیا و مافیها را چون ترازوئی خواهی یافت که سنگش گرسنگی و پارسنگش شهوت است ، پر کردن معده و خالی کردن کیسه شهوت جذر و مد این قلزم بی نام و ننگ هزار رنگی است که نامش زندگی است .

ا . جمالزاده

حسابیت ، عشق ، تحمل و فداکاری ، زندگی زن را تشکیل میدهد .

بالزاک

خوابیدم و بخواب دیدم که زندگی زیبائیست از خواب برخاستم و زندگی را وظیفه یافتم .

آلن هوپو

خزان زندگی من فرا رسیده میخواهم مثل درختان باروری باشم که با یک تکان میوه های لذیذ چون باران از آن میریزد .

بتهوون

خنده بهترین اسلحه جنگ با زندگی است .

آناتول فرانس

خنده مصائب و مشکلات زندگی را کوچک و آلام روحی را محو مینماید .

ژول سیمون

خوشبخت کسی است که از زندگی دیگران درس عبرت بیاموزد .

جواد فاضل

خوشا بحال کسی که به آن راضی است که از اقیانوس زندگی بگذرد و به بهشت آرامش برسد بی آنکه خود را گرفتار

گردابهای خیالبافیهای خویش سازد، البته دراین گونه جاها عمق هست، ولی کار رسیدگی به اعماق به خدا اختصاص دارد . اوالتر

دارائی بسیار مثل فقر و پریشانی زندگی را تلخ و ناگوار میکند . حجازی

در بازی زندگی انسان در آغاز گول خوراست و در پایان گول زن بعبارت دیگر او بره بدنیا میآید و روباه از دنیا میرود . ولتر

در زندگی روزانه در پی آن باش که خوشیها و لذاتی برای دیگران فراهم کنی و چنان نما که بهنگام خوشی یا بدبختی با آنان نیز شریکی بمین اظهار محبت رشته علاقه و مودت را محکمتر میکنید . ویکتور هوشه

در زندگی فقط دو چیز هدف انسانست اول تا بمین آنچه که میخواهد دوم تمتع از آن ، فقط عاقلترین افراد بشر بانجام دومی موفق میشوند . پیرسال اسمیت

در زندگی ثروت حقیقی مهربانی است و بینوائی حقیقی خودخواهی . وینه

در زندگی هیچ چیز باندازه هیجانهای شدید خوشی آیندنیست . آناتول فرانس

در زندگی ثروت عبارت از بهمه چیز نیست و سعادت واقعی در جمع مال نمیباشد ، ولی بسیاری از جوانان دچار این اشتباه میشوند و معتقد هستند که مهمترین چیزها مال است بهمین جهت گرانبهاترین ایام عمر را در راه آن صرف میکنند و از هر چیز دیگری محروم می مانند . دکتر ماردن

درستترین نظر دربارهٔ زندگی پیوسته باعتقاد من آن است که برما معلوم دارد که دراین جهان نه برای خوش بودن، بلکه برای آموختن آمده ایم .

رابرتسون

دراین دنیا آن اندازه خوشی در زندگی است که ما را مشتاق زیستن کند و آن اندازه رنج هست که آن هنگام که دیگر زیستن ممکن نیست آرزومند مرگ سازد، مهمترین چیزی که میتوانیم از زندگی بدست آوریم برای خودمان انضباط است وبرای دیگران سودمندی .

ترابون اد و دند

درسفرهٔ قمار زندگی بردو باخت دائمی جریان خواهد داشت آنهائیکه یا ازاین قمار خسته شده یا از باخت پی در پی خودعصبانی هستند هرلحظه میتوانند پای خود را کنار کشیده، میدان بحریفهای پراستقامت وخسته نشدنی واگذار کنند؟

دشواری زندگی آدمیزادگان اینست که تا جوانند گرفتار تعصبهای جوانی هستند وچون پیر میشوند دچار تعصبهای پیری میگردند .

سعید نفیسی

دلبستگی انسان بزندگی آن نیست بخوبی آنست .

سقراط

دلم میخواهد چنان زندگی کنم که وجود خدا را تنها در سودی که بدیگران میرسانم احساس نمایم .

سنکا

دلم میخواست در دهات زندگی میکردم وامور مربوط به کشت و زرع را تماشا مینمودم، زندگی روستائی شیرین است

یک گوسالهٔ مریض برای تمام عصر موضوع شیرین برای گفتگو تواند بود .

ناپلئون

دنیا امروز بکسی حق حیات میدهد که بتواند روی پای خودش بایستد و هردم در برابر ارادهٔ این و آن سر تعظیم فرود نیاورد.

امرسون

دوستان از زندگی بیم نداشته باشید زیرا از راه مشقت و بردباریست که بزندگی علاقه پیدا میکنیم . داستایوسکی

دیرگاهی است که دریافته ام هرکس بخواهد زندگی آرامی داشته باشد ناچار است که تنها زندگی کند و پنجره های

اطاقش را سخت و محکم به بندد تا هوای اجتماعات به آن داخل نشود . فلوبر

رلهائیکه در صحنهٔ زندگی بعهدهٔ ما واگذار شده است به انتخاب و اختیار ما نبوده و تنها وظیفهٔ ما اینست که آنها را بخوبی

بازی کنیم . اپیکتت

رمان نوع عالی رمانی است که بیشتر از حیات درونی حکایت میکند و کمتر بزندگی خارجی توجه مینماید . شوپنهاود

روزگار هرگز آرام نمیگیرد حتی در خواب هم بسوی ابدیت رهسپاریم . سنت اوگویستن

روزگاری بشر در فکر تصاحب زنان و بچه ای کلبه ای بود در یک دهکده آرام امروز خواب داشتن یک گاراژ

را در شهر می بیند . ارل ویلسون

روزگار آئینه را محتاج خاکستر کند . ؟

روزگار در پای هر نعمتی که بمامید هد صد رنج نوشته است . حجازی

روزگار غالبا بهترین تصمیمها را درهم میشکند . وونادگ

زمین پر از اشخاص زاید و بیفایده است که سد راه واقعی میباشند کاش میشد اینها را با میدعمر جاودانی از این جهان

دور کرد . نیچه

زندگی و طول عمر بمنزله سرمایه ایستکه ما ها میتوانیم از سود آن استفاده کنیم نه از خود آن چون و مدتش در اختیار ما نیست .

زندگی آنقدر دلاویز و مطبوع است که خاطرات آن چه تلخ و شیرین گوارا و خواستنی است . حضرت امیر(ع)

زندگی شما وقتی زیبا و شیرین خواهد شد که پندارتان کردارتان و گفتارتان نیک باشد . زرتشت

زندگی مانند کودکی است که اگر میخواهید بخواب نرود و بیوسته باید او را سرگرم داشت . ولتر

زندگی جسمانی عبارت از یک سلسله خرابی و تعمیر است ، تو میتوانی از این تغییرات متوالی برای اصلاح و بهبود تمام اعضای بدن و بویژه مغز خود استفاده کنی . ویکتور پوشه

زندگی معمائی است که هر کس باندازه حس تشخیص و وسعت محیط و روشنائی فکر خود آنرا حل کرده است . نظام وفا کاشانی

زندگی بازیست اما باید قواعد بازی را رعایت کرد . حجازی

زندگی برای مردم حساس غم انگیز و برای اشخاص فکور خنده زاست . سونیت

زندگانی تا زمانی به مرگ ترجیح دارد که حقیقتاً زندگی باشد و ترس و وحشت نداشته باشد ، فقر و گرسنگی آن را مسموم ننماید ، ظلم و تعدی آنرا تیره و تار نسازد . ؟

زندگی دریای متلاطمی است که قطب نمای آن محبت است . نظام وفا کاشانی

زندگی درس طولانی است که با تواضع داده میشود . جیمز . باری

زندگی از تار و پود خوب و بد بهره‌دو بافته شده است فضیلت ما وقتی میتواند برخوبیالد که ازخطاهای ما شلاق نخورد و جنایتهای ما وقتی نومید میشود که مورد ستایش فضیلتهای ما قرار نگیرد . شکسپیر

زندگی خودش باندازه کافی خسته کننده است، آدم چرا باید با کارهای بیهوده مشکلتر شکند . ؟

زندگی مانند نقش و نگارهای قالی ایرانی است که زیباست ولی درک معنای آن مشکل است . آلدوس هاکلی

زندگی از سه جز تشکیل شده است آنچه بوده و آنچه هست و آنچه خواهد بود . سائید تا از گذشته برای حال استفاده کنیم و از حال چنان کنیم که زندگی آینده بهتر باشد. بشکل دادن بزندگی ما وظیفه خودمان است بصورتی که آنرا بسازیم ، این - بازسازی یا مایهٔ زیبائی و یا مایهٔ شرمساری ما میشود . دیر

زندگی همچون جرقه‌ای از زمان میان دو ابدیت است و ما هرگز طالع دو بار دیدن آنرا نداریم . کارلایل

زندگی بازیچهٔ دست اقبال نیست بلکه فرصت عظیمی است که باید از آن استفاده کرد و مغتنمش شمرد . دکتر ماردن

زندگی برای همه کس عزیز است ولی برای مرد بزرگ شرف از آن برتر است تولستوی

زندگی شما از مجموعه عادات شما تشکیل یافته است هرچه عادات شما بهتر و نیکوتر باشد زندگی شما هم عالیتر و زیباتر خواهد بود بکوشید بعاداتی معتاد شوید که مایلید بر زندگی شما حکمفرما باشد . هاکلی

زندگی چیست ؟ یک مزبله کثیف ، یک قتلگاه فجیع ، یک دارالمجانین بزرگ که تاکنون تحت هیچ قانون منظمی - اداره نشده است . ؟

زندگی فقط درصورتی ممکن است حفظ و نگهداری شود که انسان بخاطر زندگی حاضر باشد بمیرد . سعید نفیسی

زندگی یعنی سعی و عمل، کسی که از وجودش کار نگیرد وجودش هیچ است. بانوگیزو

زندگی را همه طور نگاه کنی زیباست . گوته

زندگی سراسر آموزش است زیرا زندگی همواره در پیشرفت است . لابولاید

زندگی بوجود آوردن اثری جاودان است . وینه

زندگی انسان یعنی اندیشهٔ روزانه او . امرسون

زندگی بدون داشتن همسر زندگی نیست . اگوست گفت

زندگی بمعنای حقیقی بسیار مشکل است و بیشتر مردم فقط در مرحلهٔ وجود بسر میبرند . اسکار وایلد

زندگی یعنی جستجوی دائم . لامارتین

زندگی کردن و کمک بزندگی دیگران کردن. انسان واقعی بودن و جاودان ماندن این است وظیفه. کوکرل

زندگی خواب است و عشق رؤیای آن . موسه

زندگی موهبتی است بی نظیر و گرانبها، اما حیف که خیلی زود و بکمترین علتی از بین میرود . لرد آویبوری

زندگی حتی با عشق گمشده نیز شیرین تر از زندگی بی عشق است . تاگور

زیستن تنها برای خود زیستن نیست، بهتر آنکه به کمک یکدیگر برخیزیم . منانه دوس

سرانجام زندگی قمار است، ماجرا است. انسان یا میرد و یا میبازد، زندگی معرکه ایست که تمامی ندارد و قتیکه صدای یکنفر کم کم ضعیف و خاموش شد، صدای دیگری جوانتر و قویتر رشتهٔ داستان را در دست میگیرد و ادامه میدهد . ماتیس

سرور زندگی در سحرگاهان عمر. موجودات را از خواب برمیانگیزد جز دلهای سیاه که برای همیشه خفته اند . پوشکین

شب در وقت خواب قدری فکر کنیم که امروز چه کرده ایم که لیاقت زنده ماندن فردا را داشته باشیم .؟ ناپلئون

شجاعت حقیقی در غلبه بر شدائد زندگی است .

شما اعمال روزانه و وضع زندگی خود و شرایط محیط زندگیتان را بمن معلوم سازید، من افکار و عقایدی را که شما پیروزید، برای شما نشان میدهم . کاظم زاده ایرانشهر

شوق زندگی تنها گذرنامهٔ زندگی است . یتودور پادکر

صاحب همت در پیچ و خمهای زندگی هیچگاه با یاس و استیصال روبرو نخواهد شد، طب علمی مثبت و دقیق نیست بلکه یک علم مبتنی بر حدسیات و مشاهدات است. من به پزشکی که علم طبیعی را نخوانده بیشتر اعتماد دارم تا به طبیبی که آنرا خوانده است . ناپلئون

صدها هزار سال از زندگی انسان میگذرد و ما هنوز نتوانسته ایم خود را از چنگ این معده که ما را مبدل بمتراکم متحرک

کرده نجات بدهیم، درصورتیکه عقرب هزارها سال است که این موضوع را حل کرده و مدت چندین ماه -

بدون غذا زندگی مینماید و احتیاجات خود را از هوا آفتاب و قوای دیگر طبیعت کسب میکند . مترلینگ

طول عمر انسان از روی اعمال و افکار او سنجیده میشود نه از عدهٔ سالهائیکه زندگی مینماید . اسمایلز

ظاهراً برای دراززیستن بیش از خوب زیستن آرزومندیم، چون زمان را با آرزوها اندازه گیری کنیم آدمی نمیتواند

به اندازه زندگی کند و چون با کارهای خوب اندازه بگیریم، خواهیم دید که چندان تربیته است، اگر با کارهای

بدش اندازه بگیریم معلوم میشود که عمر درازی کرده است . تیمرمان

عاقل تحت رهنمائی تقدیر زندگی خود را میگذراند ولی جاهل را تقدیر بزور دنبال خویش میکشاند ؟

علل خارجی ما را بجهات مختلف پرتاب میکند و بادهای مخالف ما را چون امواج بهر سو میرانند پس ما همیشه متزلزل

و از واقعه و سرنوشت خود بیخبریم . اسپینوزا

غالب اشخاص بدون اینکه مقصد معینی را تعقیب کنند، زندگی مینمایند مثل پرکاهی که در روی آب حرکت کند، عمر

خود را با خزیر سانند جلو میروند، جریان آب آنها را میبرد . سه نک

ادارهٔ زندگی همچون اداره و حرکت و کنترل یک ماشین سواری است، راننده با تجربه هنگام رانندگی کمتر پشت

سر خود را نگاه میکند و اگر این کار را انجام دهد هر لحظه با خطرات مهیب و مهلکی روبرو خواهد شد بویژه وقتی که

این نگاهها همراه با یادآوریهای تصادفات و خسارات رانندگی در گذشته باشد پس هرچه ممکن و مقدور

است از زیانها و شکستهای گذشته کمتر یاد کنیم تا شیرینی و حلاوت روزگار آینده را از دست ندهیم . غ - ذ

فقط کسانی پیروز میشوند که عقیده دارند پیروز میشوند کسیکه هر روز بر یک ترس غلبه نیابد ، درس زندگی را نیاموخته است . امرسون

کسیکه رحم و دلسوزی میآفریند زندگی خلق میکند . وان گوک

کسیکه به ابناء نوع خود علاقه پیدا نمیکند در جریان زندگی بیش از هر کس دچار مشکلات میگردد چنین شخصی مضرترین افراد جامعه است بیشتر مردمان بیکاره و وامانده در زمرهٔ این اشخاص هستند . آلفرد ادلر

کلید سرنوشت ما در هر جا زندگی کنیم در پای گهواره قرار گرفته است . دیشتر

کیمیاگری ، احتیاج بترکیب اجزاء ندارد ، چند صفت خوب را اگر باهم بیامیزیم کیمیائی بدست میآید که زندگی را طلا میکند . حجازی

گاهی در زندگانی روزهائی میرسد که باید فرصت را غنیمت بدانید و از آن فایدهٔ زیاد ببرید ، نه اینکه کوتاه بین باشید و از فرصت استفاده نکنید . بالزاک

گاهی مقدرات و آتیهٔ شما روی یک کلام ، روی یک حرف ، روی یک دیدن و یک ندیدن تکیه میکند و سرنوشت شما روی همان تصادف کوچک که ابداً مورد توجه شما نیست معین میگردد . محمد مسعود

گرفتاریها همه را یکبار و از سر باز نکنید وگرنه گرفتار فکر جانکاه پوچی زندگی خواهید شد . حجازی

ما چقدر دیر متوجه میشویم که زندگانی و حیات یعنی همان دقایق و ساعاتیکه با کمال شتابزدگی و بیرحمی انتظار گذشتن آنرا داشته ایم .

دیل کارنگی

ما در ابتدا ساده لوحانه بازندگی برخورد میکنیم ولی در برخورد با واقعیات در طول زندگی میفهمیم که چه ترفندی، چه مشکلی، چه مسئله غامضی و چه دشواریهای غیرقابل تحمل در زندگی وجود دارد که ما از آنها بیخبر بوده ایم .

؟

ما غالبا فقط پیشرفت و ترقیات اشخاص را در زندگانی بنظر میآوریم و دیگر فراموش میکنیم که این اشخاص برای بدست آوردن خوشبختی و مقصود چه رنجها و صدمات کشیده و از چه مراحل پرآفت و خطری گذشته اند .

اسمایلز

مردم اشتباهات زندگی خود را روی هم میریزند و از آنها غولی بوجود میاورند که نامش تقدیر است .

جان اولیور هاینز

مرد نیکبخت کسی است که جریان زندگانی را بدون برخورد با تألمات روحی و جسمانی شدیدی طی کند .

ولتر

مردانی را در زنجیر گران به نظر آورید که همه محکوم به مرگ باشند و همه روزه عده ای از ایشان در برابر چشم بقیه به هلاکت رسند، آنها که زنده مانده اند در حال ورود گاریاران، سرنوشت خویش را می بینند و با یاس و اندوه به یکدیگر مینگرند و هر یک در انتظار فرارسیدن نوبت خود ماتمزده میمانند، وضع آدمی برصحنه زندگی بدین منوال است .

پاسکال

مطالعه تاریخ مشاهیر دقت در جزئیات زندگانی آنها ما را در راه پرخطر زندگی از لغزش و سقوط محافظت میکند .

آرادیوری

من میخواهم گریبان سرنوشت را بگیرم، او نمیتواند سر مرا در برابر زندگی خم کند .

بتهوون

من در بین مردم وارد نمیشوم مگر وقتی که احتیاج شدیدی آنرا ایجاد کند از این پس همچو تبعیدشدگان زندگی

بتهوون

میکنم .

من از راه تنعم و تن آسائی به این مقام نرسیده ام . شعار من در زندگی همیشه این بوده است که با موانع

بودک

و مشکلات بجنگم و بر آنها غلبه نمایم .

من یک کتاب و یک معلم داشته ام . کتاب من زندگانی و معلم من تجارب زندگانی من بوده است ؟

نباید زندگی را برای بدست آوردن تمنیات فرسوده کنیم . عادت دادن خود بزندگی ساده و طرق

اپیکور

سهل تقریبا راه مسلم سلامتی است .

وقایع خوش زندگی مثل درختان سبز و خرمی است که وقتیکه از دور نظاره شان میکنیم خیلی زیبا بنظر میرسند

ولی بمجرد اینکه نزدیکشان شده و در داخلشان میرویم زیبائیشان هم از بین میرود ، شما در این موقع نمیتوانید

بفهمید زیبائیش به کجا رفته ، آنچه می بینید چند درخت خواهد بود و بس .

شوپنهاور

وقتی در زندگی به داشتنی های خود فکر میکنیم خود را خوشبخت و زمانی که به نداشته می اندیشیم خود را

بدبخت حس میکنیم پس خوشبختی ما در تصور خود ماست .

تناجیو

وقتی انسان فراموش کند که وجودش برای پیشرفت در زندگانی حال و آینده است ، دیگر آنچه باید -

باشد ، نیست .

کوکرل

وقتی مشکل زندگی حل میشود که خود به تنهائی از عهدهٔ حل آن برآئیم . حجازی

وقتی زندگی چیز زیادی به شما نمیدهد، دلیل آنست که شما هم چیز زیادی ازاو نخواسته اید . ماریسل پیره ود

هدف هنر امروز زندگی است نه زیبائی . ویکتور هوگو

هدف بهترین مبارزه در زندگی، نابود کردن بدی است . ارنست تاویل

هر روز برای مرد عاقل آغاز زندگی تازه ایست و باید اشتباهات گذشته را جبران کند . ؟

هرقدر میتوانی شاد زندگی کن و هرگز فکر بیهوده بمغز راه نده چون سلامتیت بخطر میافتد دیکنز

هرقدر فهم انسان عمیقتر و قوهٔ ادراک وی قویتر و همت وی بلندتر و سلیقه اش زیادتر باشد کمتر قانع بود و از زندگی ناراضی تر است ، زبری و خشونت ، ناهمواری و نقص را که در طبیعت هست بیشتر و بهتر احساس میکند . ؟

هرگز اجازه ندهید، چیزهای کوچکی که ممکن است فراموششان کرده و حقیرشان میشمارید زندگی شما را وارگون نمایند بیاد داشته باشید که زندگی کوچکتر از آنستکه کوچک و بی اهمیت شمرده شود . دیل کارنگی

هرکس باید راه زندگی خودش را پیدا کند و از راه زندگی خودش برود نه از راه زندگی دیگری . آندره ژید

هرگز درباره حقایق عمدهٔ زندگی نمی اندیشیم مگر آنگاه که پشیمانی حاصل در پایان یک کار بد من را باین فکر بیندازد . لسترنج

همه افراد روی زمین با شطرنج روزگار در نبرد هستند . ؟

همسر خوب بهترین یا وردر یک صحرای سنگلاخ و پر مخاطرهٔ زندگی است . اسمایلز

همان چیزهای پیش پا افتادهٔ زندگی است که راز ابدی آن را میسازد . گرترود اشرلون

همیشه کسانی از زندگی شکایت میکنند که چیزهای غیر ممکن خواسته اند . ونان

همه جا میشود زندگی کرد ، خوب هم زندگی کرد . مارک اورل

هیچ کس نمیتواند من و شما را خفیف کرده و آرامش زندگیمان را برهم زند مگر اینکه خودمان بگذاریم . دیل کارنگی

هیچ فرق و عیش آلوده بگناه نیست که آرامش خاطر را برهم نزند و تمام و یا قسمتی از زندگی را تباه نکند . حجازی

هر کس میتواند خودکشی کند ، اما هر فردی لیاقت ندارد زندگی کند . مثل یونانی

یک آمارگر با صبر و حوصله فرانسوی پس از سالها تحقیق بالاخره آماری تهیه کرد که نشان میدهد یک مرد هشتاد ساله در طول مدت عمر خود چه کرده است ، اعداد و ارقامیکه وی دربارهٔ نحوهٔ گذران هشتاد سال عمر یک انسان بدست آورده حقیقتاً قابل توجه است ، در طول این مدت فقط پنج سال تحصیل کرده است یک سال از عمرش را صرف آرایش هفت سال صرف راه رفتن ، شش ماه سربازی ، پنج سال و شش هفته انتظار ، سیزده سال کار ، ده سال استراحت ، چهار سال عشقبازی ، بیست و هشت سال و شش ماه خواب ، و شش سال را نیز صرف غذا خوردن نموده است .

یک روز زندگی بروشن بینی ، بهتر از صد سال عمر در تاریکی است .

بودا

یک عمر طولانی ممکن است باندازهٔ کافی خوب نباشد ولی یک زندگی مفید حتماً باندازهٔ کافی طولانی است .

ا. فرانکلین

شخص در زندگی دوستی بهتر از خود و دشمنی برتر از خود ندارد .

ابوالعلا

نیمهٔ اوّل زندگی تلاش است و کوشش برای یافتن خوشبختی و نیمهٔ دوّم احساس دردناکی آلوده با ـ

بیم و ترس .

شوپنهاور

یک روز زندگی روشن است و روز دیگر تاریک ، از روزهای روشن آنقدر نور بگیریم که در روزهای

تاریک روشن باشیم .

حجازی

یکلحظه بیشتر زندگی کردن ارزنده تر از هزار سکهٔ طلا است .

مثل آفریقائی

جهان برآب نهاد است و زندگی بر باد — غلام همت آنم که دل بر او ننهاد

جهان نماند و خرم روزگار دهر نماند — که باز ماند از او در جهان بنیکی یاد

سرای دولت باقی و نعیم آخرت باقی — زفیض بخت نکو کن جوی نهی بنیاد

کدام عیش در این بوستان کند که نه دل — همی بیاورد از بیخ قامت شمشاد

گرت ز دست بیاید چو نخل باش کریم — ورت ز دست نیاید چو سرو باش آزاد

همین نصیحت خوش میکند فقیر دگر — که دائم از پس هر گم کنی بنیکی یاد

نرانشت چشم بصیرت که گل کند و نخورد — ببرد گوی سعادت که صرف کند و ببرد

سعدی

زرنج و راحت گیتی مرنج و دل خوش دار — که آفرین جهان گاه هست و گاه نماند

شاهی سبزواری

بامید زنده دل شو، که بر در زندگانی — دل زنده گر نداری، ره زندگی ندانی

بتو چون زنا امیدی شود این جهان چو زندان — چه بود بکنج زندان ثمری ز زندگانی

ابوالقاسم حالت

زیبائی

آن نعمت نصیب ماست که قدرش را میدانیم وگرنه از صورت زیبا برای کور چه حاصل؟ تن

انسان باید از هر حیث چه ظاهر و چه باطنی زیبا و آراسته باشد . چخوف

اگر مرا مخیر کنند زیبائی یا حقیقت را انتخاب کنم. من بیدرنگ زیبائی را انتخاب خواهم کرد زیرا اطمینان دارم که در زیبائی حقیقتی نهفته است که بالاتر از خود حقیقت است و قدمی فراتر گذارده میگویم هیچ چیز در دنیا حقیقت ندارد مگر زیبائی . آناتول فرانس

با اینکه میدانیم زیبائی و خوبی دشمن هم هستند چرا این آب و آتش را در یک وجود طالبیم؟ . تن

به نظر من، ما روزی خواهیم مرد که نخواهیم و نتوانیم از زیبائی لذت ببریم و در صدد نباشیم آن را دوست بداریم. آندره ژید

جمال اگرچه مایهٔ شرافت است ولی مقرون به هزاران شر و آفت است . شوپنهاور

جمال دامن است که طبیعت در راه عقل میگستراند . ارشمیدس

چشمان زیبای اشکبار از لبخند زیباتر است . کامپ پل

در مرد نیک روی اگر فضیلتی باشد، فضیلت بیشتر از زیبائی او جلب توجه میکند . دیرژیل

در حقیقت زیبا آنست که بانسان برتری بخشد . با نواستاصل

دلداده زیبائی تنها مباش، دلداده کمال باش . ؟

در جوانی همه چیز زیباست . مثل آفریقائی

در زیباترین ملوکمکنست کرم باشد . مثل آفریقائی

زیبائی ظلم کم دوامی است برای صاحبش ولی ثروتی است برای سایرین . سقراط

زیبائی قضیه منطقی است که صغرای آن چشم وکبرای آن قلب ونتیجه اش شوق وشور است . سقراط

زیبائی جاذب زیبائی است . هانت

زیبائی بدون عفت وفضیلت چون گلی خوشرنگ ولی بی عطر است . سقراط

زیبائی بهرجاکه وارد میشود مهمان عزیزی است وپذیرائی خواهد شد . گوته

زیبائی سکه طبیعت است که نباید احتکار شود . میلتون

زیبائی ناپایدار است وفضیلت جاودانی . گوته

زیبائی چنان پرشکوه ومقدس است که هرجا بوجود آید هرقدر درطول قرون واعصار دستهای ملل وحشی

بانهدام آن بکوشند باز آثار آن پابرجا میماند . آناتول فرانس

زیبائی در چشم بیننده است . مثل انگلیسی

گلها را تقسیم میکردند ، گل سرخ نصیب خار شد . مثل ترکی

هیچ چیز زیباتر از یک قفل بسته نیست . البته تا زمانیکه کسی ندانند چگونه آن را میتوان باز کرد . مترلینگ

تو از همه در که باز آیی بر بنی خوبی و زیبائی
ملامت گوی بی صبری ترنج از دست نشناسد

دری بشد که از رحمت بروی خلق بگشائی
در آن معرض که چیزی یوسف جمالی خویش بنمائی

سعدی

سخنوری

آنکه غالب بر زبان است در امان است . حضرت امیرؑ

آرامترین کلماتند که طوفانی را با خود بهراه میآورند، افکاری که با پای کبوتران پیش میآیند جهان را مسخر میسازند. نیچه

آنچه را که بدی فهمیم نمیتوانیم خوب بیان کنیم . بوالو

آنکه درون آرامی دارد همچنان بندارد و گفتار و کردار آرام دارد . بودا

آنچه انسان را از حیوان تمیز میدهد صفت دروغ و حس بیان است . آناتول فرانس

آنکه نپرسیده سخن میگوید و نخوانده سر میرسد و بانتظار احسان است دچار طعن و سرزنش خواهد بود . ؟

آفت سخن دروغگوئی است . حضرت محمدؐ

آهنگ صدا هرچه ملایم و مطبوع باشد سخن مؤثرتر و دلنشین تر خواهد بود . جان کایزل

آهستگی و آرامی در سخن گفتن کار آسانی نیست در این جهان که اغلب مردم برضد یکدیگر میخروشند خودداری از هیجان و کینه ورزی خاص کاری بسیار دشوار است برای نجات یافتن از این دشواری راهی جز آرام و نرم سخن گفتن نیست. گوته

آیا میخواهید حرف شما را باور کنند از خود سخن نگوئید . پاسکال

آنکه سخن میگوید میکارد و آنکه می شنود درو میکند . مثل واتو یا

ارارسطو پرسیدند بهترین سخن کدام است؟ در پاسخ گفت: آنچه موافق عقل باشد گفتند پس از آن چیست؟ گفت سخن که شونده بپذیرد. گفتند بعد از آن چیست؟ گفت سخنی که از عاقبت آن اطمینان داشته باشیم که ضرری متوجه ما نخواهد ساخت، گفتند بعد از آن چیست گفت اگر سخن یکی از این شرایط را نداشته باشد از صدای چهارپایان پست تر است ابفلوتیه

از مباحثه چنان بگریزید که از مار رنگی یا زلزله هولناک میگریزید . دیل کارنگی

از این قسمت برخود بنا لید که رابطه دوستی شما اجازه میدهد، حرفهای ناپسند بدوستان صمیمی خود بگوئید هرچه روا لط، شما با کسی نزدیکتر و صمیمانه تر باشد متانت، احترام و مهربانی بیشتری ضرورت پیدا میکند . هولمس

استماع دقیق را بیاموزید طرف را تشویق کنید که از خود سخن بگوید . دیل کارنگی

اگر مردم زبان، نیات، یکدیگر را می فهمیدند اختلافات از میان برداشته میشد . گوته

اگر انسان نتواند مانند توده و عامه فکر کند لااقل باید مثل توده و عامه حرف بزند . آناتول فرانس

اگر میل دارید شما را هم صحبت مطبوعی بدانند گوش کردن را تمرین کنید . دیل کارنگی

اگر خواهی که بر دلت جراحت نرسد که هیچ مرهم نپذیرد با هیچ نادان مناظره مکن . ؟

اگر واقعاً پی ببریم هر کلمه ای که از دهان ما خارج میشود بمنزله سگی است که در بنای دوستی و دشمنی بکار میرود آنوقت ما سعی خواهیم کرد که سخن بیهوده و بی ارزش از دهانمان خارج نشود . دکتر ماردن

اگر میخواهید طرف را با رأی و عقیدهٔ خود همراه کنید، بگذارید در کمال آزادی حرفش را بزند . دیل کارنگی

البته بعضی از بیانها سحر است . حضرت محمد(ص)

اندیشه کن آنگاه سخن گو تا از لغزش بر کنار باشی . حضرت محمد(ص)

انسان وقتی برشد فکر و بلوغ عقل میرسد که زبانش کاملا مقهور اراده صحیح و اندیشه روشن او باشد . حضرت امیر(ع)

اندیشهٔ بلند تنها بدارندهٔ آن زیان میرساند ولی سخنان ناهنجار همه شنوندگان آسیب میزند . مونتسکیو

اندیشه کردن که چگویم به از پشیمانی خوردن که چرا گفتم . سعدی

انسان وقتی که بلند حرف بزند، صدایش را میشنوند اما وقتی که لبهایش حرف بزند به گفته اش گوش میدهند . پل ریبو

ایده ها سرمایه ای هستند که فقط وقتی در دست افراد باقریحه و نبوغ میافتند مفید واقع میشوند . بالزاک

ارزش یک سخن صمیمانه بهتر از دو سوگند است . مثل آفریقائی

انسان پشت زبانش مخفی است . مثل تازی

ایکاش زبانم میتوانست از فکرم پیروی کند . مثل یونانی

با خودت صحبت کن خیلی چیزها داری که بخودت بگوئی و خیلی سئوالها داری که با یدار خودت بپرسی . اپیکت

با کمی فکر و توجه مسلم میشود که بیشتر گفتار و کردار و اعمال ما از روی عادت است . ؟

با حلیم تیزی مکن ، با لجوج مباحثه منمای ، با اهل تهمت مصاحبت مجوی . خواجه نصیر طوسی

باید تمرین کنم که صدی هشتاد از حرف زدنهایم را کسر کنم تا لازم و واجب نباشد حرف نزنم . گاندی

با هر کس از خود او صحبت بمیان بیاورید، خواهید دید که چندین ساعت طرف حرفهای شما را گوش میکند. دیزرائیلی

بر سر از سخن گفتن در چیزیکه نمی شناسی طریقت آنرا و نمیدانی حقیقت آنرا زیرا سخن تو دلالت میکند بر عقل تو و عبارات تو خبر میدهد از دانش تو لاجرم زبان باز دار از سخن که صحت و سقم آنرا ندانی و مختصر کن کلام خود را بر کلامیکه نیکوتر و بهتر باشد حضرت امیر

بدرشتی با کسی سخن مگو تا سخن درشت از او نشنوی .

بدیدن کسیکه با تو سر سنگین است نرو با کسیکه سخنت را تکذیب کند گفتگو مکن ، برای کسیکه گوش ندهد حرف مزن . افلاطون

برای راه یافتن در دل هر کسی باید از خبری صحبت کرد که نزد او عزیزتر است . دیل کارنگی

بزبان اجازه مده قبل از اندیشه ات براه افتد . شیلون

بسیار اتفاق افتاده که فقط شنیدن یک کلمه قاتل را از ارتکاب قتل باز داشته و فاسق را نادم و ظالم را رئوف و غضبناک راچون موم نرم نموده است . کاظم زاده ایرانشهر

بسیار چیزهائی است که میخواهیم برای هم شرح دهیم ولی مثل اینست که زبانمان با قوه مرموزی بسته شده و بادای یک کلمه قادر نیست . محمد مسعود

بعضی از سخنوران نمیدانند با دستهایشان هنگام صحبت چکار بکنند بهتر است آنها جلو دهانشان را بگیرند . تورمن کوتن

بگذار مخاطب خیال کند فکری که تو باو تلقین کرده ای از خود اوست . دیل کارنگی

بهترین وسیلهٔ غلبه در مشاجره و مباحثه احتراز از ورود در مشاجره و مباحثه است . دیل کارنگی

بهترین طرز خوش آمدگوئی این است که درباره هر کس حرفی را بزبان بیاورید که او درباره خودش فکر میکند . دیل کارنگی

بیادبیاورید که طرف شما صد مرتبه بیشتر به فکر خیالات و آرزوهای خود میباشد تا در اندیشهٔ خیالات شما . دیل کارنگی

بیادبیاورید که نام هر کس برای او مطبوعترین و مهمترین کلمات قاموس بشری است دیل کارنگی

با اینکه روبروی هم سخن میگویند قلوبشان فرسنگها از هم دور است . مثل چینی

بادهان، کوره گداخته میشود . مثل قدیمی

پرحرفی و پرگوئی مجال تفکر و تعقل را از انسان میگیرد . دیل کارنگی

پیش از شروع مطلب طرف مقابل از روی صدق و صفا بعضی از امور مربوطه به او را که واقعاً قابل تمجید باشد بستائید و از تحسین مضایقه مکنید . دیل کارنگی

پیوسته باید مواظب سه چیز باشیم وقتی تنها هستیم مواظب افکار خود وقتی با خانواده هستیم مراقب اخلاق خود و وقتی که در جامعه میباشیم مواظب زبان خود . مادام داستال

پیوسته اهمیت مخاطب خود را برایش محسوس کنید . دیل کارنگی

پیش از لب بسخن گشادن حرفت را بسنج ، چنانکه پیش از کاشتن تخم میزنی . روسو

تا میتوانید افزون از دانش خویش سخن مگوئید و نسنجیده بگفتار دم برنیاورید . حضرت امیر(ع)

جلوی زبان دیگران را نمیتوان گرفت ولی اگر خوب زندگی کنیم این خود مایه شکست و تحقیر آنان میشود . کاتو

جمال مرد فصاحت زبان اوست . حضرت محمد(ص)

چه آسان حرف سرد میزنیم و میرنجانیم اما حرف مهربان چه خوشگل بزبان میآید . حجازی

چه بسا اثرهای زبان که بالاتر از نتایج شمشیرند . دکتر خلیل ثقفی

چیزی بگو که ارزش آن بیش از خاموشی باشد . دیل کارنگی

حرف حق در شما موثر خواهد بود، حتی اگر آنرا قبول نداشته باشید . فرانکلین

حرف زدن و فصاحت یکی نیست سخن گفتن و خوب سخن گفتن دو چیز است دیوانه ای میتواند حرف بزند ولی هوشمند سخن بگوید . بن جانسون

حکمت درختی است که ریشه آن در قلب است و میوه آن در زبان . بطلمیوس

حرف خوش در آهنین را باز میکند . مثل یوگسلاوی

خصم را بگشایید بحالیکه از ابتدای مکالمه . بلی . بگوید و برای همراه شدن متوسل بعواطف عالیه آنان شوید . دیل کارنگی

خوشا بحال کسانیکه چیزی ندارند بگویند . بمن را هم بگویند . ژان گهنو

در بحث کردن سخن شما با یک وجود منطقی نیست بلکه سر و کار شما با وجودی حساس است ، در برابر شما آفریده ای ایستاده است که یکپارچه عقاید بی دلیل است و محرک او غرور و خودپسندی اوست . دیل کارنگی

در نظر مردم سخن سنج قدر سخن بیش از گنج است. بزرگمهر

در دورهٔ حیاتم از بسیاری جهات لغزیدم ولی هیچ لغزش خطرناکتر از لغزش زبانم نبود. دیکاردو

در مصاحبت با مردآزاده سه خطا روی میدهد ۱- سخن گفتن بدون اراده و بدون ضرورت یعنی در میان گفتگوی دیگران سخن گفتن ۲- خاموش ماندن در موقعیکه سخن گفتن ضرور است این کار خود را دانا و خردمند جلوه دادن است ۳- سخن گفتن بدون دقت کردن در حرکت و چهرهٔ خود و این را کوری مینامند. کنفوسیوس

در خوردن حرف هیچکس سوء هاضمه نمیگیرد. چرچیل

در بکار بردن کلمات دقت کنیم چون ممکن است یک کلمه ما را فرزانه و کلمه دیگر ما را کم خرد معرفی کند. کنفوسیوس

دو کلمه آری و نه که تلفظشان آسان است کلماتی هستند که برای ادای آنها اندیشه و مطالعه فراوان لازم است. پیتاگور

دهان که لق شد همه جای آدم لق میشود. مثل انگلیسی

دشمنیکه کلام شیرین بر لب دارد شمشیرش تیزتر است. مثل آلمانی

راز اینکه سخنان کمتر کسی بر دل می نشیند آن است که هر کس آنچه خود میخواهد بگوید میاندیشد تا به آنچه که دیگران میگویند. لاردشفوگو

روشن سخن گفتن همان اندازه اهمیت دارد که خود موضوع مهم است چه مردم بیش از آنکه قوهٔ قضاوت داشته باشند گوش شنوا دارند. چترفیلد

زبان شیوا خود سرمایه باشد . — حضرت محمدؐ

زبان بمراتب بیشتر از قلب انسان را گول میزند . — دیرافیلی

زبان یگانه آلت تیزی است که با استعمال زیادتر تیز میگردد . — واشنگتن ایروینگ

زبان بهترین و بدترین چیزهای دنیاست . — اُزوپ

زبان آئینه روحیات انسانی است . — لایب نیتس

زیبائی سخن بکوتاهی و اختصار است . — حضرت محمدؐ

زیبائی شخص در گفتار اوست . — حضرت محمدؐ

زبان یک حیوان وحشی است یکبار که آزادش کردی از مقید کردنش عاجز خواهی گشت . — مثل لاتین

زبان استخوان ندارد ولی بآسانی استخوان میشکند . — مثل ترکی

زبان درنده است اگر او را نکنی ترا بخورد . — مثل تازی

زبان سرخ سرسبز میدهد بر باد . — مثل ایرانی

سخن حکمت آمیز چه خوش هدیه ای است — حضرت محمدؐ

سخن نیکو بگوی تا به نیکی ترا یاد کنند . — حضرت محمدؐ

سخن آنگاه بر دل نشیند که گوینده نیت خود را بیان کند و اگر برخلاف گوینده باشد ثمری نمی بخشد . — حضرت امیرؑ

سخن دانشمند همه اش حکمت است و امثال و کلام نادان تمامش کسالت است و ملال . ؟

سخن شیرین بزور بازو نیاز ندارد . سیسرون

سخن گفتن آن را سزا که از گفته اش بتوان پندی آموخت یا تجربتی فرا گرفت . ؟

سخن گفتن یک نوع احتیاج است ولی گوش دادن هنر است . گوته

سخن اگر از دل خارج شود بدل هم وارد میشود و اگر با نیت متکلم مطابق نباشد توقع مدار که آن تاثیر کند . افلاطون

سخن را چون بسیار آرایش کنند مقصود فراموش میشود . فیه ما فیه از مولانا

سخنان سودمند را باید نشر کرد مانند افشاندن تخم کندم . هرچند آب و هوا و زمین بروییدن و بار آوردن دانه ها یاری کنند

باز در گوشه و کنار خرمن سنبلها و خوشه های معدود سر در میاورید . لقمان

سخنوری هنری است که همه کس بآن نیازمند است و کسانیکه با مردم سروکار دارند تقریبا همه محتاج به سخنوری میشوند

مخصوصا در باب علوم و فنون. سخنور اگر درست بشرایط سخنوری عمل کند برای عامه بهترین مربی تهذیب کننده

نفوس است . فروغی

سخنان شیرین زحمتی ندارد ولی فواید بسیاری به شما میرساند . ژرژ هربرت

سخنگوئی ماهر کسی است که از آراء و مطالعه و تفکر و استماع ثروتی اندوخته باشد که در هر گفتاری او را مقتدر سازد . ؟

سنگ هرگز در آب نمی پوسد و حرف خوب از ش از بین نمیرود . مثل هندی

سخن تلخ از دل تلخ بیرون میآید . — مثل سوسیسی

شاید ثمره کلام دلنشین را که امروز بر زبان میآورید فردا بچشید . — گاندی

شخصی که لباس فاخر داشت و سخنهای بیهوده میگفت باو گفتند یا لباس خود را مطابق سخنانت کن ، یا سخنان خود را مطابق لباست . — فیثاغورث

صمیمانه بگوئید و مسائل را از دریچه نظر طرف بنگرید . — دیل کارنگی

عقاید طرف خود را محترم شمارید . هرگز باو بگوئید که خطا میرود . — دیل کارنگی

علت اینکه زنبورها این قدر وزوز میکنند این است که بلد نیستند حرف بزنند . — ؟

عموماً اشخاصی که زیاد میدانند کم حرف میزنند و کسانیکه کم میدانند پر حرف هستند . — ژان ژاک روسو

فرو مایگی شخص از دو چیز روشن میشود بیهوده سخن گفتن بپرسیده و جواب دادن . — بقراط

فراوانی گفتار بیهوده نشانه قطعی از ضعف شخصیت گوینده است . — گوستاو لوبون

فضیلت انسان زیر زبانش نهفته است . — حضرت امیر(ع)

قبل از صحبت ، زبان را باید هفت بار در دهان گرداند . — مثل فرانسوی

کسیکه از زبان خود امساک و از مال خود انفاق کند سعادتمند است . — حضرت محمد(ص)

کسیکه هرچه به بیند و بشنود و با او برخورد و متغیر نشود من اصلاً با او کاری نخواهم داشت . — ؟

کسیکه تملق گفتن بلداست تهمت زدن هم برای او بسیار آسان است . ناپلئون

کم دانستن و پر گفتن مثل نداشتن و زیاد خرج کردن است . ناپلئون

کلمات پند آمیز وقتی که از احساسات پاک و از سوی قلب پاک تراوش کند و به نیروی نطق آتشین و سخنرانی گرم

مجهز گردد از شمشیر برنده تر و از تیر نافذتر خواهد بود . حضرت امیر

کلمه ای که خوب فهمیده شود ده ها بار بیش از باران از کلمات تو خالی اثر دارد . ژوژسیون

کلمات باید مانند شیر دلیر، مانند خرگوش ملایم مانند مارجذاب مانند تیر تیز و مانند عصای فرمانروا که از وسط در دست

گرفته شده موزون باشد . مثل شرقی

کسیکه نمی تواند حرف بزند نمی تواند ساکت بنشیند . مثل لاتین

کسیکه قادر است گوش افراد را تبدیل بچشم کند، ناطق زبردستی است مثل تازی

گاهی یک حرکت، یک حرف، یک نگاه باندازه یک غزل لطف و معنی دارد . حجازی

گناه اصلی به گردن کسانی است که بجای پند نیکو دادن کوشش میکنند سخنی بگویند که شما را خوش آید . مونتن

مانند عده کمی از مردم فکر کن و مانند اکثر مردم سخن بگو . ؟

مرد آزاده پیوسته نیکو شد که در گفتار خود آهسته و در کردار خود تند و سریع باشد . کنفوسیوس

مرد بی شهامت کسی است که در جائیکه باید اعتراف کند خاموش بنشیند . ابراهام لینکلن

مرد آزاده بخود اجازه نمیدهد تحمل نمیکند که در نهادش بی نظمی روی دهد آنچه در همه جا همه کارها، بسته بدان است .

همین است و بس . کنفوسیوس

مقید باشیم که هرگز گرد چاپلوسی و تملق نگردیم . دیل کارنگی

من چه لذت میبرم که گفته مرا تصدیق کنی و قتی لذت میبرم که دنباله آنرا بگیری و چیزی بر آن بیفزائی . سعید نفیسی

منطق عقلی هر قدر هم محکم باشد تا با احساسات توأم نشود کوچکترین نفوذی در دل انسان نمیکند . دیبو

موضوع مذاکره هرچه باشد باید در نظر داشت که روی سخن با کیست . پاسکال

میخواهی زبانت دراز باشد کوتاه دست باش . ؟

مگذار زبانت گلویت را قطع کند .

نادانی هر کس در چیز دانسته میشود ، اول خبر دهد و بگوید چیزی که از او نپرسیده اند دوم سخن گفتن زیاد از حد ضرورت . افلاطون

نادان را به از خاموشی نیست . اگر این مصلحت بدانستی نادان نبودی . سعدی

نبوغ عبارت است از یک چهارم شجاعت یک چهارم تمرکز قوای دماغی ، یک چهارم ثبات قدم و یک چهارم صبر و حوصله یک نابغه همیشه راه خود را پیدا میکند و چراغ خود را همراه خویش دارد . بوفون

نطق نوعی مسافرت است که باید همراه رسیدن بمقصد توأم باشد و لذا باید قبل از سفر دارای نقشه بود شخصی که بدون داشتن نقشه و هدف باین مسافرت آغاز میکند در پایانش هم به هیچ جا نمیرسد . دیل کارنگی

نگذارید زبان شما از افکارتان جلوتر افتد . شیلون

نیکو سئوال کردن نصف علم است . حضرت محمدؐ

نیکوترین سخن سخنی است که از نظر ادبی منظم باشد و مقصود و معنی را خواص و عوام از او دریابند . حضرت علیؑ

وقت سخن گفتن مبارزه مکن و در آب تند و ژرف شناوری نکن . ؟

هر کس نرم زبان باشد دوستیش بر مردم واجب و هر که خوش زبان باشد دوستان او زیاد خواهند بود . حضرت محمدؐ

هر کس کلامش زیاد باشد خطایش زیاد . حضرت امیرؑ

هرگز قبل از فکر کردن حرف نزن و کاری انجام مده . فیثاغورث

هر سخن که از دل برآید بدل نشیند و اگر از زبان برآید از گوش تجاوز ننماید . ؟

هر حرفی زده میشود دیگران از آن نتیجهٔ مختلف میگیرند ، لیوانیکه آلوده برنگی باشد در موقع ریختن آب در آن با رنگ ممزوج و مخلوط میشود . ؟

هر کلمه که از دهان بیرون میآید ، مرهمی است که بر زخمی میرسد یا خنجریست که دلی را میشکافد یا نسیمی است که دریای احساسات را بتلاطم میآورد پیش از گفتن تأمل کنیم . حجازی

هر کس طاقت شنیدن حقیقت را ندارد . توفیق الحکم

هر چه در وعظ هست باید نخست در واعظ وجود داشته باشد وضوح ، منطق ، سرزندگی ، شور و حرارت ، باید پیش از آنکه

در فکر و زبان او جلوه کند صفات شخص ناطق باشد . فیلیپس بروکس

هر که زیاد حرف بیزند خود را آبا سانی در منازعه و مشاجره گم میکند و هر که آن حرفها را میشنود دچار کج فهمی، سوء تفاهم میگردد، و هر که این خطر را میشناسد راه راست میانه روی را از دست نمیدهد . کنفوسیوس

همیشه صراحت بیان داشته باش ، و با قدرت حرف بزن . فلمز

هنگام گفتن و شنیدن سر را بزیر نیفکن از بد و در چشم طرف نگاه کنید زیرا سر بزیر انداختن و از نگاه دیگران گریختن دلیل بر خجلت و عدم اعتماد بخود و یا سوء نیت و یا تقصیر و یا تکبر است . جان کایزل

هر کس آنچه را که دلش خواست بگوید، آنچه را که دلش نمیخواهد خواهد شنید . مثل ترکی

هر سخن جائی و هر نکته مقامی دارد . مثل فارسی

یا درست حرف بزن یا عاقلانه سکوت کن . ژرژ هربرت

یاد گیرید بیان و سخنرانی را که برتری انسان به چهار پایان از این راه است ! اگر بخواهید سزاوار باشید بانسانیت در گفتار خود حاذق باشید . ؟

یکبار پشیمان نشدم برا اینکه چرا گفتم ولی بارها ندامت بردم از آنچه گفتم . ؟

یک سخنران خوب باید بانیرو و جذابیت تمام درباره همان مطالبی که دیگران با بی لطفی و بیمزگی بحث میکنند سخن بگوید . میرون

یک نطق مفصل موجب پیشرفت کارها نمیشود همانطور که یک لباس بلند براه رفتن کمک نخواهد کرد . الکساندر دوما

یک کلمه توجه داشته باشید که فقط یک کلمه !:

یک کلمه بدون رعایت نزاکت و ادب ممکن است سرنوشت شخص را تباه سازد .

یک کلمه موهن ممکن است جنایتی ببار آورد .

یک کلمه بموقع ممکن است کلید موفقیتی باشد .

یک کلمه شفقت آمیز ممکن است انسان دلشکسته و مایوس را نوید حیات دهد .

یک کلمه محبت آمیز ممکن است موجد خوشبختی بزرگی باشد .

یک کلمه سنجیده ممکن است درس عبرت بزرگی باشد .

یک کلمه نسنجیده و خشن ممکن است حیاتی را بباد فنا دهد .

یک کلمه لطیف ممکن است دوست ارزنده ای بوجود آورد .

یک کلمه خشن ممکن است دشمن بابکاری را برانگیزد .

یک کلمه حلف و سبک ممکن است مایه فرومایگی باشد .

یک کلمه وزین و سنجیده ممکن است سرمایه امتیاز و شخصیت گردد .

و بالاخره یک کلمه ممکن است کلید سعادت یا بدبختی باشد .

؟

اگرچه نکته خردمند خامشی ادب است
بوقت مصلحت آن به که در سخن کوشی

سعدی

چو خیز ظیرهٔ عقل است دم فرو بستن
بوقت گفتن گفتن بوقت خاموشی

بگویندهٔ گیتی بر ازنده است
که گیتی بگویندگان زنده است

ادیب

تا نپرسندم مزن بیسخن
وآنچه گوئی جز ز صواب مگوی

ابن یمین

خداوند تدبیر و فرهنگ و هوش
نگوید سخن تا نبیند خموش

مجال سخن تا نیابی مگوی
چو میدان نبینی نگهدار گوی

فردوسی

در مقام حرف بر لب مهر خاموشی زدن
تیغ را زیر سپر در جنگ پنهان کردن است

صائب تبریزی

دامن آلوده اگر خود همه حکمت گوید
بسخن گفتن زیبایش برانند بنشوند

آنکه پاکیزه رود در بر نشیند خاموش
همه از سیرت زیبایش نصیحت شنوند

سعدی

سخن بر پر چنین گفتن و تو محکم کیت
که میخیزی من و تو هر نقش دیواریم

همه خسرو

هر آنکو هوای و دل نا بود
نه زیبا بود گر نه گویا بود

مگو می از گفت خوبست و خوب
چو شاخ از گل و میوه شد مگو

بگفتا شیرین فریبنده می
کند آنچه نتواند شمشیر کی

آمد سخن طوی

چو شنوی سخن اهل دل مگو که خطا است
سخن شناس نئی جان من خطا اینجا است

حافظ شیرازی

سعادت

آه ای اسم بی مسمّای سعادت آه ای سعادت موهوم نه گدا بر تو دست یافت نه امیر پس تو در کجائی؟ از آن در شگفتم که در سینه دلی دارند و می پندارند که آسایش و سعادت بشر جز فهر و صفا راه دیگری دارد . هوگو

بسا میشود در جستجوی سعادت موهوم هزار نکبت و بدبختی را متحمّل گشتیم . روسو

افونس: یگانه شنوائی که هیچکس نمیتواند پاسخی بآن بدهد اینست: «سعادت چیست ؟» برادلی

اگر ما در پی سعادت و خوشبختی هستیم باید از فکر کردن درباره حق شناسی یا حق ناشناسی خودداری کنیم و محبت و خونی را فقط بخاطر مسرت باطنی انجام دهیم . دیدکارنگی

اوّل صحت، دوم جمال، سوّم مال، چهارم رفیق اینها پله های نردبان سعادت است . سامویید

ای مردم چرا سعادت را در خارج میجوئید. سعادت درون خود شماست . بیونیوس

بایستی با روح خود آشنا شده و سعادت را در اعماق روح و قلب خود جستجو کنیم . فیثاغورث

بزرگترین سعادت فرار از فلاکت است . ایوت

بشر منصف نیست و سعادت را هرگز با سرنوشت توأم نمیکند ولی مترصد است هر دم حوادث شوم را بگردن سرنوشت بگذارد و نیک

بشر خلق نشده است که سعادتمند باشد . دکتر جانسن

تربیت یگانه هادی بشر بسوی رستگاری است و تنها موجد سعادت است . پلوتارک

تمام افراد بشر طالب سعادتند ولی هیچکدام از آنها رموز سعادت و راه آنها را نیافته اند . شاتوبریان

تنها آدمی است که با اندیشه و نگرانی مانع سعادت خویش میشود و با فکر درباره آنچه ممکن است پس از این پیش آید ،
آنچه را که اکنون هست تباه میکند . ؟

چه سعادت بیاید و چه نیاید . آدمی باید سعی کند خود را از سعادت بی نیاز گرداند . ردژالیوت

حسن شهرت و نام نیک بزرگترین سعادتهاست . شیللر

خواستار سعادت دیگران بودن ، بزرگترین خوشبختی هاست . ؟

خود را بشناس و بروح خویش فرمانروائی کن در این صورت میتوانی امیدوار باشی که روزی مقتدر و سعادتمند
خواهی شد . تنسون

خوشبختی خانوادگی طولانی ترین و محکمترین و شیرین ترین سعادتهاست . ولتر

خوشبختی هرگز هدف من نبوده است من هم مانند اغلب مردم احساس سعادتمندی نمیکنم و نمیخواهم سعادتمند و شاد کام باشم ؟
در روزگار ما هستند کسانیکه انتظار دارند درهای سعادت و موفقیت را یک چشم الکتریکی در برابرشان بگشاید کسیکه
دندانش درد میکند خیال میکند سعادت مطلق را کسی دارد که دندانش سالم است ؟

در خانواده سعادت را پدر بوجود میآورد و مادر آنرا حفظ میکند .

دست طبیعت در هر دل پاک این احساس شریف را گذاشته است که او به تنهایی نمیتواند خوشبخت شود و او باید سعادت خود را در خوشبختی دیگران بجوید . گوته

دنیا اطاق انتظار سعادت است ، همه در این اطاق جمع میشوند ولی بکمتر کسی اجازه ملاقات داده نمیشود . نظام وفا

دنبال سعادت برو سعادت از تو خواهد گریخت با دل و جان بکار خودت بپرداز ، وقتت را برای مقصود بکار بر از جادهٔ خودبینی و شهوت نفس بیرون بیا و دنبال چیزی برو که از نفس بالاتر است آنگاه هنگامیکه بگذشته ات فکر میکنی ، خواهی دید که تو خوشبخت بوده ای .

راز سعادت در اینستکه کاری که بتو واگذار شده دوست بداری . الدوس هاکسلی

رمز سعادت دو سه حرف بیش نیست لیکن از هیچکس از انمی پذیریم مگر از یک عمر تجربه . وقتیکه کار از کار گذشت ، حجازی

سعادت را باید در بین راه پیدا کرد نه انتهای جاده چون در آنجا سفر بپایان رسیده و دیگر دیر شده است ، وقت برای سعادتمند بودن امروز است نه فردا . حیمز بادید

سعادت جزء و یا چیز دیگری نیست فقط اسم حقیقت دارد چه وقتی انسان میخواهد مقدار زندگی را حساب کند باید اندازهٔ لذات را بسنجد بلکه باید تألماتی را که از آنها رهائی یافته است در نظر بگیرد . ولتر

سعادت آنستکه انسان دنیا را همانطور که آرزو میکند ببیند . کوردنود

سعادتمند کسی است که بمشکلات و مصائب زندگی لبخند زند . شکسپیر

سعادت مثل هر فضیلتی از دو چیز بوجود میآید، صرفه جوئی و کوشش . ولتر

سعادتمند کسی است که در هجوم و مقابله مصائب خود را نبازد . پاسکال

سعادت در فراغت خاطر بی قیدی و خوشگذرانی و کناره گیری از اجتماعات و هیاهوست . اپیکور

سعادت بسته بکار و جسارت است بالزاک

سعادت انسان در کار و تفکر و سعی در حفظ شرافت و تقوی است . سیرون

سعادتهای زندگی تماماً خوشی های خوب و زیبا و یکسان خود را بما نشان میدهند برخلاف بدبختی ها که هرکدام بایک قیافه مخصوص مدهش ما را تهدید میکنند . تولستوی

سعادت بچشمه دوستان شومی همراه دارد . جان اشتنبک

سعادت در این دوره فقط دانستن مقصود زندگی است . تولستوی

سعادتمند مردی است که از هر خبط و خطائی که از او سر زند تجربه ای جدید بدست آورد . سقراط

سعادت مثل پروانه ایست که روی برگهای گل بخواب رفته باشد بمجرد اینکه نزدیکش بروی بالهای خود را باز کرده و در فضا پرواز میکند . اندره تواید

سعادت عادت است آنرا پرورش دهید . البرت هوبار

سعادت دیگران قسمت مهمی از خوشبختی ما میباشد . کلبر

سعادت نتیجه یک زندگانی عقلانی است . اسپی نوزا

سعادت جامعه بمراتب مهمتر از سعادت فرد میباشد . افلاطون

سعادت آن نیست که انسان خود بخود دوست داشته باشد ، بلکه عبارت از این است که غرور آمیخته بانفرتی اقناع شود سعادت رسیدن بلحظاتیست که انسان دوست میدارد در کنار کسی دوست میدارد بسر برد . نوبرن

سعادتمند و عاقل کسی است که صبح هنگامیکه از خواب برمیخیزد بخود بگوید من امروز سعی خواهم کرد بهتر از دیروز باشم . فنلون

سعادت یک ملت آنقدر که به سجایای اخلاقی و قوای روحی او بستگی دارد ، بسایر عوامل مادی مربوط نیست . دیلاک

سعادت در سلامت نفس و بی آزاری است و محل آن نیز در افکار و گفتار و رفتار خود مان است . ؟

سعادت در این نیست که چقدر تو انگریم بلکه در آن است که چقدر از آنچه در اختیار مان هست استفاده میکنیم . ؟

سعادتی بالاتر از این نیست که آدمی بتواند حق و باطل را از یکدیگر تمیز بدهد و دل و جان را بنور معرفت روشن سازد . بوعلی سینا

ظالم از سعادت حقیقی دور و بشقاوت ابدی نزدیک است . ؟

عروس زندگانی کار نام دارد اگر شما داماد این عروس شوید فرزند شما سعادت نام خواهد داشت . فرانکلین

فرق بین سعادت و خردمندی اینست آنکه خود را خوشبخت می انگارد واقعا خوشبخت است و لی آنکه خود را از همه خردمندتر میانگارد از همه نادانتر است . کولتون

کسیکه از زبان خود امساک و از مال خود انفاق نماید سعادتمند است . حضرت محمد

کسانیکه سعادتمند نیستند گناهکارند .

کسیکه انتظار دارد بارقهٔ سعادت بطور تصادف در آسمان زندگانی او جلوه کند، بحال انتظار میماند تا موقعیکه برقی

سوزنده و خطرناک او را در میان گرفته بورطهٔ هلاک بکشاند . لرد آویبوری

گل بی آب شکوفان نمیشود و سعادت بدون محبت بوجود نمیآید . ماکسیم کودکی

لذات جسمانی نه تنها مایهٔ سعادت نیست ممکن است موجب بدبختی هم بشود زیرا بدن را ضعیف و عقل را مشوش میسازد. ارسطو

مغز انسان سالم صاحب وجدان پاک این احساس را دارد که خوشبختی و سعادت خود را در خوشبختی و رفاه

دیگران بجوید . غ- ذ

من دیده‌ام که درجه سعادت اشخاص مربوط باراده و میل خود آنهاست . لینکلن

هدف هر حکومت و دولت فقط بهتر کردن وسایل زندگی مادی و راحتی مردم نیست بلکه حکومت وظیفه دارد که سعادت

مردم را نیز تأمین نماید . کنفوسیوس

هر کس در طلب خیر و سعادت دیگران باشد، بالاخره سعادت خودش را هم بدست خواهد آورد . افلاطون

همانطوریکه نور زیاد مانع دیدن میشود، فراوانی نعمت مانع لذت و برخورداریست . تن

هنگام نیک بختی است که باید بیمناک بود، هیچ چیز تهدیدآمیزتر از سعادت نیست . مترلینگ

اگر نه سکر بعالم پیشه کردی — زهد که بر ما نیشه کردی

شدی مصحب بیاغ نگرنی — نگفتی پیش با ما نم آهنگ

نمودی خود لطف و مهربانی — نکردی با خلایق بد زبانی

مرا از جام سعلات میکنی نوش — سعلات با تو میگوید هم آغوش

جمشید

سعلات بحر حذمت خلق نیست — به تسبیح و سجاده و دلق نیست

سعدی

هر آنکو خاطر مجموع یار نازنین دارد — سعلات همدم او گشت و هر لت هم قرین دارد

حافظ شیرازی

سکوت

آسایش آدمی در زندانی کردن زبان است . حضرت محمد(ص)

از پرگوئی بپرهیز که لغزش فراوان بار آورد و آزردگی تولید کند . حضرت امیر(ع)

از سرکشی زبان برحذر باش و آنرا باختیار در آور از سرکشی فکر نیز بترس و بر آن مستولی باش . دهاماپادا

از حرفها و کارهای بیهوده بپرهیز، سکوت گاهی زینت انسان است. مهاویر

از مباحثه و مجادلهٔ غیر واجب و بدون هدف بپرهیزید . جان کایزل

از مکالمه و پرگوئی بسیار خواهید کرد اگر بخاطر بیاورید که مردم هرگز نصایح شما را قبول نخواهند کرد مگر اینکه وکیل مدافع و یا دکتر باشید و آنها برای شنیدن صحبت های شما پول خرج کرده باشند . برنارد شاو

از او پرسیدند بلاغت چیست گفت کم گفتن که به معنی خللی نرسد . ارسطالس

چه بسا یک جمله کوچک دوستی های دیرینه را مبدل بدشمنی کرده و حتی مملکت هائی را دگرگون ساخته است . پتتام

اگر خاموش باشی تا دیگران بسخنت آرند بهتر که سخن گوئی و خاموشت کنند . سقراط

اگر سخن چون نقره است خاموشی چون زر پربهاست . لقمان

اگر واقعاً پی ببریم هر کلمه ای که از دهان ما خارج میشود به منزله سگی است که در بنای دوستی و دشمنی بکار میرود آنوقت ما میتوانیم سعی کنیم که سخن بیهوده و بی ارزشش از دهانمان خارج نشود . دکتر ماردن

اندیشه کردن از چه گویم به از پشیمانی خوردن که چرا گفتم . بوذرجمهر

انسان کم سخن بهتر از پرگویان متظاهر، بسامان رسد . لائوتزه

ای پسر من مراقب باش که به خاموشی عادت کنی من از سکوت هیچگونه نادم نشدم لکن بسیار وقت سخن گفتم و پشیمانی بردم . لقمان

از درخت سکوت میوه آرامش آویزان است . مثل عربی

اگر پشیمان باشی از نگفتن به که پشیمان باشی از گفتن . از جامع التمثیل

اگر میخواهی عاقل شوی بنشین و گوش کن . مثل آفریقائی

انسان باید با دیگران کم و با خودش زیاد حرف بزند . مثل دانمارکی

برای افزودن کلمه ای همیشه فرصت باقی است ولی پس گرفتن آن هرگز امکان ندارد . ؟

برای سخن سنجیده بودن باید سکوت کرد . کرنیلیوس

برای من گواراتر و بهتر میشد اگر من احتیاج بسخن گفتن نمیداشتم . کنفوسیوس

بسیار باشد که پریشانی گفتن سخت تر بود از پریشانی نهفتن . ؟

بسا میشود که سکوت بهتر از صحبت میتواند مقاصد ما را بفهماند . لرد آویبوری

بعد از حرف سکوت بزرگترین قوه در دنیا است . ؟

بهترین آداب در محافل اینست که اگر عالم باشد دهان گشاید تا مایه علمش مجهول نماند و اگر جاهل باشد زبان به بندد .

تا پایه جهلش معلوم نگردد . جالینوس

بهترین اشخاص کسانی هستند که اگر آنها را تعریف کردید خجل شوند و اگر بد گفتید سکوت کنند . جبران خلیل جبران

پرحرفی و پرگوئی مجال تفکر را از انسان میگیرد . پاسکال

تا تو سخن نگفته ای اختیار آن را در دست داری ولی وقتی که گفتی تو در اختیار آن هستی . حضرت امیر

تنها سکوت است که میتواند ما را به معرفت برساند . راماکریشنا

تنها خاموشی بزرگ است و جز آن همه نشانه ناتوانی است . ؟

تو ارباب سخنانی هستی که هنوز نگفته ای ولی حرفهائی که زده ای ارباب تو هستند . مثل عربی

جواب ندادن هم جوابی است . مثل دانمارکی

چون عقل زیادی گیرد کلام اندک شود . حضرت امیر

چیزی بگو که ارزش آن بیش از خاموشی باشد . ؟

حقیقت برای عده معدودی است ، خاموشی پناهگاه عاقلان است و هنگامیکه لب بسخن میگشایند باید در حفظ

عده ای معدود و حاقل باشند . گراسیان

حقیقت واقعی در سکوت نهفته است . پابلوپیکاسو

خاموشی آرایش دانا و پوشش نادان است . حضرت محمد

خاموشی در تو جامه وقار، میپوشاند و ترا از اعتذار گفتار ناشایسته در میدارد . حضرت امیر

خاموشی بوستان تفکر و اندیشه است . حضرت امیر

خموشی عبادتی است بی رنج و زینتی است بی پیرایه و هیبتی است بی سلطنت قدرت و حصاری است

بی دیوار، و بی نیازی است از خلق و موجب راحت و سرپوش همه عیبهاست . لقمان حکیم

خوشا بحال کسی که بیش از اندازه زبان را نگهدارد و بیش از اندازه مال را مصرف رساند . حضرت محمد

داروی خشم خاموشی است . سقراط

در مجالس بشتر سکوت اختیار کنید و زاید بر حاجت سخن نرانید تا از حسد و غضب دیگران آسوده بمانید . اسکولاپ

دهان زشت گویا با خموشی و وقار باید بست . لارشفوکولد

دهان پاها را حمل میکند . مثل ایتالیائی

روشن تر از خاموشی چراغی ندیدم و سخنی به از بی سخنی نشنیدم تا ساکن سرای سکوت شدم . بایزید بسطامی

زبان درنده ایست اگر رهائی گوینده و شنونده را بدرد . حضرت امیر

زبان خردمند قلبش است و قلب احمق تشت زبانش . حضرت امیرؑ

زبان را نگهدار از کلامیکه ترا در آن چاره هست خصوصاً وقتیکه شنونده قابل شنیدن سخن صواب نبوده و با تو همراهی نکند . امام صادقؑ

زبان انسان ماری است که جثهٔ خودش را میگزد . گوگول

زمانی فرا میرسد که سکوت بیش از همهٔ گفته ها مقصود را میرساند . منتسکیو

زن لال هرگز از دست شوهرش کتک نخورده است . مثل فرانسوی

سخن دارویی را ماند که اندک آن سود دهد و بسیارش کشنده باشد . حضرت امیرؑ

سخن گفتن بموقع و سکوت نمودن بموقع نشانهٔ عقل است . سقراط

سعی کن درست صحبت کنی وگرنه عاقلانه اینست که سکوت کنی . جرج هربرت

سکوت چنان موضوع جالبی است که ساعتها میتوان درباره اش حرف زد . ژول ورسن

سکوت گاه هزاران معنی در بر دارد که از گفتن بدست نمیآید . منتسکیو

سکوت وقتی جایز است که با بینائی در کنار چاه نباشد . ؟

سکوت و خاموشی بهتر از آنست که انسان حقیقت را با عباراتی خشن و ناپسندیده بیان کند و یک ظرف طعام لذیذ را با چاشنی بدمزه خراب و فاسد نماید . دوسالز

سکوت کلامی است بدون صرف انرژی . — مثل هندی

سکوت حصاری است که دور حکمت کشیده اند — ؟

سکوت هرگز اشتباه نمیکند . — مثل هندی

سکوت هم نوعی نطق و بیان است . — ؟

قفل بر زبان نهادن سخت ترین و مهمترین وظایف است . — ونیه

کسیکه زبانش را نگهدارد یارانش افزون شود . — حضرت امیر(ع)

کسیکه گفتارش فراوان است ملامت زده است . — حضرت امیر(ع)

کلمات بال و پر دارند همین که قفسشان یعنی دهن باز میشود از آن بیرون میپرند و از دسترس ما خارج میشوند و در .

کوچکترین سکافها راه می یابند و بعضی اوقات در ضخیم ترین دیوارها نفوذ میکنند . — نوبل

کسیکه سکوت میکند از خطر بر حذر است . — مثل آفریقائی

گفته های بیهوده را فروگذار و بیش از آنچه نیازمندی سخن مگو . — حضرت محمد

مردان بزرگ کم میگویند و بسیار میکوشند . — کنفوسیوس

من بارزش سکوت کاملا پی برده ام و حاضرم روزانه چندین ساعت درباره فوائد آن صحبت کنم . برنارد شاو

نادان را بهتر از خاموشی نیست و اگر این بدانستی نادان نبودی . — سعدی

نیکو سخن باید تا از خاموشی به باشد . ابوسعید ابوالخیر

نابودی انسان در زبانش نهفته است . از خودت مواظبت کن که دچار چنین زیانی نشوی . ؟

وقتی یک ملت ناراحتی فریاد میزند ، من میتوانم جلوی او را بگیرم ولی وقتی که ملت ناراضی سکوت کرد و سر بگریبان تفکر فرو برد آن وقت است که من متوحش میشوم زیرا من نمیتوانم به نقشه های او پی ببرم . ابراهام لینکلن

وقتی زنی ساکت میشود مطمئن باشید مشغول تهیه مقدمات برای گفتن مطلب دیگری است . ؟

وقتی دشنام میشنوی سکوت کن سکوت تو بدترین دشنامهائی است که به خصم میدهی . ؟

وقتیکه عقل زیاد میشود نطق و بیان کم میگردد . مثل عربی

هر وقت در مجلسی هستید که اشخاص مختلف از آشنا و ناشناس حضور دارند گوش کنید و کم حرف بزنید ، گوینده ماهر همان شنونده ماهر است . کتاب آئین کامیابی

همه کس اگر قادر بگفتن سخنان دلنشین نباشد اقلا از حفظ سکوت عاجز نخواهد بود . بوذرجمهر

هیچ حزبیش از زبان شایسته زندان رفتن نیست . حضرت محمد

هزار بار گوش بده و بیش از یکبار سخن مگو . مثل چینی

یا درست حرف بزن یا عاقلانه سکوت کن . ژرژ هربرت

در فتنه بستن زبان استبرا است — گر گفتی به نیک و بد رابستن راست

چیزی ز گفتار دیرم بس — چیزی نگفت از خموشی کس

خسرو دهلوی

چیزی گل بزل افسر و خته میباید — چیزی غنچه لب دوخته میباید

چیزی مست و بیان ما سخن گفتن ما — چیزی شمع زبان سوخته میباید

عطار نیشابوری

گم گوی و بجز مصلحت خویش مگوی — چیزی که نپرسند تو از پیش مگوی

دانا دو سخن گوید و بیش از آغاز — یعنی که در شنود و پس از پیش مگوی

باباطاهر

گم گوی و مگوی هر چه دانی — لب دوخته دار تا توانی

بس سر که فتاده از زبانست — با یک نقطه ز بانش زیانست

آنقدر روایت نگفتن آسان — کایزد ضرر از نگفتن آسان

نادان بسبز زبان هند دل — در قلب بود ز بان عاقل

ابوالمجد مجدود

قدم برون منذار از در میخانه خاموشی
که خواب امن نبود در دیار خاموشی

ز خامشی دهن غنچه مشکبو گیرد
خوشا کسی که بود مهردار خاموشی

سفینه ایست که از دست داده لنگر را
سبک سری که ندارد وقار خاموشی

صائب تبریزی

در حیرتم چیره عقل بهت دم فروبستت
بوقت گفتن گفتن بوقت خاموشی

سعدی

مکوا نزه خویشی با دشمنان که لاحول گویند شادی کنان

سعدی

سخن گرچه دلبند و شیرین بود
سزاوار تصدیق و تحسین بود

چو چیزی نگفتی مگو باز پس
که حق چو فرو ریزی نیکو بود

سعدی

سیاست

آلبرت انیشتین در مورد اظهارنامه مالیاتی میگفت برای نوشتن اظهارنامه مالیاتی ریاضی دان بودن کافی نیست بلکه انسان باید دیپلمات زبردستی باشد. ؟

آنکس تواند از دانش خود استفاده برد که اندرز دهد و خود این اندرزها را بکار بندد . تولستوی

آنهائیکه زرنگتر ند راهی آسانتر می گزینند . خانلری

آدمی نباید با دست برهنه مار بگیرد . مثل یوگسلاوی

اگر نمیتوان با مار در آویخت میتوان او را بنوای نی مسحور کرد و برقص در آورد . خانلری

انسان وقتی در کار سیاست آسان فریب میخورد که تصور میکند دیگران را فریب داده است . ژول کامبون

اولین فصل سیاست چیست؟ تعلیم و تربیت. دومین باز هم تعلیم و تربیت و بالاخره سومین فصل آنهم تعلیم و تربیت است؟

اگر نمیخواهی سگ تراگاز بگیرد با دمش بازی مکن . مثل آفریقائی

اگر عیوب خودمان را بخاطر داشته باشیم، عیوب دیگران را از یاد میبریم . مثل عربی

انگلستان در هر پایتخت دو سفیر دارد سفیر حکومت و خبرنگار تایمز، بسا که نظر خبرنگار قبل از سفیر حکومت پذیرفته شود. مثل انگلیسی

برای فرار از دو دو وارد آتش مشو . مثل آذربایجانی

تدبیر نصف معاش است . حضرت محمدؐ

تدبیر همیشه بر شمشیر غالب است . ناپلئون

تدبیر از زنده تر از زور است . مثل آفریقائی

ترس بما یاد میدهد که چطور برویم . مثل تازی

تمام بناها وقتی تمام شد چوب بستها را از میان برمیدارند . مثل عربی

چاپلوسان سگ گور را از خود دور دار زیرا آن ناکسان همیشه طالب نعمت و آسایش اند و در روز سختی چه آسان ترا به -

چنگ بلا سپرده و خود بگرد دیگری حلقه زنند . حضرت امیرؑ

در نفوس، نفوذ نمیتوان کرد مگر بآرامی . لوکوو ه

در دنیا دو نیرو هست، شمشیر و تدبیر بیشتر اوقات شمشیر مغلوب تدبیر شده است . افلاطون

دختر را که پدر تربیت کند مرد از آب در میآید و پسری را که مادر تربیت کند زن صفت میشود . مثل آذربایجانی

درستکاری بهترین سیاست است . مثل انگلیسی

راز موفقیت در اینست که بدانیم چگونه میتوان افکار مردم را عوض کرد همین قدرت است که وکیل، بقال، سیاستمدار

و واعظ را موفق میگرداند . دکتر فرانکلین

سلامت ذوق و اخلاق نیک برای سیاستمدار، سودمندتر از هوشمندی است . گوستاو لوبون

سیاستمداری است که حوادث فردا و یکماه و یکسال بعد را پیش بینی کند و بعد بتواند دلایلی بیاورد که چرا اتفاق نیفتاد . چرچیل

سیاست فاقد قلب است و فقط مغز دارد . ناپلئون

شخصیکه بحکومت بر اعصاب خویش قادر نیست، شایسته نیست که حتی بر کوچکترین پله نردبان سیاست جای گیرد .

عنان اختیار بطور مطلق در دست انسان نیست کم اتفاق میافتد که تقدیر با تدبیر موافق آید . ناپلئون

کسیکه سدهای دیرین را بیهوده شمارد ویران کند بی گمان گرفتار فاجعه طغیان آب خواهد شد . از کتاب تاریخ عدن

گره کارهای دشوار را بسر انگشت تدبیر گشودن بهتر از ستیزه کردن با مردم است . هوشنگ شهریار

مدبر باشید تا آسانتر بمراد خود برسید . ؟

مواظب اموال خودت باش در این صورت بسیاری از افراد از ارتکاب گناه و دزدی باز خواهی داشت . ؟

مادامیکه از رود خانه بیرون نیامده ای سر بسر تمساح مگذار . مثل آفریقائی

نیکبختی من کامیابی من قبول عام من سود و نفع من بیشتر وابسته بمهارتیست که در معاشرت با ابناء نوع خود .

بتوانم بکار ببرم . ؟

هرگز حرف جاسوس را باور مکنید، با استخدام آنها شما بیشتر زیان می بینید . ناپلئون

سیاست

حکیم هند سوی شهر چین شد — به قصر شاه ترکستان زمین شد

شهی دیرینه طوطی همنشینش — قفس گه زندگی آیینه‌اش

چو طوطی دید هندوستان بی‌بر — زبان بگشاد طوطی سیم‌گو سکر

که از بهر خدا ای کارپرداز — اگر روزی به هندستان رسی باز

سلام من به یارانم رسانی — جوابی باز آری گر توانی

بریشان کوی آن مهجور مانده — ز چشم همنشینان دور مانده

بزندان و قفس چون سوگوارند — نه هم دردی نه غمخوار و نه یارند

چه سازد تار سندس شما باز — چه تیر بیرحمت گفتم با شما راز

حکیم آخر چو با هندوستان شد — بر آن طوطی دلستان شد

هزاران طوطی دل زنده می‌دید — به هر گلشن هزاران خنده می‌دید

گرفته هر یکی شکر به منقار — همه در کار فارغ از همه کار

حکیم هند آن اسرار بگفت — غم آن طوطی غمخوار بگفت

چو بشنود این پاسخ نیکبختش — در افتاد این نکیر از درختش

چنان از شاخ افتاد زیر خاک — که گفتی جان بیامد جمله بر پاک

ز حال مرگ ایشان هیچ هشیار — عجب مانده و پریشان شد ز گفتار

به آخر سوی چین چین بار افتاد — سوی آن طوطی آمد باز بگشاد

که یارانم از غم تو جان نبردند — همه بر خاک افتادند و مردند

چو طوطی آن سخن بشنید در حال — ببرد اندر قفس لختی ز پر و بال

چو بال آتشی در خویشتن زد — تو گفتی جان برادر اوفتادش زد

یکی آمد فریب او بشناخت — گرفتش پای و اندر گلخن انداخت

چو در گلخن فتاد آن طوطی خوش — ز گلخن بر پرید شد چو آتش

نشست او بر سر قصر خداوند — حکیم هندش گفت ای هنرمند

مرا تعلیم داد آن غیرت افزای — که هم چون پاک شو بر خاک ریزان

بمیر از خویش تا یابی رهایی — که با گم گشته نزدیک آشنایی

چو گم شد زندهٔ جاوید گشتی — خراب از بندهٔ جاوید گشتی

از اسرار نامهٔ عطار نیشابوری

شادی

آنهائیکه غم کمتری دارند، باخودنمائی بیشتری میگریند .

تاسیت

اگه برای خوش بودن بدنبال اسباب و وسایل میگردید هیچوقت معنی خوشی را نمیدانید، از بی رحمیهای طبیعت یکی این است که وسایل خوشی را در خارج از وجود ما جلوه گر میسازد در صورتیکه پس از یک حسرت و سرگردانی می فهمیم که این وسایل در خود ما خلق شده اند .

حجازی

از لحظات زندگی لذت ببریم و از ساعتها استفاده کنیم بدون آنکه در انتظار لحظات و ساعات بهتر و نیکوتر بنشینیم و آنوقت اشخاصیکه بدبختانه بلذات شدید و حاد خو گرفته اند، دیگر از لذات معتدل حظ نمیبرند و همواره با اضطراب و نبال شادی و نشاط میگردند .

فنلون

افتادید بسیار خوب، چه خواهد شد؟ با چهره بشاش برخیزید در افتادن ضرری متصور نیست، بدبختی در عجز و درماندگیست

کارلی

اگر بدن از بیماریهائیکه مانع نوشتن و خواندن و آموختن است سالم باشد و عقل بی عیب و رزق کافی باشد، غصه خوردن برای چیزهای دیگر بیجاست .

جالینوس

اگر بخواهی برای تمام شادمانیهائی که داری تشکر کنی، دیگر وقتی برای گله گزاری نخواهی داشت

رود

اگر آدمی را شادی در دل میاید جز آنستکه کسی را شاد کرده است و اگر غمگین میشود کسیرا غمگین کرده است . مولوی

اگر انسان به غصهٔ امروز خود رنج دیروز و غم فردا را نیفزاید مقدار او هرچه باشد بآسانی میتوان تحمل کرد . هامرلینگ

اگر روح انسان چون آینه از زنگ غم پاک باشد حه اهمیت دارد اگر چهره او پرچین شود . لرد اویبوری

اگر مایلید حوائج مادی و معنوی شما برآورده شود باید در رفع حوائج دیگران کوشش کنید و اگر میخواهید همیشه

خوش و خرم و سعادتمند باشید باید پیوسته خوشی و خرمی و سعادت دیگران را فراهم کنید. اگر طالبید همه شما را عزیز

داشته و محترم بشمارند باید عزت و احترام دیگران را مراعات نمائید و خلاصه اگر میخواهید تمام مردم شما را دوست

داشته باشند باید همهٔ مردم را دوست بدارید راه نیکوکاری در مقابل همه بازاست . ؟

انسان پیشرو کسی است که در گفتارش عجله نشان ندهد و در کارش نشاط داشته باشد . کنفوسیوس

انسان شادترین همه آفریدگان است. هرچه از آن برتر و فروتر است خشک و سخت است . ادیسن

انسان بوسیلهٔ برآوردن تمایلات خود نمیتواند به نشاط و شادمانی برسد بلکه در صورتی میتواند بآن سرچشمه راه یابد

که پای بر سر این تمایلات بگذارد . اندره گید

این کرانه های کبود این ستاره های درخشان این ابرهای سفید این شفق طلائی این اشعهٔ الوان این زمین سبز

این گلهای سرخ این قلبهای مشتعل این درختان بارور این مرغان خوشالحان این جمال طبیعت و این

بهار جوانی آیا کافی نیست که روح شما را با هیجان درآورده و لبانتان را به تبسم بگشایند . نظام وفا کاشانی

با دیگران بخند نه بر دیگران . دیل کارنگی

باید تا آخرین حد ممکن خوشبخت باشیم و شادمانی کنیم . جون توپک

با یک لبخند هر دری بسوی انسان گشوده خواهد شد . فرانکلین بتگر

بخند آمانه همچو خندهٔ برق که گریه ایرا با خود میآورد، خنده ای که مایهٔ گریهٔ دیگران است ،خنده نیست ،بخند و شاد

باش و دیگران را بخندان و شادمان نگاهدار . نظام وفا کاشانی

برای اینکه بزرگ و پرارزش شوید باید هنگامیکه اشک های شما میخواهد بریزد تبسم کنید . برنالو

برکت عمر در روشنائی چشم و فرح دل در مشاهدهٔ نیکوان دانید . حمید زاکانی

بهار را زمان طراوت و سرسبزی طبیعت میدانند اگر میخواهی روحت و قلبت در تمام فصول سال شاداب باشد را

حفظ کند مستمندان را دریاب خندهٔ یک کودک یتیم و ارآمش پیرمرد و پیرزنی که بعد از خداوند متعال ترا میشناسد

دنیا سنگی است چین و چروک و شیار عمر را از چهرهات دور میکند . غ - ذ

زندگی با اندکی شادی و راحتی و بیشترش با مشکلات و سختی هاست مرد زندگی کسی است که با تلقین بخود سختیها را

فراموش کند و از لحظات شادی یاد آوری نماید . غ - ذ

بزرگترین سرمایهٔ آدمی توانگری نیست ، بلکه خوی خوش است . پوشه

بطور دائم امواج شادی از اندوه از دو طرف ما میگذرد . استفاده از آنها بسته به ارادهٔ ماست . ابوالعلاء

بگوش دل خود ، بخوانید که همیشه از شادی دیگران شاد میشوید . پوشه

بهترین افراد کسانی هستند که از نیکی و سعادت دیگران شاد شوند . ؟

بیائید تا شاد باشیم و بخاطر بسپاریم که بدبختی های غیر قابل تحمل آنهاست که هرگز پیش نمیآید . ج - ز - لاول

تبسم حرفی ندارد ولی سود بسیار میدهد لحظه ای بیش پایدار نیست ولی یاد آن در سراسر عمر باقی میماند . دیل کارنگی

تبسم دشمن را دوست میکند . جرج نیکولا

تو باید چراغ خود را روشن کنی اگرچه گرد تو کوران نشسته باشند . نظام وفا کاشانی

جهان آئینه ایست که شما را آنگونه که هستید جلوه دهد اگر بخندید خندانتان نماید و اگر با چهرهٔ ناخوش بدان بنگرید او نیز چهرهٔ درهم نشان دهد . پوشه

چهرهٔ شادان همان اندازه برای آدم علیل خوب است که هوای سالم و لذت بخش . فرانکلین

چون دمی نیست که با گذشته آینده مخلوط نباشد برای غنیمت شمردن دمها باید بهر تدبیر یا گذشته را شیرین و منظر آینده را روشن کرد . حجازی

چیزیکه با تهدید تحصیل میکنید با خنده سر بتر آن خواهید رسید . ؟

خنده فکر را قوی و بدن را توانا میسازد . رول سیمون

خندهٔ طبیعی فریاد موتور نیرومند بدن است . آناتول فرانس

خوشخوئی وگشاده روئی دام دوستی است و بردباری گوریها . حضرت امیرؑ

خوشخو همیشه خوش معاش است . جامع التمثیل

خوشی ونشاط بی زیان بهترین مایهٔ تقویت روح در برابر سختیهای زندگی است بهمین جهت است که شوخی ومزاح چون از حیث کمیت وکیفیت وملاحظه موقع از حد تجاوز نکند مباح است . فولر

خوشروئی دام دلهاست وخوشخوئی آرام جانها . سیّد علی اکبر برقعی

خوشی وراحت دائمی در تمام مدت زندگی چیزیست که هیچ آدمی نمیتواند آنرا تحمل کند مثل اینست که انسان در همین دنیا به عذاب جهنم معذب شده باشد . برنارد شاو

خوشی وشادمانی انسان در این است که نیروی خالقه ومبدعه خود را از قوه به فعل درآورد . برگسون

خوشترین دم که برای من شادی آوراست همین دم است که حس میکنم ؛ پرده بروی آخرین آلت این کمدی که آنرا زندگی مینامند بسته میشود . بتهوون

خوشی زیاد پیشاهنگ غم فراوان است . مثل چینی

در قلب خود بنویسید هر روز بهترین روز سال است امرسون

درهای آهنین را بروی گذشته وآینده محکم ببندید ودیروز وفردا را در کار امروز مداخله ندهید . دیل کارنگی

در موقع شادمانی مانند بدبختی باید قویدل باشید . ژان دوویلا

در درون خویش زمستانی مساز و خود از سوز سرما و بی برگی آن منال در خزان عمر هم که هستی بگذار وجود تو سرشت بهاران داشته باشد، درخت طبیعت جوانه بزند و نسیم ذوقت خوشه های آرزو را به جنبش در آورد، دنیای بیرون تصویری از درون تست بگذار در دنیای درون تو همیشه بهار باشد .

دلتنگ مباش، چه دلتنگی تو را از دنیا و آخرت بازمیدارد . حضرت محمدؐ

دل شادمان و مسرور خاصیت نوشدارو دارد . حضرت سلیمانؑ

دنیا متعلق به کسانیست که از آن استفاده میبرند و مردم مسرور و شادمان صاحبان و مالکان حقیقی آن بشمار میروند . اسمایلز

دو نفر از پنجره زندان بخارج مینگریستند یکی گل و لای را میدید و دیگری ستاره های درخشنده را . دیل کارنگی

دل شاد مانند دارو اثر میکند ولی یک روح شکسته استخوان ها را خشک میکند تقاضا مکن تا بتو داده شود جستجو کن تا بدست آوری در بزن تا برویت گشوده شود .

رام کردن قلب بشر چقدر آسان بحرفهای مختصر خشنود میشود، معذالک صدای شکستن دل فضای دنیا را پر کرده است .

روزیکه عمر زمین بپایان برسد من و اسکندر مقدونی چه فرقی باهم خواهیم داشت او عمری را برای کسب نام بناکامی و خونخواری گذرانیده و من برای لذت بردن زندگی دوره حیات خود را به شادکامی گذرانیده ام . مترلینگ

زنبور هرقدر باشد گل از آن بیشتر است و دلهای ماتم زده هر اندازه باشند قلوب شاد زیادترند . شکسپیر

زندگی با شادمانی و غم همراه است و نباید از آن بیم داشت . لاد شفوگو

سخت نگیرید بر غمها و نگرانیهای ابلهانه خود بخندید تا به بینید چگونه دور میشوند و بهوا میروند . دیل کارنگی

سرور و خوشحالی یا حزن و ملالت شخصی بسته به میل و ارادهٔ خود اوست . دکتر جانسن

سعادت واقعی غیر از آسایش خاطر و صفای باطنی و روان تابناک چیز دیگر نیست . ؟

سعادتمند کسیکه به مشکلات و مصائب زندگی لبخند زند . شکسپیر

سه گونه شادی با یه خوشبختی و سه گونه شادی دیگر مایهٔ بدبختی است شادی از تسلط بر نفس بوسیلهٔ تربیت و هنر، شادی از گفتگو کردن دربارهٔ فضایل دیگران و شادی از داشتن دوستان لایق و نیک سیرت، سودبخش است لیکن شادی از مال و جاه و شادی از تنبلی و شادی از شکم پرستی زیان بار میآورد . کنفوسیوس

سیل خوشیها از زیر نظر و از دسترس ما میگذرد اما هر کس باندازه و استعداد خود از آن نصیب میبرد . حجازی

شادمانی برای من عبارت از آنست که نیرو و استعدادهای درونی خود را بحد کمال نشو و نما دهم و کامل کنم . ناپلئون

شادمانی و انبساط بیشتر مولود مسرت نیست بلکه زائیدهٔ پیروزیست . امرسون

شادمانی و نیکبختی ما غالبا بسته به مهر و صفائی است که با دیگران داریم . جان کاپیزل

شادی بسیار سرشت را خود پسند کند و کامرانی بیشمار دل را می میراند . ؟

شادمانی عبارت است از پروراندن و نشو و نما دادن عالیترین صفات و خصائص . ارسطو

شادمانی در خانه ایست که مهر و محبت در آن مسکن دارد . شکسپیر

شما وقتی تبسم می کنید جامهٔ انسانیت میپوشید . — ویلیام اشتین

شخص ایامی را که به او بد گذشته بهتر از ایامی که با و خوش گذشته بخاطر میسپارد . — مثل آلمانی

عجبا ما در میان مسرات بسر میبریم و معذالک یکدقیقه خوش نیستیم . — مادام دوساوینین

عده ای دائم غرغر میکنند که گل سرخ خار دارد ما باید شاد باشیم که خارها گل دارند . — الفونس کار

عقل و هوش خود را با خوشی و نشاط دمساز کن تا هزاران آسیب از میان برود و عمرت دراز شود . — شکسپیر

فقط آنهائیکه زیاد گریه کرده اند میتوانند ارزش زیبائیهای زندگی را درک کنند و از ته دل بخندند . — اوریانا فالاچی

کسیکه شاد و خندان است همیشه وسیلهٔ شاد و خندان را پیدا میکند . — شوپنهاور

کسیکه از چیزهای کوچک خشنود نیست از هیچ چیز خشنود نخواهد شد . — ژون سمون

کوشش کنید آنچه شما را راضی میکند بدست آورید وگرنه زمانی خواهد رسید که ناچار بدانچه بدست آورده اید راضی باشید . — برنارد شاو

گوناگونترین لذتها شیرین ترین لذتها هستند . — فرقمار

کسیکه بلند میخندد حماقت خود را نشان میدهد . — مثل ایرانی

گریه کردن هم دل خوش میخواهد . — مثل فارسی

لبخند زدن تو بروی برادرانت برای تو صدقه است . — حضرت محمد(ص)

لبخند خورشید روح هر انسان است بدون آن چیزی زنده میماند و نه چیزی میتواند بروید . — ؟

لبخند و شادی زمانی سزاست که گره از کار فروبسته متمندی بگشائی . — غ - ذ

مردمان دل زنده و با نشاط هر سختی و دشواری را از پیش رانده و یک تنه گره گشای هر مشکلند . — اخلاق روحی

مرد یکه در نبرد زندگی میخندد قابل ستایش است . — برنارد شاو

مؤمن مزاح کننده و خوش حالت است . — حضرت محمد

من هر روز صبح خوشحال پای بدنیا میگذارم . — ؟

من از مردیکه از شوق سر از پا نمی شناسد خوشم میآید بهتر است انسان مانند چشمه آب گرم باشد تا اینکه مانند مرداب راکد بی حرکت بماند . — جان - ج - شه

من از فردای خود نمیترسم ، دیروز سپری شده ، امروز را هم دوست دارم . — ویلیام الن هوایت

مرد یکه تبسم کردن نمیتواند نباید وارد هیچ دکانی شود . — مثل چینی

ناداری بلاست از آن بدتر بیماری و از بیماری تن دشوارتر بیماری دل . — حضرت محمد

نشاط نیکبختی افراد انسان و سرور دیگران متصل بوجود خود آنها و سرور دیگران متصل به اجتماع است . — دکتر شفق

نشاط و شادمانی در اینست که طبیعت رایگان برای ما وا در اختیارمان گذارده است . — ؟

نعمت های خود را بشمار نه محرومیتها را . — دیل کارنگی

نوشیدن باده عشق از هر جامی که باشد تفاوتی ندارد ، همینقدر باید سرخوش بود . — چخوف

وقتی مریضی به یکی از اطبا، مراجعه کرد طبیب پس از معاینهٔ کامل بوی گفت معالجه تو فقط خنده و خوشحالی است . ویلیام اشتین

هر روز خود را تازه کن یا نه هم دوباره خود را تازه کن همیشه خود را نو و تازه نگاه بدار . کنفوسیوس

هر کس عادت داشته باشد به جنبهٔ خوب وقایع و حوادث نگاه کند این عادت او از سالی هزار لیره عایدی بهتر و گرانبهاتر است . دکتر جانسون

هر قدر میتوانی شاد زندگی کن و هرگز فکر بیهوده به مغز راه نده چون سلامتیت تباه میشود . دیکنز

هرگز اشکی را که از شادی میریزد پاک مکن . سنگ

همه جا شادمانی قشر نازکی است که روی رنج و بیچارگی کشیده اند ویکتور هوگو

هیچ حسب و نسبی چون خوی خوش نیست . حضرت محمد

هیچ چیز در دنیا مد یا خوب نیست قوهٔ اندیشهٔ ماست که بدی و خوبی، سعادت و شقاوت میآفریند . شیللر

هر چه انسان تهی مغزتر باشد خوشحالتر خواهد بود . مثل چینی

هر وقت که شادی تو ناراحتی دیگران را بوجود آورد منتظر انتقام باش . مثل فرانسوی

یک خنده بهتر از هزار ناله است . ابوالعلا

یکی از حالات بد در انسان این است که بخطاهای دوستانش که مایهٔ آزار او میشود بیش از آن توجه داشته باشد که بکمالات ایشان که سبب خوشحالی او را فراهم میآورد . کرویل

یکساعت که آفتاب بتابد خاطرهٔ یک هفته بارندگی پیگیرانه از خاطر میرود . آبد بدریو

بکوشید تا رنجها کم کنید — دل غمکن شاد و خرم کنید

چو روزی به شادی همی بگذرد — خردمند غم چند خورد؟

فردوسی

تا کی دلت از خرخ حزین خواهد بود — با محنت و درد همنشین خواهد بود

خوش باش دمی که روزگار پیش از من و تو — تا بوده چنین بوده و چنین خواهد بود

هلالی جغتائی

چو شادی یک بدیک بد روان نیست — خرد گه از زمین گه از آسمان نیست

فردوسی

خوش باش و شکفته دار بهر حالی که هست — خوش باش که روزگار پیش از من و تو

صائب

بمان بهتر که دایم شاد باشیم — ز هر درد و غمی آزاد باشیم

بخوشدلی و خوشخوئی در ایام — همی روزه شوی خوشدل در انجام

گر خوشدل نشی درویش و دلتنگ — بماند شادمانی جاودانی نصرخسرو

شجاعت

آنکس که دل باجرأت را راهنمای خود کرد در پیش او هر تاریکی روشن باشد . — سید رضی

آدم ترسو اگر مجبور به شجاعت شد تهوّر و دیوانگی میکند . — حجازی

اشخاص شجاع و باجرأت بیش از همه کس میتوانند جوانمردی و فتوّت داشته و بلکه اصلا طبیعت آنها اینطور سرشته شده است . — امیر

اگر بر ناتوان خشمگین شوی دلیل بر این است که قوی نیستی . — ولتر

اندیشیدن یعنی اینکه آدمی گاهی هم با شجاعت بگوید : نه . — ؟

انسان با استعانت قدرت و نفوذ تعقّل و استدلال میتواند حتّی بر وباء طاعون غلبه کند . — ناپلئون

اولین شرط توفیق شهامت است و بی باکی . — ناپلئون

اگر کسی را تحقیر کردی معنایش اینست که خودت بی شخصیت هستی . — مثل هندی

باید که هیچکس جز از گناه خود نترسد . — حضرت امیر

برای یک قلب قوی و جسور همه چیز ممکن است . — ؟

برای شنا کردن بسمت مخالف جریان رود خانه قدرت و جرأت لازم است والاّ بر ماهی مرده هم میتواند ظرف

جوهر شجاعت در این نیست که شما نترسید، بلکه در آن است که کسی نفهمد که ترسیده اید . نسبون

چنانکه حکمت اغاز همه فضیلتهاست، شجاعت نیز درجه کمال آنهاست زیرا که از حکمت آنچه را که باید کرد یا دمیگیریم. بوسیله شهامت آنرا بجا میاوریم . دموستن

چه هنرها و استعدادها که بر اثر احتیاج باندکی شجاعت بکلی از میان رفته است. هر روز صدها مردم گمنام بر اثر یاس و ناکامی در قعر گورهای سرد فرو میروند تنها برای اینکه حجب آنان مانع گردیده بود که نخستین قدم را در راه نیل بمقصود بردارند .

خون شهدای یک قرن چشمه ایست که نسل های قرون دیگر را سیراب میکند . مثل آلمانی

دلیری جز به استقبال خطر رفتن نیست . پی یر وبر

دلاورترین مردم آنست که بر هوای نفس غالب آید . حضرت محمد

دلیر حقیقی و دلاور واقعی کسیست که در حال غضب خشم خود را فرو خورد و از آزار بیچارگان حتی گاه انتقام، خودداری ورزد. حضرت عیسی

دلیری و شجاعت مرد باندازه همتش و غیرت بقدر حمیت و ناموس پرستیش میباشد . حضرت امیر

دلیری و شجاعت را بدروغ نمیتوان برخود بست. دلیری صفتی است که مکر و فریب نمی پذیرد . ناپلئون

دلیر کسیرا گویند که بهمگی کار و کرداروی برخاسته از خرد و دانائی و برابر با عقل باشد . ؟

شجاعت ملاح در موقع طوفان و شجاعت سرباز در میدان جنگ ظاهر میگردد . باطن و سیرت مردم را در حین بدبختی و مصیبت آنها میتوان شناخت . دانیال پیغمبر

فاتح ترین اشخاص جسور ترین اشخاصند . محمد مسعود

قلب دلیر در سینه مرد با شرف گوهری است در صندوق مقفل . ؟

قهرمان واقعی کسی است که سبب شادی دیگران میگردد . مونترلان

کسیکه شجاعت ندارد در او حقیقت نیز موجود نیست . والتر اسکات

مرد بی شهامت کسی است که در جائیکه باید اعتراض کند خاموش بنشیند . ابراهام لینکلن

مرد قوی دل ، آتیه را حقیر میشمارد . ناپلئون

مردان متهور و شجاع ، بیشتر از تنهائی و انزوای اجباری که دچار آن شده اند استفاده کرده و آنرا بمصرف ایجاد آثار و تالیفات بزرگ و گرانبها رسانده اند ، در گوشهٔ انزوا و عزلت عشق و تمایل انسانی به تکمیل نفس شدت میابد و در حین تنهائی و گوشه گیری روح چنان بخود مشغول میشود و به تکمیل و توسعهٔ خویش میپردازد که قوای آن غالبا بسر حد کمال میرسد و مستعد ایجاد انواع شگفتیها و شاهکارها میگردد . اسمایلز

معنی حقیقی شجاعت ، حریت . قوت قلب است در مخاطرات نباید اضطراب و هیجان به شجاع دست دهد و همچنین از جوش و هیجان نیز بر کنار باشد و هرچه قوت روح و لطافت قلب زیادت شود بر شجاعت میافزاید . سه دارا سعد

مردان شجاع و بی پروا بر جهان آقائی میکنند . مذایت لیالی

نامداران جهان ، دلیر ترین افرادند . سترن

دلیری زهشیار بهتر بود — دلاور سزای ستهتر بود

آدمی را قوت دست از دل است — هر که او را دل قوی بازو قوی است

*

در نام جستن دلیری بود — زمانه زبر دل بسیری بود

هر آنکس که در بیم و اندوه زیست — بران زندگانی بباید گریست

فردوسی

با آنکه تو گرم گفتی سرد مباش — با آنکه شفا دهدت درد مباش

چیزی بجهان به از جوانمردی نیست — رسوای زمانه باش و ناجوی مباش

ابراهیم صهبا

بگذار هوس که کار دیرینه توست — کز شیر شرزه درآرد بزیر خم کمند

سعدی

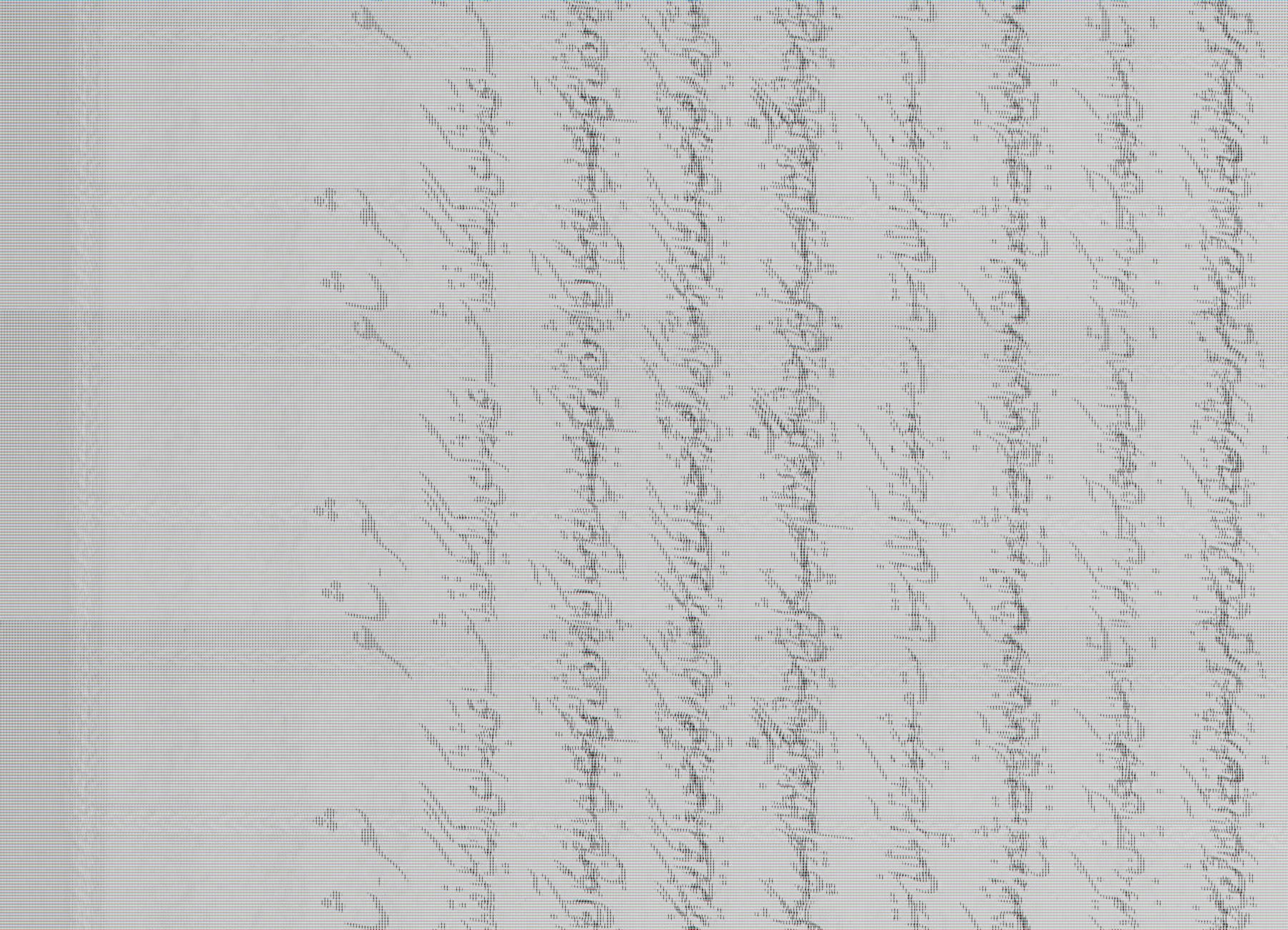

یک شاعر حساس از دیدن زشتی های حیات از دیدن آلام و بدبختی های بشری رنج میبرد و این رنجی است که یک نفر کاسب، یک شخص عادی از درک و تحمل آن مصون است ولی در عوض شخص عادی از درک زیبائی های حیات هم عاجز است در صورتیکه شخص اول از جمال طبیعت از تارهای طلائی آفتاب هنگام صبح و از نور سفید و رنگ پریده ماه هنگام شب لذت برده و محظوظ میشود .

محمد مسعود

اگر شعر را نگاشتیم از ذرات آن اضطراب روح هیجان خاطر ، اشک چشم و خون دل مدبت میاید زیرا شعر سخن دل است باید دل آنرا بگوید و دل آنرا بفهمد و کسیکه گفته خود را نمیتواند از این مواد حساس ظریف ترکیب کند شاعر نیست . نظام وفا

اندیشه های شاعرانه تنها خواب و خیال نیست بلکه نتیجه مطالعه تجربه ، حافظه و شناخت جهان است . هگل

این جهان برای تماشا کردن دلنشین است اما جهان شاعر دلنشین تر و جاذب تر است . گوته

برخی از بیانها سحر آسا و قسمتی از اشعار حکمت است . حضرت محمد (ص)

بر بال شعر با خاطری مطمئن میتوان سوار شد و با فق خیال پرواز کرد چون شعر مانند موسیقی بیم پرت شدن و سقوط ندارد . لرد آویبوری

تنها شاعران میتوانند در زندگی یک عصر وحدتی ایجاد کنند . اهل علم برای ایکار نا توانند باین علت که انها فقط سطح زندگانی را و انجا که فکر میتواند دریابد مطالعه میکنند و ایشان را با عماق زندگی و بر بسته درونی آن راه نیست الدین کیلی

جهان هنر جهان دردها ، یادها ، ناکامیها و امیدواریهاست هر رنجی زخمی است که تارهای دل شاعر را بلرزه و ناله

شعرای نغز گفتار از دلیران و قهرمانان در عالم جاودانی ترند و بیش از آنها رایحهٔ خلود ابدیت را استشمام کرده اند . هازلیت

شعر روحهای خفته را بیدار میکند و فکر را برای درک حقایق آماده میسازد . شلی

شعر خوب و حقیقی از آن ملت های نوزاد است ملل دنیا وقتی دلِ زنده و شاد دارند شعر خوب میگویند ، وقتی پیر شدند ، هم و غم زندگانی فرصت سرودن شعرهای حساس به آنها نمیدهد . ؟

در لحظات شور و سرور و درد دقایق اضطراب و دلهره بسوی دیوانهای شعر روی آورید . غ - ذ

شعرا قانونگزاران شناخته شدهٔ دنیا هستند . شلی

شعر وقتیکه آرا همگنها دور میگردد میخشکد . ازراپاوند

شعر قسمتی از دانش بشری است . بیکن

شعر ظواهر اشیاء را با خواستهای روح منطبق میسازد مایهٔ گسایش خاطر و صفای ذهن میگردد . کانت

شعر از کتر پرهیجانی است که آوازِ طبیعت و بشر و حوادث را به هم آمیخته است هوگو

طبیعتی که شعر درباره اش سخن گوید ، طبیعتی است که با عشق سوزان در آرزوی رسیدن بآن هستیم . بندتو

فرزندان خود را شعر بیاموزید : زیرا شعر ذهن آنها را باز میکند و بآنان شجاعت میبخشد . حضرت محمد (ص)

کسیکه معلومات جامع درباره ادبیات دارد بر وفق قواعد فضیلت اخلاقی رفتار میکند میتواند بجائی برسد که از خطا و لغزش آزاد بماند . کنفوسیوس

فطرت شاعر سراسر جستجوست — خالق و پروردگار آرزوست
شعر را مقصود اگر آدمگری است — شاعری هم وارث پیغمبری است

اقبال لاهوری

زان گروه کژ رو شاعر مرنج — کو نیارد جز دروغ اندر دماغ
راستی جوید ز بیت و بهر بیت — اجر تی خواهد ز هر کس جز دروغ

ابن یمین

شعر دانی چیست مروارید ریزی از دریای عشق — هست شاعر آنکسی کاین طرفه مروارید سفت
صنعت و سجع قوافی هست علم و شعر نیست — ای بسا ناظم که نظمش نیست الا حرف مفت
شعر آن باشد که خیزد از دل جوشان لبش — باز در دلها نشیند هر کجا گوئی شگفت
ای بسا شاعر که او در عمر خود نظمی نساخت — وی بسا ناظم که او در عمر خود شعری نگفت

بهار

شعر ناگفتن به از شعری که با شد ناصواب — بچه نازادن به از زشتی که افتد در جنین

شوقی

شکست ـ ناامیدی

آفتاب بزیر سقف نمیماند تو بر سر خود سقفی از نومیدی ایجاد نکن تا بتوانی از انوار آفتاب لذت بری . ؟

آنکه میخواهد زنده بماند باید با دشواریها درآویزد . دشواری برای مردگان نیست ، نومید مردگانند . دکتر پرویز خانلری

اخلاق روزگار را شناختم مصیبت نقد است و خیرش وعده و نسیه . ابوالعلا

از پیروزی تا سقوط ، فقط یک گام فاصله است . ناپلئون

از ابتدای پیدایش جهان بزرگترین شرط بقاء آمادگی برای دفاع بوده است ، هر موجودی که مسلح نباشد محکوم به فناست . موسادبورن

اسب تیز رو چه بسا که بسر در غلطد . حضرت امیر

اگر تاکنون چندین بار در کارتان شکست خورده اید نگوئید که شکست خوردم فقط بگوئید تنبلی کردم زیرا شخص اگر تنبل نباشد هیچگاه شکست نخواهد خورد . ؟

اگر در وجود خود جستجو کنیم می بینیم که هزار قدرت در اختیار داریم و نمیدانیم . حجازی

اگر هر روز راه را عوض کنی هرگز به مقصد نخواهی رسید . بالانش

از آنچه با سانی بدست آمده بدنگاه داری میشود . مثل آلمانی

اگر بفردا غره باشی امروز شکست میخوری . مثل یونانی

بالاترین نومیدیها موقعی است که انسان بنا امیدی روزگار بگذراند . حضرت امیر

بخاطر داشته باش که آنچه به وجود تو فشار میآورد چنانچه بخود آید شکست ناپذیر خواهد گشت . مارک اورل

بزرگترین مشکلات در جائی نهفته است که ما هرگز انتظارش را نداریم . گوته

بین پیروزی و شکست یکقدم بیشتر فاصله نیست و مردم از ترس شکست، شکست میخورند . ناپلئون

تأسف برگذشته خوردن ناپسند است، کسیکه نتواند خود را با زندگی حال منطبق سازد شکست خورده محسوب میشود . آلفرد کاپر

دنیا محل مسابقه بزرگی برای شرکت کنندگان میباشد هر کس سعی کرد که از راهی مطمئن و کوتاه به هدف برسد و شخصیتی بدست

آورد بعضی ها که استقامت و پشتکار ندارند از قافله عقب افتاده و شکست میخورند و برای جبران عقب افتادگیها دست

بکارهای مضحک میزنند . غ - ذ

سوار لایق محکمتر از دیگران بزمین میخورد . مثل ایرلندی

شکست خوردگان دیروز فاتحان امروز را بوجود آورده اند . ریلبر میرون

شکستهایی است که خیلی بیش از فتح ظفر بخش است . مونتن

شکست باید انرژی خفته ما را بیدار کند . دومن رولان

شکست پله های نردبان موفقیت است کسیکه از اولین شکست مایوس میشود لیاقت توفیق ندارد . ؟

ضرر کم را بوسیده بچشم بگذاریم . — مثل فارسی

طناب در ضعیف ترین نقطه پاره میشود . — مثل آفریقائی

فقط کسانی شکست میخورند که تلاش و مبارزه نکرده اند . — تامربیلی الدریچ

فقط سقوط بزرگ است ... بقیه چیزی جز ضعف و کوچکی نیست . — وین یلی

کسیکه هرگز متوقع و امیدوار نیست هرگز روی نومیدی را نخواهد دید . — برنارد شاو

کس نخارد پشت من جز ناخن انگشت من . — مثل فارسی

مردم همه از آدم بدبخت میگریزند ولی من از یاس و ناامیدی که مثل تمام بدبختی ها ست فرار میکنم . — مونتسکیو

موفقیت بهترین مبلغ انسان است . — مثل انگلیسی

ناامیدی یعنی دوست نداشتن خود، دیگر هیچ . — ژیلبر نو برون

ناامیدی و یاس ز یاد ترس و بیم را از بین میبرد . — ؟

نومیدی اشخاص شجاع را بحمله وامیدارد چنانکه گربهٔ مأیوس بر سگ حمله میکند . — ؟

نیمهٔ اول عمر در انتظار نیمهٔ دوم آن میگذرد و نیمهٔ دوم آن بحسرت نیمهٔ اول سپری میشود . — ؟

وقتی نومید میشوی، همه چیز را از کف میدهی . — ؟

هر شکست لااقل این فایده را دارد که انسان یکی از راههائی را که به شکست منتهی میشود، میشناسد . — لاودنس

هر پیروزی ، پیروزی نیست و هر شکست ، شکست نه .

ناپلئون

هرگز نومید نشوید ، هرگاه هم شدید ، بدانید که در نومیدی نیز امید است .

بایزید بسطامی

هر کس مدتها محال بوده از ممکن هم محروم خواهد شد .

دکتر خلیل خان ثقفی

هیچ گاه تسلیم ناامیدی نشوید .

رتشیله

روزی که غمی رسدت سنگدل مباش — رو شکر کن مباد که از بر تبر شود

ای دل صبور باش و مخور غم که عاقبت — این شام صبح گردد و این شب سحر شود

صبر و ظفر هر دو دوستان قدیمند — بر اثر صبر نوبت ظفر آید

نه هر درخت تحمل کند جفای خزان — غلام همت سروم که این قدم دارد

حافظ شیرازی

آنچه بر من کارهای سخت میرود مدام — بی ثباتیهای صبر نیست بنیاد من ثبات

نظامی

پافشاری و استقامت میخ — سزد ار عبرت بشر گردد

بر سرش هر چه بیشتر کوبی — پافشاریش بیشتر گردد

همان

چو دانا نمایه بکاری درنگ — بپیروزی آرد جهان یکسرنگ

همه کارها در فروبستگی — گشاید ولیکن بآهستگی

فردوسی

زیر شمشیر حوادث مژه برهم نزنیم — برخ سیلی کشاکش رعایت در خانه ما

صائب

شهرت

اگر به شهرت خود علاقمندی با مصاحبان خوب بسیار چه تنهائی بهتر از مصاحبت با بدان است . جرج واشنگتن

این شغل نیست که باعث افتخار میگردد ، بلکه شخص است که با شخصیت خود بشغل خویش ارزش بیشتری میدهد . ماکیاول

اگر بحسن شهرت خود علاقه نداشته باشی میتوانی بهر عملی که دلت بخواهد دست بزنی . مثل چینی

به جرأت میتوان ادعا کرد که زندگانی حقیقی عده ای از مشاهیر رجال بعد از مرگشان شروع شده است . اسمایلز

بخت دو فرزند دارد یکی اعتماد و دیگری شهرت وقتی این مولود بوجود آمد بخت سزاوار احترام و ستایش میشود زیرا اعتماد نماینده آسایش شخص خوشبخت است و شهرت مظهر توجه دیگران باو . بایگون

به کار و پیشه ای بپردازکه نامت ، سبک و ننگین نشود . بزرگمهر

جوانمرد برای نام خود میمیرد و ناجوانمرد برای نان . مثل ایرانی

حسن شهرت و نام نیک بزرگترین سعادتهاست . شیللر

در دنیا کاری مشکلتر از ساختن و پرداختن یک نام پر افتخار نیست . لابروییر

دهان خود را با احتیاط باز کن و بند تا میزان ثروت و اعتبارت لااقل از طریق شهرت بیشتر شود . تسیرمان

شرافت نام را باید نگاه داشت امانتی است که به ما سپرده شده و آنرا باید با احترام بخشنده آن که پس میخواهد -
بدیگران ارزانی دارد بخوبی حفظ کنیم .

مشدلی

شهرت و افتخار تنها به کسانی داده میشود که خواهان آن بوده و در جستجویش باشند .

آناتول فرانس

شهرت یکه از راه فریب دادن مردم و پنهان داشتن حقایق از انظار عامه و گفتن و نوشتن مطابق ذوق و سلیقه طبقات
پست و بدتر از همه بوسیله استفاده از مناقشات طبقاتی اجتماع بدست آید این شهرت در نظر هر شخص صالح و با وجدان
پست و منفور است و صاحب آن دارای ارج و مقامی نیست .

اسمایلز

شهرت نیرومندترین آهربای این جهان است .

خانم دوزولت

شهرت کاذب مثل اسفنج است با آب غرور پر میشود و با حرارت آزمایش خشک میگردد .

کارنیلد

شهرت یک سوگواری با شکوه برای سعادت است .

ابوالعلا

شهرت و احترام را از خشونت و قساوت نباید بدست آورد .

مهاویرا

شهرت آن چیزی است که تا کسی آنرا بدست نیاورده بدنبالش میرود اما وقتی که آنرا یافت با استعمال حیله و دوری
سعی میکند از آن دوری نماید .

؟

کسیکه یقین دارد اثری که بوجود آورده ماندنی و جاودانیست احتیاطی به تقریظ ندارد و ما فوق افتخار و شهرت است
زیرا سرور و نشاطی که او حس میکند بالاتر از تمام لذات و دارای جنبه الهی است .

برکسون

عشق به شهرت و افتخارات از هوسهائی است که عرفا بآن اعتنا ندارند . نامیست

نام شخص ردائی نیست که تنها برگرد او پیچیده شده باشد و کسی بتواند آنرا بآسانی از او برباید بلکه لباس کاملا پیوسته
به اندام اوست که همچون پوست بدن او بالیده و ریشه کرده است و کسی نمیتواند بدون صدمه زدن به او آنرا
از تن وی بیرون آورد . گوته

وقتی شهرت بدبخت آوردی دوستان بدون دعوت بدورت جمع میشوند ، اگر شهرت را برای انبوه دوستان بی وفا
طلب کردی چه بهتر تا پشیمان نشده در گمنامی بسر بری . غ - ذ

نیک نامی از کمر بند زرین بهتر است . مثل فرانسوی

هر کس نگهبان شرافت خویش است . مثل فرانسوی

دلا تا بزرگی نیاری بدست — بجایی بزرگان نشاید نشست

نظیری

فضیلت در نهایت معنی است — داشتن باخداجه زاده ای دعوی است

گفت این علم تهرا بیت و ادب — گفت آن اصمعی بهتر ابیت و نسب

ماجرایشان برانکشید از قهر — که مسافر شو نه هرز شهر

تا از آنسر راهشان چه پیش آید — که نکوتر شهر خویش آید؟

عالم پرخرد پس از یکچند — بیکی مملکت رسید از راه

رفت در شهر علم خویش نمود — کس بعلمش در آن دیار نبود

تا برایش خجالتی برآمد نام — کایزدش میرو پادشه بسلام

بود روزی میان بحر سوار — در رکابش پیاده ای دیار

دیرمی اصمعی روایت کرد — از غریبی و بیکسی گفتش

فاضلش خواند و جامه داد و درم — گفتش از روی مردمی و کرم

فضل بیرون بود ز اندازه — اصمعی بیرون زد دروازه

فخر مردم بدانش اولیتر — که بود مفتخر باصمعی و بزر کمتی

ظلم ـ ستم ـ اندوه

آخرین درجه فساد بکار بردن قوانین برای ظلم است .

ولتر

آدم تبهکار میمیرد ولی شرش بعد از او میماند .

شکسپیر

آدمی شاگردی است که درد و اندوه او را تعلیم میدهد ، هیچکس بدون احساس این معلم قادر بشناسائی خود نیست .

الفرد دوموسه

آنکه به فکر فردا نیست ، به غم فردا گرفتار خواهد شد .

از منتخبات کنفوسیوس

آهن در آتش استحکام و قدرت میابد و پولاد میگردد . بشر نیز در دور رنج نیروی اخلاقی خود را بدست میاورد .

بهزی کتاس

اذیت کشیدن بهتر از اذیت رسانیدن است اذیتی که از دیگران بما میرسد هر قدر هم سخت باشد زود میگذرد ولی وقتی دیگران را اذیت کنیم ، آنها نیز درصدد تلافی برآمده مدتهای دراز زندگانی مارا دچار اضطراب و پریشانی میکنند .

لرد اویبوری

از نفس بد جز فعل بد نیاید و از طینت ناپاک جز فساد و بی باکی نزاید .

؟

از همه اندوهگین تر شخصی است که از همه بیشتر میخندد .

ژان پل سارتر

اشخاص شریف و دردکشیده ای وجود دارند که با حداقل مهربانی قادرند رنج و درد خود را با شکیبائی تحمل کنند .

بودلو

افراد قوی و نیرومند کسانی هستند که در گهوارهٔ رنج پرورش یافته آنها میتوانند در برابر طوفانهای مصائب مقاومت نمایند

ولی کسانیکه در مهد عزت و نعمت پرورش یافته اند با یک نسیم سرد پژمرده میشوند و با یک باد شدید از جای کنده میگردند . ؟

اگر دلت پر از غم است در حضور مهمان گشاده رو باش و با دل خونین لب خندان بیاور . ؟

اگر ما دیگران را در مشقتها و گرفتاریها دلداری دهیم خود نیز تسکین مییابیم . ابراهام لینکلن

اگر در این جهان از دست و زبان مردم آسوده باشیم برگ اشجار و زمزمهٔ آبشار و جریان جویبار هر یک بزبانی دیگر

با ما سخن خواهند گفت . شکسپیر

اندوه ، مرگ روح است و شادی زندگی آن . وینه

انسان نمیتواند بدون رنج و عذاب خود را بسازد ، زیرا او هم سنگ است و هم سنگتراش . الکسیس کارل

اندوه نخست مغز را از بین میبرد و پس جسم را . مثل هندی

این واقعیتی است که روح ترجیح میدهد ، بسوی بیماران و اندوهمندان فرود آید . نیچه

اینکه می بینیم بدبختی و فلاکت دنیا را گرفته و نظام آن از هم گسیخته و جمال آن لکه دار شده بواسطهٔ معاصی و رذائل ماست

ظلم و تهمت و حسد ، عیاشی و طمع و حرص و شهوت مانند خارهای جانگزا دنیا را پر کرده و موجب فلاکت و نکبت و شکایت

و جنگ و جدال گردیده است . لرد آویبوری

اشکی که در نتیجهٔ غم ریخته شود پاکترین آبهاست . مثل عربی

اشکهای کسانیکه گریبان به نزدت میآیند با نوارشش پاک کن . ؟

اشک وعرق وخون هرگز بی نتیجه نمی ماند . مثل انگلیسی

بدترین مردم کسی است که مردم اورا اکرام کنند برای محافظت از شرّ او . حضرت محمّد

باران هم روی ظالم میبارد و هم مظلوم ولی بیشتر روی مظلوم میبارد زیرا ظالم چتر مظلوم را ربوده است . کریستوفر بن

بادردمندان نباید هم داستان شد بلکه باید آنان را دلداری داد وارتزلزل وانحطاط روح آنان که مستغرق دریای اندوه ورنجند جلوگیری نمود .

مترلینگ

بدترین افراد کسی است که دائم سعی میکند وسائل خجلت وشرمساری دیگران را فراهم سازد . ؟

بدخواه اندوهش از همه افزونتر است . ذوالنون

بدترین غمها شک وتردید است . الکساندر دوما

برای فریب دادن چشم دیگران خود را چار رنج ومحنت مکن . فرانکلن

بسیاری از آنهائی که به ظاهر خوشبختند در پنهانی رنج میبرند . ماسیلون

بهترین گوهری که به سر انگشت لرزان باید فرو گرفت اشک یتیم است محمد حجازی

بیشتر مردم عدالت را ازان جهت دوست دارند که میترسند روزی به آنها ظلم شود . لارشفوکو

پیش آمدهای بد از سبب های بد حاصل میشود و آنچه مایهٔ رنج ماست عموماً نتیجهٔ کاری است که خود مان کرده ایم . ادیسون قانی

تا موقعی که در این دنیا هستید از مواهب و برکات آن استفاده کنید دنیا برای همین خلق شده در مقابل رنج ها و سختی ها دلگیر و افسرده نشوید خود را بالاتر از آن بدانید که رنج و سختی بتواند به شما دسترسی پیدا کند کسانی که قدر و منزلت زندگی را نمیدانند سزاوار زندگی نیستند و حق ندارند خوشبخت باشند .

لرد آویبوری

تنها یک گرگ کافی است که هزار بره را زخمی و پاره نماید پس باید بره ها را گرگ شناس کرد .

؟

چیست که باعث رشد و توسعه عمیق ترین افکار نوع بشری میگردد ؟ علم و دانش نیست ، لیاقت و کاردانی نیست هیجان عواطف و احساسات نیست فقط رنج و محنت است که میتواند اعماق فکر انسان را بشکافد و شاید بهمین جهت است که این همه رنج و اندوه در این دنیا فراوان میباشد .

هیپز

حسن خلق آن است که خلق را از نجانی و رنج خلق بکشی ، بی کینه و مکافات .

تذکرة الاولیاء

خاطرهٔ یک خوشبختی هرگز خوشبختی نخواهد بود اما خاطرهٔ درد و رنج همیشه درد و رنج است .

لرد بایرون

خونی بدتر از نشستم بر مردم نمی شناسم .

حضرت امیر(ع)

خون ناحق نمیخشکد .

مثل فارسی

در حقیقت هیچ چیز باندازه رنج و بدبختی روح انسان را بزرگ نمیکند .

لرد آویبوری

در نمایشگاه قیصر روم ده هزار گلادیاتور بودند در این نمایش سولا ، صد شیر و قیصر چهارصد و پنجاه شصد شیر در نمایش بجان آدمیان بنام بردگان و گلادیاتورانداختند که عدهٔ زیادی جان خود را از دست دادند تا تماشاگران لذت ببرند . جلد ۷ تاریخ تمدن ص ۲۰۵

در نظر داشته باش که زندگی فنا پذیر، همچون بادی است آهی است و ناله ای و هق و هقی و تلاشی . ادوین ارنولد

دشواریها و مصائب معلمی است سخنگیر. ولی میوه های شیرینی دارد . ؟

دنیای وحشتناکی است، چیزی جز رنج و فلاکت در آن نمیتوان یافت . بودا

دوستی که به تنهائی رنج میبرد به دیگری ناسزا میگوید . ژان دودنزو

دیدن لبخند آنهائی که رنج میکشند از دیدن اشک آنها دردناکتر است . مادام دولیر

راد مردان در مقابل ظلم و ستم خاموش ننشینند و سیرت نابکاران را هم با دست و هم زبان مخالفت کنند . حضرت امیر(ع)

راضی هستم که مرا با رنجیر آهنین سخت ببندند در میان کوه و دشت برسنگ و خاشاک بکشانند ولی هرگز رضا نیستم که دلی از کردار من آزرده و خاطری پریشان گردد . حضرت امیر(ع)

راحت دنیا چون روشنائی برق بی ثبات است و نعمتش چون تاریکی ابر بی بقا نه به فوائد انعاش الفت باید گرفت و نه از شدائد آسمش اندوه باید کشید . سید معصوم علی

رستگار کسی است که چگالش بخون مظلوم و زبانش بمال و آبروی مردم آلوده نباشد . حضرت امیر(ع)

رقت بر سه کس واجب است ۱- عاقلی که حکم جاهلی براو روان باشد ۲- قوی که گرفتار ضعیفی گردد ۳- کریمی که محتاج لئیمی باشد . افلاطون

رنجی که واقعا شجاعانه تحمل شود حتی دل سنگ را نرم میسازد . گاندی

رنج بردن بیشتر از مردن جرأت و جسارت میخواهد . ناپلئون

رنج اقلیمی است که روح بشر در آن تنفس میکند . کی برکگور

رنج و درد و زحمت و مصیبت از بزرگترین معلمان و مربیان بشرند و من گاهی فکر میکنم که اگر سختی و محنت آفریده نشده بود نوع بشر

چگونه میتوانست مدارج ترقی را بپیماید و در شاهراه تکامل قدمی جلوتر برود . کاظم زاده ایرانشهر

زمانی که مرا میآزارند، سعی میکنم روح خود را بقدری بالا ببرم که آن اذیت و آزار بمن نرسد . دکارت

زندگانی سراپا غم و اندوه است و در جام دنیا یک قطره شیرین وجود ندارد چنانکه میگویند تولد غم انگیز، بزرگ شدن غم انگیز،

مریض بودن غم انگیز، معاشرت با بیگانگان غم انگیز و فراق دوستان غم انگیز است بطور کلی تمام روابط ما با موجودات

این دنیا غم انگیز و ملال آور است . بودا

زیانکارترین شما ستم کارترین شماست . حضرت امیر(ع)

ستودن ستمکاران مروت را خراب میکند . بوعلی سینا

ستمکارترین مردم کسی است که ستم را پایه گذاری کند و طومار عدل را درهم بپیچد . حضرت امیر(ع)

ستمکارترین مردم کسی است که ستم خود را عدل تصور کند . حضرت امیر(ع)

ستم آفت زندگانی است، مردمی که سمتکش باشند ستمگران میان ایشان کم نخواهند شد . ؟

ستم مانند سایر رذائل احتیاج به انگیزه ای در خارج از خود ندارد بلکه فقط نیاز به فرصت بروز دارد . ژرژ ابلیوت

سختی و مشقت استادی است که بزرگترین رجال عالم کم شاگردی و خدمت او را بسته اند . اسمایلز

سوز دل مسکینان آسان نگیرد که چراغی صد ره ی ابسوزاند — سعدی

شب هر قدر سیاه و ظلمانی باشد اگر تحمل داشته باشید روز روشن بدنبال آن فرا میرسد . — کوبر

شریف ترین دلها دلی است که اندیشه آزار کسان در آن نباشد . — زردشت

شوخی نابگاه همیشه به غم و اندوه مبدل میشود . — سروانتس

ظلم به حیوانات زبان بسته یکی از علائم بارز پستی و دنائت است ، هر کجا یک چنین ظلمی بچشم بخورد بدانید که آنجا بطور مسلم جهالت و پستی حکمفرمائی میکند . — جونز فیلید

ظالمی نیست که به ظالمی دیگر گرفتار نشود . — ؟

ظلم امروز باعث ظلم فرداست . — ؟

ظلم ظالم بنیاد خود میکند . — ؟

علامت خوشی رنج خود از خلق برداشتن و رنج خلق کشیدن است . — شاه شجاع کرمانی

غافل مشو از هر که دلش آزردی . — ؟

غالب رنجها و محنت ها نشانه ای است که ما را از خطرات زندگی آگهی میدهد اگر رنج و محنت نبود هر روز هزار بار باخطر مرگ روبرو میشدیم . — لرد آویبوری

فرصت بدکردن در هر روز صدها بار بدست میآید و فرصت خوبی کردن در هر سال یکبار . — ولتر

حق نداریم فشار و ناراحتی های زندگی خود را در افکار و وجود دیگران بخانواده خود انتقال دهیم . غ - ذ

فقط آنهاکه رنج میبرند میتوانند عشق بورزند، وفقط آنهاکه عشق میورزند میتوانند زنده بمانند . ویتودبوردسیکا

فوّاره چون بلند شود سرنگون شود . ؟

قدر عافیت کسی داند که به مصیبتی گرفتار آید . سعدی

کسی که به فکر انتقام باشد همیشه زخم های خود را تازه میکند . باکرن

کسی که براسب ستم سوار شود مرکبش او را بزمین میافکند . حضرت امیرؑ

کسی که به دیگری اهانت میکند باطن خود را نشان میدهد . مثل آفریقائی

کسی که نفس میکشد باید رنج ببرد و کسی که فکر میکند باید اندوه بخورد خوشبخت فقط کسی است که بدنیا نیامده است . پویر

گاه و بیگاه به آن لحظه‌ای میرسند که لذت ها به سر رسند و دلتنگیها فرا آیند . ؟

گاهی یک نگاه یک قطره اشک یک آه سرد، مطلبی را بیان میکند که در چند کتاب نمیتوان از عهده آن برآمد . سعید نفیسی

گاهی ترحم ظلم است و ظلم ترحم . مثل ایتالیائی

گریه مرد نشانه ضعف و گریه زن نشانه مکر است . مثل ایتالیائی

گریه عقده دل را میگشاید . مثل ترکی

مرد آزاده از هر گونه اندوه و سوگواری و ترس آزاد است، بی اندوه و ترس زیستن نشان طینت و سرشت مرد آزاده است. رست کنفوسیوس

ما هنوز در زمان ماقبل تاریخ به سر میبریم. زیرا تاریخ بشریت آن روز آغاز میشود که بشر از همهٔ رنجها و گرفتاریها نجات یابد. فتحی الرملی

مشکلات برای تهیج روح است نه فتور آن. روح انسانی باید برای مبارزه نیرومند شود . شانینگ

مصیبت و محنت فکر را قوی و دوستان را بانسان مینمایاند . حضرت امیرؑ

مصائب خودتان را مانند لباسهای خودتان با کمال بی اعتنائی تحمل کنید . شکسپیر

مصیبت سنگ محک حقیقی آدمیزاد است . ؟

مصائب و نوائب حتی در تیره ترین شبها راه خود را پیدا میکند . ؟

مگذار خنده تو باعث گریهٔ دیگری شود . ؟

من عظمت رنجهای بشر را دوست میدارم و باین دلیل است که هر گز فریاد عاشقانه مرا نخواهید شنید . الفرد دوویتی

منشأ غمهای گران را بیشتر در وجود خود جستجو کنید تا در وجود دیگران . پل یوژه

من از این اندوهگین نمیشوم که مردم مرا چنانکه هستم نمی شناسند، بلکه از آن غمگینم که من مردم را چنانکه باید و شاید نمیشناسم. کنفوسیوس

مؤمن کسی است که مردم از او امان داشته باشند بر جانها و دارائی خودشان . حضرت محمدؐ

مادام که هنوز میتوانی عشق بورزی، مگذار هیچ چیز دیگر ترا اندوهگین سازد . مثل مجارستانی

موقعیکه تولد یافتم گریستم و هر روز نشان میدهد که چرا گریستم . مثل اسپانیولی

وقتی ناراحتی بزرگی پیش آید، رنج و غمهای پیش از یاد میرود . شکسپیر

وقتی میتوانی بخندانی مگریان . وهنگامیکه قادری مهربورزی قهر پیشه مساز . ؟

وقتی بدی مسکنی زود از یاد میبری اما کسیکه با و بدی کرده ای هیچ گاه فراموش نخواهد کرد . مثل افریقائی

وقتی متأثری در خواب است او را بیدار مکن . مثل انگلیسی

وقتی دهکده ای میسوزد . همه دود ش را می بینند اما وقتی قلبی میسوزد کسی شعله اش را نمی بیند . مثل آفریقائی

هرکه دنیا را بشناسد نه بموفقیت و رفاه خرسند گردد و نه از بلا و گرفتاری غمگین شود . حضرت امیرؑ

هرقدر تفنن بشر وسعت یافته بر درد و رنج او افزوده شده است . آناتول فرانس

هرقدر علل و موجبات اندوه آدمی کم باشد نیک بخت تر است و هرچه میزان خواسته ها و تمایلات کمتر باشد ، زندگانیش
آرامتر و به سعادت نزدیکتر خواهد بود . گوته

هرکه زندگانی و عمر دراز خواهد ، باید برای تحمل شدائد آماده باشد ، چراکه با اینکه تمام قوای او ضعیف میشود . محنت و
اندوه و مصائب او زیادتر میشود . بطلمیوس

هرگونه مخلوق در این جهان لابد پله و جائی لازم دارد تا بر آن گام نهاده بالا رود و این پله همان درد و الم است . آناتول فرانس

هرکس بیشتر تحمل رنج و مشقت نماید بهتر میتواند کار کند . میلتون

هرگناه افزونتر شود قبح آن در نظر گناهکار کمتر آید . شیللر

هر اندازه گناه بزرگ کهنه شود و بحال اختفا باقی بماند باز چون مرگ یا خطر یا فرصت کشف آن برسد بصورت موحشی

زهر خود را بر جان آدمی میریزد . شکسپیر

همانطور که شهابها غالبًا در موقع کسوف نمایان میگردند همچنان نیز سیرت و اخلاق حقیقی قهرمانان در حین مصیبت و بدبختی ناگهانی آنها به عرصهٔ ظهور میرسد . اسمایلز

همچنان که بعضی از نباتات را باید سائید تا بوی خوش آنها استشمام شود همانطور برخی از طبایع باید گرفتار مشقت و سختی گردند تا ملکات و فضائل ذاتی ایشان ظاهر و متجلی شود . اسمایلز

هنگامیکه قادر نیستیم حوادث را از میان برداریم آنها را به حال خود میگذاریم تا بخودی خود حل شوند . ؟

هیچ کس مدبخت تر از کسی نیست که هرگز به بلاو مصیبتی گرفتار نشده باشد . جرمی تیلور

هیچ خرمند تر از این نیست که مردمی هرگز در زندگیشان رنجی نبرده باشند . ژوزف دومتر

همیشه یک قطره خون که بزمین میریزد قطرات بیشتری به طرف خود میکشد . مثل یونانی

هیچ خر از اشک زودتر خشک نمیشود . مثل ایرانی

هیچ غمی نیست که اشک از دیده جاری نکند مگر آنکه آن غم حقیقی نباشد . مثل اسپانیائی

بنای عمر ظالم از خلل دارد — که آهن در گداز از خویش آتش در بغل دارد

حافظ

چنین است رسم سرای جهان — همی راز خویش از تو دارد نهان

نسازد تو ناچار با او بساز — که روزی نشیب است و روزی فراز

فردوسی

خبر داری از خسرو انوشه عجم — که گنج و بر و زیر دستان ستم

نه آن شوکت و پایه شاهی بماند — نه آن ظلم بر روستائی بماند

جهان ای پسر ملک جاویدت نیست — ز دنیا وفاداری امید مبند

سعدی

بگیتی نماند ایهمه خواب شکرگون — بسی گردش از شکستن دلها صدا بلند

صائب تبریزی

شکر چو برف و شکمش چو کوه — بسی رفت برف و بجای ماند کوه

فرهاد

ظالمی سوخته دیرم نیم روز
گفتم این فتنه ابیت خوش بخفت

آنکه خوش بخفت بهتر از بیداریست
آنچنان بر زنگانی مخفت

سعدی

نبشتن در پی آزار و هر چه خویش بیش
که در شریعت ما غیر از این گناهی نیست

حافظ

هرگز غبار خاطر ما مو نمی کند
این سلطنت بکلک سلیمان برابر است

لسان الغیب شیراز

اظهار عجز نزد کمتر ز اهلیت
اشک کم موجب طغیان آتش است

صائب تبریزی

عدل

اگر عدالت محو شود دیگر زندگی مردم بر روی زمین ارزشش نمیارزد . — آمانوئل کانت

اگر دارای قلب مهربان نباشیم هرگز نمیتوانیم عادل باشیم . — دوناروک

انسان از اعمال عادل شمرده میشود نه از ایمان تنها . — حضرت عیسیٰ

انصاف و عدل راهنمای سعادت و راهبر رستگاری است کسیکه به عدل و انصاف گرایش نمود هیچگاه گرفتار کینه ورزی و زیان بمردم نمیگردد . — ؟

انسان اگر بخواهد واجبات خود را بشمارد پیش از همه باید عدل را تعیین نماید . — پول دومیو

بالاترین جهاد ها سخن عدلست که در نزد پیشوای ستمکار گفته شود . — حضرت محمد ص

بانیکان بدی نکن چه نا نرا از نیکی باز میداری . — حضرت امیر ع

برای اجرای عدالت اگر فحش و صدمه خوردید بخاطر خدا نرنجید ، بخندید و شاد باشید . — دکتر ماردن

بزرگترین درد اجتماع بشریت بی عدالتی است . — از کتاب سردار جنگل

بهترین دستوریکه حاوی معنای عدالت باشد همان مثل قدیم فارسی است چیزیکه برای خود نمی پسندی بدیگران مپسند . ؟

بی عدالتی توانا ترین افراد روی زمین را بسوی تباهی میکشاند . — سالیسبوری

بکن هر آنچه بشاید نه هرچه بتوانی . — مثل ایرانی

درمخاصمه صفت عدل پیشه خود کن . — ؟

در فضائل هیچ فضیلتی کاملتر از فضیلت عدالت نیست . — خواجه نصیر طوسی

در اجرای عدالت منتظر مکافات شدن منتهی درجه بی عدالتی است . — سیسرون

دو چیز است که ثواب آن دو را نتوان سنجید، یکی گذشت از گناه دیگری عدل و داد . — حضرت امیر(ع)

زرگی آنست که شما یک کیک را طوری تقسیم کنید که همه فکر کنند بزرگترین تکه با آنها رسیده است . — پروفسور ارهارد

زکوة توانائی، دادگستری است . — حضرت امیر(ع)

عادلترین مردم کسی است که آنچه را بر خود نمی پسندد بر دیگران نپسندد . — حضرت محمد(ص)

عادل معمار وجود است و ظالم مخرب آن بلوغ معنوی وقتی است که ملکه عدالت در انسان راسخ باشد زیرا عدالت مقدم بر سایر فضائل است . — ؟

عدالت از عسل شیرین تر و از روغن نرمتر و از مشک خوشبوتر است . — حضرت صادق(ع)

عدالت تساوی و عمومی، بهترین آرزوی هیئت اجتماعیه است . — گیزو

عدالت انتظار پاداش ندارد بلکه خود عمل دارای مسرت و بهجت است . — مترلینگ

عدالت حکم میکند که زندگی دیگران را مورد تعرض قرار ندهیم . — جان کایزل

عدالت را باید بجا آورد بدون آنکه منتظر مکافات شد . — سرنگ

عدالت بدون تعقل غیر ممکن است . — مثل آلمانی

فقط عدالت است که میتواند موجد خوشبختی شود . — افلاطون

قلب انسان طبیعتا عادل است . — مثل چینی

کاملترین نوع بعدالتی آنست که عادل بنظر برسیم در حالیکه عادل نیستیم . — افلاطون

کسیکه مغلوب هوی و شهوت خود نشود روزی چند دفعه در کارهای خود ندای عدالت را میشنود . — ؟

کسیکه انصاف بکار بندد اگر بی سرمایه و بیچیز هم باشد همیشه محترم و معزز است . — ابن مقنع

لفظ عدالت از روی دلالت مبنی است از معنی مساوات . — خواجه نصیر طوسی

وقتی بخطای دیگری خرده میگیریم در دلمان فغان است که تو از این بدتر کرده ای . — حجازی

وقتی رشوه از در وارد میشود عدالت از پنجره فرار میکند . — مثل ترکی

بهر کار فرومایه مکن حیله بداد — که از داد باشد روان تو شاد

جز از داد و خوبی مکن در جهان — چه در آشکار و چه از رهنمان

فردوسی

گهر عقل از هنر آزادیست — هیچ هنر خوبتر از دادیست

داد کن از همت محکم برتر — نیمشب از نیت نظم بترس

دادگری شرط جهانداری است — شرط جهان بین که ستمکاری است

هر که در این خانه شبی داد کرد — خانه فردای خود آباد کرد

نظامی

گفتم بر فیق نکته دانی — نیکوسیری و خوش زبانی

افسانه عدل چیست کاین زمان — پر کرده زهای و هو جهانی

بنمود تبسم و بگفت : — از نیت نزاده کس نشانی

حمید

عشق

آنجا که ازدواجی بدون عشق صورت بگیرد حتماً عشقی بدون ازدواج در آن رخنه خواهد کرد . بنیامین فرانکلین

آه . ممکن است در حین ترک عالم، در چندین روح صلح وصفا کاشته در چندین روح فروغی گذارده و در چندین روح عشق را دمیده باشید . گراتری

اگر در دل شوق وعشق داری از زندگی خویش بهرهٔ بسیار بدست آری چه عشق همواره آدمی را بسوی کمال رهنماید . پوشه

اندیشه ها، رؤیاها، آهها، آرزوها واشکها از ملازمان جدائی ناپذیر عشق میباشند . شکسپیر

با عشق زمان فراموش میشود و با زمان هم عشق فراموش میشود . اخوان صفا

پیوند عشق حقیقی حتی به مرگ گسیخته نمیشود چه رسد به دوری . ولتر

چه بسا دردهای درمان ناپذیر را که عشق درمان کرده است . فریدون سنجری

چون منصور حلاج را بردند تا بردار کشند، یکی از یارانش گریان و مویان پرسید، عشق چیست؟ منصور لبخندی زد و گفت؛ امروز بین، فردا بین و باز پسین فردا بین، پس در آن ورش بکشتند و دیگر روز نشش بسوختند و روز سوم خاکسترش بر باد دادند . تذکرة الاولیاء

حقیقی ترین حقیقتها عشقست . — بارلبی

دنیا از عاشق خود فرار میکند . — مثل ایتالیائی

در عشق پیروز کسی است که پای بفرار می نهد . — ناپلئون

در یک عشق هزار مصیبت نهفته است . — مثل عربی

در عشق سکوت بهتر از نطق و بیان ادای مقصود میکند . — مثل ژاپونی

دنیا تا ثر عشق است . — مثل عبری

شور و عشق و عاشقی آفت آسایش و آرامش خیال است ولی اگر عشق در عالم نبود هنر و صنعت و زیبائی هم نبود، عشق است که بشر را از خاکنشینی رهائی بخشیده و زیبائی ابزندگانی ما راه داده . — آناتول فرانس

شجاعت مانند عشق از امید تغذیه میکند . — ناپلئون

طبیعت معشوق بی آزار و مهربان کسانی است که از معشوقان دیگر سرخورده اند . — حجازی

عشق راهنمای زندگی و تعیین کننده شرافت است. — غ - ذ

عشق وقتی بحرف عقل گوش میدهد که رفته باشد . — فرانسوا زماگان

عشق بزرگ در پی نفر بزرگ بوجود میآید . — گرجستانی

عشق تنها مرضی است که بیمار از آن لذت میبرد . — افلاطون

عشق و سختی بهترین وسیلهٔ آزمایش زندگی زناشوئی است . اسمایلز

عشق غالباً یکنوع عذاب است اما محروم بودن از آن مرگ است . شکسپیر

عشق اصل همه خرد دلیل همه خیر، خاتمهٔ همه چیز است . لاکوردر

عشق وقتیکه بمطلوب خود نرسد روح را تحریک میکند و برمیانگیزد . اگر بناتریس ، زوجه دانته شده بود شاید دیگر
اثر بزرگ شاعر ، کمدی الهی ، بوجود نمیآمد . دکتر کاول

عشق آتش است ، اگر نباشد خانه سرد و تاریک است ! ما اگر بیجا افتاد خانه و خانمان را میسوزاند . تن

عشق باید شادی بخش باشد نه رنج آور . ناپلئون

عشق عطشی است که وقتی سیراب شد بر دلت میماند و باعث سوء هاضمه میشود . اوریافا فالاچی

عشق آتش روانسوزی است که هرقدر شعلهٔ آن بیشتر شود زودتر خاموش میگردد . ارسکارد

عشق مانند جنگ است که آغاز کردن آن آسان و پایان دادن آن دشوار است . هـ . ل . مکن

عشق از بزرگترین و قویترین مردان دیوانگان و از دیوانگان عاقلان و رائدش بوجود میآورد . گومستاولوبون

عشق قویترین سپاه است زیرا در یک لحظه بر قلب و بر مغز و جسم حمله میکند . ولتر

عشق حقیقی آتش محرّبی است که شعلهٔ خود را بسایر احساسات نیز سرایت میدهد و آنها را با یک قوت جدید زنده میسازد
و از اینجاست که گفته اند عشق قهرمانها خلق میکند . دوسو

عشق قانون ازلی و ابدی هستی است، وفا ناموس و قاعدهٔ قطعی عشقست. عشق یک هدف بزرگ دارد و آن وفاست. عشق حقیقی آنست که در خلال زناشوئی و پس از آن تا هنگامیکه زن و شوهر زنده هستند برقرار باشد بیشتر شود و کمتر نگردد.

عشق خاراتی را جبران میکند که بدوستی ممکن نیست . مونتس

عشق وسیله ایست که تمام دردسرهای کوچک را بیک دردسر بزرگ تبدیل میکند . ولتر

عشق لذتی است که در نتیجه خوشبختی دیگری برای ما دست میدهد . لایبنیتز

عشق وقتی که بسر وقت پیران میرود آنها را جوان میکند . برناردشاو

عشق حواس را از دیدن عیوب منع میکند . ارسطو

عشق بلائیست که همه خواستارش هستند . افلاطون

عشق گوهری است گرانبها اگر با عفت توأم باشد . تولستوی

عشق معمار عالم است . هریه

عشق روح را توانا تر میسازد و انسان را زنده دل نگهمیدارد . توماس مان

عشق قویترین نیروها را در روح انسان بیدار میکند . سعید نفیسی

عشق ماهم آینده ای مانند آینده موج دریا خواهد داشت بالاخره محو و ناپدید و نیست و نابود خواهد شد . جواد فاضل

عشق به فضیلت اخلاقی بدون عشق به آموختن آدمی را به سفاهت تنزل میدهد. عشق بدانایی بدون عشق به فرا گرفتن آدمی را

به سرگردانی میکشاند. عشق به درستکاری، بدون عشق به عمل کردن آن آدمی را بزیانکاری میکشاند، عشق براستگوئی بدون فراگرفتن آن آدمی را بخشونت میکشاند. عشق بدلیری بدون آموختن آن آدمی را به هرج ومرج میکشاند، عشق به پایداری بدون عشق به فراگرفتن آن مرد را به سرکشی میرساند. کنفوسیوس

عشق انسان را عاقل و باتجربه میکند. براونینگ

عشق عبارتست از عکس العمل تمایلات ما که دیگر متعلق بشخص خود و مالک نفس خود نباشیم. تولستوی

عقل همیکه دروازه های بزرگ شهر عشق را بروی ما گشود در آستان آن شهر می نشیند و پاسبانی میکند و از ورود و زدان و غارتگران که بدیها و اهریمنان عالم هستی را مدد کارند جلوگیری مینماید. مترلینگ

عشق ترس را از بین میبرد، مثل چکسلواکی

غرور آدمی فقط در برابر گرسنگی و عشق تسلیم اختیار میکند. مثل دانمارکی

غیبت و دوری کم عشق را استوار میکند و غیبت زیاد عشق را میکشد. مرابو

کسیکه عاشق درم و دینار و یا عاشق مکنت و مال و یا دوستدار لذات و پیرو اهواء امیال نفس و یا عاشق شأن و شوکت و جلال باشد نمیتواند دوستدار بشر نیز باشد. اپیکتت

کسانیکه در عشق تظاهر میکنند زودتر از عشاق حقیقی بمقصد میرسند. لانکلوس

کسیکه عشق میکارد اشک درو میکند. پلین

کوچکترین شراره امید برای زائیدن عشق کافی است . استاندال

کینه را کینه بپایان نمیرساند عشق قاطع کینه است . بودا

کسیکه در راه عشق رنجی میبرد دردی احساس نمیکند . مثل ایتالیائی

ما همه تشنه احساس و گدای عشق و محبت هستیم . ؟

مرده بدم ، زنده شدم . گریه بدم ، خنده شدم . دولت عشق آمد و من دولت پاینده شدم . مولوی

مردی را در نظر بگیرید که در غربت و دور از خویشاوندان و دور از خانواده خود زندگی میکند و یک چنین مرد مطمئناً احتیاج به یک نوع دلبستگی دارد تا جای علاقه برادر و پدر را بگیرد در این موقع است که عشق میآید و این نوع مزایا را با تقدیم میکند . ناپلئون

مرد یکه ادعا میکند دیگر اعتقادی به عشق ندارد کسی است که دیگر عشق باو اعتمادی ندارد . مارسل کوانشه

ممکن است که طفل وقتی زائیده میشود زیبا باشد لیکن دلربائی آغاز نمیشود مگر هنگامیکه دل گرفتار عشق و محبت شود . لابرویر

من از خوشبختیهای جهان بهره مند گردیده ام زیرا در زندگی عاشق شده ام . شکسپیر

من عشق میورزم زیرا میخواهم زندگی کنم . ژرژ ساند

من تا با عشق زندگی میکنم جوان هستم و هر موقع که دلم شکفته و خرم باشد فصل بهار عمر و ایام نوروز زندگانی من است . نظام وفا کاشانی

مهد پرورش خرد آغوش عقل نیست بلکه دامان عشق است ، نهال خرد باید در کوزه عشق کاشته شود و با آب احساسات آبیاری گردد . مترلینگ

مردان در موقع گرفتاری عشقی بفکر هیچ چیز نمیتوانند . مثل ایرلندی

نه آب فراوان قادر به خاموش کردن شعله های عشق است و نه رودخانه ها میتوانند آنرا غرق کنند . از کتاب سرود مذهبی

نوشیدن باده عشق از هر جامی که باشد تفاوتی ندارد همین قدر باید سرخوش بود . چخوف

نهالی شاداب تر از عشق در دل نمیروید . مترلینگ

وقتی شیرخواره ایم به یک پستانک آرام میگیریم . وقتی کودکیم ببک جغجغه ، به یک عروسک و به یک تاب دل خوش میکنیم

وقتی به مدرسه میرویم از یک آفرین معلم سرمست میشویم . در حد بلوغ نگاهمان در جستجوی نگاهی است و با خیالی حالی داریم

در بزرگی پول ، زن ، مقام ... فرزند ، شهرت سراب حیات است و چون پیر میشویم ، بهر رشته ای که ما را ببندگی

پیوندمید مد چنگ میزنیم . از گهواره تا گور در جستجو تلاشیم . هر دم به چیزی دل میبندیم و بعد در مییابیم که آن چیز تا پایان راه

با ما نمیتواند ماند . اسمیل پوروالی

وقتی که موضوع عشق در کار است پای عقل می لنگد . مترلینگ

وقتی عشق میآید کسی نمی بیند اما وقتی میرود همه می بینند . دولیون

وقتی بخواهیم درباره عشق منطقی فکر کنیم ، عشق واقعیت خود را از دست میدهد . اسپی نوزا

هر جا که عشق خیمه زند ، جای عقل نیست . سعدی

هر کس عشق را در دیگران جنون میداند و حال آنکه خود همیشه بچیزی عاشق است . حجازی

هنگامیکه فقر از در وارد شود عشق از پنجره فرار خواهد کرد . شکسپیر

همانطور که بقای موجودات بسته به حرارت آفتاب است، حیات انسان نیز نیازمند روشنائی عشق و محبت است . آلفونس دوده

هیچ موجودی در دنیا وجود ندارد که در اثر عشق ورزیدن به یک موجود دیگر حتی اگر یک عشق مبتذل و پست هم باشد یک اصلاح در روح خود بعمل نیاورد . مترلینگ

هیچ حزب کامل نیست همه حزب دارای نقص است هر انسان بار زحمتی برای دیگران دارد و تنها عشق این بار را سبک میکند اگر شما میتوانید بار زحمت همنوع خود را تحمل کنید . دیگران چگونه میتوانند بار زحمت شما را تحمل کنند . لامنه

هیچ شکنجه موهلم تر از این نیست که انسان نه عشق بورزد و نه عشق نثار او شود . کامل موکلیر

هیچ حزب بر عشق نمیتواند حکومت کند بلکه این عشق است که حاکم بر همه حزبهاست . لافونتن

هر جا که عشق قدم بگذارد آنجا رانشاط سعادت و اقبال فرا میگیرد . مثل

یکی از علل بزرگ گرفتاری و بدبختی نوع بشر عشق است و اگر از جامعه عشق از بین رفت بطور اتوماتیک پنجاه درصد از بدبختی ها و ناکامیها نیز محو میشد شما اگر یک آدم منصفی باشید در حین خواندن این سطور اعتراف خواهید کرد که عشق خیلی بر زندگی شما لطمه زده و اگر اهواء و امیال عاشقانه نبود بطور حتم شما امروز غیر از این بودید که هستید، در زمان جوانی عشق نظیر یک تند باد شدید ما را بهر طرف میکشاند و قوای جوانی و اوقات ما صرف عشق بازی میشود و در نتیجه از ترقی و تعالی باز میمانیم . مترلینگ

یک عاقل میتواند هزار سال فکر خود را بکار برد لیکن بقدر آنچه عشق در یکروز یاد میدهد مکتب نتواند کرد . امرسون

بروای عقل و ملکو عشق چنین کرد و چنین
پادشاه است و براو چون و چرا نتوان کرد

شاه نعمت الله ولی

بر در میخانه عشق ای ملک تسبیح گوی
کانجا آنجا طینت آدم مخمر میکنند

حافظ

تن خسته و دل شکسته نظر بسته لب خموش
ای عشق کار همه بر مدعای تست

شاه طاهر صفهانی

چندین که بر شمردم از ماجرای عشقت
افزود دل نگفتم الا یک از هزاران

سعدی

سعدی از عشق نبازد چکند ملک و حشم
حیف باشد که همه عمر بباطل برود

سعدی

صبوری از طریق عشق دور است
نباشد عاشق آنکس کو صبور است

نظامی

غم عشق آمد و غمهای دگر پاک ببرد
سوزنی با یکزبان کار دو عالم بدرد

سعدی

فاش میگویم و از گفته خود دلشادم — بنده عشقم و از هر دو جهان آزادم

حافظ

گدای عشقم و سلطان وقت خویشتنم — نیاز و مسکنت و عجز و غم پناه منست

قاآنی

وه که بیهده به تحصیل هنر عمر گذشت — عشق میورزم از این پس که به از هر هنرست

توحیدی تبریزی

هر که را دیدم به راز عشق محرم یافتم — خویش را در عشق رسوای عالم یافتم

شریف تبریزی

یک قصه بیش نیست غم عشق و این عجب — کز هر زبان که میشنوم نامکرر است

حافظ

ای شعله عشق خامان بسوز — ای جان و دل جانستان و جان بسوز

هر چند که حاصل تو غم بود — قربان غمت شوم که کم بود

عفو و بخشایش

آنکه توانا تر است آسان تر میبخشد . حضرت امیرؑ

آنکه انتقام میکشد یکروز خوشحال است و آنکه میبخشد یک عمر . حضرت امیرؑ

از یک حرف گذشتن گاهی بهمان اندازه فداکاریست که سینه پیش گلوله سپر کردن . حجازی

از صاحبدلی پرسیدند که سخاوت بهتر است یا شجاعت گفت آنرا که سخاوت است حاجت بشجاعت نیست . سعدی

از بقراط پرسیدند انسانیت چیست؟ گفت تواضع در وقت رفعت عفو هنگام قدرت سخاوت در تنگدستی بخشش بدون منت

از افلاطون پرسیدند چه وسیله میتوان از دشمن انتقام گرفت گفت بفضل و کرم . افلاطون

از دو چیز کیف برده و خوشوقتم بخشش خطایای زیردستان و سپاسگزاری کسانی که بکردنم حق دارند . کلادستون

از واجبات کرم پذیرفتن و بخشودن عذر گناهکاران است . قابوس وشمگیر

اشخاصیکه نمیتوانند دیگران را ببخشند پلهائیرا که باید از آن عبور کنند خراب مینمایند . هربرت اسپنسر

اغماض نشانه بلندی فکر و انتقام نماینده رذالت و معرف کوچکی فکر مردان است . سقراط

اگر کسی در گوش راست شما بدی بگوید و در گوش چپ عذر بخواهد عذرش را بپذیر و از او درگذر . امام کاظمؑ

اگر دوستانی نتوانند گناهان کوچک یکدیگر را اغماض کنند نخواهند توانست دوستی خود را بجایی برسانند . لابرویر

اگر بحقیقت حال دردکسی برسیم و علت رفتار او را درک کنیم خطایای او را آخواهیم بخشید . جان کایزل

اگر میخواهی بهترین خلق باشی چیزی از خلق دریغ مدار . ؟

انتقام از جنایت قبیح تر است زیرا آن بدون مقدمه صورت میگیرد و این با تفکر و تعقل . تن

انتقام عدالت وحشیان است و برای یک نابکرداری نبایستی چندین ناروائی روا داشت . ؟

ارسغان مورچه پای ملخ است . مثل فارسی

اقرار بخطا نیمی از بخشودگی است . مثل فرانسوی

اگر خوب بدردکسی برسیم هرچه کرده برا و میبخشیم . مثل فرانسوی

بالاترین بخشش رسانیدن حق است به صاحبش . حضرت امیرؑ

باظهار نیاز حاجتمند منتظر مباش بلکه شایسته است که پیش از سؤال کار او را انجام دهی و با همت خود نیازمندی او را رفع کنی . افلاطون

باید همه کس را معذور بداریم اطفال را برای اینکه کوچک هستند، زنان را برای اینکه ضعیف هستند، نیکان را برای اینکه قصد بدی ندارند و بدان را برای اینکه بدبخت و بیچاره اند . سنگا

بخشش که پیش از درخواست و سؤال باشد سخاوت است و اگر پس از سؤال بخشش کردی از حیا و فرار از مذلت است . حضرت امیر

بخشش هر چند ناچیز باشد آتش خشم بنشاند . از امثال و حکم علی اکبر دهخدا

بخشایش بعد از پیروزی از مکارم اخلاق است . ؟

بدترین مردم کسی است که گناه را نبخشد و از لغزش چشم نپوشد و باز از او بدتر کسی است که مردم از گزند او در امان و به نیکی او امیدوار نباشند . حضرت محمد (ص)

برای دشمنانت کوره‌ای آنقدر دراغ مکن که حرارتش خودت را هم بسوزاند . شکسپیر

بزرگواری است که در کیفر بدی نیکی کنید . حضرت امیر (ع)

بهترین چیزها سه چیز است . عفو در حالت غضب بخشش در تنگدستی . عمل در حین قدرت . ادریس پیغمبر

بهترین بذل آنکه سائل بذلت سؤال بحاجت خود برسد . جالینوس

بهترین انتقامها فراموشی و بخشش است . جونس

بیش از سه روز قهر جایز نیست . حضرت محمد (ص)

بیدادی که بر تو وارد میشود در عنوان مختار هستی اما بیدادی که بدیگران وارد میشود ابداً نمیتوانی از انجشی و تا شرف آدمیت در

در وجود تو باقی است باید در رفع ظلم با تمام توانائی خود بکوشی . حضرت امیر (ع)

بیگان کینه را بمهر و دوستی میتوان زدود نه با کینه و دشمنی . آئین بودائی

پیش از آنکه کسی از تو چیزی بخواهد، خواهشش را برآور زیرا چون او را از خود نیازمندی بیش از آنچه بدو بخشی از او خواهی گرفت.

حضرت محمد

پوزش و عذرخواهی دلیل خردمندی است.

حضرت امیر

ترحم، احساسی که بمثابه تخلص از هر احساس دیگری برایم دشوارتر بوده است.

بولیود

جوانمردی چهار نوع است، فروتنی با دوست گذشت با قدرت نصیحت با دشمن بخشش با منت.

حضرت امیر

چون بر دشمن ظفر یافتی و توانستی او را کیفر کنی شکرانهٔ توانائی از او درگذر.

حضرت امیر

چون به گناهی از تو عفو خواهند، عفو کردن را بنویسید، واجب دان اگرچه سخت گناه بود و چون عفو کردی دیگر او را سرزنش مکن و از گناه او یاد میاور که آنگاه همچنان بود که عفو ناکرده ای.

قابوس نامه

خشم را با مهربانی فرو بنشانیم. بدی را با خوبی آزار را با بخشش دروغ را با راستی.

آئین بودائی

دانش تمام مستلزم بخشایش تمام است.

دیل کارنگی

در پیشگاه جوانمردان هر کس از کردهٔ خویش پوزش خواهد از وی درنگذرند. اگر هم دست بخون آلوده باشد.

؟

دیده ها را ندیده انگارید گفته ها را نا شنیده تا خود تان از زبان دیگران و دیگران از زبان شما در امان باشند.

حضرت محمد

زنهار کسی با کسی بسزای بدی، بدی نکند.

حضرت علی

زن نه فقط سخاوت را در مرد بیشتر از فداکاری دوست میدارد بلکه بیشتر از هر صفتی می پسندد.

؟

سخی عزیز است اگرچه فقیر باشد . ارسطو

سخاوت در زیاد دادن نیست بموقع دادن است . لابرویر

سعادت حقیقی آن است که یا از آنچه دارید بدیگران بهره دهید و یا در رنج بردن بآنان انباز شوید . پوشه

سه چیز از حقایق ایمان است بخشش با تنگدستی و رعایت انصاف درباره مردم بر ضرر خویش و بذل علم بر آنش امور

شر را باشر از بین نتوان برد . مثل لاتین

عفو در قدرت نشانه دلیری است . بوعلی سینا

عفو کردن خطا . انتقام ملایمی است . دیل کارنگی

عفو از کسانی نیکوست که توانائی انتقام دارند . بوذرجمهر

عفو که فضیلتی دانسته شده است . گاه از خودبینی و گاه از کاهلی سرچشمه میگیرد و اغلب عملش از ترس است و تقریباً همیشه هر سه

عامل مشترکی در ایجاد آن دخالت دارند . لادشفوکو

قلبی داشته باش که هرگز سختی سنگ را بخود نگیرد و احساسی داشته باش که هرگز آزار دهنده نباشد . چارلز دیکنز

کرم بخشش قبل از سئوال است . امام حسن(ع)

کینه کسی را در دل خود جای مده که راحت دل و تن ترا برهم زند . ؟

گذشت داشته باشید برای یکبار هم که شده گذشت کنید تا بدانید که چه مزه خوشی دارد و چگونه دشواریها را آسان میسازد . بوذر

ما باید از بدی کردن بیشتر بترسیم تا بدی دیدن . ابوالعلا

مردمان بزرگ نام بدان گرفتند که چون بر دشمن دست یافتند نیکوئی میکردند و از او درمیگذشتند . ابوالفضل بیهقی

مردم گاهی کین را میتوانند عفو کنند اما تحقیر را هرگز . نووال

مهربانیهای کوچک را فراموش مکن و تقصیرات کوچک را بیاد نداشته باش . مثل چینی

نیکبخت ترین مردم کسی است که کردار بسخاوت بیاراید و گفتار براستی . بوعلی سینا

هر که را قدرت مجازات بیشتر است عفو از او پسندیده تر است . حضرت امیر

هر که بزیردستان نبخشاید حور زبردستان گرفتار آید . سعدی

هرگز بغض و عداوت کسی را در دل نگاه ندارید چه ما را بیست آنقدر سنگین که شما تصور آنرا نمیتوانید بکنید . مادام سه دوینه

هر جا رشتی و پلیدی می بینیم چون میدانیم که از آن زشت تر هم در وجود خود داریم سخت گیری نمی کنیم و می بخشیم . حجازی

هر که در زندگی نانش نخورند چون بمیرد نامش نبرند . سعدی

هر که در نعمت او محتاجان را شرکت نتوان بود در زمرهٔ نوانگران محسوب نگردد و آنکه حیات در بدنامی و دشمنی گامی نگذارد در جملهٔ زندگان بدنیاید . کلیله و دمنه

هر کس گذشتش بیشتر است غنی تر است . ژرژسیون

یک بوسه کافی است که طهارت گناهی محسوب شود . بالزاک

اگر بخشش و دانش و رسم داد — خردمند گردآورد با نژاد

چو این چار گوهر بجا آورد — جهان را همه مردمی جا آورد

فردوسی

بر تو خواندم ز دفتر اخلاق — آیتی در وفا و ارزانی

هر که بخراشدت جگر بجفا — همچو کانان کریم زر بخشش

کم مباش از درخت سایه فکن — هر که سنگت زند ثمر بخشش

از صدف یاد گیر نکته حلم — هر که بر دست قهر گهر بخشش

ابن یمین

چو چیره شوی خشم دشمن مریز — مکن خیره باز یردستان ستیز

بخشای بر زیردستان بمهر — براین بر بهر خشم مفروز چهر

اسدی طوسی

خطای بندگان با یزدان حال — کجا ماند اگر عفو بزرگان

جوهری

شیشه گر نیش چو شاخ خم کند دانی چرا — آری از رنجش نه بگیرند جای منفعت است

صائب تبریزی

کشتم سالها به بیابان و کوه و دشت — چیزی نیافتیم که با شد به از گذشت

در انتقام نیز نبردیم لذتی — ما را بهتر خویش همین بس که برگذشت

جمع الجوامع

کرم بین و لطف خداوندگار — گنه بنده کرده است و او شرمسار

سعدی

در عفو لذتی است که در انتقام نیست

عقل

آدم عاقل افعی را که کشت، بچه اش را نمی پرورد . تن

آنگاه که خرد مغلوب غضب تو است خود را از افراد انسان حساب مکن . زیمقراطین

آنکس مشاهده کننده تیزبین است که بتواند دقیقاً همه چیز را مشاهده کند بی آنکه خود مشاهده شود . لاواتر

آیا در دنیا کسی آنقدر عاقل است که از تجارب دیگران عبرت گیرد . ولتر

از استادم پرسیدم از مردمان که عاقل ترند؟ گفت آنکس که کم گوید و بیش شنود و بسیار داند . بوذرجمهر

اشخاص عاقل روح جامعه هستند . دانیال

اشخاص عاقل میکوشند خود را با محیط بسازند اشخاص دیوانه سعی میکنند محیط را برنگ خود درآورند بهمین جهت تحولات و ترقیات اجتماع بدست اشخاص دیوانه بوده است . اندره مورا

اگر عقل و دانش در وجود انسان جمع باشد من دیگر حسنیت او را نمیپرسم و فقط تحسینش میکنم . لابرویر

اگر بخواهی بر عالم فرمانروا باشی باید عقل بر تو حاکم باشد . سرندک

اگر بمال در ویش کردی جهد کن با بخرد تو انگر باشی که تو انگری خود از تو انگری مال بهتر است . قابوس وشمگیر

انسان عاقل همیشه از بدگوئی هائی که از او میشود استفاده میکند . ژرژ بانه

از کسیکه نمیداند بر حذر باش ـ کسیکه نمیداند و میداند که نمیداند تعلیم بده . کسیکه میداند و نمیداند که میداند روشنش کن

از کسیکه میداند و میداند که میداند پیروی کن . مثل عربی

بزرگترین دردها حمق بالاترین داروها مرگ و گرانبهاترین متاع ها عقل است . حضرت محمد (ص)

بوسیله عقل علل و مقدمات اشیاء را ادراک کرده روابط آنرا با یکدیگر تشخیص میدهیم ، عقل چراغی است نورافشان که

انسان را در ظلمات جهل و بیخبری راهنمائی میکند . لرد آویبوری

پروردگارا هر که را عقل دادی چه ندادی و هر که را عقل ندادی چه دادی . خواجه عبدالله انصاری

تو انگران همه عاقل نیستند ولی عقلا همیشه تو انگرند ذخرد گرانبهاتر از طلاست زیرا کمیاب تر و مفیدتر است . فوشه

تو انگری بهنر است نه بمال و بزرگی به عقل است نه بسال . سعدی

ثروت اگر بدست عقل نباشد مایه ادبار و سیه روزی خواهد بود . حجازی

جمعی در انتظارند که پیشوائی ظهور کند تا آنان را براه راست هدایت نماید . حال آنکه پیشوائی مهمتر از عقل و خرد نیست ،

خود بهمه او را فرمانبری کنیم . ابوالعلاء

چرخ زندگی دو دسته دارد یکی را هوس مدبت میگیرد و دیگری را امید ، عقل را بما داده اند که یکدست از آن بگیریم و

به یکدیگر این بندیم . حسنعلی ستمان

چهل جور حماقت وجود دارد اما فقط یک عقل سلیم را میشناسم . مثل آفریقائی

حیف است انسانی که از حیث شعور اشرف مخلوقات است ماشین کثافت سازی باشد . مترلینگ

خرد و عقل دو دریای عظیم هستند مواریدشان حکمت و فرزانگی است . حضرت امیر

خردمند کسی است که گفتارش را کردارش تصدیق کند . نصیحة للملوک

خردمند آن نیست که چون در کاری میافتد بکوشد تا از آن کار بیرون آید خردمند آنست که بکوشد تا در کاری نیفتد .

خردمند آنستکه چون کاری پیش آید همه رأی ها جمع کند و به بصیرت دل در آن نگرد تا آنچه صوابست از آن برگزیند

و دیگران را مایل کند چنانکه کسی را که دیناری اندر میان خاک گم شود اگر زیرک بود همه خاکهای آن حوالی جمع کند و به

غربالی تنگ فرو گذارد تا دینارش از آن میان پدید آید . ابوسعید ابوالخیر

خردمند باشید تا توانگر باشید . قابوسنامه

خردمند آنچه را میداند نمیگوید و آنچه را که بگوید میداند . ارسطو

خصومت مرد عاقل بهتر از رفاقت انسان نادان است . مثل تازی

در درون ما دوزخی بزرگ وجود دارد که نام آن شهوت و معمولا خود را در قالب عقل و هوش و فلسفه جلوه گر میسازد . شوپنهاور

دل دلائلی دارد که عقل بکلی از آن بیخبر است . پاسکال

دیوانه خودش را عاقل می پندارد و عاقل هم میداند که دیوانه ای بیش نیست . شکسپیر

دادن به دیوانگی. گرفتن به عاقلی . مثل ایرانی

روزی اگر عقل را بخرند و بفروشند. ما همه تصور اینکه زیادی داریم فروشنده خواهیم بود . حجازی

سر آدم عاقل هرگز درد نمیکند . مثل ایتالیائی

شخص عاقل تنها برای خودش زندگی نمیکند بلکه برای خیر و صلاح دیگران نیز باید گام بردارد . اسمایلز

سعی کنید شما فرزندان خود تا نزد فقط عاقل و با اراده قوی بار آورید و آنها را از جام هستی بخش این دو کوثر لاهوتی سیراب کنید! آنوقت آنها خود راه سعادت را پیدا و آفاق و انفس را تسخیر مینمایند . کاظم زاده ایرانشهر

عاقل کسیکه این جهان را هیچون دوزخی پندارد و بکوشد خویشتن را در آغوش این دوزخ مصون دارد . ابوطالب اردبیلی

عقل از تندرستی بالاتر است زیرا با عقل غالبا میتوان تندرستی را بدست آورد اما بدون عقل تندرستی از دست میرود . حجازی

عقل آدمی بیش از هفت دیده بان که در برج مراقبت باشند به او خبر میدهد . رودیارد کیپلینگ

عقل است که بزرگترین مخترعین توسط آن به کرات راه یافته اند . برنارد شاو

عقلا شک و تردید را دالانگاه حقیقت خوانده اند . ؟

عقل نیروئی است که دنیا را اداره میکند . امرسون

عقل را از انسان بگیرید دیگر هیچ چیز، بها دار برای او نمیماند . هامیلتون

عقل چراغیست که در ظلمات دنیا ما را رهبری کرده، از راه تاریک زندگی که در مراحل آن هزاران خطر نهفته است

عبور داده بسر منزل شرافت و افتخار میرساند . لردآویبوری

عقل چیزی است که کسی به نهایت آن نتواند رسید و لباس تازه و نیکوئیست که هرگز کهنه نشود و راهنمای عادل است که هیچوقت خطا نکند . ؟

عقل تنها این نیست که انسان در موارد عاجل بداند چه بکند بلکه مهم این است که بداند بعد از چه باید بکند . هربرت هوور

عقل بی عاطفه خطرناک است و عاطفه بدون عقل قابل اعتماد نیست . آدم کامل آنست که هم عقل دارد و هم عاطفه . تن

عقل از دست نفس چنان گرفتار است که مرد در دست زن گریزپای . سعدی

عاقل در اول انجام میدهد همان کاری را که نادان در آخر انجام میدهد . مثل هندی

عاقل آنچه را نمیداند میگوید، نادان نمیداند که چه میگوید . مثل ترکی

غالبا عقل و دل را اشتباه میکنیم و آنچه را دل میخواهد بکردن عقل میگذاریم . حجازی

فکر پایه عقل است . دمحندا

فقط مرد عاقل ثروتمند واقعی است . مثل لاتین

کسیکه عقل را بر احساساتش غلبه دهد قوی ترین مرد روی زمین است . حضرت امیر

کسانیکه با چشم عقل بحقایق حیات میگذرند هرگز فریب نخواهند خورد . حضرت امیر

کوچکترین بی توجهی ممکن است سبب شود که ما کلیه پشیمانیهائی را که در سایه بکار بردن عقل مدبت آورده ایم از دست

بدبیم. بنا براین باید کاملا مواظب باشیم .

اپیکتت

کسیکه نمیتواند احمق شود نمیتواند عاقل باشد .

مثل آلمانی

کسیکه در خارج از محیط خانه خود را عاقلتر از محیط داخلی خانه نشان دهد احمقی بیش نیست .

مثل آلمانی

کسیکه فقط در فکر سیر کردن شکم است عقل را گرسنه گذاشته است .

مثل چینی

گرانبهاترین متاع ها عقل است بزرگترین فقرها احمقی موحشترین وحشت ها عجب و گرامی ترین پیشه ها حسن خلق جهت تم

مردیکه نتواند عصبانی شود احمق و مردیکه نخواهد عصبانی شود عاقل است .

؟

مرد نابغه که بخواهد در کاری کامیاب شود در صد قسمت یک قسمت الهام غیبی و نود و نه در صد محتاج جان کندن و عرق ریختن است .

ادیسون

ناچارم ورزش کنم وگرنه عقل من فاسد خواهد شد .

تولستوی

نفوس انسان که در این عالم اند چون با بدان مختلف تعلق گرفته اند دارای هیئت ها و تعینات گوناگون گردیده اند و لی از آنجا که ذاتا عقلا نیستند فساد ناپذیر و باقی هستند و باید طریق دوری از ماده را بیاموزند و بسوی عالم علوی صعود کرده خود را به عقل فعال و سایر عقول مفارق برسانند و از زندگی جاویدان بهره مند گردند .

ابوعلی سینا

نه ما مطلقا عاقلیم و نه دیگران مطلقا دیوانه .

؟

هر گفتار و کرداری را با ترازوی عقل بسنجید و آنگاه اگر نیک آمد به پیروی از آن پردازید .

زردتشت

هر قدر عقل ما بیشتر باشد تا سنمان بزندگی بیشتر خواهد بود . حضرت علی(ع)

هر کس چیزی را می بیند که از در قلب خود حمل میکند . گوته

هر وقت عقل و احساس و ادراک باهم دست بگریبان شوند همیشه احساس غالب میشود به عقل . گوته

هیچ ثروتی نیرومندتر از عقل نیست . حضرت محمد(ص)

هیچ زیبائی از خرد نیکوتر نیست . امام باقر(ع)

هیچ مبارزه و فتحی پر افتخارتر و پر سودتر از این نیست که مغلوب و محکوم عقل باشیم . حجازی

هیچ حربه‌ئی از عقل بشری خاصیت ارتجاعی ندارد ، بمانند بخار آبی که زیر فشار قرار گرفته باشد و هرچه بیشتر فشرده تر شود بیشتر با عامل فشار مقاومت میکند هرچه بیشتر بانجام کاری مجبور باشیم بیشتر قابلیت اجرای آن را پیدا میکنیم . ترابن اردوگاردر

همه شما می بینید که بیشتر مردم نزد دانایان و فرزانگان از مشکلات زندگی سئوال نموده و از آنها یاری میجویند

آری خردمندان هستند که پناهگاه مردمند . ابن مقفع

یک روز عاقل بیک عمر احمق میارزد . مثل تازی

ناصرخسرو

برآر از جاهلی ار چه خویش باشد — که رنج وی ز راحت بیش باشد
ز نادانی ورا جنبش ورا نقش — بشب بگریز ازو گر هیچ رقص
مکن دل خوش بسود بی‌کهوشش — که صد کهوش نیرزد یک ز نادانش

ناصرخسرو

اگر عاقل بود خصم تو بهتر — که با نادان شوی یار و برادر
دشمن دانا که غم جان بود — بهتر از آن صحبت که نادان بود

نظامی

داروی تربیت از پیر طریقت بستان — کادمی را بتر از علت نادانی نیست

سعدی

چه خوش گفت آن خردمند سخندان — که روی از صحبت نادان بگردان
درخت انس نادان بر نیارد — حضورش جز که درد سر نیارد
زبان بیهده گر سود دارد — بر اردو در دل او بیهده دارد
کسی چیزی عمر با نادان نبرد — برون نادانی همانا چیزی نکرد

ناصرخسرو

علم حکمت

آفت دانش بکار نبستن آن و آفت کار دلبستگی نداشتن بآن است . حضرت امیرؑ

آنچه بر روح اراش میبخشد بما علم است و بس . بودا

آنچه مغز و قلب را از آلایش پاک میکند فقط دانش است باقی بی دانشی است و بس . راماکوشنا

آنقدر دانش آدمی را کفایت است که راه راست از کج و سعادت را از شقاوت شناسد . جالینوس

از اخلاق من چاپلوسی و تملق نیست مگر در جستن دانش . حضرت محمدؐ

از انوشیروان پرسیدند کهنسالترین مردم کیست؟ گفت آنکه علمش بسیار است و بازماندگانش از او فرهنگ آموزند و از کار پسندیده اش سرمشق گرفته و به بزرگی رسند . ؟

اثر حکمت آنگاه در شخص حکیم ظاهر شود که خویشتن را حقیر و ناچیز شمارد . سقراط

اگر بحقیقت طبیعت دسترسی پیدا کنی خواهی فهمید که تمام هستی و کائنات به یکدیگر مربوط بوده و عضوی از یکدیگرند . ؟

اگر شما آدمی نادان و بی اطلاع باشید و به این امر پی ببرید این خود یکنوع اطلاع و علم است . کنفوسیوس

اگر تمام دوره عمر زمین را ایکسال فرض کنیم که در نیمه شب روز آخر انسان پایان یابد بهشت ماه از عمر زمین در حالتی گذشته که هیچ

نوع موجود زنده وجانداری در روی آن نبوده است در ماههای نهم ودهم نخستین موجودات زنده وجانوران یک سلولی
وستاره های دریائی بوجود آمده اند، در هفته دوم ماه اسفند آخرین ماه سال حیوانات پستاندار پیدا شده در ساعت
یازده وچهل وپنج دقیقه روز آخر سال یعنی یکربع ساعت آخر سال انسان بوجود آمده است و دوره تاریخی زندگی انسان فقط شصت یا نه
آخر سال بوده است . ازاین مثال کوتاهی عمر تاریخ چند هزار ساله وعمر انسان نسبت بعمر زمین خوب معلوم میشود . از کتاب نامه های پدر بدخترش - نهرو

اگر هر روز کلمه ای بر دانش خود بیفزائی پس از سالی صد کلمه خواهی دانست .

اگر از گذشت روزها و سیر زمان اندوخته ای از کار و دانش نداشته باشیم دیگر چه خواهیم داشت و زندگی ما چه ثمری داشت ؟ ؟ ؟

اگر دانش را بخاطر کسب درآمد فرا میگیرید حتی آنهائیکه بخاطر خود علم و دانش اندوخته اند تجاوز کرده اید . اندره ژید

ای مرد علم نعمت بزرگی است که در زندگانی تاج افتخار و پس از مرگ یادگار درخشان خواهد بود . حضرت امیر(ع)

باید دانست که چیزی وجود دارد که با استعدادها و حواس محدود ممکن نیست به کنه آن پی برد . ؟

بجوئید دانش را هر چند در چین باشد . حضرت محمد(ص)

بدبختی دیوی است که از روشنی میگریزد آنها که چراغی از معرفت و حکمت بدست دارند هیچوقت این دو مهیب را در راه خود
نمی بینند . ا. س ماردن

برای اینکه دانش ملکه شود تعلیم کافی نیست عمل لازم است . برنارد شاو

بسیار افتد که ابهت و شجاعت سود ندارد و هر دانش که بدانی روزی بکار آید . ته بوس دیمگر

بعضی چنان سرگرم میراث علمی گذشتگانند که فرصت مراجعه بعقل خود ندارند و اگر فرصتی هم بدست بیاورند حاضر نیستند که اشتباهات و لغزشهای آنان را اصلاح و جبران نمایند . ابن سینا

بهترین شما کسی است که گفتارش بر دانش شما بیفزاید . حضرت محمد

بهتر است که انسان چیزی نداند تا بسیاری چیزها را نیمه تمام بداند بهتر است که باعقاید خودمان یک دله سفیه باشیم تا اله باعقاید دیگران یک مرد دانشمند بحساب آئیم . نیچه

بهترین کارها این است که در جوانی دانش آموزی و در پیری بکار بری . بوذرجمهر

بین دانشمند و عابد فرق بسیار است دانشمند صد پایه از عابد فزون دارد . حضرت محمد

بگذار کسیکه سردش بهت آتش را خاموش کند . مثل اسکاتلندی

تعصب در علم و فلسفه مانند هر تعصب دیگر نشانه خامی و بیمایگی است و همیشه بزیان حقیقت تمام میشود . ابوعلی سینا

تمام سرمایه فکری و دانش باید تسلیم یک عظمت اخلاقی و روحی گردد وگرنه دانش مانند رودی خواهد بود که نتوانسته خط سیر خود را پیماید و مدریا بریزد و با وضعی اسف آور در صحراتوی ریگزارها فرو رفته باشد . متولینگ

تمام ذرات جهان دارای نیروی مرموزی بنام جاذبه هستند که توسط آن یکدیگر را جذب مینمایند و معمولا ذرات هر تودهٔ مجذوب مرکز آن و تودهٔ مزبور خود مجذوب توده دیگری است . نیوتون

تنها چیزیکه ممکن است مرا مشغول کند و شکنجه های روحی مرا تخفیف دهد صنعت است . شهرزاد

تنها کسانیکه دلداده دانشند بزرگند نه آنان که سوداگر دانشند . سعید نفیسی

ثروت در دارا بودن خزاین و دفاین نیست در دانستن علم و طرز استعمال آن است ؟

جهان باید در فرمان مردم باشد تا کی باید مردم در فرمان جهان باشند . سعید نفیسی

جهالت از علم ناقص بهتر است . مثل لاتین

چگونه انتظار دارید که به اسرار جهان پی برم و چیزی بفهمم درصورتیکه هنوز نتوانسته ایم دریابیم که فهمیدن یعنی چه؟ مترلینگ

چهار چیز رصاحبان خرد از امت من لازمست شنیدن دانش و حفظ آن و انتشار دادن و بکار بستن آن . حضرت محمد

حرکت کهکشانها در ثانیه بیست هزار کیلومتر یعنی سرعت سیر آنها دو هزار برابر سرعت انفجار بمب های ما میباشد . مترلینگ

حکمت درختی است در دل روئیده و میوه از زبان دهد . بطلمیوس

خرافه و موهوم زائیده جهل است و تا زمانیکه علم مطلق نصیب بشر نگشته پیوسته گرفتار باطل و موهوم خواهیم بود . حجازی

دانش اندک بهتر است از عبادت بسیار . حضرت محمد

دانا ترین مردم است که دانش مردم را بدانش خود جمع کند . حضرت محمد

دانشی که ترا اصلاح نکند گمراهی است . امام صادق

دانشمندان دو نوع اند دسته ای متخصص هستند که تمام چیزهائی را که وجود خارجی ندارد میدانند و دسته ای دیگر فلاسفه هستند که از آنچه موجود هست هیچ نمیدانند . برنارد شاو

دانشمند کسی است که بکوشد در دورنج خود را بکاهد . هوگو

دانش بی اندیشه دام است و اندیشه بی دانش بلا . حکمت هندو

دانشی که با پرهیزگاری توأم نباشد ارزشی نمی ارزد . ؟

دانش کم خطرناک است یا با آب چشمه را تا ته ننوشید یا اصلا لب نزنید . الکساندر پوپ

دانش چون چراغ روشن است اگرچه بسیار چراغها که از او برفروزند هیچ نور او کم نشود . هدیة الملوک

دانش انسان را فروتن میسازد و نادانی موجب ادعا و خودستائی میگردد . جان کایزل

دانش و هنر از هر اقلیمی برخیزد و متعلق بهر قومی که باشد از آن همه جهانیان است . پوشکین

دانش کلی مانند خلیجی است که من و همکارانم فقط چند دانه ریگ جالب از این پهنای وسیع برداشته ایم . نیوتون

دانش و حکمت بی نیازی نفس است و مال بی نیازی بدن بدست آوردن بی نیازی نفس بالاتر است از بدست آوردن بی نیازی بدن زیرا بی نیازی نفس جیش دائمی است و بی نیازی بدن عیش محدود . ؟

دانش و دارائی را هرکس یافته همیشه دیر از رخوت و سستی باز داشته و تنها علم است که انسان را از سختی ها می رهاند . ابن سینا

دانش اطلاعات وسیع ریاضی آن فرد دیگه تو انگلیسی خطرناکست . ناپلئون

در طلب علم برآئید هرچند به قعر رفتن در دریاها و شکافتن کوهها باشد . امام صادق

در حدود صد تریلیون سلول در بدن آدم با شگفت آورترین نظامها لاینقطع دست در کارند ۲۵ تریلیون گلبول قرمز دوش بدوش

با ۴۰ میلیارد گلبول سفید دائماً و بسرعت در عروق ما در حرکت و تکاپو هستند در صد سال عمر یک آدم سالم این موجودات در این ازدحام و جنب و جوش حتی تنه هم بهم نمیزنند چه رسد باینکه یکدیگر را بدرند و بخورند . از کتاب آدمها

در این دنیا هیچ کس نمیداند که در پشت پردهٔ ظاهری حوادث چه ها میگذرد . بر من امروز بخوبی ثابت شده که درباره هیچ چیز باستناد ظواهر نباید قضاوت کرد . ولتر

در روزگار گذشته مردم تحصیل علم میکردند برای اینکه خود را بدرجهٔ کمال برسانند امروز علم را برای این فرا میگیرند که دیگران را مجذوب و مسخر کنند . کنفوسیوس

در بین تمام نظریات علمی و فلسفی و عقلانی و در بین تمام افکار و عقاید مختلف آنچه در نظر من محقق و مسلم میباشد این است که با بودن آوردن نوع انسان و خصوصاً با این معدهٔ کثیف که ماشین زباله سازی است ما را بدبخت و مظلوم و شکمش و بیچاره کرده در هر دقیقه در جهان کهکشانهائی هست که با سرعت ثانیه ای بیست هزار کیلومتر در فضا فرار میکنند و بسوی نقطه ای که معلوم نیست کجا میباشد میروند این کهکشانها از صدها میلیون و بلکه صدها میلیارد خورشید یعنی ستارهٔ ثابت ساخته شده است . مترلینگ

دستگاه بی سیم ما فقط میتواند یک نوع موج دریافت نماید و قادر بدریافت امواج چیزهای دیگر نیست ولی هزاران صداها و تصویر و هیجان و فکر و حوادث و دستورها و تغییرات در این جهان بی پایان وجود دارد که دستگاه بی سیم ما قادر بدریافت آنها نیست . آنرنست لگن

دنیای خورشیدی ما که مرکز آن خورشید میباشد هر صد ملیون سال یکمرتبه یک دایره را در فضا طی مینماید و بعد از سیصد ملیون سال مجدداً همین دایره را همان شکل اول در پیش گرفته و بپایان میرساند . مترلینگ

دوست ندارم جوانی را مگر اینکه یا دانشمند باشد یا دانش آموز . امام صادقؑ

دانش اینستکه بدانید ، و بدانید که میدانید ، و بدانید که نمیدانید . مثل چینی

دانشمند فاسد جهانی را فاسد کند . مثل تازی

روزی خواهد شد که بتوان هر فکر و نگاهی را ضبط و ترجمه کرد چه رسوائیها که ببار خواهد آمد . حجازی

زگهواره تا گور دانش بجوی . حضرت محمدؐ

زیباترین مانورها در مقابل گردش سیارات چه جلوه ای تواند داشت . ناپلئون

شاید مانند کودکی باشیم که در کنار دریا با سنگریزه و صدفهای زیبا بازی میکند اما غافل از اینیم که دریائی بس بزرگ

واقیانوسی بیکران در مقابل دیدگانمان وجود دارد که در اعماق آن اسرار عظیم و شگفت انگیز نهفته است . نیوتن

شما اگر زیتونی را تحت فشار قرار بدهید و روغن آنرا بیرون بیاورید باز در ذرات و اتم های زیتون مقدار زیادی فضای

خالی باقی میماند و الکترون ذرات یعنی اتمهای آن همچنان با سرعت ثانیه ای چهل و هشت هزار کیلومتر در اطراف هسته مرکزی

حرکت میکنند . مترلینگ

علم گنج و کلید آن سئوال است پس سئوال کنید . حضرت محمدؐ

علم نعمت بزرگی است که در زندگی تاج افتخار و پس از مرگ یادگار درخشان خواهد بود . حضرت امیر

عالم افضل است از هزار عابد و هزار زاهد و هزار مجتهد . امام صادقؑ

علم بر سر تاج است و مال بر گردن غُل . — خواجه عبدالله انصاری

علم مخوف‌ترین بلای جان آدمیست ، مصیبت آن از طاعون و قحطی و جنگ بیشتر است . — داستایوسکی

علم و دانش کلیدی است که تمام درها با آن باز میشود . — آناتول فرانس

علم از خطا مبرا است ولی علما همواره خطا می کنند . — آناتول فرانس

علما درصدد ثابت نمودن هیچ امری برنمی آیند . — استفنسن

علوم پاک در دلهای ناپاک قرار نگیرد . — سقراط

فردا هرگز دیر نخواهد بود اگر بدانید که در جستجوی دانش هستید . — ژان ژوند

فصاحت فرزند دانش است ، دماغی که پر است مانند رودخانه‌ای صاف و شفاف است . — دیزرائیلی

فکر و عقل دو دریای عظیمند مروارید شان حکمت و فرزانگی است . — حضرت امیر

فلسفه با سانی بر بدبهای گذشته و مصائب آینده پیروز نمیشود ولی بدبختیهای حال همیشه به فلسفه ظفر میابد . — لارشفوکو

فلسفه غولی است دارای سرهای متعدد و هریک از این سرها بزبانی دیگر تکلم میکند . — شوپنهاور

قرون تاریک باز خواهد گشت عصر حجر بر بالهای درخشان دانش باز خواهد گشت ، چه بسا امروز برکات بیقیاس به بشر ارزانی میدارد یک روز مایه نابودی او شود ، زنهار فرصت از دست نرود . — چرچیل

قلب دانشمندترین فلاسفه و دانایان است کسیکه صاحب قلب پاک باشد به نصیحت حکما ، احتیاجی ندارد . — روسو

کسانیکه صاحب کرامت طبع و علو همت هستند هرچه بر میزان دانش و معرفت آنها افزوده شود بهمان اندازه خس گذشت و اغماضشان نسبت بنقایص و خطایای دیگران بیشتر میشود چه میدانند که غالب مردم بواسطه ضعف نفس نمیتوانند در مقابل فریب نفس مقاومت نمایند .

اسمایلز

کشوریکه افراد آن از علم و دانش بهره‌مند باشند دیگر طعم گرسنگی را نچشیده زندگی را راحت و آسوده‌ای خواهند داشت . کنفوسیوس

کوشش برای کسب دانش نخستین و یگانه پایه فضیلت است .

اسپینوزا

گاه از یک کلمه یک شعر یک آهنگ موسیقی یک گنجینه حکمت میآموزیم .

حجازی

گویندگان قدیم ایران بوسه را بآب دریا تشبیه کرده اند که هرکس برای رفع عطش آنرا بنوشد تشنه‌تر میشود در نظر من علم هم همین حال را دارد .

سعید نفیسی

لذتی که از علم حاصل میشود بی آلایش است .

افلاطون

لزومی ندارد حقیقت همیشه ساده و برای ما قابل فهم باشد ممکن است حقیقتی هم در جهان یافت شود که ما از اندیشه و یا دانستن آن عاجز باشیم .

دکتر الکسی کارل

لذتیکه از علم و دانش حاصل میشود بالاترین لذتها میباشد .

اسمایلز

مزیت با سوادان بر بی سوادان همانند برتری زندگان بر مردگان است

ارسطو

مغز ابلهان علم را با وهام و فلسفه را با بلهی و هنر را بفضل فروشی مبدل میکند .

برنارد شاو

مرد خردمند نرفته میداند، نگاه نکرده می بیند و عمل نکرده کار را به پایان میرساند . مثل تائوته کینگ

ملتی که روبانقراض میرود نخست دانش و فضیلت بی اعتنا میشود . دکتر پرویز خانلری

مؤمن همواره در جستجوی حکمت است . حضرت محمد

مؤمن تملق نمیگوید و حسد نمیبرد مگر در طلب علم . امام باقر

مهربانی حکمت است هیچ کس نیست که در زندگانی به آن نیاز نداشته باشد و باید آنرا بیاموزد . گ ، بابلی

وزن مواد یکه بعضی ستاره ها از آن ساخته شده اند از حیث سنگینی هفت هزار برابر طلای سفید است درصورتی که ما میدانیم که طلای سفید سنگین ترین جسمی است که در روی زمین وجود دارد . مترلینگ

وقتی به شعلهٔ شمع میدمید و شمع خاموش میشود آن شعله کجا میرود؟ خواهید گفت نیست میشود ولی چنین چیزی محال است، در دنیا یعنی در هستی هیچ چیزی نیست، نخواهد شد . مترلینگ

وقتیکه یک برگ حرکت میکند تمام شاخه ها تکان نمیخورند . مثل چینی

هرچه چیزیره دانش انسانی وسیعتر باشد حاصل گفتگوهای او طولانی تر خواهد بود . ردلف ساکمن

هر متاعی ممکن است دزدی داشته باشد جز متاع دانش و خرد که از همهٔ آفات مصون بوده و دارندهٔ آن محبوب و عزیز است . بهمن پور اسفندیار

هرچه زیادتر مطالعه کنیم زیادتر به عظمت عالم و کوچکی خود پی میبریم و از فهم اسرار هستی ناامیدتر میشویم . حسینعلی دانش

هرچه تمدن جلو میرود قدرت فردی کمتر میشود . ارتل هلیس

همه اندیشه و گفتار و کردار نیک نتیجه علم و معرفت است و همه اندیشه و گفتار و کردار زشت ثمره نادانی . دیب بوستو

همینکه یقین قطعی درباره واقعیت حقیقی یک رای حاصل شد آن رأی مبدل به علم میشود . وو ند

هیچ هدیه ای مسلمان به برادر خود ندادهٔ که بهتر باشد از کلمه حکمتی که هدایت او را افزون کند و یا از هلاک او را برهاند . حضرت محمد

هیچ خزر چون خوی خوش نیست و هیچ دانش چون پیش اندیشی نیست و هیچ پرهیزکاری چون بی آزاری نیست . بزرگمهر

هر کس بر دانش خود میافزاید بر اندوه خود میافزاید . مثل عبری

همه خزر چون بسیار شود خوار و ارزان گردد مگر علم و دانش که هرچه بیشتر شود عزیزتر باشد . مثل چینی

در عهد شباب چند سالی — کسب هنری کن و کمالی
تا آنکه بروزگار پیری — در ذلت و مسکنت نمیری

ایرج میرزا

بهره خرد

زدانشی زنده مانی جاودانی — زنادانی نیابی زندگانی
بجو پیدا برامی علم اسرار — ولی پوشیده گشت از چشم اغیار
نه بهر خورد و خواب است چو حیوان — بلای حکمت و علمی جو انسان

زمانی میسزد آموختن — گهی آموخته افروختن
نگهدارتن باش و آموزخرد — چو خواهی که روزت ببد نگذرد

فردوسی

چه پرسند پرسندگان از هنر — نشاید که پاسخ دهی از گهر
گهر بی هنر ناپسندیده خوار — مر این داستان زد یکی هوشیار
توانا بود هر که دانا بود — زدانش دل پیر برنا بود

فردوسی

چشم دل باز کن که جان بینی
آنچه نادیدنی است آن بینی

گر به اقلیم عشق رو آری
همه آفاق گلستان بینی

دل همه ذره ای گر بشکافی
آفتابش در میان بینی

هاتف اصفهانی

صاحبدلی بمدرسه آمد ز خانقاه
بشکست عهد صحبت اهل طریق را

گفتم میان عابد و عارف چه فرق بود؟
تا اختیار کرد از آن این طریق را

گفت آن گلیم خویش برون می برد ز موج
وین سعی می کند که بگیرد غریق را

سعدی

طلب کن علم از آنجا که بیش است
که بی علم کس نبرد ره بحق را

کسی نکته دارد ز دانا بدانش
که از نکته ناگاه نادان بگریزد

رافعی قزوینی

علم چند انکه بیشتر خوانی
چون عمل در تو نیست نادانی

نه محقق بود نه دانشمند
چهارپائی برو کتابی چند

سعدی

مکوش مکن چو خسرو نیلوفری — برون کن ز سر باخیره سری

چو تو خود کنی اختر خویش را — مدار از فلک چشم یاری کسی را

بسوز و بر چوب درخت ار ببر — سزا خود همین است مر بی بری را

درخت تو گر بار دانش بگیرد — بزیر آورد چرخ نیلوفری را

بصره خسرو

هر علم را که کار نبندد چه فایده؟ — چشم از نبی و آل مبند آخر فکر کن

ترک هوی و بهت گشتی ار ارباب معرفت — عارف بذات شو نه بدلق ملمعی

؟

من تو جز علم نگویم سخن — علم چو آمد تو گو یه چه کن

نصیحت نظامی فرزند را

تو انر شناخت بیکروز در شمایل حق — که تا کجا شد رسیده است پایگاه علوم

ولی ز باطنش ایمن مباش و غره مشو — که خبث نفس نگردد بباطها معلوم

سعدی

عُلوِ همّت

ارزش هر کس به قدر همت اوست . حضرت امیرؑ

از خارج در معرض هجوم بلایا و حوادث و اتفاقات و امراض و ناخوشیها و انواع مصائب و آلام فردی و اجتماعی ، و از داخل نیز دشمنانی قهار و فیّان کن چون کبر ، غرور ، ترس ، کینه ، غضب ، تشویش ، اضطراب ، حرص ، شهوت بر ما حمله ور باد ، و اذیت ما بسته اند . بنابراین آیا جای آن نیست که با این همه دشمن قامت شجاعت راست کرده و در قلع و قمع آنها بذل همت و مجاهدت کنیم .

اشخاص بزرگ و با همت بکوه مانند هرچه با انسان نزدیک شوی بر عظمت و ابهت آنان بر تو معلوم میگردد و مردم پست و دون همت سراب را مانند که چون کمی بآن نزدیک گردی بزودی پستی و ناچیزی خود را بر تو آشکار سازند . گوته

افتخار مرد بهمت بلند اوست نه باستخوان پوسیدهٔ گذشتگان . حضرت امیرؑ

اگر چیزی بالاتر از زندگی وجود داشته باشد صحت است و اگر چیزی مانند آن یافت شود بی نیازی و علوّ همت میباشد . بزرگمهر

اگر چیز مدشمنان بدهی به که از دوستان خواهی . ؟

بکوشش که پست همت نباشی من چیزی ندیده ام که قدر انسان را بیشتر کوچک نماید از پست همتی . حضرت امیرؑ

بلندی همت آنست که از هرچه در دست مردم است نظر برگیری . حضرت امیر(ع)

چیزی را که ما در باطن خود نداریم آنرا در خارج نمیتوانیم ببینیم اگر در نفس شما بزرگی همت آزادگی فرد حاکمی هم سد راخواهید کرد . امرسون

در آب مردن به که از غوک زینهار خواستن .

صاحب همت در پیچ و خمهای زندگی هیچگاه با یأس و استیصال روبرو نخواهد شد . ناپلئون

صاحب همت ثابت قدم بهر ناکامی و مشقت در مقام اندوه و اضطراب نیفتد . کلیله و دمنه

عده ای خیلی کم از مردم سرزنشهای مفید را به تعریفهای خائنانه که از ایشان بعمل میآید ترجیح میدهند . دیل کارنگی

علامت و نشان حقیقی اصالت و علو شأن ، نوازش و ترحم آمیخته با شادمانی و خوشروئی است شکسپیر

مردمان بی همت و ترسوار خوف ذلت و سختی همیشه در خواری و ذلت زندگی کنند . حضرت امیر(ع)

مرد بلند همت تا پایه بلند بدست نیاورد از پای طلب ننشیند . کلیله و دمنه

ممکن است جسم ما دستخوش آفات شود از این بابت گناهی متوجه ما نمیشود ، ولی باید روح خود را از هجوم آفات و مصائب حیات حفظ کنیم . سیرون

همت مردان کوهسار را متلاشی کند . حضرت امیر(ع)

همت آنست که هیچ حادثه و عارضه ای مانع آن نگردد . ابن عطا

هنگامی که کسی به من اهانت میکند میکوشم تا نفس خود را چندان ارتقاء دهم که آن توهین و تحقیر نتواند بآن برسد . ؟

درویشم و گدا و برابر نمی‌کنم — پیشینه کاسه خویش بصد تاج نسپرم

حافظ

همت بلند دار که مردان روزگار — از همت بلند بجائی رسیده‌اند

سعدی

گر فکر یک صبحدم بمن گران بها کنی — تا شام بیرونی میرود چیزی از آبروی من

لاادری

غلام همت آنم که زیر چرخ کبود — ز هر چه رنگ تعلق پذیرد آزاد است

حافظ

زیر بار غم درختان که تعلق دارند — ای خوشا سرو که از بار غم آزاد آمد

حافظ شیرازی

با همین فن زآنکه دست خوردنان — بهر چه خوشه چین بر پاشکسی

صائب تبریزی

گر بیرایدل که تا آبروی — میرود از گفتگو با قیبی

مجو نانم اگر حاتم نانم دهد — مخور آبم اگر خضر آبم دهد

ابن یمین

ما آبروی خویش بکوی تو برده‌ایم — بخلی بجبهت حاتم طایر است

میتوان پوشید چشم از هر چه ما را بر چشم — آنچه نتوان چشم از آن پوشید سیر آبی است

هر سری را در خم همت کلاهی داده‌اند — افسر دیوانگان شب‌های جمعیتی

همت آنست که زاوارهٔ احسان نکند — هر که این بادیه را طی نکند حاتم نیست

صائب تبریزی

دست حاجت ز در هر کس و ناکس کوته کن — آخر این دست بر تو همنر ها دارد

غیبت ـ عیبجوئی

آنکس که بینای عیب خویش باشد و چشمان خویش را برای عیب دیگران بکار نیندازد خردمندترین مردم است . حضرت امیر(ع)

آنکس که به غیبت گوش دهد در شمار یکتن از غیبت کنندگان است . حضرت امیر(ع)

آنکس که سعی کند پرده از عیب دیگران بردارد ناگهان پرده از عیب خویش برداشته شود و خود را رسوای عام و خاص یابد . امام صادق(ع)

آنکس که بآسانی و زود باوری افترائی را گوش داده و قبول میکند اخلاق پست دارد یا اینکه عقل و فهم او از یک کودک کمتر است . بنیامین

آن سخنگوئی که در حضور تو نام دیگری را برنشتی بزبان آورد بداند که تو نیز در قومی آن شخص خواهی بود . شیخ بهاء الدین

از عیوب مردم چشم بپوشید و در عوض دیده به عیبهای خود باز کنید ، فرصتی را که در راه عیبجوئی اشخاص دیگر صرف میکنید کافی است که در آن فرصت نقایص خود را رفع کنید . حضرت امیر(ع)

از مردم تمام برترس که هرچه دی بساعتی بشکافد به عمری نتوان دوخت . قابوسنامه

اشرار از کسانی هستند که عیوب مردم را جستجو کنند و بآن بچسبند و نیکوئی آنها را نادیده و فراموش گذارند مانند پشه که در جاهای کثیف و زخم بدن می نشیند و از جاهای تمیز دوری میکند . افلاطون

افترا جز سر و صدای مردم دیوانه چیزی نیست . دیوکنس

اگر محاسن دشمنان خود را برزبان آریم بهتر از آنست که معایب دوستان را بگوئیم . لرد آویبوری

انتقاد توانائی مردم ناتوان است لامارتین

بپرهیز از آمیزش با کسانیکه در جستجوی عیبهای دیگرانند چه هرگز همنشین آنها هم از عیبجوئی آسوده نماند . حضرت امیر

برادران خود را هرگاه غایب باشند بهتر از آنچه دوست میدارید که شما را غایبانه یاد نمایند یاد کنید . امام صادق

به عیب خویش بینا باش . خواجه عبدالله انصاری

به غیبت کنندگان بگوئید شما به قول خود بی گناه و معصومید آیا باین نکته توجه دارید که غیبت در حد خود گناهی بزرگ و غیر قابل بخشایش است . حضرت امیر

چنانکه عیب دوستی را یا عیب شخص محتشمی بر تو معلوم شود زنهار مگوئی . قابوسنامه

چون عیب دیگران جوئی و هنر خویش بینی از جستن عیب خویش از هنر دیگران غافل مباش که هرکه بر عیب خویش و هنر دیگران واقف نشود هرگز از عیب پاک نگردد . ؟

خبرهای دیگران باین سو و آن سو بردن همان اندازه بد است که برای دیگران خبر و داستان ساختن . مشیدان

خبرچینی سوداگری است ، خرده فروشی کالا را به نسیه از دیگران میخرد و با بهائی بسیار ارزان بدیگران میفروشد متاع وی مانند سبزی و میوه زود گندیده میشود و باید بدیگران آنرا به فروش رساند زیرا اگر جنس وی تازه نباشد خریدار پیدا نمیکند . ؟ خردمند آنست که چون بر معایب خویش مطلع شود با صلاح آن کوشد و هرگاه بر عیبهای مردم واقف گردد ستاره کند

و بر آن پرده عیب پوشد .

خرده سنگ را به کوزه بزنی و یا کوزه را روی سنگ بیندازی بار شکست با کوزه است . مثل یونانی

در وظیفه خود استقامت جستن و خاموش ماندن بهترین پاسخ به تهمت است . واشنگتن

دقایقی را که به عیبجوئی دیگران میگذرانیم اگر به تأمل در معایب خویش صرف کنیم هزار فایده میبریم که کوچکترین آن خودشناسی است .

در غیاب دشمن هم نباید حرف زد . مثل یونانی

زیانکارترین عیبها عیب خود ندیدن است . لقمان

سخن چنان که چشمان نجس و قلب ناپاک دارندار صمیمیت دیگران رنج میبرند . حضرت امیر

سخن در میان دو دشمن چنان گوی که چون دوست گردند شرمزده نگردی . سعدی

شخصیکه غیبت مردم میکند همانند زنبوری است که نیش میزند ولی عسل نمیدهد .

شخص غایب همیشه مورد سرزنش است . مثل لهستانی

غیبت یعنی یاد کردن تو برادر خود را بچیزیکه خوشش نیاید اگر آنچه گفتی در او باشد وی را غیبت کرده ای و الا بر او بهتان زده ای. حضرت محمد

غیبت نمایندهٔ ناتوانی است . حضرت امیر

غیبت گناهی است که بآسانی انجام میگیرد اما چون در جامعه رایج شود آبروی مردم را بر باد میدهد اعتماد مردم را از یکدیگر سلب میکند و جامعه را از فوائد وجود افراد محروم میسازد حسینعلی راشد

غیبت کسان مجوی و نان ممسک مخور و آنچه را که خود ننهاده ای برمگیر . خواجه عبدالله انصاری

کاشکی میدانستم که مرا غیبت میکند؟ که مراد شمن میدارد؟ و که بد میگوید؟ تا او را سیم و زر فرستادمی که چون کار من میکند - از مال من نیز خرج کند .

تذکرة الاولیاء

کسیکه نظیر صیحونی بمردم کند کور عیب خود شد است و کسیکه نظر بعیب خود کند کور عیب دیگران . ذوالنون

مردم بزهکار دوست دارند غیبت دیگران را آشکار سازند تا برای تباهکاریهای خود عذر و بهانه ای جویند . حضرت امیر

مردمان را عیب نهانی آشکار مکن که ایشان را رسوا کنی و خود را بی اعتماد . سعدی

مردم حتی وقتی هم که از شما میخواهند معایبشان را آشکارا بآنها بگوئید انتظار مدیحه سرائی دارند . سامرست موام

مردم را در غیب همان گوی که در روی توانی گفت . خواجه عبدالله انصاری

مشکلترین چیزها اینستکه انسان خود را بشناسد و آسانترین کارها اینست که از دیگران صیحونی کند . لودآویسوری

وقتی مردم از کسی تعریف میکنند کمتر کسی هست که باور کند . ولی وقتیکه از کسی بدگوئی کنند همه باور میکنند . ؟

هر که تفحص و تفتیش معایب دوستان کند بدشمن مانند تر است . معین الدین جوینی

هرگاه بخواهی عیب برادرت را بازگوئی نخست عیب خودت را بیاد آر . ابن عباس

یکی به سوی حکیمی رفت و گفت، فلانکس در حق تو چیزی گفت است گفت از این گفتنی سه خیانت کردی، برادری را در دل من ناخوش کردی و دل فارغ مرا مشغول نمودی و خود را نزد من فاسق و متهم گردانیدی . کیمیای سعادت

آنانکه دل به غیبت مردم گشاده‌اند
باری بر این سخن خوشم که مرا یاد می‌کنند

حاجی تهمتنی

از غیب کس نه زشت شنیدم نه خوب
عیبش بگو ز بهر خدا تا چه عیب هست

ایرج میرزا

به عیب خویش بپرداز تا هنرمندی
مباش آینه عیب دیگران زنهار

صائب تبریزی

پاک کن از غیبت مردم زبان خویش را
ای که از مسواک هر دم می‌کنی دندان سفید

صائب تبریزی

چه خوش بود که بجای غیبت کسان عیب خود بگفتندی
بر غیر چه خند چو تو خود بتر از آنی

قاآنی

زبان که شخص به غیبت دراز گردانند
بر و بگفت دانندهٔ سرفراز مگو

مکن غیبت هیچکس در جهان
که فردا شود بر تو غیبت عیان

سعدی

سخن چنین و تمام در یک نفس
صدف افکند در میان درس

نیرزم زنامم سه گشته تر ، نگونسار طالع و بخت برگشته تر

سعدی

عیب خود در پس آئینه نگه داشته ای تو که آئینه به عیب دگران داشته ای

میرزا حبیب اصفهانی

کار مردان روشنی و گرمی است کار دونان خفیت و بی شرمی است

مولوی

همه حمال عیب خویشتنیم طعنه بر عیب دیگران چه زنیم

سعدی

تو عیب کس نهان مگوی مجوی که عیب آورد بر تو بر عیب جوی

چو عیب تنت خویش دانی بکوش زعیب کسان بر مگو یک سبوی

بکوشش که عیب کسان ننگری مجوی آنگه که بر تابی از عیب روی

سخن چین و بی دانش و چاره گر نبیرد بهیچ اندرش هیچ گذر

سخن چین و مردی و پیکار مه دل هوشیاران نیازارد

فردوسی

فداکاری

آباد کردن کشور، مبارزه با فقر و جهالت تعمیم فرهنگ و بهداشت، بی تردید از هدفهای مقدس و عالی میباشد اما اجرای آنها تنها با حرف امکان پذیر نیست باید کار کرد کار مداوم و طولانی باید هزاران مطلب را در نظر گرفت و هزاران کار را انجام داد .

گاندی

آن کس که از اول میداند به کجا میرود خیلی دور نخواهد رفت .

ناپلئون

آنکس که در راه پسند خاطر خود دست از جان میشوید بزرگ نیست بلکه آنکس بزرگ است که در راه دیگران از خود میگذرد بعضی

اسارت و بندگی مردم بخود ایشان و به اندازه تحمل رنج و قبول فداکاری ایشان بستگی دارد .

گاندی

اقتدار عالی و بی تبعید انسان فقط در فداکاری است فداکاری شرط اساسی هر بزرگی است .

وه ید

برای فداکاری وسایل و اسباب لزومی ندارد هیچ جمعیت از خودگذشته را نمیتوان مضمحل نمود .

ناپلئون

برای تحقق آرزوی تو خواه امیر باشی خواه گدا در برابر طبیعت فرق نمیکند و برای همه یک بها معین شده است و آن

فداکاری و از خودگذشتگی است .

دکتر ماردن

بهترین مردم سودمندترین آنان بحال دیگران هستند .

حضرت محمدؐ

تو میکوشی که آسوده تر باشی. من میکوشم که دیگران آسوده تر از من باشند. — سعید نفیسی

حسن معاشرت مرکب از فداکاری ها و گذشتهای کوچک است. — امرسون

خود را قربانی کنیم بهتر است که دیگران را. — گاندی

دانشمندی که با مواد خطرناک به آزمایش میپردازد و پزشکی که در معرض ابتلا به امراض مسری است همه بموجب وظیفه شغلی و برای احسان بنوع خود فداکاری میکنند. — جان کاینزل

دست یاری دادن بیش از دیدن ما را گرم میکند. — جولیا وارد هود

سربازی یعنی فداکاری و بس معنی دیگری ندارد. — ؟

فداکردن جان درد و مورد خوب است اول اینکه چاره منحصر به فرد باشد و دیگر اینکه هیچ وسیله دیگری غیر از ایثار جان نتوان مقصود را انجام داد. دوم آنکه بدانیم از آن فداکاری دیگران خوشبخت خواهند شد. — مترلینگ

فداکاری بدون امیدواری منتهی درجه فضیلت انسانی است. — لوفری

هرچه به فداکاری و مهرورزی خو بگیریم کاملتر و خوشبخت تر خواهیم شد چرا که هیچ حالی به اندازه جوانمردی و مهربانی بسلامتی روح ما کمک نمیکند. — جان کاینزل

هر کجا میروی با تمام قلب برو. — ؟

دلیری زیبنده ربه من بود — دلاور نیز آیین تهمن بود

فردوسی

گر بر سر نفس خود امیری مردی — ور بر دگری ملک‌گیری مردی

مردی نبود فتاده را پای زدن — گر دست فتاده‌ای بگیری مردی

پوریای ولی

مردی و مردانگی آن است بر ابنای نوع — تا توانی دستگیری و مرد کاری کنی

منیر از افتاده‌ای از دستگیری دم زنی — ور گرانبار نیی بی‌بار برداری منی

کینه و بغض و حسد هر چند بینی از منی — سینه را از کینه و بغض و حسد عاری کنی

خوی خوش با زشت خویان راستی با کجروان — با برانِ نیکی و با یارها یاری منی

شانی تکلو

همیشه جوانمرد و جوانمرد باش — زدونی و بی‌حاصلی فرد باش

که نام جوانمرد ازین در جهان — بود زنده تا نفخ صور و مهان

جوانمردی از کاردها بهتر است — جوانمردی از خوی پیغمبر است

بدایع بلخی

فروتنی

آفت زیبائی خودپسندی و کبر است .

حضرت محمد

آنکه پرنده نیست نباید بر برگها آشیان سازد .

نیچه

آنانکه ترک دنیا میکنند بهترین راه استفاده از دنیا را یافته اند .

حجازی

آیا بخاطر دارید که در دورهٔ حیات از دست شخصیت خودتان و آنچه را که بنام من میخوانید چقدر صدمه کشیده اید تمام اوقات تلخیها و مصائب و صدمات و بدبختی ها و ناکامیهای شما در طول مدت حیات از دست همین من بوده است . ترک این

آتش را نمیتوان با آتش خاموش کرد .

مثل یونانی

آسانترین راه برای ارزنین بردن افتخارات خودستائی است .

مثل ایرانی

ارزش واقعی هستی بشر در ابتدا به مقیاس احساسی بستگی دارد که بوسیلهٔ آن از دام خودپرستی رسته است و به پیروی از آن از قید ما و منی آزاد شده باشد .

انیشتین

از خود خواهی خود را دچار بلا نکن

؟

اگر چیزی بالاتر از زندگی وجود داشته باشد صحت است و اگر چیزی مانند آن یافت شود بی نیازی و علو طبع است . بزکمهر

اگر انسان یکروز از خودخواهی بگذرد همه او را نیک خواهند گفت . کنفوسیوس

اگر بدانیم که در این زمان و مکان بی پایان چه دوام و بقا و اهمیتی داریم شرمنده بجای خود می نشینیم . حجازی

اگر متکبر نباشیم از کبر دیگران شکایت نخواهیم کرد . لاروشفوکو

اگر میدانید خطا کار هستید بیدرنگ از ضمیم قلب بخطای خود اعتراف نمائید . دیل کارنگی

اگر متواضع باشید کمتر مورد حسد واقع میشوید . ابن مقفع

انسان مانند رودخانه است هرچه عمیق تر باشد آرامتر است . منتسکیو

اولین پاداش شخص بردبار این است که مردم او را در مقابل جاهل یاری میکنند . حضرت امیر

ای حیوانات دوپای موجودات مسکین که بواسطه داشتن زبان خود را اشرف مخلوقات میدانند اگر گرگهای بیابان زبان میداشتند به شما میگفتند که شریرترین موجودات کیستی هستید ، دفتر زندگی شما از لکه های جرم و جنایت تاریک است . ؟

افلاتون دانشمند ریاضیدان معروف در جواب زنش که از لباس نامرتب او ایراد میگرفت . گفت تأسف آور است که تو میخواهی کیسه ای از محتویاتش عالی تر باشد .

بدترین خلق کسی است که مردم از او بترسند . ؟

بردباری بهترین وسیله رفع هر نوع ناراحتی است . پلوتوس

بشر موجودی است که باید بر خود غلبه کند . — نیچه

بکوشش تا آنچه را که علاجی ندارد با مدارا تحمل کنی . — پند زنان بقراط

با پیران همچنان سلوک کن که با پدرت سلوک میکنی . — مثل ژاپونی

بجای خود تو نشین کسی بلندت نخواهد کرد . — مثل امریکائی

پرده غرور را از پیش خود بردارید زیرا این پرده نمیگذارد که دیدنیها را ببینید و شنیدنیها را بشنوید . — حضرت امیر

پنهان داشتن سختیها از جوانمردی است . — حضرت امیر

تا به پل نرسیده ای از آن عبور مکن و برای شیر ریخته شون آه نینداز . — دیل کارنگی

تحمل و بردباری بالاترین جرئت و جسارت است . — پاستور

تعصب در علم و فلسفه مانند هر تعصب دیگر نشانه خامی و بیمایگی است و همیشه بزیان حقیقت تمام میشود و در شان خردمندان نیست . — بوعلی سینا

تکبر در همه مردم بطور یکسان وجود دارد ، تفاوتی که هست در طرز بروز آنست . — لاروشفوکو

تکبر تشخص ، خودپرستی ، عشق بخود ناشی از نبعیه فقی است . — ؟

تکبر و خست هزاران صفت خوب را میپوشاند . — کنفوسیوس

تنها راه سعادت همانا سادگی و شبیه شدن بمردم ساده است و مابقی همه فریب و دروغ است . — جمالزاده

تنبل ترین وضعیف النفس ترین اعضای جامعه بیش ازهمه شکوه وشکایت دارند. بدترین اقسام حرچها حرخی است که صدا وهیاهوی آن زیادتر است . اسمایلز

توشخص بزرگی هستی، مقتدری، کاری بکن که من قدر تورا بدانم ومحترمت بشمارم . لابرویر

تواضع سحا آخرین حد تکبر است . لابرویر

تواضع با همه کس بکار دار وهیچ متواضع را حقیر مشمار . اخلاق ناصری

جمال وکمال، مال وجلال عوامل موفقیت هستند ومردم را بطرف خود جلب میکنند ولی جاذبه سحکدام بمذازه سادگی قدرت؟

خطابی که تورا شیمان و فروتن کند بهتر از ثوابی است که تورا سرکش وخودبین سازد . حضرت امیر

خودرا از پایه ای که داری فروتر آر تا مردم ترا از پایه ات فراتر برند . حضرت امیر

خیلی دشوار است که انسان قانل شود که جهان را برای او نیافریده اند . مترلینگ

خیال آسوده از دامان مادر امن تر وآسایش خاطر از گنج قارون گرانبهاتر است ؟

خودستائی جان من برهان نادانی بود . مثل ایرانی

دانائی عمده انسان در این نهفته است که به حماقت خود پی برد . لارشفوکو

دانی که اثر حکمت در مرد حکیم کی ظاهر شود آنوقت که خویشتن را ناچیز وحقیر شمارد . سقراط

در مقابل فروتنان تواضع کنید ومقابل متکبران تکبر نمائید . حضرت محمد

درختان بارور خم میشوند و مردان بزرگ متواضع میباشند فقط شاخه های خشک و مردان نادان هستند که میشکنند اما خم نمیشوند .

مثل سانسکریت

سعی مکن برضد جریان باد آب دهن اندازی .

نیچه

سعادتمند کسی است که هرچه پیرتر شود مشفق تر گردد .

گوته

سلوک در رفتار آئینه ای است که در آن آدمی تصویر خویشتن را نشان میدهد .

گوته

سه عادت از عادت نااهلان است یکی خود رابی عیب پنداشتن دوم دیگران را در مرتبهٔ دانش از خود فروتر نهادن سوم بعلم خویش خرم بودن و خود را به قدم انتها دانستن و در غایت کمال پنداشتن .

مرزبان نامه

سنگین ترین خوشه آنست که بیشتر سرش بطرف زمین خم شده است .

مثل ایرلندی

سوار اسب که شدی پیاده ها را از یاد مبر .

مثل تازی

شبلی گفت از یوسف انبساط پرسیدند که غایت تواضع چیست؟ گفت آنکه از خانه بیرون آئی هرکه را بینی چنان دانی که از تو بهتر است .

تذکرة الاولیاء

صرف نظر کردن از حاجت بهتر از خواهش از نااهلان است .

؟

عظمت مردان بزرگ از طرز رفتارشان با مردمان کوچک آشکار میشود .

دیل کارنگی

فروتنی زیور علم و کمالست و زینت جاه و جلال اهل هنر اگر فروتن باشند هنرآنان بهتر جلوه کند همچنانکه سایه عکس

عکس را برجسته نمودار میکند، فروتنی هنر را نمایان میکند .

فروتنی آن نیست که انسان ذوق و استعداد خود را پنهان سازد و تصور کند که کوچکتر و بدتر از آنچه هست میباشد بلکه عبارت است از شناختن کامل نقایص و کمبودهای خویش .

لاکوردر

فقط با اطاعت از طبیعت میتوان به آن چیره گردید .

کسیکه هیچ چیز را تحمل نمیکند، خود او نیز تحمل ناپذیر است .

پی یر ژانه

گناهی بزرگتر از جاه طلبی نیست .

لافونتن

ما باید خیلی خودپسند باشیم اگر تصور کنیم که ما برجسته ترین موجودات دنیا هستیم در این دنیا نزدیک بصد میلیارد کهکشان وجود دارد که هر یک از آنها چندین میلیون خورشید دارند که شبیه ما یا عالی تر میباشند و هر روز عده ای با هم تصادم میکنند و در هیچ جای دنیا کسی بر آنها غصه نمیخورد و مجلس ترحیم و مذکر بر پا نمی نماید .

مترلینگ

متانت قلعه ایست که شخص را در پناه خود از صدمات روزگار حفظ میکند متانت سپری است در مقابل تیرهای حوادث و زحمات و بلایا و موانع که در طریق حیات از هر طرف بسوی انسان پرتاب میشود .

ایرانشهر

مرد بزرگ بخود سخت میگیرد، مرد کوچک بدیگران .

کنفوسیوس

من نمیدانم که جهان مرا چه میداند؟ اما من خودم را همچون کودکی می بینم که در کنار ساحل به بازی سرگرم است و گاه و بیگاه خودم را با یافتن سنگریزه ها و یا گوش ماهی های زیباتر و صافتر از معمول دلخوش میکنم حال آنکه اقیانوس بزرگ

حقیقت که هنوز کشف نشده پیش رویم گسترده شده است . نیوتن

هر صاحب نعمتی مورد حسد دیگران است جز متواضع که از شر حاسد در امان است . حضرت محمد

هرگز از خودتان نگویند و تعریف نکنند . بگذارید اگر صفاتی دارند از دهان دیگران شنیده شود . جان کایزل

هر که بیشتر خود را میخواهد بیشتر رنج میبرد . تا اوته کینگ

هرگاه غضب شما را از جاده اعتدال خارج ساخت فوراً آبا ئینه نگاه کنید بی اختیار خود میخندید . دوسو

هر قدر هم در قلمرو خود پرستی اکتشافات تازه ای بعمل آید باز مناطقی در آن وجود خواهد داشت که ناشناس باقی مانده اند؟

هر چه غرور بیشتر باشد سقوطش در دره ها عمیقتر و بیشتر است . ؟

همیشه از من بیاد داشته باشید که در طوفان و تلاطم دریای زندگی به کشتی متانت اندرز شوید . سیلاب خروشان کوه و کمن

همین که در آغوش آرام و بیحرکت اقیانوس قرار گیرد کناره جنب و جوش و غوغای خود را فراموش میکند . حضرت ابراهیم

هیچ عیب ندارد که شما فهیم و فیلسوف باشید ولی اگر هستید طوری رفتار کنید که کسانیکه با شما حرف میزنند شما را بسادگی خودشان تصور کنند . آناتول فرانس

هر انسان جاه طلب اسیری است و هر آرزومند گدائی . مثل تازی

هرگز بنشین در جای مردیکه میتواند به تو بگوید برخیز . مثل تازی

از نسیم یکی هزار اثر فتاد کی — هر دانه ای که خاک نشین گشت حرمت است

کاشی جینی

تواضع مرتبه دارد دلگشا می — ز کبر آیینه بی در نشین می

همسر خسرو

چو نخلی بی بر لگد فیض من کمتر رسد — بلای سوختن آخر بکار آید یم

رباب گیلانی

خوهی عزیز در هر بوشی خاک رباش — در دیده ها رسمه شدن جا بیت سنگ را

شفیعا

خوهی مبند مرتبه کردی میان خلق — میکن بهر مقام که هستی فروتنی

جمشید شیرازی

خوهی شکفته دار بهر حالتی که هست — خونی که میخوری بدل روزگار کن

صائب تبریزی

فروتنی است دلیلی رسیدن بکمال — که چین بوا بمنزل رسد پیاله شود

صائب تبریزی

قطره بودم سرنگون همچون بسی در یم شدم
نظر از خویش چون بستم ره دریا دیدم

مولانا جلال‌الدین

گر مقام خاک را از دل نمی‌کردم گریز
چون زمین از آفرینش مادر گیتی نبید

زهدی

راه صفا گزین و طریق فروتنی
کانجا پناه عفو توانی یافت ایمنی

فرمانهات نفر حکومت نیافتند
آنجا که تاخته‌ام از فروتنی

تعظیم را ستوده‌ام اما بتان سیاه
آنجا که پیش خصم کنند برافکنی

گیتی پر از عدو شد و کس از کمین خویش
چون کرم پیله تار عداوت فرو تنی

خشم دشمنی نزارم دانیم عجب که خورد
سنگی بجام عشرتم از راه دشمنی

بازت بگویم ار چه حدیثم نگفتنیست
این دولت دو روزه نیرزد بدشمنی

پژمان بختیاری

فضیلت

برای بقای دوستی باید فضیلت و ارزش یکدیگر را بشناسند و به همدیگر دیده احترام بنگرند . — ارسطو

برخی از خطاهاست که اگر درست بکار گرفته شود از فضیلت هم مؤثرتر میدرخشد . — لاروشفوکو

بسیاری از مردم فضیلت را در پشیمان شدن از خطا میدانند بجای احتراز کردن از آنها . — لینجستنبرگ

بنظر من فضیلت یعنی محبت داشتن به آدمیان . — کنفوسیوس

بهترین میراثی که پدران برای فرزندان خود میگذارند فضائل آثار خوب است . — سیسرون

بهترین آثار و جاهت آن چیزیست که نمیتوان شرح داد . — ؟

بیشتر از هرزم به فضیلت مدیونم که نگذاشت با خودکشی بزندگی خود خاتمه دهم . — بتهوون

پاکدامنی شهوت را فرو نشاند . — حضرت امیر(ع)

تکمیل فضائل اخلاقی اگر یگانه هدف تعلیم و تربیت نباشد لااقل بزرگترین هدف آن است . — ؟

تمام طلاهای روی زمین و زیر زمین به قدر یک فضیلت ارزش ندارد . — افلاطون

جائیکه کوشش ومجاهده وجود ندارد فضیلت وتقوی نیز معدوم است . برناردن

جائی برو که ترا بخوانند، نه جائیکه از درت برانند .

؟

جهان بزرگ است و آدمی زاده کوچکست اما آدمی زاده میتواند چنان بزرگ شود که جهان در برابرش کوچک گردد بعیدی

چون خرد به فزونی رسید، خواهش وشهوت کاستی گیرد . حضرت امیرؑ

حاصل من از فضل فقط این شد که بر جهل خود دانا شدم . بقراط

حجب وحیا نه تنها آرایش است بلکه نگهبان فضیلت است . ادیسن

حدودی وجود دارد که وقتی فضیلت از آن بگذرد شایستگی به ناشایستگی ولذت برحمت مبدّل شود . ژوژنیون

حقیر شمردن مرگ یکی از عمده ترین فضایل اخلاقی است . مونتن

خدایان در راه فضیلت سدهائی از رنج و درد برپا کرده اند اما از طرف دیگر وقتی آدمی بر این مشکلات فائق آمد و از سدها گذشت فضیلت بدست آمده کار آسانیست . افلاطون

خوشبخت ترین افرادکسی است که فضیلت دیگران را قدر بداند و از خوشبختی دیگران نیز احساس مسرّت کند. گوته

خویشتن را نگاه دار از کرداریکه اگر از تو بپرسند شرمگین شوی و انکار کنی . حضرت امیرؑ

به چشمان برادرت نگاه کن و به بین که نوریکی از آنها میدرخشد و یا آتش غضب بیرون میجهد و تاثیری را که این دو برق در روح تو دارد احساس کن و از آنجا پی ببر که فضیلت نیز بطور معجزه آمیز از انسانی دیگر منتقل میشود . کارلایل

در انسان نعمتی از این بهتر نیست که به مقدرات خود سر تسلیم فرود آورد ، و مزه عظمت آنرا بچشد . داستایوسکی

در زندگی چنان رفتار کن که گوئی بر سر خوانی نشسته ای ! اگر غذائی به تو تعارف شد با ملایمت آنرا بگیر ! اگر بنا ست آن را از پیش تو ببرند آنرا نگاه مدار اگر بطرف تو نیامد چنان مکن که از آرزوی تو باخبر شوند بلکه چندان صبر کن تا نوبت بتو رسد . اپیکتتوس

سادگی در رفتار آخرین کمال است بسیاری از مردم از ترس آنکه مبادا آنان را معمولی فرض کنند از طبیعی بودن بر اسانند حجفری

سودی که بکسی میرسانیم هر اندازه خود بخود عالی باشد باز هم با ارزش تقدیم آن میتواند بی اندازه شیرین تر و بهتر شود و فضیلت در نیت است سود در بکار بردن صحیح آنست ولی زیبائی و ارائش انجام وظیفه در روش آن است . سلکا

شجاعت قهرمانانه ملتی را در هنگام سختی میتواند نجات دهد اما فقط تراکم روزانه فضیلت های کوچکست که عظمت او را محکم میسازد پریکلس

شما فضیلت خود تان را آنقدر دوست میدارید که یک مادر بچه خود را ، اما هرگز نشنیده اید که مادری از محبت خود به فرزند خویش پاداش بخواهد . نیچه

ضروری ترین فضیلتها دو چیز است اعتدال و متانت بدون آنها هر اقدام بی نتیجه میماند و ثمر سخت ترین کوشش ها ضایع میشود . شیللر

فضائل ما اغلب همان رذائل ما هستند منتهی در لباس مبدل . لاروشفوکو

فضائل را نه از راه بیم و امید بلکه برای خاطر خود آنها باید کسب نمود زیرا صحت و جمال روح بسته بآنهاست فضیلت سرچشمه آسایش و رفاه روح است . افلاطون

فضائل کوچک در نزد عوام حلب تحسین میکند و فضایل متوسط باعث تحیر ایشان میشود و فضائل عالیه را اصلاً نمی فهمند دربن بکون

فضیلت اخلاقی در تکمیل جامعه بشری درجه و مقام نخستین را پیدا میکند . کنفوسیوس

فضیلت هر قدر هم در خوشبختی ما تاثیری بخشد باز شایسته این است که ما بدنبال آن برویم و در بدست آوردنش زحمت بکشیم . ارسطو

فضیلت پرهیز از رذیلت نیست بلکه بی میلی نسبت بآنست . شاو

فضیلت را با کردار نه با گفتار پرورش میتوان داد . لومینوس

فضیلت چون با آداب ناپسند توأم شود مایه درد سر است . کونیرزمیدلتون

فضیلت نمیتواند تنهائی بسر برد . خواه ناخواه همسایگانی پیدا خواهد کرد . مثل چینی

فضیلتی که خریده شده باشد همواره گرانست . مثل چینی

کسی که بکرامت نفس و شرف آدمی علاقه دارد ، حتماً باید از گناه بپرهیزد . حضرت امیر ؑ

کسانیکه دارای یک فضیلت هستند همدیگر را دوست میدارند . مثل چینی

گناه از سه راه میسر است خود گناه کردن اجازه گناه دادن گناه دیگری را پسندیدن . حکمت چین هند و

مرد بسیرت مرد آید نه بصورت . عطّار

مرد یکه دارای عزم نیرومند و اخلاقی متین است هرگز فضیلت اخلاقی خود را فدای هوسهای زندگی نمیکند آری مردانی در این جهان زندگی کرده اند که برای تکمیل وحفظ فضایل اخلاقی جسم وجان خود را فدا ساخته اند . کنفوسیوس

موظفم هر روز از خوابیدن بخواهم تا پاسخ دهد ؛ امروز کدامیک از عیوب شفا یافت. کدام غریزه ناپاکت مغلوب شد و از چه نظر بهتر از دیروز گشتی . سه نک

وقتیکه مرد در معنوی و اخلاقی خود را کشف کرد باید روح خود را پرستاری کند چنانکه بازو و پای خود را پرستاری مینماید . بتون

هر که نیک نهاد و پاک منش و کوشاست بآنچه سزاوار است میرسد . بوذرجمهر

هر یک از ثمرات فضیلتهای شما مانند ستاره ای است خاموش میشود ولی پرتو آن هنوز در جادهٔ نجومی خود طی مراحل میکند ؛ همچنین پرتو اعمال حسنهٔ شما راه می پیماید حتّی در صورتیکه خود عمل مدتهاست بانجام رسیده باشد پس هر قدر اعمال شما فراموش شود اشعهٔ آنها همیشه فروزان خواهد ماند . نیچه

هر که به فضیلت ایمان نداشته باشد خود نیز فضیلتی ندارد انسان گاهی از فضائلی صحبت میکند که خود دارد ولی غالباً از فضائلی که خودش از آنها محروم است حرف نمیزند . لینک

همانطور باش که تلاش میکنی دیگران بشوند ، وجودت موعظت باشد نه سخنانت . آی ال

بلطف و مرحمت دلها نگهدار — کسی از دست و زبانش خط میازار

چو مرهم خسته را راحت رسانش — بسختی چاره بیچارگانش باش

بجود دلشن بخلق و خوبروئی — که این است ای دل اندر جان نکوئی

بصه خسرو

بزرگی وافسر و نی و راستی — همه گیرد از خوی بر کاستی

ز خوی بد آید همه بدرگی — گزیده هوی خوی بد سنگری

چو نیکو منش باشی و بخردار — گهی نیز چشم خرد مند خوار

از آن پاکدین ترکسی را مجوی — که خوبند خلقش پسندیده خوی

فردوسی

طمع دار نیکو خوشتر از گنج زر و کان گهر — خوی نیکو بهتر از شاهی و هم بگزین بگوهر

فردوسی

بکن خلق را ساز فضل و هنر — بخوی بد اندر نیابی بسر

با خلق با همه که بینی بساز — گر زیردست است گر سرفراز

جمله بالا صدق

فقر - تنگدستی

آنکس که نخواهد بهره ای از آسایش و ثروت خویش برای خیر دیگران بخشد خسیس. احمق و فقیر افسرده ای است. جوآنا بایلی

این قاعده کلی است که هرکس هرچه ندارد بیشتر از آن دم میزند. محمد مسعود

احتیاج همه چیز را تغییر میدهد. مثل بلغارستانی

بخت و اقبال اصطلاحی است که ضعفا بکار میبرند و عذر و بهانه ای برای ارتکاب هر نوع اشتباه است. افراد توانا و فاضل بوجود سرنوشت عقیده ندارند. داسفود

بدترین حالت برای انسان موقعی است که تنگدست و زیردست باشد. دومو

بزرگترین حسن فقر بعد از دولت شناختن و تمیز دوستانست از دشمنان. علی صیقل دمشقی

بیشتر جنایات و مفاسد اخلاقی ناشی از بدبختی است، یگانه منبع و سرچشمه بدبختی بشر دروغ و دروغ یکی از فرزندان فقر و تنگدستی است. حضرت محمد(ص)

بمیر اما گدا نباش. مثل فرانسوی

تنگدستی نه تنها برای اندیشه بلکه هنر نیز آموزگار خوبی است . رومن رولاند

تهی دستان که نیاز و حسد را بدل راه نداده اند پرچمداران غرور و سربلندی تبار انسانند . آرمنهایم

خواب گنج مرد فقیر است . مثل لاتویا

سرنوشت چیزی است که انسان فقط وقتی اوضاعش بخوبی میگذرد بآن اعتقاد دارد و وقتی مشکلات ازین رفت سرنوشت هم فراموش میشود . ؟

عادل باش گرچه گدا باشی . مثل فرانسوی

فرق درد و پولدار آنست که درد مال اغنیا را میدزدد و مالدار پول فقرا را . برنارد شاو

فقری سخت تر از نادانی و ثروتی بالاتر از خردمندی و عبادتی والاتر از تفکر نیست . حضرت محمد

فقر که از در آمد عشق از پنجره فرار میکند . حضرت امیر

فقیر برای سیر کردن شکمش در عذاب است و غنی برای معالجه ناراحتی . فرانکلین

فقر و مسکنت مردان را به جنایت و زنان را بفحشا سوق میدهد . هوگو

فقر آن نیست که کم دارد بلکه آن است که بیشتر می طلبد . سنکا

فقر از بعضی نعمتهای دنیا ولی خیس از همه نعمتها محروم است . لابرویر

فقر بدترین پنهان عفت است . مثل ایتالیائی

فقر همه فضیلتی را از بین میبرد . — مثل عبری

فقر راه فضیلت و تقوی را مسدود میسازد . — مثل لاتین

قرض فقری است تو أم با مصیبت . — مثل ایتالیائی

قرض خوره عمر است . — مثل ایتالیائی

قرض عفریتی است که اگر سایه اش بر تو افتاد عقب رفتنی نیست . — مثل روسی

کم روئی برای نیازمندان سودمند نیست . — افلاطون

کسیکه پا دارد و گدائی میکند، پاهای او زیادی است . — مثل عربی

گاهی کار فقر و بیچارگی بجائی میرسد که رشته ها و پیوندها را میگسلد این مرحله ایست که تیره بختان و سیاهکاران چون بدانجا رسند در هم آمیخته و در یک کلمه که کلمهٔ شومی است شریک میشوند این کلمه بینوایان است . — هوگو

گسیختن رشتهٔ علایق فرزندی غریزهٔ بعضی خانوادگان بینواست . — هوگو

گدا هر قدر گردنش را کج تر نگاه دارد بیشتر دروغ میگوید . — مثل اسکاتلندی

مادر هر یتیمی فقر و پریشانی است . — دوسو

مدیون بمنزله برده دائم است از این خجلت و اسارت احتراز کن ، و مآل اندیش باش تا آزادی تو همیشه مأمون باشد.

معمولاً به گدایان و بینوایان که ریزه خوار خوان دیگرانند چندشاهی نمیدهیم و گمان میکنیم با آنها مساعدت کرده ایم

نمیدانیم که با این کار آنها را بیچاره تر و زشت تر دریوزگی را بگردنشان محکمتر میسازیم، چه خوب بود اگر حس اعتماد و استقلال

را که در آنها بخواب رفته بیدار میکردیم و راه زندگی را جلو پایشان میگذاشتیم . لرد آویبوری

و هیچکه خود را برای بدترین وضع آماده نکنیم گزافی در ما اثر ندارد . دیل کارنگی

هرچه ما را محدود میکند آن را بخت و اقبال میخوانیم . امرسن

در مکتب فقر و تنگدستی چه بسا نخاطر عواطف و احساسات و فعالیتها نویسندگان و شعرا و مخترعان نامدار پرورش

یافته است. بیشتر بزرگان علم فرزندان فقر و تنگدستی بوده اند . غ- ذ

یک قطعه نان چیز مهمی نیست اما برای دلگردنی که از گرسنگی میمیرد همه چیز است . ژرژ سوویت

تنگدستی مرگ را در کام شیرین میکند
بیدار نیی صبحی برخوشتن خنجر کشید

زمانه نی نه نغمهٔ عشرت کجی خیزد
سپند از آتش تنگدستان منوا خیزد

هم طالع ببیدیم درین باغ که باشد
سرپیش فکند ثمر زود درس ما

دل دشمن بهمه دستی من میسوزد
برق ازین مزرعه ها دیره تر میگذرد

تهیدستی سخن را رنگ دیگر میدهد
ندارد نالهٔ جانسوز نی چون پرشکر باشد

تا آتش از دلم نکشد شعله چون چنار
با در نمیکنند تهی دستی مرا

صائب تبریزی

قانون

آدمی نمیتواند به طبیعت فرمان بدهد مگر آنکه قوانین لایزال آنرا بپذیرد در صورت این شناسائی است که طبیعت رام آدمی میگردد .

فرانسیس بیکن

آنکه به گله وحدت میبخشد گوسفندی نیست که بع بع میکند، بلکه سگی است که گاز میگیرد .

موریس بادیس

آنچنان رفتار کن که رفتار تو بتواند قانون کلی شود .

کانت فیلسوف آلمانی

ارزش معنوی یک رئیس بیشتر از همه چیز مربوط به اطرافیان اوست لیکن صنعت انتخاب افراد لایق از فن حکومت بر آنها مشکلتر است .

گوستاو لوبون

ارزش یک دولت وابسته بارزش افراد است که آنرا تشکیل میدهند .

جان استوارت میل

از خردمندان هفتگانه یونان پرسیدند کاملترین حکومت کدام است سولون متفکر آتن گفت آنکه دشنام نگیرد در همه تأثیر کند. و باز بیاس گفت آنکه قانون بجای حاکم کار کند سالیس ملیوس فیلسوف گفت، حکومتی که برابری اموال در آن باشد پیتاکوس گفت آنکه در شکاران حکومت کنند نه شر آن. گلئویوس گفت آنکه قانون بجای خطیب.

نطق کند. ازاین سخنان نتیجه گرفته میشود که باید دانشمندان پارسا حکومت کنند . مونتسکیو

اعتماد و اطمینان بعدم مجازات و نبودن مسئولیت تمام افراد مملکت را خودسر و متمرد بار میآورد . محمد مسعود

افراط عموماً سبب پیدا شدن عکس العمل است و تغییری در جهت مخالف پدید میآورد خواه در فصول سال باشد خواه در افراد و خواه در حکومت . افلاطون

اگر با نظر قدری بالاتر از سطح قوانین موضوعه بقضایا بنگاه کنیم خیلی بصراط مستقیم حقیقت نزدیکتر میشویم . ؟

اگر در تمام جهان یکذره بی مقدار که خود جهان دیگری است از قوانین کیتی متابعت نمیکرد مدتهای مدیدی بود که جهان ما دیگر این جهان نبود . مترلینگ

اگر عموم افراد یک بیک آنچه مرتکب شده اند اعتراف کنند بیگناهی باقی نمیماند که گناهکاران را مجازات نماید؟

اگر بردگی عیب نیست پس هیچ چیز عیب نیست . لینکلن

اگر روزگاری مقام تو پائین آمد ناامید مشو زیرا آفتاب هر روز هنگام غروب پائین میرود و بامداد روز دیگر بالا میآید. افلاطون

اگر فرمانروا خود راست و صدیق باشد کارها حتی بی راهنمائی او بنظام خواهد رسید . کنفوسیوس

اگر حکمرانی فقط بوسیلهٔ قوانین و مجازاتها حکومت کند و نظم را در کشور مستقر سازد مردم در جستجوی راهی برای گریختن از قانون و مجازات برمیآیند و وجدان خود را در کارها بکار نمیبرند لیکن اگر حکمرانی بوسیلهٔ قدرت شخصیت نیک سرشت خود فرمانروائی کند و بوسیلهٔ فضائل اخلاقی کارهای کشور را سامان دهد ملت دارای وجدان میشود و راه راست را خود -

بیاید و خود ببیند — کنفوسیوس

اگر حکمران کشور، در کاری از استی دست میدارد باید در فرمان خود برای درستکاران پاداش قرار دهد و آن را اجرا دارد، آنوقت دیگر هیچ کس احتیاج به دزدی و راهزنی نخواهد داشت . — کنفوسیوس

این هم بدبختی بزرگی است که در بعضی از کشورها به قوانین بیش از انسانها اهمیت میدهند . ؟

باید قوانین مالیات را طوری برقرار سازند تا طرز وصول مالیات از خود مالیات سنگین تر نباشد . — مونتسکیو

بدون وجود یک حکومت خود مختار هرگز ممکن نیست جامعه تکامل پیدا کند . — هوبرت اسپنر

برعیت ضعیف رحم کن تا از دشمن صدمه نبینی . — سعدی

برای چه توقع دارید که خیالات و تصورات و احساسات و اقدامات و بطور خلاصه زندگی ما آزاد باشد و حال آنکه به چشم خود می بینیم کهکشانهای بزرگ که منظومه خورشیدی ما در قبال آنها هیچ است در حرکات خود آزاد نیستند و مجبور شده اند که خط سیر ویژه ای را بپیمایند و از قوانین ویژه اطاعت کنند . — مترلینگ

برای احترام بقانون سقراط با اینکه بی گناه بود بر جام شوکران بوسه زد . ؟

برای تأثیر در قلوب دیگران ۱۲ قاعده زیر را عمل کنید .

۱- بهترین وسیله غلبه در مشاجره و مباحثه احتراز از ورود در مشاجره و مباحثه است .

۲- عقاید طرف خود را محترم شمارید و هرگز باو نگوئید که بخطا میرود .

۳ـ اگر خود را خطا کار میدانید صمیمانه و بیدرنگ بخطای خود معترف شوید .

٤ـ به ملایمت سخن آغاز کنید .

۵ـ خصم را بخشایید بجائیکه از ابتدای مکالمه جوابهای مثبت دهد .

٦ـ بگذارید طرف مطلب خود را آزادانه بیان کند .

۷ـ فرصت دهید طرف فکر تلقین کرده شما را از ابتکارات خویش تصور نماید .

۸ـ صمیمانه بکوشید که مسائل را از دریچه نظر طرف بنگرید .

۹ـ دیگران را مشمول عواطف و همدردی و غمگساری خویش کنید .

۱۰ـ متوسل بعواطف عالیه مخاطب شوید .

۱۱ـ در چشم و خیال طرف تصرف کنید .

۱۲ـ طرف را بر سر غیرت آورید .

دیل کارنگی

بزرگترین مشکل امروز برای حکومت‌ها اینستکه مردم را وادار باطاعت کنند بدون آنکه مجبور به فرمان دادن باشند . دیلون

بشر تا زمانیکه از نا امنی میترسد یا آن را بخاطر دارد، حیوان رقابت کننده ای بیش نیست . ویل دورانت

بشر چون صالح و پاک بود بقانون نیازمند نیست و چون متخلف و بدکاره شد قانون نمیتواند جلویش را بگیرد . دیوژانیلی

بعد از آنکه اسکندر افلاطون را برای وزارت خواست و قبول نکرد باو گفت یاد دار خدارا، نگاه دار و فارا سخت دارد این را

گردکن علم را. بخور خشم را. بپوش شرّ را. بُرِ بخشش بد را. بردار خودرا. بده داد مظلوما نرا. بستان بهشت را. افلاطون

به کسی رأی بدهید که کمتر از همه وعده میدهد زیرا کمتر از دیگران خود و شما را مأیوس خواهد کرد . بونارد پاروخ

بهترین طرز حکمرانی سلطنت بر قلوب است . ناپلئون

بهترین خدمتی را که بتوانید برای ملّت انجام دهید اینست که علم و ادب حقیقی را با فراد آن ملّت بیاموزید نه اینکه ایوان

خانه های آنها را به نقش و نگار زینت دهید زیرا ارواح عالیه که در کلبه های محقر ساکنند بر اشخاص سفله که در کاخهای رفیع

اقامت دارند مرجح و مقدم است . اپیکتت

بیگناه باش تا بی بیم باشی . آذرمارپسندان

برای اینکه پیش روی قاضی نایستی پشت سر قانون راه برو . مثل انگلیسی

پادشاهی که با سهو و شراب از مصالح مملکت غافل نشیند و مهمات امور ملک بنویسندگان بازگذارد ایشان هم بجذب

منافع خویش از مهمات رعیت فارغ نشینند، لبی برنیاید که ملک خراب شود . سعدی

تسلّط بر نفس از فرمانروائی بر نفوس مشکلتر است . حضرت امیر

تمدن حقیقی عبارت است از سعادتمند ساختن افراد از طریق فراهم ساختن اسباب رفاه و رفع حوائج آنها با رعایت

توازن و تناسب معقول و متین بین مادیات و معنویات . جمالزاده

تنها نزد کسی شکایت کن که بتواند مشکل ترا حل کند . حضرت امیرؑ

تنها قانونیکه میتواند حاکم بر سعادت ما باشد قانون اخلاق و اصول موازین انسانیت است . ؟

جائیکه قانون ختم میشود ظلم و ستم آغاز میگردد . ویلیام پیت

جامعه ایکه در آن ترس از توبیخ و ملامت جای خود را به ترس از قانون میدهد بدبخت است از آن بدبخت‌تر ملتی که از قانون نترسد ؟

جادهٔ قانون دستور دراز و جادهٔ سرشق کوتاه است . سه نفر

چگونه میشود بر ملتی که دویست و چهل و شش نوع پیرو دارد حکومت کرد . ژنرال دوگل

حد اکثر قوانین در فاسدترین و بدترین حکومت ها دیده میشود . تاسیتوس

حکومت جمهوری بهترین نوع حکومت است ولی بهمان دلیل که بهترین نوع حکومت است احتیاج به عالیترین نوع افراد دارد نوع افرادیکه فعلا در هیچ کجای دنیا دیده نمیشود . هربرت اسپنسر

حکومت کشوری که در آن تکدی بصورت حرفه در آید، بدو فاسد است . ولتر

حکومت استبدادی ابتدا تشکیل میدهد و حکومت دموکراسی ابتدا پرستان . برنارد شاو

حکومت مردم بر مردم و برای مردم هرگز محکوم بزوال نخواهد بود . ابراهام لینکلن

حکام نخستین را زور بر دستی بوجود آورده و حکام بعدی اقوانین بر مردم مسلط ساخته است . ولتر

حکومتها فقط وقتی پای بند قول و قرارهای خود میشوند که به آنها چنین روشی مجبور باشند و یا این رویه را بحال خود سودمند یابند . ناپلئون

خونسردی بزرگترین صفتی است که برای فرمانفرمائی برگزیده شده . ناپلئون

در روزهای حکمرانی از مقام خود انتفاع مادی و انتقام جوئی را نصیب خود مکردان بلکه بکوشش تا باطلی را بمیرانی وحقی را زنده کنی . حضرت امیرؑ

در میان کشورهای استبدادی بنواتر از همه آنکشور است که پادشاهش بزرگان باشد . مونتسکیو

در زدان دست کوتاه نکنند تا دستشان کوتاه نکنند . سعدی

ده هزار و پانصد سال پیش گچ کاری از فیلسوف و قانون گزار شهر یونان سلن ، پرسید بهترین طرز حکومت ها در عالم کدام است ، خردمند دقیق و متفکر یونانی جواب داد بهترین طرز حکومت ها آن است که اهانت بکوچکترین افراد جامعه بمنزله اهانت بجمیع موسسات اجتماعی تلقی شود . گوستاولوبون

دیپلوماسی یعنی اینکه در را به بندند و از پنجره رفت و آمد کنند . ؟

ریاست باده ای است که هر کس نوشید نمیتواند از مستی آن مصون باشد . تن

ریاست و مقام مثل کوه است بالا رفتن از آن دشوار ولی پائین آمدن بسیار سهل است . دیوار دل

سزاوار است حاکم برفق و مدارا حدود در مجرم را بلند و خشونت نکند چه اگر مردمان مجرم نبودند حاکم برمسند نشست نخواهد ، سیاستمدار اینکه فعالیت دائمی را فاقد سعی میکنند که ضعف انفرادی خود را با ضعف اجتماعی شرکت دهند تا کمتر معلوم شوند .

طلاکه حکمران شد عموم احمق ها فرمانبردار میشوند . مثل چینی

عرف وعادت قویتر از قانون است ؟

عمل پادشاه ای برادر دو طرف دارد ، امید نان و بیم جان و خلاف رای خردمند است بدان امید در این بیم افتادن . سعدی

عیب بزرگ دیکتاتوری اینست که همیشه قدرت را با ترور باید نگهداری کرد . لودریک

فرق بین حکومت دمکراسی و دیکتاتوری آن است که در حکومت دیکتاتوری ، وکلا بسازند دولت میرقصند و در حکومت دموکراسی دولت به سازوکلا و در هر حال ملت بسازد و باید برقصد . بوژده

فردیکه در شغل دولتی خدمت میکند باید خود را متعلق بمردم بداند . توماس جفرسن

فقر علت اصلی همه جنایات است لیکن با وجود این می بینیم که دولتها بجای اینکه با فقر و تنگدستی مبارزه کنند با جنایت وجانی درمیافتند . فتح الوملی

قانونگزار باید بداند چگونه حتی از ضعف های افرادیکه بر آنها حکومت میکند استفاده نماید . ناپلئون

قانون باید بیشتر به جبران خسارت توجه نماید نه اینکه خسارت تازه برای جبران خسارت وارده ایجاد نماید مثلا شهرآبادی را در قبال ویرانی شهر دیگری منهدم نماید . مونتسکیو

قانون مثل شمشیر است که قبضه آن در دست مافوق و تیغه اش روی سینه مادون است ، در هر حال بر مدمعلوم است ؟

قانون ملت نمیسازد ، ملت قانون میسازد . مثل انگلیسی

قانون در مقابل زور خود را جمع وجور میکند . مثل لاتین

قانون غالبا دندان خود را نشان میدهد ولی گاز نمیگیرد . مثل انگلیسی

قراردادی که با خون امضا شود فقط با خون لغو میشود . مثل لاتین

کارمندان ادارات مانند کتابهای یک کتابخانه هستند آنهائیکه بی مصرف هستند در محل بالاتری قرار دارند ؟

کسیکه بر خویشتن فرمانروائیست نمیتواند فرماندهٔ هیچکس باشد . اشتال

کسیکه بر دیگران حکومت میکند باید نخست حاکم بر خود باشد . فیلیپ سینجر

کسانیکه از هر حکومتی پشتیبانی میکنند و با هر دولتی همکاری مینمایند جزء افراد یک ملت حساب نمیشوند . ؟

کسیکه خود در سکار است احتیاج بامر کردن ندارد و کارش بدون فرمان هم از پیش میرود ، لیکن کسی که خود در سکار

نیست اگر هم فرمان بدهد کسی فرمانش را نخواهد شنود . کنفوسیوس

کسیکه تنها به وسیلهٔ نیروی شخصیت خود حکمرانی میکند بشبیه به ستارهٔ قطب شمالی میباشد که در جای خود حرکت کنان

برقرار میماند و ستارگان دیگر به دور او میگردند . کنفوسیوس

کسیکه در حضورت از تو میترسد در غیاب از تو متنفر است . مثل ایتالیائی

مردم مانند اولادند وارزش آنان بستگی به موقعیت آنان دارد انگیزهٔ افراد بشر نیز یا ترس یا نفع شخصی است برای

رهبری مردم باید از این دو انگیزه استفاده کرد . ناپلئون

مردیکه واقعا کشورش را دوست دارد باید در عین حال بداند که چگونه بشریت را دوست بدارد این عشق و علاقه باید به عنوان

نیروی پایدار در جستجوی نظم جهانی بکار رود . آدلای استونس

ملت‌ها با دو دشمن وحشتناک روبرو هستند اول کسانیکه قانون را زیر پا میگذارند. دوم کسانیکه این قانون شکنی را می بینند ولی سکوت میکنند . مونتوویل

محبت بزرگتر از قانون است . مثل چینی

نخستین وظیفه یک حاکم اجرای عدالت است . ناپلئون

نظم اولین قانون طبیعت است . دیل کارنگی

نقص مهم امپراطوریهای بزرگ دنیا این بود که قوانین را کله های قوی برای مردان قوی مینوشتند و ضعف بشر را در نظر نمی گرفتند . آناتول فرانس

وای اگر انسان معتقد به آئینی نبوده و تابع وجدان و قانون و عاطفه نباشد در اینصورت چه کارهای زشتی که انجام نمیدهد ؟ حتی قانون شکنی . غ - ذ

وقتی جامعه ای دارای فضیلت اخلاقی است که قانون همه افراد جامعه را با یک چوب براند . مولیر

وقتی که یک ملت ناراضی فریاد میزند من میتوانم جلو او را بگیرم ولی وقتی که ملت ناراضی سکوت کرد و سر بگریبان تفکر فرو برد آنوقت است که متوحش میشوم زیرا نمیتوانم به نقشه های او پی ببرم . امپراطور دوم

وقتی بر رئیس قبیله سگوئی سرپائی خود را فراموش کرده ای بایستی از افوری برایش بیاوری . مثل آفریقائی

وقتی متهم قاضی شود، فاتحهٔ قانون خوانده شده .

مثل چینی

بدف یک دولت خوب در هنگام صلح وجنگ جلب عظمت و افتخار برای فرمانروایان و نژادهایست بلکه فراهم کردن خوشبختی و آسایش عوام الناس است .

سر ویلیام بوریچ

هر قوم حکومتی را داراست که شایستهٔ آنست .

حضرت امیر

همیشه دم از صلح بزن ولی آماده جنگ باش .

ناپلئون

هیچ قانون و مذهب و مرامی بدنیست . بسته بایکه بدست چه کسانی بیفتد .

تن

هر کس هرچند ناتوان باشد باز میتواند لااقل رشخص خودش حکومت کند .

مثل یونانی

هر کس سوار پلنگ شد مشکل میتواند از پشتش پیاده شود .

مثل چینی

هنگامیکه فساد باوج میرسد قدرت به خودنمائی میپردازد .

مثل چینی

یک حکومت بد همیشه تا آنجا برای ماندن خود با فشاری میکند که بنظر میآید تعویض آن آسانتر از تحمل آن است . والتود

یک کمیسون معمولاً از یک عدهٔ آدم ناتوان تشکیل میشود که از یک عده اشخاص بی خاصیت تقاضا میکند که یک کار غیر ضروری را انجام دهند .

ژنرال دوگل

قانون روزگار را بهیچوگ بار — جز خاک و خشت زمانه بما نمی‌دهد

صائب تبریزی

قدرت

آنکس که زورمند و قوی است میتواند با شت توانای خود دهان ضعیفی را در هم بشکند باید بداند که مشت دشتری هم در آستین قویتری پنهان است .

زیاد بن عبید

آری برای شنا کردن به ضد مخالف جریان رود خانه قدرت و جرئت لازم است والا ماهی مرده ای میتواند از طرف جریان آن حرکت کند .

اسمایلز

آنجا که قدرت پا میگذارد قانون ضعیف خواهد شد .

ناپلئون

از ابتدای پیدایش جهان شرط بقاء آمادگی برای دفاع بوده است هر موجودی که مسلح نباشد محکوم به فناست .

گوستاو لوبون

از این حقیقت دلپذیرتر نمیتوان تصور کرد که آدمی دارای چنان قدرت انکار ناپذیری است که میتواند با یک کوشش همت آمیز زندگی خود را بهبود و ترقی بخشد .

تورو

اعتراف به نقص ضعف نیست بلکه قدرت است .

اوژن به آمان

اعتماد بخود کاربرد آنچه قدرت و توانائی در شماست نه دهم مبنای موفقیت شما را تشکیل میدهد .

تماس ویلس

اگر من به نقاط ضعف و قدرت خود پی ببرم برای مبارزه آماده شده ام . پاسکر

چشم گریان دیگران را به نگاههای مسرت آمیز تبدیل کردن لذت بخش ترین خوشبختی هاست . بودا

اگر خود را با آنچه که باید باشیم مقایسه کنیم می بینیم که نیمی از وجود ما برز افتاده است ما فقط قسمت کوچکی از قوای بدنی و دماغی خود را مورد استفاده قرار میدهیم روشن تر بگوئیم بشر خود را میان محوطه کوچکی محدود کرده است او صاحب قدرتهای گوناگونی است که برحسب عادت استفاده از آنها را متروک گذاشته است . ویلیام جیمس

اگر بنا توان خشمگین شوی دلیل بر این است که قوی نیستی . ولتر

ای بشر بیچاره بیدار شو و باین حقیقت واقف شو تو قدرت بلجرای مفاسد را توانائی اما توانائی حقیقی آنست که بخواهشهای خود مسلط گردی . بودا

از سر راه مرد مقتدر دور شو . مثل آفریقائی

اگر نمیتوانی گاز بگیری دندانت را نشان نده . مثل انگلیسی

برای یک قلب قوی وجور همه چیز ممکن است . دیرونوک

توجه نسبت به آینده باعث میشود که انسان همیشه بقوت خویش بیفزاید و برای فردای خود بیش از آنچه امروز بکار برده است توانائی حاصل کند . سعید نفیسی

تو فقط پوست گرگ را به پشت من بگذار من خود میدانم چه کنم . مثل آفریقائی

در عهد ما به روحهای قوی احتیاج است تا ارواح ضعیف و خوار را اشلاق بزنند . بتهوون

در هر ضعفی قدرتی هست و در هر توانائی ضعفی . حجازی

در کوهستان کوتاهترین راه ، از قله ای به قله دیگر است اما برای گذشتن باید پاهای دراز داشت . نیچه

زندگی عبارت از تفنن نیست مقتدر شدن آجرای آمال و نظریات است . دوسو

سیر لاانتقال بودن باعث پیشرفت نیست مگر در صورت صحت چون پاندول ساعت که سرعت دلیل صحتش نیست . ناودک

سکوت بزرگترین قدرتهاست . مثل آفریقائی

شادمانی و نشاط بیشتر مولود لذت نیست بلکه زائیده نیرومندی است . امرسون

شما امروز غنی تر از دیروزید ،

اگر به کسی صمیمانه مهر ورزیده باشید .

اگر غم دردمندی قلبتان را افسرده و در خلوت گریسته باشید .

اگر خطای دوستی را نادیده گرفته باشید .

اگر بگناه خویش اعتراف کرده باشید .

شما امروز غنی تر از دیروزید .

اگر با یک شاخه گلی دلی را شاد کرده باشید .

اگر قطرهٔ اشکی را از گونه‌ای سترده باشید .

اگر سگی را از پیش پای عابری دور کرده باشید .

شما امروز قوی‌تر از دیروزید .

اگر بسیار خندیده باشید .

اگر دست دوستی را که به سویتان دراز شده صمیمانه فشرده باشید .

اگر با دیدن زیبائی‌های طبیعت پی به قدرت پروردگار برده باشید .

شما امروز غنی‌تر از دیروزید .

اگر بدی را با خوبی پاسخ گفته باشید .

اگر به سگ بی‌پناهی پناه داده باشید .

اگر برای بدست آوردن صفات بهتر کوشیده باشید .

شما غنی‌تر از دیروزید .

اگر خواهش آشنائی را برآورده کرده باشید .

و شما امروز براستی غنی هستید .

غنی‌تر از همه افراد جهان :

وشما امروز روحی دارید بزرگ بعظمت آسمان و دریا و قلبی دارید پرمهر و روشن چون آفتاب گرم بهاران و اشکی دارید به صفای شبنم و لطافت گلهای سرخ و درونی دارید بپاکی برف و زیبایی دمیدن شفق در صبح وشما امروز براستی غنی هستید .

شخص قوی و آبشار هر دو راه خود را باز میکنند . مثل انگلیسی

ضعف و بیچارگی هر قاعده ای وضع کند عبث است اخذ نتیجه منحصراً بداشتن قوه و قدرت میباشد . شیلر

غالباً آسایش و سلامتی و حتی عشق را فدای قدرت میکنیم . محمد حجازی

قدرت هر دستی را که با آن میخورد مسموم میکند . شیلر

قدرت در حمله نهفته است نه در دفاع . ؟

کسی که قدرت را با پول بخرد عدالت را هم به پول می فروشد . مثل انگلیسی

کاری که گرگ بزور میکند روباه به حیله انجام میدهد . مثل انگلیسی

مبارزه است که قدرت بوجود میآورد نه استراحت . استاهل

معنی حیات را در قدرت باید جستجو کرد هر لحظه از زندگانی ما باید هدف عالیتری داشته باشد . گودکی

من در خود قوه و قدرتی برای از بین بردن کوههای عظیم سراغ دارم در حالیکه سرنوشت اجازه بلند کردن پرکاهی را بمن نداده است . مادتین

وظیفهٔ اصلی و اساسی کلمهٔ قدرت این است که در خوشبختی بشر بکوشد . هانری دودلنان

هرگز احساس ضعف ما نباید ما را از پا درآورد . دوده تادک

همه صاحبان قدرت این اندرز را داشته باشند که مخالفان خود را با زور از میدان به در نبرند . تودگر

همه کس میتواند بدبختی را تحمل کند اگر میخواهید اخلاق کسی را امتحان کنید به او قدرت بدهید . ابراهام لیکلن

هنرمند شکن قبل از آنکه نیروی قدرت بخواهد مهارت لازم دارد . هومر

هر کسی دیوار پوسیده و کهنی را میل میدهد . مثل چینی

نظر کن در این موی باریک سر — که با ریک را بینند اهل نظر

چو تنهایت از رشته‌ای کمتر است — چو پیوند زنجیر محکم ترا ست

سعدی

عزیزان بر هر کس از آنی — که در رنجی و راحت میرسانی

کسی در پیش مردم سربلندست — که هر کس از وجودش بهره‌مندست

دیوان حکمت

قضاوت

آنکه بینای عیوب خود شد از دیدن عیوب مردم کور میگردد . — حضرت امیرؑ

آدم خشمناک نمیتواند حقیقت را بگوید . — مثل چینی

آدم باید کلاه خودش را پیش خودش قاضی کند . — مثل ایرانی

آن دو اوریکه با ظهار یکطرف گوش دهد به هیچ چیز دیگری گوش نداده . — مثل انگلیسی

آنچه یکی را می گریاند ممکنست دیگری را به خنده اندازد . — مثل افریقائی

احساس دل بالاتر از منطق است . — ژان ژاک روسو

از روی رنگ خاکستری مو نمیتوان عمر قلب را شناخت . — بودا

از بهترین اختیاری که در دست داری و میتوانی اظهار کنی این است که در قضاوت عدالت پیشه کنی و بین خاصه و عامه بالسویه حکم نمائی . — از عقد النفیس

از خطاهای کوچک بپرهیز که قوه قضاوت و معرفت را ضعیف میسازد . — کار و تقوا از کتاب هند

از روی سئوالهای فرد، بهتر از جوابهای او میتوانید درباره اش قضاوت کنید . ولتر

اعتراف به نادانی از چیزیکه نمیتوانم مرا شرمگین نمیدارد . سیسرون

افتخارات و پیروزیهای اشخاص را بدیموقعی مورد قدردانی قرار گیرد که معلوم شود از چه طریقی بدست آمده است . لاشفوکو

اگر به ناچار با مطلبی مخالف باشید چنان به نرمی و مهربانی آزار کنید که گوینده را نیازارید . جان کایزل

اگر وجود خار در گل مایهٔ اندوه ماست وجود گل در کنار خار باید مایهٔ شادی ما باشد . گوته

اگر میخواهید احساسات واقعی شنوندهٔ خود را دریابید درست در صورت او بنگرید، چه وی میتواند کلمات را در فرمان خود داشته باشد ولی قیافه و چهره به این آسانی در فرمان او قرار نمیگیرد . جستر فیلد

اگر سر به زیر باشی میگویند احمق است اگر عمگین باشی میگویند عاشق است اگر مالت را با حساب خرج کنی میگویند خسیس است اگر دست و دل باز باشی میگویند و خرج است اگر خوش لباس باشی میگویند ژیگولو است اگر بدلباس بوپشی میگویند شلخته است: اگر دیر زن بگیری میگویند مرد نیست؛ اگر زود زن بگیری میگویند آتش تند است اگر فقیر و بی پول باشی میگویند بعرضه است اگر پولدار باشی میگویند اهل زد و بند است اگر بی قید باشی میگویند لات آسمان جل است اگر بخندی میگویند همیشه خنثش باز است اگر اخم کنی میگویند عبوس و بد اخلاق است اگر خوش سروزبان باشی میگویند چاخان است! اگر.....

حالا شما به من بگوئید لطفاً آخر با کدام سازاین مردم باید رقصید که خوششان بیاید . مجید شیخ الاسلامی ـ سبزوار

ای ستایش همگانی کدام قلب است که بر ضد شیرین، فریبندگی و جادوهای تو گواهی دهد . کوپر

اختلاف زن و شوهر نباید در بازار عرضه شود . مثل افریقائی

اختلاف نظر دوستان را بهتر است روز دیگری بررسی کرد . مثل آفریقائی

اگر یک متهم تبرئه شود بهتر است تا یک بیگناه محکوم گردد . مثل فرانسوی

باید مواظب باشیم که حکم مستقیم و صریح ندهیم بلکه سند و دستور را بصورت پرسش ادا نمائیم . دیل کارنگی

با هر فردی روبرو میشویم در واقع با ۳ نفر روبرو هستیم یکی آنکه مردم درباره او قضاوت میکنند یکی آنکه خودش

قبول دارد یکی آنکه واقعیت است . دیل کارنگی

برای آنکه درباره اهمیت وجود شخصی قضاوت کنیم باید در آن بیندیشیم که بر مرگ او چه اثری مترتب میشود . لویس

برای درک زیبائی یکبار دیدن کافی است اما برای شناسائی حقیقت و قضاوت عادلانه دوبار ۱۰ امید و ذوله

بگذارید هر کس بر وفق رأی و فکر و آرزو ، و مطالعات و معلومات خود قضاوت کند نه طوطی صفت باز گوی گفته

دیگران شود . دیل کارنگی

به من بگوئید چه اشخاصی را می پسندی تا بگویم تو خود کیستی و از هوش و ذوق چه مایه ای داری . سن بوو

بین حق و باطل چهار انگشت فاصله است و این مسافت کوتاه را همیشه در قضاوت خود رعایت نمائید . حضرت امیرؑ

باریکه بینی کشی نمیدانی چقدر سنگین است . مثل آفریقائی

باید حرف هر دو طرف را شنید . — مثل آلمانی

به خودت سر زنش کن همچنان که دیگران را دوست میداری . — مثل چینی

برای کسیکه غرق شده است دنیا هم غرق شده . — مثل عبری

بظاهر نباید قضاوت کنید . — مثل آلمانی

تشخیص دادن عیوب خیلی بهتر از دیدن عیوب است . — دیل کارنگی

چندان خوب در میان مردان ما و چندان بد در میان خوبان ما وجود دارد که همه ما را از آن باز میدارد که درباره دیگران سخن نگوئیم . — دابروت لوتین ستفنس

چون همه علت ها را درک کنید همه چیز را میبخشید . — ؟

چون اعمال انسان غالبا در اثر اتفاقات و حوادث است بنابراین همیشه نباید اشخاص را از کارهایشان قضاوت کرد بلکه باید از معتقداتشان به چگونگی شخصیتشان پی برد . — آناتول فرانس

چهره و سیمای همه مردمان راست و درست است ، دستهایشان هرچه خواهد باشد . — شکسپیر

چهره ها مانند کتابها قابل خواندن است با این تفاوت در جانب سود آنها که چهره را در زمان کمتری میتوان خواند و آدمی در خواندن آن کمتر دچار سوء فهم میشود . — ف. سوندرز

خوشا بحال کسی که توجه به عیوب خود او را از توجه به عیوب دیگران باز دارد . — حضرت محمد

خون تمام افراد بشر یکرنگ است ولی لیاقت آنها . . . . . مثل آلمانی

دادگاه به ظواهر امر و مدارک موجود نگاه میکند و چه بسا اشخاصی که هزاران جنایت مرتکب میشوند و مدرکی باقی نمیگذارند . ؟

در قضاوت اعمال بشری قوانین نور، شناخت معکوس میشود ؛ اشیائیرا که به ما نزدیکترند مبهمتر و نامشخص تر - می بینیم . اتلی

در کار ایده آل نمیتوان جانب انصاف را نگاه داشت . لامارتین

در قضاوت عجله کن و دامن پاک پاکان را با تصورات بی جای خود آلوده مدان . ؟

دو چیز آسان است یکی شمردن معایب مغلوب و دیگری شمردن محاسن غالب . تن

رئیس سرخ پوستان خدای خودش را اینطور قسم میدهد که ای خدای بزرگ به من کمک کن که هروقت خواستم درباره راه رفتن دیگری قضاوت کنم قدری با کفشهای آن راه بروم . ؟

روزی بر مردی گذشت که دست او را بریده بودند، گفت چیزی گرفته که از او نبود از او چیزی که از او بوده گرفتند . ارسطاطالیس

روباه نباید موقع محاکمه مرغ، قاضی دادگاه باشد . مثل چینی

زمان درباره همه چیز قضاوت میکند . مثل یونانی

زنیکه مردها را مسخره میکند محکوم باینست که تا آخر عمر دختر بماند . مثل یونانی

سرنوشت هر کس با اولین برخورد او معین میشود اگر مطبوع باشد دیگران یکباره بشایستگی او حکم میکنند ولی اگر خالی

از لطف باشد برضد او تصمیم میگیرند . چسترفیلد

شخصیت اشخاص را میتوان بانفوذی که آنها بروی دوستان خود دارند سنجید . اسکار وایلد

شک حالت مطبوعی نیست ولی ادعای یقین مسخره آمیز است . ولتر

صورت شما کتابی است که مردمان میتوانند از آن چیزهای عجیب بخوانند . شکسپیر

طبیعت انسانی است ، هر جرمی را بگذرید همه کس را ملامت میکند جز خودش را . دیل کارنگی

عوام ثروتمندان را محترم میشمارند ، خواص دانشمندان را . افلاطون

عیوب دیگران را نباید با انگشت کثیف نشان داد . مثل ایتالیائی

فرزند در طفولیت پدر را فهمیده ترین افراد در سنین جوانی احمق ترین افراد میداند ولی چون پا از سن سی سالگی

به بالاتر میگذارد ، تازه باارزش حقیقی او پی میبرد . دانشمند یونانی

فردیکه بتواند خود را در جای دیگران فرض کند و کیفیت حرکات فکری آنان را تشخیص دهد هرگز نباید از حوادث

آینده بیمناک باشد . ؟

فکر و قضاوت ما بطور مستقیم وابسته به فشار خون و نیروی اعصاب و عضله های ما میباشد . دکتر الکسیس کارل

قضاوت فوری در چیزهائیکه جنبه های مختلف دارند دلیل سفاهت و دیوانگی است . مونتین

قلب انسان گرداب است که هر نوع محاسبهٔ اغلط از کار درمیآورد و نافذترین چشمها قادر نیستند از آن اندازه گیری کنند . ناپلئون

قاضی که بیگناهی را محکوم سازد وجدان خود را محکوم ساخته است . مثل سوئدی

قاضی رشوه گیر قبل از مرگ دیوانه میشود . مثل ژاپونی

کسیکه عنان خود را بدست بگیرد و سرانجام کار بدست بدبختی دچار شود حق ندارد از کسی شکایت کند، هیچکس جز خود او مسئول بدبختی او نیست . لودآویسودی

کسیکه به دادخواهی به دادگاه میرود باید سه کیسهٔ بزرگ داشته باشد یکی برای نگاهداری کاغذ دیگری برای پرداخت پول و سومی برای تحمل صبر . مثل انگلیسی

کسیکه راجع بدیگران قضاوت میکند خوشتر است محکوم گردد . مثل ایتالیائی

کسیکه بدادگاه میرود گربهٔ خود را بدست خواهد آورد ولی مسلماً گاوش را از دست میدهد . مثل چینی

کسیرا که امروز تحقیر میکنی بعید نیست فردا لازم باشد از او تعریف کنی . مثل پرتقالی

گاهی انسان می بیند خودش عفریتی است و نمیدانسته . ؟

کمان را املاک قضاوت و عدالت قرار ندهید . حضرت امیر

گاه ممکن است سیاه باشد ولی سیرش سفید است. مثل دوبی

لازمهٔ قضاوت یکبائی به هنگام شنیدن تأمل به هنگام گفتن و بصیرت به هنگام رسیدگی و بی طرفی به هنگام قضاوت است. سقراط

ما غالباً دیگران را از دور می بینیم و موقعیت آنها را بزیور خیال آراسته در نظر خود چنان بزرگ و فریبنده جلوه می دهیم که گمان میکنیم آنها به سعادت رسیده و کم شده جهانیان را یافته اند اگر بهتر دقت میشدیم و رنج محنتهای آنها را می دیدیم مسلماً طور دیگر فکر میکردیم جان خویش را به آتش تحسر نمی سوختیم. لرد آویبوری

ما همیشه دیگران را پیش از آن حدی که خوشبخت تصور میکنیم. منتسکیو

ما از طبیعت صحبت میداریم و فراموش میکنیم که ما خود هستیم طبیعت بنابراین طبیعت چیزی است کاملاً غیر از آنچه ما در تلفظ نام او احساس میکنیم. نیچه

مرد بزرگ یکطرفه قضاوت نمیکند. کنفوسیوس

مشکلی که خوب تشریح و حلاجی شده باشد نصفش حل شده است. دیل کارنگی

مغلوب شدن بحق گوارا تر از پیروزی به باطل میباشد. مونتسکیو

مگر گوینده کیست. به نگر که گفتارش چیست. حضرت امیر

من به قضاوت کسیکه پای منافع خود وی در میان است اعتماد ندارم. ولکیتون

محک طلا آتش است و محک انسانها طلا . مثل چینی

من از آنچه از دهانت خارج شود راجع به تو قضاوت خواهم کرد . مثل چینی

میمون هرگز میمون دیگری را مسخره نمیکند . مثل آفریقائی

نا راحتی هائی که بعلت سوء تفاهم در این دنیا بوجود میآید، حتی با دو با و گرسنگی قابل مقایسه نیست . مولیر

نتیجه گیری با شتاب کار ابلهان است مرد فرزانه شک میکند! بله اعتماد میکند، آدم ناشی میگوید یقیناً ،

چنین است آنکه دانا تر است جواب میدهد که شاید چنین باشد ولی خواهش میکنم بیشتر تحقیق کنید . جوی تیلر

وحشی ترین اشخاص آسانتر از همه متهمین را محکوم میکنند .

هر چه شنیدی مادام که دلیلی بر خلاف آن نداری ممکن بدان . ابوعلی سینا

هر مجرمی را بنگرید همه کس را ملامت میکند جز خودش را . دیل کارنگی

هستند کسانی که امروز غفلت میکنند و فردا نکبت و بدبختی را از حرکت کواکب و ظهور ستاره دنباله دار یا از

تحت الشعاع واقع شدن در عقرب میپندارند ،

همه کس عیبهای خود را با دوربین و نقص دیگران را با ذره بین نگاه میکند . امیل اوژید

همه از حافظه خود شکایت دارند ولی کسی نیست که از نحوه قضاوت خود اظهار نارضایتی کند . لاروشفوکو

هیچ کوچک را حقیر مشمارید باشد که از شما فروتنی یابد . افلاطون

هیچ کس نمیتواند از پنجره راه رفتن خودش را در پیاده رو ببیند . ؟

هیچ کس نباید اتهامی یا کنایه ای علیه ممنوع خود بزند مگر آنکه قادر شود از طرفی آنرا به ثبوت برساند و از طرف دیگر آنرا بطور روشن برابر متهم عنوان کند تا اینکه متهم بتواند از موضوع اتهام مطلع شده و در مقام دفاع برآید . ماری بارکن

هر اشتباهی را علتی است . مثل افریقائی

هر درختی ریشه ای دارد و هر اختلافی علتی . مثل افریقائی

هرگز درباره هیچکس قضاوت نکنید مگر آنکه خود را بجای او بگذارید . مثل یونانی

هیچ کس نمیتواند قاضی عادلی برای کردار خود باشد . مثل انگلیسی

نه مرهمت آنست نزد دانای خردمند
که با شیر زیان پیکار جوید

بلی مرهم آنست از راه تحقق
که چون خشم آید شتابی نکوید

سعدی

قمار

آنکه خیر به قمار نمیتواند خود را سرگرم کند شایسته کار اجباریست . حجازی

از قمار بپرهیز زیرا قمار بازی کار شیطان و کودک حرص و آز و برادر بی عدالتی و بالاخره پدر رذالت است . ویکتور هوگو

بچه را از آتش و جوانی را از قمار دور نگهدارید . فرانکلین

حاضر است تا یکشاهی آخر را به بازد « حماقت بحد اعلی . مثل انگلیسی

خوشبختی از قمار باز فرار میکند . مثل فرانسوی

در هیچ شورای دولتی یا دیوان داوری چنان سختی و خشکی دیده نمیشود که در مجلس قمار بازان دیده میشود . بر چشمان ایشان نگرانی یا لبخندهای سایه افکنده است رشک و کینه جان ایشان را میخورد و در عین آنکه همه در کنار یکدیگر نشسته اند هیچ نگاهی که دلالت بر برادری و یگانگی و شرافت باشد دیده نمیشود . لابرویر

قمار باز به ترتیب چهار چیز خود را از دست میدهد پول وقت ، وجدان ، زندگی . پتیا کوود

قمار باز عاشقی است که نه هرگز به وصال میرسد و نه از تحمل رنج خسته و مأیوس میشود . حجازی

قمار فرزند حرص است و برادر نگرانی و پدر بدکاری . — واشنگتون

قمار در همهٔ کشورها رذیلت اشرافی است، جوانان می بینند که این کار در محافل عالی رواج دارد و چون فریب رفتار دیگران را میخورند خود نیز بآن مبتلا میشوند و کارشان به تباهی میکشد . — بولـود

قمار بازا یام را بدشمنی با دوستان میگذراند . — حجازی

قمار باز شریک دزد است . — مثل روسی

قمار و مشروب و زن بد، خنده را از لبهای مرد دور میکند . — مثل انگلیسی

قمار باز که شدی قاتل هم خواهی شد . — مثل عربی

قمار باز کور است ولی کسیکه پهلوی دست او نشسته خوب می بیند . — مثل چینی

هر عیبی چند عیب دیگر بوجود میآورد اما قمار ما در همهٔ عیبهاست . — حجازی

هیچ چیز بیشتر از شب زنده داری پای میز قمار و هوسهای جانکاهی که با آن همراه است زیبائی چهره را از بین نمیبرد، چشمان گود رفته، نگاه مات و مبهوت و سیمای رنگ پریده نشانه های طبیعی قمار باز است . — ستید

هر وقت از سر میز قمار بلند شدی بموقع بلند شده ای . — مثل اسکاتلندی

یاران کج آهنگ را هم بردند
از مدرسه زی قمارگاهم بردند

رفتم که کلاه دیگران بردارم
افسوس که دیگران کلاهم بردند

یعنی

قمار

شنودم از یکی صاحب کرامات
که شد روزی جهودی در خرابات

درون میکده ویرانه ای بود
که زندان بود یا قمارخانه ای بود

گرفته هر دو تن راه قماری
ببرده سیم و زر هر یک کناری

جهود اندر قمار آمد به یکبار
که تا در باخت آنچش بود دینار

سرایی داشت و باغی هر دو در باخت
نگارنش پسیچ با افسردگی ساخت

چو شد دستش ز زر و سیم خالی
بشد یک ویره را در باخت حالی

چنان از هر چه بودش عور شد او
که چشمی را بباخت و کور شد او

بدو گفتند ای مانده چنین باز
مسلمانگه و دین خویش در باز

چو شنید این سخن بهدین برخشم
مسلمان را بزد یک مشت بر چشم

که هر چیزی که میخواهی بکن تو
مگو از دین من با من سخن تو

جهودی در جهودی اینچنین است
ندانم چونت او کاهل دین است

هر آنچش بود تا یک دیره در باخت
ولیکن دل ز دینش خوش نپرداخت

الا ای در مقامرخانه خاک
همه چیزی چنینی در باخته پاک

گهی روی چو مه در باختی تو
گهی زلف سیه در باختی تو

جوانی رفت و آمد پیریت پیش
در این ره باختی و آمدی پیش

دل پر نور خود با چشم روشن
بغفلت باختی در کنج گلخن

بیا لودی به شهوت خویشتن را
بیا لودی بغفلت جان و تن را

نگر وقت آمد ای مرد خراباتی
سری بیرون کن از کوی خرابات

دریغ دیره ره بینم نزاری
به غفلت عمر شیرین میگذاری

بسر بردی به غفلت روزگاری
مگر در گور خوابی گه کاری

الا ای حرص در کارت کشیده
چو شد قد الف وارت خمیده

اگر طاعت کنی لاکن نه زانست
که میترسی که مرگت ناگهانست

بسی شاهی کنی کام دل خویش
کنون چون پیر گشتی باز ماند

کنون زشتت حرص از قدم پیه
کنه خود چون بود با موی چون شیر

چه می‌شوئی بآب تلخ تنت را
بشوی از اشک شور خود کفن را

نمی‌ترسی که از کوی جهانت
تو غافل در رباید از میانت

از اسرارنامه عطار نیشابوری

قناعت

آدم و خرج امروز گدای فرداست . ابوالعلا

آنانکه تو از زندگی ارجایت میدارند به تنگدستی نیفتند . حضرت امیر(ع)

آنکس که بحد خویش قناعت کند همیشه غنی و تواناگر است . آنانکه چشم طمع بمال غیر دوزند هرچه غنی باشند فقیرند امام صادق(ع)

آموخته ام که در هر حالیکه باشم قناعت کنم . حضرت علی(ع)

آنکس که آنچه را نمیخواهد میخرد، بزودی مجبور خواهد شد لوازمش را بفروشد . مثل یونانی

از سقراط پرسیدند که سبب نشاط و قلت حزن تو چیست؟ گفت آنکه من دل بر چیزی ننهم که چون مفقود شود اندوهگین شوم . خواجه نصیرالدین طوسی

از هزینه های کوچک غیرضروری برحذر باش زیرا یک سوراخ کوچک موجب غرق شدن یک کشتی بزرگ میشود . فرانکلین

اعتدال آن طبیبی است که طبیعت با دست خود او را تقدیس مینماید و او از همه طبیبان کمتر اشتباه میکند و

کمتر گول میخورد .

اعتدال و کوشش دو طبیب حقیقی انسانند، کار کردن اشتها را تحریک مینماید و اعتدال از افراط در راضی کردن اشتها مانع میشود . دوسو

ای خداوندان نعمت اگر شما را انصاف بودی ما را قناعت رسم سئوال از جهان برخاستی . سعدی

اگر صرفه جوئی زراعت کنیم آزادی دروخواهیم کرد و این محصول طلائی است . اکیلا دوس

اگر میخواهی بنده کسی نباشی بنده هیچ چیز نشو . ژاک دوال

انتظار نداشته باشید که چیزها موافق دلخواه شما باشد بلکه همانطوریکه هست راضی شوید تا زندگی شما با آسایش بگذرد

ای فرزند نه چندان احسان کن که خود معیشت نتوانی کرد و نه امساک نمایی . بدان اندیشه که اندوخته خواهی کرد

اگرچه در کنار جنگل زندگی میکنی قدر چوب را بدان . مثل چینی

اگر از قرض میترسی در خانه ات را باز نکن . مثل انگلیسی

انسان حریص است به چیزیکه از آن منع شده است . مثل عربی

با قناعت امور بگذران تا پادشاه خود باشی . حضرت امیر

برای ثروتمند شدن تنها ، دانستن راه درآمد کافی نیست باید راه خرج کردن را هم بخوبی دانست . فرانکلین

برای کسیکه هیچ ندارد قرض هم یک نوع درد یست . روسو

برای اینکه بشر بتواند در دنیا خوشبخت زندگی کند باید از قسمتی از توقعات خود بکاهد . شامفور

بسیاری از اشیاء لوکس و چیزهائیکه وسایل آسایش خوانده شده نه تنها ضروری نیستند بلکه موانع بزرگی فرا ترقی و تعالی انسانند .

تولستو

بشر باید بعوض اینکه توجه و عنایت خویش را بلذایذ حیات متوجه سازد باید بکوشد حتی المقدور از تألمات بیشمار زندگانی که روح آدمی را کسل میسازد و دچار امراض گوناگونی خواهد شد بکاهد . ادسطو

بین صرفه جوئی و خست فرق بگذارید اولی انسان را امیدار دکه از و بخرجی بپرهیزد و آینده اش را تأمین سازد درحالیکه دومی موجب میشود که انسان بجز نپردازد و ثروتی جمع کند که فقط وارثان از آنها استفاده کنند . ؟

برای قانع حتی فقر و گمنامی خوشی آور است برای ناراضی حتی ثروت و افتخار محنت زاست . مثل چینی

تا بتوانی از خواهش و تمنا خود داری کن . حضرت محمد

تو انگری به قناعت است نه به بضاعت . سعدی

چشم دیگران چشمی است که مارا در شکست میکند، اگر همه بغیر از خودم کور بودند من نه بخانه باشکوه احتیاج داشتم نه به مبل عالی . فرانکلین

چنان شیرین مباش که ترا فرو برند و چنان تلخ مشو که از دهان بدور افکنند . ذیمقراطیس

ده درویش در گلیمی بخسبند و دو پادشاه در اقلیمی نگنجند . سعدی

دیوانگی است که برای خریداری اشیاء بی مصرف و کالای تجملی انسان خود را گرفتار قرض کند . فرانکلین

راحتی در قناعت است . حضرت محمد

زیاده روی در خرج نشاء بنوائی است . حضرت امیر

شعلهٔ اسراف نمیتواند پایدار بماند آتشهای تند زود خاموش میشود باران آهسته دائمی است ، طوفان

ناگهانی امتداد زمان ندارد . شکسپیر

صرفه جوئی فضیلت است و تقوی کسیکه این صفت را ندارد ، برای جامعه وجودش خطرناک است زیرا هر لحظه

ممکن است بار زندگی خود را بدوش دیگران بیندازد . جان . بی . کایزل

صرفه جوئی فقیر را متمول و متمول را عاقل گرداند . الکساندر دوما

طلب کن استغنا و بی نیازی را از دنیا بقناعت زیرا که آنچه که مستغنی میسازد انسان را قناعت است نه مال . کنفوسیوس

طمع ریشهٔ همهٔ بدیهاست . حضرت عیسی

قانع را غم نباید . غنی ترین شما قانع ترین شماست . حضرت امیر

قانون تعادل و توازن یکی از مهمترین قوانین خلقت است . کاظم زادهٔ ایرانشهر

قانع باش و میانه روی پیشه کن که اصل همهٔ پندها اینست . کیکاووس

قناعت کیمیائی است که هرچه را لمس کند طلا میشود . فرانکلین

کسیکه همیشه زیادتر از لازم خرید میکند روزی مجبور میشود که لازم را بفروشد . فرانکلین

کسیکه از آنچه که دارد راضی نیست اگر صاحب تمام دنیا هم بشود باز ناراضی و بینواست . سینکا

کسانیکه از درآمد کم نمیتوانند پس انداز کنند از درآمد زیاد نیز قادر به پس انداز نیستند . دکتر ماردن

کلید ثروت قناعت در مصارف است نه دنائت در خرج . ؟

من خود را محتاج نمیدانم زیرا طریقهٔ قناعت را یاد گرفته ام . بوس

من وقت خود را اسراف کردم و حالا او بنوبت خود مرا اسراف میکند . شکسپیر

میانه روی و اندازه نگاه داشتن کمال طبیعت آدمی است . کنفوسیوس

نه چندان درشتی کن که از تو سیر شوند و نه چندان نرمی که بر تو دلیر گردند . سعدی

نسخه برای نادان ماندن تا ابد این است که شخص با عقایدی که دارد راضی و با معلوماتش قناعت کند . البرت هوبارت

وقتی دستمان بآنچه که دوست میداریم نمیرسد باید آنچه را که در دست داریم دوست بداریم . بوس دابوتن

هر کس فقیر و قانع باشد ثروتمند است . شکسپیر

هر چه کمتر آرزو داشته باشید محروميتهای شما کمتر است . پلوتارک

هرگاه کسی هوش و حواس خود را به مادیات معطوف دارد سبب ایجاد توجه نسبت به آن در خود خواهد شد، از توجه اشتیاق و اشتیاق به شعله های سوزان هوی و هوس مبدل و هوی و هوس بتپائی ایجاد میکند . گاندی

ای قناعت توانگرم گردان — کز وی این پیشه خوبتر نانیست

سعدی

بندهٔ پیر خرابات‌نم که درویش از او — گنج را از بی نیازی خاک بر سر میکنند

ای گدای خانقه برجه که در دیر مغان — میدهند آبی و دلها را توانگر میکنند

خواجه شیراز

بخور چیزی از مای و چیزی بده — هم از بهر پیریت چیزی نهه

فرد دوبیتی

برو گنج قناعت جوی و گنج عافیت بنشین — که یکدم سکدل بهتر به بحر و بر بنی ارزد

چو حافظ در قناعت کوش و از دنیای دون بگذر — که یک جو منت دونان به صد من زر نمی ارزد

حافظ

چنان دان که بیدل آنکس به — که از کیتش اندکی بس به

تو انگر شد آنکس که خرسند شد — ز شهد قناعت شکرقند شد

فرد دوبیتی

قرار با همه بی‌اندازه خورد و نوش باد — ورنه اندیشه این که فراموش باد حافظ

کیمیائی تا کنم تعلیم — که در اکسیر و در صناعت نیست

رو قناعت گزین که در عالم — کیمیائی به از قناعت نیست

اوزی

هر که قانع گشت از ذلت برست — در مقام امن و آزادی نشست

رو قناعت کن مرنج از ما و بت — رزق تو بر تو ز تو حاشق تر است

مولوی

بنان خشک قناعت کنیم و جامه دلق — که بار محنت خلق به که بار محنت خلق

سعدی

کار - کاهلی

آب که قطره قطره میچکد با پایداری و سماجت سنگ بزرگ را سوراخ میکند با پشتکار و استقامت موش پارچه کردن رشته محکم سیم موفق میشود و ضربات پی در پی تبر کوچک درخت کهن را از پای درمیآورد . فرانکلین

آدمی را امتحان به کردار باید کرد نه به گفتار چه اکثر مردم زشت کردار و نیکو گفتار ند . فیثاغورث حکیم

آدم تنبل و بیکاره نه تنها وقت گرانبهای خود را هدر میدهد بلکه اساس تمدن و زندگی دیگران را هم به هم میریزند . کومرسون

آسان نیست مگر آنچه را که تو آسان گیری . حضرت محمد

آفت کار دلبستگی نداشتن بآن است . امام هشتم

آنانکه بعلم خود عمل نکنند مریض را مانند که دوا دارد و بکار نبرد . ذیمقراطیس

آن عمل خوبست که حداکثر خوشی را برای حداکثر افراد فراهم نماید . فرانسیس هنچسون

آن عملی که عاری از فساد و با نیتی پاک توأم باشد بهترین عمل است . بوعلی سینا

آنجا که کوشش نیست آنجا زندگی راه ندارد برای کسیکه درستی و بیکاری بسیر میرد حقیقت یک برات مرگ میباشد. بوخر

آنچه ما بکاریم درو میکنیم و سرنوشت ما را به جزای کارهای بدمان خواهد رسانید . اپیکوس فیلسوف

آنکه روزگارش به تنبلی گذشت دچار عسرت و پریشانی گشت . ؟

آدم بیکاره و تنبل اهل رمل و اسطرلاب میشود . مثل عربی

آنهائی که میدانند چگونه باید کاری را انجام داد آنرا دشوار نمی یابند فقط کسانی یک کار را دشوار میابند که بلد نیستند انجامش دهند . مثل چینی

ابلهان را به کثرت کار و زحمت میتوان تربیت کرد . بوزگمهر

احمقان گاه کارهای عجیب میکنند. خاصه وقتی که موهوم پرستی نیز با بلاهت توأم شود و حماقت با حس انتقام جوئی درآمیزد . دلتر

اراده های ضعیف همواره بصورت حرف و گفتار خود نمائی میکنند لیکن اراده قوی جز در لباس عمل و کردار ظهور نمیابد . گوستاولوبون

از دو صفت بپرهیز، بحوصلگی و تنبلی زیرا اگر بی حوصله باشی بهیچ حقی صبر نخواهی کرد، و اگر تنبل باشی هیچ حقی را ادا نخواهی نمود . امام صادق(ع)

از جمله فوائد کار اینست که روزها را کوتاه و عمر را دراز میکند . دیدرو

از امروز به بعد علم و عمل بر دنیا سیادت میکند . ؟

از هر گره که با برد میر نیستم ، صد گره بکار مان میخورد . حجازی

اشتغال ، بهر کاری بهتر از تنبلی و بیکاری است . اسمایلز

اشخاص جدی و فعال طوری بکار عادت میکنند که بیکاری باعث صدمه و عذاب آنان میگردد و اگر برحسب اتفاق

از شغل و رشته مخصوص بخود باز بمانند بحکم اجبار شغله ای دیگر برای خویش تدارک میکنند . اسمایلز

اشخاصیکه حل ناملایمات زندگی خود را بعهده دیگران میگذارند مانند کسانی هستند که برای عبور از رودخانه منتظر

میشوند تا آب آن خشک شود . هوداس ، شاعر یونانی

اشخاصیکه هرگز وقت ندارند آنهائی هستند که کمتر کار میکنند . شوپنهاور

اعمال بلندتر از اقوال حرف میزنند اعمال جوهر افکار یک شخص را بیان میکند برای پرهیز از اعمال بد از افکار بد

اجتناب کنید . ویوس نانتد

اگر خواهی نگفته تو کار کنند به گفته خود کار کن . ؟

اگر هدفتان معلوم مقصودتان با ارزش نقشه کارتان عاقلانه و خودتان در انجام آن ثابت قدم هستید مطمئن

باشید که جاه طلبی خود را میتوانید تسکین دهید . دکارسون

اگر هر روز راه عوض کنی هرگز به مقصد نمیرسی . بالانش

اگر مایل تا بیاسایش و راحت نفس خود هستی و به سلامت فکر و بدن خود علاقه داری و میخواهی از بار غم و اندوه بیرون بیائی باین یک دستور مختصر رفتار کن هیچ وقت تنها و بیکار منشین . پورتن

اگر کار را به قسمت های کوچک قسمت کنیم و جزء بجزء انجام دهیم میتوان کار دشواری نیست . هانری فورد

اگر مرد تا هفتاد سالگی هر روز خود را از کار ناتوان دید بهتر است همانروز بمیرد . ادیسن

اگر کمتر به غیر ممکن عقیده مند باشیم خیلی کارها خواهیم کرد . حال اشریو

اگر این همه وقت و فکر و حرف بیهوده را صرف کار مفیدی بکنیم البته بجائی خواهیم رسید . حجازی

اگر میخواهید قدرت مقاومت و تشخیص واقعی مردی را اندازه بگیرید در موقع کوشش های بزرگ کارهای او را مطالعه کنید.

اگر راستی از خطر میترسیم برخیزیم و کاری بکنیم وگرنه ترس بی عمل ما را کوچک و خطر را بزرگ میکند . حجازی

اگر وقتی را که تنبلها صرف پائین آوردن مردم میکنند صرف بالا بردن خود میکردند زودتر بمقصود میرسیدند . تن

انسانیکه روزگار را به کاهلی و بطالت میگذراند بزرگترین دزد است . ؟

انسان بر احساسات خود حاکم نیست ولی بر اعمال خویش حکومت دارد . لوگوه

انسان فرزند کار و زحمت خویش است . داروین

انسان در کار دیگران عاقل تر است تا در کار خویش . لاروشفوکولد

اینکه ما گمان میکنیم بعضی چیزها محال است بیشتر برای آنست که برای خود عذری آورده باشیم . لاروشفوکو

ابر پرصدا باران ندارد . — مثل ایرانی

احمق در کار همه دخالت میکند بجز کار خود . — مثل آلمانی

اگر از فردا مطلع باشی امروز کار نمیکنی . — مثل چینی

اگر نمیتوانی گاز بگیری ، دندان نشان مده . — مثل ایرانی

اگر توانائی انجام کاری را در خود داری بدنبال آن برو وگرنه چرا آبروی خود را میریزی . — مثل یونانی

ای تنبل برو نزد مورچه و راه و روش او را بیاموز و عاقل باش . — ؟

باشک و تردید کاری را پیش نمیرود . — ناپلئون

باید هوش و مهارت خود را بکار بریم ، چیزیکه دیروز غیر ممکن بود امروز دشوار است فردا با خوشی و رضایت قبول خواهد شد . — ژول کامبون

با استعمال فرسودن و تمام شدن بهتر از باقی ماندن و زنگار گرفتن است . — مونتسکیو

باشدت کار کن و با شدت ببازی بپرداز . — روذولت

با نشان دادن همدردی و علاقمندی بدیگران خود را فراموش کن ، هر روز کار خوبی که لبخند مسرتی بر چهره دیگران گذارد انجام بده . — دیل کارنگی

باید لب فروبست و باز گشود و کار کرد و دم نزد و یقین نمود که کلید طلائی کامیابی کار و کوشش است . — بوزگمهر

به چهار طریق میتوان وقت را تلف کرد، با هیچ کار نکردن، به چیزی از آنچه باید انجام گیرد عمل نکردن، بد انجام دادن و بیمورد انجام دادن .

آبه دولاروش

بچه‌های کوچک خود را گرفتار کردن از کارهای بزرگ باز ماندن است .

کنفوسیوس

بدون کار هر نوع زندگی فاسد میشود .

کاموس

بدبختی آدم از جهل نیست از تنبلی است .

دیل کارنگی

برای قلب ما آرامشی بهتر از آنچه در محیط کار هست میسر نیست .

دوک دولوی

برای آنچه هستم مدیون قدرت اراده و اخلاق و پشتکار و جرأت خود میباشم .

ناپلئون

برای من زیباترین روزها روزی است که از نتیجه کار خود در آن روز خرسند باشم .

؟

برای شب پیری در روز جوانی چراغی باید تهیه کرد .

پلوتارک

برای بهره مندی از اوقات فرصت و فراغت نیازمندگی حاصله از کار هستیم .

والتر اسکات

برای اشخاصیکه فقط در فکر کار هستند فرصت تظاهر باقی نمیماند .

رو ذولت

برای تمام موفقیت هائیکه در زندگی بدست آورده‌ام خود را مدیون آن میدانم که همیشه ربع ساعت قبل از وقت سر کارم حاضر بوده‌ام .

نلسون

برای پیشرفت و پیروزی سه چیز لازم است اول پشتکار، دوم پشتکار، سوم پشتکار .

لرد آبیری

بسی گنج که از رنج فراز آید و از کاهلی از دست برود . قابوس وشمگیر

بکوشش در آبادانی دنیای خود چنانچه میخواهی دائم در او زندگی کنی . حضرت امیرؑ

بگذارید آن ملتی که در ضمن کار و کندن سنگهای بزرگ از کوه آواز میخواند ، آواز خود را بخواند و کارهای جدی را با سوخ و مزاح انجام دهند . مونتسکیو

بهترین کار خیر اصلاح بین مردم است . حضرت محمدؐ

بهر کس کاری واگذار کنید که برای آن ساخته شده باشد در این صورت یک چنین شخصی از کارش لذت خواهد برد و مانند گل شگفته خواهد شد . جون روسکین

بهترین و تامین که افراد قبل بآن احتیاج دارند عبارت است از کار . ؟

بهترین یار و پشتیبان هر کس بازوان توانای اوست . کتاب کار و زندگی

بی نظمی در کار بدتر از بی اطلاعی از آن است در کارهای زندگی باید بخود اعتماد داشت و بس . فرانکلین

بیکاری نه تنها موجب پریشانی فکر و ناراحتی خیال است بلکه یک کدورت و پشیمانی همیشگی باطنی پدید میآورد بشیلر

بیچاره کسی که از ترس سکشت دست بکار نمیبرد . ؟

بیچارگی و تیره روزگاری را بوسیله سعی و عمل از دامان زندگی دور سازید و از فلک کج مدار شکایت را بیندازید و خود و مردمان را افسرده نسازید و برآن باشید که هر مشکلی را سعی و عمل آسان میسازد . ؟

پدرم بمن کار کردن را آموخت نه عشق و علاقه بکار را . لینکلن

پیش از اقدام بکار توانائی خود را بسنج و موجبات و وسایل آنرا در نظر بگیر . سه رنگ

پیروزی با کسانیست که بیش از دیگران پشکار دارند . ناپلئون

تا سرانجام کار کسی را نه بینید بعملش خوشدل نباشید . حضرت محمد

تا جوانید کار کنید زیرا فقط یک بهار در زندگی هست و بهار آنست که ثروت تابستان و حاصلخیزی پائیز را فراهم میسازد بوتن

تا مقداری از کار باقی است شخص باید خیال کند که هیچ نکرده است .

تا آنجا که ممکن است کار تو را امروز خوب انجام بده باشد که فردا باز قدمی و بجلو برداری و کار تو را بهتر انجام دهی بوتن

تا زنده ام لحظه ای آرام نخواهم گرفت ، راحتی کردن و مردن نزد من یکی است . ناپلئون

ترقی مولود فعالیت دائمی است زیرا استراحت چیزی بجز انحطاط در بر ندارد . گوستاولوبون

تصور ما ، دانائی ما ، خیال ما از نقطه نظر حصول نتیجه اهمیت ندارد . تمام اهمیت در کارهای ماست . داسگین

تقسیم کار سبب میشود که برای رفع نیازمندی یک نفر همه کار کنند و این اساس ترقی و رفاه است . آدام اسمیت

تمام کارهای شریف افتخار انگیزند . ؟

تنبلی آدم را خیالپرست بار میآورد . پوسه ئه

تنها مدرسه ای که علم و معرفت حقیقی را در آن آموختیم مدرسه دنیا است که در آن معلم زحمت و کوشش بانسان

درس گرانبهائی تلقین میکنند . هیوملر

تنبلی آنقدر بکندی حرکت میکند که فقر دنبال سستی به سهولت او را میگیرد کارهای خود را دنبال کن ورنه آنها تو را دنبال خواهند کرد . فرانکلین

تنبلی بلا و آفت بشریت است و همانطور که زنگ آهن را میخورد و آنرا فاسد میسازد بطالت نیز قلب افراد و ملل را خورده آنها را از صفحه وجود محو میسازد . اسمایلز

تنبل ترین و ضعیف النفس ترین افراد جامعه بیش از همه شکوه و شکایت دارند بدترین اقسام حرچها چرخی است که صدا و هیاهوی آن زیاد تر است . سموئل اسمایلز

تأثرات اولیه بر وجود ما حاکمند . مثل چینی

ثروت و سرمایه اساس واقعی هر ملت معادن نفت و ذغال و طلای او نیست بلکه استعداد و هوش و کار افراد اوست . ؟

جنون زندگانی رهبانی و گوشه گیری و انزوا حکم مرض آبله را دارد برای مغز . استف سن پیتر

جوانها همه در انتخاب کار باید آزاد باشند چه اگر رضایت خاطری نباشد هیچ کار خوب انجام نمیگیرد . ؟

جواهر بدون تراش و مرد بدون زحمت کار ارزشی پیدا نمیکنند . مثل چینی

چه بسا اشخاصیکه فقط به صدای طنین کلنگ گورکن از خواب بیدار میشوند . ناپلئون

چون تمام اشیا جهت گیری شدند تنبلی و عجز باهم جهت گشتند نتیجه ای که ازاین دو بوجود آمد فقر و بینوائی بود . حضرت امیر(ع)

چه بسا فعالیت هائی که در اثر فقدان کمی فعالیت بیشتر اثراتش ازبین رفته و تبدیل به هیچ شده است . ای . هـ . هاریمن

چه بسا که یک قدم بانجام مانده کار را برهم میزنیم . از اشعار تاوسنه گیگ

چراغ کوچکی در دل شب تاریکی را میشکافد و باطراف نور میدهد کار خوب اگرچه کوچک و ناچیز باشد در نظر من کوچک و ناچیز نیست . شکسپیر

چاه را با شبنم نمیتوان پر کرد . مثل عربی

حتی در مواقعیکه هیچ کار نداشته ام پیش خود فکر میکرده ام نباید وقت را بیهوده تلف کرد . ناپلئون

خوشی و شادی زودتر از کار و کوشش انسان را خسته میکند . ؟

خیلی از ما وقتی برود خانه ای میرسیم تمام عمر در انتظار می نشینیم تا مگر کس دیگر بیاید و روی آن پلی برای ما بسازد . بنیامین فرانکلین

داشتن یک حرفه بمنزله تملک یک دولت است .

در این جهان هر کس باید کسب و کاری داشته باشد آدم بیکار سربار و عضو بیفایده و بی ثمر جامعه میباشد . ویکتور پوشه

در دنیا کسی نیست که وجودش برای کاری بدرد نخورد . خواجه نظام الملک

در شغلی که تو متصدی نیست اندیشه و مدبر مکن . کنفوسیوس

در سال ۱۸۱۶ ناپلئون طی گفتگوئی چنین گفت کار عصر ذاتی نیست من برای کار بدنیا آمده ام و ساخته شدم من بمجد و عظمت

قوهٔ پاهایم و محدودیت قوهٔ چشمانم پی بردهام ولی هیچگز نتوانستم بمحدودیت قوهٔ کارکردن خود پی ببرم . ؟

در این عالم فکر من و رأی من و شأن و آبروی من در کار نیست همهٔ امور به مایعنی گروهی که در منفعت شریک و سهیم هستند -

نسبت و تعلق دارد . دکتر پرویز خانلری

در راهی قدم زدن که پایانی ندارد و در دریائی سیاحت کردن که کرانه هایش پیدا نیست از طریق خرد دور مینماید مرد باید در

کاریکه وارد میشود مدخل و مخرجش را دانسته و ضرر و نفعش را بمیزان عقل بسنجد تا رنج بیهوده نکشیده باشد . کلیله و دمنه

دنیا از آن کسانی است که حرارت و انرژی دارند . ناپلئون

دو اهرم برای برانگیختن مردم سعی و کوشش وجود دارد یکی نفع و دیگری ترس . ناپلئون

دیروز را فراموش کنید امروز را کار کنید به فردا امیدوار باشید . کتاب کارورزندگی

در یک فن استاد بودن بهتر از آنکه شخص درصدد کار دخالت کند و هیچیک را خوب ندانند . مثل ژاپونی

راز بدبختی شما در اینست که فرصت فکر کردن درباره خوشبختی و یا بدبختی خود را داشته باشید . برنارد شاو

روزگار بمن گفت عمرت را بفروش گفتم آنرا بتمام دنیا نمیدهم ولی افسوس که بتدریج آنرا از کفم ربود بی آنکه بهای آنرا بمن بدهد حضرت یاس

رختخواب نرم خواب سنگین میآورد . مثل روسی

زندگی بدون کار مردن پیش از وقت است . گوته

گرانبهاترین مردم کسی است که گنجینه گرانبهای عمر را بایگان از دست ندهد و وقت گرانبها را تلف نکند . اسمایلز

سحرگاهان خروس بانگ زده میگوید ای مردم برخیزید و بهترین راستی و درستی را بستائید و دیو کاهلی را از خود دور سازید و بیژده آن دیوی که میخواهد شما را بخواب ببرد . ؟

سخت ترین و تاریک ترین روز برای من روزیست که نتوانم کار کنم . ایرانشهر

سرچشمه همه فسادها بیکاری است شیطان برای دستهای بیکار کار تهیه میکند . پاسکال

سرعت در عمل نخواهید بلکه نیکوئی عمل را بخواهید که بعد از فراغ از نیکوئی عمل پرسند نه از سرعت وقوع آن . افلاطون

سگ بیکار گرفتار گری و خوره میشود . پورتن

سگ عوعو میکند ولی کاروان اعتنا نکرده بدان میگذرد . ؟

شکل اجتماع فردای ما را کوشش امروز تعیین میکند اگر اهمال و یا اشتباه کردیم نتیجه آن فردا بصورت نکبت و بدبختی گریبان ما را خواهد گرفت . ؟

شکستن عادات بد کار مشکلی نیست عیب کار در اینجاست که شما ممکن است عادات بدتری را بجای آن بپذیرید . توآلوپن

صاحبان بزرگترین کارخانه های عالم مردمان فقیری بودند سعی و عمل آنها را بدین مقام رسانیده است . ست لود

علت اصلی هر ملالت و اندوه تنبلی است . پورتن

عمر صندوقچه ای است که هم میتوان آنرا با افکار و اعمال زیبا پر کرد و هم با افکار و اعمال زشت . ارسطو

عجله کار را که احتیاط قدغن کرده انجام میدهد . مثل چینی

فقط امروز در اختیار تو است برخیز و برای کار آماده باش و از هیچ چیز نیم نداشته باش. آیا مهیای کاری یا در انتظار فردا؟

فقر و تنگدستی بدر کارخانهٔ مرد همتش نزدیک میشود ولی هرگز جرأت ورود بدرون کارخانه را ندارد . فرانکلین

فقط از یک درخت سالم، میوهٔ سالم بدست میآید . مثل چینی

کار گنج است و دنیا معدن است پس بشتابید بکار تا مهلت دارید . حضرت محمد

کار کن و مطمئن باش کامیاب هستی . حضرت امیر

کار یکه تنها سود شخصی در آن منظور شده باشد شرافتمندانه نیست . لئولو تولستوی

کار هرچه سخت و مشکل باشد صدمه و اذیتی به شخص نمیرساند لیکن وقتی بیهوده ساخته کنده و خالی از امیدواری بود آنوقت بمنزلهٔ

بدترین شکنجهٔ روح و جسم میشود . اسمایلز

کار بدون تفریح انسان را پکر میکند و تفریح بدون کار آدم را تنبل بار میآورد جائیکه کوشش و مجاهده وجود ندارد فضیلت

و تقوی معدوم است . برناردن

کار پزشک طبیعت است و برای خوشبختی آدمی ضرورت دارد . جالینوس

کار جسمانی رنج روحی را از بین میبرد باین سبب است که بیوایان همواره خوشحالند . لارشفوکو

کارهائیکه در گذشته کرده ایم مارا مانند سایه تعقیب میکند و نسبت بخش آنها مارا به بدی و یا بخوبی میکشد . کارلایل

کار کوچک را بپذیرید ولی برای کار بزرگ آمادگی پیدا کنید . ؟

کارکن اگرچه تنها باشی وچنان انگار که همیشه دو چشم از هر سو ترا نگاه میکند . — کنفوسیوس

کار و کوشش ما را از سه عیب دور میدارد : افسردگی ، در دی و نیازمندی . — ولتر

کار قانون زندگی است . قانون کلیه اکتشافات و تمام پیشرفتها . — ؟

کار خودت را بجوئی بطبعم و آنرا بجا آور و مانند یک قهرمان خود را با آن کار مشغول کن . — کارلایل

کارکن پیش از آنکه نیازمندی بکار وادارت کند . — فرانکلین

کار و کوشش ما را از سه شر بزرگ میرهاند . ملالت و دلسردی ، رذیلت و تباهی و فقر و نیازمندی و در هر جامعه که کارها براساس استعدادها تقسیم نشود در واقع همه بیکارند . — ولتر

کاهلی اگر از بسیاری از جنایات جلوگیری کرده است موجب از بین رفتن بسیاری از فضائل نیز گشته است . — کولتون

کاهلی فساد تن بود و زنهار کاهلی مکن اگر تن ترا فرمانبرداری نکند بستم تن خویش را فرمانروا کن و به قهر آنرا باطاعت در آور. — بنگامین

کار داس وقت است . — ناپلئون

کار نه فقط هزینه زندگی را تأمین میکند بلکه زندگی کردن را هم بانسان میآموزد . — هانری فرد

کردار بلندتر از گفتار حرف میزند . — کارولین ولتر

کسانیرا که از کار میمالند باید مجبور به بیکاری کرد تا بارزش کار پی ببرند . — پاسکال

کسیکه در انتخاب کار اشتباه کند عمری اشتباه کرده است . — کتاب کار و زندگی

کسی باقضیه است که کاری را که دیگران نمیتوانند باسهولت انجام دهند براحتی انجام میدهد و کسی نابغه است که کاریرا که قریحه

از انجامش عاجز است بخوبی بانجام رساند .

هانری فردریک امیل

کسانیکه عمر خود را ببطالت و تنبلی میگذرانند حق ندارند از روزگار شکایت کرده بخت و اقبال را مورد عتاب قرار دهند

لبرداوسوری

کوشش نخستین تجلی قدرت، نخستین قانون خلقت و نخستین چرخ گردون سعادت است .

ایرانشهر

کار در زمین مال مردم باشد کار است .

مثل آلمانی

کار کردن خوب است اما زندگی کردن را فراموش مکن .

مثل آفریقائی

کسیکه در آفتاب زحمت کشیده حق دارد که در سایه استراحت کند .

مثل افریقائی

کسیکه در کارش نادرست است در همه چیز نادرست خواهد بود .

؟

کسیکه در آغاز کار فکر و تامل نکند در پایان کار آه خواهد کشید .

مثل ایتالیائی

کسیکه به پشتکار خود اعتماد دارد ارزش برای شانس قائل نیست .

مثل ژاپونی

کفش گشاد که پوشیدی حاضر بزمین خوردن باش .

مثل چینی

گرفتاری در این دنیا از اینست که نادان از کار خود اطمینان دارد و دانا از کار خود مطمئن نیست .

برتراندرا سل

گناهکارترین مردم کسی است که خدا را مسئول کارهای زشت خود بداند .

حضرت محمد

گاو آهنی که همیشه کار میکند بسیار براق است .

مثل یونانی

گفتار شیرین و کردار تلخ خیلی ها را فریب داده است . مثل فرانسوی

ما همه از کارهائی خسته میشویم که انجام نمیدهیم وگرنه انجام کار هرگز ما را خسته نمیکند . ؟

مجبورم کار کنم وگرنه اخلاق من فاسد خواهد شد . تولستوی

مردمان عاجز کارهای منفی میکنند تا دیگران نام ایشان را ببرند و بدانند که هستند در این جهان هستند . سعید نفیسی

مردم همه از یک نسل هستند امتیاز آنها به سعی و عمل است . اسمایلز

مردم سالها نمی فهمند شما چکاره اید مگر وقتی که بیکار شوید . ؟

مشغول نبودن مانند زنده نبودن یکی است . ولتر

مصدر تمام مفاسد بیکاریست هر حکومت و دولتی که بخواهد این عیب را رفع کند باید بقدر امکان مردم را بکار وادارد . پاسکال

مغز معمل کارگاه شیطان است . فرانکلین

من باید خود را در کار فراموش کنم وگرنه ، کمرم زیر بار یأس و ناامیدی درهم خواهد شکست . تیتسون

من همیشه با دیو تنبلی ستیزه خواهم نمود زیرا بیکاری و کاهلی مارا رنجور میسازد . میشوخود

من هرگز خود را از فعالیت کنار نخواهم کشید چه در این صورت از فرط بیکاری مجبور خواهم شد به پیری و مرگ فکر کنم . دوزولت

من در زندگیم حتی یکروز کار نکرده ام ، آنچه انجام داده ام تفریح بوده است . ادیسون

من مشهور نشدم مگر بواسطه کار و کوشش و اگر از عملی خسته میشوم تفریح و رفع خستگی را در اشتغال بکار دیگر جستجو میکردم بیوتن

موفقیت های پی در پی گاهی بیش از مغلوبیت ضرر میرساند، کسیکه موفق شده و کاری از پیش برده است براحتی اغفال میشود؟

موفقیت مانند شن در لای انگشتان و آب از یک بشکه لبریز میشود و فرار میکند و با فعالیت و کار باید جلو فرار آن را گرفت؟

مواظب خودت باش وقتی خورشید بزمین نگاه میکند میتواند بگوید این بیکاره ایست که خوابیده . فرانکلین

ملاح ورزیده را در دریای طوفانی میتوان شناخت . مثل یونانی

نگرانی و تشویش در موقع کار بشما روی نمیآورد بلکه پس از انجام آن ظاهر میشود پس باید همیشه مغز را شاد باشد . جیمز ل. مورسل

نیروئی که برای انداختن کار امروز به فردا مصرف میشود غالبا برای انجام وظیفه همان روز کافی است . ؟

وقتی شخصی گمان کرد دیگر نیازی به پیشرفت ندارد باید تابوتش را آماده کند . دکتر ماردن

وقتی بکاری مصمم شدی دیگر درهای سگ و تردید را از هر سو ببند . نیچه

وقتیکه عرق خشک شد زحمات کار نیز فراموش میشود . مثل بلژیکی

هر جا دو سیال تنبلی و تن آسانی کمتر فراهم است آنجا بهتر کار میشود . دودویل

هر وقت احساس میکنم که درد و رنج و بیماری میخواهد مرا رنجه کند و آزار دهد بکار پناه میبرم کار بهترین درمان دردهای ملست ولتر

هر کس بیشتر تحمل رنج و مشقت نماید بهتر میتواند کار کند . میلتون

هرگز نباید از قدر هیچکس بکاهیم کار کرد دوست ندارد که در حضورش کار او را تحقیر کنند . دوسال

هر کس داند در خورچه کار است، وی آن شود حکمتی بزرگ باشد . سقراط حکیم

هرگز نمیتوان با آدمهای کوچک کارهای بزرگ انجام داد . سیدرون

هر کار یکه تصمیم آنرا بگیرید نصفش را انجام داده اید . ابراهام لینکلن

هر کار بزرگ در آغاز محال بنظر میرسد . کارلایل

هنگام شروع کار باندازه کافی غور و دقت کنید تا در میان کار تردیدی به شما دست ندهد . نوسلن

همیشه در هر جائی که هستی بکاری مشغول باش . هانری فرد

همیشه خود را سرگرم سازید زیرا اشخاص غمگین و مضطرب باید خود را در کار فراموش کنند وگرنه در یاس و ناامیدی غرق میشوند دیلکارنیگی

همیشه کار کنید و بکوشید تا جامه افتخار و عظمت بپوشید. همیشه در نظر داشته باشید که افتخارات تازه ای بدست آورید ،

زیرا افتخارات گذشته همچون شمشیریست که زنگ زده و از رونق افتاده است . شکسپیر

هیچ یک از تمایلات نفس انسانی مضرتر و خطرناکتر از تمایل به تنبلی نیست . اسمایلز

هیچ چیز جز یک هدف مشخص و معلوم نمیتواند روح انسان را آرام سازد . اوچ ولز

هیچ چیز زیانبارتر از بیکاری نیست زیرا انسان در موقع بیکاری مغز خودش را میخورد و این زیانبارترین آفات و امراض انسانی است چارلز لب

هیچ کس آنقدر ابله نیست که برای هیچ نوع کاری لیاقت نداشته باشد . ناپلئون

هر سفر هزار فرسنگی هم با یک گام آغاز میشود . مثل چینی

هر چه تعداد کارکنان کمتر باشد نوع خدمت بهتر خواهد بود . مثل چینی

هرقدر بشتر ماهی بخواهی باید به دریا بشتر نزدیک شوی . مثل انگلیسی

همه خوبند اما نه برای همه کار . مثل اسپانیائی

هرگاه میکه برادران باهم کار کنند، کوه مبدل به طلا میشود . مثل چینی

یک کار نیکوگاهی یک شخص و یک ده و یک شهر و گاهی یک ملت را رستگار میکند و ترقی میدهد . گوته

یک روز بیکاری چون یک شب بیخوابی خسته کننده است . پتی سن

یک کار خوب بهتر از هزار اندیشه خوبست و کسانیکه کار خوب میکنند بسیار بهتر از کسانی هستند که خوب میاندیشند . ودا

یک وجب کار بیش از یک جریب وعده میارزد . مثل یونانی

یک نفر نمیتواند در عین حال در دو قایق پارو بزند . مثل آفریقائی

تن آسانی و کنج راحت کی دهد رنج را کنج
بکوشش در رنج تنت سود کند

که از رنج جهان گنج بی رنج نیست
کسی را که کاهی بود گنج نیست

فردوسی

شو غافلی ز گردش دیرینه کز نخست
بنگر چه آمد از پی این کار و تا چه زاد

صائب

هر که دانه نفشاند نه بزمستان درخاک
نا امیدی بود از دختر بستانش

سعدی

ز کوشش هر چه خواهی کامگاهی رسید
بهر چیزی خدا را کامگاهی رسید

برو کار بکن باش و امیدوار
که از یأس چه آید گه کار بار

گرت هوای یاری است در کارها
شهی چون تو درکار ها

بمار

مکن ز غصه شکایت که در طریقت از
براحتی نرسید آنکه زحمتی نکشید

حافظ

ناید ز رنج گنج میسر نمی شود — مگر آن گرفت جان برادر که کار کرد

آنکو عملی نکرد و عنایت امید داشت — دانه نکشت ابله و دخلی انتظار کرد

سعدی

هر که نان از عملی خویش خورد — منت از حاتم طائی نبرد

سعدی

برو کار میکن که چیت کار — که سرمایهٔ جاودانیست کار

سعدی

کتاب. مُطالعه

آدم تنها اگر در بهشت هم باشد با و خوش نمیگذرد اما کسیکه بکتاب یا تحقیق علاقمند است هرگاه بکه مطالعه یا تفکر در بارهٔ محتوای آن کتاب مشغول است جهنم تنهائی برای او بهترین بهشت هاست . مترلینگ

آنچه را میتوان بعد از بیست سال تجربه آموخت مطالعه صحیح در یکسال بما میآموزد . ؟

از میان آثار فکری بشر آنهائکه با روح و دل و احساسات آدمی سروکار دارند از دستبرد فراموشی و فرسودگی در امانند

استراحتی که توام با مطالعه نباشد یکنوع مرگی است که آدمی را زنده بگور میکند . سنگ

اسکندر کتابهای کتابخانهٔ ایران را تمام غارت و همه را به یونان برد . پلوتارک

اصولا در دنیا دو نوع کتاب وجود دارد کتابهائیکه هیچکس مطالعه اش نمیکند و کتابهائیکه نباید آنها را کسی مطالعه کند بنگن

اطاق بدون کتاب مانند جسم بروح است . سیسرون

اگر کسی طالب مجهول نباشد از مطالعه هر کتابی معلومی بر معلومات خود خواهد افزود . بالاخره هر مغزی دارای افکاریست که مخصوص خود اوست . حضرت محمدؐ

اگر کتاب بعقل تو حمله نکند و آنرا تصرف ننماید و اگر ادراک ترا برای فهم مطالب آماده ننماید و همچنین بلند پروازی معقول ترا تقویت نکند نسزاوار خواندن و مطالعه نیست .

دکتر ماردن

کرسی فلسفه را در دانشگاه هایدلبرگ به فیلسوف بزرگ وحدت وجودی بلند، اسپینوزا پیشنهاد کردند و او نپذیرفت و گفت نخست اینکه مرا از مطالعات خودم باز میدارد، دیگر اینکه آزادی فکر را از من سلب میکند و مجبور میشوم تعلیمات خود را تابع عقاید مردم زمانه کنم .

؟

اگر یکی از مشتاقان کتاب هستید بزرگترین خوشبختی جهان را دارا هستید .

ژول کارادلی

اگر یکروز کتاب نداشته باشم عشق من بجنون مبدل خواهد شد .

فردریک کبیر

اگر در کشور ما بهر خانواده ای میتوانست کتابخانه ای از کتابهای نفیس داشته باشد بطور قطع زندگی اجتماعی ما منقلب میگردید و بدفهما و آرزوهای ما به پایه غیر قابل تصوری میرسید .

دکتر ماردن

اگر مادر نباشد جسم انسان ساخته نمیشود و اگر کتاب نباشد روح بشر پرورش نمی یابد .

پلوتارک

انسان در کتاب از چیزهائی باخبر میشود که دیدن خود آنها امکان پذیر نیست زیرا عین آنها فرسنگها و یا قرنها و سالها فاصله دارد .

آناتول فرانس

اگر کسی بخواهد از حال و گذشته باخبر باشد باید پنج قفسه کتاب بخواند .

مثل چینی

اگر کتاب دارید خوشحال خواهید بود ولی خوشتر خواهید بود زمانیکه دیگر احتیاجی به کتاب ندارید .

مثل چینی

باید زیاد مطالعه کنیم تا بدانیم که هیچ نمیدانیم . مونتسکیو

باید درهای علم بروی همه باز باشد، هرجا مرزه هست هرجا آدم هست آنجا کتاب هم باید باشد . ویکتور هوگو

بجای آنکه چندین کتاب بخوانی کتابهای خوب را چندین بار بخوان . ؟

بدون حکومت میتوان زندگی کرد ولی بدون کتاب و مطبوعات نمیشود . ابراهام لینکلن

برگهای کتاب بمنزلهٔ بالهائی هستند که روح را بعالم روشنائی پرواز میدهند . ولتر

برای پیدا کردن اهی از آتشفشانهای پرآشوب و رنگارنگ ایده ها، احساسات و حوادث کتاب خدمت دوستانه ای بشما

ارزانی میدارد . ماکسیم گورکی

برای یافتن حقیقتی که گاه از یک نظر بیشتر نیست سالها باید رنج کشید و کتابها خواند و گفته های مختلف را باهم سنجید بعد نقدی

برای شناخت اخلاق و روحیات یک ملت و سنجیدن ذوق و پایهٔ تفکر آن باید کلیهٔ کتب و رسائلی که در میان آن ملت

بیشتر رواج و انتشار دارد مورد توجه و مطالعه قرار داد . اسمایلز

برخی کتب را باید چشید بعضی دیگر را باید بلعید و قلیلی را هم باید جوید و هضم کرد . فرانسیس بایکون

بسیاری اشخاص اگر چیزی را از زبان دیگران بشنوند بهتر و روشنتر در خاطرشان میماند تا اینکه در کتاب بخوانند یا در پیش خود فکر کنند. لرد آویبوری

بعد از کتب آسمانی شریف ترین و مفید ترین کتابها بیوگرافی و شرح حال است . اندره موروا

بگذار روح خود را در آن فضائیکه دوست دارم پرواز دهم زیرا من در کتابخانهٔ خود بسان فرمانروائی دانا میمانم که در

قصر خود نشسته گاهی با فلاسفه و زمانی با سفرای شیرین سخن صحبت میدارد . — نیچه

بهترین آبروی اطاق پذیرائی کتاب است آری یک قفسه کتاب از هر تجملی آبرومندتر است — موسلن

بهترین کتاب آن کتابی است که انسان را بتفکر وادارد والا بدرد پاره کردن هم نمیخورد . — الف بس

بدترین درد ها کتاب بداست . — مثل ایتالیائی

پرورش روحی بشر به کتاب مربوط میشود . — پلوتارک

تو در شب این کتاب را مطالعه میکنی و من موی سر خود را در نگارش آن سفید کرده ام . — سوئد

جامعه وقتی فرزانگی و سعادت میابد که خواندن کار روزانه اش باشد . — سقراط

جهان کتابی بسیار عالی است ولی کسیکه خواندن نمیداند فایده ای از محتوای آن برنمیتواند گرفت . — مثل ایتالیائی

چند دقیقه یا چند ساعت از وقت را با مطالعه گذرانیدن یکی از بزرگترین لذایذ روحی انسان است . — ؟

چون ما نمی توانیم کتاب را از بین ببریم عاقبت این کتاب است که ما را از بین خواهد برد . — برنارد شاو

چون زندگی کوتاه است و ساعات فراغت محدود نباید وقت خود را در خواندن کتابهای بی ارزش و مبتذل تلف کرد . — جان راسکین

چیزهائیکه من مایل بدانستن آنها میباشم در کتاب است و بهترین رفیق من آنکس است که کتابی بمن بدهد که نخوانده باشم . — لینکلن

خواندن انسان را کامل میکند و سخنرانی و گفتگو او را حضور ذهن و سرعت انتقال میدهد . — بایگون

خواندن همه کتاب یا مطالعه هر مطلبی که بدست آید با قصد اینکه در سریعترین وقت از مطالعه آن فارغ شویم برای عقل

واخلاق یک کار زیان آور است .

دکتر ماردن

خواندگان بر دو نوعند گروهی میخوانند که فراگیرند و گروه دیگر میخوانند که فراموش کنند . ؟

خواندن و عمل نکردن مثل شخم زدن و تخم نپاشیدن است . ؟

خوانندهٔ خیلی بدبخت همان استفاده را میکند که نویسندهٔ از نوشتهٔ خود کرده است .

تولستوی برنارد

خوشبخت کسیکه یکی از دو چیز دسترسی دارد یا کتابهای خوب یا دوستانی که اهل کتاب باشند .

هوگو

خیلی فرق است بین کسیکه با شوق و حرارت میخواهد کتاب را مطالعه کند با آدم خسته ای که میخواهد با کتاب خستگی خود را رفع کند .

چارلز دیکنز

در دنیا لذتی که با لذت مطالعه برابری کند نیست .

تولستوی

در این دنیای گانه چیزی که میتواند ما را از فراموشی نجات دهد کتاب است .

تویک

در بدبختی و تنهائی جانگاه هیچ همزبانی ممکن است دروغ بگوید و فریب بدهد و در دو بر در دو بیفزاید . تنها کتاب است که آزار و فشار در دل را میکاهد .

سعید نفیسی

ستون تمدن قدرتمند بیتیم کتاب و مطبوعات است .

دوزولت

سیاست در زندگی اجتماعی و اخلاقی ملت ها کمی تاثیر دارد ولی یک کتاب ممکن است در این امر تاثیر فوق العاده ای داشته باشد .

کلادستون

صنعتگران از مطالعه متنفرند، مردم متدین علاقمندند، و دانشمندان و عقلا از مطالعه استفاده میکنند . بایگون

طبیعت یگانه کتابی است که کلیه صفحاتش پرمعنی است . گوته

فقر و پریشانی ما بجائی رسیده بود که از اسباب و اثاثیه منزل یک بشقاب و قاشق هم نداشتیم، ولی خوشبختی

ما در این بود که پدرمان در موقع مردن دو کتاب برای ما بمیراث گذاشته یکی کتاب، راه رسیدن مرد صالح به

آسمان و دیگری کتاب "پرهیزکاری و تقوی" . یونیان

قرائت کتابهای خوب مکالمه با مردمان شرافتمند گذشته است . دکارت

کتاب باغ بوستان دانشمندان است. حضرت امیر

کتاب غذای روح بشر است . حضرت امیر

کتاب در اعماق قلب ما جای میگیرد، ما از هوای دل انبخش کتاب تنفس واقعی و کسب حیات معنوی میکنیم و هرچه از ادوار توحش

و جاهلیت تا عصر کنونی بدست آورده ایم همه از دولت افکار نویسندگان و تالیفات آنها بوده است . ؟

کتاب برای جوانان راهنمایی است که آنها را بسوی شرافت و فضیلت میکشاند . ازمی تایلر

کتاب از لوازم و ضروریات اولیه زندگی است و لباس جزو تجمل و زینت آن . اداسموس

کتاب خوب بمنزله بهترین دوست و مونس انسانی است اخلاق و صفات کتاب مانند انسان تغییرپذیر نیست و هرچه از اول

بوده است همیشه هم همان حال باقی خواهد بود. کتاب از تمام دوستان انسانی ثابت قدمتر و باوفاتر و صبورتر است

وهرگز درایام بدبختی ومحنت بانسان پشت نمیکند برعکس آغوش مهربان ورأفت آن برای استقبال ما بمیگشوده است

ودر دورهٔ جوانی مارا سرگرم ومشغول میسازد ودرروزگار پیری وشکستگی تسلیت ودلداریمان میدهد . اسمایلز

کتاب معلّمی است که بدون عصا وتازیانه مارا تربیت میکند . دانشمند انگلیسی

کتاب جام جهان نماست . موگو

کتاب رشتهٔ اتصال وپیوند معنوی است ومردم غالباً بوسیلهٔ آثار ونوشته های مؤلفین که طرف توجه واقبال جامعه

است بایکدیگر هم فکر ومأنوس میشوند وبدانوسیله وجه اشتراکی بامین خویش احساس میکنند . اسمایلز

کتابهای بدهموم فکری هستند وموجبات تباهی دماغ رافراهم میکنند . شوپنهاود

کتاب بزرگ کتابی است که خواننده رابزرگتر ازآنچه هست بنماید . ادوارداوداو

کتاب مونس وغمگسار اوقات اندوه وخستگی است که حزن واندوه رابه سرور وشادمانی تبدیل میکند، رنج وغم را از

آئینهٔ خاطر میزداید وگنجینه ذهن را پرازگوهرهای گرانبها میکند . اسمایلز

کتاب خوب درحکم رفیق خوب است . رومن پیو

کتاب برعالم مدنیت فرمانروائی میکند . ولتر

کتاب بوستان مزینی است که گلهائی ازسینهٔ بزرگان میروید، ازمردگان سخن میگوید وترجمان کلام زندگان است . جاحظ

کتاب بعد از فکر بهترین دوست زندگی است اگر بد باشد هیچ نمیارزد و اگر خوب باشد ارزنده ترین چیزهاست . استایل

کتاب دارای جنبه های خلود و ابدیت است تنها و معابد با شکوه خراب و معدوم میگردد و پرده های نقاشی مجسمه های

گرانبها ضایع و تباه میشوند لیکن کتاب بی هیچ نقصی در طی ازمنه و قرنها باقی میماند . اسمایلز

کتاب عالمی جاودانی و پاکیزه و روحانی است که اوقات فراغت ما در آنجا بسعادت حقیقی نائل میگردد . ودذورت

کتابها بودند که بمن کمک کردند تا از این باطلاق گندیده بیرون آمدم وگرنه هلاک میشدم . ماکسیم گورکی

کتاب همنشینی است که ترا بخشم نمیآورد و دوستی است که ترا هیچگاه ملول نمیکند و پندآموزی است که هیچگاه ترا

بلغزش دچار نمیکند . ؟

کتاب بخوانید و به هنگام تنهائی در عبارات و معانی آن تفکر کنید و موقعیکه با دیگران نشسته اید در گفتار آنان دقت کرده

آنچه را مربوط به افکار شماست فرا گیرید . لرد آویبوری

کتاب ظرفی پر از علم و ظرائف است گاهی از نوادرش میخندی و هنگامی از غرائبش شگفتی میکنی . کتاب در ساعت

تنهائی همدم خوب و در بلا دبیگانه آشنای خوبست . جاحظ

کتاب خوب در حکم ضریح و مدفن جاودانی حیات انسانی است زیرا زندگانی حقیقی بشری فقط عبارت از تفکر است و افکار

نیز در صفحات کتب پایدار و مخلد میماند . بنابراین کتابهای خوب گنجهای شاهواری از اندرز و کلمات حکیمانه است . اسمایلز

کسانیکه با افکار عالی و خوب دمساز ند هرگز تنها و بی مونس نیستند . فیلیپ سیدنی

گوئی کتابها این سخن گویان خاموش و بصدا بالاترین وسیلهٔ دلداریست که برای مردم رنجدیدهٔ آزار کشیده فراهم شده اند .

سعید نفیسی

لذت مطالعه یگانه لذتی است که خالص و بی غل و غش است موقعی که سایر لذات ازبین میرود این لذت همچنان پابرجا باقی میماند .

آنتونی تروولوپ

ما نه تنها باید کتابهای خوب را بخوانیم و دوست بداریم بلکه باید سعی کنیم که وجود ما بمنزلهٔ کتاب خوبی باشد که دیگران از ما سرمشق بگیرند .

فنلن

مردمان فقیر و مسکین میتوانند بدون هیچ دغدغه و تشویش بمصاحبت افکار بزرگان نائل گردند ، زیرا این گلستان معنوی را جز ورود فقط سواد است و هر کس از عهدهٔ خواندن برآید میتواند بی زحمت و حاجب و دربان بدانجا ورود نماید .

مطالعهٔ کتابهای خوب تفکر در اسرار حیات و مصاحبت با دوستان اهل دل برای سعادتمند شدن کافی است . دومکین

مطالعه وسیلهٔ ایمنی از بدی خلایق است و انسان را در قرون گذشته سیر داده و با افکار بزرگان آشنا میسازد .

دکارت

مطالعه یگانه راهی است برای آشنائی و گفتگو با بزرگان روزگار که قرنها پیش از این در دنیا بسر برده و اکنون در زیر خاک منزل دارند .

دکارت

من هیچ غمی نداشته ام که خواندن یک صفحه کتاب آنرا از بین نبرده باشد .

مونتسکیو

من در بالین مرگ مادرم حضور داشتم من نامزد محبوب خود را از دست دادم من شاهد مرگ فرزند خویش شدم

در جوانی گرسنگی و عریانی کشیدم اینها همه رنج داشت ولی مطالعه مستمر کتاب نار احتیاجهایم را بطور مسابقه ای تخفیف داد؟

مطالعه کتاب یعنی تبدیل ساعتهای ملالت بار به ساعات لذتبخش . مونتیسکیو

مطالعه همان اثر را در دماغ میگذارد که ورزش در بدن . ؟

ما نه تنها باید کتابهای خوب خود را دوست بداریم بلکه باید سعی کنیم که وجود ما خود بمنزله کتاب خوبی باشد که دیگران

از ما سرمشق بگیرند . فنلون

میل و علاقه طبیعی من بمطالعه کتاب کشتی زندگانی مرا در اوایل عمر از غرق شدن در گرداب جهالت و فساد اخلاق

رهائی داد در صورتیکه هر کس مثل من در اوان طفولیت از نعمت مراقبت و غمخواری والدین محروم باشد بندرت

میتواند از این گرداب هایل خلاصی یابد . تماس هود

نخست کتابهای خوب را بخوانید وگرنه فردا فرصت خواندن آنها را پیدا نخواهید کرد . ؟

نحوه افکار و اندیشه های انسان بطوری است که ممکن است فقط خواندن یک کتاب پایه اندیشه ها و افکار انسان

را بر مبنای جدید و یا در مسیر خاص قرار دهد و چه بسا ممکن است کتابی مسیر سرنوشت میلیونها انسان را در راه -

مخصوص بیندازد . انیشتین

وقتیکه دفعه اول یک کتاب خوب میخوانم مانند آنست که با یک دوست جدید آشنا شده ام ، وقتی که همان کتاب

را دو مرتبه میخوانم مانند آنست که با دوست قدیمی مجددا ملاقات کرده ام . اولیور کولد اسمیت

وقتی احساس میکنید دیگر هیچ دوستی برایتان باقی نمانده به قفسهٔ کتابهایتان مراجعه کنید . ؟

هر کتاب انگشت دوستی را روشن میسازد . امرسن

هر نوشته ای به یکبار خواندن میارزد . جاحظ

هرگز به کسی کتاب ندهید حتی اگر بآنها اطمینان داشته باشید در کتابخانهٔ من فقط کتابهائی وجود دارد که از دیگران بامانت گرفته ام؟

هر کتاب بخواندن میارزد بایستی در آن دو احد دو بار خوانده شود ، رعایت دستور فوق دو علت دارد یکی اینکه در مطالعهٔ دوم قسمتهای مختلف کتاب بهتر درک میشود و قسمت آخر کتاب موقعی نیک فهمیده میشود که از پایان آن نیز مطلع باشیم و دیگر اینکه در این دو مطالعه وضع روحی ما یکسان نیست در مطالعهٔ دوم ما نظر تازه ای نسبت به هر قسمت پیدا کرده و طور دیگر تحت تأثیر آن کتاب قرار میگیریم . شوپنهاود

همه وقت کتاب موجد انقلابات عظیم عالم بوده است . ؟

همانطور که اخلاق و سیرت اشخاص را بوسیلهٔ دوست و معاشرینشان میتوان شناخت همانطور هم از روی کتابهائیکه میخوانند میتوان بعادات روحی و ساختمان اخلاق آنها پی برد . اسمایلز

همدمی و مصاحبت با کتب و جراید را در کلبه ای محقر دوستتر دارم از زندگانی در عالیترین قصور و عهده داری بالاترین مشاغل و محروم از لذت مطالعه . ماکولی

هنگام مطالعه طرف صحبت فقط دانشمندان هستند ولی در خارج اجتناب از احمقان محال است . اسمایلز

یک محصل باید کتابهای خوب بخواند اما یک نویسنده باید کتابهای مهمل را هم مطالعه کند من مزخرفترین کتابها را میخوانم

و با اینکه جواهر قیمتی اغلب در خزانه هاست گاهی در ویرانه ها گنجهائی پیدا میشود که آدم را خیلی متمول میکند. آدم باید

از هر سوراخ سنبه ای خبر داشته باشد .

برنارد شاو

یکساعت عمر گذشته را به هیچ قیمتی نمیتوان برگرداند اما با دادن چند قطعه پول ناچیز میتوان تجارب تمام عمر

بزرگترین عقلای عالم را تصرف کرد .

منتسکیو

یک کتابخانه بدون کتابخوان از یک جنازه بیفایده تر است اما یک کتابخوان بدون کتابخانه میتواند با انطباق

خاصی راه ایجاد یک کتابخانه را هموار کند .

رایموند روید

خوشتر ز کتاب در جهان یاری نیست
در گلشن زمانه غمخواری نیست
بر لحظه بگوشهٔ تنهائی
صد راحت هست و هیچ آزاری نیست

جامی

بهتر ز کتاب نیست جائی بنهٔ
خوشتر ز کتاب آشنائی بنهٔ
دردیست برای دفع اعراض و جهٔ
بهتر ز مطالعه دوائی بنهٔ

سید بحیر رقعه

حالیا مصلحت وقت در آن می بینم
که کشم رخت بمیخانه و خوش بنشینم
جز صراحی و کتابم نبود یار و ندیم
تا حریفان دگر را بجهان کم بینم

حافظ

در این دنیا به از آنی نیابی
که باشد یک کتابی و کتابی
نشیند با تو هر ساعت خوشی
نیازارد ز تو خویشی و بیگانه
بگوید از برایت داستانها
حکایتها کند از باستانها
نه از خویی برنجی و ملالی
نه چین از عارف او سیر گردی

ایرج میرزا

همنشینی به از کتاب مخواه — که مصاحب بود که و بیگاه

بهجت افزای جان و راحت دل — هرچه دلخواه تست از آن حاصل

این چنین همدم لطیف که دید؟ — که نه رنجید و نه برنجاند

اشتیاق و حکم دهخدا

به از کتاب کسی در زمانه یار تو نیست — که هیچ یار چنو روز در کنار تو نیست

بروز کار، چو او در جهان نیست یاری — کسی انیس و مدد کار و غمگسار تو نیست

به یک بهانه ز سوی تو روی نگرداند — گهی مخالف و گه یار بیقرار تو نیست

بروز ما خوشی از دیرینت نتابد روی — بشام حادثه غافل ز روزگار تو نیست

چو هست دگر یار نیمه ره بخت — رقیب حیله گر و خصم نابکار تو نیست

هزار نکته تو را رایگان بیاموزد — چنین معلمی آسان در انتظار تو نیست

به همیشه به راه سفر مصاحب تو — که چون کتاب رفیقی به اختیار تو نیست

کتابخانه نیلوفر، شط انگیز — دریغ باشد اگر آن کنی شکار تو نیست

رفیق امین و موافق کتاب خوب بود — بهوش باش که هر دوست دوستدار تو نیست

زمانه مانی بیجان یادگارها ماند — به از کتاب تو بخشی یادگار تو نیست

ابراهیم صهبا

از خوردنش چیزی که بخوانی و ندانی — هرگز نشود حاصل چیزیت جز افسوس

بهمه خرد

چندین عمر مایت همچو حبابی بر روی آب — ما میرویم و خانهٔ ما میشود خراب

در چشم ما دگرچه تفاوت کند بنگ — خاکستر سیاه جهان ما چه رز ناب

ما میرویم کس نتواند دگر بر ما — ما را بچشم خویش به بیند مگر بخواب

ما میرویم و در پی ما آید این جهان — با هر چه خیره خوشه که مرا دراید آب

وصل و فراق و داد و ستد اندوه و نشاط — گفت و شنود و سکوت و فغان پرسش و جواب

تا روزگار هست همین باد و این سراب — یک قوم در ذهاب و دگر قوم در ایاب

با هیچ اثر گذار در جهان درنگرفت — تا شد بزرگ گفتی جز ویرگی مباب

با هیچ کس نگفت که چیست در باره که؟ خلق — بر اختلاف نوع و نکاشی بسی شتاب

با هیچ میرویم بمانند بروزگار — از ما بیادگار نمانند جز صلاب

با شد که در نگاشتن ایام بهر ما — صاحبدلان دهند بگیرند از آن کتاب

حاجی سید ابوالحسن ورتا یزدی

کودک

آدمی باید در پنج خصلت با کودکان شرکت داشته باشد یکی آنکه همچون کودکان غم روزی نخورند. دیگر چون بیمار شوند از عذاب ننالند. و گله نکنند و آنکه بسر طعامی داشته باشند با یکدیگر خورند و چون با یکدیگر نزاع کنند در دل نگاه ندارند و زود آشتی کنند و از اندک چیزی بترسند و بارقت باشند و با اندک چیزی راضی و خشنود گردند . بزرگمهر

آنکه اشتهای یک کودک را نخشنود خود خواهد کرد . مثل آفریقائی

اطفال بالطبع مایلند مانند والدین خود باشند و هر کاری را که آنها بکنند انجام دهند . ویلیام کویت

اگر میخواهید بدانید دختر شما پس از ازدواج با شما چگونه رفتاری خواهد کرد، کافی است به صحبت او و برادر کوچکش گوش کنید. سام لوسون

اگر به بچه کمی محبت نشان بدهید، وی صد چندان بشما مهر خواهد ورزید . جان روسکن

امروزه سرگرم کردن یک بچه بیشتر از آنچه که برای تربیت و بزرگ شدن پدرش خرج شده است تمام میشود . هربرت پرودشانو

با کودکان باید نرمی و درشتی را باهم بکار ببریم. و نه اینکه همیشه مانع آن شویم که از راهی که میخواهند بروند، اگر از ایجاد دردسر برای خود در ملامت کردن آنان چشم بپوشیم در آن هنگام که بزرگ شوند مایهٔ دردسر ما خواهند شد ولی بهر قیمت هست

زحمت میتوانید دوباره آنها بچنگ آورید .

پرچون

بهترین دورهٔ زندگانی ما روزگار طفولیت است وهمین که ازآن گذشتیم وارد بدترین مراحل حیات میشویم . هوک

پدران و مادران دورهٔ اول زندگی بچه هایشان را صرف آموختن راه رفتن وصحبت کردن آنها میکنند وبقیهٔ دوران کودکی

کارشان این است که آنها را بنشانند وساکتشان کنند . رابرت تانو

خطاهای کودکان به گردن والدین است . مثل آفریقائی

در هر بچه یک معماری حیرت بخش نهان است . شویان

فرزند بمثل انگشت ششم است. اگر بریدنش رنج دارد واگر نگاهش دارند زشت نماید . نوذد شهریار

قبل از آنکه کودک را کتک بزنید یقین پیدا کرده باشید که خود سبب خطای او نبوده اید . اوستین اومالی

کاش حیوان یا کودک بودم که آینده را امید میدم وگذشته را یاد نمیکردم وفقط بحال توجه داشتم وخوش بودم . لابروید

کودکان یا گذشته را نمیکنند و به فکر آینده هم نیستند دم را غنیمت شمرده وآنرا بخوبی طی میکنند . در بین سالمندان بسیار

معدودند افرادی که اینچنین رفتار میکنند . لابو ویر

کودکان عموماً بیکاری را دوست ندارند بنابراین تمام توجه شما باید معطوف به این باشد که این خصلت مشغله دوستی ایشان

در چیزی صرف شود که بسود ایشان باشد . لاک

کودکان به نمونه و سرمشق بیش از انتقاد نیازمندند . ژوبر

کودک بی پدر چون خیمه ای بی سقف است .

مثل افریقائی

نفرینی که از قلب خاموش کودکی برمیخیزد کارگرتر از خشم نیرومندترین مردانست .

ا - ب . بواونینگ

نگذارید بچه ها گریه کنند زیرا باران هم غنچه را ضایع میکند .

ژان پول

نمیتوانید بکودکی بیاموزید که از خود مواظبت کند مگر اینکه آنرا آزاد بگذارید تا برای مواظبت از خود بکوشد ممکن است اشتباه بکند ولی دانائی وی از میان همین اشتباهات بیرون میآید .

ه . وبیچر

هیچ حزن مثل بدبختی کودکان را اسکلت نمیکند .

هوگو

هیچ رنجی بالاتر از رنج کودکی نیست که برای اولین بار طعم ظلم و قساوت را چشیده باشد .

رومن رولان

گودکی

ز در رگودکی آرام همی بحیرت بادم — که گر ز عمر مرا بهره‌ای کنون بودم

فروغ شوق و امید از دو چشم من میتافت — سرور و وجد ز رخسار من نمایان بود

گل بهشتم بر بنی و لی ز شاخ دل — مرا بپهنه میدان بخت جفت نبود

بر آن نشاط که در نوبهار خنده گل — بکام بخت لب من همیشه خندان بود

سیاه روز بنی‌ام ز دست دیره و دل — بسنوز دیره بر ستور و دل بفرمان بود

بخون دل من زده نه‌اشت آزرنیاز — بچشم بمت من سیم و سنگ یکسان بود

ز دست رهزن ایام در امان بودم — که مهر مادر و لطف پدر نگهبان بود

به مهر مادر جان ز نزه بود در تن من — پر از محبت او یم در بدر شیمان بود

نه‌اشت لوح دلم جز امید نقش دگر — در این صحیفه نه نامی ز یاس و حرمان بود

بسر بزرگی در مغز خرد من جا داشت — خیالها که فزار تر ز حد امکان بود

دریغ و درد که هر آن گمان بلندی بخت — گمر جا و دان بجهان سنگ بخت تو فان بود

از کتاب سپیده از نزد دکتر صاصد

لذت

کسیکه از مشاهدهٔ کارهای نیک دیگران لذت نبرد از انجام کارهای نیک واقعی ناتوان است . لاوانتو

ابله بدنبال لذات موهوم میگردد و جز یأس و ناامیدی نتیجه دیگری در راه خود مشاهده نمیکند ولی عاقل میکوشد تا سرحد

امکان خویشتن را از مشقات و مصائب زندگانی برکنار دارد . ؟

از زندگی خود لذت ببرید . بدون آنکه آنرا با زندگی دیگران مقایسه کنید . کندورسه

از گلستان روزگار گلی باید چید که خارش مدت نخلد و از پیمانهٔ عمر بادهٔ ای باید نوشید که پس از شب مستی خمار صبحش

جان را نیازارد . آ. س. ماردن

اگر در این جهان از دست و زبان مردم آسوده باشیم برگ اشجار و زمزمهٔ آبشار و جریان جویبار هر یک بزبانِ

دیگری با ما سخن خواهند گفت . شکسپیر

انسان بوسیلهٔ برآوردن تمایلات خود نمیتواند به لذت و شادکامی برسد . بلکه در صورتی میتواند بآن سرچشمه راه یابد

که پا بر سر این تمایلات بگذارد . آندره ژید

این لذتهای آنی و موقتی برقی است خطرناک که در ظلمات حیات میدرخشد و جلوهٔ آن دیدهٔ غافلان را خیره میکند ولی خیلی زود شعلهٔ آن خرمن سعادت و اقبال را سوزانیده مشتی بیچارهٔ بدبخت را بر روی تودههای خاکستر آن بحسرت و ناکامی مینشاند.

جورج سانتایانا

برای تولد و مرگ چارهای نیست پس بهتر است از زمان حد فاصل اکثر لذت را ببریم.

غ - ذ

برای خوشی و لذتهای بزرگ باید ناراحتیهای بزرگتری را تحمل کرده باستقبال آنها برویم.

بشر برای لذت بردن بدنیا آمده است زیرا بهمانقدر که بتواند احساس لذت کند کافی است و نیازی بدلیل دیگر ندارد. پرندگان تمام حیوانات باستثنا، انسان باین حقیقت واقفند که هدف اصلی در زندگی لذت بردن از آنست.

ساموئل باتلر

چقدر لذت بخش است که آدم سنگینی بار خودش را روی دوش دیگران نگذارد.

غ - ذ

خواهش نفس و طبع سرکش ما را بدنبال لذات آنی میکشد لیکن عقل برخلاف. غالباً ما را از طی این طریق نهی میکند و بامور شریفتر میخواند بهمین سبب باید در پی لذتی رود که الم ناشی از آن کمتر و کیفیاً بر آن لذت بچربد.

محمد زکریای رازی

خدمت بخلق وظیفه نیست بلکه لذتی است زیرا سلامتی و شادمانی شخص را زیاد میکند.

ژرژ شت

خردمند بدنبال خوشی و لذت نمیرود. بلکه میکوشد از درد و اضطراب رهائی یابد.

شوپنهاور

در زندگی فقط دو چیز هدف انسان است اول تأمین آنچه که میخواهد دوم تمتع از آن فقط عاقلترین افراد نوع بشر بانجام دومی موفق میشوند.

دیل کارنگی

در لذتی که آمیخته به قباحت بود، خوشحال نباشید و تفکر کنید که لذت نمیماند و قباحت میماند.

سقراط

دوام لذت موجب کاهش قدر آن و نقصان لذت موجب افزایش اهمیت آن است . رانته

کسی که یک لذت بیهمتا را بلذت آنی و کوتاه بفروشد بسیار زیانکار است . فخررازی

کسی میتواند از زندگی کاملا برخوردار باشد که بداند میتواند از لذت کاملا چشم بپوشد . ایبسن

کسیکه میخواهد خوشتن را از مصیبتها برهاند باید در تحبس لذات موهوم نباشد چه اگر باشد همچون نابینائی است

که راه را از چاه تشخیص نمیدهد . گوته

لذتهای جسمانی در اول کار به ما لبخند میزنند ولی عاقبت نیش زهرآلود خود را در روح ما فرو برده و هلاکمان میکنند . توماس

لذت دنیا در خرج کردن است نه در جمع کردن و ثروتمند واقعی کسی است که خرج میکند نه کسیکه روی هم میگذارد . جمالزاده

لذت عبارت از آن خوشحالی است که در حصول یک آرزو بانسان دست میدهد و چون آمال انسانی را نهایت نیست

حظوظ و لذایذ را هم گرانهائی پیدا نمیشود . کاظم زاده ایرانشهر

لذتی که از علم حاصل میشود دنیائی الایش است . افلاطون

لذت را در عمق هر خر میتوان یافت اما نصیب کسی است که آن را بیرون بیاورد . ؟

لذت انفرادی بسرعت بیمزه و ملال انگیز نا مایه رنج میشود . شارب

لذت جوانی در نافرمانی است اما مشکل اینست که دیگر امر و فرمانی وجود ندارد . ژان کوکتو

مرد خردمند اتفاقاتی را که از نظر افراد عادی مصیبت جلوه میکند وسیله کامیابی و لذت خویش قرار میدهد . متولینگ

مست باش و مخروش، گرم باش و مجوش، شکسته باش و خاموش که بوی درست را دست بدست برند و شکسته را بدور دوش

نجات خواهی به تسلّی شو، بقاطبی از پی فنا شو .

خواجه عبدالله انصاری

میوهٔ کار بشیرینترین لذّات است

؟

میوه‌ای که در دسترس ماست از میوه‌ای که بالای شاخهٔ درخت است لذیذتر میباشد ولی از این جهت میوهٔ بالای درخت در نظرمان جلوه میکند که دستمان بآن نمیرسد .

دلتر

نباید فراموش کنیم که مسرّات و لذّات زندگی مفت و رایگان نیست و غالباً در مقابل آن رنج و محنتهائی را تحمّل میکنیم بهمین دلیل مصائب و سختیهای ما بی نتیجه نمی ماند و به پاداش آن سعادتی خواهیم داشت . شکایت و ناله مصیبت ما را رفع نمیکند پس چرا بیهوده خود را در رنج میدهیم و زحمت شکایت بیجا را تحمّل میکنیم . اگر مصائب روزگار را با مناعت و متانت و شجاعت استقبال کنیم بسعادت منتهی شود همیشه عادت کنید که خوبها را ببینید و از بدیها چشم بپوشید شهد را بنوشید و شرنگ را ندیده بیندارید لرد ایوبوری

وجدان همان اندازه لذت بخش است که پاک است .

پولن

هدف و آرزوی ما باید کار را انداختن زندگی باشد . نه لذت بردن از زندگی .

مکدف

بهترین لذّتها کار و فعالیت است بشرط آنکه هدفی هم در نظر باشد ، در این صورت کار جزو زندگی خواهد شد .

غ - ذ

هر کس باید مطابق لیاقت و ارزش اجتماعیش از زندگی برخوردار شود .

غ - ذ

هر عیش و لذتی را که در دنیا بنظر بیاورید دارای رنج و زحمت است و اگر فوراً برای ما تولید زحمت نکند در آینده -
اسباب درد سر خواهد شد و فقط دو لذت است که هرگز نتیجه ناگوار و درد و رنج و پشیمانی در پی ندارد و این دو لذت -
عبارت است از : اوّل لذت نیکی کردن بمردم، دوّم لذت انجام وظیفه زیرا خوشی فداوانی را بعداً
احساس میکنیم . روسو

همیشه کوتاه ترین لذت شیرین ترین لذتهاست . ؟

یکی از ناشناخته ترین لذتها در زندگی حرف زدن با خویشتن است . فرانسیس رواتو

بجهان خرّم از آنم که جهان خرّم از اوست — عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست

پادشاهی و گدائی بر ما یکسان نیست — که بر این در همه بر پشت عبادت خم از اوست

غم و شادی بر عارف چه تفاوت دارد — ساقیا هر چه بر شادی از آن کم نه غم از اوست

سعدی

مستی از فتنه پرسی و شور عاشقی — وآن کجی دانی از که در آشتی ام نیست

با صبح دمی شیر از آتشی است — هر که را در وی گرفت آرامش نیست

سعدی

گر لذت ترک لذت ببدانی — ور شهوت نفس لذت نخواهی دانی

هزاران در از خلق بر خود ببندی — گرت باز باشد در آسمانی

سفرهای عالی کند مرغ جانت — گر از چنبر آز بازش رهانی

ولیکن تا صبر عقابش نباشد — که در دام شهوت نگردد جهانی

ز صورت پرستیدنت میپرسم — که تا زنده ای ره بمعنی ندانی

گر از باغ الفت گیاهی نیابد — گیاهت نیاید گل بوستانی

دریغ آیت هر دو عالم خریدن — گر اقتدر نقدی که داری بر آنی

بیا تا به از زندگانی بریدن — چه افتاده صرف شد زندگانی

چنین میوه دل کسی خورد و خوب در سر — که پیوسته ترسم از کار دنیا بمانی

وصیت همین است جانا بیاور — که او قات ضایع مکن تا توانی

سعدی

دستر نج تو همان به که نشیند صرف بکام — دانی آخر که بدین کام چه خواهد بودن

پیر میخانه همی خواند معمائی خوش — از خطا جام که فریاد چه خواهد بودن

حافظ شیرازی

محبّت

آن احساس سرشار آمیخته به تبسّم که از دو لب ما درجستن کرده و بر خسار فرزند نقش می بندد نامش عاطفه است ؟

انگلس که بدیگری خدمت میکند اگر نخواهد خود را پست و خسیس نشان دهد، باید بکاره آن را از یاد ببرد، محبّتی را که در حق کسی شده بیاد او آوردن و درباره آن سخن گفتن یا بزبان آوردن چندان تفاوتی ندارد . دموستن

انگلس که حسّ احترام و محبّت خدمتگزاران را برنمیانگیزاند، انسان آزاده واقعی نیست . اندربوکارنگ

ارزانترین همه چیزها مهربانی است که بکار بردن آن مستلزم کمترین ناراحتی و فداکاری است . اسمایلز

از دل برود هر آنکه از دیده برفت ؟

اشک چشمی را خشکاندن، بیش از آن مایهٔ شهرت و افتخار است که دریای خون براه انداختن . بایرون

اگر بار دیگر بزندگی بازمیگشتم بهمه مهربانی می نمودم و در حق همه کسان نیکی میکردم. ولی چون را هی بچنان زندگی نیست بهتر آن است که هم اکنون چنین کنم و از نیکی و مهربانی غفلت نورزم و آنها را پشت گوش نیندازم . پن

اگر بر آب روی خشی باشی و اگر بر هوا پری پرنده ای باشی دل بدست آر تا کسی باشی . خواجه عبدالله انصاری

اگر بخواهم حال خردمندی که بدون محبت و عشق زندگی میکند بیان نمایم باید بگویم چشمان شفاف در روشنی را که در ظلمت بگشایند هیچ فایده‌ای از بینائی نخواهد برد . مترلینگ

اگر شما مهربان و رئوف نباشید وظایف خود را در دنیا بطور کامل انجام نداده‌اید . شارل یوکستون

اگر بخواهی قلبت پر مهر و انباشته برحمت شود بر یتیمان ترحم کن و حاجات آن ها را برآور و دست لطف و محبت بر سر آنها بکش . حضرت امیر(ع)

انسان بنده احسان است . حضرت امیر(ع)

ای مالک یتیمان و پیران را که ناتوان شده اند از خاطر مبر و بسوداره در فکر کمک بآنها باش چه کودک خردسال و مرد سالخورده اگر کفیل نداشته باشند عاجزند و راهی برای تحصیل معاش ندارند و به سئوال نمیپردازند که برای خود کاری فراهم کنند . حضرت امیر(ع)

با یتیم چون پدر مهربان باش . حضرت محمد(ص)

با نمایاندن دلسوزی و علاقمندی بدیگران خود را از یاد ببرید . دیل کارنگی

با محبت میتوان دنیا را تسخیر کرد .

باید عنان ترحم خود را کاملا در دست داشته باشیم والا ترحمیکه عنانش از دست شخص خارج شود بیشتر از بیرحمی زیان میرساند؟

برای روح بزرگ همه چیز بزرگ و محترم است و برای روح کوچک همه چیز کوچک و بی اهمیت است حتی دوستی و محبت . پاسکال

برای جلب علاقه باید اظهار علاقمندی کرد . دیل کارنگی

برای دوست خود یکدفعه تمام محبت خود را اظهار مکن زیرا هر وقت اندک تغییری مشاهده کرد ترا دشمن میدارد . سقراط

بود اواخر لحظات زندگیش بیانات خود را در دو کلمهٔ ذیل خلاصه کرد ، محبت ، دلسوزی . بودا

بهترین مردم کسی است که برای مردم سودمندتر باشد . حضرت محمدؐ

بهوده از دیگران انتظار محبت نداشته باشید این محبت را شما باید در دل دیگران ایجاد کنید . حجازی

بخاطر یک گل سرخ باغبان نوکر هزار خار میشود . مثل ترکی

پاکدل باش تا دلها را پروانهٔ خود سازی . کاظم زاده ایرانشهر

تبسم زیبایان به سان طلوع خورشید زندگی است . ؟

تمام تعقلات و اندیشه های مرد بیک محبت زن نمیارزد . ولتر

جز با عشق و محبت طالب ازدواج مباش ولی خواهان کسی شو که مستحق ابراز علاقه و یگانگی باشد . دا پوله

حس شفقت و مهربانی مانند کلید زرین است که دریچهٔ دلها را بروی انسان میگشاید . اسمایلز

دانهٔ خدمت نیکو بیفشان ، یادگارهای شیرین از آن بیرون خواهد آمد . مادام دمستاهل

دریغا که زبان و دل همیشه با هم نیستند . گاهی دل از بی پروائی و تند روی زبان خونابه میریزد و گاهی که دل از مهر و محبت میجوشد ، زبان هیچ سنگ بسته از جائی جنبد . حجازی

در هیچ جا و هیچ موقع دشمن نمیتواند به محبت غلبه کند . سیدنی

در عالم چیزی بالاتر از محبت نمی بینم . بتهوون

در جهان یگانه مایه سیه بختی انسان محبت است . افلاطون

در مکانیکه محبت فرمانروا است ، ظلم و جور محکوم بزوال است . ؟

دل آدمی زنده ایست که با مهر و محبت رام میشود . حضرت امیرؑ

دنیای ما چون کوهساریست که هر کس در آن بانگ زند انعکاس صوت خویش را میشنود ، کسیکه روحش از مهر و محبت

سرشار باشد از دیگران جز محبت و وفا نمی بیند . لرد آویبوری

دنیا را محبت نجات میدهد ، این مرض بزرگ بشریت را محبت میتواند مداوا کند . کمال الملک

دیگران را مشمول عواطف و همدردی و غمگساری خویش کنید . دیل کارنگی

دل بدل راه دارد . مثل ایرانی

دولت را همچنان تمیز کن که ظرفت را . مثل چینی

راه درست و نجیبانه کشتن دشمن نیست ، با مهربانی میتوانید چنان او را عوض کنید که دیگر نتواند دشمن باشد و در این

صورت او کشته شده است . آلاین

رحیم در لطف باش ولی دقت کن که مهربانی و عطوفت تو مستحق عقوبت و سختی شامل نشود تا موجب فساد نگردد . ارسطو

زمانی هست که سه کلمه که با محبت و فروتنی ادا شود ، پاداش بسیار بهتر از سه هزار جلد کتاب دریافت میکند

که با تندی و تلخی و بی اعتنائی حکمت و فرزانگی نوشته شده باشد ، روشن نوشتن نباید قلب ما را از حقیقت اگر حقیقتی

وجود داشته باشد دور کند . هـ . هوکر

بانوی مهربان شوهرش را برای همیشه تصاحب میکند . بودیس پاسترناک

زندگانی اگر با عاطفه سرد کار نداشته باشد گوارا و ارزنده نخواهد بود . ؟

سعادت و شادکامی با میزان محبت ماست . ؟

سگها بزحمت لطف و احسان زیاد را تحمل میکنند و انسان خیلی کمتر از آنها . شوپنهاور

شادی حقیقی نصیب کسانی است که قلبی مالامال از محبت دارند . ؟

شش وسیله جلب محبت مردم ۱- صمیمانه نسبت بغیر علاقمند باشید ۲- تبسمی بر لب داشته باشید ۳- بیادبیاورید

که نام هر کس برای او شیرین‌ترین و مهمترین لغت قاموسهاست ۴- گوش دادن بیاموزید طرف خود را بشوق

آورید که از خود سخن بگوید ۵- با مخاطب از آنچه دوست دارد صحبت کنید ۶- صمیمانه و صادقانه اهمیت او را برای

خودش محسوس سازید . دیل کارنگی

شعله درخشان و کوتاه خشم پیکان محبت را تیز میکند . ژاندارک

شمشیر علیه محبت و مهربانی وجود ندارد . مثل ژاپونی

غریب کسی است که حبیبی ندارد . حضرت امیرؑ

فلک با تابش خورشید پاداش مهربانی را میدهد . بایرون

قایق محبت حتی بر کوه صعود میکند . ؟

قوام همه موجودات بسبت محبت است و هیچ موجودی از محبت خالی نتواند بود چنانکه از وجودی و وحدتی خالی نتوان بود. خواجه نصیر طوسی

قلبی که مهر میورزد همیشه جوان است . ؟

کتاب محبت را بدقت مطالعه کردم صفحات مسرت بخش آن را مختصر یافتم و تمام اوراق را با رنج و اندوه مالامال دیدم. گوته

کسیکه برای محبت حدودی قائل میشود اصلا معنای محبت را نفهمیده است . پوشگین

کلمات مهر آمیز نفش خود را در جان آدمی میسازد و چه نقش زیبایی است. بشنونده آرامش و آسایش و نیرو میبخشد و او را از احساسات تلخ و تند و خالی شرمسار میکند ما هنوز بآن آغاز نکرده ایم که کلمات محبت آمیز را به آن فراوانی که شایسته آنهاست بکار بریم . پاسکال

کوششی که برای خوشبخت و شادمان کردن دیگران بکار میبریم مایه برتری مقام خود ما میشود . ل.م. چایلد

کسی که مهربانی میکارد حق شناسی درو میکند . مثل تازی

کلید یکه همه دشواریها را در زندگی خواهد گشود محبت است مثل ایرانی

گاه از یک تبسم همچو از لبخند آفتاب، دنیائی روشن میشود . حجازی

گاهی لقمه نانی با ضیافتی برابری میکند . ف. تونگی

گوهر بی مانش صیقل نمی پذیرد و آدمی بی محبت . مثل چینی

محبت زبان رفعت است . حضرت امیرؑ

محبت فرمانروای فاتحی است که حاکم بر وجود مردم صاحب کمال است . رحمت عیر

محبت در ازدواج از احترام ایجاد میگردد . فلون

محبت تلخکامیها را شیرین و یأس را با امید و غم را به شادی و بدبختی را بخوشبختی تبدیل میکند . ؟

محبت در حقیقت بسان قطرهٔ ژالهٔ رخشان است که در کاسهٔ یک گل خندان قرار دارد معرفتش در اعماق روانهای پاک و دلهای تابناک است . لامنه

محبت معشوش زود انحلال پذیرد چنانکه درم و دینار منقوش زود تباه شود . خواجه نصیر طوسی

محبت یک احساس شورانگیز است، درست مانند مارش نظامی . فرانسوا ساگان

محبت پژمردگان را شاداب، ناتوانان را توانا، گمراهان را هدایت، مأیوسان را امیدوار و خسته دلان را جان تازه بخشد . ؟

محبت واقعی شبیه گیاهست که آهسته رشد و نمو میکند و مادام که در برابر مشکلات و شقاوت پایداری نکند لایق اینکه آن را محبت واقعی بخوانند، نخواهد بود . واشنگتون

محبت سرمایهٔ جاودانی راد مردان جهان است .

محبت را به هیچ چیز تشبیه نتوان کرد ، زیرا که هیچ چیز رقیق تر و لطیف تر از محبت نیست . سمنون محب

محبت را فراموش نکنید و آنرا ناچیز نشمارید . افلاطون

محبت داروی شفابخش قلبهای شکسته و دردهای ناتوان است .

محبت گوهر گرانبهائی که در بعضی از قلبها خاکستر روی آنرا گرفته است این پوشش نازک و مختصر را با تبسم و خندیدن بزدائید تا گوهر گرانبهائی که پنهان شده است آشکار شود و با درخشش خود روح و قلب همگان را روشن سازد . بزرگ

مردم در قلمرو احساسات خیلی زودتر با یکدیگر آشنا و صمیمی میشوند تا در منطقهٔ نفوذ عقل و منطق . گوستاو لوبون

مرد یکه برای وصول بتوفیق و رستگاری بشر ، دشوارترین رنجها را بر خود هموار میسازد و نیکوکاری و محبت را ایگانه داروی دردهای بشری میداند مقامی والا و ارزش عالی دارد .

مسیح و سقراط بر مبنای زمینه های کاملا مخالفی ، یک چیز را گفته اند عقل محبت است ، محبت عقل است . مطلب اساسی که این دو جمله برابهای مختلف القا میکنند ... همان صفتی است که همهٔ تمدن بشری بر آن بنا شده است . الکساندر مایکجان

من از ساختمان قلب خود در شگفتم که چون سنگ با مقاومت و گاهی چون شیشه بطاقت است ، طوفانهای حوادث مرا تکان نمیدهد ولی از یک نسیم ملایم محبت بر خود میلرزم . نظام وفا کاشانی

مهربانی رشتهٔ زرینی است که افراد اجتماع با آن بیکدیگر پیوسته میشوند . گوته

مهربانی زبانی است که لال میتواند با آن سخن گوید و کر میتواند آن را بشنود و بفهمد . بودی

مهربانی ها همچون عسلی است که نیش نامهربانی را در دیگری کند میکند . لاندور

مهر و دوستی پایه هستی و ریشهٔ امید و بنیان زندگانی است و اگر از پهنهٔ کاینات پرتو محبت فروغ افکن برگشته بود، جهان

و چگونگی آن ناپسند و بی رونق مینمود . ؟

محبت را از ماهی باید آموخت که از آبش بیرون آری بمیرد . مثل ایوانی

مهربانی مانند بذر گندم کاشتن است و بعد افزایش می یابد . مثل آفریقائی

نیاز به محبت دیگران از سخت ترین غرائز ماست، خوشبختانه خزینهٔ دلها همه از این گوهر انباشته است حجازی

وقتی شما نسبت بدیگران مهربان هستید، یعنی بخودتان مهربانترید . فوائکلین

وقتی کسانیکه در اطراف من هستند دارند بی غذائی میمیرند کاری که برای من مجاز است اینست که بگرسنگان

غذا بدهم . گاندی

وقتی قلبت را هدیه میکنی مواظب باش . مثل آفریقائی

هر که از سنگینی دل خود آزرده باشد و خواهد که دلش نرم گردد یتیمی را نزد خود بخواند و با او مهربانی کند و بر سفرهٔ خود بنشاند

و از روی شفقت دست بر سرش بکشد. همانا که یتیم را بر مردم حقی عظیم است حضرت محمد

هر چه کمتر سفرهٔ بدبختیهای خودمان را پیش روی دیگران بگشائیم محبت و همدردی آنان را بخود جلب کرده ایم . دیوی

همانطور که بقای موجودات بسته به حرارت آفتاب است حیات انسان نیز نیازمند روشنائی عشق و محبت است . دوبه

هیچ بلای آسمانی بدتر از محبتی نیست که به تنفر و کینه تبدیل شده باشد . کومگزیو

هیچ حرز مانند احسان انسان را اسیر نمیکند . ارسطو

یک قلب مهربان، چشمه ای از شادی است که هر چیز را در اطراف خود بالبخند تر و تازه میکند . واشنگتون ایروینگ

یک هدیهٔ با ارزش بدون خرج که هرگز فراموش نمیشود مهربانی و محبت است لاودنس

یگانه سلاح که میتواند صلح و صفا را در میان ابناء بشر تضمین کند محبت است . ؟

یک کلمهٔ محبت آمیز میتواند تمام فصل زمستان انسان را گرم کند . مثل ژاپونی

آخر مهر و محبت نه همین سوختن است
تا چها بر سر خاکستر پروانه رود

ذوقی قراردستانی

ای که با دوست محبت ز نزدیکان میکن
روزگارت خوش کز عشق جوانان میکن

ابوالحسن ورزی

پیش از دوستی از آن پاره میکنیم
تا باز بندم و تو ز دیگر توئم

ذوقی قراردستانی

تسلی دل خود میکنم بمهر و محبت
گهی بزاری اشکی گهی به شعله آهی

فرهنگ بیضایی

درس ادیب اگر بود زمزمه محبتی
جمعه بمکتب آورد طفل گریزپای را

نظیری نیشابوری

ز جانان مهر و از ما جانفشانی
جواب مهربانی مهربانیست

همام تبریزی

عشق مایه‌ٔ غنای لب و گنج مراد
دل خالی ز محبت صدف گوهر نیست

رهی معیری

گرفتار محبت را نشانی نیست — که خود خاموش و حرفش بر زبانهاست

زلیخا شاملو

ما قصهٔ سکندر و دارا نخوانده‌ایم — از ما بجز حکایت مهر و وفا مپرس

حافظ شیرازی

نیست بی شور محبت جزئی از اجزای من — ناله‌ای برخیزد بسان نی ز هر تار و پای من

تمنا سبزواری

بی مهری روزگار نکند اثرت — یاد آمد و بوسه بر سر مهر

وفا قمی

نامم ز کارخانهٔ عشاق محو باد — گر جز محبت تو بود شغلی دیگرم

ای عاشقان روی تو از ذره بیشتر — من کی رسم بوصل تو گر ذره کمترم

حافظ شیرازی

رشته گر باریک باشد در محبت یک دلی است — جهد کن تا از کشاکش نگسلد این رشته را

نکهت

من رشتهٔ محبت تو پاره می‌کنم — شاید گره خورد بتو نزدیکتر شوم

مرتضی قزوینی

از محبت تلخها شیرین شود — در محبت مهها زرّین شود

از محبت خارها گل می‌شود — در محبت سرکه‌ها مُل می‌شود

از محبت دُردها صافی شود — در محبت دردها شافی شود

از محبت دار تخت میشود — در محبت بار بخت می‌شود

از محبت سجن گلشن می‌شود — بی محبت روضه گلخن می‌شود

از محبت نار نوری می‌شود — در محبت دیو حوری می‌شود

از محبت سنگ روغن میشود — بی محبت مُوم آهن می‌شود

از محبت، حزن شادی می‌شود — در محبت، غول هادی می‌شود

از محبت بیش نوشی می‌شود — در محبت شیر موشی می‌شود

از محبت سقم صحت می‌شود — در محبت قهر رحمت می‌شود

از محبت مُرده زنده می‌شود — در محبت شاه بنده می‌شود

این محبت هم نتیجه دانش است — گر گلابه بر چنین تختی نشست

مولانا جلال الدین مولوی

مرد

امتحان کنید مرد را به فعل او نه بقول . افلاطون

برای یک مرد هیچ شکنجه ای بالاتر از آن نیست که قابل ترحم باشد . ناپلئون

بر زنان خود با احترام بگذرید آنها گلهای آسمانی را در حیات زمین میکارند و جامهٔ دلپذیر روز زیبای محبت را میبافند

و در پردهٔ عفاف احساسات لطیف را میپرورانند . شیللر

بندرت مردی پیدا میشود که بدون شاهد عمل خیری را انجام دهد . سه نگ

پسرت را هر وقت میخواهی زن بده ولی دخترت را هر وقت میتوانی . فرانکلین

توانا ترین مرد آنکس است که به نیروی دانش بر خواهش و آرزوی خویش چیره شود . حضرت امیر

در بحرانهای بزرگ وظیفه مخصوص زنانست که از مصائب مردان بکاهند . ناپلئون

زن بد مرداب خوشرنگی است که مرد در آن غرق میشود . مثل افریقائی

مرد در زندگی خود تکیه گاه و پشتیبانی بهتر از زوجهٔ نیک سیرت و با اخلاق نمیتواند بدست آورد . دوتوکویل

مرد پاک زن نیکو سیرت را شایسته احترام میداند . — میلتون

مرد کامل آنستکه دشمنان ازاو در امان زیست کنند نه آنکه دوستان ازاو هراسان باشند . — سقراط

مرد باید راست بالشد نه اینکه دیگران اورا راست نگه دارند . — مارکولی

مردان آفرینندهٔ کارهای مهمند و زنان بوجود آورندهٔ مردان . — رومن رولان

مرد عالم کسی است که همیشه درصدد فرا گرفتن چیزی باشد . — دوسو

من هروقت وارد منزل خود میشوم تمام غصه و ملالتهای خود را فراموش میکنم . — ادموندبورک

مرد یکه پوسته اظهار تأسف میکند، بدرد نمیخورد .

هر مردی میتواند داماد شود اما هر مردی نمیتواند مرد باشد . — مثل یونانی

مه بایه که درگشش دهر — سنگ زیرین آسیا باش

گرت از دست برآید دمی شیرین کن — مهر آن نیست که مشتی بزنی بر دهنی

سعدی

مرگ

آخرین نوشته قبل از مرگ آندره شینه شاعر و رومان نویس فرانسه ا

بگذار هرچه زودتر مرگ فرارسد. زیرا که از زندگی خسته شده ام. آخر به چه چیز این زندگی دل خوش کنم. کدام صفا و یکرنگی. کدام پایداری مردانه. کدام شرافت و پاکدامنی. کدام قدس و تقوائیکه داد جویان در پی آنند کدام سایهٔ خوشبختی. کدام اشک مودت. کدام خاطرهٔ نیکوئیهای گذشته. کدام اثر دوستی. این جهان را آن ارزش نیست که ترکش ملالی بدنبال داشته باشد، همه جا ترس فرمانروائی وخدائی میکند همه جا پستی و دورونی حکمفرماست همه جا. همه جا جز مردمی پست و دورو نیستیم. خداحافظ ای دنیا، خداحافظ!

اندره شینه

آدمی جز باندکی و آنهم برای مدتی کوتاه نیاز ندارد. چه زود باید از تن خاکی خود که طبیعت ممسک برای ساعتی باو عاریت داده است صرفنظر کند.

یانگ

آرزو دارم که تا آخرین رمق وجود من ثمربخش باشد و هنگامی بمیرم که از من هیچ خدمتی ساخته نباشد.

بوناردشاو

آرزوی تجدید حیات آدمی یک آرزوی ابلهانه است زیرا بوجود آمدن انسان یک اشتباه و یک حادثه غم انگیز

است که بهتر است اساساً تجدید نشود . شوپنهاور

آنچه بهنگام مرگ براندوده میافزاید بی هنری فرزندکارهای بیهوده و ناپسند دوست و هرآنچه ازغم میکاهد، هنرمندی و اندوخته داشتن کرداریک و پسندیده اش میباشد . ؟

آنچه باعث آزار ما میشود زندگی است و یک بیمار همینکه مرد تمام آلام او از بین میرود . مترلینگ

آنچه ما بنام مرگ میخوانیم یک زندگی است که هنوز نتوانسته ایم چگونگی آنرا بفهمیم . مترلینگ

آنها که خودکشی میکنند برای اینست که محبوب شوند و دلهارا بسوزانند غافل از اینکه برای محبوب شدن، وسائل بهتری داریم . حجازی

آخرین عضوی که در وجود یک زن میمیرد، زبان اواست . مثل هندی

آنکه تهمت میزند هزار بار میکشد و قاتل یکبار . مثل چینی

از زندگی چه میدانیم که از مرگ بدانیم . کنفوسیوس

از مرگ نترسید زیرا تلخی او از ترس از اوست . سقراط

از صدها هزار افراد بشر بیش از نیمی چند با کفن خونین به سیه چال مرگ فرونخواهند شد . غزالی

از عجایب زندگی یکی این است که مرگ درست وقتی ما را در میابد که آماده شده ایم تا از یک زندگی شیرین برخوردار شویم . برناردشاو

اسقف سن پیر. در موقع مرگ «ولتر» به بالینش حاضر شد و از او پرسید چه حس میکنی گفت، مثل اینکه میخواهم مسافرتی به ییلاق کنم. و با همین آسایش و اطمینان فکر دنیا را وداع گفت . ولتر

اغلب افراد برای مرگ ناگهانی آماده ترند تا موفقیت ناگهانی . گیل فلان

اگر مرگ در کار نبود هرگز اخلاق در زندگی وارد نمی شد . شاتوبریان

اگر در جهان چیزی تغییر نمیکرد، اسباب تأسف بود زیرا ممکن نبود بشر بسعادت آرام بی غل و غش نظیر مرگ برسد. تولستوی

اگر متوجه بودیم که هر آن ممکن است دست روزگار ما را از هم جدا کند مهربانتر از این با هم رفتار میکردیم . حجازی

اگر از مرگ توقع دوستی داری برای پذیرائی او آماده باش و اگر آن را دشمن میپنداری برای پیروزی بر او خود را مهیا کن برتری مرگ تنها در آن هنگام است که همچون بیگانه ای بسر وقت ما بیاید . کوادلوز

اگر میدانید که یک محکوم بمرگ، بهنگام مجازات تا چه حد آرزوی بازگشت بزندگی دارد، آنگاه قدر روزهائی را که با غم سپری میسازید بهتر میدانستید . بوعلی سینا

اگر نتوانیم آزاد زندگی کنیم بهتر است مرگ را با آغوش باز استقبال کنیم . گاندی

اگر مرگ نبود زندگی شیرینی و حلاوت نداشت . متولینگ

امید و آرزو آخرین چیزیست که دست از گریبان بشر برمیدارد . دوسو

امروز منتظر فردا هستیم و فردا که شد انتظار پس فردا را داریم و پس فردا منتظر هفته بعد و آن هفته منتظر سال بعد و سال

بعد منتظر سالهای آینده میباشیم تا وقتیکه جوان هستیم تصور میکنیم انتظار ما برای تشکیل خانواده است و پس از زن گرفتن و بوجود آمدن فرزندان تصور میکنیم که انتظار ما برای پس انداز و گرد آوردن اندوخته جهت روزگار پیری است در روزهای سالخوردگی هم مترصدانه انتظار فرد را داریم و شگفت اینجاست که نظیر عاشقی که در انتظار معشوق باشد و دقیقه شماری نماید، سعی میکنیم که هرچه زودتر امروز بگذرد و روز دیگر بیاید. یک وقت متوجه میشویم که انتظار ما برای وصول فردا هیچ علتی نداشته جز اینکه منتظر مرگ بوده ایم ... آری آنچه از آغاز حیات در انتظارش بودیم همین است .

مترلینگ

انسان هرچه بر سنش افزوده میشود، حافظه اش کوتاه تر و رشته خاطراتش درازتر میشود .

یودی گاگارین

انسان در سنی که از کار باز ماند بهتر است که سال بعد بدرنگ بمیرد .

ادیسون

انسان بینوا در روزگار تخم میافشاند و حاصل خود را با ناکامی درو میکند و پشت سر او مرگ درو گری است که هیچوقت از کار نمی ایستد .

بایرون

ای مرگ از تو بنخاطر نوری که بر جهل ما میافکنی سپاسگزاریم .

بوسوئه

اینهمه جنایات برای چه، برای ثروت برای پول برای کامرانی ولی پس از تمام این فجایع آیا مرگ مجال میدهد که از اندوخته خود استفاده کنیم .

محمد معود

انسان در طول عمر مشغول یاد گرفتن است ولی معذلک نادان میمیرد .

مثل یوگسلاوی

اگر از تلاش دست برداری از زیستن هم دست برداشته‌ای . مثل چینی

اگر میخواهی مدتها در پیری عمر کنی زود پیر شو. یعنی ضعف و عواقب پیری را بر خود بپذیر و مبارزه بیهوده مکن

با هر نفس که مرد از سینه بر میآورد گامی بسوی مرگ برمیدارد . مثل از کتاب حیش پیری

با اینکه دورهٔ عمر ما کوتاه است دو سوم عمر کوتاه ما در این میگذرد که از کندی مرور زمان ناراضی هستیم و شب و روز در نظرمان بلند جلوه میکند و همواره میخواهیم امروز بگذرد و فردا بیاید گوئی بمرگ وعده داده ایم که در حدود امکان زودتر به ملاقات او برویم . مترلینگ

با اینکه تمام بدبختیهای ما از زندگی سبب میشود بر عکس همیشه از مرگ میترسیم و با اینکه میدانیم مرگ پایان رنجها است از نامش وحشت میکنیم . مترلینگ

باید دانست که رسیدن بکمال مقصود یعنی آرزوی دیگری نداشتن و از جنب و جوش و حرکت افتادن و بعبارت ساده وصول بمقصد یعنی مرگ . مترلینگ

بچهٔ شیرخواره وقتیکه مادر پستان راست را از دهانش بر میدارد در یک چشم بهم زدن پستان چپ مادر را مییابد و بانهایت آرامی و تسلی میمکد و می نوشد. مردن عبارت از یک چنین تغییر و تحولی کوچک است، در ممات کثرت بوحدت مبدل میشود و در حیات وحدت بکثرت . تاگور

بدون مرگ زندگی اهمیت و ارزش نداشت زیرا ترس از مرگ است که زندگانی را در نظر ما اینقدر لذت بخش

وخواستنی جلوه میدهد . مترلینگ

بدتر از مرگ چیست؟ آنکه بعد از آمدنش مرگ را میطلبی . هوگو

برای زنده بودن جسور باش. مرگ را هیچوقت از دست ما گرفته اند . محمد مسعود

بسا کسانیکه در زندگانی مورد نفرت و انزجار بودند. اما پس از مرگ پیشوای اهل دل و محبوب همگان شدند. سیرون

بعضی مردم از ترس مرگ تن بمرگ میدهند و از ترس خواری لباس خواری بتن میکنند . سید جمال الدین اسدآبادی

بعقیده من اگر مرگ در دنیا نبود بشر بآن محتاج بود و میبایست آنرا اختراع کند تا از چنگال کسالتهای زندگی خلاص شود بسیاری از ما در واقع پیش از مردن مرده هستیم. برای اینکه همه چیز خود را از دست داده ایم . مترلینگ

بگذار زندگی مانند گلهای تابستان و مرگ مانند برگهای پائیز نباشد . تاگور

بگذار که مرگ هر روز در برابر چشمانت باشد آنوقت هرگز بچیزهای پست میل نمیکنی و سخت، غبطه چیزی را نمیخوری پیکتوس

بمرگ راضی شدن به فتح نائل شدن است . ویکتور هوگو

بمن بگو قبل از آمدن باین دنیا کجا بودی؟ تا بگویم بعد از مرگ کجا میروی . شوپنهاور

برای کسی بمیر که برایت تب کند . مثل ایرانی

بسیاری از افراد در نتیجه افراط در داروهائیکه میخورند میمیرند نه در نتیجه بیماریهایشان . مثل فرانسوی

به مرگ عدو شادمانی خطاست . مثل ایرانی

بیکار کنید که مرگ شرافتمندتر از زندگی ننگین ستوده تر است — حضرت امیر

تا وقتیکه انسان باقی است فهم این نکته برای او دشوار است که برای جاویدان شدن بایستی بمیرد و بعد از آن مرگ نداشته باشد . — سقراط

تاریکی مرگ همچون سفیدی صبح است همه چیزها را در نظر شخص در حال احتضار زیباتر مینماید . — ایشتو

تحمل هر مصیبتی از نزدیک حتی مرگ بدرجات آسانتر از تصور آن از دور است . — بزرگ علوی

تختخواب خطرناکترین جای دنیاست چون صدی نود مردم در آن میمیرند . — مارک توواین

ترس و بزدل هر روز چندین بار میمرد و باز زنده میشود . — شوپنهاور

تمام دانش ما فقط بدرد آن میخورد که بطرز دردناکتر از سایر حیوانات جان بسپاریم . — متولینگ

تمام اشتباهات ما درباره مرگ ناشی از این است که خیال میکنیم درد و رنجی که ما قبل از مردن میکشیم مربوط بمرگ است در صورتیکه چنین نیست و تمام درد و رنج ما مربوط بزندگیست ، زندگی موجب درد و رنج میشود و مرگ پایان دردها است

تمدن بعدی بشر تمدن سیاهپوستان خواهد بود ، نژاد سفید ، در حال از میان رفتن است خودش هم میداند که کارش تمام است لذا با سرعت مشغول انتحار است . — برناردشاو

تمام آسیب و صدمات این جهان باستثنای مرگ ناشی از عدم ثبات و عزم راسخ است . — مادام ژوفرن

تولد و مرگ اجتناب ناپذیر است و یگانه چاره اینست که از فاصله موجود بین حیات و ممات استفاده کنیم . — سانتایانا

تولد چیزی غیر از آغاز مرگ نیست . ادوارد یانگ

تمام آرزوها دم مرگ زنده میشوند . مثل ایتالیائی

چگونه بر آن امید باشیم که زندگانی ما پایدار ماند با آنکه روزگار گذشته ما باز نخواهد گردید خواه برفراز سفره جلاد
و خواه در روی خاک میدان مرد راشایسته ترین مکان برای جانفدا دن آنجا است که در راه زندگانی دیگران بمیرد دبری

چقدر زندگی شیرین است زیرا انسان یکبار و برای همیشه میمیرد . مولیو

چه خوش مرگی است که با زن و فرزند و دوستان و عزیزان همگی بیک چشم بر هم زدن نابود شویم علم اگر هنوز انسان
خوشبختی ما را فراهم نکرده این نعمت را برای ما تهیه دیده است . حجازی

چه بسا اشخاص که فقط به صدای طنین کلنگ گورکن از خواب بیدار میشوند . ؟

حیات بشر چون شبنم است که از روی برگ گلی میلغزد و میافتد . بودا

حتی وقت فرا رسیدن مرگ نیز والاتر از قوت اراده و نیروی خواستن در وجود ما دارد . گوته

حقیر شمردن مرگ یکی از عمده ترین فضائل اخلاقی است . مونتنی

حتی مرگ نیز بر شیرینی طعم حیات میافزاید زیرا ما را نسبت بزندگانی وابسته و علاقمند میسازد . اسمایلز

خوشبخت کسانیکه در گهواره مرگ را درک میکنند آنها بجز بوسه ها و لبخند های مادر چیز دیگر را نمیشناسند شاتوبریان

خستگی مرگ ناقص است و اگر دوام یافت مرگ کامل میشود . کراین

دارو هائیکه برای رفع ترس از مرگ بما تجویز میکنند مانند خود مرگ خشک و نادلپذیر و مایه دشنام است . چارلز لمب

در تمام زندگی مرگ بما اشاره میکند .

طاعه ذوالمنن

در مرگ نیز مردی باید .

در بخشی از برنامه رسم چنین است که دوستان مرد یکه در حال مرگ است دور او جمع شده و کارهای نیکی که انجام داده است بیادش میاورند .

از کتاب پیام آوران عصرما

دست مرا از تابوت بیرون گذارید تا مردم بدانند که با اینهمه رنج از دنیا چیزی با خود نبردم . اسکندر

دنیا جای فراموشی است و انسان این چند روزه عمر را خواه بیاد گذشته و خواه با میدآینده میگذراند و بعد مرگ بر او مستولی شده و پس از چندی جز فراموش شدگان ابدی محسوب خواهد گردید .

نظام وفا کاشانی

در دوازده سالگی طفولیت میمیرد و در ۱۸ سالگی جوانی و در بیست سالگی عشق نخستین و در سی سالگی ایمان در مردان و در چهل سالگی امید و در پنجاه سالگی خواهشهای نفسانی و از نشست بعد حواس یکگانه بتدریج نیروی خود را از دست میدهد و میمیرد .

شل آلمانی

ذرات یک قطعه سنگی که کنار جاده افتاده بقدری حرکت و نیرو دارد که زندگی ما در قبال آن حکم خواب و بلکه مرگ را دارد .

مترلینگ

روحها را نیز مانند جسمها میکشند .

آناتول فرانس

رهائی قطعی هر کس در نابودی است .

بودا

زمان مانند گرگ وجود ما را پاره پاره میکند و قطعه قطعه عمرمان را میخورد ذهان گرگ زمان با خون میلیونها موجودات رنگین است .

؟

زمین نیز مانند ما بجستجوی خوراکست و از این مردم میخورد و میآشامد . ابوالعلا

زندگی مردم را در یک سطح قرار میدهد و مرگ افراد برجسته را هویدا میگرداند . برنارد شاو

زندگی ما زنجیریست مرکب از چندین مرگ . یانگ

زندگانی را آنگاه برمرگ فضیلت است که بنام باشد نه با ننگ . سقراط

زندگی را پیمائی به سوی مرگست و مردن دخول در حیات جاودانی . نیکول

زندگانی با این همه میاهو ، زندگانی با این همه قیل و قال یکصفحه تولد است و پنج صفحه ازدواج و طلاق و اولاد و یک صفحه فوت ، همین و همین دیگر هیچ و هیچ . محمد مسعود

زنون فیلسوف نامدار در ۳۳۶ پیش از میلاد متولد شده و ۹۷ سال عمر کرده از این عقاید او چنین برمیآید که وی انتحار را عمل بدی نمی دانسته بلکه برای آن ارزش اخلاقی قائل بوده و چون در اخلاق او معتقد بود که باید از طبیعت پیروی کرد و اگر زمانی انسان تشخیص داد که قادر به هماهنگی با طبیعت نیست و باید بحالت طفیلی زندگی کند بنا به وظیفه اخلاقی انتحار کند و سه بار جامعه و طبیعت نباشد و از همین لحاظ بر وایتی در اواخر عمر خودکشی کرده است مطلب دیگری که بوی نسبت میدهند این است که او معتقد به شهر و خانه و وطن نبود بلکه همه جای دنیا را وطن و مسکن خود

میدانست و روی این اصل خودی و بیگانه برای او یکی بود و همه مردم را برای حق و قانون یکسان میدانست و این افکار در سازمان قضائی زمان او بی تاثیر نبوده است در مورد زناشوئی میگوید نباید شخص مدبر نبال زن نیکو صورت و طناز برود چون او با تفرعن و بی اعتنائیش شادی آدمی را منغص میکند .

زندگان مردگانی هستند که ایام مرخصیشان را در این دنیا میگذرانند . متولینگ

زندگی برای انسانها بیماری دردناکی است و مرگ این بیماری را مداوا میکند . ابوالعلا

زندگی چیست ؟ بیداری که تنها یک لحظه طول میکشد و دوباره بخواب می پیوندد و دوران شگفت آور کوتاهی که تولد و مرگ را از هم جدا میسازد جزقه ایست که در ظلمت شب میدرخشد و ناپدید میگردد . لامارتین

زندگی خواب است و مرگ بیداری آن هم از کوتاهی عمر شکوه میکنیم هم سعی میکنیم کوتاهتر گردد . دکارت

ساعتی فرا خواهد رسید . پایان جاده شکوه و افتخار چیزی جز گور سرد نیست . ؟

سرانجام آدمی رشته وجودش قطع میگردد و کسی او را بر نمیگرداند . پس بیائید از نعمات و لذات جهان حاضر استفاده کنیم و از عطایای جهان با حرارت و شوق بهره ببریم . ؟

سختی مرگ آنقدر نیست که مفارقت دوستان . مثل عربی

شب مانند یک ماده گرگ گرسنه با دندانهای خود ساعات زندگی ما را می بلعد و مرگ را از گوشه چشم ، با دقت نگاه میکند . مترلینگ

صاحب اراده فقط پیش مرگ زانو میزند و آنهم در تمام دوره عمر بیش از یکمرتبه نیست . نظام وفا

طمطراق مرگ بیش از حقیقت آن مخوفست . فرانسو باکن

فداکاری جان در دو مورد خوبست اول اینکه چاره منحصر بفرد باشد و به هیچ وسیله دیگری غیر از ایثار جان نتوان منظور را انجام داد، دوم آنکه بدانیم از آن فداکاری دیگران نیکبخت خواهند شد . مترلینگ

فراموشی، مرگ دومی است که مردمان بزرگ پیش از مرگ اول از آن بیمناکند . دبوفکو

فراموش نکنیم که ما خیلی بیشتر از نوح در این جهان بسر برده ایم زیرا ما بوسیله اجداد خود مان هزاران سال در این جهان زندگی میکنیم و هریک از آنها تجربیات و مشاهدات خود را برای ما بارث گذاشته اند . مترلینگ

قبر ای خانه گلهای آشیانه دلها، ای طلسم باز نشدنی، ای شهر ظلمت، ای اقلیم عدم، ای سدی نفوذ ناپذیر که امواج لگام پاره و مطامع بشری از تو تجاوز نمی نمایند، ای سرحد محکمی که لشکرها و سپاهها و جنگها و خونریزیها نزد یک تو تسلیم میگردند چقدر اسم تو مقتدر و مهیب و موحش و بیمناک است . نظام وفا

قو . قبل از مردن آواز میخواند بدبین نبود اگر برخی افراد، قبل از آواز خواندن میمردند . کالریج

قبر اولین تحفه آسمانی به بشر است . مثل چینی

کسیکه در پی امری خطیر جان میسپارد مثل کسی است که تازه زخم برداشته و در گرمی گیرودار جراحت خویشتن را احساس نمیکند، پس کسانیکه همت خود را وقف راه خیر میکنند، از زحمت و آزار مرگ برکنارند و شیرینترین مرگها متعلق بکسانی است

که کارهای بزرگ از آنان سرزده و آرزوهای خطیر آنان برآورده شده است. سقراط

کسیکه از مرگ متنفر شد از زندگی هم متنفر شد. ولتر

گاهی پذیرفتن مرگ نه از فرط دلاوری و بی باکی یا بدبختی و مصائب است بلکه از خستگی و مکررات ایام است. بایکون

گورستانها پر از افرادی است که فکر میکرده اند پس از مرگشان هیچکس نمیتواند جانشین آنها شود. ؟

مأیوس مباش زیرا یأس، مرگ است. حضرت امیر

ما از ابتدای عمر نظیر چابک سواری که مرتبا اسب خود را عوض و در هیچ منزل توقف نمی نماید عجله داریم که زودتر روزها و هفته ها و ماهها بگذرد تا بسر منزل مرگ واصل شویم و این معشوق عزیز را در آغوش بگیریم. مترلینگ

ما تو انا هستیم در آن لحظه ایکه تصمیم میگیریم که بمیریم. ناپلئون

ما در طول عمرمان مثل بازیگرانی هستیم که چند لحظه ای روی صحنه ظاهر میشویم. شکسپیر

مبادا چون شدتی روآورد، تمنای مرگ کنی. حضرت محمد

متولد شدم و ندانستم برای چه؟ زندگی کردم و ندانستم چگونه زندگی کنم، و اکنون میمیرم و نمیدانم چرا؟ پاسکال

مرگ آرزوها را در هم میکند. حضرت امیر

مرگ با عزت بهتر از زندگی با ذلت است. حضرت امام حسین

مرگ را متهم نکنید که سبب جدائی دوستان میشود و خویشاوندان را به فراق ابدی مبتلا مینماید، زیرا ما در زندگی خود

واطرافیان مشاهده میکنیم که غالبًا دوستان و خویشاوندان قبل از مرگ بقدری از هم دور هستند و بطوری رشتهٔ الفت آنها را بریده است که مردن دوست باعث تأثر آنها نخواهد شد .

مترلینگ

مردن در حال ایستادن بهتر از زیستن در حالت زانو زدن است .

دولوروس یا دردی

مرد آزاده کسی است که کوچکترین توجهی به مرگ نداشته و افکارش بسوی زندگی است نه مرگ .

اسپینوزا

مردن فنا شدن نیست ، تعویض دوستان است .

لامارتین

مردن بعلت به که زندگانی بمذلت .

سعدی

مرگ طبیب بارسنیی است که هنگام عجز پزشکان از علاج بسراغ بیمار آمده و او را بهبودی ابدی میبخشد .

مترلینگ

مرگ ، فرمان آزادی است ، انتهای راه پر پیچ و خم و ناهمواری زندگی است . دوران پریشانی و سرگشتگی و بیچارگی با مرگ بسر میآید .

حجازی

مرگ بهیچوجه قابل اهمیت نیست ، مرگ یکی از تحولات مرموز حیات است .

محمد مسعود

مردان بلند نام و با افتخار هرگز نمیمیرند ، زیرا گور ایشان قلوب نسلهای آتیه است .

نویسید

مرگ هرگز دشوارتر از تولد نیست .

آناتول فرانس

مرگ سرجرجیموقع خروس بی محلی است که همیشه در بی موقعترین اوقات قیافهٔ منحوس خود را آشکار کرده بساط آمال و آرزوها ، اقدامات و کوشش ، امید و مسرت ها ، عیش و عشرت ها را بهم می پیچد ، افسانهٔ عمر را با نواری پراندوه و مرموز

خاتمه میدهد .

مرگ هراس ندارد ، زیرا مرگ خوابیست آرام که خیالات آشفته در آن وجود ندارد . سقراط

مردم ، چنان از مرگ میهراسند که گوئی بدون شک بزرگترین شرّ است ، درصورتیکه هیچکس نمیتواند یقین کند که

بزرگترین خیر است . و . تیفودد

مرگ این لطف را نیز دارد که کاخ بلندی را نصیب انسان میکند و حسد و تنگ نظری کسانرا نسبت بوی -

نابود می سازد . بایگون

مرگ بهترین پناهی است برای دردها ، غمها ، رنجها و بیدادگریهای زندگی . همهٔ این جنگ و جدالها ، کشتارها ، در زندگی

کمکشها و خودستائیهای آدمیزاد در سینهٔ خاک تاریک و تنگنای گور فروکش کرده آرام میگیرد . ؟

مرگ دوست آدمهای خسته است . اوریانافالاچی

مرگ کلید زرّینی است که دروازهٔ ابدیّت را میگشاید . میلتون

مرگ را اهل انگارید که مرارت آن در خوف آنست . سقراط

مرگ آرزوی بعضی و مایهٔ نجات بعضی دیگر و سرانجام همه است . سنکا

مرگ مهم نیست ، خوشبخت نبودن مهمترین چیزهاست . هوگو

مرگ یکبار میآید ولی ترس فرارسیدن آن در طول عمر آدمی را زجر میدهد . لابرویر

مرگ پسندیده است از برای صالح و طالح اما صالح برای رسیدن به نعیم دائمی و سرور ابدی و اما طالح برای آسودگی و راحت مردم از شر جور او .

سقراط

مردن نوع بشر خود جزئی از فوائد زیستن است گاهی بجانب جاودانگی است ؛ مردن برای مردمان خوب همچون خوابی کوتاه است که برای رسیدن بکمال و زیستن در ابدیت از آن بیدار خواهند شد .

تراین اد واردز

مرگ آزاد کننده آنکس است که آزادی نمیتواند او را از بند برهاند پزشک کسی است که دارو او را درمان نمیکند مایه تسلی آنکس است که روزگار نمیتواند او را تسلی بخشد .

کولتون

مرگ تاج زندگی است اگر نبود زندگی ، زندگی نبود و حتی ابلهان خواستار مرگ میشدند .

یانگ

مرده را با گریه و سوگواری خود عذاب مده مگر نمیدانی که شام زندگی پر از رنج و محنت او بصبح درخشنده روشنی خاتمه یافته است .

شاعر فرانسوی

مسافرت بمنزله هر لحظه مردن و زنده شدن است .

هوگو

مکرر اتفاق افتاده اشخاص بجهت فرار از مرگ جان خود را تلف کرده اند .

تبو

من اشخاص زنده را آنانی میدانم که مبارزه میکنند ، بی مبارزه زندگی مرگ است .

هوگو

من فقط یک ترس دارم و آن اینست که عمرم بیش از اندازه در این دنیا بطول انجامد و آخر الامر مانند گلیمی پوسیده دیگران را از وجود خویش در زحمت و رنج اندازم .

توماس جفرسن

من دانسته‌ام که شربت مرگ چشیدنی است و بارفتاکشیدنی . آنکه در کاری بلند تلف شوم به که در کاری پست بمیرم .

یعقوب لیث

میگویند زمان میگذرد. افسوس که چنین نیست این مائیم که میگذریم و زمان است که باقی میماند .

هانری دالس

نزدیکترین چیزها مرگ و دورترین چیزها آرزوست .

سقراط

نسلهای مردم مانند نسلهای برگهاست که بادها آنرا بر زمین میریزد ولی آنها همیشه قوت خود را به زمین داده و آنرا آبستن میکنند و در حلول بهار آنرا از نو سبز میسازند .

هومر

وقتی انسان در آستانهٔ مرگ است سخنانش حکیمانه میشود .

کنفوسیوس

وقتی شخص گمان کرد دیگر احتیاجی به شرافتمندی ندارد باید تابوت خود را آماده کند .

دکتر ماردن

وقتی دوست میداری دلت میخواهد زنده باشی و وقتی کینه میورزی آرزوی مرگ میکنی .

از منتخبات کنفوسیوس

وقتی مرد پیر، زن جوانی بگیرد، مرگ با دلبخند نیز میزند .

مثل آلمانی

هر رهروی مقصدی دارد و مقصد نهائی همه مرگ است .

حضرت محمد

هرگاه مرگ کسیکه جویای دانش است برسد و در حال جستجو باشد شهید مرده است .

حضرت محمد

هر روز نشستن مردگان روزنامه‌ها را بخوانید و از اینکه اسم شما در میان اموات نیست خوشحال باشید .

دکتر کلمن

هرگاه بگوری میرسم می پندارم که بر سنگ آن نوشته میخواهی از شما بد نگویند چنان بنمائید که مرده‌اید .

پوژدا

هرکه دوست نفس او جاویدان ماند، باید پیش از مردن آنرا بمیراند . سقراط

هرگاه چیزی بدتر از مرگ بیابی مرض و ناخوشی است و اگر دنبال مثل و مانند آن بگردی بدون شک جز شکستی و فقر چیز دیگری را نخواهی یافت . بزرگمهر

هر کس به نفس زنده است بمرگ بمیرد و هرکه با خلاص و صدق زنده است هرگز نمیرد . شیخ ابی سعید

هرگز نگویید مرگ به سراغ فلانی آمد زیرا مرگ پاندارد و این ما هستیم که به سراغ مرگ میرویم و هر ساعتی که میگذرد یکقدم بمرگ نزدیکتر میشویم . مترلینگ

هر بار که از گورستان بگذری افتخار را خواهی شناخت . سن فرانسوا

هر کس دو بار میمیرد یکبار آنگاه که عشق از دلش میرود و بار دیگر آنگاه که زندگی را بدرود میگوید، اما مرگ زندگی در برابر مرگ عشق ناچیز است . ولتر

هر کس صاحب ثروتی است که ارزش آن از همه ثروت های دیگر او بیشتر است و آن نفس آخرین است . مارک تواین

هر دوست از دست رفته همچون آهن ربائی است که ما را بجهان دیگر میکشد . ریشتر

همراهان و همکاران مرگ از خود مرگ ترسناکترند . زیرا ناله و زاری رفیقان، رنگهای پریده، گریه یاران و لباس سیاه که در هنگام عزا به تن میکنند و مراسم دیگر سوگواری مرگ را پر مخافت جلوه میدهد . سه نفر

همه چیز ابدی است و هیچ چیز از بین نمیرود، بشرط اینکه مرگ را با ازبین رفتن اشتباه ننمائید . در این جهان

مرگ بمنزلهٔ تغییر لباس است و پس از تغییر کوت باز ما باقی هستیم آری ما همگی مثل خدا جاودانی میباشیم و تا پایان جهان خواهیم بود .

مترلینگ

همان لحظه ایکه امید به زندگی قطع شود مرگ فرا رسیده است .

ناپلئون

همانگونه که رسیدن بوی چمنزار به مشام جان برای تن مایهٔ سلامتی است اندیشیدن دربارهٔ مرگ برای روح -

نیروبخش است .

مولیر

هیچ چیز مانند کار نکردن کشنده نیست .

همه قافله پس و پشیم، مرگ به غنی و فقیر نگاه نمیکند. مرگ شتریست که به در هر خانه میخواند. همه چیز چاره دارد جز مرگ. دهخدا

یک عمر از وحشت مرگ بخود میلرزیم. درصورتیکه وقتی او رسید ما چشمهای خود را بر هم گذاشته ایم و او را نخواهیم دید. جحا

یگانه چیز که در جهان من همه بطور عادلانه تقسیم شده مرگ است .

فیلیپ

یگانه نعمت بزرگی که در زندگی داریم و قدر آنرا هم نمیدانیم و اگر نبود چه مصیبتهائی متحمل شده و باین نتیجه میرسیدیم که باید بهر طوری شده آنرا بوجود بیاوریم و آن نعمت جواب تمام دردها، تمام ناراحتی ها تمام سختیها را میدهد، آن گوهر گرانبها اشک است. غ-ذ

مرگ رؤیای بازگشت است و آنکه بعالم نیستی گام می نهد باصل خویش باز میگردد .

ویلیام باتلر

از قعر گلی سیه تا اوج زحل — کردم همه مشکلات گیتی را حل
بیرون جستم ز قید هر مکر و حیل — هر بند گشاده شد مگر بند اجل

ابوعلی سینا

بیا که عمر چو باد بهار می‌گذرد — بکار باش که هنگام کار می‌گذرد
تو خاقنی و شفق خون دیده می‌بارد — که زود میرود و روزگار می‌گذرد
ز چشم ما نظر کیمیا مکن که حیات — که آب خضر از این جویبار می‌گذرد

عمق بخارائی

پر تو عمر چراغیست که در بزم وجود — به نسیم مژه بر هم زدنی خاموشست

سایه اشعری

مرگ اگر مرد است گو نزد من آی — تا در آغوشش بگیرم سخت سخت
من از آن دیروز هستم جاودانی — او ز من دیروز نیست امروز نیست

سنائی

هر زنده دلی که او زنامی دردیست — دانسته ز اسباب تعلق فردیست
هر پیشه‌وری مرگ طبیعی دارد — کو یکه بخانه میرد مرد است

ابونصر فراهی

خاک درسرای مغانم که تا ابر
خیزد صدای بی‌غمی از آستانه‌اش

دریاب نقد وقت که جم با وجود جام
تا رفت در حساب نیارد زمانه‌اش

؟

هر که را خوی بد آخر به درشتی بکشت
گو چه حاجت که برافروزی آتش را

حافظ

افسوس که نشسته‌ای که یاران رفتند
مانند تو پیاله و سواران رفتند

در باغ نماند غیر زاغ و زغنی
بیچین بر بنان بهر حذاران رفتند

::: فضولی

گر مرگ روا بود خود آسان نکند
خود مرگ روا هم ار تو ارزان نکنی

فرد

عمر رفت و آفتاب تموز
از لگن ماند خواجه عنده هنوز

سعدی

مشورت

آنکه با را، دیگران میپردازد. از خطا ها در امان است . — حضرت امیرؑ

اگر میخواهی کاری را خوب انجام بدهی با سه تن از سالخوردگان مشورت کن . — مثل چینی

اگر با یک مرد عاقل به مشورت پردازی نصف حکمت و خردمندی او تو به کمک خواهد کرد . — ؟

اوّل استشاره، آنگه استخاره . — مثل عربی

با کسانیکه براه دیگری میروند مشورت کردن بیفایده است و نشان بیخردی است . — کنفوسیوس

با کسیکه خودکرفتار و یا گرسنه و یا هراسان است شور مکن هرچند که صاحب رأی باشد . — ابن ساعده

با عاقل مشورت کن که رأی او خالی از هوای نفسانی است و با نادان مکن زیرا که او تابع هوای نفس باشد، مشورت مکن با آنکه محاط از مالست بلکه مشورت کن با آنکه محیط بزمان باشد . — سقراط

باید در مشاوره دقیق و خونسرد باشیم و در اجرای آن سخت و جدّی . — ناپلئون

با دشمن نیز باید مشورت کرد تا پایهٔ دشمنی او معلوم گردد . — سقراط

بلند پایه ترین مردم در خرد و اندیشه کسی است که خود را از مشورت بی نیاز نداند . حضرت امیر(ع)

با اینکه زیاد میدانی با کلاهت مشورت کن . ؟

پیش از آنکه عزم کاری کنی مشورت کن ، و پیش از آنکه قدم در کاری نهی بیندیش . حضرت امیر(ع)

پیش از رفتن از رفیق بپرس .

حضرت امیر(ع)

چون با تو مشورت کنند جواب مده مگر بعد از تفکر و اندیشه بسیار تا کمیت رای خود را براه صواب دانی و اگرچه دشمنان باشند نباید بدیشان خیانت کنی و یا فریب و گذارنمائی برای ایشان از خیرخواهی و مصلحت آنچه میدانی . جعفر برمکی

چون ترا شغلی پیش آید هر چند ترا کفایت آن باشد مستبد برای خود مباش که هر که مستبد برای بود پشیمان شود و از مشورت کردن عیب مدار اما با پیران عاقل و دوستان مشفق . قابوس بن وشمگیر

در امور مهم تصمیم باید از شوری باشد نه از یک نفر . حکمت چینی

کسیکه مشورت میکند خویشتن را در راحتی میافکند و دیگران را در تعب . بنجامین فرانکلین

مشورت کنید و افکار خود را با هم بسنجید تا از میان آنها راستی زائیده شود . حضرت امیر(ع)

ممکن است انسان در مورد مسائل مربوط بدیگران درست قضاوت کند ولی در مسائل مربوط به خودش بخطا رود زیرا در موقع قضاوت در امور خودمان « اراده » بفعالیت میپردازد و « عقل » را از کار می اندازد لذا باید با دوست خود مشورت کند . شوپنهاور

مشورت با هزار کس کن و راز خود را با یکی مگو . امثال وحکم دهخدا

مشورت کن با کسی که بگریه ات اندازد نه با کسیکه ترا بخنداند . مثل تازی

دقتی با کسی صحبت میکنیم در اثنای سخن چیزهای تازه ای برایمان کشف میشود که اگر تنها فکر میکردیم هیچ وقت بآن نمیرسیدیم . لرد آویبوری

هرکه در مهمات با خردمندان مشاوره کند شریک عقل آنها میشود . حضرت امیر

هرکه با دانا مشورت کند از رسوائی ایمن باشد . از تاریخ گزیده

ای برادر یار دانا نیک جوی — با چو خود مشورت با او بگوی

مشورت ادراک و هشیاری دهد — عقل ها مر عقل را یاری دهد

میکند دانا در چاره پدید — رای او بر بسته ها آید کلید

مولوی

بهر کار با کاردان راز گوی — در چاره از رای او باز جوی

فردوسی

عقل قوت گیرد از عقل دگر — پیشه گر می شود از پیشه گر

مولوی

فتحی که جهان از او گشاید نز — در بازوی مشورت نهاد نز

گر عقل تو عقده میگشاید — با ما خن شور خوشتر آید

نظامی

گویند که با مشورت کار کن — الحق سخن خوشت ایکار کن

لیکن نه بسیکه از غمت غم نخورد — گر دور زد هین بر بزد اظهار کن

صفوت

هنرمند شیشه بخت ور — نشد زرای خردمند سر

اگر زیرکی کار هشیار کن — بعقل و کرم عقل را یار کن

مرزبان نامه

گفت پیغمبر چو مشورت کنی با زنی — مشورت کالمستشار مؤتمن

مشورت ادراک هشیاری دهد — عقل مر عقل را یاری دهد

مولوی

به پارسایی از این حال مشورت بکنم — مگر ز خاطر من زنگ تفرقت ببرد

سعدی

هر که بی مشورت کند تدبیر — غالبش بر هدف نیاید تیر

سعدی

مضرّات مسکرات

آیا میدانید آنچه را این مرد در جامی لرزان که در دستان مرتعش خود دارد مینوشد چیست؟ اوا اشکها، خون، زندگی زن و فرزندانش را در این جام مینوشد .

لامنه

اگر نوشیدن نوشابه های الکلی، در پاره ای از کشورها ممنوع شده، میزان جنایت چنان کاهش مییافت که پلیس کاری برای انجام دادن نداشت .

نظریه دکتر جان بیرل جراح پلیس استرالیا

اگر بگوئیم الکل غذاست مسخره کرده ایم و به وجدان انسانی توهین روا داشته ایم، چیزی که اینطور گلو و شکم را میسوزاند و عضلات و مغز را فلج میکند و در نتیجه انسان، حیوان دیوانه ای میشود و روح و جسم خود را میکشد غذا نیست، کسانیکه میگویند الکل غذا است اگرچه از دانشمندان باشند کمتر از جنایت کاران جامعه نیستند. با وجودیکه دانشمندان بزرگ درباره ان تحقیق کرده اند الکل غذا نیست بلکه سم شوم نفرت انگیزی است. الکل انسان را بخواب میکند تا روح حیوانی او را بیدار سازد .

دکتر سن ژاک

الکل بزرگترین علت پیدایش رنج و فقر انسانی است و بزرگترین عامل بیماری جهان است .

ژرژ کلمانسو

الکل بزرگترین علت افزایش جرائم جنائی است

هانری روبر

الکل بلای عظیمی است که بشر را از تمدن به توحش میبرد .

ژان ژیبون

الکل غذائیست سمی است برای جسم و روح .

برتلو دانشمند فرانسوی

الکل خطری برای جامعه است من معتقد شده ام که آینده به ملتهائی تعلق دارد که از مصرف نوشابه های الکلی خودداری میکنند. دکتر بوال

بزرگترین دلیل اینکه من مشروب نمیخورم آنست که میخواهم بدانم اوقات خوش من چگونه میگذرد .

خانم آستور

بشر ضربتی را شدیدتر از ضربت مسکرات نخورده .

محمد علی صفوت

پناه برخدا از موقعیکه مردم در ذد عقل را بدهان خود داخل کنند، مقصود از ذرد عقل مشروبات الکلی است. واقعاً هیچ عاقلی این کار را نمیکند .

شکسپیر

پیاله فروشی ها کشتارگاه انسان است .

استیک

تنها در طول مدت یک نسل این کشور را از نوشابه های مست کننده محروم کنید و آنگاه خواهید دید که شورش و غوغا چنان غیر ممکن میشود که سوختن بدون اکسیژن .

هاریس من

ثمره شرابخوارگی دو چیز است . یا بیماری یا دیوانگی .

قابوس بن وشمگیر

جاهائیکه مرگ و میر در اثر سل در آن خیلی زیاد است آنجاهائی است که مصرف مشروبات الکلی زیاد است .

پروفسور اندوزری

در مبارزه با الکلیسم ما دو دشمن داریم اول آدمهای الکلی هستند که نمیخواهند خود را معالجه کنند دوم کسانی هستند که بروت خود را روی میلیونها اجساد انسانی بالا برده اند .

پروفسور دیوف

در این دنیا هیچ چیز با مضرت تر از مستی نبود چنانکه هیچ فضیلت و شرف زیاده از خردمندی و هوشیاری نباشد .

خواجه نصیر

حکیمی را گفتند: چرا از خوردن شراب نفرت داری و گریزانی، گفت قبیح است برای کسیکه پادشاهان را مغلوب نموده خود مغلوب شراب گردد .

غ - ذ

شب مستی با مداد پستی و رخوت میاورد .

حضرت رضا(ع)

شراب قساوت قلب میاورد و دندانها را متعفن و دندانها را سیاه میکند .

شراب دست را لرزان چشم را اشکبار نفس را مسموم و حافظه را نابود میکند کسیکه خریدار این آب زهرآلود است آن را به بهای جان میخرد .

؟

شما نصف میکده ها را بهبندید تا من هم ضمانت کنم که کشور از نصف بیمارستانها و تیمارستانها و زندانها بی نیاز خواهد بود. طبیب الهی

صدمات الکل منحصر به بدن نیست بلکه مراکز فکر و اندیشه را نیز سخت صدمه میزند چنانکه تعداد دیوانگان در سال ۱۸۶۵ فقط چهارده هزار نفر بودند و در سال ۱۹۱۰ در اثر استعمال مشروبات الکلی به هفتاد هزار نفر رسید . کاستون اودوبل

کسیکه به نوشیدن شراب عادت کرد دیگر نباید بر او اعتماد کرد زیرا لیاقت حفظ اسرار ندارد آیا لازم است که انسان دشمن را در درون خود جای دهد که عقلش را بدزدد و او را مانند جانوران بی خرد کند. ما فرزندان آدم هستیم گاه گاه میکوشیم که مانند جانوران بیخرد باشیم، من برای این حرف از خدا امرزش می طلبم زیرا با این تشبیه بجانوران توهین کرده ام. خیام

کمترین عیب شرب خمر سلب اراده و حاکمیت انسان است بر نفس خود .

محمد علی صفوت

میخانه جائیکه دیوانگی را بطربط میفروشند .

سونیت

میگساری خرد را فرسوده سازد و دل را مرده مستی آرد و هستی برد .

سید علی کسمائی رقعی

وقتی مشروب خوردی با سلامتی و عقل خدا حافظی کن .

مثل یوگسلاوی

وقتی شیطان نتوانست بیک خانه وارد شود اوّل شراب را بدانجا میفرستد .

؟

هرگاه خمر خورده جود و جوانمردی کند همه کس آن هنر را نسبت بباده دهد چون قباحتی از او ظاهر گردد از زشتی نقش ثبت شود؟

هر پیاله فروش مرکز تولید بیماریها، جنایات و فقر عمومی و تمام بلایائی است که بحیات انسان حمله میآورد و مخصوصاً حیات طبقهٔ کارگر را مورد نهب و غارت قرار میدهد .

مونتالبر

هر اقدامی علیه مصرف مشروبات الکلی بعمل آید باید با تمام قوا از آن طرفداری کرد .

امیل لوبه

هیچ اقدامی در مبارزه با سل بموفقیت نمیرسد تا وقتیکه اقدامی جدّی در مبارزه با مشروبات الکلی بعمل نیاید . فیرمن

هیچ انسانی لحظات هشیاری را بدست شیطانی بنام الکل نمیدهد که او را بسوی دیوانگی سوق دهد .

غ-ذ

گویند بخور می که ترا غم ببرد — غم از دل تو رطل دمادم ببرد
غم به ولی با خرد شی یکجا به — دیگر نخورم می که مرا هم ببرد

گویا

گر نسی قوت بیرو جسم درست — زنهار نه لب بجام نخست
زین جام نخست چون شدت دست فراز — دست از تن و نسی پاک بباید شست

امیر خسروی

نکند دانا مستی بخورد عاقل می — نهدی خردمند سوی مستی پی
چه خوری چیزی کز خوردن آن خیزد تو — ز چنین سه دو نماید نظره سر و چونی
گر کسی بخشش گوید که می کند او — ور نکند عربده گوید که او کند نه نی

سنایی

هر کسی که در این زمانه نوشید شراب — شد کشتی عقل و دین او غرق در آب
چون عزت آدمی ببیند و خردا — وقتی که خورد نشد چه ارزد چه ثواب

سید مهدی صبری

یکی بر بنهای امت خمرای یاد در — که بر کس همه ننگ و عار است باشش

آنم می که خرد به چوریزی در کام — ناکام توی ز دانش و مانی خام
عقلت ز سر وصفنیت از دل برود — در دایره شراب اگر نبهی گام

سید یحیی رقعی

براحت نفسی رنج پیرامبر — شب شراب نیرزد به بامداد خمار

سعدی

خردمندی بسبزد چشم رخوب — گنه بر خود نویسد جامه بر آب

فخرالدین نیزکرگانی

نفس خرز مخور که مستی آرد — کالایش بت پرستی آرد
گر آنکه حیات لست باهر — هر دی کنس از آن حلال مزاده

نظامی

ساقیا بر چین بساط باهر برنام — دشمن جان است جام باهر بشکن جام

فرهاد

شنو نصیحت پیران جفنز باهر بپرهیز — مده ببازار جوانی بعشق باهر نان

قوامی رازی

معاشرت

اختیار مصاحبت اشرار نکنید، چه همینکه اهانت ترا نکنند بر تو منت نهند . — افلاطون

از همنشینی مرد بخیل دوری گزین زیرا چون ترا بدو حاجت افتد از تو بگریزد . — حضرت محمدؐ

از خصیت کس پرسش مکن از همنشینان او سؤال کن . — حضرت امیرؑ

اشرار مردم نیک را میگذارند و مشایعت و مطاوعت بد از آنند مانند کسی که مواضع صحیح بدن را میگذارد و به مواضع فاسدهٔ بدن میگراید . — افلاطون

اگر با اشخاصی که صاحب روح بلند و اخلاق عالی هستند زندگی کنید احساس خواهید کرد که قوهٔ مرموزی روح و اخلاق شما را بطرف مجد و تعالی میکشاند . — اسمایلز

انسان به هر که با او هم خو و همفکر بود دل می بندد و به هر که دارای علو نفس و جوانمردی و بزرگواری باشد ، علاقمند میشود . — سیرون

از هر کس که به تو نفرت میورزد دوری کن حتی اگر او گرگس و تو فیل باشی . — مثل آفریقائی

اگر به میان گرگها روی از آنها زود زه کشیدن خواهی آموخت . مثل فوانوی

با درندگان پنجه درافکندم و سر پنجهٔ شیر و پلنگ را درهم شکستم ولی خوی بد بر من چیره شد و زبونم کرد . ؟

با فاسقِ متواضع بسر بردن بهتر که با عابد متکبر مصاحبت کردن .

با شجاعان عالم و درندگان بیابان رو برو شدم ولی هیچکدام مانند همنشین بد بر من غالب نشد . بوذرجمهر

با مردمان نیک معاشرت کن تا خودت هم یکی از آنها بشمار روی . ژوژهربرت

به انوشیروان گفتند سبب چیست که مردم بار گران بدوش میکشند و آزار نمی بینند ولی بار همدم ناسازگار نتوان کشید او گفت زیرا کشیدن بار سنگین را همهٔ اعضاء تن همکاری کنند ولی بار همنشین بد بر دوش روح است . ؟

بپرهیز از نادانی که خود را دانا شمرد . ؟

گفت پرهیز کن از صحبت پیمان شکنان . ؟

تا توانی با علمای صالح همنشین باش تا جان به فضیلت علم بیارائی و از پرتو دانش آنان روشن و بزرگوار شوی . امام صادق

تنها چاره نفرت جدائی است .

مثل آفریقائی

چای سرد و برنج سرد را میتوان تحمل کرد اما گاه سرد و سخن سرد قابل تحمل نیست . مثل چینی

حذر کن از همنشینی که سست باشد رای عقل او . ناپسندیده باشد عمل او زیرا که یار به یار خود قیاس و اعتبار کرده شود . حضرت

حسن سلوک از فداکاریهائی تشکیل شده است .

امرسن

حسن معاشرت همراه با شرافتی است که جنگجوترین مردم به آن احترام میگذارد. بدی معاشرت سبب آن میشود

که رتبوترین مردم هم به ستیز با آدمی برخیزند .

چسترفیلد

خوبترین برادران شما آن است که عیبهای شما را بشما نشان هدیه فرستند .

حضرت محمد

خوی بد در آمیزش با بیخردان است و نیکوئی اخلاق در همنشینی با خردمندان میباشد .

امام محمد تقی

دانائی و قدر و عدالت و معرفت در صورتیکه با آن هنر کوچک زندگی و رفتار که حسن معاشرت نامیده میشود همراه نباشد

نمیتواند شخص را چنانکه باید معرفی کند .

ستیل

در گفتگو و معاشرت با حدی تشریفات را ملاحظه کن ولی از اندازه کار مگذر. وضع رفتار معمولا با همان صورتیکه جلوه گر شود

از طرف مقابل باز میگردد .

فولر

در همنشینی باید خود را با مردمان صاحب وجدان همدم ساخت و از مردم بی وقر و بی ارزش دوری جست

کنفوسیوس

در بین همه مردم که در عمرم آشنائی بهم رساندم هیچیک را بهتر از خود ندیدم .

روسو

روح را صحبت ناجنس عذابیست الیم .

ناصرخسرو

رذیلت، حیوانی است وحشی و منفور و بد ترکیب که روزهای اول از دیدارش متنفر میشوید و بتدریج با آن آشنا میشوید، تا حدی

که صورت زشتش را نبوسید .

پوپ

زیان رساننده تو معاشرت سه کس است ۱- آنکه ترا بطرب مدارد ۲- آنکه بفریبد مغرورت کند ۳- آنکه همت او

گو تا هتر از همت تو باشد .

افلاطون

سلوک و رفتار آینه ای است که هر کس خود را در آن نشان میدهد .

گوته

شخص قرض داشته باشد بهتر از آنست که زن بد داشته باشد .

مثل سوندی

طبیعت های بی عیب و نقص با امتداد معاشرتهای نالایق خلل پذیر میشود .

فلشید

صفات یک مرد تابع نیکیها و بدیهای دوستان اوست .

مثل ژاپونی

علامت برجسته مردمی که به همنشینی خوب معتاد شده اند آرامش و ملایمت تزلزل ناپذیریست که از همه کارهای بزرگ و کوچک ایشان مشاهده میشود آرام غذا میخورند آهسته حرکت میکنند در آرامش زندگی میکنند و حتی پول خود را آرام از کف میدهند در صورتیکه آدم پست نمیتواند یک قاشق را بدون براه انداختن سر و صدای عجیبی بدست گیرد یا یک اهانت را تحمل کند .

بولور

در معاملات سعی کنیم حیثیت افراد را در نظر گرفته سعی کنیم آنها را همانطور که هستند قبول داشته باشیم در غیر اینصورت در معاملات شکست خواهیم خورد .

غ - ذ

کسیکه میخواهد نقاش خوبی بشود سر مشقهای عالی انتخاب کرده و از روی آن مشق نماید همینطور هم کسیکه میل دارد زندگانیش منزه و پاکیزه باشد باید بهترین اشخاص را سرمشق و نمونه خود قرار داده آنقدر بکوشد تا به پای آنها برسد و حتی از آنها درگذرد .

ادن فلشام

کسی بدبخت‌تر از مرد بدطبع پیری نیست که نه قابلیت پذیرفتن لذت دارد و نه چنانست که بتواند مایهٔ خوشی دیگران را فراهم آورد .

سروتمپل

کسیکه اخلاق و روحیهٔ او به شما شبیه شد نگاه کنید به همنشین او .

حضرت امیر

گفتگو کردن با دیگران مخصوصاً آنهائیکه از مطالعهٔ کتب سرمایهٔ کافی اندوخته اند یکی از بهترین لذتهای زندگانی است ، وقتی شما در افکارات خود به نقاط تاریکی برمیخورید و سؤالاتی از خویشتن میکنید که جواب آنرا نمیدانید چقدر خوشحال میشوید

لرد آویبوری

اگر کسی جواب سؤالات شما را بدهد .

بیچر

مردمی عالی در حسن رفتار است نه در عقل برتر .

مرد شریف را شایسته چنان است که پیوسته با همانند خود نشست و برخاست کند ، کیست که آن اندازه استوار باشد که در معرض فریب دیگران واقع نشود .

شکسپیر

مصاحبت با خردمند گنج است و معاشرت با جاهل باعث تعب و رنج .

سقراط

مصاحبت فراوان در روابط صمیمی میان دو شخص چنان ایشان را به یکدیگر شبیه میسازد که نه تنها اخلاق و رفتارشان مانند یکدیگر میشود بلکه رخساره و آهنگ صدای ایشان نیز با هم شباهت پیدا میکند .

لاوارتو

مصاحبت با مردمان درستکار از هر ثروت و ملک پرحاصلی بهتر است .

اند رسپیدیس

معاشرت با مردمان خوش اخلاق و فاضل بهترین متعهدی روح جوانان است .

اسمایلز

معاشرت با مردمان نیک همیشه مولد خوبی و نیکوئی است زیرا اخلاق خوب مانند نوری است که به اطراف میتابد و نزدیکان خود را روشن میسازد .

جان بواون

نزدیک مباش به همنشینی مردمان شرور و بد اخلاق زیرا که طبع تو از طبیعت او شر را میزدد در حالیکه تو آگاه نباشی . افلاطون

وضع دوستانه داشته باش و از آزادی احمقانه بپرهیز آزادی خشونت آمیز مایه تحقیر است ولی اندکی محافظه کاری وسیله جلب احترام میشود و با تواضع ظریف مهربانی دیگران فراهم میآید .

فولر

هرکه با بدان نشیند اگر نیز طبیعت ایشان در او اثر نکند بطریقت ایشان متهم گردد و اگر بخرابات رود به نماز کردن منسوب گردد بخمر خوردن .

سعدی

همسایه ات را دوست بدار اما دیوار مابین خود تا نزا از بین نبرید .

مثل آلمانی

هیچ وسیله زیبائی یا هیئت یا شکل یا رفتاری مؤثرتر از این نیست که آدمی بخواهد در اطراف خود شادی پراکند و سازد نه رنج .

امرسون

یقین است که رفتار حکیمانه یا وضع جاهلانه همچون بیماری از شخص به شخص دیگر سرایت میکند، پس لازم است که مردمان مواظب انتخاب معاشران خود بوده باشند .

شکسپیر

یکی از بهترین مسرات دنیا این است که گروهی در یک جا جمع شوند و ساعات فراغت را با سخنان شیرین و دلپذیر بگذرانند روحهای آنها بهم نزدیک زبان یکدیگر را خوب میفهمند و از اسرار دل همدیگر خبردار شوند .

لرد آویبوری

بیا موزنت کیمیای سعادت — زهم صحبت بد جدائی جدائی حافظ

وگر بگذری سوی ما گشت گر — از و جز سیاهی نبینی اثر

سعدی

نشین با قناعت بر گوشه‌ای — بمحو اورنشت نام و ننگ آزرم

آنکه خوی بدبود نزارد عار — گر تو بدکنند نزارد شرم

لبب الوجیزه

همنشین تو از تو به باید — تا تو عقل و دین بیفزاید

سعدی

هست تنهائی به از یاران بد — نیک جز با نیک چون نشیند بد شود

مولوی

یار بد بدتر بود از مار بد — تا توانی میگریز از یار بد

مار بد تنها همی جان تو زند — یار بد بر جان و بر ایمان زند

سعدی

پای در زنجیر پیش دوستان — به که با بیگانگان در بوستان

سعدی

ملت - میهن

آباد کردن کشور مبارزه با فقر و جهالت تعمیم فرهنگ و بهداشت با حرف امکان پذیر نیست باید کار کرد، کار مداوم و طولانی.

حجازی

آنکه رنجیده و آزرده ترک وطن میکند روح ناسازگار خود را همراه میبرد.

حضرت محمد (ص)

اگر دوستی وطن نبود شهرها و ممالک بدآب و هوا خراب و بی سکنه میماند.

جفرسن

اگر من را مخیر کنند که در کشور ما دولت بدون روزنامه و یا روزنامه بدون دولت باشد بی شک طریق دوم را انتخاب خواهم کرد.

روانسون

اولین کشوریکه بتاسیس بیمارستان پرداخت کشور ایران بود.

سقراط

اولین ملتی که احتیاج به مواد خوراکی و زراعی نداشتند ایرانیان بودند.

سیسرون

اولین هیات اجتماع در ازدواج و پس در عائله و خانواده و بعد در یک مملکت تشکیل میگردد در ایران بوده.

روانسون

اولین دولتی که ثبت اسم و علائم و صورت و قیافه واردین و بیگانگان را بکشور مقرر داشت دولت ایران بود.

اولین ملتی که اصول خدمت سربازی را معمول و مدارس مخصوص جهت تعلیم ایجاد کرد و جوانانشان را بدون رعایت

اصل ونسب یکسان در آنجا تحت مراسم سخت گذاشت ایرانیان بودند .

صد کلام از افکار فلسفی شیخ محمد خیابانی

۱- در آزادی و استقلال

۱- اولین لازمهٔ شرافت یک ملت استقلال است .

۲- استقلال ملت ها را فقط با فضایل و اخلاق عالیه میتوان محفوظ داشت .

۳- حافظ نگهبان استقلال هر ملتی شجاعت و قهرمانی اوست .

۴- هرگاه میخواهید آزاد باشید با مدرستش حقیقت را پیشه خود سازید .

۵- بدون حقیقت آزادی، آزادی میسر نیست .

۶- یک ملت نمیتواند بدون معارف آزادی خود را محفوظ دارد .

۷- در راه زندگی شرافتمندانه باید از جان و مال گذشت .

۸- زنده باد ملتی که برای زنده داشتن آزادی، زندگی را دوست دارد .

۹- آزادی مستلزم مساوات است در مقابل قانون همه برابریم .

۱۰- هیچ نوع آزادی را نمیتوان تصور کرد به ما اجازه دهد الی الابد خطا کار باشیم .

۱۱- عطر گلاب جعلها را سرا سیمه میکند، عطر آزادی را در مملکت نشر نمائید تا جعلهای استبداد از میان بروند .

۱۲ - آزادی عقیده در بالای سر هر سیاست حاکم است .

۱۳ - شما هر قدر آزادی خواه باشید هستند جماعتی که از شما آزادیخواه ترند .

۱۴ - ایران را ایرانی باید آزاد کند .

۱۵ - در عین آزادی باید مقید باشی .

۱۶ - روح ملت فدای هیچ کس نیست ! روح خادمین ملت باید فدای ملت شود .

۲ - در تجدد و ترقی

۱۷ - اولین وسیله ترقی ، داشتن روح تجدد است

۱۸ - یک ملت زنده و بیدار و هوشیار باید همیشه بطرف تجدد در بیدار گردد .

۱۹ - بر ضد زمانه راه رفتن غلط و محال است .

۲۰ - باید زمانه ما را بهر کجا که لازم است برویم هدایت کند .

۲۱ - چنانکه زمانه ملتها را سوق میکند و میبرد ما هم نباید بزمان خودمان عاق شویم .

۲۲ - باید ترقی کردن را واجب دانست ترقی نکردن مردن است .

۲۳ - هر ملتیکه ترقی را بانظرهای لاقید و بی علاقه ملاحظه نماید دچار هلاکت خواهد شد .

۲۴ - ما اولاد قرن حاضریم و عاق قرن خود نخواهیم شد .

۲۵ - اولین دشمن یک متجدد، آمال، ایده‌آل، زمان اوست .

۲۶ - جهال، مرگ را بر تغییر عادت ترجیح میدهند .

۲۷ - آنچه امروز یک امل سخیف و مرغوبی است ممکن است فردا منفور و مردود باشد .

۲۸ - عوام یک علاقه تصمیمی با عادات خودشان دارند و عادات مانع ترقی و تجدد است .

۲۹ - عقل و منطق عوام در چشم اوست .

۳۰ - کلاه امروزی شما به قدر کلاه دیروزی پدران شما نیست و فردا هم کلاه امروزی را در سر نخواهید داشت .

۳۱ - همان قوه که در موقع خود به شکل آتش و حرارت متجلی میگردد، بعد از این باید به شکل کار و حرکت به بروز آید و چرخهای تمدن و تکامل را راه ببیندازد .

۳ - در فلسفهٔ اجتماعی

۳۲ - عوام تابع تلقینات است و هرگاه مدیران او قابل و صاحب حسن نیت باشند ممکن است نتایج حسنه از عوام گرفت.

۳۳ - یک فرد بعلاقه بجامعهٔ خود کمتر از حیوان است .

۳۴ - عدم علاقه بر حیات اجتماعی دلیل بر عدم زندگی است .

۳۵ - در حیات سیاسی و اجتماعی آنانکه علاقمند نیستند به مثابهٔ اموواتی هستند که حیات از آنان رو گردان و گریزان است

۳۶ - مردگانند اشخاصیکه برای خاطر اغراض و اسقام شخصی خود به اتفاقات مخالف عقیده و مسلک تن در میدهند .

۳۷- ترحم برجاصبین حقوق جماعت، خیانت برجماعت است .

۳۸- درمیان دو نظریه متفاوت باید بزودی عقل خود را بکار انداخت و یک قرار قطعی اتخاذ نمود .

۳۹- یک نادان در یک لحظه ممکن نیست دانا نشود .

۴۰- شخصی که دور تاریکی زیست کرده است در پیش یک روشنائی آنی چشمش خیره و یا کور میشود .

۴۱- کسیکه به تکالیف اجتماعی خود عمل نکند حقوق خودش را فاقد میگردد .

۴۲- مجازات و مکافات نباید لاغی شعور باشد .

۴۳- هیچ کار بزرگ بدون فکر انجام نمیگیرد .

۴۴- از افکار غیر متجانس و متضاد نمیتوان نتیجه گرفت .

۴۵- هر زمان تقاضائی دارد که با میزان علم و معرفت بشر تغییر پذیر است

۴۶- اعمال جماعت آنی و غیر ارادی است مثل یک زلزله ناگهانی عالمی را بهم زده خود نیز از میان میرود .

۴۷- عوام وقتی که میخوابد کاملا میخوابد و وقتی که بیدار شد دیگر فعالیت تدریجی را قبول نمی نماید .

۴۸- عوام بی اراده و اختیار است و تابع جریان و تلقینات .

۴۹- تمایل عوام به بوهو مات است معرکه و افسانه های یک درویش بیشتر از کفر انهای یک دانشمند او را جذب میکند .

۵۰- در تعیین عیار و قیمت ملتها سجیه بالاتر از همه چیز است

۵۱ - یک حرکت عمومی تمام بشر متمدن را بجانب یک سرمنزل تکامل پیش میبرد .

۵۲ - بنام هر اکثریتی نمیتوان حکم قطعی داد .

۵۳ - هر دورهٔ تاریخی که در حیات یک هیئت اجتماعیه رخ میدهد ، با قلم نکیفر مورخ و یا بفرمان یک زمامدار امور تعیین و تحدید نمیشود .

۵۴ - حادثات اجتماعیه محصول و نتیجه عوامل طبیعیه است .

۵۵ - نه ممکن است تاریخ را فریب داد و نه ممکن است زمان را از سیر سریع خودش باز داشت .

٤ - در شرایط موفقیت

۵۶ - انتظام و انضباط یک شرط عمدهٔ موفقیت است .

۵۷ - مقتدرترین فرقه های سیاسی اروپا فقط با نظام و دسیپلین خودشان امتیاز دارند .

۵۸ - انسان باید در حیات طوری مشغول کار شود که گویا هیچ نخواهد مرد .

۵۹ - ما فدائیان اولاد خودمان هستیم ما خواهیم مرد تا آنان زنده بمانند .

۶۰ - باید فداکاری کنید تا آتیهٔ شما و اولاد شما تأمین شود .

۶۱ - اندوختن سهل است ، نگهداری مشکل .

۶۲ - برای گذشتن از یک حالت موجود به یک حالت جدید ، قدرت و متانت جوهری لازم است .

۶۴ - هرگاه صمیمیت و صداقت شما بدرجهٔ کمال و کفایت باشد هیچ قوه متصور نیست که بتواند بر شما غلبه جوید .

۶۴ - اضطرابات در حیات افراد و جماعات یک عامل بیداری و احتیاط و تدبیر است .

۶۵ - یک اضطراب معقول و عاری از عصبانیت ، بهترین استاد سیاسی است که راههای رفتن و کارهای کردنی را به جماعت نشان میدهد .

۶۶ - اقوام مضطرب و دوراندیش زحمت میکشند و رنج میبرند و از ثمرات شیرین آنها استفاده مینمایند .

۶۷ - طبیعت میدان یک مجادلهٔ عمومی است که زندگی را پاداشش مظفرین و خالبین قرار داده است .

۶۸ - در این کارزار بزرگ ، ناتوانان و ضعفا نمیتوانند زیست کنند .

۶۹ - برای تأمین حیات و بقا در این جهان باید از ضعف و ناتوانی دوری گزید .

۷۰ - اعتماد به نفس یک شرط عمدهٔ موفقیت است .

۷۱ - یک تشکیلات محروم از دیسیپلین از عدم موفقیت به عدم موفقیت غلطیده همیشه طریق سقوط و انحطاط را طی مینماید .

۷۲ - در روی خرابه های دیروزی باید عمارت فردا را بلند کرد .

۷۳ - بلند کردن عمارت فردا ، فکر دوربین و دوراندیش فکر تعقل و تدبیر و فکر ایجاد و اجرا میخواهد .

۵ - در اخلاق

۷۴ - اعتماد به نفس یک شرط عمدهٔ موفقیت است .

۷۵ - در ردیف و مجازات حب نفس باید عزت نفس و اعتماد به نفس را هم در نظر گرفت .

۷۶ - باید تنبل ها و تن پرورها را هیئت اجتماعیه اخراج و تبعید کنند .

۷۷ - عزم کردن کافی نیست هر عزم باید مبدل به عمل گردد .

۷۸ - در کلیهٔ امور و حوادث باید وظیفه را از غیر وظیفه تفکیک و تفریق نمود .

۷۹ - شجاعت یک شرط مهم موفقیت است .

۸۰ - ما شجاعتی را که توأم و همراه با متانت و استقامت باشد لازم داریم .

۸۱ - یک لقمهٔ خاردار باشید تا هیچ گلوئی نتواند شما را فرو ببرد .

۸۲ - یک ملت که از مرگ نترسد هرگز نمی میرد .

۸۳ - مردن در راه یک امل بزرگ عین موفقیت است .

۸۴ - ما آن مجنونان و آن عاشقانیم که از هیچ خطر نمی ترسیم .

۸۵ - تو واحد و متحد جلوه نما و بگذار دیگران از تو بترسند .

۸۶ - ترس ، مرد را از همه شئون رجلیت و فتوت محروم کرده و او را با دنی ترین حیوانات همسنگ و همپایه قرار میدهد .

۸۷ - ترس عامل عمدهٔ اسارت ملتها است .

۸۸ - یک ملت ترسو ، بزودی در چنگال هر مستبد ستمگر گرفتار میآید .

۸۹ - برای گذاردن طوق بندگی بر گردن یک ملت ترسو ، بیدادگران تر دست با کمال آسانی پیدا میشوند .

۹۰- نترسیدن کافی نیست باید جرئت و شجاعت داشت، باید پر دل بود .

۹۱- یک جرئت مسلح با تدبیر و شجاعت، یک شجاعت دوربین و دوراندیش و بیشتر از همه یک شجاعت فداکار و پرحرارت، ناجی ملتها است .

۹۲- شجاعت مادی بی شجاعت معنوی کامل نیست .

۹۳- شجاعت معنوی عبارت از حاکمیت و تسلط مرد است نسبت به احتراسات خودش .

۹۴- کسیکه تابع هوی و هوس و محکوم نفس اماره خودش نیست شجیع و جسور است .

۹۵- شجاعت معنوی یک فضیلت و نتیجه یک محاکمه منطقی است .

۹۶- شجاعت معنوی اثر یک عزم و اراده و جلوه یک تصمیم اختیاری است .

۹۷- تصمیم مرد شجیع این است، چون نباید بترسم نمیخواهم بترسم و نمیترسم .

۹۸- در مقابل تصمیم مرد شجیع هیچ قوه از قوای معلومه بشری فایق و غالب نیست .

۹۹- هرگز نباید به خستگی و یأس اعتقاد داشت و بخصوص وقتی که بار سنگین زندگی یک ملت از یک مو باریک آویزان است .

۱۰۰- ای ایران، لایموت، سرت را بلند دار و زنده و پاینده باش .

از کتاب اثر ارزنده از انتشارات ایرانشهر

ایرانیان برای حفظ احترام یکدیگر هرگز در حضور هم آب دهان بر زمین نمیاندازند — هرودت

ایرانیان از کردارهای ناپسند هرگز سخن نمیگویند . — هرودت

ایرانیان صفات نیک خود را با تمام ثروت شام آشور برابر نمی کنند . ؟

ایرانیان در هیچ کاری میانه روی را از دست نمیدهند . — گزنفون

ایرانیان اول ملتی بودند که با زرخریدان و بردگان خود چون فرزند رفتار میکردند . — هرودت

ایرانیان در معابر و انظار مردم هیچ ننوشتند و هیچ نخوردند . — گزنفون

ایرانیان با کمال دقت و احتیاط از سخنان بیهوده و هرزه حذر مینمایند و از کردارهای ناپسندیده هرگز سخن بزبان نمی رانند . — هرودت

ایرانیان از دروغ و ناسپاسی و فریب می پرهیزند و از این روست که یونانیان با دیدهٔ حرمت و حیرت و احترام با آنان می نگرند . — گزنفون

ایرانیان در هر کس که صفات نیک می یافتند بدیدهٔ بزرگی و احترام بدو مینگریستند هر چند که آن خوی در یکی از دشمنان آنان ظاهر میشد . — هرودت

ایرانیان همانطوریکه از مرض طاعون حذر میکنند از استعمال مسکرات نیز متنفرند . — آمیان

ایرانی با اخلاق ترین ملل دنیاست و حسن ظاهر دلیل است بر حسن باطن . — سقراط

ایرانیان برنفس خویش تسلطی سخت دارند و همیشه میکوشند تا هرگونه بدی و زشتی را از خویش دور سازند . ؟

ایرانیان دروغ را زشت ترین چیزها شمارند و بعد از دروغ قرض را سخت بد دارند و گویند، قرض دار، گذشته از گناه قرض بسا باشد که در مقابل دام خواه مرتکب دروغ نیز نشود . هرودت

ایرانی بی باک و ذاکار و با تربیت است سقراط

ایرانیان رسم بر این دارند که پرستش خداوند را بر قلعه های مرتفع بجا آرند . هرودت

ایرانیان دارای وجدانی پاک و اخلاقی نیکو هستند . سقراط

ایرانیان بواسطهٔ تعالیم عالی از هر نواقصی بری هستند . پلوتارک

ایرانیان در کارهای خود استعانت از خدا جویند و فتح و پیروزی را از او خواهند و دعای خیر را مخصوص خود نکرده و همواره در هنگام عبادت سعادت و سلامت خود و دیگران را از خداوند آرزو میکنند . هرودت

ایرانیها بعضی صفات دارند که در هیچکدام از ملل قدیم حتی رومی ها هم نبوده این صفات عبارتند از، ادب، شجاعتِ اخلاقی، جوانمردی، صفات مذکوره را ایرانیها از ابتدای تاریخشان دارا بوده اند . کولیتن سن

ایرانیان فوق العاده تسلط بر نفس دارند و همیشه سعی دارند هرگونه بدی و زشتی را از خود دور سازند . هرودت

ایرانیان خنده و شوخی و کارهای ناپسند را در مجالس بسیار زننده و بد میدانند . هرودت

اگر در غربت طلا ببارد و در وطن سنگ بهتر است که در وطن بمانی . مثل آذربایجانی

مثل دومی

اگر میخواهی بدانی وطنت تا چه حد دوست داری مدتی خارج برو .

بخاطر داشته باشید که در هر وضعی که هستید وطن برای خاطر استعداد، تقوی، احساسات و تمام اعمال شما حقی بگردن شما دارد، شما سرباز فانی آماده بجنگ هستید که ناگزیر مدیونه برای او از خواب برخیزید و به کمک او بشتابید . باردتلمی

مودیس باریس

برای اینکه وطن پدید آید مدرسه ای و قبرستانی کافی است .

بزرگی و عظمت یک مملکت منوط به وسعت خاک آن نیست بلکه مربوط به اخلاق و روحیات اهالی آن است . کلبر

پایه ملیت هر قوم را سنن آداب و رسوم و آثار و هنرهای علمی آن قوم نگاه میدارد .

عطائی

پروردگار را لشکری است از اهل پارس چون بر قومی غضب کند توسط پارسیان از آنها انتقام گیرد . حضرت محمد

تا شما به صلاح خود آشنا نشوید، ایران عزیز اصلاح نخواهد شد .

جواد فاضل

تاریخ یک ملت مانند گلزاری است که مردان هنرمند و حساس گلهای زیبای آن میباشند . گوستاولبون

ترقی حقیقی یک ملت در اضافه نمودن بقوانین سابق نیست، بلکه در حذف مقدار زیادی از آنهاست . گوستاولبون

تظاهر بانجام کارهائیکه از قدرت ما خارج است و سرگرم نمودن ملت با بیانات فریبنده و تعقیب سیاست بزرخ روز در مقابل ملت شعار ما نیست .

ثروت کشور در اثر فوق العادگی مردان در گرد آوردن و تحصیل مال نیست، بلکه بر اثر فوق العادگی آن در نگهداری آن است، زیرا حجم و ظرفیت، جوئی نیست که دریاچه بزرگی را پر آب میکند بلکه نیرومندی و متانت و استحکام سدهاست ؟

که نمیگذارد آب ضایع شود .

دکتر ماردن

جوانان ایران از دروغ و ناشکری و حیلهٔ فوق العاده متنفرند و هرگز پیمان شکنی و حق نشناسی از ایشان دیده نمیشود و این صفت آنان سبب شده است که یونانیان با یک نظر تعجب و احترامی بآنان بنگرند .

گزنفون

جهانگیری آنقدر مشکل نیست ، مسئله مشکل جهانداری است .

عبدالرحمان فرامرزی

چقدر سخت است انسان بمیرد در حالیکه به کشورش هیچ خدمتی نکرده .

لینکلن

حس وطن دوستی بزرگترین مظهر روح ملی یک نژاد است . این حس موجه غریزهٔ اجتماعی مخصوص است که در موقع خطرِ عمومی بلافاصله جانشین غریزه انفرادی میگردد .

گوستاولبون

خدمت به وطن نیمی از وظیفه است و خدمت به انسانیت نیم دیگر آن .

هوگو

خرابی کار یک مملکت از دو چیز است ، اول نداشتن مردمان عالم و لایق دوم نبودن آنها در سر کارهای مملکت . ولتو

خیلی بهتر بود که یونانیان مغلوب ایرانیان میشدند تا مغلوب رومیان .

نیچه

خیلی از کسانیکه سمت و زارت مراد ارند باید حقایق در شکه چی ساده باشند و خیلی از در شکه چی ها هستند که کاملا لیاقت وزارت فرانسه را دارند .

ناپلئون

در نظر من هیچ شکلی زیباتر و جمیلتر از شکل یک نفر وطن دوست نخواهد بود .

پل دوم

در هنگام صلح مفهوم کلمهٔ وطن نسبتا مبهم است ، قدرت حقیقی آن فقط وقتی معلوم میشود که مورد تهدید قرار گرفته باشد .

گوستاولبون

میشله

در مدرسه باید وطن را فهمید .

در راه میهن اگر دوازده پسر داشتم و همه را یکسان دوست میداشتم دوازده پسر را در راه میهن کشته میدادم خوشتر بودم تا یکی یکی

شکسپیر

در رختخواب بمیرند .

دهقان و دهکده اش قادر است جهانی را بزور آزمائی بخواند زیرا قانونیکه بر دهقان حکومت میکند اینست که او برای دفاع

گاندی

از حیثیت و افتخار زادگاهش حتی مرگ را آسانی تحمل خواهد نمود .

صمیمیت و عواطف و احساسات شما نسبت به میهن خودتان باید مافوق همه احساسات و عواطف شما باشد . ؟

عشق و علاقه به وطن و آب و خاک مانند علاقه به پدر و مادر و زن و فرزند امری طبیعی است . ؟

عشق و الفت خانواده است که کوچه و محله و شهر و کشور را فرا میگیرد و حب وطن نامیده میشود . حجازی

علاقه ای در دنیا شدیدتر از عشق به وطن نیست . افلاطون

عشق ورزیدن به میهن عبارت از اینست که انسان با تمام قوا میل داشته باشد عملی شدن آرمانهای بشری را در آن مشاهده

نماید و به قدر قوه خود در راه کار یاری نماید . بلینسکی

غالبا ملتی که در بلا و سختی باشد رو به بلندیست و ملتی که بناز و نعمت رسیده باشد رو به پستی . حجازی

قدرت یک کشور نه به سنگرهای یک کشور است و نه به کشتیهای آن ، فقط به مردانش میباشد . لئو تولستوی

کالیبا ، امپراطور روم هنگامیکه گردن به زیر تیغ میداد روی به جلاد کرد و گفت بزن اگر برای خیر روم و ملت روم میزنی .

کافی نیست که انسان برای وطنش خدمت انجام داده باشد بلکه هرگز از خدمتگزاری خودداری ننماید . پلوتارک

کدام ملت از همه با سعادت تر است؟ ملتی که دارای قانون باشد، از آن سعادتمندتر؟ ملتی که قانون آن جبریان دارد از آن با سعادت تر؟ ملتی که در قانونش تبعیض نیست و از آنهم سعادتمندتر؟ ملتی که هیچگاه به قانون محتاج نیست از کتاب پر .

کسی اجازه ندارد خود را بکشد، و اگر کشت باین طریق وجود خود را از میهن خود دزدیده است . مونتسکیو

مافوق اراده ملت اراده ای نیست . ؟

ملتی که تعصب وطن دوستی در روح او رو به ضعف گذارده باشد خیلی زود در تاریخ عالم نابود خواهد شد بی آنکه حتی مهلت طی کلیه مراحل انحطاط را داشته باشد . گوستاولوبون

ملتی که به فداکاری و قربانی دادن نامحدود عادت کرده است میتواند به مدارج عالی ارتقاء یابد . گاندی

ملتی که حقوق یک ملت دیگر را غصب میکند هرگز خود، از نعمت آزادی بهرمند نیست . پوشینسکی

من بدبختی میهن خود را از چشم نویسندگان و عوامل تبلیغی مصر می بینم . توفیق الحکم

من وطنم را بیشتر از خانواده ام دوست میدارم اما با نسانیت بیشتر از کشورم علاقمندم . فنلون

میتوان ایده آلهای یک ملت را از روی اعلاناتش معلوم کرد . نرمان دوکلاس

میهن دوستی باید مقدم بر هر کار و خود مختاری و استقلال پیشرو بر هر اندیشه باشد . ؟

میهن ما برای ارواح پاک چه سرزمین مقدسی است . ولتر

میهن دوستی اشعه مجلل و فروزانی است که در پیشانی جانبازان دیگنا هان میدرخشد . پطروس رودیان

میخی میتواند نعل اسب را نجات بدهد ، نعل میتواند اسب را نجات بدهد ، اسب میتواند سوار را نجات بدهد ،
سوار میتواند مملکتی را نجات بدهد . مثل ترکی

نشستن بر تخت و غذا خوردن روی میز عادت قدیم ایرانیان بوده ، چه از لفظ میز بان برمیآید که ایرانیان جای
را منحصر به سریر و سفره را به میز میدانسته و اینکه روی زمین بنشینند و بخورند ، عادتیست که از اقوام عربیه
در میانهٔ ایشان شایع شد . آئینهٔ سکندری

وطن دوستی حد اعلای دین و مذهب من است . گاندی

وطن مادر دوم است . وطن خویش را فروتر از هر چیز گرامی دارید . ؟

وقتی ثروتهای بزرگ بدست افراد مردم میافتد در پرتو آن نیرومند میشوند و در سایهٔ نیرومندی و ثروت خیال
میکنند که میتوانند در خارج از وطن خود زندگی نمایند و خوشبخت و سرفراز باشند ، ولی بزودی میفهمند که اشتباه کرده اند

وعظمت هر ملتی فقط بر روی خرابه های وطن خودش میباشد و بس . منتسکیو

هر ملتی که دارای بهترین مکاتب است بهترین و قویترین ملت بشمار میرود و اگر امروز نیست فردا خواهد شد . ذول سیمون

هر ملتی یک طور فکر میکند و یک سنخ معتقدات دارد که معتقدات مولود افکار و ملکات آنهاست . ؟

هرج و مرج های شدید همواره با استقرار حکومت دیکتاتوری منجر میگردد . ناپلئون

هرچه در دنیا آفریده شده زیباست و زیباتر از همه مرگ کشته شدن در راه وطن است .

ابومسلم خواسانی

یکی از بارزترین و برجسته ترین حوادثی که در مدت ۲۰ سال اخیر در تاریخ تربیت و آداب عالیه بوقوع پیوسته، پرده برانداختن از روی خدمات حیاتی و مهمی بوده است که ایران در ابداع و تکامل تمدن انجام داده است با دلایل صحیحی که در دست هست میتوان تصور نمود که بنیان تمدن جدید ابتدا از ناحیه ای که از منتهای آذربایجان و شمال ایران تشکیل یافته بود آغاز شده و از این منبع سرچشمه گرفت یک سلسله اکتشافات منجمله آثاری که مربوط به چهار هزار سال قبل از میلاد تا هزار و دویست سال بعد از میلاد است و اثبات مینماید که خدمات عالیه و برجستهٔ ایران در تعالی اصول تربیت و آداب عالیهٔ آسیا و اروپا چقدر مستمر و متنوع و اساسی بوده است این خدمات که آثار بارزهٔ آنرا در زبان، ادبیات، علوم و موسیقی آشکار می بینیم بیشتر در قلمرو صنایع ظریفه شایان اهمیت توجه است .

پرفسور پوپ

یک گدا برای بی آبرو ساختن ملتی کافیست .

مثل یونانی

ما بالهٔ عزت و شرافت نوشیم
در راه وطن ز دل و از جان کوشیم
گر در صف رزم جامه از خون پوشیم
آزادی خود به بندگی نفروشیم

ملک الشعرای بهار

مرغی که هست بر سر خویش لانه ای
دلشاد از آن بود که مرا در ولایتی
گر با لبش پیاله لبالب شکر بود
گر هست نیش بجای نمک در نشانه ای
روزی دگر دوباره بمنقار میکشد
خار و خسی که ساز دز آن آشیانه ای
ای کم ز مرغ داده ز کف آشیان خویش
تا کی ز دام خفته و در بند دانه ای
بال و پر تو لانهٔ ما سوخت بار داد
برخیز تا دگر باره بسازیم لانه ای

جمال شهرستانی

نالهٔ مرغ اسیر اینهمه بهر وطن است
مسلک مرغ گرفتار قفس همچو من است
همت از بال سحر طلسم گرببرد
جز از من رفقی که بطرف چمن است
فکری ای هموطنان در ره آزادی خویش
بنمایید که هر سر نه نشیمن است
جامه ای کو نشود غرقه بخون میهن
بردر آنجامه که سنگین تنش و کم از کفن است

عارف

ایوان چه وقت مهم صاحب هنر نداشت — کی اسم و رسم از همه جا بیشتر نداشت

این گنبد رفیع چه هنگام بی‌بنیاد، — این بیشه در کدام زمان شیر نر نداشت

این زال سحرخورده دهر دون کی هزار — پرورد لیک چون پسر زال زر نداشت

کی بر سر سپاهش از شیر و آفتاب، — گردون بیرق پرچم فتح و ظفر نداشت

سیمرغ قاف دولتش از همت بلند — کی قاف تا بقاف جهان زیر پر نداشت

چندی خراب شد از خویش شد نه از غیر — غیر از پی خرابی ایوان حگر نداشت

این ملک از نفاق و هوس روی در خراب شد — نقصی و کر نبخشش و عیب و کر نداشت

ای همولف نفاق بدل کن بوفاق — هرگز نفاق سود بغیر از ضرر نداشت

آنکس که پیشرفت خواند ز عمار دیر — گو باز پیشرفت محبت خبر نداشت

بنگر خدای خانه ز اوج چنین خراب کده — آنکس که جز خرابی ایوان نظر نداشت

هر برکنند، بد، بجز خویش میکند — آری صغیر کس بجز از کشته بر نداشت

صغیر اصفهانی

موسیقی

آن لطف و تغیر حالتی که بیهوده در عشق و سفر میجوئیم موسیقی به ما اهدا میکند . — مارسل پروست

آنجا که دل نیست موسیقی وجود ندارد . — واگنر

اگر کسی گوش شنوا داشته باشد . در همه چیز موسیقی را خواهد شنید . — لودویگ ون بتهوون

با دقت به ترانه های ملی گوش فرا دار آنها سرچشمه ی بی پایان قشنگ ترین ملودیها میباشند و چشمهای ترا به صفحات

مشحصهٔ ملل گوناگون باز میکنند . — ژرمان

بگوئید بدانم چرا زمانیکه با نقاشان و هنرمندان جوان گفتگو میکنم با عمق فکر و اندیشهٔ آنان پی ببرم و تمایلات

آنان را دریابم خیلی بندرت از خود سخن بمیان میآورند در صورتیکه وقتی با موسیقی دانان، بمصحبت میشوم هرگز یک فکر

زنده اظهار نمیکنند و فقط از اصول و قواعد و فن و فورمولهای موسیقی سخن میرانند . — موسورسکی

ایرانیان در دورهٔ باستان برای موسیقی خط داشته اند ۳۶۵ حرف، علامت، داشته و با آن میتوانستند،

همه گونه اصوات را ثبت کنند . — از حافظ عارف

جائیکه سخن باز میماند موسیقی آغاز میگردد .

واگنر

در موسیقی نیز مانند کلمات معنی مشخص دارند ولی ترجمه و تفسیر آنان غیر ممکن است .

مندلسن

در بین هنرها موسیقی بیش از همه در عواطف انسان تأثیر دارد یک سمفونی در هر مایه از دست یک استاد بدون شک

بیشتر از یک کتاب اخلاق در دل اثر میکند .

ناپلئون

سرچشمهٔ الهام شعر و نقاشی زاییده نمونه های خارجی است در صورتیکه این موضوع درباره موسیقی صدق نمیکند لیکن

آهنگهای دلربا که زیبائی جهان از آنهاست هنرمندان بزرگوار بوجود میآورد .

آنسکو

سمفونی پنجم بتهوون عالی ترین سرود صدائی است که بگوش بشر خورده است .

ادوارد مورگان فوا استو

علت اینکه ما از موسیقی خوشمان میآید این است که در دنیای رؤیاها و احلام خود فرو میرویم طبایع عالی موسیقی را

دوست میدارند لیکن بهتر آن میدانند که از آن به عنوان وسیله برای دخول در رؤیاهای خویش استفاده کنند . دیکتور هوگو

گمان میکنم تأثیر موسیقی این است که در هر کسی یک وجود ثانوی را بیدار میکند که خیلی عالی تر و زورمند تر از موجودیت

معمولی همه روز است .

موسورسکی

مردیکه در درونش موسیقی ندارد و ندا های خوش دلنشین او را تحت تأثیر قرار نمیدهد برای خیانت ، توطئه چینی و غارتگری

مناسب میباشد و بچکس نباید باو اعتماد کند .

شکسپیر

معماری موسیقی منجمد شده است .

مادام دوستال

موسیقی فقط هنر نیست بلکه همه هنرهای زیبا را شامل است . نیکاویچ مورف

موسیقی نیروی حیات بخشی است که با طرزی اسرارآمیز خاطره های فراموش شده دورترین روزهای زندگی را در قلبها بیدار میکند . چارلز داروین

موسیقی نه تنها احساسات را بیان میکند بلکه گاهی نیز احساسات را بوجود میآورد . هانری الن فوردینه

موسیقی کشوری است که روح من در آن حرکت میکند در این جا هر چیز گلهای زیبا میدمد و هیچ علف هرزه ای در آن نمیروید

اما کمتر هستند اشخاصیکه بفهمند در هر قطعه از موسیقی چه شوری نهفته است . بتهوون

موسیقی برای آواز و نقاشی برای منظر مانند شعر است برای کلمات اما آنجا که موسیقی و شعر در فهماندن احساسات

دقیق بشری کوتاه میآیند در هر جا که نوبت نقاشی شروع میشود در بسیاری از موارد چیزی یک

پرده نقاشی به ما میفهماند که یک میلیون کلمه با دای آن قادر نیست . میکل آنژ

موسیقی بخودی خود پرداخته ترین هنرهای زیبا بوده و همه طبیعت را شامل میشود اگر تنها هنرش بنامیم از ارزشش -

آن خواهد کاست . نیکلا بویچ مورف

موسیقی از عالیترین هنرهاست که معنی مطالب نامعلوم و نفهمیدنی را برای ما توضیح میدهد و تفسیر میکند و ما را به عالمی که

هنوز برای انسان مجهول است رهبری میکند . والنز

موسیقی بیان خوش آهنگ زندگی است . موزار

موسیقی از فکر تراوش میکند و به قلب می نشیند .

بتهوون

موسیقی احساسات را اصداء میکند .

دولاکروا

موسیقی نوعی دیسیپلین و وسیله ایجاد نظم و حس مشترک است موسیقی قادر است آدمیان را مهربانتر و اخلاقی تر و معقولتر نماید .

مارتین لوتر

موسیقی عزیزترین ولی نامطبوعترین سر و صداهاست ، حقیقتاً من سکوت را بر دل انگیزترین نغمه ترجیح میدهم . گوته

موسیقی تنها سکن ارواح آشفته و بیتابان بشری است .

مهربابا

موسیقی احساسات بشری را لطیف میسازد و خشونت را از بین میبرد و ریشه خشم و غضب را از روح خارج میسازد ؟

موسیقی گرد و خاک زندگی روزانه را از روان و روح آدمی میزداید .

دودباخ

من سهولت را شعار خود کرده ام موسیقی نباید مانند علوم خفیه یا اسرار جادوگری باشد .

تالمن

نغمه و وزن موسیقی تأثیر فوق العاده ای در روح انسان دارد و اگر درست بکار رود میتواند زیبائی را در رؤیاهای روح جایگزین کند .

افلاطون

شش هزار اوستاد دست نساز — مطرب و پای کوب و لعبت باز

گه گه از سواد هر شهری — داد هر بقعه را از آن بهری

تا بهر جا که رخت کش باشند — خلق خوش کنند و خوش باشند

دیوان سعد سلمان

مبین زشاخ سه و بگمان بهوی — میخواه حشر درس مقامات معنوی

یعنی بیا که آتش موسی نمی کند — تا از درخت نکته توحید بشنوی

صفط سیرازی

سخنی
میهمان

حضرت امیر

آمد و شد زیاد ملالت و بیزاری میآورد .

مثل ایتالیائی

آنکس که در میهمانی عصبانی شود بی ادب است

مثل روسی

اگر به میهمانی گرگ میروی سگ همراه ببر .

بهترین میهمان کسی است که کم بیاید و زود هم برود .

؟

برای میهمانی هر قدر خرج کنی بالاخره از زیاد میهمان خواهد رفت .

مثل اسکاتلندی

حتی مورچگان از میهمانی که بموقع برنخیزد خوششان نمیآید .

مثل آفریقائی

چون میهمانی کنی از جوئی و بدی خوردنیها عذر مخواه که این طبع بازاریان باشد. هر ساعت مگوی که فلان چیز نخوردنی است یا چرا نمیخوری یا من نتوانستم سزای تو کنم که این سخن کسانیست که یکبار میهمانی کنند .

قابوسنامه

دیوژن شخصی را دید که خویشتن را برای حضور در یکی از جشنها مهیا میکند. گفت انسانها باید تمام روزهای خود را روز جشن و میهمانی بدانند .

از کتاب در جستجوی خوشبختی

در میهمانی آدم خسیس همه میخورند و در دل میبیزبان ناسزا میگویند . مثل فرانسوی

میهمان پرور اکباب کن و بجوز . مثل آفریقائی

میهمان از پشت سر زیباست . مثل اسپانیولی

میهمان روز اول زر باشد روز دوم نقره روز سوم آهن روز چهارم سفال روز پنجم خاکستر که کوچه ریزند . مثل ایرانی

هر کس برای یک روز یا دو روز میهمان انگاشته میشود در روز سوم فضول و مزاحم . مثل هندی

میهمان برکت ، شادی و صفا بخانهٔ دوست میآورد . ؟

میهمان ناخوانده اگر دو نفر شد قابل تحمل است و اگر بیشتر غیر قابل تحمل . ؟

اگر در سفرهٔ ای میهمان نباشد گوئی در طعام نمک نیست نمک سفره میهمان است . ؟

هرگز در حضور میهمان عزیز فرزند را تنبیه مکن . ؟

در مجلسی که همدم آزادگان بود
صافی و دلکشی کن و داریاله باش

میهمان خویش را بنوازی و بنگری
بنشین و بهر خدمت او ایستاله باش

صد بندگی زمانه بکارت درافکند
ضجرت مکن نخدمت و ایروکشاله باش

مانند خوشه گر هوس سرکشیت هست
چیز دانه از طریق تواضع فتاله باش

خواهی که شاه خطه آزادگان شوی
زاهب مراد خویش رعیت پناله باش

در بارگاه چون نبود فتح قافیت
زنهار حرف راز طلب نهاله باش

ابن یمین

چو میهمان آیرت دلشاد میباش
ز هر بند غمی آزاد میباش

نه سنت چو رخش تو باشند
که آن شکرانه بر جان تو باشند

ز خنگ و یکه بخشش بجد کن
جو نمردی ز خنگ و نان خود کن

ناصر خسرو

ضیافتی که در آنجا تو کفش باشند
شکنجه است فقیران بی بضاعت را

صائب

در بزم گشته گرمی همچو تو مهمان اب
شده این خانه زردی گلستان اب

بوستان منتوجی لاله چو زنان امروز
با تو زنان نبرم گشته چو تنان اب

تن و جانم گلزار هجر تو فریاد چرا؟
که ورد وصی تو از بوتنم جان اب

روز هجران گلزار ز دست تو گلم فریاد
هستم از گرده خون سخت پشیمان اب

جای گل لعل و گهر ها که ز چشمم ریخت
بهره ها میبرم از آن لب و دندان اب

چشم در روی تو و دل بر عاشق بهت
که خزان بار سد زود بپایان اب

مست سو صحبت دیوانه خوشین آیین بطبع
بسته خوشن بدل من چشم تو پیمان اب

ای عجب شیرازه پیش چرا میورزم
گشته خاموش گلزار تش هجران اب

به، که با بوسه بندی لب حلت ورنه
وقت تنگ دایت سخن او بت فردا اب

دیوان حالت

از فروغ روی مهمان شه نور خانه ام
خانه ام فانوس و مهمان شمع و من پروانه ام

نبوغ - مردان بزرگ

آنچه مرد را بزرگ میکند موفقیت است .

ناپلئون

آنکه به نبوغ خویش وقعی نمی نهد و در بند آنست که مطبوع طبع کوته فکران جلوه کند نزد من مقام و منزلتی ندارد . میکلانژ

آیا بخت و اقبال است که مردان بزرگ را بمقام سیادت میرساند؟ نه آنان چون مردان بزرگ بودند توانستند بخت و اقبال را مطیع و منقاد خود سازند .

ناپلئون

از دیگران تقلید نکن خود را بشناس و آنچه هستی باش مادام که در دنیا کسی مثل تو نیست .

دیدکارنگی

از مردمانی که سعی دارند جاه طلبی های شما را تحقیر کنند دوری کنید ، انسانهای ناچیز همیشه این عمل را میکنند در حالیکه اشخاص بزرگ سعی دارند کاری کنند که احساس کنید شما هم روزی به عظمت خواهید رسید .

مارک تواین

اشخاص بزرگ و نامی بکوه مانند ، هرچه بانبوهیان نزدیکتر شوی عظمت و ابهت آنان بر تو معلوم گردد ، مردم پست و دون همت سراب را مانند که چون کمی بآنان نزدیک گردی بزودی پستی و ناچیزی خود را بر تو آشکار سازند . گوته

اشخاص بزرگ که در دنیا موفقیت های عظیم نصیبشان شده همواره در روح خود برای وقایع و حوادث غیر منتظره

جای مخصوصی بار نکنند . مترلینگ

اگر بگوئیم که مترلینگ سقراط عصر حاضر است سقراط را خیلی بزرگ و مترلینگ را خیلی کوچک کرده ایم . برکسون

انسان هرچه بالاتر رود احتمال دیده شدن وصله شلوارش بیشتر میشود . شهاب الدین

ایجاد یک نام بزرگ آسانتر است تا نگهداری آن . بوفه فن

با بزرگان همنشین باش و از گلستان دانش آنان گلهای زیبا بچین . ؟

بحرانهای بزرگ مردان بزرگ بوجود میآورد . کندی

بدشواریهای جهان بگوئید بسراغ کسیکه با آنها آشنائیت بیایند. کسیکه روزها و شبهای دراز در زیر سنگ خوابش

خفته باشد از قلوه سنگی که در راه پیمائی زیر پای او پیدا شود نمی نالد . سعید نفیسی

بزرگی در آن است که کسی بتواند آسایش خود و خواهش طبع خویش را فدای دیگری کند . سعید نفیسی

بعضی اشخاص ممکن است علی الظاهر خشن و نامعقول بنظر بیایند ولی در باطن صاحب قلبی پاک و روحی منزه و ارجمند باشند . اسمایلز

برای آدم توانا هیچ باری سنگین نیست برای بزرگان هیچ راهی دور نیست برای دانشمند هیچ کشوری بیگانه نیست

برای آدم خوش زبان هیچ کس دشمن نیست . مثل چینی

برای اینکه بزرگ باشی نخست کوچک باش . مثل هندی

برای اینکه انسان کمال بیابد صد سال کافی نیست ولی برای بدنامی او یک روز کافی است . مثل چینی

بزرگی به علم و ادب است نه به حسب و نسب .

مثل تازی

پشت سر مرد شایسته و لایق مردان شایسته و لایق هستند .

مثل چینی

تاریخ نشر مجموعه ای است از حوادث زندگانی مردان بزرگ زمام امور حیات اجتماعی انسان در طی تاریخ و در میان تمام ملل جهان از آسیائی و اروپائی در دست مردان بزرگ بوده است که به نیروی استعداد فریحه و اراده و فکر خویش بر دیگران برتری یافته اند و هرگاه تاریخ زندگانی اینگونه رجال را از تاریخ نشر برداریم ، دیگر چیزی که قابل مطالعه و دقت و پیروی و تقلید باشد در آن باقی نخواهد ماند .

نصرالله فلسفی

تشویش و نگرانی بهترین استعدادهای انسانی را بیدار میکند .

دیل کارنگی

تمام چیزهائیکه نوابغ آینده خواهند گفت هم اکنون در وجود من و شما هست ، منتهی باید آنرا پیدا کرد و انگشت روی آن گذاشت .

مترلینگ

تواضع نزد بان بزرگی و بلندی است .

شکسپیر

جاه طلبی هوس یک شخصیت بزرگ است از مرد جاه طلب هم ممکن است کارهای بزرگ سر بزند و هم اعمال پست و ناشایست ، این امر بستگی تام دارد به اصولیکه راهنمای او است .

ناپلئون

جنون ، فقر و زوال عقلائیست . بنوغ توانگری و شادابی آنست از آن چرند و بی معنی و از این تازه و متعالی بدست میآید .

پیرژانه

چرچیل سیاستمدار معروف در دفتر خاطرات دانشجوئی که از دوتقاضای یادگاری کرده بود نوشت «عیب جامعه این است که همه دلشان میخواهد آدم مهمی باشند و هیچکس نمیخواهد فرد مفیدی باشد» ؟

چقدر از مردان بزرگ هستند که هر روز بیش از یکبار کودک میشوند . ناپلئون

چیزی که افراد هرگز از بزرگان خود نمیبخشند خطاهائی است که خود شان مرتکب شده و مسئولین از آن جلوگیری نکرده اند ابن اسفورز

چقدر بزرگ است آنکس که بنادرستی خود اعتراف میکند . مثل انگلیسی

خاک گورستان را بوکنید مزار را د مردان را از بوی خون بشناسید . شیخ عطار

خیلی باید صخره بزرگی باشی که جریانها از پهلویت بگذرد و تو نگاهش کنی و بگوئی تو آبی برو . ؟

در هر موجودی که آثار بزرگواری و مقامات معنوی هویدا باشد جاذبه ای هست که دل را میفریبد و خاطر را به خود میکشاند

در راه بزرگی از این خطرات باید حذر کرد کاهلی، بیماری، پرخوابی و زود از خود راضی شدن . پندهائی از هندو

دریای خروشان زندگی با طوفانها و موجهای کوه آسا همراه است امواج سهمگین حوادث از پیشرفت مردان بزرگ

در مسیر زندگی جلوگیری میکنند پیروزی مال دسته ایست که با داشتن تدبیر و عقل سینه حوادث را بشگافند و با کمک

دانش و بینش با مشکلات مبارزه نمایند . ؟

در آنجا که خیال میکنیم چیزی جز ذلت نیست بسیار فضیلت میباشد و در آنجا که تصور میکردیم همه حسابگری و دغلی است

به دوستیهای بی آلایش میرسیم و بدین ترتیب از دو طرف افراط و تفریط حد وسط بدست میآید و چون باین نتیجه میرسیم

که هیچ موجود بشری، خوب تمام، یا بد تمام نیست انسان را چنان که باید میشناسیم و می فهمیم که باید کم توقع داشته باشیم و بسیار چشم پوشی کنیم، روزگار بدبینی و مردم گریزی را درمان میکند .

بولود

شاید فقر نهاد بگذرد و در کرهٔ خاکی متفکری مانند شکسپیر وجود نیاید .

انیشتن

شخصیت و بزرگی مقام هر شخص را در تعداد دشمنانش میتوان تشخیص داد .

ناپلئون

شرافت و عظمت واقعی متعلق به کسانی است که بیشتر به بشر خدمت کرده و رنجهای موجود افراد را کمتر ساخته باشند. پاستور

شکستهای زندگی مردان توانا ساخته اند نه پیروزیهای آن .

؟

شهر بزرگ جائی است که دارای زنان و مردان بزرگ است، چنین جائی اگر از کلبه های کوچک نیز پدید آمده باشد در واقع بزرگترین شهر دنیاست .

والت ویتمن

صمیمیت یکی از دلائل نبوغ است .

بودلر

طبیعت زادخانه بنوغ است شهرها بصورتی پاچیزبان خدمت میکنند کتابها و دانشگاهها دست آدمند چشم مشتاق دیدن افق است، چشم انداز کوه و اقیانوس و رود و دشت و ابرها و ستارگان را دوست دارد، خواهان تماس واقعی با عناصر و مهر ورزیدن با فصول در آمدن و رفتن انهاست .

ا - ب - الکوت

عده ای معدود از مردان بزرگ برای مشهور ساختن ملتی کافی هستند .

ناپلئون

عده ای در امریکا لورنس سیاه پوست را برای سوزانیدن در خرمن آتش بردند و از او خواستند آخرین نظرش را

در بارهٔ افرادی که کشان کشان او را روی زمین کشیده اند بیان کند او جواب داد من ابداً فرصتی برای جنگ و

نزاع و نگرانی ندارم و هیچکس نمی تواند مرا آنقدر پایین آورد که نسبت با و کینه بورزم . دیل کارنگی

عزت و احترام بقیمت زحمت و مشقت است . حسن رشدیه

عظمت مردان بزرگ از طرز رفتارشان با مردان خرد آشکار میشود . کارلایل

عمر آنقدر کوتاه است که نمیارزد آدم کوچک و حقیر بماند . ؟

عمارات بزرگ را از سایه آنها و مردان بزرگ را از تعداد دشمنان آنها میتوان شناخت . مثل چینی

غم و محنت روزگار دل را روشن و فکر را قوی میکند و مصائب مردان بزرگ بوجود میآورد . از کتاب در آغوش خوشبختی

کسانی شایستهٔ بنای یادبود میباشند که احتیاجی بدان ندارند بعبارت دیگر افرادی لایق بنای یادبودند

که قبلا در قلوب و اذهان مردم جای گرفته اند .

کسانیکه از حیث استعداد و قریحه مافوق دیگران هستند غالبًا بخطا و تقصیر نزدیکترند زیرا هیچ علت ندارد که

استعداد اشخاص را مافوق بشر قرار دهد . ولتر

کسانیکه روی بلندی ایستاده اند بادها لگدکنشان میدهد و این اشخاص اگر از جایگاه خود بیفتند تکه تکه خواهند شد ؟

ما خواستاریم از زمرهٔ کسانی باشیم که بشر را به شاهراه راستی راهنمائی میکنند . زردشت

محترم بودن نتیجهٔ یک عمر لیاقت اندوختن است . مادام دلامبر

مرد بزرگ آن کسی است که هر موقع اراده کند بین احساسات و افکار بتواند حائلی ایجاد کند . ناپلئون

مرد فرزانه نمی‌گذارد نکته را در نظر دارد ، روشن دیدن ، خوب گوش دادن ، مهربان سخن گفتن ، آداب داشتن راستگو بودن ، انجام وظیفه کردن ، هنگام تردید پرسیدن خود را از خشم دور نگاه داشتن در حین موفقیت عادل و منصف بودن . کنفوسیوس

مرد بزرگ غمخواری و تشویش نشان نمیدهد عاقل است و تردید ندارد شجاع است و نمیترسد . کنفوسیوس

مردان بزرگ هرگز تا ضرورتی در بین نباشد ظلم نمیکنند . ناپلئون

مرد بزرگ از صفات خوب دیگران استفاده میکند نه از صفات بد شان سوء استفاده . کنفوسیوس

مردان بلند نام و با افتخار هرگز نمی میرند ، زیرا گور شان قلوب نسلهای آینده است . تولستوی

مردان بزرگ مانند عقاب هستند و آشیانهٔ خود را روی قلهٔ بلند تنهائی میسازند . شوپنهاور

مرد بزرگ وقار دارد ، اما متکبر نیست مرد کوچک تکبر دارد اما وقار ندارد . کنفوسیوس

مردان بزرگ جز بکار خود به چیز دیگر اعتماد ندارند و از هیچکس یاری نجویند . کنفوسیوس

مرد بزرگ با روی خوش رد میکند و مرد کوچک با روی ترش میپذیرد . کنفوسیوس

مرد یکه واقعاً بزرگ است حاکم بر واقعیاتی است که خود پدیدش آورده . ناپلئون

مردان بزرگ مانند شهابها هستند که میسوزند و جهانی را از نور خود روشن میکنند . ناپلئون

مردانی بوده اند که برای رسیدن به کمال حتی جان خود را از دست داده اند . — کنفوسیوس

مردم فرومایه از اشتباهات و لغزشهای اشخاص بزرگ لذت فراوان میبرند . — شوپنهاور

مرد بزرگ دیر وعده میدهد و زود انجام میدهد . — کنفوسیوس

مردمان عادی نظیر شهر صد دروازه هستند که از هریک از دروازه های آن که بخواهند وارد میشوند اما وجود مرد خردمند شهری است که یک دروازه دارد و آنهم دروازه ای بسته وقتی بشر خواست وارد شود ناچار دق الباب میکند . — ترزیگ

مرد خردمند نرفته میداند، نگاه نکرده می بیند و عمل نکرده کار را بپایان میرساند . — آئین تائو

مرد بزرگ بخود سخت میگیرد و مرد کوچک بدیگران . — کنفوسیوس

مصیبت نبوغ را آشکار میکند و اقبال و آسودگی آن را پنهان مینماید . — هوریس

معاشرت بردانائی میافزاید ولی تنهائی مکتب نبوغ است . — گیبون

مقام عالی انسانی در برابر شما ست آنرا بدست آورید . — شیلر

نگذاریم اشخاص شرافتمند و اصیل روزگارمان بدون دریافت افتخاراتی از میان ما بروند . — فرانکلین

ممکن نیست کسی شرح احوال و زندگانی اشخاص بزرگ و با استعداد را بخواند و خودش بدون اینکه ملتفت باشد باقوه مرموزی بطرف مجد و تعالی کمال اخلاقی کشیده نشود . — دیزرائیلی

من برای شادمانی بدنیا نیامده ام . آمده ام کارهای بزرگ انجام بدهم . — بتهوون

می ارزد که انسان برای یکنامی بهر نوع فداکاری تن در دهد .

نابغه در بند حدود و تعینات دیگران نیست قانون او در وجود خود اوست یا همچون کوهی آتشفشان از درون میخروشد و کوهپاره ها را از پیش برمیاندازد و دهانه ای برای فوران خود میسازد . فطرت وی قانون میگذارد و کار خود را با آن می سنجد .

گوته

نابغه کسی است که پیوسته افکارش را از قوه به فعل آورد ولی نابغهٔ واقعی کسی است که از مداومت خودداری کند زیرا خلاقیت ابدی مخصوص پروردگار است .

بالزاک

نابغه باید بدنیا بیاید نمیتوان نبوغ را تعلیم داد .

دراپدن

نامداران جهان دلیرترین افرادند .

سیرون

نبوغ و ارزش بشر وقتی با عالیترین صورت خود بتظاهر برمیخیزد که شخص خود و هدفهای فردی را در وجود اجتماع حل و محو کند .

انیشتین

نبوغ چیزی نیست مگر استعداد فراوان در صبر و شکیبائی .

بوفون

نبوغ نیروی ترکیب کننده ایست که میتواند افکاری کاملا تازه که هیچ علمی آنرا پیش بینی نکرده ترکیب کند این آخرین درجهٔ نیروی اخلاقی است .

پی یوژانه

نوابغ بزرگ دارای کوتاهترین بیوگرافی ها هستند .

امرسون

نوابغ برخلاف اشخاص عادی تنها در فکر خود نیستند و منافع شخصی را در نظر نمیگیرند بدین جهت در آثار

نوابغ همیشه نظر یاتی دیده میشود که دارای جنبهٔ کلّی و جهانی و از حدود زمان فراتر میروند . شوپنهاور

نیوتن بجای تخم مرغ روی آتش ساعت خود را گذاشته بود در صورتیکه قوهٔ جاذبهٔ زمین را کشف کرد . یکی از مردان بزرگ

نبوغ یعنی حوصله . مثل فرانسوی

هر کسی نبوغی دارد ، اما اغلب برای چند دقیقه . ت . اس . الیوت

هر نابغه جنبهٔ بدنیا می بخشد که نمی ستاند . هیلر

هرگز از خود انتقاد ننمود و خود را با کسی مقایسه نکنید شما خودتان هستید و همین کافیست غالباً در خصوص سجایا ،

توانائیها ، اعمال نیک و سودمند ارزش و اهمیت شرافت و حیثیت و بزرگی خود فکر کنید . پل نیس نس

هر قائد و پیشوائی باید به تناسب مقام و استعداد محیط ظهور کند وگرنه میوهٔ نارسی و عمل بیهوده ای خواهد بود ، ؟

هرگز به بزرگی نمیرسی تا در آن راه زحمت بسیار نکشی . سیسرون

همهٔ مردان بزرگ در زیر دانائی خود دارای دل کودک هستند . مثل چینی

هیچکس بلندی مقام پیدا نمیکند مگر در خوی خویش . ابن عطاء

یکساعت زندگی با افتخار و باشکوه به یک قرن گمنام زیستن میارزد . والتر اسکات

یک مرد بزرگ عیوب مرد کوچک را نمی بیند . مثل چینی

انکس را بستائید که از ریمه عسر — بهر آسایش مه‌م قدمی بردارد
نیکمرد آنکه نکوید دل او هیچ گزند — مگر از خاطر کس باز غمی بردارد

افسر

عبادت بجز خدمت خلق نیست — به تسبیح و سجاده و دلق نیست
رو نیکمردان آزاده گیر — چو استم‌ها ای دست افتاده گیر

سعدی

کوشش کن تا خلق را بکار آئی — تا بخدمت جهان بیارائی
سنگه بر نقش نیکنامی بند — کز بلندی رسی بچرخ بلند
همتی باید که مهبت نیک از پیش — نیک‌نامی ارزش نیک آورد پیش

نظامی

قرنها باید که تا یک مشت پشم از پشت میش — عارفی جامه گهی خمّاری پوشد سنی
سالها باید که تا یک غنچه آرد روزگار — شاهدی یا صله گه یا شهیدی یا گهن
دریا باید که تا صاحب لآلی پیدا شود — بازی از خوبان یا اویسی از قرن

نویسنده

آنانکه ترجمان افکار عامه هستند باید کاملا به مسئولیت خود واقف باشند که حقایق را در نظر عامه بگسترانند . اتلی

آنکس که آهنگ مولف شدن دارد نخست باید دانشجو باشد . داربدن

آیا میتوان با محکوم کردن نویسندگان که عیوب اخلاقی را بی پرده نشان میدهند اخلاق را اصلاح کرد . این کار

بشکستن آینه ای میماند که روی زشتی را صاف نمایاند . ژول رومن

احتیاط باید کرد . نویسندگان را در هرچه نویسند، که از گفتار باز توان ایستاد و از نوشتن باز نتوان . ابوالفضل بیهقی

از چهار روزنامه بیش از صد سرنیزه باید ترسید . ناپلئون

افتخار واقعی در این است که آدمی کارهائی بکند که قابل نوشتن باشد چیزهائی بنویسد که قابل خواندن باشد، چنان

زیست کند که دنیا را برای رفتن در آن بهتر سازد . چلین

اگر نویسنده مردمان را دوست نداشته باشد خوانندگان هم مطالبش را دوست نخواهند داشت . کولیه

انشا، هر کس نمونهٔ بارز از خود اوست . بوفن

اهمیت نویسندگان معروف در اینستکه آنچه دیگران دیده اند اینها توانسته اند بیان کنند . ژوبرت

این حروف ونقطه های سیاه که بروی اوراق کتاب پراکنده شده آئینهٔ افکار انسانی است که میلیونها مردم از خواندن آن استفاده میکنند . پترارک

الگلیسها میگویند نخست و زیرشدن آسانتر از اینست که آدم بخواهد سر دبیر روزنامه تایمز بشود . مثل انگلیسی

با مردم زمانه معاشر باش ولی مانند آنان مباش برای معاصرین خود مطالبی بنویس که بآن محتاجند ، نه مطالبی که می پسندند . شیللر

باید زندگی کرد برای نوشتن ، نه نوشتن برای زندگی کردن . ژول رنارد

باخواندن یک شماره از جراید کشوری میتوان بدرجهٔ آزادی و استحکام مبانی حکومت ، رشد ملی ، تربیت فرهنگی ، قوای فکری و نیروی روحی افراد آن پی برد . ناپلئون

برای بیان اندیشه وخواستهای درونی شهامت بیشتری لازم است چون قهرمانی که در میدان جنگ جان سپرد ولایک

برای آدمی بهتر است اصلا بدنیا نیاید تا اینکه بدنیا بیاید و اثری از خود برجای نگذارد . ناپلئون

برای آنکه بتوان خوب نوشت باید در یک کشور آزاد زندگی کرد . ولتر

بیش از هر چیز انسان باید برای خوشآیند خودش چیز بنویسد . گوستاوفلوبر

پاکدامنی را در دلها نشاندن ، ناپاکی را زشت نمودن بیمرگی ولوی را برجستگی بدادن ، شالوده ایست برای هر نیکبختی

که قلم در دست میگیرد، برای نویسندگی یا نقاشی یا حکاکی . دیدرو

تندتر از شمشیر زبان اهل نظم و نثر است که مردم را بر نشتی نام برند . سولون حکیم

تنها و یا سه سرگذشت انسانی بیشتر وجود ندارد و این داستانها چنان با بیرحمی و شدت تکرار میشوند مثل اینکه نظیرشان

در گذشته حادث نشده است . ؟

حتی بازای نصف کره زمین حاضر نیستم در مقابل هوی و هوس این و آن تسلیم شوم و مسلماً چیزی را که از وجودم خارج

نشده باشد حتماً نخواهم نوشت . بتهوون

خواندن انسان را کامل میکند، سخنرانی و گفتگو او را حضور ذهن و سرعت انتقال میدهد، ولی نوشتن انسان را دقیق میکند. بیکن

خواننده خیلی بندرت همان استفاده را میکند که نویسنده از نوشته خود کرده است . تریستان برنارد

خط زبان است، زبان بیان خرد است . حضرت امیرؑ

دانش را با نوشتن پای بند کنید، آنچه خطا شود بگریزد و آنچه نوشته شود برقرار ماند . حضرت امیرؑ

دانش آموزید و هر کس از شما قدرت خط آنرا ندارد آنرا بنویسد و در خانه نگذارد . امام حسن بن علیؑ

دانشت را بنویس و در میان برادرانت بپراکن، که چون از این سرای درگذشتی نوشته‌هایت را به میراث گذاری

زیرا برای مردم روزگاری پدید آید که با هم تماس ندارند مگر بوسیلهٔ نوشته‌های یکدیگر . امام صادقؑ

درنگفتن و ننوشتن شتاب نکنیم تا آن کلمه را بیابیم که بمقصود نزدیکتر است . حجازی

در نثر آنچه زائد است فاسد است

شوپنهاور

دو نیروی بیش از هر چیز برای یک نویسنده لازم است یکی اینکه چیزهای تازه را مانوس سازد و دیگر اینکه چیزی مانوس را نو سازد .

جانسون

دنیای امروز با دو حرکت پیش میرود، صبح با حرکتیکه روزنامه های صبح او را امید میدهند و عصر به عصر با ضربه ولتکانیکه روزنامه ها عصر به او وارد میآورند .

سر والتر اسکات

راز هر اثر بزرگ اینست که چهره بشریت را پر بارتر و تحسین انگیزتر میکند .

آلبر کامو

روزنامه فریاد حیات و زندگی است صوتی است که از سنگر جانداری بلند میشود نبضی است که میزند و حرکت میکند گواهی است که هنوز قلب کار میکند و در پیکر کشور روح و رمقی باقی است .

امیل زولا

روزنامه لگاریتمیس اجتماع است هیچگاه نباید جلوی انجام وظیفه او را گرفت .

امیل زولا

روزنامه آسانترین راه اشاعه فرهنگ و بزرگترین وسیله بیداری مردم است .

ناپلئون

زندگی روشن و پرورش صحیح امروز مولود افکار نویسندگان دیروز است .

عفیفی پاشا

زیاد فکر کن، کم حرف بزن و خوب بنویس .

؟

ساختن یک کتاب همان اندازه حرفه است که ساختن یک ساعت، تنها نبوغ برای مؤلف شدن کافی نیست .

لابرویر

سه دشواری در کار تألیف وجود دارد، نوشتن چیزی که قابل نشر باشد یافتن مردم شریفی که آنرا نشر دهد، پیدا کردن مردان حساسیکه آنرا بخوانند .

کولتون

شما بالاخره دیر یا زود خواهید رفت اما پاره های جراید باقی میمانند، کاری نکنید که یکروز کسی از آنها بشنود و بر شما لعنت کند .

ژیرارد

فشار هر قدر سخت باشد نباید شخص را بگفتن و نوشتن خلاف حقیقت آنهم در مقابل افکار عمومی وادار سازد .

اتلی

فقط هنگامی یک نویسنده میتواند اثری مهم بوجود آورد که کاملاً منزوی شود .

گوته

فکر کردن بسیار آسان است و عمل کردن بی نهایت دشوار هیچ چیز در زندگی مشکل تر از این نیست که انسان افکار خود را بعرصهٔ عمل گذارد .

گوته

قدرت قلم متکی بحق و عدالت از هر اسلحه و شمشیری قویتر و تواناتر و برنده تر است .

امیل رولا

قلم نویسندگان دانا، برتر است از خون شهیدان .

حضرت امیر

قلم روزنامه نگار مانند تیشه ای است که نمیشود آنرا شکست این تیشه بدان منظور ساخته شده است که دنیای قدیم را ویران کند تا دنیای تازه ای بوجود آورد .

ولتر

کارهای این جهان هیچ چیز بر پا نیست یکی شمشیر و دیگری قلم چه اگر شمشیر و قلم حاکمیت نکند زندگی برقرار نیست .

نصیحة الملوک

کمرنگ ترین جوهر بهتر از قویترین حافظه است .

مثل چینی

مطبوعات و مدرسهٔ ما، معبد ما و خالق ما هستند بین تمام آثار تمدن ما این اثر یعنی مطبوعات یک سر و گردن بالاتر

ایستاده و بیش از هر قوه‌ای از ما در زندگی ما حمایت میکنند .

سروالتر سکات

نویسنده ایکه بحرفهٔ خود مقید میباشد باید مانند شاهدی عین زندگانی را بطوریکه دیده است بخوانندگان خود معرفی کند نویسنده تمامی حقیقت را به نویسد بی آنکه آن را با افکار و احساسات شخصی خود بیاراید .

گوستاو فلوبر

نویسندهٔ خوب آنست که مثل کوه یخ یک هشتم آن مرئی و متکی به هفت هشتم دیگرش باشد که در زیر آب مخفی است . همینگوی

وجود ما نویسندگان و هنرمندان اگر تنها یک علت داشته باشد آن علت چیزی به جز این نخواهد بود : سخن گفتن به جای همهٔ آن کسانی که نمیتوانند سخن بگویند .

آلبر کامو

هر علمی که بر کتابت نیاید ضایع گردد .

حضرت امیر

هر وقت پای به تخت میلرزد حس میکنم که نویسندهٔ آزاد مردی قلم بدست گرفته .

یکی از سلاطین مستبد فرانسه

هر کس خیال کند که چیزی در نوشتهٔ خود غیر از آنچه در روح اوست میگذارد بسیار گمراه است

آناتول فرانس

هر گونه نوشته‌ای خوبست جز آنچه ملال آور باشد .

ولتر

ممکن است یک نویسنده با اندازه یک سیاستمدار و یا یک جهانگشا در تغییر سرنوشت دنیا دخالت داشته باشد . دیزرائیلی

من بدبختی میهنم را از چشم نویسندگان و عوامل تبلیغی مصر می بینم .

توفیق الحکم

من برای مدت بیست و دو سال نویسنده بودم و برای پنجاه و پنج سال یک لاغ .

مارک تواین

مورخ پیام آوری است که بگذشته میگردد .

؟

مهام امور کشوری، ارد پا دا آفرینقا بوسیلهٔ چند انگشت خط نویس انجام میشود، حتی دنیای ترقی امروز هم اصلاحات بزرگ خود را به نوک قلم و نور نگارش مدیون کار است .

توفیق الحکم

نویسندگان متفکر از آنجهت چنین نیستند که چیزهای نوی آورند بلکه از آنجهت که آنچه را میخواهند بگویند به صورتی بیان میکنند که گوئی هرگز پیش از آن گفته نشده است .

گوته

نویسنده و متفکر بزرگ آلمانی، توماس مان، هنگام احتضار چنین میگوید عینکم را دم دستم بگذارید تا وقتیکه بیدار میشوم کتاب بخوانم .

؟

نویسنده آن است که مردم را از پایهٔ دون بپایه بلند رساند .

حکیم عمر خیام

هنگام نوشتن همیشه سعی کنید آنچه میگوئید، بر دی کاغذ بیاورید و در قبال آن هنگام حرف زدن آنطور بر گوئی - نگنید که می نویسید .

سنت بوو

هیچ نویسنده ای نمیتواند ادعا نماید که مصون از خطا و اشتباه است و فقط آنهائیکه هرگز نویسندگی نکرده اند تصور میکنند که نویسنده مصون از اشتباه میباشد .

سر والتر اسکات

هیچ تألیفی آن اندازه ناچیز نیست که بکاری نخورد بشرط آنکه شاهدی از زمان خود باشد .

فوشه

یگانه آثاری، قابل خواندن است که نویسنده اش در آن سعی نمیکند عقاید خواننده را رهبری کند .

ناپلئون

یک قلم موظف است که رویدادها را خالی از تعصب بنویسد و یک زبان آزاد باید حقیقت را در گفتار مورد توجه قرار دهد .

یک سعدی پیش از نهصد ارزان سپاه از بیداد ستمگران جلوگرفته .

حجازی

هرگز درباره موضوعی چیز ننویسید مگر آنکه بیشتر در آن باب زیاد خوانده باشید . هرگز درباره موضوعی چیزی نخوانید مگر آن زمان که عطشی در آن باره در خود احساس کرده باشید .

ایشتر

هر نویسنده تا حدی تمایل خویش را در آثارش میریزد حتی اگر این کار بر خلاف میلش باشد .

گوته

هر وقت میخواستم یک شاهکار ادبی بنویسم ابتدا خود را بابچه ای خرد سال مشغول میکردم چون جامعه انسان همیشه غرق مسرت و نشاط بود بیخود اخم نمیکردند غصه نمیخوردند . اگر هم از چیزی مکدر میشدند خیلی زود گذر بود و مجدداً همان نشاط و سرور و خوشی پیش را آغاز میکردند .

داستایوسکی

همانطور که اشخاص لاغر و ضعیف البنیه بدن خود را با لباس زیاد میپوشند که چاقتر جلوه کنند همانطور هم اشخاصی که برای نوشتن مطلبی صحیح ندارند میخواهند بوسیله الفاظ و عبارات رنگ و روئی بمنشآت خود بدهند . مونتی .

با قلم چون پنجه تیغ یار کن
در نمانی زملک هفت اقلیم

ابو حنیفه اسکافی

نیکی

آدم نیکوکار همچو کودک بیگناه انتظار و ترس آزار از کسی ندارد . حجازی

آنچه را انسان دوست دارد از صمیم قلب انجام میدهد، اگر شما نیکی را دوست دارید نیکی خواهید کرد . وند

آنکس که میتواند بدی جلوگیری نماید با وجود این چنین نمیکند، خود دستیار کسی است که بد میکند . فویمن

آنکس که مال مرا بدزدد، چیزی ارجی را ربوده است! اما آنکس که نام نیک مرا برباید جزئی از مرا میبرد که او را غنی نمیکند ولی در حقیقت مرا حقیر میسازد . شکسپیر

اجر نیکی شما در عمل نیک شما مستور است . سیدون

از داستانها همچون منبرهای موعظه اخلاق میآموزیم موعظه هائی ارزشمندتر از کتابها میتوان شنید و در هر چیزی میتوان نیکی یافت . کولتون

از خوب خوبتر کسیکه خوب گوید، و از خوب خوبتر کسیکه خوب کند . حضرت صادق(ع)

از شنیدن خبر کارهای شرافتمندانه خویش خجالت مکش . شکسپیر

اعتراف کردارند، آغاز انجام کردار نیک است.

اوگستین

اگر میخواهید بر عدهٔ خوبان و نیکوکاران جهان بیفزائید خود نیکوکاری را پیشه کنید.

حجازی

اگر علت و سبب بهترین کارهای ما دانسته میشد غالباً از نیکوکاری خود شرمسار میشدیم.

دیوار دل

اگر روزی بتوانیم تکه سنگ کوچکی را در راه گمگشته بکسی از جای خود لگدکان دهیم، اگر نور امیدی بر قلب شخصی دلگشت و نومیدی بدهیم اگر در بیابان دلشن زاری چاه آبی حفر نمائیم. اگر در زندگی غم و درد کسی را تخفیف و تسکین دهیم و بالاخره اگر بتوانیم اندوه فراوان کسی را بخوشی تبدیل نمائیم آنروز روز مبارک و روزی است که بهبوده نگذشته است؟

اگر خواهی که در میان خوبان گزیده باشی کرم پیشه کن.

؟

اگر زندگی انسان هیچگونه جنبهٔ انسانی نداشته باشد فردا روز دیگری نیست.

کتاب یک مرد

اگر مانع دلهای آزادگان را بدانهٔ احسان در دام نیاوریم و خاطره های پریشیده را به نیکی آرامش ندهیم، بچه وسیله دیگر صید دلها توانیم کرد؟.

؟

امروز آنچه که میتوانی به بهترین وجه انجام بده باشد که فردا بتوان بهتر کار کرد.

نیوتن

انسان نمیتواند به همه نیکی کند اما میتواند نیکی را بهمه نشان دهد.

دولن

انسان خوب کار نیک را فقط بخاطر نیکی انجام میدهد نه برای مزد و پاداش از نیکی و احسان دریغ مدار.

ابوالعلاء معری

با بدان نیکی کن تا از بدی آنها جلوگیری کنی.

حضرت امیر(ع)

بانیکان بدی مکن چه آنها را از نیکی باز میداری .

حضرت امیر

بامن دربارهٔ نیکی، عدالت انتزاعی و ناموس طبیعی صحبت نکنید. احتیاج بالاترین قانونها ورفاه عامه بالاترین

عدالتهاست .

ناپلئون

به تمام راههائیکه میتوانید در تمام جاها نیکه میتوانید در تمام اوقاتیکه میتوانید، با تمام مردمیکه میتوانید تا آنجائیکه

میتوانید، خوبی کنید، خوبی .

جانولی

بدگوی مردم مباش تا بدگوی تو نباشند .

؟

بدیهای ما در روزگار به یادگار میماند و خوبیهایمان با ما وارد قبر میشود .

شکسپیر

به آنان که با من نیکوئی کنند، نیکوئی خواهم کرد، و بآنان که با من سر نیکی ندارند مهر میورزم و بدیگونه نه همهٔ مردم

در نزد من در زمینهٔ نیکانند .

لافونتن

برکت عمر در کار نیک است .

حضرت امیر

بزبان دیگر مگو، و بدل، دیگر مدار، تا گندم نمای و جو فروش نباشی .

قابوس وشمگیر

بزرگترین لذتها، لذت نیکی است .

سوواژ

بهترین ذخیرهٔ فردا، کار نیک امروز است .

؟

بهترین طریق برای جلب نیکی، رفع بدی است .

ولتر

بهترین وسیله برای جلب محبت دیگران، نیکی درباره آنهاست . — روسو

بهترین انسان کسیکه درحق همه نیکی کند . — کنفوسیوس

بیم وجبن، روح را پژمرده ساخته واز هر کار نیکی بازمیدارند . — روسو

بدیگران کمک کن، بدون اینکه خودت را ازمن ببری . — مثل افریقائی

پاکان ونیکان، خوبی را تنها برای خود نمیخواهند، واز خودپرستی گریزانند. میخواهند ومیکوشند که نیکی سراسر جهان را فرا بگیرد، یعنی همه را دوست میدارند . — سیسرون

تا میتوانی از کسی نیکوئی دریغ مدار که یکروزی نیکوئی برد . — کیکاوس

تمام قلبهای فداکار. تمام قلبهائیکه میخواهند نیکوکاری را بیاموزند بار دیگران را حمل میکنند . — ارنست ناویل

تو نیکی را از دست مده، دیگران نیز خوب خواهند شد، وجود نیکان همیشه باداست و بدان همچون گیاه، هرجا باد بوزد گیاه بناچار سرفرود میآورد . — کنفوسیوس

تمایل انسان به نیکوکاری مانند تمایل آب به روان شدن بطرف پائین است . — ؟

جوانمرد کسی است که عطایش بر درخواست پیشی گیرد . — حضرت امیر

جوانمردی. بخشایش در حال پیروزی، وفروتنی در هنگام خوشبختی ودهش بروز نیکدستی وبخشش تبیر زنش ما. — حضرت امیر

جوانمردی دریائی است که از سه چشمه تشکیل میشود، سخاوت، شفقت، استغناء . — شیخ ابوالحسن خرقانی

جوانمرد آنستکه خلق را چون خویشتن خواهد بلکه بهتر . — شیخ شبلی

جوانمردی آنستکه از بی بضاعتان تنفر نکنی و با تواناگران معارض نباشی . — جنید

جوانمرد آنستکه در وقت احتیاج ایثار کند . — ؟

جوانمرد آنستکه در هیچ مقام دامن کسی را نگیرد . — محمد بن علی ترمذی

جوانمردی آنستکه بار خود بر خلق ننهی . — تذکرة الاولیا

چون کامیابی رو کند، همه خوبند، و چون ناکامی سر رسد، همه بد . — افلاطون

خردمند، آن بود که با مردم به نیکی بیامیزد . — امام حسن (ع)

خطاکارترین کسان، افرادی هستند که عیب دیگران را می بینند . — بایکون

خوشبختی بکسانی روی میآورد که برای خوشبخت کردن دیگران میکوشند . — ؟

خوب است هر شب هنگام خواب از خود بپرسم: امروز چه بدی کردم؟ چه گفتم؟ چه فکر کردم، یا چه احساس کردم
و چه کار نیکی انجام دادم . — پارکد

خوب باش و خوبی را شعار خود ساز زیرا هیچ چیز خرخوبی در موقعیکه به جهان دیگری میروی ترا تسلیت نمیدهد . — التراسکات

خودداری از نیکوکاری بسی بهتر از نیکی کردن با امید دریافت پاداش است . — مثل چینی

در مقابل همه چیز میتوان مقاومت کرد جز نیکی و خوبی . — روسو

در آئینه نگاه کن اگر صورت زیبا داری کاری مناسب جمالت انجام ده و اگر قیافات نامناسب است زشتی کردار را به زشتی صورت میفزا .

افلاطون

در جامعه اگر یک خانواده باشرف و نیکوکار وجود داشته باشد در سراسر آن جامعه عقاید مقدس خویش را نشر خواهد داد .

کنفوسیوس

دیکتاتورها در خانه هائی متولد میشوند که در آنها هرگز کار نیکو دستور داده نمیشود .

هانری دومونترلان

روزگاری میآید که حسن نیکی بر سایر غرایز ما غلبه خواهد کرد و حکمران جهان خوبی و مهربانی خواهد گشت .

حجازی

رفتار خوب تو همسایه خوب بوجود میآورد .

مثل آفریقائی

زمانیکه بدی کردی بدنبال آن نیکی کن نیکیها بدیها را نابود میکند .

حضرت محمد

زود رسیده زود فاسد میشود .

مثل امریکائی

سپاس دار باش تا سزاوار نیکی باشی .

مثل ایرانی

شر باشه خاموش نمیشود، چنانکه آتش با آتش بلکه شر را خیر فرو می نشاند و آتش را آب .

لقمان

شمع با آب شدن بدیگران نور میدهد .

مثل فارسی

ضعیف نواز باش تا همه جا محترم باشی .

؟

عیب کوچک را نباید حقیر شمرد زیرا مانند دشمن کوچک است که در طی زمان بانسان آزار میرساند .

استاهل

کافی نیست انسان کار خیر انجام بدهد، باید آنرا بطریقه صحیح نیز انجام بدهد . — جان مولی

کسیکه مایل است خیر دیگران را تأمین کند خیر خودش را هم تأمین کرده است . — کنفوسیوس

کسیکه سوء ظن را از بین ببرد، فقط یک سوء ظن را: انسانی نیکوکار است . — شامفور

کار یکه حتی فکرش ناراحت میکند، نکن . — مثل افریقائی

کسیکه برای یک نیکی اظهار حق شناسی میکند در رابروی یک نیکوکار دیگر میگشاید . — مثل آلمانی

کسیکه بعنوان دوست نمیتواند به شما نیکی کند ممکن است بعنوان دشمن بشما ضرر برساند . — مثل هلندی

گرسنگی بهتر تا فربهی در نزد ناکسان و فرومایگان . — حضرت امیرؑ

گل سرخ پرورش دهید تا زمین شما بگلستان مبدل شود خار مکارید که در پایتان فرو خواهد رفت . ؟

مبادا آثار نیکان در تو ظاهر باشد و تو نیک نباشی. چرا که اگر چنین باشی، بار یاکاران محشور خواهی بود. — حضرت محمدؐ

متکلم را تا کسی عیب نگیرد سخنش اصلاح نپذیرد . — سعدی

مردم بزه کار دوست دارند عیب دیگران را آشکار سازند تا بر تبهکاری خویش بهانه بیش داشته باشند . — حضرت امیرؑ

مردم فرومایه حربه ای جز یاوه در آئین ورشتگوئی ندارند . — امام باقرؑ

مردم، حتی وقتی هم که از شما میخواهند معایبشان را آشکار با آنها بگوئید انتظار مدیحه سرائی دارند . — سامرست موام

مردمان را عیب نهانی آشکار مکن که ایشان را رسوا کنی و خود را بی اعتماد . — سعدی

مرد یکه خصلت نیک دارد هرگز تنها نمی ماند زیرا همیشه دوستانی برای خود پیدا میکند . کنفوسیوس

مطمئن ترین و مؤثرترین روش مبارزه با بدیها یمان کشتن دادن و بهتر کردن و استوار ساختن خواستهای نیکی است

که گاه در انسان نمایان میشود . مادام سی وچین

مقدسترین وظیفه آدمی نیکی است علی الخصوص به کسانیکه از آنان روزی بدی دیده است . فرانکلین

مگذارید بدیها بر شما مسلط شوند سعی کنید بر بدیها تسلط یابید . ناپلئون

ممکن است دیگران در مقابل دوستی و خوشرفتاری ما اظهار امتنان و تشکری نکنند لیکن این فقدان قدردانی از بهای و قیمت

حقیقی نیکوکاری نخواهد کاست . بنتام

من میدانم که آن لرزشی که قلب مضطرب من برای اجرای یک نیکی تولید میکند ، آری این لرزش ضعیف که اهتزاز

بهترین جزو حیات من است در آغوش ابدیت الی الابد در حرکت خواهد ماند . سولی پودوم

نباید نیکوکار و بدکردار در نزد تو همانند و یکسان باشند ، چه این رفتار مرد نیکوکار را از روش نیک خویش برکنار دارد

و بدکردار را همواره به کار نامناسب خود وادار سازد . حضرت امیر

نباید ناامید شوید که حس نیکدوستی از میان رفته است ، زیرا نوع دوستی مثل اقیانوس است که اگر چند قطره از آن

آلوده گردد تمام آبهای آن هرگز آلوده نخواهد شد . گاندی

نخست نیک باشیم ، بعد خوشبخت میشویم ، طالب پاداش پیش از پیروزی و دستمزد قبل از انجام کار نباشیم ، دوسو

نخستین وظیفهٔ ما که خود شرط وظایف دیگری است، خوب شدن است برای خاطر آنکه بتوانیم خوبی کنیم . ادنست تاویل

نسبت بدیگران نیکوکار و مهربان باشید نه نسبت بخود . ژوبر

نیکی با کسان و مهربانی با خویشان عمرها را دراز و شهرها را آباد و اموال را زیاد میکند. اگرچه انجام دهندگان آن بدکاران باشند . حضرت محمدؐ

نیکی و سود خویش را در زیان دیگر کسان مخواه . زرتشت

نیکی بی مورد ظلم است . حضرت امیرؑ

نیکوکار زندهٔ جاویدان است اگرچه در کوی خاموشانش جای دهند . حضرت امیرؑ

نیکی دارای قوهٔ نفوذ و تاثیر فوق العاده ایست و باین جهت هر کس صالح و نیکوکار باشد بمنزلهٔ پیشوای بزرگ مردم است و بر کشورها حکومت میکند . ژرژ هربوت

نیکی همه چیز را مغلوب میکند و خودش هرگز مغلوب نمیشود . تولستوی

نیکی چیزی است که بیش از هر چیز مردم را خلع سلاح میکند . لاکوردر

نیک بودن کافی نیست ، باید آنرا نمایان ساخت . استاهل

نیکوکاری در مراحل اول تا اندازه ای زحمت دارد ، و هر قدر در این راه بیشتر رفتیم توانائی ما زیادتر خواهد شد ، گوئی کارهای خوب مادرانی هستند که بمرور ایام فرزندان زیادی از آنها متولد میشود . لودآویبودی

نیکی بجای نیکی پسندیده است، و دشمنی بجای دشمنی پسندیده نیست . خواجه عبدالله انصاری

نیکی، چه بدی داشت که یکبار نکردی . ؟

نسبت به همه چنان سلوک و رفتار کن که گوئی از میهمان پذیرائی میکنی . مثل چینی

وظیفهٔ ماست که نیکوکار باشیم، نه آنطوری که میخواهیم، بلکه آنطور که میتوانیم . امیل

هریک از شما باید در کردار نیک بدیگری سبقت جوید، و از اینرو زندگی خود را خوش و خرم سازد . زردشت

هر عیش و لذتی را که در دنیا بنظر بیاورید، دارای رنج و زحمت است و اگر فوراً برای ما تولید زحمت نکند در آینده اسباب درد سر میشود. فقط و لذت است که هرگز نتیجهٔ ناگوار و پشیمانی در بر ندارد، یکی نیکی کردن بمردم و دیگری انجام وظیفه . دوسو

هرکه در حال توانائی نیکوئی نکند در حال ناتوانی، سختی بیند . سعدی

هرگاه کسیکه نیکی میکند با نتیجهٔ آن خود را مشغول نسازد، آنوقت حس غضب و خودخواهی در قلب او خاموش میشود . بودا

هر زمان که پویای آن گشتی که از نیکی نمودن کسیرا بهره‌مند سازی نخست باید نفس خود را از هرگونه هوی و هوس که وسیلهٔ انحراف از نیکوکاریند پاک سازی . ابن مقفع

هرکه تفحص و تفتیش معایب دوستان کند، بدشمن مانند تر است . نگارستان جوینی

هرکه را در حق تو ظن خیر باشد ظن او را بیقین برسان . باسیلیوس

هر نیکوئی که به نزدیکان خود میکنی معتقد باش که بر خود میکنی . ؟

هرکه با نادان نشیند نیکی نبیند . سعدی

همسایه آزاری نشانه فرومایگی است . حضرت امیرؑ

همموع خود را با نیکی تنبیه کن و شر او را با بخشش از خود بگردان . حضرت امیرؑ

هیچ چیز با نیکی قابل مقایسه نیست ، هیچ کس را از وصول به نیکی مانع نشوید . بودا

یار نیک را در روز بد باید شناخت . ؟

بپیرگر نمخوانی که محتاج عصا گردی — ز پا افتادگان را در جوانی دستگیری کن

صائب

تیره روزان جهان را بچراغی دریاب — تا پس از مرگ تو شمع مزاری باشد

صائب

جام می در راستی پیشه کن — همه نیکوئی این را پیشه کن

فردوسی

درآوری اگر از پای خسته ای خاری — عزیز مصر چو یوسف شوی پس از چندی

خسروانی

همی نصیحت من گوش دار و سیلی کن — که دانم از پس امروز فکر فردا کن

نداشت چشم بصیرت که گرد کوی نخورد — ببرد گوی سعادت که صرف کوی تو کرد

سعدی

آنکس که راستی گزید که از همه عیب — بهر آیش مردم قدمی بردارد

نیک آن که آفتی نرساند دل او هرگز — گر از خطا کند بغمی بردارد

محمد هاشم میرزا افسر شاعر انیس

وجدان

آنکه از عقل و وجدان خود اطاعت میکند کمتر باطاعت دیگران مجبور خواهد شد . محمد حجازی

اساس تمدن بروی علم و وجدان گذاشته شده بدون علم حیات مادی دشوار بلکه محال میشود همچنین بدون وجدان زندگی قابل تحمل نیست بنابراین علم از ضروریات حیات جسمانی و وجدان از ضروریات حیات روحانی است؟ انسانی که دارای وجدانی پاک است در هر وضعی که باشد خشنود است و با آرامش خاطر زندگی میکند حال هر طور که میخواهند با او رفتار کنند .

عیسی مسیح؟،

اولین تکلیف آدمی حمایت از ضعفا و جریحه دار نکردن یک وجدان بشری است . گاندی

ای وجدان بدکاریهای ما همه از چشم پوشی و گذشتهای بی جای تست . محمد حجازی

ای وجدان تو باعث عظمت و جود انسان و اخلاقی بودن کارهای او هستی و بدون تو من چیزی در وجود خود احساس نمیکنم که مرا در جهانی برتر از حیوانات قرار دهد .

ژان ژاک روسو

اگر وجدان پاک داری پس چرا غصه میخوری؟ تو که چیزی کسر نداری . مثل هندی

باید در کارها وجدان خود را راهنما قرار داد و همانرا که وجدان بما نشان میدهد پیش گرفت . امرسون

بدون آزادی وجدان هیچ آزادی نمیتواند وجود داشته باشد همه آزادیهای دیگر از روی تکامل طبیعی از وجدان زائیده میشود . کوئیتیان بدتدن

برای تحصیل سعادت روی کره خاکی فقط یک راه وجود دارد و آن این است که وجدانی پاک و روشن داشته باشیم و یا اصلا وجدان نداشته باشیم . اگون ناش

بنیاد حیات ما بر پایه های وجدان و عقل است نه بر غریزه و هوس . مونتن

جهنم واقعی وجدان معذب است . مثل آلمانی

چه بخواهیم و چه نخواهیم وجدان بر ما غلبه دارد یا بر ضد ما، یا به نفع ما . لامارتین

حس وجدان آن قوه قضاوت اخلاقی است که خود خویشتن را محاکمه میکند . کانت

حس وجدان بزرگترین فیلسوف است . ژان ژاک روسو

حس وجدان سرچشمه مکارم اخلاق و پرده دار حریم عنایت است . کاظم زاده ایرانشهر

حقیقت، حریت، آزادی عبارتست از مسئولیت شخصی در پیشگاه وجدان و قلب . برنادن روسن پیر

حقیقت این است که پیش از آنکه آدمی مالک وجدان باشد وجدان مالک آدمی است . دودنو

حکمای الهی برآنند که: وجدان نخستین عطیه الهی است که بشر بدان سرافراز و سپس هیچی از فرمان وجدان گذار

وفرمانبرداری از وی موجب آرامش روان و آسایش ضمیر است . ؟

دانش بدون وجدان جز ویرانی نیست . رابله

دانای موحدان همگان صاحب روحی پاک نخواهد بود . رابله

در زندان بسر بردن با یک وجدان پاک و فکر راحت بهتر از بسر بردن در باشکوهترین بناها در آسایش و دعدغه است . ابوالعلا

در یک کشور اداره کردن هیچیک از طبقات مردم مشکل تر از اداره کردن اشخاصی که دارای حسن نیت هستند ولی

پیوسته وجدان خود را گول میزنند نیست . ناپلئون

در این ظلمات هول انگیز دنیا وجدان برای ما نه فقط راهنمای خوبیست بلکه شاهدی است عادل و باوفا که

اعمال ما را می بیند و مطابق آن گواهی میدهد . لرداویبوری

در سینهٔ ما خدائی است که وجدان نام دارد . منادر

در عالم دو چیز است که از همه زیباتر آسمانی پرستاره و وجدانی آسوده . کانت

در سینهٔ خود شرارهٔ آسمانی دارم که نامش وجدان است . شکسپیر

در مسائل اعتقاد و دیانت باید هر شخص عاقل و بالغ حکم وجدان خود را پیروی نماید . مانینگ

رضایت وجدان فقط بعد از انجام وظیفه حاصل میشود و بدون هدایت و راهنمائی وجدان افکار بزرگ و عالی تنها بمثابهٔ

نوری هستند که موجب گمراهی انسان میگردند . اسمایلز

رضایت وجدان بالاترین مرتبه هاست . ژول سیمون

سرزنش وجدان مجازات گناهان ماست و پشیمانی جریمه ای است که برای آن میدهیم . لرد آویبوری

صداقت و ایمان بحقیقت را منظور و مقصد اساسی زندگی خود قرار دادن و تکالیف را از روی وجدان بجا آوردن بالاترین طبیعت مرد را بلندتر و کاملتر میسازد یکی را دوست داشتن و حیات او را آرزو کردن و دیگری را دشمن و مرگ او را خواستن بنا چار طبیعت آدمی را تاریک میسازد . کنفوسیوس

عده ای معتقدند که چون فکر میکنند بنابراین صاحب وجدان و فکر منطقی هستند . مادام استاهل

عذاب وجدان آتشی است که هستی را خاکستر خواهد کرد . از این آتش سهمناک بهراسید . حضرت امیر

عذاب وجدان بدتر از مرگ در بیابان سوزان است . هوگو

فرمانروائی من بپایان میگیرد از جائیکه سلطنت وجدان آغاز میگردد . ناپلئون

قبل از ارتکاب جنایت و انجام اعمال نامشروع ، ندائی در اعماق تاریکی هستی فریاد میزند که این کار موافق اخلاق نیست و آن ندای وجدان است .

قاعده ای که بر مجموعه قوای شما حکومت تواند کرد ، وجدان اخلاقی شما خواهد بود . پوشه والتوی

کسی که وجدانش ناراحت و روحش آزاد نباشد هیچوقت روی آسایش نمی بیند چنانچه روشفوکولد گوید : کسی که در ما خود آسایش ندارد بیهوده آن را در خارج جستجو میکند . لرد آویبوری

کسی که از هر امری از وجدان خود تبعیت میکند خسته نشده و از زندگی ملول و از روزگار متألم نمیشود . بیگن

کسانیکه وجدان های آسوده دارند سیمای ایشان دریای آرامی است که حتی موج پیری نمیتواند آنرا بحرکت درآورد . سعید نفیسی

کسیکه وجدانش پاک باشد زود خوابش میبرد . مثل امریکائی

کسیکه وجدانش پاک باشد همیشه شاد و مان است . مثل چین

کسیکه شرم ندارد وجدان هم ندارد . مثل امریکائی

کسیکه وجدانش را برای کسب شهرت فدا میکند، تابلوی نقاشی را برای تحصیل خاکستر سوزانیده است . مثل چینی

مذهب هر فردی را باید به ایمان و وجدان او واگذار کرد . جمس ماریون

مردم با اخلاق معمولاً دارای وجدانی پاک اند . اسمایلز

معلم نفس خود و شاگرد وجدان خویش باش . ارسطو

ممکن است گناهی بکنیم و جامعه از سر تقصیر ما بگذرد . اما سلسلهٔ اعصاب ما دست از سر مان برنمیدارند . جمس ماریون

من عدالت مطلق را توجه به وجدان میدانم صدای وجدان که در تنهائی بگوش آدمی میرسد، وظیفهٔ دائمی مارا با سایرین تعیین میکند و طرز رفتار مارا دربارهٔ اشخاص و اشیاء و امکنه در هر حال به ما میاموزد . متولینگ

من مایلم امور دولت را بنحوی اداره کنم که در پایان فرمانروائی دولتم، اگر همهٔ دوستان خود را در آن زمان

از دست بدهم اقلا یکی از دوستانم باقی بماند و آن وجدان و قلب من است .

ابراهام لینکلن

ندای وجدان را در همه حال از خود دور نسازید .

ناپلئون

وجدان نیکوترین لطیفهٔ انسانی است که رهبری میکند ما را بخوبی ها و کردار و گفتار ما را همه گاه بدیده قضاوت نگریسته و بر همگان لازم است که پیروی از فرمانش کنند .

وجدان ، وجدان . ای وفادارترین دوست آدمی .

کروپ

وجدان لطیف نعمتی است گرانبها . یک چنین وجدان نه تنها آنچه را که شر است تشخیص میدهد ، بلکه فوراً آن را دور میکند و همچون مژگان چشم است که ناگهان راه را بر غبار خاشاک می بندد .

ن . ل . مشکن

وجدان نمایندهٔ پاکدامنی و عفت و صداقت است .

الکساندر دوما

وجدان هرگز ما را نمی فریبد بلکه راهنمای حقیقی ماست او راهنمای روح است چنانچه غزایر راهنمای جسمند .

وجدان صدای خداوندی است که از دل انسان خارج میشود .

لامارتین

وجدان همواره حقیقت را خلق میکند .

کی ارلکار

وجدان مانند آئینه است که نه تملق میکند نه تحقیر مینماید .

ژرژ واشنگتن

وجدان نمایندهٔ تقوی و پاکدامنی عفت و صداقت است .

الکساندر دوما

وجدان تحصن گاه غیر قابل تعرض آزادی انسان است .

ناپلئون

وجدانتان را مجبور کنید که آنچه را می بینید ندیده بگیرد و نه آنچه را که باید محکوم شود تبرئه کند . کوکرل

وجدان بمنزلهٔ ستارهٔ قطبی است که گمشدگان راه زندگی را نجات میدهد . غ - د

وجدان اگر زخمی شد خوب شدنی نیست . مثل چینی

وجدان بد آدمی را ترسو میکند . مثل آفریقائی

وجدان پاک ترمز زبان است . مثل فرانسوی

وجدان محکمه ای است که در آن به وکیل دادگستری احتیاجی نیست . مثل انگلیسی

هر کجا میخواهی برو آنجا هم وجدانت را می بینی . دیدرو

همیشه قضایا را قبل از اخذ تصمیم بمحکمه وجدان تسلیم کنید و وجدان را رهنمای بی نظیر و قاضی بی طرفی است . منتسکیو

همانطور که در هنگام راه رفتن دقت میکنی نیش خاری به پایت فرو نرود در تمام اعمال و افعالت مراقب باش که وجدان خود را نیازاری . اگر واقعا چنین رفتار کنی هرگز کار ناشایستی از تو ظاهر نخواهد شد . گویو

هنگامیکه وجدانت ترا متهم میکند محکوم میکند و مجازات میکند . همه عالم نمیتوانند و نه حق دارند ترا برائت بخشند . کول ارل

هیچ آدم گنهکاری در قبال دادگاه وجدان خویش برائت حاصل نمیکند . ؟

یک وجدان خوب به از صد شمشیر میارزد . ناپلئون

کسیکه پاک زآلودگیست وجرانش — کجا روا بت چو یوسف مکان زندانش؟

در این جهان هوسخیز نیکه سر نکنم — فتاده است ببت هوس گریبانش

میان ما اگر آزادهای شود پیدا — روا بود که سر و جان کنیم قربانش

هر آنگه خلق پریشان دخترگرخواهد — مدام فکر پریشان کند پریشانش

بحق کسیکه سخن گفت همچو خورشید — همیشه راحت و آسایش است و جرانش

جمشید

وظیفه

آرامشی که پس از انجام وظیفه به انسان دست میدهد برتر از تر تسها و امیدهاست . ؟

ادای وظیفه شیرینی هائی دارد که بری از آن ممکن نیست . سلون

ارزش اخلاقی بسته به تعداد وظایفی است که آدم انجام میدهد . مترلینگ

ارزش اخلاقی بسته به تعداد وظایفی است که آدم انجام میدهد .

از برای شانه های آدمی به هر اندازه ای که توانا باشد، باری سنگین تر از بار مسئولیت نیست به هر اندازه

که کوچک باشد . والتور

اغلب بنا بر وظیفه و عادت عیش میکنیم نه برای لذت بردن . محمد حجازی

اگر تمام سعی و کوشش خود را صرف انجام وظیفه کنیم میتوانیم بسعادت خود یقین داشته باشیم . فلون

اغلب مردم گله وار گرد هم می نشینند بی آنکه درباره اوضاع عمومی و تکالیف اجتماعی خود کلمه ای بزبان آرند

بلکه تنها از گفتن و شنیدن گفتارهای هزل و یاوه خوشحال و شاد میشوند و میخندند بر استی این مردم را براه

راست آوردن بسیار دشوار است . کنفوسیوس

انجام وظیفه عالی ترین مقصد و منظور زندگی و اخلاق است و زندگی انسان در مرکز دایره وظایف عمومی قرار گرفته است. ابن سینا

اوّل باید بشر را سرمست انجام وظیفه نمود پس از حقوق دم زد . ؟

اولین وظیفهٔ ما این است که برای دیگران سودمند باشیم . ؟

اهمال در وظایف کوچک خطاهای بزرگ را میآموزد . ؟

بدترین افراد در دنیا کسانی هستند که میدانند وظایفشان چیست ولی معذلک انجامش نمیدهند . هانری مارتین

برای کسانیکه اراده ای توانا دارند هیچ لحظه ای بی وظیفه نیست . لوتر

بزرگترین و دشوارترین وظیفه ما خوش زیستن است . حجازی

بزرگی و عظمت واقعی انسان در آن نیست که شخص در طلب آسایش و لذت یا کسب مقام و شهرت برای نفس خود باشد بلکه جلال و افتخار حقیقی هر کس عبارت از آن است که وظایف و تکالیف شخص خویش را بدرستی انجام دهد . برانتون

بزرگترین کمال برای مرد عبارتست از اینکه وظیفه را برای خاطر وظیفه بجا بیاورد . کانت

بقای اجتماع پیروی مقررات اجتماعی است و آن جامعه که مقررات زندگی را زیر پا میگذارد نابود خواهد شد . ؟

بهترین وظیفه آنستکه انسان در اندیشه شستن کسی نباشد . ؟

همین گذشته که از شما فرار میکند و آینده ایکه ما آنرا نمی بینیم حال هست که تکالیف ما در آنجاست . آدوکاسپارت

با قولیکه میدهی وام جدیدی برعهده میگیری . مثل آفریقائی

"تا خودت ناخن و انگشت داری گره کارت را باز کن . مثل فیلیپینی

تحقیر در دو مرگ اولین وظیفه مرد است . سیسرون

چون انجام همه امور از دایره وسیع شما خارج است . آنچه را که میتوانید انجام دهید وظیفه را بیش از کامیابی در نظر بگیرید .

چه خوشبختی از انجام وظیفه بالاتر است و چه سرگرمی از کار بهتر . کارمن سیلو

حس وظیفه شناسی برای مردمان دلیر و شجاع نیز بمنزله حافظ و پشتیبان و آنها را سرافراز و مستقیم نگاه داشته و بآنها

قوه و قدرت میبخشد . اپیکتوس

حقیقت را بگو و کار نیک را انجام بده و فراموش کن که بخاطر خودت کاری میکنی . آنچه برای انسان در جهان

مهم است انجام وظیفه است . روسو

خدمت بخلق وظیفه نیست ، بلکه دارای لذتی است که سلامتی و شادمانی شخص شما را زیاد میکند . زرتشت

خردمند وظیفه را وسیله امرار معاش قرار نمیدهد ، بلکه وظیفه برای او هدف زندگی است . کنفوسیوس

خوشبخت کسیکه طعم وظیفه را چشیده و هر روز بطیب خاطر برای آن در تلاش است . برسوت

خوشبختی نامعین و گذرانست ولی وظیفه قطعی و جاودانست . فوشتراسلبن

خوشبختی وظیفه نیست ولی نتیجه انجام وظیفه است . ارنست ناروت

در دوراهیهای زندگی گاهی اتفاق میافتد عاطفه و وظیفه با هم تماس پیدا میکنند . کسانیکه از عاطفه پیروی نمایند

همیشه از خود مسرور و مشعوفند ولی مردمیکه در این قبیل مواقع تبعیت عقل و وجدان را ترجیح داده و انجام وظیفه نمایند غالبا از کرده خود منفعل و نادمند .

ولتر

در راه انجام وظیفه پایدار باش .

آئین هندو

در دنیا هیچ چیز قابل آن نیست که انسان بخاطر آن زنده باشد مگر خدمتگزاری و انجام وظیفه . ولنکتین

دلی را که خود نیشتر میزنیم دردمیکند .

مثل افریقائی

رضایت وجدان فقط بعد از انجام وظیفه است .

اسمایلز

رلهائیکه در صحنه زندگانی بعهده ما واگذار شده است با انتخاب و اختیار خود ما بوده و تنها وظیفه ما اینست که آنها را بخوبی بازی کنیم .

اپیکتیت

روح وظیفه شناسی را باید بزرگترین نعمت و موهبت اقوام و ملل عالم دانست و هر ملتی که افراد آن دارای این روح شریف باشند بعظمت و ارتقاء آتیه آن میتوان کاملا امیدوار بود اما اگر برعکس این روح را نیان ملتی رخت بربندد و جای خود را بحس عیاشی و خودخواهی و نفس پرستی بسپارد . بحال آن ملت بدبخت زار باید گریست زیرا بحکم طبیعت فرمان انقراض و اضمحلال آن دیر یا زود امضاء خواهد شد .

اسمایلز

عالمیان بمثابه شهری اند و باید در وظایف و خطرات و غم ها و شادیهای یکدیگر با هم باشند .

دوبرتون

عمل نیک عملی است که برای تکامل نافع باشد . خوب و بد خیر و شر تابع این قاعده اند . وظیفه شناسی را میتوان بدین طور

وصف کرد. برای غایت تکامل عاملی باشش با وجدان و با اراده تکامل اخلاقی در فرد و جامعه عبارت است

از غلبهٔ تدریجی حسّ غیرخواهی بر حسّ خودپرستی و علم اخلاق عبارتست از قواعدیکه خودپرستی را بسوی نوع پرستی

هربرت اسپینسر

هدایت نماید .

عدالت ، مجموعهٔ وظایف اخلاقی است .

مثل افریقائی

کارهای بزرگ جهان برحسب امریست که از خلقوم وظیفه خارج شده است و ناشایسته ترین آنها آنست که

لاکوزدد

باصدای هوس انجام یافته .

کاریکه وظیفه وصمیمیت در آن دخالت دارد خلل پذیر نیست .

شکسپیر

کسیکه وظیفهٔ خود را نسبت بکسانیکه موظف است انجام وظیفه کند بجا نمی آورد در وظیفه است ، چراکه دین

زرتشت

را که نسبت بدیگران دارد ادا نکرده است .

کسیکه بحکم تنبلی و تن پروری از منطقه وافتخار خود فرار کند در دو جهان جز مذلّت و ننگ بهره ای نخواهد داشت . حضرت محمد

گوته

کوشش اولین وظیفهٔ انسان است .

ویلسون

لفظ وظیفه در نظر من بزرگترین کلمات دنیا است .

ما آرامش خاطر را دوست داریم و همیشه بدنبال آن میرویم . ولی تا موقعیکه از انجام وظیفه فرار میکنیم هیچوقت به

لرد آویبوری

آرامش خاطر نخواهیم رسید .

ما با گذشت زمان تغییر میکنیم زمان وظیفهٔ خود را کاملاً شرافتمندانه انجام میدهد . دیکنز

میگویند خوشبختی پاداش انجام وظیفه است یعنی ، خوشبختی مزدیست که در مقابل انجام وظیفه بما میدهند ولی باید بدانیم که خوشبخت بودن یکی از مهمترین وظایف ماست . لرد آویبوری

بنا باید وظایف خیالی جانشین وظایف حقیقی گردد . وینه

نخستین وظیفهٔ هر فرد آنست که استعدادهای خود را پرورانده و از قوای خویش استفاده کند . گوته

وظیفه شناسی بمنزلهٔ سار وجی است که ساختمان اخلاقی انسان را بهم چسبیده نگاه میدارد و بدون آن نه قدرت و نه صداقت نه پاکدامنی و نه حتی عشق و محبت هیچکدام ثابت و پایدار نخواهد ماند و اگر این حس در انسان مفقود باشد تار و پود وجود شخصی از هم میپاشد و او را به بیغوله بدبختی و انزوا میافکند . ؟

وظیفه چیزی است که از دیگران انتظار انجامش را داریم . اسکار وایلد

وظیفه سودبخش است ، باندازهٔ توانائی نه باندازهٔ دلخواه . آمی ال

وظیفهٔ اساسی در زندگانی این نیست که به بینیم چه چیزهائی در فواصل دور و مبهم پنهان است بلکه کار اصلی ما باید صرف شناختن و آشنائی با چیزهائی گردد که در نزدیکی ما قرار گرفته است . کارلایل

وظیفه و عقل همیشه با هم میروند و آنجا که پر و بال عقل از کار میافتد باز هم وظیفه بالا میرود و ماورای حدود عقل نقشه ای برای اعمال ما رسم میکند . لرد آویبوری

وظیفه: وقتی که مردی ابله عملی میکند که از آن باطناً خجل است بهانه میاورد که این وظیفه من است . برنارد شاو

وظیفه حال را نباید آینده واگذارد، هرچند در آینده بهتر و بزرگتر باشد . ارنست تاویل

وظیفه ای را که از همه نشمانزدیک تر است انجام بدهید . گوته

وظیفه را در درجه اول و ثمره ای را که از آن باید چید در درجه دوم باید شمرد . کنفوسیوس

وظیفه راهی است کوهستانی که بسوی حقیقت میرود اما همه میخواهند راه آسانتری در پیش داشته باشند و بی دقت

و توجه دیگران جلو بروند اما نباید وقتی براه خود میرویم راه دیگران را قطع و خراب کنیم . ؟

هر کس با عزم و اراده متین سعی در انجام وظیفه نماید؛ مقصد و منظور اصلی خلقت خویش را بانجام رسانده و شالوده

یک اخلاق عالی مردانه ای را در نفس خویش استوار ساخته است . اسمایلز

هر که خوشی را بر وظیفه مقدم شمرد قابل استقلال نیست . آدوکاسیان

هر کس را بر تو حق و دین است، حق او را ادا کن. اگر مالیات مدیونی بپرداز، اگر باید از کسی بترسی از او بترس

اگر باید بکسی احترام بگذاری به او احترام بگذار، اینست وظیفه شناسی . سن بال

هرگز بخاطر دوستت از انجام وظیفه ای چشم مپوش . سن لامبر

هر وظیفه ای را که فراموش کنیم، پرده ای بر روی حقیقتی که میبایست بدانیم کشیده میشود . روسکین

هنگامیکه وظیفه ات را انجام دادی، موظفی از انجام وظیفه شادمان باشی . گوته

یک قدم خارج از دایرهٔ وظیفه ممکن است ما را به پرگاه نیستی بکشاند .

کزنی

رسید مژده که آمد بهار و سبزه دمید — وظیفه گر برسد مصرف گل و بنفشه بنید

حافظ

ای عاشق گدا چو لب رود بخش یار — میدار نزل و وظیفه تقاضا چه حاجتست

حافظ

ای کریمی که از خزانهٔ غیب — گبر و ترسا وظیفه خور داری
چشم نان را کجا کنی محروم — تو که با دشمنان نظر داری

سعدی

وقت ـ فرصت

آدمیکه وقت شناس است وشمارا انتظار نمیگذارد. با این عمل خود نشان میدهد که نه تنها برای وقت شما بلکه حتی برای وقت خود هم ارزش قائل میباشد . ساموئل اسمایلز

آدمیزاد در مقابل سرنوشت بازیچه ای بیش نیست فقط حال است که در اختیار ماست و ما باید قدر و قیمت آنرا بدانیم ؟

آرزو یک خوشبختی بزرگتر، پیوسته مارا از لذت خوشبختی که از آن بهره مندیم باز میدارد . ژان دوال

آن فردائی که همه چیز امروز را فدای خوبی و بهتر نمودن آن میکنیم موهوم است شاید برای تو فردائی نباشد. غ ـ ذ

آنکه امروز را از دست میدهد فردا را نخواهد یافت خوشبختی آینده در استفاده کردن از زمان حال است. شانفک

آیا حقیقتاً زندگی را دوست داری؟ اگر چنین است وقت را ضایع نکن زیرا زندگی از ماده وقت ساخته شده است. فرانکلین

آیا جهالت نیست که آدمی ساعات شیرین امروز را فدای روزهای آینده نماید . شوپنهاور

آدم عاقل فرصت نیک را به بخت نیک مبدل میسازد . مثل یونانی

اتلاف وقت گرانبهاترین خرجهاست . بالزاک

از آینده نا راحت نباشیم. با رروزانه را بمنزل برسانیم . لاکوردر

از ابو مسلم خراسانی پرسیدند از چه باین مقام رسیدی؟ گفت: کار امروز را به فردا نیفکندم . عبدالله مبارک

از دست دادن وقت و فرصت مدان مانند کسی گوید این درخت را برکن. هرچه اندیشه کند که برکند، نتواند. گوید صبر کنم تا قوت یابم. پس هر قدر صبر کند درخت قوی تر گردد و او ضعیف تر شود و کندن آن درخت دشوار تر . ابوعثمان مغربی

از این و از آن چیزی نپرسیدم. بلکه بکار خود پرداخته و سرگرم آن گردیدم و بعد فرصت هائی را که مورد التفات مجلس نیست غنیمت دانستم امروز این را شناس و اقبال مینامند . کیب لینک

از بزرگمهر سئوال شد کدام ساعت ضایع تر؟ گفت آن زمان که بجای کسی نیکی توان کرد و نکند . بزرگمهر

از یک لحظه دیر کردن. بسی سود و فرصت که عمری از دست میرود . حجازی

اگر انسان به غصه امروز خود غم فردا و رنج دیروز را نیفزاید، مقدار او هرچه باشد بآسانی میتوان تحمل کرد . هولتیک

اگر خواهی از اوقات فراغت خود فایده برگیری. کلیه وقت خود را خوب به مصرف رسان و چون توانی یک دقیقه مطمئن مباش، یکساعت خود را بیهوده تلف مکن . فرانکلین

اگر راجع به آتیه فکر نشود، آتیه ای نخواهید داشت . جان گالزوش

اکثر نامرادیها و بدبختیها یکه گریبانگیر اشخاص میشود بر اثر عدم توجه و اعتنا، بدقایق گرانبهای زندگیست . ربیع انصاری

امروز را دریاب و به فردا هرچه کمتر توانی تکیه کن . هوراس

امروز . امروز . امروز . — دوسکین

انسان آنقدر فرصت ندارد که نیمی از عمرش را صرف نزاع و ستیزه کند. اگر کسی از حمله و بدگوئی به من دست بکشد هرگز گذشته را برای تلافی بخاطر نخواهم آورد . — لینکلن

از این ستون بآن ستون فرج است . — مثل فارسی

اشتباه یک لحظه یک عمر اندوه به بار میاورد . — مثل چینی

اگر غیبت کردی انتظاری نداشته باش . — مثل ترکی

بامروز توجه کنید . زیرا زندگانی همین امروز است ، در مدت کوتاه امروز است که تمام تغییرات و حقایق وجودی شما یعنی درخشندگی ، نموجوانی ، افتخار عمل و شکوه جوانی ظاهر میشود ، دیروز یک خواب بود - و فردا یک احتمالی بیش نیست ولی امروز اگر خوب زندگانی کنید هر دیروزی را خواب خوش و هر فردائی را یک احتمال امیدوار میگرداند . پس بامروز خوب توجه کنید که بامداد جوانی همین امروز است . سانسکریت

برای اینکه عمری بخوشی و موفقیت بپایان برسانیم باید موقعیت زمان را در نظر بگیریم و باقتضای آن - گام برداریم . — داسل

بزرگترین فن زندگی استفاده از فرصتهای بی نظیر است که بر ما میگذرد . — سالوئیل

بزرگترین مصیبت آنستکه بتوانی کاری نیک انجام دهی و آنقدر خود داری کنی که وقت آن بگذرد . . — ؟

بشرط دانستن قیمت وقت هم به ثروت و هم به صحت میتوانیم نائل شویم .

کاظم زاده ایرانشهر

بعضی از پدر و مادرها همه چیزشان را صرف فرزندانشان میکنند به جز وقت خودرا .

مودیس سایتر

به غیر از وقت هر چیز دیگر قابل خریداری است .

مثل سویسی

پنج چیز را قبل از پنج چیز غنیمت بشمار: جوانی را پیش از پیری و سلامتی را پیش از بیماری و بینیازی را پیش از تهی دستی و آسودگی را پیش از گرفتاری و زندگی را پیش از فرا رسیدن مرگ .

حضرت محمد

تا موقعیکه در این دنیا هستید از مواهب و برکات آن استفاده کنید .

سلون

تردیدهای ما خیانتکارند، ما را از امتحان فرصتهائی که بدست آورده ایم باز میدارند و از نعمتهائیکه میتوانیم استفاده لئیم محروم همان میدارند .

؟

تنها سرمایه گرانبهای ما وقت است و اگر رفت دیگر برنمیگردد .

اسمایلز

تیک تاک، تیک تاک، ساعت زندگی باید برای مبارزه حیات استهلاک شوند. بیائید مسامحه ننمائیم لحظات زمان را با افعال نافذ آرائیش دهیم و انفاس محدود خود را با بردمندی و افتخار بپایان رسانیم . گودکی

تا موقعیکه آهن گرم است باید آنرا کوبید .

مثل آلمانی

چون در میان زمان زندگی میکنیم مجبوریم با او بجلو برویم و در غیر اینصورت او ما را بجلو خواهد راند کسی که با میل باز زمان به پیش میرود خوشبخت است .

هردر

حال گرانبهاترین اوقات و هنگام فرصت ماست . اناگرئون

حوادث بزرگ برشتهٔ نازک و موئی بسته است . مرد دانا از ناچیزترین جریانات استفاده میکند و آنچه را که

ممکن است فرصت مناسب و موقعیت ممتازی نصیبش سازد از نظر دور نمیدارد . ناپلئون

خوشبخت کسیکه دم را غنیمت میشمارد و بخود میگوید: من امروز خوشتم تا فردا چه پیش آید . دریدون

خلق از آن در رنجند که کارها را پیش از وقت طلب میکنند . شیخ ابی سعید

خیلی سعادتمندم اگر در برابر چندین میلیون دلار چند سالی از این وقت را که مردم بدون فکر از دست میدهند خریداری کنم . اندرو کارنگی

خوشبختی ها به ساعت نگاه میکنند . مثل روسی

در مواقع ضروری در برداشتن یک قدم بزرگ مردد نباشید . ویل روگرز

در هر کاری یک ربع ساعت زودتر شروع به فعالیت کردم تمام موفقیت های خود را مرهون این اقدام هستم . نلسون

در زندگی لحظاتی وجود دارد که انسان صمیمی ترین دوستان خود را بیگانه می یابد . ؟

در باره وقت حساس باشیم . تودبز

در سراسر اعمال بشری جزر و مدی موجود است که اگر آدمی در مجرای آن واقع شود به ساحل سعادت میرسد وگرنه

سراسر عمری در گود الهای بدبختی و فلاکت سیری خواهد شد . شکسپیر

در میدان چوگان بازی کسی گوی را میرباید که بتواند زودتر خود را به گوی برساند . م

دوست عزیز اگر میل کردی یا لازم شد نقدینهٔ خود را در بریز و اراضی و املاک و مستغلات خود را از دست بده ولی حتی یک ساعت از وقت را که نمیتوان ارزش آن را معین نمود از دست مده . دکتر ماردن

دی رفت و باز نیاید ، فردا را اعتماد نشاید . حال را غنیمت دان که دیر نپاید . خواجه عبدالله انصاری

دوست در روز زمان است . مثل انگلیسی

راز موفقیت در زندگی اینست که موقعیکه فرصت آمده انسان برای استفاده از آن کاملاً آماده باشد . دیزرائیلی

روزیکه بینوائی به نوا میرسد و نان و خورش بر روی سفره اش میگذارد ، روحش آرام و قلبش شاد میگردد ... ؟

آنروز عید او است .

روزگار نسبت به کسیکه بداند وقت خود را چگونه مصرف کند ، فوق العاده مهربان است . لرد آویبوری

روزگار دریائی است که کشتی زندگی ما بر روی آن بطرف ساحل مقصود میرود ، این دریای بزرگ همیشه در جزر و مد است اگر امروز آرام باشد مسلماً فردا طوفانی خواهد بود بنابراین وقتی آرام است فرصت را غنیمت شمارید . شکسپیر

زمان همه چیز را از بین میبرد . تنها عشق است که آنرا جاویدان میسازد . پل کلودل

زندگی کوتاه است و راه کار دراز و فرصتها زود از دست میرود . بقراط

سحر خیزی بهترین عادت است . زیرا با این عادت عادات نیک دیگر تولید میگردد . فرانکلین

سعادتمند کسی است که غم و غصهٔ فردا و بود و نبود را نخورد و در مقابل مصائب خود را نبازد و آنچه را که در دست

اوست غنیمت شمارد .

اپیکور

سپیده دم هر روز بهر کدام از ما فرصتی میدهد که کارهای خوبی انجام دهیم و کار را از نو شروع کنیم تا بتوانیم شکستها و ناکامیهای دوره گذشته را جبران نمائیم .

دکتر ماردن

ساعات صبح طلا در دهان دارد .

مثل آلمانی

شما که نمیدانید امروز چه میشود به فردا افتخار نکنید .

سلیمان بن داود

شما وقت را از دست نمیدهید این وقت است که شما را از دست میدهد .

جین مولر

ضایع ساختن وقت و غنیمت نشمردن فرصت باعث غم و اندوه است .

حضرت امیر

علت اینکه اتریشی ها پیوسته شکست میخورند این است که از ارزش وقت بیخبرند .

ناپلئون

غافل مشو زکار که فرصت غنیمت است .

؟

غیبت محبوب دوست باد فاهر قدر کوتاه و ناچیز باشد بنظر قرنی است .

مولیر

فرصتها را از دست دادن اندوهها بار آورد .

حضرت محمد

فرصتها میگذرد ، مانند گذشتن ابرها .

حضرت محمد

فرصت چون ابر زود گذر است پس مهیا باشید تا از فرصتهائیکه دارید بهره برگیرید .

حضرت امیر

فرصت گرانبهاترین اشیاء تست به گرانبهاترین کارها صرف کن .

سهل بن عبدالله

فرصت از دست مده و در کار هستی مکن که میوهٔ آن ذلت است .

فیثاغورث

فقط امروز در اختیار تو است برخیز و برای کار آماده باش و از هیچ چیز بیم نداشته باش .

توماس رکمس

فرصت مناسب نردبان سعادت عقلا است .

مثل یونانی

فرصت زیر پا افتاده است : دستت را پیش ببر تا آنرا برداری .

مثل انگلیسی

قبل از آنکه آفتاب سر از افق بکشد از خواب برخیز تا خورشید بگوید همو ریک نفر در رختخواب کاهلی فرو مانده بارو گشاده و عزم راسخ بدنبال کار خود برو .

فرانکلین

کارها درگرو وقت آنهاست .

حضرت محمد

کار را امروز به فردا افکندن از کاهلی تن است .

ابوالفضل بیهقی

کار بسیار درستی است که تا آهن گرم است آنرا بکوبیم ولی درست تر آنکه با کوبیدن آنرا داغ کنیم .

کرامول

کار امروز را به فردا میفکن که چون فردا شود تازه امروز است .

؟

کسیکه بخواهد میوه‌ای را قبل از وقت رسیدنش بچیند آنرا از بین برده است .

حضرت امیر

کسانیکه کار امروز را به فردا موکول میکنند آنهائی هستند که کار فردا را هم به پس فردا موکول خواهند کرد .

اسماعیل

کسانیکه آهسته میروند اگر همواره در راه راست قدم زنند از آنان که میشتابند و بیراهه میروند بسی پیشتر خواهند رفت .

دکارت

کسیکه از فرصت استفاده نمیکند کلاهش همیشه پس معرکه است .

مثل ایتالیائی

کسانیکه در انتظار زمان نشسته اند. آنرا از دست داده اند . مثل ایتالیائی

گذشته ها بآینده ها سخت همانند است! اگر بر گذشته "افسوس میخوری آنچنان است که بر آینده دیده وری" حسرت میخوری

خردمندان چنین نکنند و حال را بر دریغهای گذشته و احکام آینده ترجیح ننهند . حضرت امیر

گذشته گذشت و آنچه میآید بر تو پوشیده است آنچه که در دست داری مغتنم شمر و بعمل گرای . حضرت امیر

گذشته آینده ملاقات شده است . ؟

ما با گذشت زمان تغییر میکنیم . زمان وظیفه خود را شرافتمندانه انجام میدهد . دیکنز

ما همه فرزندان زمانیم . شه فر

مردمان احمق همیشه از گذشته حرف میزنند عقلا در فکر حال هستند . دیوانگان از آینده سخن میرانند . ناپلئون

مرور زمان بخودی خود بسیاری از نگرانیهای ما را از میان میبرد . دیل کارنگی

موجود را به مفقود و یافته را به نایافته مفرد مشو . خواجه رشید الدین وزیر غازان

نگر که کار امروز به فردا نیفکنی که هر روز که میآید کار خویش میآورد . ابوالفضل بیهقی

وقت تو میان دو نفس توست یکی گذشته و یکی نا آمده . شیخ ابی سعید

وقت مانند مد دریا برای کسی منتظر نمیماند . ؟

وقتیکه امری را به فردا محول میکنید فکر نمی کنید که هر روز و هر ساعت یک کار جدیدی را بهمراه میآورد . لابوله

وقت وجود خارجی ندارد، معهذا گرانبهاترین دارائی انسان است

اعتصام الملک

وقت عزیز خود را جز به عزیزترین چیز مشغول نکنید و عزیزترین چیزهای آدمی شغل وی میباشد .

کشف المحجوب

وقت بزرگترین و گرانبهاترین چیز است که در عالم وجود ، یافت میشود و ابدا قابل خرید و فروش نیست و نادارترین گداهای عالم همان مقدار از وقت را در تصرف دارد که برای پادشاه و یا یک رئیس جمهور قابل تصرف است ، مردم میتوانند زر یا چیز بهای دیگر را ذخیره کنند ولی به هیچوجه نمیتوانند چیزی از وقت ذخیره نمایند .

دکتو ماردن

وقتی مسافری بعد از سالها دوری از یار و دیار به وطن باز میگردد و از دیدن عزیزانش اشک شوق میریزد عید اوست ؟

وقتی دانشجوئی پس از سالها درس خواندن و رنج کشیدن گواهی نامهٔ پایان تحصیلات دریافت میکند عید اوست ؟

وقتی مادری پس از ماهها تحمل درد و رنج طفل سالمی بدنیا میآورد و با اولین تبسم او مهر مادری و عشق ملکوتی قلب او عاطفه اش را میلرزاند، این عید اوست .

؟

وقت طلا است .

؟

هرگاه دری از سعادت بروی تو گشوده شد آنرا غنیمت شمار و فرصت را از دست مده حه ندانی ، کی بسته خواهد شد

هرکس مشغول شود باوقات گذشته بیفاید نقد وقت از دست داده است .

؟

هر روز به تنهائی حکم یک عمر را دارد .

مه نکت

هرگز برای تمتع از خوشبختی امروز و فردا مکن .

اندره ژید

هر روز تو از فردا پیام است .

اقبال لاهوری

هرگز قدر آن روزها نیکه در کمال خوشبختی زندگی میکردیم نمیدانیم مگر زمانیکه برای همیشه آن ساعات خوش را از دست

داده باشیم .

توماس ولف

همیشه در زندگی فرصت را میبازیم و بانتظار فرصت میگذرانیم .

حجازی

امر سیاست در ایجاد فرصت نیست بلکه از فرصت استفاده کردن است .

فودریک کبیر

هنوز در زمانه دقایقی هست که از اسرار گذشته پربهاترند .

وین الفورد

هنگامیکه بیماری پس از پیری شدن دوران نقاهت و پس از ماهها صحت و سلامت خود را باز مییابد و از بیمارستان

مرخص میشود عید اوست .

؟

هنگامیکه زندانی بیگناهی که بهترین سالهای عمر را در پشت میله های زندان بارنج و بدبختی بسر برده خبر آزادیش را میشنود

و از زندان آزاد میگردد عید اوست .

؟

هنگامیکه انسانی با ایمان و نوعدوست درماندهای را کمک میکند و بخاطر انسانیت افتادهای را نجات میدهد، وجدانش

آرام و روحش غرق مسرت میشود عید اوست .

؟

هر لحظه از زمان را از آن خود گردان .

مثل چینی

در هر جا اگر دیر برسید بهتر از آنست که غایب باشید .

مثل انگلیسی

یک زمان غافل شدم صد سال راهم دور شد . ؟

یک سخنه بموقع آدمی را از سخنه بعدی نجات میدهد . ابوالعلا

یک دلیل بزرگ برای اثبات وقت شناسی، کوتاه کردن صحبت در تلفن است . مونه زدارد

یک متر طلا نمیتواند یک متر وقت را بخرد . مثل چینی

یک اقدام بموقع بعوض صد اقدام مؤثر واقع میشود . مثل فرانسوی

یک ساعت بامداد بهتر از دو ساعت شب است . مثل آذربایجانی

آنچه نیرزد عوض ای هوشیار — عمر عزیزست غنیمت شمار

سعدی

گر صد سال بانی شاد و پیروز — همه عمر تو باشد یکی روز
گر سختی بری ور کامجوئی — تو آخر روز باشد کانروزی

دیس دیرین

بهم جنس که گفت حکیم پیر استاد — فرصت غنیمت است نباید زدست داد

سعدی

بر چهره گل نسیم نوروز خوشست — در صحن چمن روی دل افروز خوشست
از دی که گذشت هر چه گوئی خوش نیست — خوش باش و ز دی مگو که امروز خوشست

خیام نیشابوری

دریاب حیات را که در این بحر موج خیز — همچون حباب دقت تو بس زنازک است

واعظ قندهاری

غنیمت شمار این دمی را که هست — که هر دمی قیمت نزارد دو دست
مکن عمر ضایع بافسوس و حیف — که فرصت عزیزست الوقت سیف

سعدی

فرصت غنیمت است رفیقان در این خمار — فردا که هم‌چو گل همه بر باد رفتنی‌ایم

ابوالمعالی نصرالله منشی

نکته‌دار فرصت که عالم دمی است — دمی پیش دانا به از عالمی است

سکندر که بر عالمی حکم داشت — در آخر دمی کرد و عالم گذاشت

سعدی

هر چه بینی در جهان دارد عوض — گر عوض خواهی تحمل کرد غرض

بی‌عوض دانی چه باشد در جهان — عمر باشد عمر قدر این بدان

شیخ بهایی

آنهمه ناز و تنعم که خزان می‌فروخت — عاقبت در قدم باد بهاری آخر شد

حافظ

هدف

اگر بدانیم کجا هستیم. کجا میرویم و به چه وسیله میرویم یکی از مشکلات خود و اجتماع برطرف میشود . لینکلن

انسانی که معنی و هدف زندگی را بداند خود را نه تنها با افراد ملت خویش برابر خواهد دانست بلکه با تمام ابنای اقوام دیگر نیز مساوی خواهد شمرد . تولستوی

به طرف یک هدف هدفگیری کن . مثل شرقی

تنها گنجی که جستجو کردن آن برمنش میارزد هدف است . لوئی استونس

جاه طلبی مهمیزی است که آدمی را بکمبکش تابرنوشت برمیانگیزد و محرکی است که هدف را بزرگ و شرف را بزرگتر میشمارد و بعمل

زندگی بدون هدف چرخ زندگی را بدست قضا و قدر سپردن است . سه نک

مبارزه با مشکلات ما را بهدف نزدیک میسازد و نمیگذارد که افراد سرسری و سطحی باشند . ارنست همینگوی

مبارزه برای بدست آوردن پیروزی بمراتب زیباتر از خود پیروزی است . طی مسافت لذتبخش تر از رسیدن بهدف

است وقتی پیروز میشوی یا بهدف میرسی تازه میفهمی که داری در گودالی پر از خالی دست و پا میزنی . ؟

معنی حیات را در زیبائی و در قدرت باید جستجو کرد هر لحظه از زندگی ما باید هدف عالیتری داشته باشد . ماکسیم گودکی

هدف خود را باید در دی واقعیات بنا سازیم .

امرسون

یگانه عملی که در زندگانی انسان را به هدفش میرساند . انجام وظیفه است .

با نواستاهل

حاصل زهر چه هست بگیتی شرافت است — غیر از شرافت آنچه بود شر و آفت است

حکیمی

گوهر بی صدف درون دل است — صدف بی گهر درون گل است

قیمت دُر نه از صدف باشد — تیر را قیمت از هدف باشد

سنائی غزنوی

هنر ـ هنرمند

آنجا که طبیعت توقف میکند، هنر آغاز میشود . ویل دورانت

آنچه که در یک شب نمایش میآموزیم از عهدهٔ یک کتاب بزرگ بیرون است . ولتر

آنچه هنگام مردن براندوه میافزاید بهتری فرزند و کارهای بیهوده و ناپسند اوست و هر آنچه از غم میکاهد، هنرمندی
واندوخته داشتن کردار نیک و پسندیده اش میباشد . ؟

اختلاف رأی دربارهٔ خوبی و یا بدی یک اثر هنری نشان میدهد که آن اثر پرمعنی و جاندار است . اسکار وایلد

ارزش هنرمند را باید هنرشناس معین کند نه مردم توی کوچه؛ بتعریف این و آن عقده نشوید و خود را هنرمند نشناسید
بگذارید مقام و شخصیت شما بآنکه بدیگران تحمیل گردد، شناخته شود . رولا

از هر چیز که در زندگانی ما را غمناک میسازد نقاشی برای ما خوشایند است . میکل آنژ

اگر هنر داری بیاور وگرنه هنرنمائی مکن که رسوائی ببار خواهد آورد . گوته

اگر مردم میدانستند برای احراز مقام استادی چه رنجها برده ام و چه روزها و چه شبها جان کنده ام هرگز از دیدن

شگفتیهای هنر یم متعجب نمیشدند .

میکل آنژ

انسان وقتی هنرمند شد قلب او بقدر کافی وحشیست . چه ضرری دارد اگر لباس خوب بپوشد و خود را بصورت شخص عاقل در بیاورد .

توماس مان

اینکه انسان بتواند چیزهائی را که سبب آزار دیگران است در خود از بین ببرد هنر است .

کوکرل

بالاترین مزد هنرمند لذتی است که از توفیق خود میبرد .

اگوست ردن

باید هنر را از بند قوانین آزاد کرد و بصورت زیبا و طبیعی خودش جلوه گر ساخت .

بیزه

بدترین پاداش یک استاد اینستکه شاگردانش تا ابد در حال شاگردی وی باقی بمانند .

نیچه

بدبختانه همنوعان ما طوری ساخته شده اند که افراد یکه در راههای صاف و کوبیده شده راه میروند . پیوسته بر کسانیکه میکوشند راه جدیدی باز کنند سنگ میاندازند .

ولتر

برای اینکه واقعیات زندگی آدمی مانند آرزوها ، امیدها ، عشق ها یکنوع تجسم واقعی و بادوام یابد ، کسانی لازمند که حساستر روشن بین تر و وارسته تر از دیگران باشند تا بتوانند با جوهر وجود خویش حیات دیگران را حل نموده هنرمندانه از آن نقشی بلیغ بسازند .

پوردند

بلندی پایهٔ صنایع یک ملت را نباید از روی صنعتکاران او اندازه گرفت بلکه از روی شناسندگان و حمایت کنندگان آن صنعتکاران .

لازاروی

بهمان شدتی که بقال بکاسبی ذوق دارد، هنرمند از معامله بیزار است . بالزاک

تا در کسب دانش و هنر چشمی و رقابت نورزید، بزرگ و باارزش نمیشوید . ؟

تجربه نشان داده است افرادیکه دارای نبوغ هنری فوق العاده بوده اند در ریاضیات استعداد نداشته اند -

هیچکس نمیتواند در هر دو رشته ممتاز گردد . شوپنهاور

تشخیص دادن عیوب خیلی بهتر از دیدن هنرهاست . دیلکارنگی

تکامل باید هدف اولیه همه هنرمندان حقیقی باشد . بتهوون

تمام هنرها برادر یکدیگرند، هر یک از هنرها بر هنرهای دیگر روشنائی میافکنند . ولتر

تنها وظیفه هنر پیشه این نیست که روی صحنه بازی کند، بلکه باید بازندگی طبیعی وسیله انتقال افکار نویسنده به تماشاگر بشود چه

خوشبختند هنرمندانی که بجای ایفا نقش بازی کردن وظیفه فهماندن بمردم را انجام میدهند . لوئی ژوده

تنها کسیکه هنر دارد و کاری از او ساخته است میتواند بفردای خویش اطمینان کند . سعید نفیسی

چه مردمان مستعدی که از نداشتن مربی و مشفق روح شناس عمر خود را تلف کرده و هنرهای خود را بگور برده اند . نظم زاده ایرانشهر

خدایا هنر چقدر بلند و عمر چه اندازه کوتاه است . گوته

دانشمندان، علما، بزرگان، هرکدام نردبانی برای ترقی دارند، لیکن شاعران و هنرمندان این مدارج را پروازکنان میپیمایند هوگو

دانش و هنر از هر اقلیمی برخیزد و متعلق به هر قومی که باشد از آن همه جهانیان است . پوشکین

در ترویج دانش و هنر، اهتمام نمایید تا صاحبان استعداد از طبقات مردم ضایع نشوند .

در هنر اگر الهامات در قید قوانین باشند آثاری که زاده آن الهامات هستند از ارزش هنری نخواهند داشت . کلود دوبوسی

در این دنیای پست و درمانده که کوچکترین شور و اشتیاق مواجه با حرمان میشود یگانه روزنه گریز هنر است و بس . برنو واتر

در اعمال بزرگ ! فراد خود را آنچنان که باید باشند نشان میدهند و در اعمال کوچک آنچنان که هستند . شانفود

در هنر هم مانند زندگی فقط آزادی و ترقی است .

بتهوون

در هنر تعویق انداختن، تنبلی، هوسها، اختناق، بدخوئی، نفهمیدن، نقص و تکرار اشتباه، تمام اینها زیانبخش است و باید از بین برود، برای نیل بمقام منافع هنر بیگانگی باید مانند کودکان که ببازی خود ایمان دارند بهنر خویش مؤمن باشند تا بواقعیت هنر پی برده، هنرمندی بزرگ گردید .

استانیلاوسکی

زیبائی دنیا بسته به هنرهای زیبا است، هنر مایه غرور و وسیله تسلیت و تشفی خاطر است .

آناتول فرانس

سادگی، صداقت و عدم تصنع در هر اثر هنری بزرگترین اصول زیبائی است .

بلوک

سنت در هنر بمنزله کتاب الفباست، اما جز این ارزشی ندارد .

بالزاک

شاعری بزرگ در کشوری غریب که زبان مردم را اندیشه سرنوشتی مبتلاست در نسل جدید، هنرمندان گروهی از شاعرانند که نخواسته اند سخن گفتن بیاموزند از این رو چیزی بیان نمیکنند .

اکوست رودن مجسمه ساز و نقاش فرانسوی

شاد ماندن بهنگامیکه انسان در گیرودار کار ملال آور و بیش از اندازه پر مسئولیتی است، هنر کوچکی نیست . نیچه

شنیدن خرده گیریهای نامطبوع اگر بعد از تجید مزایا و هنرهای ما باشد چندان بر ما گران نمیآید، همانطور که سلمانی قبل از

آنکه تیغ را بکار بیندازد، صورت را صابون کاری میکند .

دیل کارنگی

طبیعت هنگامی زیباست که در ما همان تأثیر هنر را انداشته باشد باین طریق زیبائی چه در طبیعت و چه در هنر

ممکن است بوسیلهٔ هم آهنگی و شور انگیزی و مخصوصاً اتحاد درونی آن دو با هم توصیف گردد .

کانت

غالب اشخاص هنر را حس میکنند بعضی ها میفهمند ولی عدهٔ بسیار کم هم حس میکنند و هم میفهمند .

هولادد

فقط عقیدهٔ مرد هنرمند قابل توجه است، حتی در مورد روش و اخلاق .

اسکار وایلد

فرصت معبود هنر و هنر معشوق فرصت است .

مثل ایتالیائی

کسب هنر برای همه کس از غنی و فقیر لازم است چه بسیار فقیران نیازمند که از راه هنرمندی بمقام ثروت و بی نیازی رسیده اند

و چه فرزندان اغنیا که به ثروت مغرور و از صناعات و آداب محروم گشته و بروزگار مذلت و درویشی افتاده و مورد

زحمت دوستان و محل شماتت دشمنان شده اند .

اخلاق ناصری

کسیکه با دستش کار میکند کارگر است، کسیکه با دست و عقلش کار میکند پیشه ور است، کسیکه با دست و عقل و احساسش

کار میکند هنرمند است .

؟

کسیکه تصمیم گرفته در نقاشی و یا هنر دیگر بر همگان برتری جوید باید تمام قوای دماغی خود را از هنگام برخاستن تا هنگام

بخواب رفتن روی همان یک موضوع متمرکز سازد .

اینولوز

کسیکه هنگام ظاهر شدن در صحنه مارا وادار کند که فراموش کنیم او هنرپیشه است بهترین هنرمند است . شارل دیدرک

مایهٔ کار و سرمایهٔ افتخار هنرمند، اندیشهٔ اوست .

دکتر پرویز خانلری

ما نسل بدبختی هستیم، به همین جهت از بیچارگی ناچاریم به کمک دروغهائی هنرخود را از واقعیتهای زندگی دور نگه داریم . ژرژ ساند

مردم همیشه از نقاشان میخواهند که شیوهٔ تازه ای در آثار خود بکار برند. با این وجود پرده های کهنهٔ نقاشان قدیمی را به قیمت بیشتری خریداری میکنند .

مودیس اوسوبلو نقاش فرانسوی

مرد آزاده پروردن هنرهای عالی را اساس مصاحبت با دوستان خود قرار میدهد و بوسیلهٔ مصاحبت با دوستان خود، فضایل اخلاق را در نفس خویش بکمال میرساند .

کنفوسیوس

مسکنت در کوی هنرمندان و رنجبران را نمیدارد و شادمانی در خانواده ایست که مهربانی در آنجا حکومت میکند . شکپیر

من میتوانم ادعا کنم که در هنر، تحمل بار مقدرات، اعم از شادی و تعب، آنقدر مسلط شده ام که مصائب در نهاد من، وجد و نشاطی ایجاد میکند که قرین سعادت است .

کلر

نمیدانم چه سری بین هنرمندان حقیقی وجود دارد که هیچکدام بدنیا روی خوش نشان نمیدهند . بتهوون

وقتی از میکل آنژ سؤال شد: چرا تا بحال ازدواج نکرده ای؟ بدون تأمل جواب داد: من با هنر خود ازدواج کرده ام و آثاری که از خود بجای میگذارم در حکم فرزندان من هستند ....

وقتیکه احساسات ما بوسیلهٔ هنرهای زیبا تحریک میشود این تحریک حس ما را در مقابل چیزهای لغو و مخوف زندگانی

نیروی مقاومت میدهد . — بل والری

هدف هر اثر هنری نشان دادن چند سوژه اصلی و هدایت کننده است . — ؟

هر کجا که زندگی تظاهر کند هر چند تلخ باشد، حقیقت هنر در همانجاست . — داستایوسکی

هر کس مرتکب اشتباهی نشده ، اکتشافی هم نکرده است . — گالیله

هشتصد میلیون تخته سنگ عظیم را فراعنه بر روی ایران خود بفاصله هزار کیلومتر عبور دادند تا اهرام مصر شاهکار همیشه جاویدان خود را بسازند . — تاریخ مصر

هنر کلید فهم زندگی است . — اسکار وایلد

هنر تلخیهای زندگی را افزون میسازد و با وجود این تلخیها زندگی را شیرین میکند . — شوپن

هنر یکرشته مطالعه و تحقیق بی پایان است . — شومان

هنر و دانش برگزیده ترین و بزرگوارترین مردم را بهم مربوط میسازد . — بتهوون

هنر در طبیعت نهفته است و متعلق به کسیست که آنرا از طبیعت استخراج کند . — دودد

هنر من باید برای سعادت بیچارگان اختصاص یابد . — بتهوون

هنر دشمنی دارد . به نام جهالت . — بن جانسن

هنر پیشه باید هنر خود را آشکار و خود را پنهان کند این است هدف هنر . — اسکار وایلد

هنر از احتیاج زاده میشود و از ثروت میمیرد .

؟

هنر پیشه آفریننده زیبائی است .

اسکار وایلد

هنر زائیده دوستی این سه چیز است ، استعداد ، استاد خوب و پشتکار .

تن

هنر در باید برای عده ای بیشمار مفید باشد نه برای عده ای معدود .

تالمن

هنرمند ، هنرش را بخاطر لذت جامعه دوست دارد ، نه به خاطر سود و نفعی که از آن میبرد .

؟

هنرمند عاشق طبیعت است و بهمین جهت هم برده و هم ارباب آن است .

تاگور

هنر محصول تحریک احساسات و هدف آن نیز انتقال احوال نفسانی و عواطف انسانی است .

تولستوی

هنر قدرت و توانائی نیست ، بلکه تسلی خاطر است .

توماس مان

هنر زیور بشر است و بشر زیور کیهان .

ناصرخسرو

هنر خوب است اگر احساسات خوب را ترویج کند احساسات هنگامی خوبند که شعور ممیز نیک و بد بخوبی آنها حکم دهد و این شعور در میان مردم یک عصر مشترک است ، هنر جهانی یک محک درونی دارد و پایرجا و بیخطا : یعنی همان وجدان پاک .

تولستوی

هنرمند متعلق به آثارش میباشد و آثارش متعلق بدیگران .

هاردون بورگسن

هنرمند با شناختن آنچه کرده اند میفهمد که چه باید کرد ؛ یعنی مالک فرهنگ و دستور کار پیشینیان خود میگردد و گابریل سه آی

هنر دعوتیست بسوی سعادت .

شپیلستر

هنر نوعی رستگاریست . ما را از خواستن یعنی درد و رنج آزادی میبخشد تصاویر زندگانی را دلربائی میدهد . شوپنهاود

هیچ گنجی به از هنر نیست و هیچ هنری بزرگوارتر از دانش نیست و هیچ سرمایه ای بهتر از شرم نیست و هیچ دشمنی بدتر از خوی بد نیست .

سقراط

هر کس هنر بازی کردن با احساسات مردم را بداند آقای مردم میشود .

مثل اسکاندیناوی

یک هنر دوست ممکن است هنرمند نشود . ولی یک هنرمند محققاً باید هنر دوست باشد .

دیزرائیلی

یک روز بدون درک زیبائیهای هنر زیستن مانند چندین روز با غم بسر بردن است .

برلیود

یک عکس ارزش ده هزار کلمه را دارد .

مثل چینی

بهترین مراتب آن باشد — کانس به فضل و هنر مدحت آید

رتبتی کانس نباشد استحقاق — زود دشمن از رشک شکست آید

ابن یمین

هنر از خوی گذشتنهاست نه در بردباریها — گرفتم پیشدی گر بگذری از خویشتنی

فتح‌الله بوستی

هنر طلب که هنرمند سعادتمند و بخت — بروزگار کهن ماه نو شود ایرل

هنر چو مشک بود مشک را کجا پنهان ماند — جهان ز نفحه او پر ز بو شود ایرل

ابن یمین

بوستان گل فضل و گلستان هنر — سیف دین ای ز وجه تو هنرها موجه

بگر فکرت دل صاحب‌نظران بر بابی — چون ز کتم عدم آید سوی صحرای وجه

مهر رایت چو بر اقلیم هنر سایه فکند — طالع اهل هنر شد متوجه به بجه

ذهن وقاد تو از سلک معانی گهر نظم — بسر انگشت بیین بازگشادت عقده

تا در اقلیم هنر نوبت شاهیت زدند — بنده گشت از دل و جان مستجواب ارادت محمده

ابن یمین

چو پرسند پرسندگان از هنر
نباید که پاسخ دهی از نسب

هنر نزد ایرانیان است و بس
نیارند شیر ژیان را ز کس

فردوسی

هنر بچشم عداوت بزرگتر عیب است
گفت سعدی و در چشم دشمنان خار است

سعدی

ای هنرمند هنرهای خردمند بخر
بیار خرد و مشرق عیان عین هنر است

عنصری

علیم مکن از عشق که در مکتب ایام
آموخته بودم به ازاین گوهر یکتا

نظامی

خواجه ای گفت که جز غم چه هنر دارد عشق
گفتم ای خواجه غافل هنری خوشتر ازین

حافظ

هر کسی را نتوان گفت که صاحب نظر است
گل بیخار بهشت است و مه بی‌کلف هنر

سعدی

هوس

آتشی مانند هوس نفسانی و کوسه ای مانند نفرت . دامی مانند جهالت و عذابی مانند آرزو وجود ندارد .

آدم چیزی راکه دارد نمیخواهد . چشم و دلش دنبال چیزهائی که ندارد میرود درصورتیکه هزارها مردم به داشته های او حسرت میبرند؟؟

آنکس که میخواهد به پاکی وطهارت باطن نائل آید باید خوشبختی را در فکر و کلام و عمل کاملا از قید هوی و هوس رهائی بخشد . گاندی

از تصور محسوسات توجه میزاید واز توجه خواستن وازخواستن شعله های هوی واز هوس عنان گسیختگی . حافظه عهد و وفا را فراموش میکند و مقصود الا را فرو میگذارد و روح را ناتوان میسازد تا آنکه روح مرد و مقصد والا همه از دست میرود . ؟

انسان نباید هرگز به پیروزی موقتی که بنفس یافته است فریفته شود زیرا نفس آدمی گاهی سالها خاموش و بدون جنبش میماند و ناگهان به اقتضای موقع و یا در نتیجه وسوسه ای باز بهیجان میآید . ناپلئون

اگر روزگار یک موجب ملال فراهم میکند ما خود بدست خیال ده موجب دیگر میسازیم . حجازی

از فرمان نفس حذر کن . خواجه عبدالله انصاری

اگر میخواهید غنی شوید از هوای نفس بکاهید . ولتر

اگر بتوانیم بر هوسهای خود تسلط پیدا کنیم تمام مشکلات برای ما آسان میشود. ولی تسلط بر هوس یک عمر زحمت دارد و ما چون کسی هستیم که عنان اسب سرکش را بدست داشته باشد، آیا میتواند دقیقه ای از مواظبت آن غفلت کند؟ معذلک هرکس بخواهد میتواند زمام هوسهای خویش را بدست گرفته و بدینوسیله کلید خوشبختی را در اختیار خود داشته باشد.

لرد آویبوری

بکوشید که بندهٔ هوس خود نباشید، وگرنه خوبی و بدی شما در قالب هوستان خواهد ریخت جز آن دم که هوستان خرسند است خوب نخواهید بود و هنگام ناخرسندی هوس جز بد نخواهید کرد.

تغییرپذیری نشانهٔ ناتوانی است کمتر اتفاق میافتد که یک شخص در دو روز یکسان چیزی را بخواهد و در صدد دست یافتن بآن باشد.

شادون

تنها تفاوتی که بین هوس و یک عشق جاویدان یافت میشود این است که هوس از یک عشق جاویدان بادوام تر است، چرخ زندگی دو دسته دارد یکی را هوس بدست میگیرد دیگری را امید عقل را بما دادند که تا یک دست از آن بگیریم و به پیکر این ببندیم.

بزرگمهر

خود را.. بهوس نزدیک مکن که خرد از تو روی برمیتابد.

حضرت محمد(ص)

دل انسانی همچون پری است که در بیابان بشاخهٔ درختی آویزان باشد، از ورزش بادها دائم در انقلاب است و زیر و رو میشود.

دیوژن به اسکندر جهانگیر گفته بود: تو بندهٔ بندهٔ من هستی. یعنی من بر هوسهای خود تسلط یافته‌ام و تو اسیر آن هستی.

لردآویبوری

کسی که در هوسرانی بکوشد از شخصیتش کاسته شود.

؟

مصائب حقیقی حیات آنقدر زیاد نیست، عذاب و بدبختی دائمی ما نتیجه اضطراب و وسواس و هوسبازی ماست. لردآویبوری

هوسها را بازیچه قرار دهیم نه آنکه خود بازیچهٔ هوسها باشیم. حجازی

هوس بروی خیالات واهی و خوشبختی بروی واقعیت بنا شده است. شامفور

هوس مال پرستی، بزرگترین سرچشمهٔ غم و رنج است. توان کنگ

هوسهای نفسانی غالباً ضد خود را تولید میکنند، مثلاً حرص گاهی تولید اسراف و اسراف تولید خست میکند ما غالباً از فرط ضعف قوی مینمائیم و از فرط جبن شجاع میگردیم. لارشفوگو

هیچ چیز از دست نرفته است و همه چیز در دسترس ماست. تو جور باش و مأیوس مشو، مالک همه چیز خواهی شد. محمد مسعود

تا هوی تازه‌ات ایمان تازه نیست
کاین هوی جز قفس آنرا دروازه نیست

با دو عالم هوی و آرزو یکست
چون هوی بگذاشتی پیغام او یکست

خلق در زندان نشسته از هوا
مرغ سوی پرها بسته از هوا

ماهی از بر تا به ای گرم هوا
رفته از ستور یا نشسته از هوا

گر هواها بند بنهاده شود،
صیقلی دولت بگشاده شود

تا کنون کی چنین اکنون مکن
تیره کی آب بی افزون مکن

گه این آئینه بی جز هوی
از هوی بگریز تا یابی صفا

مولوی

در بستر آرزو غنوده تا کی
تا چند هنین نفس بنوده تا کی

یک ره به هوای هم سری بالا کن
بر درگه خلق جبهه سوده تا کی

منصور داماغانی

در چشم مزن آمد آن سهی سرو بلند
بربود دلم ز دست و در پای فکند

این دیده شوخ سیکشد دل همه بند
خوبی که بکس دل نهی دیده ببند

رودهٔ تنگ بیک نانی تهی پر گله
نعمت روی زمین پر نکند دیدهٔ تنگ

سعدی

تو نشیده‌ای درستان عنیک
برانش ژرف دریا که زد با هنگ

که گر بر خرد چیره گهی هوی
نیابد ز چنگ هوی کس رها،

هوی سوی بیش رای و خرد
کز آنس پس فرد سوی تو سنگ

فردوسی

چه خبر دارد از حقیقت عشق
پای بند هوی نفسانی؟

خودپرستان نظر تشخیص کنند
پاک بینان بصنع ربانی

سعدی

گر از پی شهوت و هوی خود می‌رفت
از من خبرت که بی تو از خود می‌رفت

بنگر چه کسی و از کجا آمده‌ای؟
میدان که چه می‌کنی کجا خود می‌رفت؟

خیام نیشابوری

پایان

بخط حسین خسروی
۱۳۶۵ شمسی

منابع این کتاب

هزار گفتار از نهج البلاغه حضرت امیر علیه السلام

هزار و یک سخن در امثال و نصایح و حکم - امیر قلی امینی

عقاید فلسفی ابوالعلاء - عمر فروخ حسین خدیو جم

افکار جاویدان - احمد زرازدند

جام جهان نما - احمد ترک زاده

امثال ملل

در جستجوی خوشبختی - لرد آوبوری

مکالمات - کنفوسیوس

اندیشه های بزرگ - فریدون سنجری

اندیشه های عمیق - رحمت عیر

مجمع النصایح - ملا عبدالرسول مدنی کاشانی

افکار جاوید - غلامرضا واحدی

آئین زندگی - دیل کارنگی

هزار سخن - محمد حجازی

برگزیده ضرب المثلهای جهان - مهرداد مهرین

دانش و زندگی - احمد ترک زاده

گنج لغت - علامه برقعی

چکیده اندیشه ها - سید یحیی برقعی

سخنان پریر - رضا عطارپور

چکیده ها - محمد رسول فرهنگ خواه

خداوند و سیاست - خواجه نصیرالدین طوسی - اقبال یغمائی

دانای بزرگ، بزرگمهر - اقبال یغمائی

ابوسعید ابوالخیر - ایرج افشار

سخنان بزرگان در سیر اخلاق - دکتر مصطفی امینی پیروز

سخنان بزرگان - دکتر ابوالقاسم عطائی

اندیشه های مردان بزرگ - مهرداد مهرین

گلستان سعدی - شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی

دیوانهای شعر و دهها کتاب دیگر

KASHMIR UNIVERSITY
Library
312761

IQBAL LIBRARY
The University of Kashmir
Acc. No. 22701
Author
Title...

THE JAMMU & KASHMIR UNIVERSITY
LIBRARY.

DATE LOANED

Class No. [redacted] Book No [redacted]

Vol. _____ Copy _____

Accession No. [redacted]

IQBAL LIBRARY
The University of Kashmir
Acc. No. 22701
Author
Title

THE JAMMU & KASHMIR UNIVERSITY
LIBRARY.

DATE LOANED

Class No. [redacted] Book No [redacted]

Vol. _____ Copy _____

Accession No. [redacted]